درسنامه فقه

مطابق با فتاوای مراجع معظم تقلید

محمدحسین فلاح زاده

بسم الله الرحمن الرحيم

درسنامه فقه

مطابق با فتاوای مراجع معظم تقلید

محمدحسین فلاح زاده

فهرست مطالب

فصل اول: مقدمات

فصل دوم: عبادت

فصل سوم: روزه و اعتکاف

فصل چهارم: حج

فصل پنجم: امر به معروف و نهی از منکر و جهاد

فصل ششم: واجبات مالی

فصل هفتم: معاملات

فصل هشتم: روابط اجتماعی

فصل نهم: خوردنی‌ها و آشامیدنی ها

فصل دهم: نکاح و طلاق

فصل یازدهم: قضاوت و شهادت

فصل دوازدهم : حدود، قصاص، دیات و تعزیرات

فصل سیزدهم: احکام اموات

پیشگفتار

«بسم الله الرحمن الرحیم»

﴿فَلَوْلاَ نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَآئِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنْذِرُواْ قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾[1]

یکی از درس‌های زنده و اساسی مدارس علوم دینی، علم فِقه بوده و هست و فقیهان، از ارزشمندترین دانشمندان علوم اسلامی به شمار می‌روند و نام آنها همیشه بر تارک تاریخ حوزه‌های علمیه می‌درخشد و به گفته امام خمینی ﷺ:

> «صدها سال که روحانیّت اسلام تکیه‌گاه محرومان بوده است، همیشه مستضعفان از کوثر زلال معرفت فقهای بزرگوار سیراب شده‌اند».[2]

حوزه‌های علمیه و فقهای بزرگوار اسلام، در طول تاریخ برای حفظ فقاهت اسلامی و دفاع ازشریعت مقدس، تلخی‌ها و سختی‌های بسیار به جان خریده‌اند. چه بسیار کتاب‌ها که دروضعیت تقیّه و یا گوشه زندان نگاشته شده،[3] و چه بسیار کتابخانه‌ها که حاصل صدها سال رنج وتلاش آنان بوده، به تاراج رفته، یا در آتش خشم و کینه دشمنان سوخته است.[4] و بالاتراز همه چه بسیار بزرگانی که در راه آرمان و حفظ دین خدا سر و جان دادند و خون سرخشان، اوراق کتاب فقاهت را رنگین کرد و گاه اجسادشان را سوزاندند و خاکسترشان را به

---

۱ .سوره توبه، آیه ۱۲۲.

۲ .صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۸۹.

۳ .مانند کتاب «اللّمعة الدمشقیّه» تألیف فقیه نامدار، محمد بن مکی العاملی، معروف به «شهید اوّل».

٤ .مانند کتابخانه شیخ طوسی در بغداد.

باد دادند![1] امّا آنان با همه این مشکلات و سختی‌ها، هرگز از پای ننشستند و دست از تلاش نکشیدند و مسائل فقهی را پس از استنباط از منابع آن، همچون گوهر گرانبهایی حفظ کردند و به نسل های بعد ازخود انتقال دادند. و همواره با تلاش فراوان و دقت بی نظیر، با کشف فروع مختلف فقهی و تبویب آنها و تطبیق برعناوین و مصادیق آن، همیشه رهگشای امت اسلامی بوده و هستند.[2]

گفتنی است در صحنه نگارش و آموزش در حوزه های علوم دینی، برای رشته های مختلف علمی از جمله «فقه» کتاب‌های ویژه‌ای برای سطوح مختلف آموزشی به رشته تحریر درآمده است.

آموزش فقه در حوزه های علمیه به سه مرحله تقسیم می شود و در هر مرحله کتاب هایی برای تدریس یا مطالعه نگاشته شده است:

- فقه غیراستدلالی؛ مانند: «رساله توضیح المسائل» و «تحریر الوسیله» و«العروةالوثقی».[3]
- فقه نیمه استدلالی؛ مانند: «الروضة البَهیّه»[4] معروف به شرح لمعه و «شرایع الاسلام».[5]
- فقه استدلالی؛ مانند: «جواهرالکلام»[6] و «الحدائق الناضره».[7]

---

۱ .همچون شمس‌الدین محمد بن جمال‌الدین، معروف به شهید اوّل.

۲ . در پایان این مقدّمه، فهرست کوتاهی از نام و مشخصات و آثار فقهای شیعه، از آغاز عصر غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تا زمان امام خمینی قدس‌سره آمده است.

۳ ــ کتابی است در فقه که بخش عمده مسائل فقهی را دربردارد و در حدّ خود، از نظر برخورداری از فروع مسائل، کم‌نظیراست. تألیف فقیه بزرگوار سید محمد کاظم یزدی.

٤ .کتابی در فقه، تألیف دانشمند گرانقدر، زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی معروف به «شهید ثانی». این کتاب شرحی است برکتاب «اللّمعة الدمشقیّه» تألیف شمس‌الدین محمد بن مکی معروف به «شهید اول».

۵ .کتابی در فقه، تألیف علامه محقق، جعفربن حسن بن یحیی بن سعید معروف به «محقق حلّی». نویسنده در این کتاب، تنظیم جدیدی برای مسائل فقه پدید آورده و سال‌ها از متون درسی حوزه علمیه بوده است.

٦ . دائرة المعارف بزرگ فقه شیعه، تألیف فقیه سخت‌کوش، شیخ محمد حسن نجفی؛ این کتاب از مآخذ و منابع فقه شیعه است.

۷ . تألیف محدث ارزشمند و فقیه گرانمایه، شیخ یوسف بحرانی، که یکی از کتاب‌های تفصیلی فقه شیعه است.

آنچه پیش روی دارید مرحلهٔ اول فقه آموزی است که با هدف آموزش به طلاب جدیدالورود به حوزه های علمیه نگاشته شده است و چندین سال در حوزه های علمیه تدریس شده و در این مدت پیشنهادهایی اصلاحی و تکمیلی از سوی اساتید معزز به دست رسید و در نهایت به دستور شورای عالی حوزه علمیه تغییر، حذف، اضافات و اصلاحاتی در آن صورت گرفت که به شکل موجود تقدیم می شود ولی هرگزآن را خالی از نقص نمی دانیم و نظرات اساتیدمحترم را بر دیده می نهیم.

یادآوری چند نکته:

۱. متن این کتاب مطابق با فتاوای بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت آیه‌الله العظمی امام خمینی ﴿ره﴾ است و کتاب‌هایی که در تدوین این نوشته استفاده بیشتری از آنها شده است، عبارتند از:

- تحریر الوسیله .دار الانوار.
- توضیح المسائل .بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- استفتاآت .دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- العروة الوثقی .المکتبة العلمیة الاسلامیة.

۲. در متن این کتاب، مسائلی که تفاوت فتوایی در آنها به حدّی است که مقلدان سایرمراجع نمی‌توانند به آن فتوا عمل کنند، با علامت «□» مشخص شده است تا آن عزیزان برای شناخت نظرمرجع تقلید خود بتوانند به رساله وی مراجعه کنند، یا اساتید محترم در صورت صلاحدید، به موارد اختلاف اشاره نمایند. گفتنی است که همه اختلاف فتواها به گونه‌ای نیست که اگر مقلّد به مسائل متن عمل کند، خلاف فتوای مرجع تقلیدش عمل کرده، یا واجب را ترك شده باشد؛ مثلاً اگر مسأله‌ای که در متن آمده، فتوا باشد و مرجع تقلید کسی در همان مسأله، احتیاط واجب داشته باشد، اگر مقلد به آن فتوا عمل کند، به همان احتیاط نیزعمل کرده است ومشکلی پیش نمی‌آید.

۳. این کتاب جنبه آموزشی دارد و توسط استادان محترم تدریس می شود و شاگردان نزدمعلم خود، آن را می آموزند، گرچه در شیوه نگارش تلاش ما بر این بوده که مطالعه آن نیز مفیدباشد و مسائل شرعی را به مطالعه کنندگان بیاموزد.

٤. برای اطمینان بیشتر و مراجعه به منابع اصلی ـ در صورت نیاز ـ مآخذ مسائل در پایان

هرصفحه آمده است.

۵.کتاب حاضـر، قبل از چاپ، چند دوره تدریس شـده و نواقص آن ـ در حدّ توان ـ برطرف گردیده اسـت و افزون براین، چند تن از دوسـتان فاضـل حوزه، عنایت فرموده و بخش هایی از آن‌را مطالعه کرده و رهنمودهایی ارائه داده‌اند، که در اینجا از همه آن عزیزان تشکرمی‌شود.

٦.جهت اختصار در مطالب، علائم زیر به کار رفته است:

ج = جلد ص = صفحه م = مسأله س = سؤال

سخنی با استادان محترم

۱. محتوای هر درس ـ با اسـتفاده از تجربه چندین سـاله ـ برای یك سـاعت تدریس، تنظیم شده، که همراه با توضیحات استاد، این مقدار از زمان را دربرخواهد گرفت، ولی در چند درس از این کتاب، چون مطالب یك بحث ناقص می‌ماند، حجم بیشتری پیدا کرده و ممکن است وقت بیشتری بطلبد؛ که در صورت تمام نشدن مطالب، در یك جلسه، باقیمانده آن در جلسه بعد تدریس خواهد شد و در چند درس دیگر؛ از آنجا که یك بخش ازمسائل، تمام شده و درس بعد، از ابتدای بحث جدید آغاز می شـود، حجم کمتری دارد که باید فرصـت باقیمانده را از درس بعد استفاده کرد.

۲.برای تدریس این کتاب، هرگز نباید به مطالعه مطالب آن اکتفا شـود، بلکه بجاسـت اسـتادان محترم، قبل از تدریس، علاوه برمطالعه دقیق هربحث، فروع مسـائل و پاسـخ پرسش هایی که ممکن است از سوی شاگردان مطرح شود، مورد ملاحظه قرار داده و با آمادگی کامل در کلاس حاضرشوند.

۳. اسـتادان محترم در اوّلین جلسـات درس از شـاگردان خود بخواهند که نام مرجع تقلیدشـان را نوشـته و تحویل دهند تا بتوانند قبل از حضـور در کلاس مسایلی را که با علامت مشخص شده با مراجعه به منابع فقهی، نظرمقلَّد شاگردان را به دست آورده و در ضمن درس یادآوری کنند، یا آنها را به رساله مرجعشان ارجاع دهند.

٤.در این نوشـته سـعی شـده اسـت بدون آن که حکم شـرعی تغییریابد، از لغات سـاده وعبارت‌هایی روان و قابل فهم استفاده شود، گرچه از آشنا کردن دانش‌پژوهان با اصطلاحات فقهی هم غافل نبودیم، لذا استادان محترم اصل ساده‌گویی را فراموش نکرده، و از به کار گرفتن

اصطلاحات و لغات دشواری که ضرورتی ندارد و فهم مطالب را دشوار می‌سازد بپرهیزند.

۵. یکی از اصول مهم تدریس احکام، بیان مثال و تطبیق حکم بر مصادیق آن است. آنچه مردم با آن سر و کار دارند نمونه های عینی و عملی مسائل شرعی است. بنابراین، اگر برای هرمسأله، یك یا دو مثال آورده شود، به فهم مطالب کمك می‌کند و کاربردی بودن احکام شرعی معلوم می‌شود و علاقه شاگردان به فراگیری احکام بیشتر می‌شود در متن کتاب نیز برای بسیاری از مسائل، مثال آورده شده است و مثال، باید این شرایط را داشته باشد:

* متناسب با حکم.
* متناسب با فهم افراد.
* متناسب با شغل و موقعیت اجتماعی آنان.
* مورد نیاز مخاطبین.
* طولانی نشود؛ یعنی خلاصه و به اندازه نیاز باشد.
* زشت و مستهجن نباشد.
* تأثیر سوء نداشته باشد.

٦. اساتید محترم سعی کنند، خلاصه مطالب را بر تابلو بنویسند، این نیز در فراگیری افرادبسیار مؤثر خواهد بود.

۷. کسانی که توانایی نقاشی دارند، در آموزش برخی از مسائل احکام می توانند از این هنربهره بگیرند.

۸. استاد، برخی از مسائل احکام را باید پس از توضیح، در عمل نمایش دهد تا شاگردان به خوبی آن را فراگیرند؛ مانند وضو، وضوی جبیره، تیمم، نماز آیات و... و در این برنامه می‌توان از شاگردان نیز کمك گرفت.

۹. برای هر درس، چند پرسش نوشته شده که بیشتر آنها از مصادیق و نمونه های احکام است که استادان محترم جواب آنها را از شاگردان بخواهند و آنها را در یافتن پاسخ‌ها به ویژه سؤال‌هایی که شاگردان را به کتب مفصل فقهی ارجاع می‌دهد، یاری دهند.

۱۰. استادان محترم بخشی از وقت را به پاسخگویی پرسش‌های حاضران اختصاص دهند.

۱۱. پاسخگویی به پرسش‌های حاضران را می‌توان به دو شیوه شفاهی یا کتبی انجام داد و

در فرض اوّل، می‌توان در ضـمن درس، یا پایان هر درس، یا یك بحث به پرسش‌ها پاسـخ داد و در فرض دوم که سـؤال‌ها نوشـته می‌شـود و جمع‌آوری می‌گردد، در پایان هر درس یا در جلسـه بعد، به آنهاپاسخ داده خواهد شد.

۱۲. در برخی از درس‌ها، قسـمتی از مطالب «برای مطالعه» می‌باشـد، که اسـاتید محترم درصورت کمبود وقت برای تدریس، می‌توانند شاگردان را به مطالعه آنها راهنمایی کنند.

در پایان، بار دیگر از تمامی برادرانی که با مطالعه این کتاب رهنمودهایی داده‌اند تشکرکرده و خدای را بر این توفیق سـپاس می‌گویم و از نظرات و پیشـنهادهای سـازنده عزیزان اسـتقبال می‌کنم.[1]

«ربّنا تَقبَّل مِنّا اِنَّك اَنتَ السَّميعُ العَليم»

حوزه علمیه قم ـ محمد حسین فلاح‌زاده

تابستان ۱۳۹۵، هـ. ش.

---

۱. مایه سـپاس اسـت اگر نظریات خود را به نشـانی: قم ـ صـندوق پسـتی ۳۶۹۸ ـ ۳۷۱۸۵ یا پسـت الکترونیک amoozeshfgh@chmail.ir بفرستید.

فهرست فقیهان معروف شیعه

شماره	نام فقیه	لقب	وفات(هق)	تولد	کتاب فقهی مشهور
۱	علی بن بابویه	صدوق اول	۳۲۹	قم	الفقه الرضوی
۲	حسن بن علی بن عقیل	ابن‌عقیل عمانی	۳۲۹	عمان	اَلْمُتَمَسِّك بحبل آل‌الرسول صلی الله علیه و آله و سلم
۳	محمد بن علی بن بابویه	شیخ صدوق	۳۸۱	قم	المقنع، من لایحضره الفقیه
۴	محمد بن احمد بن جُنَید اِسکافی	ابن جنید	۳۸۱	اسکاف (عراق)	تهذیب الشیعة لأحکام الشریعة
۵	محمد بن محمد بن نُعمان	شیخ مفید	۴۱۳	بغداد	المُقنعة
۶	علی بن حسین بن موسی	سید مرتضی	۴۳۶	بغداد	الانتصار
۷	شیخ تقی بن نجم‌الدین بن عبیدالله حلبی	ابوالصلاح حلبی	۴۴۷	حلب	الکافی
۸	ابو جعفر محمد بن حسن طوسی	شیخ‌الطائفة شیخ طوسی	۴۶۰	طوس	النهایة، المبسوط، الخلاف
۹	حمزة بن عبدالعزیز دیلمی	سَلّار دیلمی	۴۶۳	طبرستان (مازندران)	المراسم
۱۰	شیخ ابوالقاسم عبدالعزیز بن بَرّاج	ابن براج	۴۸۱	مصر	المهذّب البارع
۱۱	حمزة بن علی بن زهره	ابوالمکارم ابن زهره	۵۸۵	حلب	الغُنیَة
۱۲	محمد بن علی بن حمزه	ابن حمزه	۵۸۵	طوس	الوسیلة
۱۳	محمد بن اِدریس حِلّی	ابن ادریس	۵۹۸	حِلّه	سرائر
۱۴	جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید حلّی	محقق حلی	۶۷۶	حلّه	شرائع الاسلام، المختصر النافع
۱۵	حسن بن یوسف بن علی بن مُطَهَّر حلّی	علامه حلی	۷۲۶	حله	قواعدالاحکام، تذکرة‌الفقهاء، مختلف الشیعة، نهایة الاحکام
۱۶	محمد بن حسن بن یوسف حلّی	فخرالمحققین	۷۷۱	حله	ایضاح الفوائد، اللمعة الدمشقیّة

۱۷	شمس‌الدین محمد بن جمال‌الدین	شهید اول	۷۸۶	جزین لبنان	الدروس الشرعیة، ذِکریٰ الشیعة
۱۸	مقداد بن عبدالله بن محمد سیُوری حلی	فاضل مقداد	۸۲۶	حله	کنزالعرفان، التنقیح‌الرائع
۱۹	ابوالعباس احمد بن فَهْد حلی	ابن فهد	۸۴۱	حله	التحریر، المهذب البارع فی شرح المختصر النافع
۲۰	علی بن حسین بن عبدالعالی کَرَکی	محقق ثانی محقق کرکی	۹۴۰	کرک لبنان	جامع المقاصد
۲۱	زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی	شهید ثانی	۹۶۶	لبنان	الروضة البهیّة (شرح لمعه)، مسالک‌الافهام
۲۲	احمد بن محمد اردبیلی	مقدس اردبیلی، محقق اردبیلی	۹۹۳	اردبیل	مجمع‌الفائدة و البرهان
۲۳	شیخ بهاءالدین محمد عاملی	شیخ بهایی	۱۰۳۰	لبنان	جامع عباسی، حبل المتین فی احکام‌الدین
۲۴	ملامحمد باقر سبزواری	محقق سبزواری	۱۰۹۰	سبزوار	کفایة الفقه، ذخیرة‌المعاد
۲۵	محسن بن مرتضی	فیض کاشانی	۱۰۹۱	کاشان	مفاتیح‌الشرایع
۲۶	حسین بن جمال‌الدین محمد خوانساری	محقق خوانساری	۱۰۹۸	خوانسار	مشارق الشموس فی شرح الدروس
۲۷	جمال‌الدین محمد بن حسین خوانساری	آقا جمال خوانساری	۱۱۲۵	خوانسار	حاشیۀ شرح لمعه
۲۸	محمد بن حسین بن محمد اصفهانی	فاضل هندی	۱۱۳۵	اصفهان	کشف اللثام
۲۹	یوسف بن احمد بن ابراهیم بحرانی	صاحب حدائق	۱۱۸۶	بحرین	الحدائق الناضرة
۳۰	محمد باقر بن محمد بهبهانی	وحید	۱۲۰۵	بهبهان	شرح مفاتیح‌الشرایع

۳۱	محمد مهدی بن ابی‌ذر نراقی	نراقی اول	۱۲۰۹	نراق‌کاشان	معتمد الشیعة
۳۲	سید محمد مهدی بحرالعلوم	بحرالعلوم	۱۲۱۲	کربلا	الدّرة النجفیّة، المصابیح
۳۳	سید محمدجواد عاملی	صاحب مفتاح‌الکرامه	۱۲۲۶	نجف	مفتاح‌الکرامه
۳۴	شیخ جعفر کاشف‌الغِطاء	کاشف‌الغطاء	۱۲۲۸	نجف	کشف الغطاء
۳۵	ابوالقاسم بن محمد حسن گیلانی	میرزای قمی	۱۲۳۱	گیلان	جامع الشتات
۳۶	احمد بن محمد نراقی	نراقی دوم	۱۲۴۴	نراق کاشان	مستند الشیعة
۳۷	شیخ محمد حسن نجفی	صاحب جواهر	۱۲۶۶	نجف	جواهرالکلام
۳۸	شیخ مرتضی انصاری	شیخ اعظم	۱۲۸۱	دزفول	المکاسب، الطهارة، الصلاة
۳۹	حاج میرزا محمد حسن شیرازی	میرزای شیرازی (اول)	۱۳۱۲	شیراز	حاشیه بر نجات‌العباد
۴۰	میرزا حبیب‌اللّه بن میراز محمدعلی خان گیلانی	محقق رشتی	۱۳۱۲	املش	الطهارة، الحاشیة علی المکاسب، کتاب الزکاة، کتاب الاجارة
۴۱	سید محمد کاظم طباطبایی	فقیه یزدی	۱۳۲۸	یـزد	العروة الوثقی، حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری
۴۲	ملامحمد کاظم خراسانی	آخوند خراسانی	۱۳۲۹	مشهد	حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری
۴۳	میرزا محمد تقی شیرازی	میرزای شیرازی دوم	۱۳۳۸	شیراز	حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری، صلاةالجمعه
۴۴	میرزا فتح‌الله بن محمد نمازی شیرازی	شیخ‌الشریعه اصفهانی	۱۳۳۹	اصفهان	افاضة القدیر
۴۵	ملا حبیب‌اللّه بن ملاقلی مدد ساوجی	ملا حبیب‌اللّه شریف کاشانی	۱۳۴۰	کاشان	منتقد المنافع، منظومۀ مغانم المجتهدین
۴۶	میرزا محمّد حسین نائینی	میرزای نایینی	۱۳۵۵	نایین	حاشیه بر عروة

۴۷	شیخ عبدالکریم حائری یزدی	حاج شیخ مؤسس	۱۳۵۵	مِیبُد	کتاب الصلاة
۴۸	محمدحسین بن محمدحسن نخجوانی	محمدحسین غروی اصفهانی	۱۳۶۱	اصفهان	بحوث فی الفقه، حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری
۴۹	سید ابوالحسن اصفهانی	محقق اصفهانی	۱۳۶۵	اصفهان	وسیلةالنجاة
۵۰	سید حسین طباطبایی بروجردی	آیةالله بروجردی	۱۳۸۰	بروجرد	حاشیه بر نهایةالاحکام، حاشیه بر عروه
۵۱	سید محسن حکیم	آیةالله حکیم	۱۳۹۰	بنت‌جبیل لبنان	منهاج الصالحین، مستمسک العروة الوثقی
۵۲	سید روح‌الله موسوی خمینی	امام خمینی بنیانگذار جمهوری‌اسلامی	۱۴۰۹	خمین	تحریرالوسیلة، کتاب البیع، المکاسب المحرّمة
۵۳	شهاب‌الدین بن شمس‌الدین محمود مرعشی	آیةاللّه نجفی مرعشی	۱۴۱۱	طبرستان	نخبةالاحکام، سبیل‌النجاة
۵۴	سید ابوالقاسم بن سید علی‌اکبر خویی	آیةاللّه خویی	۱۴۱۳	خوی	تکمله منهاج الصالحین و مبانی آن، حاشیه بر العروة الوثقی
۵۵	محمدرضا بن محمدباقر گلپایگانی	آیةاللّه گلپایگانی	۱۴۱۴	گلپایگان	حاشیه بر العروة الوثقی، حاشیه بر وسیلة النجاة، کتاب الطهارة
۵۶	محمد علی بن احمد فراهانی	آیةاللّه اراکی	۱۴۱۵	اراک	شرح العروة الوثقی، المکاسب المحرّمه، النکاح و الطلاق

شایان ذکر است که، دانشمندان علوم دینی و فقهای بزرگوار تشیع، منحصر به این تعداد نیستند، بلکه در این مختصر، تنها فقیهان مشهور آمده است. شیعه در چند دههٔ گذشته شاهد فقیهان نامداری بوده که هر کدام خدمات و تألیفات ارزشمندی بر جای گذاشته‌اند. اکنون نیز در حوزه‌های علمیه، عالمان دین‌شناس و فقیهان بسیاری وجود دارند که رسالت انبیایی حراست از مکتب را بر دوش گرفته‌اند و علوم اهل‌بیت علیهم‌السلام را به نسل حاضر منتقل می‌کنند.

فصل اول

مقدمات

- شناخت احکام
- اجتهاد و تقلید
- حکم و فتوا

درس ۱

شناخت احکام

﴿ ... لِکُلٍّ جَعَلْنا مِنْکُمْ شِرْعَةً و مِنهاجاً﴾[1]

«... برای هریک از شما [امت‌ها] شریعت وراه روشنی قراردادیم».

گستره احکام شرعی

مجموعه برنامه‌های اسلام که وظیفه انسان‌ها را در رابطه اعمال آنها مشخص می‌کند **احکام** نام دارد و مشتمل بر «بایدها» و «نبایدها»یی است که با انجام دادن و ترک آنها (همراه با اعتقاد صحیح) اطاعت الهی تحقّق می‌یابد؛ مانند خواندن نماز، پرداخت زکات وپرهیزازغیبت وسرقت.

بنابراین تمام اعمال انسان‌ها فردی و یا گروهی، از آغاز زندگی تا پایان، دارای حکمی است که مجموعه اینها احکام شرعی یا دینی یا فقهی نامیده می‌شود.

امام خمینی؛ درباره گستره واهمیت فقه چنین می‌فرمایند:

«فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان و جامعه از گهواره تا گور است».[2]

۱- مائده: ٤٨.

۲.صحیفه امام خمینی؛، جلد ۲۱، صفحه ۲۸۹.

مفاهیم و اصطلاحات

فقه (احکام)

علم به احکام شرعی را فقه گویند، بنابراین، دانشی که ازاحکام شرعی سخن می‌گوید وآنها را بیان می‌کند «فقه» نام دارد.

اجتهاد

اجتهاد درلغت به معنای کوشش وتلاش کردن است. ودراصطلاح فقه عبارت است ازاستنباط واستخراج مسائل شرعی ازمنابع مربوط به آن.

فقیه

به کسی که توانایی عملی اودرحدّی است که می‌تواند احکام شرعی (فقه) را ازمنابع آن استخراج کند فقیه یا مجتهد گفته می‌شود.

مرجع تقلید

به مجتهدی که مردم دراحکام دینی به اومراجعه می‌کنند وبراساس نظرعملی وفقهی اوعمل می‌کنند مرجع تقلید گفته می‌شود.

عمل به احتیاط

عمل به احتیاط بدین معناست که مکلّف طوری عمل کند که یقین داشته باشد به وظیفه خود عمل کرده، مثلاً در جایی که نمی‌داند وظیفه‌اش نماز قصر (شکسته) است یا تمام، اگربخواهد به احتیاط عمل کند، باید هم تمام بخواند و هم شکسته.

تقلید

تقلید به معنای پیروی و دنباله روی از دیگری است و در اصطلاح فقهی به معنای عمل بر اساس نظر فقیه است. به کسی که دراحکام دینی ازمجتهد پیروی می‌کند «مُقلِّد» گفته می‌شود.

مکلّف

کسی که نسبت به احکام شرعی تکلیف دارد و باید براساس آنها عمل کند و در صورت تخلّف بازخواست می‌شود مکلّف است، شرایط تکلیف عبارت است از: عقل، بلوغ و قدرت؛ لذا انسان دیوانه و غیر بالغ (کودک) و افراد ناتوان مکلف نیستند.

فتوا

به نظر فقهی مجتهد که تحت عنوان حکم شرعی بیان می‌شود فتوا می‌گویند و گاهی به نظر صریح مجتهد در احکام شرعی گفته می‌شود، مثلاً بگوید واجب است یا حرام است.

احتیاط

اگر مجتهد در مسأله‌ای نظر صریح نداده باشد، بلکه طریقی ارائه کرده باشد که مکلّف با عمل به آن مطمئن باشد به وظیفه عمل کرده، احتیاط نام دارد.

رساله (توضیح المسائل)

رساله در لغت به معنای نامه و نوشته است، اما اکنون به کتابی گفته می‌شود که حاوی نظرات فقهی (فتاوی) مجتهد است و مقلّد برای دستیابی به احکام شرعی به آن کتاب مراجعه می‌کند.

پرسش

۱- احکام شرعی کدام دسته از امور زندگی انسان را در بر می‌گیرد؟

۲- تفاوت فقیه با مرجع تقلید چیست؟

۳- اصطلاحات مکلّف و مقلّد را توضیح داده و تفاوت آنها را بیان کنید.

٤- امام خمینی ﷺ درباره گستره فقه چه فرمود؟

درس ۲

اجتهاد و تقلید (۱)

قال علی علیه‌السلام: «یا کمیل، ما من حرکة إلا و أنت محتاج فیها إلی معرفة»[1]

«امیرمؤمنان علی علیه‌السلام به کمیل بن زیاد فرمود: ای کمیل، هیچ حرکتی نیست [یعنی هر عملی که انجام می‌دهی]، مگر این‌که نیاز به آگاهی داری».

دین داری بدون دین شناسی میسّر نیست، شناخت دین، ممکن است به صورت تفصیلی و استدلالی باشد که در اصطلاح، دین شناسی اجتهادی، یا اجتهاد در دین گفته می‌شود، و گاهی تقلیدی و غیر استدلالی است.

این دو شیوه شناخت، اختصاص به مسائل دینی یا احکام اسلامی ندارد بلکه در تمام رشته های علمی، اینگونه است که عده‌ای متخصص و صاحب نظرند و دیگران در آن علم، مقلّد و پیرو صاحب نظران و اندیشمندان هستند، لذا می‌توان راه‌های شناخت احکام دین را در دو طریق اجتهاد و تقلید خلاصه کرد.

۱- تحف العقول، ص ۱۷۱.

مقدمات اجتهاد

علومی که به عنوان مقدّمات اجتهاد و پیش نیاز استنباط احکام شرعی باید فراگرفت عبارتند از:

۱ .**علوم عربی مشتمل بر**
- **صرف:** علم به‌تغییرکلمات جهت‌به‌دست‌آمدن معانی مختلف؛
- **نحو:** علم به ترکیب کلمه و ساختار جمله؛
- **معانی، بیان، بدیع:** علم زیباسازی نوشتار و گفتار و شناخت آن زیبایی‌ها؛
- **لغت:** شناخت معانی کلمات.

۲ .**منطق:** علم درست اندیشیدن و استدلال کردن.

۳ .**اصول فقه:** شناخت شیوه استنباط احکام.

٤ .**رجال:** آشنایی با شخصیت‌های حدیث، (اسناد روایات).

۵ .**درایه:** شناخت معانی و مفاهیم احادیث و درست آن از نادرست.

٦ .**تفسیر و علوم قرآنی:** شناخت دانش‌های مرتبط با قرآن و فهم دقیق آیات فقهی قرآن.

افزون بر علومی که شمردیم، این موارد نیز لازم است:

۷ .آشنایی به محاورات عرفی و زبان مردمی که مورد خطاب قرآن و سنت بوده‌اند.

۸ .آشنایی با گفته‌ها و نظریات پیشینیان، جهت عدم وقوع در خلاف شهرت و اجماع.

۹ .بررسی فتاوا و اخبار اهل سنت، به خصوص در موارد تعارض اخبار.

۱۰. تلاش در جهت استنباط احکام و تمرین در آن، به حدی که ملکه استنباط

حاصل شود.[۱]

با فراگرفتن علومی که گفته شد و با وجود شرایط لازم، شخص مجتهد باید طبق آنچه استنباط کرده عمل نماید و چنانچه در استنباط خود اشتباه کرده باشد معذور است.[۲]

شرایط مرجع تقلید

۱. مرجع تقلید باید دارای این شرایط باشد:

* اجتهاد؛ * عدالت؛
* عقل و بلوغ؛ * زنده بودن؛
* مرد بودن؛ * شیعه دوازده امامی بودن؛
* حلال زادگی؛ * و بنابر احتیاط واجب، اعلم بوده و حریص به دنیا نباشد[۳].

۲. عادل به کسی گویند که دارای قوّه عدالت باشد. و عدالت حالتی نفسانی است که انسان را به تقوا واداشته و از ارتکاب گناهان کبیره[۴] و اصرار بر گناهان صغیره بازمی‌دارد.[۵]

۳. اعلم کسی است که قواعد و مدارک مسأله را بهتر بشناسد و بر نمونه‌های آن مسأله و قرآن و روایات، اطلاع بیشتر داشته باشد و آنها را بهتر بفهمد. خلاصه، اعلم کسی است که در استنباط احکام، از دیگران استادتر باشد.[۶]

---

۱. الرسائل، امام خمینی ﷺ، ج ۲، ص ۹۶.
۲. همان، ص ۹۹.
۳. توضیح‌المسائل، م ۲.
٤. گناهان کبیره، گناهانی است که بر آنها وعده عذاب و آتش داده شده یا به کبیره بودن آنها تصریح شده است؛ مانند دروغ، غیبت و سرقت و به گناهان دیگر صغیره گفته می‌شود.
۵. تحریرالوسیله، ج ۱، في فروع التقلید، ص ۱۰، م ۲۸.
٦. همان، ص ۷، م ۱۳.

□ تقلید ابتدایی از مجتهدی که از دنیا رفته است جایز نیست؛ یعنی کسی که اکنون مکلف شده یا تاکنون تقلید نکرده، نمی‌تواند از مجتهدی که از دنیا رفته است تقلید کند. بلکه باید مقلَّد مجتهد زنده باشد.[۱]

راه‌های شناخت مرجع تقلید

الف) آزمودن و شناخت شخصی، در صورتی که خودش اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را تشخیص دهد.

ب) شهرتی که مفید علم باشد؛ یعنی بین اهل خبره چنان به اجتهاد و اعلمیت مشهور باشد که موجب علم به اجتهاد یا اعلمیت آن فرد باشد.

ج) گواهی دو نفر عالم عادلِ اهل خبره،[۲] به شرطی که دو نفر عالم عادل دیگر با گفته آنان مخالفت نکنند.[۳]

چند مسأله

۱ . بر مکلف واجب است که برای شناختن مجتهد اعلم جست‌وجو و تفحّص کند.[۴]

۲ . چنانچه دو یا چند مجتهد از نظر علمی با هم مساوی باشند، شخص مقلّد، مخیر است از هرکدام که بخواهد تقلید کند. همچنان که می‌تواند بعضی از مسایل را از یکی و بعضی دیگر را از دیگری تقلید کند.[۵]

---

۱ . تحریر الوسیله، ج۱، فی فروع التقلید، ص ۷ ،م۱۳. به فتوای برخی از فقها، تقلید ابتدایی از میّت جایز است.

۲ . افرادی که صلاحیت علمی تشخیص اجتهاد و اعلمیّت را دارا باشند.

۳ . تحریرالوسیله، ج ۱، في فروع التقلید، ص ۸ ، م ۱۹.

٤ . همان، ص ٦، م ٥.

٥ . همان، ص ٦، م ٨.

۳. اگر دو مجتهد، هر یک در بخشی از احکام اعلم باشند، مثلاً یکی در احکام عبادات اعلم است و دیگری در معاملات، مکلف باید بنابر احتیاط واجب، در هر بخش، از اعلم تقلید کند.[1]

پرسش

۱. علم فقه با اصول فقه چه تفاوتی دارد؟

۲ - علم رجال و درایه چه تفاوتی دارد؟

۳ - دو شرط اجتهاد و عدالت مرجع تقلید را توضیح دهید.

٤ - اعلم بودن مرجع تقلید به چه معناست؟

۵ - در چه صورتی مکلّف می‌تواند از دو یا چند نفر فقیه تقلید کند؟

---

۱. العروة‌الوثقی، ج ۱، في التقليد، ص ١٦، م ٤٧.

درس ۳

اجتهاد و تقلید (۲)

بقای بر تقلید میت

۱. بقای بر تقلید میت باید با اجازه مجتهد زنده باشد؛ یعنی چنانچه به فتوای مجتهد زنده بقای بر تقلید میت جایز باشد می‌تواند همچنان از او تقلید کند.[۱]

۲ .کسی که بر تقلید میت باقی مانده است، در مسایلی که میّت فتوا نداده و همچنین در مسایل جدید باید از مجتهد زنده تقلید کند.[۲]

تغییر مرجع تقلید

عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر یا تغییر مرجع تقلید در برخی از موارد جایز یا واجب است و در برخی موارد جایز نیست که به طور مختصر به آنها اشاره می‌شود:

- عدول از غیر اعلم به اعلم، بنابر احتیاط، **واجب است؛**

---

۱ .تحریرالوسیله، ج۱، فی التقلید، ص ۱٦،م۴۷.
۲ .استفتاآت، ج ۱، ص ۱۲، س ۱۷.

□ • عدول از مجتهد زنده به زنده مساوی، جایز نیست؛[1]

• عدول از اعلم به غیر اعلم، **جایز نیست؛**

• عدول از مجتهدی که مدتی از او تقلید می‌کرده و اکنون معلوم شده که اهلیت[2] فتوا نداشته، به مجتهد جامع‌الشرایط **واجب است؛**

• عدول از مجتهدی که یکی از شرایط مرجعیت را از دست داده؛ مثلاً دیوانه شده یا فراموشی به او دست داده، به مجتهد جامع الشرایط، **واجب است؛**

□ • عدول از مجتهدی که تاکنون از او تقلید می‌کرده و اکنون از دنیا رفته به مجتهد زنده، **جایز، بلکه احتیاط مستحب است؛**[3]

• عدول از مجتهد زنده به مجتهد مرده: **بنابر احتیاط واجب، جایز نیست.** هرچند قبلاً از او تقلید می‌کرده و پس از مرگ وی به مجتهد زنده رجوع کرده است.[4]

عمل به احتیاط

«عمل به احتیاط» در اصطلاح فقه، عبارت است از عمل کردن به احکام، به گونه‌ای که انسان یقین داشته باشد به وظیفه‌اش عمل کرده است.

۱. عمل به احتیاط برای همه (مجتهد یا غیر مجتهد) جایز است، ولی باید موارد احتیاط را بشناسد و البته افراد اندکی این موارد را می‌شناسند، چون شناخت آنها کار

---

۱. به فتوای برخی از فقها، عدول از مجتهد زنده به مساوی جایز است. توضیح: در برخی از چاپ‌های کتاب تحریر الوسیله، تعبیر «یجوز العدول...» آمده است ولی بارها از اعضای محترم شورای استفتای امام خمینی ﴿ره﴾ سؤال شد و فرمودند: به فتوای ایشان عدول در فتوا به مجتهد مساوی جایز نیست.

۲. یعنی شایستگی و شرایط فتوا دادن را از نظر علمی ندارد.

۳. به نظر عده‌ای از فقها، در صورتی که مجتهد از دنیا رفته اعلم باشد، عدول از تقلید او به تقلید مجتهد زنده جایز نیست.

٤. تحریرالوسیله، ج۱، في فروع التقليد، صص٦-٧ و٨، م ٤-٥-١٢-١٣-١٨؛ العروة‌الوثقی، ج۱، في التقليد، صص۱۲ و۱۳، م ۳۳ و۳۷.

دشواری است و مستلزم اطلاع کامل برکیفیت آن است.[۱]

۲ ـ عمل به احتیاط، گاهی موجب تکرار عمل است وگاهی موجب تکرار نیست.[۲]

مثال اوّل: شخصی که نمی‌داند وظیفه‌اش نماز تمام است یا شکسته، اگر بخواهد به احتیاط عمل کند باید نماز را هم تمام بجا آورد و هم شکسته.

مثال دوّم: شخصی که نمی‌داند اذان و اقامه برای نماز واجب است یا مستحب، اگر بخواهد به احتیاط عمل کند باید آن را بجا آورد.

۳ ـ اگر مکلّف بداند عملی حرام نیست، ولی نمی‌داند واجب است یا مستحب یا مکروه یا مباح، می‌تواند به امید مطلوب بودن (رجاءاً) آن عمل را انجام دهد، چون احتمال مطلوب بودن آن وجود دارد.[۳]

٤ ـ اگر مکلّف بداند عملی واجب نیست ولی نمی‌داند حرام است یا مکروه یا مستحب یا مباح، می‌تواند آن عمل را ترک کند. چون احتمال مبغوض بودن آن وجود دارد.[۴]

تفاوت احتیاط واجب با احتیاط مستحب (در مقام تشخیص و در مقام عمل برای مکلّف)

تمام احتیاط‌هایی که دررساله‌ها آمده، یا وجوبی است یا استحبابی وتفاوت بین آنها از دو جهت است: یکی در مقام شناخت و تشخیص، که احتیاط ازکدام قسم است و دیگری در مقام عمل، که وظیفه مکلّف، نسبت به هریک ازآنها چیست؟

تفاوت اوّل: احتیاط واجب، احتیاط بدون فتواست.

احتیاط مستحب، احتیاط همراه با فتواست.

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، المقدمة، ص ۵؛ العروةالوثقی، ج ۱، ص ۳، م ۲.

۲ ـ الفتاوی الواضحة، ج ۱، ص ۱۱۸. تحریر الوسیله، ج ۱، المقدمة، ص ۵، م۱.

۳ ـ العروةالوثقی، ج ۱، في التقلید، ص ۱۱، م ۳۰.

٤ ـ همان.

اگر مجتهد در مساله‌ای فتوا داده و احتیاط نیز داشته باشد، این احتیاط مستحب است. و اگر مجتهد در مسأله‌ای فتوا نداده و از ابتدا احتیاط کرده باشد، احتیاط واجب است که به آن «احتیاط مطلق» نیز می‌گویند.[١]

مثالِ احتیاط مستحب: «در غسل ارتماسی، اگر به نیت غسل ارتماسی، به‌تدریج در آب فرو رود تا تمام بدن زیر آب قرار گیرد، غسل او صحیح است و احتیاط آن است که یک دفعه زیر آب رود».[٢]

مثالِ احتیاط واجب: «اگر نذر کند که به فقیر معینی صدقه بدهد، نمی‌تواند آن را به فقیر دیگری بدهد و اگر آن فقیر بمیرد، بنابر احتیاط باید به ورثه او بپردازد.»[٣]

تفاوت دوّم: در احتیاط مستحب، مقلّد باید به همان احتیاط عمل کند، یا به فتوای همراه آن و نمی‌تواند در آن مسأله به مجتهد دیگر رجوع کند.

اما در احتیاط واجب، مقلّد می‌تواند به همان احتیاط عمل کند، یا به فتوای مجتهد دیگری که پس از آن مجتهد، از دیگران اعلم است مراجعه کند.[٤]

پرسش

١. در چه صورتی تقلید از میت صحیح است؟

٢. در چه صورت، عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر واجب است؟

٣ - با مراجعه به رساله توضیح المسائل برای احتیاط واجب و مستحب دو مثال دیگر بیاورید.

٤ - تفاوت احتیاط واجب با احتیاط مستحب در مقام عمل چیست؟

٥- اگر مکلّف بخواهد در ماه رمضان نسبت به نماز و روزه احتیاط کند، تکلیفش چیست؟

---

١. همان، ص ٢٣، م ٦٤.

٢. توضیح المسائل، م ٣٦٧.

٣. همان، م ٢٦٥٩.

٤. همان، م ٧.

درس ٤

اجرای احکام دین(۱)

قال الامام الحسین علیه السلام: مجاری الامور والاحکام علی ایدی العلماء بالله، الأُمناء علی حلاله و حرامه[1]

جریان امور و احکام به دست دانشمندان الهی است که بر حلال و حرام آگاه و امینند.

ضرورت تشکیل حکومت اسلامی

با نگاهی اجمالی به احکام و قوانین اسلام، این واقعیت به دست می‌آید که این آیین آسمانی، تنها در احکام عبادی و دستورات اخلاقی خلاصه نمی‌شود، بلکه احکام سیاسی ـ اجتماعی اسلام که چگونگی ارتباط انسان‌ها با یکدیگر و کیفیت بهره‌گیری از طبیعت و رسیدن به زندگی برتر را مشخص می‌کند، به مراتب گسترده‌تر از احکام عبادی است که بیانگر وظایف خاص بندگان خدا در مقابل آفریدگار است و عمل شدن آن احکام بدون تشکیل حکومت میسّر نیست.

همانگونه که امام خمینی رحمه الله فرمود: «حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه است».[2]

---

۱ ـ تحف العقول، ص ۳۷٤.

۲ ـ صحیفه نور، ج ۲۱.

تشکیل حکومت اگر براساس قانون اسلام نباشد، به یقین بسیاری از احکام دین معطّل می‌ماند و ضمانت اجرایی نخواهد داشت. علاوه بر این، ادلّه دیگری نیز برای ضرورت تشکیل حکومت وجود دارد که می‌توان آنها را در موارد ذیل خلاصه کرد:

حفظ نظام و انسجام جامعه اسلامی از واجبات مورد تأکید شرایع الهی است و بی‌نظمی و پریشانی امور مسلمانان نزد خداوند و خلق، امری نکوهیده و ناپسند است. پرواضح است که حفظ نظام و جلوگیری از اختلال و هرج و مرج، جز با استقرار حکومت الهی در جامعه تحقق نمی‌پذیرد.

حفظ مرزهای کشور اسلامی از هجوم بیگانگان و جلوگیری از تسلط تجاوزگران بر آن، عقلاً و شرعاً واجب است و تحقق این امر نیز جز به تشکیل حکومت اسلامی میسّر نیست.

بسط عدالت در جامعه و جلوگیری از ستم ظالمان و رساندن حقوق حق‌داران به آنها و کوتاه کردن دست متجاوزان به اموال عمومی، بدون حکومتی مقتدر و قانونمند امکان‌پذیر نیست.

جمع آوری خمس، زکات، خراج و سایر مالیات‌ها و رسیدگی به انفال و ثروت‌های عمومی و صرف بیت المال در امور مقرّر شرعی، بدون برپایی نظام دینی با حاکمیت افراد صالح، ناشدنی است.

تعلیم و تربیت عمومی افراد جامعه و استفاده درست از ابزارهای پیشرفته آموزشی و سوق دادن افراد جامعه به خیر و صلاح و تربیت انسان‌های صالح و پرهیزکار که جزو اهداف انبیا و آرمان‌های مقدس ادیان الهی و مکتب نجات بخش اسلام است، هرگز بدون در دست داشتن آن ابزارها و امکانات که همیشه در دست حکومت‌ها بوده، تحقق‌پذیر نیست.

آیا می‌توان تصور کرد که آفریدگار حکیم، در مهم‌ترین نیاز جامعه بشری، امّت اسلامی را به حال خود رها ساخته و تکلیفی برای آنان معین نکرده باشد؟ و آیا خردمندانه است که بگوییم خداوند حکیم به هرج و مرج امور مسلمانان و پریشانی احوال آنان رضایت داده است؟

آنچه بر شمردیم، جزو بدیهی‌ترین نیازهای مسلمانان است و از حکمت به دور است که خداوند مدبّر حکیم، آن نیازها را به کلّی نادیده گرفته و از ارائه راه حلی برای تأمین آنها غفلت کرده باشد.

آری، آن دلایلی که لزوم امامت پس از نبوت را اثبات می‌کند، همان، لزوم حکومت در دوران غیبت حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را نیز در بردارد، به ویژه پس از این زمان طولانی که از غیبت آن بزرگوار می‌گذرد و شاید این دوران هزاران سال دیگر نیز ادامه یابد.[1]

گذشته از این همه، عمل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و حضرت علی علیه‌السلام خود دلیل قاطعی است بر ضرورت تشکیل حکومت دینی؛ افزون بر آن روایات بسیاری از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام صادر شده که همه آنها نشان‌دهنده لزوم حکومت و رهبری صحیح برای جامعه است که در اینجا مجال پرداختن به آنها نیست.[2]

رهبری در نظام اسلامی

پرسش این است که تشکیل حکومت اسلامی وظیفه کیست و چه کسی باید در زمان غیبت امام معصوم علیه‌السلام عهده دار رهبری و زعامت این حکومت شود؟

تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی، واجب کفایی است و وظیفه تمام افرادی است که توانایی چنین کاری را دارند، گر چه وظیفه عالمان دینی و فقهای جامع شرایط از آن

---

۱. برگرفته از ترجمه «کتاب البیع»، تألیف امام خمینی رحمه‌الله، ج ۲، ص ٤۵۹.

۲. برای آشنایی با این روایات می‌توانید به «کتاب البیع»، تألیف امام خمینی رحمه‌الله، ج ۲، ص ٤٦۲ مراجعه کنید.

جهت که رسالت انبیا و ائمه را در جهت برپایی قسط و عدل بر عهده دارند، به مراتب بیش از دیگران خواهد بود و در هر حکومتی، «کاردانی» و «درستکاری» دو شرط اساسی رهبری است و آنان هستند که در تشکیل حکومت، مسؤولیتشان از دیگران سنگین‌تر است.

ازآنجاکه حکومت اسلامی، حکومتی مبتنی برقانون الهی است وهدف آن اجرای احکام خدا و بسط عدالت در سراسر جهان است، زمامدار این حکومت، ناگزیر باید سه ویژگی مهم را، که اساس یک حکومت الهی است، دارا باشد:

علم به قانون؛

عدالت؛

کفایت و صلاحیت.

تحقیق قانون اسلام، تنها به دست حاکمی عالم وعادل وکاردان وباکفایت، میسّر است و روشن است که خداوند هیچ گاه شخص نادان یا ستمگر و تبهکار و نالایق را به عنوان زمامدار مسلمانان برنمی‌گزیند و او را به سر نوشت و مال و جان آنان حاکم نمی‌کند؛ زیرا شارع مقدس در حفظ این امور اهتمام بسیار دارد.[1]

پرسش

۱ - رابطه فقه با حکومت، از نظر یک مجتهد چیست؟

۲ - دو شرط اصلی حاکم اسلامی کدام است؟

۳ - رابطه خمس و زکات و حکومت اسلامی چیست؟

٤ - تشکیل حکومت اسلامی از نظر حکم شرعی چگونه است و وظیفه چه کسی است؟

---

۱. برگرفته از ترجمه «کتاب البیع»، ج ۲، ص ٤٦٤.

اجرای احکام دین (۲)

ولایت فقیه

پیشینه بحث درزمینه اصل ضرورت حکومت ورهبری آن، که درزمان غیبت به عهده فقهای جامع الشرایط است، بیشتر درعلم کلام مطرح شده است، ولی فقهای بزرگوار نیز درکتب خود به مناسبت‌های مختلف، چه به طور عام و چه در بخش خاصی از احکام دینی به این مسأله پرداخته‌اند که به بیان آن موارد به نگاشتن رساله‌ای مستقل نیازدارد وما دراین نوشته به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

شیخ محمد حسن نجفی ﵀ درکتاب جواهرالکلام چنین نگاشته است:

اگربه عموم ولایت فقیه معتقد نباشیم، بسیاری از امور شیعیان، معطّل می‌ماند. باعث شگفتی است که بعضی افراد در این باره وسوسه می‌کنند که این افراد گویا طعم فقه را نچشیده‌اند وتعابیرومعنی ورمزکلمات امامان معصوم ﵈ را نفهمیده‌اند. اینان در عناوین «حاکم»، «قاضی»، «حجّت»، «خلیفه» و غیراینها که در کلمات امامان ﵈ درباره فقها آمده است، دقت نکرده‌اند. طرح این عناوین و مشابه آنها از

ائمه علیهم السلام دلالت دارد که آن بزرگواران در زمان غیبت، نظم و سامان یافتن امور شیعیان را خواستار بوده‌اند.[۱]

مرحوم ملا احمد نراقی قدس سره گوید:

بر همه آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان حاکم و رهبر و پاسدار اسلام ولایت دارد، فقیه نیز بر آنها ولایت دارد، مگر مواردی که دلیل، آن را استثنا کرده باشد.[۲]

امام خمینی قدس سره درکتاب البیع می‌نویسد:

امر ولایت و رهبری در عصر غیبت، به فقیه عادل سپرده شده و اوست که صلاحیت زعامت مسلمانان را دارد؛ زیرا والی و سرپرست مسلمانان باید فقیه و عادل باشد. بنابراین قیام برای تشکیل حکومت و دولت سالم، بر فقهای عادل، واجب کفایی است و اگر یکی از آنها موفق شد و حکومت تشکیل داد و رهبری آن را به دست گرفت، بر دیگران واجب است از او پیروی کنند.[۳]

وی در جای دیگر می‌نگارد:

حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعیه، حتی نماز و روزه و حج است.[۴]

اختیارات ولی فقیه

حکومت اسلامی نظامی است که بر پایه وحی الهی در تمام زمینه‌ها از قانون خدا مدد می‌گیرد و هیچ یک از زمامداران و سرپرستان امور جامعه استبداد رأی ندارند. تمام

---

۱. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۹۷.
۲. عوائد الایام، صص ۱۸۷ و ۱۸۸.
۳. کتاب البیع، ج ۲، ص ٤٦٥.
٤. صحیفه نور، ج۲۰، ص ٤٥۱.

برنامه‌هایی که در زمینه زمامداری جامعه و شؤون و لوازم آن، برای رفع نیازهای مردم به اجرا درمی‌آید، باید بر اساس قوانین الهی باشد. این اصل کلی، حتی در مورد اطاعت از زمامداران و متصدیان امر حکومت نیز جاری است

تمامی امور مربوط به حکومت و سیاست، که برای پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام مقرر شده، در مورد ولایت فقیه عادل نیز مقرر است و عقلاً نیز نمی‌توان فرقی میان این دو قائل شد؛ زیرا حاکم اسلامی، اجرا کننده احکام شریعت و برپادارنده حدود و قوانین الهی و گیرنده مالیات‌های اسلامی و مصرف کننده آن در راه مسلمانان است. پس اگر پیامبر ﷺ شخص زناکار را صد تازیانه می‌زد، فقیه نیز در مقام حکومت، همین حکم را اجرا می‌کند و همان‌گونه که پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام وجوه شرعی را، بر طبق مقررات خاصی از مردم می‌گرفتند، هم‌پایه رتبه پیامبران و امامان تلقی شود؛ زیرا هیچ‌کس در مقامات و فضایل، با آنان هم رتبه نیست،[1] بلکه در اینجا سخن از اختیاراتی است که فقیه در مقام و منصب حکومت برخوردار است و در این خصوص، هرجا و هر زمان که مصالح مسلمان اقتضا کند، می‌تواند دستورهایی را صادر کند و پس از صدور حکم، همگان باید از او پیروی کنند و این همان «ولایت مطلقه فقیه» است. بنابراین:

- حاکم می‌تواند، مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است، خراب کند و پول منزل را به صاحبش بپردازد.
- حاکم می‌تواند به هنگام لزوم مسجد را تعطیل کند و مسجدی را که ضرار باشد، در صورتی که دفع آن بدون تخریب ممکن نشود، خراب کند.
- حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته، اگر مخالف مصالح کشور و اسلام باشد یک جانبه لغو کند و می‌تواند از هر امری - چه عبادی یا غیر

---

۱. کتاب البیع، ج ۲، صص ٤٦٦، ٤٦٧ و ٤٩٧.

عبادی - مادام که مخالف مصالح اسلام است، جلوگیری کند.

▣ حکومت می‌تواند از حج که یکی از فرایض مهم الهی است، در مواقعی که رفتن به حج را مخالف صلاح کشور اسلامی بداند، به طور موقت جلوگیری کند[1].

تفاوت حکم با فتوا

ائمه معصوم علیهم‌السلام پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و به هنگام حضور ظاهری، دو وظیفه مهم امامت را بر عهده داشته‌اند که طبق روایات و دیگر منابع فقهی در زمان غیبت آنها این دو وظیفه بر عهده فقیهان جامع الشرایط نهاده شده است:

۱ - بیان فتوا و ابلاغ احکام الهی به مردم؛

۲ - رهبری و مدیریت جامعه انسانی و اجرای احکام دینی.

تفاوت در بیان فتوا و وجود مراجع متعدد، مشکل زیادی در جامعه پدید نمی‌آورد؛ چنان که در ادوار مختلف تاریخ تشیع، پس از غیبت حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف این امر وجود داشته است، ولی تشتّت و دوگانگی در احکام اجرایی و حکومتی بخصوص اگر ارتباطات گسترده و آسان باشد، قطعاً سبب هرج و مرج و اختلاف و دو دستگی در جامعه خواهد شد. حال پرسش این است که فرق این دو چیست و قلمرو هر یک کدام است؟ و در صورت تعارض فتوای مرجع تقلید با حکم حاکم (ولی فقیه)، وظیفه مردم چیست؟

«فتوا» در اصطلاح فقها بیان حکم خداست به وسیله فقیه؛ مثلاً: در رکعت سوم و چهارم نماز، تسبیحات را یک مرتبه خواندن کافی است.

اگر روزه گرفتن برای بدن ضرر داشته باشد، صحیح نیست.

در صورتی که خریدار در معامله فریب خورده باشد حق فسخ معامله را دارد و...

---

۱. صحیفه نور، ج۲۰، ص۴۵۱.

«حکم حاکم» عبارت است از دستور به اجرای یک حکم شرعی، تعیین مصداق و یا موضوع و یا وقت و مکان اجرای حکم شرعی و نیز الزام بر انجام دادن یا ترک کردن به دلیل مصلحت، مانند:

- دستور به اینکه: فلان روز، اول ماه است.
- حکم به دریافت زکات یا خمس، با شرایط ویژه (در زمان یا مکان و یا مورد خاص)
- حکم به اجرای حدود و تعزیرات.

تعارض فتوا با حکم

به جهت جدا بودن حوزه نفوذ فتوا و حکم، معمولاً بین آنها تعارضی پیش نمی‌آید ولی گاهی ممکن است فتوای مرجع تقلید و حکم ولی فقیه خلاف یکدیگر باشد که در این صورت حکم ولی فقیه مقدم و مخالفت با آن حرام است، مثل آنکه مجتهدی فتوا دهد احتکار در غیر طعام اشکال ندارد، اما ولی فقیه حاکم با توجه به مشکلات اقتصادی جامعه، حکم کند که احتکار هرگونه کالای مورد نیاز جامعه ممنوع است. در اینجا دستور ولی فقیه اجرا می‌شود و بر مقلدان آن مرجع نیز تبعیت لازم است.[1]

در فتاوای فقیهان بزرگ آمده است:

نقض حکم حاکم جامع الشرایط جایز نیست، حتی برای دیگر مجتهدان، مگر در جایی که اشتباهش روشن باشد.[2]

---

١ .فقیه نامدار مرحوم شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) در بحث احتکار چنین می‌نویسد: «اگر محتکر، خود مجتهد باشد، حاکم می‌تواند او را به فروش کالای احتکار شده یا فروش به قیمت معینی وادار کند، هرچند حاکم نسبت به مجتهد محتکر از نظر علمی پایین‌تر باشد»: جواهر الکلام، ج ٢٢، ص ٤٨٧.

٢ .العروة الوثقی، ج ١، ص ٥٧.

پرسش

۱- تفاوت «حکم» و «فتوا» را با ذکر مثال توضیح دهید و بیان کنید که وظیفه مکلف در آن مورد چیست؟

۲ – در چه صورتی ولی فقیه می‌تواند دستور دهد مسجدی را تخریب کنند؟

۳ – در تعارض حکم و فتوا وظیفه چیست؟

٤- به نظر مرحوم نراقی حدود اختیارات ولی فقیه چیست؟

٥- آیا تمام اختیارات حکومتی پیامبرﷺ و امام علیه‌السلام را می‌توان برای ولی فقیه نیز قائل شد؟ چرا؟

فصل دوم:

عبادت

- عبادت
- طهارت
- وضو
- غسل
- تیمم
- نجاسات
- مطهرات

درس ٦

عبادت، طهارت

﴿وما خلقتُ الجن والانس إلا ليعبدون﴾[1]

جن و انس را نیافریدیم مگر برای بندگی.

عبادت و بندگی

پرستش و بندگی، نیاز طبیعی بشر است. بندگی خدا، فلسفه خلقت است. انسانهای مؤمن، تنها خدای بزرگ و آفریننده جهان را شایسته پرستش و ستایش می‌دانند و هرگز در مقابل چیزهایی مانند خودشان که مخلوق خدایند، کرنش نمی‌کنند.

عبادت، تسلیم در برابر خداوند و اطاعت کامل از دستورهای اوست، و این اطاعت و بندگی، با انجام دادن کارهای واجب و پرهیز از کارهای حرام تحقّق می‌یابد.

عبادت باید با نیت خالص برای خداوند و به دور از هرگونه ریا و خودنمایی انجام شود و بدین‌سبب است که در تعریف عبادت گفته‌اند: هرکاری که به قصد اطاعت

---

١ ـ ذاریات: ٥٦.

فرمان خداوند و تقرّب به او انجام شود، عبادت است. لذا انسان می‌تواند کاری کند که فعالیت‌های روزمره و عادی او هم عبادت و بندگی خداوند باشد.

نماز

نماز، بهترین حالت بندگی خداست و در میان اعمال واجب، دارای اهمیت ویژه‌ای است. نماز، دستور خداوند بزرگ برای انسان‌های پاک و وارسته است و نماز خواندن، اطاعت فرمان اوست.

نماز، بهترین شیوه ارتباط با خالق یکتا و جلوه‌ای از عبادت انسان در پیشگاه اوست.

نماز، مانند نهر آبی است که نمازگزار، روزی پنج مرتبه خود را در آن شست و شو می‌دهد.

و نمازگزار، بنده خالص خداست که با نماز، ارتباطی خالصانه با پروردگار خویش برقرار می‌کند و نماز به او آرامش روح می‌بخشد تا در جریان‌های زندگی، با امید به فردایی روشن، به تلاش بپردازد.

نماز مهم‌ترین عمل عبادی و عمود خیمه دین و دین‌داری و آزمون ورودی بهشت است.

مسائل مربوط به نماز را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. **مُقدّمات:** که نمازگزار باید پیش از نماز آنها را مراعات کند.

۲. **مُقارنات:** که مربوط به متن نماز است، از تکبیرة الاحرام تا سلام.

۳. **مُبطِلات:** چیزهایی است که نماز را باطل می‌کند.

مقدّمات نماز

مقدّمات نماز به طور فهرست‌وار عبارت است از:

طهارت؛ لباس نمازگزار؛ مکان نمازگزار؛ قبله؛ وقت نماز؛ اذان و اقامه.

طهارت

دین اسلام علاوه بر آنکه نظافت و تمیزی را از ایمان برشمرده و پیروان خود را به تمیز نگه داشتن بدن و لباس و محیط زندگی دعوت می‌کند، برای برخی کارها علاوه بر نظافت، طهارت را شرط می‌داند. طهارت در فرهنگ فقهی دو جنبه دارد: ظاهری و باطنی.

طهارت ظاهری: پاک بودن بدن و لباس و خوراک و نوشیدنی از آلودگی و نجاسات است و به آن طهارت از خَبَثْ نیز گفته می‌شود.

طهارت باطنی: با انجام دادن برخی اعمال، یعنی وضو، غسل و تیمّم به دست می‌آید که به طهارت از حَدَثْ نیز می‌گویند.

به جهت اهمیت طهارت باطنی، ابتدا به احکام وضو، غسل و تیمّم می‌پردازیم.

وضو

نمازگزار باید پیش از نماز «وضو» بگیرد و خود را برای این عبادت بزرگ آماده کند و در برخی از موارد باید «غُسل» کند؛ یعنی تمام بدن را بشوید و هرگاه نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، باید به جای آن، عملِ دیگری به نام «تیمّم» انجام دهد که احکام آنها در این درس و درس‌های آینده خواهد آمد.

اعمال وضو
- **شستن**
  - **۱ـ صورت**: از جایی که موی سر روییده تا آخر چانه (طول) و از پهنا فاصله بین شست و انگشت میانه که بر صورت قرار گیرد (عرض).
  - **۲- دست راست** / **۳- دست چپ**: از آرنج تا نوک انگشتان
- **مسح**
  - **۴- سر**
  - **۵- پای راست** / **۶- پای چپ**: روی پا از نوک انگشت تا برآمدگی.[1]

شستن صورت و دست‌ها

۱ .بنا بر احتیاط واجب، باید صورت و دست‌ها را از بالا به پایین شست و اگر از پایین به بالا بشوید وضو باطل است.[2]

۲ .اگر پوست صورت از لای موها (ریش، ابرو) پیدا باشد، باید آب را به پوست برساند و اگر پیدا نباشد، شستن مو کافی است و رساندن آب به زیر مو لازم نیست.[3]

---

۱ . تحریرالوسیله، ج۱، فصل فی الوضو، صص ۲۱ و ۲۳، م۱ و ۳ و ۱۲ به فتوای عده ای از فقها مسح پا باید تا آخر روی پا (مفصل) کشیده شود.

۲ .توضیح‌المسائل، م ۲٤۳.

۳ .همان، م ۲٤۰.

۳ . شستن داخل بینی و دهان و مقداری از لب و چشم که هنگام بستن دیده نمی‌شود، واجب نیست. ولی برای آنکه یقین کند از جاهایی که باید شسته شود چیزی باقی نمانده، واجب است مقداری از آنها را هم بشوید.[۱]

٤ .شستن اعضای وضو:
- **بار اوّل:** واجب
- **بار دوّم:** جایز
- **بار سوّم:** حرام[۲]

۵ .مقصود از شستن، آب ریختن نیست، بلکه شستن کامل است؛ یعنی اگر یک بار به طور کامل به نیت وضو تمام صورت یا دست را بشوید و بار دیگر هم به طور کامل بشوید، بار سوّم آن حرام است. بنابر این اگر چندین مرتبه هم آب بریزد ولی به تمام جاهای عضو نرسد، یکبار محسوب نمی‌شود. و اگر با یک بار ریختن، یا یک بار فرو بردن در آب، تمام عضو را فراگیرد. یک بار شستن به حساب می‌آید.[۳]

٦ .سه بار شستن اعضای وضو علاوه بر آنکه حرام است، گاهی موجب بطلان وضو می‌شود و آن در صورتی است که آب مسح، از آب شستن سوم باشد، چون مسح باید با آب وضو انجام شود.[۴]

مسح سر

۱ .جای مسح: یک قسمت از چهار قسمت سر، که بالای پیشانی است (جلوی سر).

۲ .مقدار واجب مسح: هرقدر باشد کافی است. (به مقداری که اگر کسی ببیند بگوید مسح کرد).

---

۱ .توضیح المسائل، م ٢٤٢.

۲- همان، م ٢٤٨. به فتوای برخی از فقها، شستن بار دوم مستحب است.

۳ .استفتاآت، ج ۱، ص ٣٤، س ٣٥.

٤ .همان و توضیح‌المسائل، م ٢٤٨.

۳ .احتیاط مستحب: به پهنای سه انگشت بسته و طول یک انگشت.

□٤ **.مسح با دست چپ:** جایز است.[1]

۵ . لازم نیست مسح بر پوست سر باشد، بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است، مگر موی سر انسان به قدری بلند باشد که هنگام شانه زدن، به صورتش بریزد، که باید پوست سر یا قسمت پایین (بیخ) مو را مسح کند.

مسح پا

۱ .جای مسح: روی پاست.

□**۲ .مقدار واجب مسح:** طول؛ از سرانگشت تا برآمدگی روی پا.[2]

عرض؛ هر اندازه باشد کافی است هر چند به قدر یک انگشت باشد.

۳ .احتیاط مستحب آن: همه روی پا.

□٤ .پای راست را باید پیش از پای چپ مسح کند، ولی لازم نیست پای راست را با دست راست و پای چپ را با دست چپ مسح کند.[3]

مسایل مشترک مسح سر و پا

۱ .در مسح باید دست را بر سر و پاها بکشد و اگر دست را نگه دارد و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است، ولی اگر موقعی که دست را می‌کشد سر یا پا مختصری حرکت کند اشکال ندارد.[4]

---

۱ .به فتوای برخی از فقها، مسح سر باید با دست راست باشد.

۲ .به نظر عده‌ای از فقها، مسح پا باید تا آخر روی مفصل پا کشیده شود.

۳ .العروة‌الوثقی، ج ۱، فصل في افعال الوضو، ص ۲۱۰. به فتوای برخی از فقها، مسح همزمان پاها نیز صحیح است و لازم است پای راست با دست راست و پای چپ با دست چپ مسح شود.

٤ .توضیح‌المسائل، م ۲۵۵.

□۲ ـ اگر برای مسح، رطوبتی در کف دست نمانده باشد، باید از اعضای دیگرِ وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح کند و نمی‌تواند دست را با آب غیر وضو خیس کند و با آن مسح را انجام دهد.[۱]

۳ ـ محل مسح (سر و روی پاها) باید خشک باشد، بنابراین اگر جای مسح تر باشد، باید آن را خشک کرد ولی اگر رطوبت آن به قدری کم باشد که مانع از تأثیر رطوبت دست، بر آن نباشد مانع ندارد.[۲]

٤ ـ بین دست و محل مسح، یعنی سر یا پاها نباید چیزی مانند چادر و کلاه، یا جوراب و کفش فاصله باشد. هر چند بسیار رقیق و نازک باشد و رطوبت به پوست برسد (مگر در حال ناچاری).[۳]

وضوی ارتماسی

۱ ـ وضوی ارتماسی آن است که انسان صورت و دست‌ها را به قصد وضو در آب فرو برد و بیرون آورد، یا آنها را در آب فرو برد و به قصد وضو بیرون آورد.[٤]

۲ ـ چون در وضوی ارتماسی نیز، باید ترتیب مراعات شود و دست و صورت از بالا به پایین شسته شود، بنابراین، وضوی ارتماسی به گونه‌های زیر انجام می‌شود:

- به قصد وضو صورت را از پیشانی، و دست را از آرنج در آب فرو برد و تا موقعی که آنها را از آب بیرون می‌آورد و ریزش آب تمام می‌شود به نیت وضو باشد. [چون آبی که بر دست می‌ماند و در مسح بکار می‌رود، باید آب وضو باشد].

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۲۵۷. به فتوای برخی از فقها، باید از صورت و ریش خود آب بگیرد.
۲ ـ همان، م ۲٦.
۳ ـ همان، م ۲۷.
٤ ـ همان، م ۲٦۱.

- بدون قصد وضو، صورت ودست را درآب فروبرد وبه قصد وضو بیرون آورد، که صورت را باید ابتدا از پیشانی بیرون آورد ودست‌ها را ازآرنج.[۱]

۳ . اگر بعضی از اعضای وضو را ارتماسی و بعضی را غیر ارتماسی انجام دهد اشکال ندارد.[۲]

وضوی کسی‌که دست یا پایش قطع شده

۱ .کسی که یک دست او پایین‌تر ازآرنج قطع شده، باید در وضو قسمت باقیمانده آن را بشوید و اگر کف دست را ندارد با دست دیگر مسح سر و پاها را انجام دهد و اگر ازآرنج یا بالاتر قطع شده شستن آن دست ساقط است.[۳]

۲ .کسی که هر دو دست او قطع شده، اگر از یکی یا هر دو دست چیزی از آرنج به پایین باقی مانده است باید آن را بشوید و چنانچه با باقیمانده دست نتواند مسح کند، باید برای مسح نایب بگیرد.[۴]

۳ .کسی که پای او قطع شده و چیزی از محل مسح (هر چند کم باشد) باقی نمانده، مسح آن پا ساقط است.[۵]

---

۱ .توضیح المسائل، م ۲٦۱ و ۲٦۲.

۲ .همان، م ۲٦۳.

۳ .العروۃالوثقی، ج ۱، فصل في افعال الوضوء، ص ۲۰٤، الثاني؛ استفتاآت، ج ۱، صص۲۰–۲٤؛ ۲٦ ،۲۹–۳۱.

٤ .همان.

٥ .همان.

پرسش

۱ .تفاوت طهارت باطنی و ظاهری چیست؟

۲ .کسی که نمی‌داند پوست صورتش از زیر موهای صورت پیداست یا نه، آیا هنگام وضو باید آب را به پوست صورت برساند؟

۳ .در چه صورتی مسح بر موهای قسمت جلوی سر کافی نیست؟

٤ .مقدار واجب و مستحب مسح سر و پاها چه اندازه است؟

٥ .اگر محل مسح، نجس باشد و تطهیر آن ممکن نباشد تکلیف چیست؟

٦ .تفاوت وضوی ترتیبی و ارتماسی چیست؟

۷ .کسی که یک دست و یک پایش به طور کامل قطع شده، چگونه باید وضو بگیرد؟

درس ۷

وضو(۱)

«يا أَيهَا الَّذِينَ آمَنُواْ إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلاةِ فاغْسِلُواْ وُجُوهَكُمْ وَأَيدِيكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُواْ بِرُؤُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَينِ ...».[۱]

« ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون به عزم نماز برخیزید صورت و دست‌هایتان را تا آرنج بشویید و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین هردوپا مسح کنید ...»

شرایط وضو[۲]

با شرایطی که خواهد آمد وضو صحیح است و با از بین رفتن هر یک از آنها، وضو باطل است.

۱.شرایط آب و ظرف وضو

۱ .آب وضو پاک باشد (نجس نباشد)؛

۲ .آب وضو مباح باشد (غصبی نباشد)؛

۱-سوره مائده، آیه٦.

۲ .توضیح‌المسائل، شرایط صحیح بودن وضو.

۳ .آب وضو مطلق باشد (مضاف[1] نباشد)؛

٤ .ظرف آب وضو مباح باشد؛

۵ .ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد.

۲ .شرایط اعضای وضو

۱ .پاک باشد؛

۲ .مانعی از رسیدن آب در آن نباشد.

۳ .شرایط کیفیت وضو

۱ .رعایت ترتیب (به همان ترتیب که در اعمال وضو گذشت)؛

۲ .رعایت مُوالات (بین اعمال وضو فاصله نیفتد)؛

۳ .خودش وضو بگیرد (از دیگری کمک نگیرد).

٤ .شرایط وضوگیرنده

۱ .استفاده از آب برای او مانعی نداشته باشد؛

۲ .با قصد قربت وضو بگیرد (ریا نکند).

۵. شرایط آب وضو

۱ .وضوگرفتن با آب نجس یا آب مضاف باطل است، خواه انسان، بداند آن آب نجس یا مضاف است یا نداند، یا فراموش کرده باشد.[2]

۲ .آب وضو باید مباح باشد، بنابر این در موارد زیر وضو باطل است:

*وضوگرفتن با آبی که صاحب آن راضی نیست (راضی نبودن او معلوم است)؛

---

۱ .آب مضاف، آبی است که از چیزی گرفته شده باشد، مثل آب هندوانه؛ یا با چیزی مخلوط کرده باشند، به طوری که به آن، آب گفته نشود؛ مثل شربت. آبی که مضاف نباشد مطلق است. توضیح این بحث در درس ۱۳ خواهد آمد.

۲ .توضیح‌المسائل، م ۲٦۵.

*آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه.

* آبی که وقف افراد خاصی است؛ مانند وضوخانه برخی از مدارس، هتل‌ها، مسافرخانه‌ها و...[۱]

□ ۳. وضوگرفتن از نهرهای بزرگ، گرچه انسان نداند صاحبان آنها راضی هستند یا نه، اشکال ندارد، امّا اگر صاحبان آن از وضو گرفتن جلوگیری کنند، احتیاط واجب آن است که وضو نگیرند.[۲]

٦. شرایط اعضای وضو

۱. اعضای وضو در موقع شستن و مسح باید پاک باشد.[۳]

۲. اگر در بین وضو، جایی که شسته یا مسح کرده، نجس شود وضو صحیح است؛ مثلاً هنگامی که مشغول شستن دست‌ها است، صورت وی نجس شود.[۴]

۳. اگر غیر اعضای وضو، جایی از بدن نجس باشد، وضو صحیح است ولی اگر مخرج بول یا غائط را تطهیر نکرده، بهتر آن است که اوّل آن را تطهیر کند، بعد وضو بگیرد.[۵]

٤. خطوط قلم خودکار و لکه‌های رنگ و چربی و کِرِمْ در صورتی که رنگ بدون جِرم باشد، مانع وضو نیست، ولی اگر جِرم داشته باشد (روی پوست را گرفته) باید برطرف شود.[۶]

۵. خال‌کوبی‌هایی که جرم ندارد و مانع از رسیدن آب به پوست نمی‌باشد، و صرفاً جوهر است و جذب پوست می‌شود برای وضو اشکال ندارد.[۷]

---

۱. العروة‌الوثقی، ج ۱، فصل في شرايط الوضوء، صص ۲۱۹ – ۲۲۵، م ٦، ۷، ۸؛ توضیح‌المسائل، م ۲٦۵.

۲. توضیح‌المسائل، م ۲۷۱. به فتوای برخی از فقها، در صورتی که وضو گرفتن از آن، بین مسلمین متعارف است اشکال ندارد وگرنه باطل است و همچنین اگر بداند صاحبان آن راضی نیستند.

۳. توضیح‌المسائل، شرایط وضو، ص ۳۵، شرط ششم و م ۲۷٦ و ۲۷۷.

٤. همان.

۵. همان.

٦. استفتاآت، ج ۱، صص ۳٦ و ۳۷، س ٤۰ تا ٤۵.

۷. همان.

۷. شرایط کیفیت وضو

◘ ترتیب

کارهای وضو باید به ترتیبی که در بحث اعمال وضو گفته شد انجام داده شود و اگر ترتیب اعمال وضو به‌هم بخورد وضو باطل است.[۱]

◘ مُوالات

۱. موالات؛ یعنی پشت سرهم انجام دادن و فاصله نینداختن بین اعمال وضو.

۲. اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می‌خواهد جایی را بشوید یا مسح کند رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده، خشک شده باشد، وضو باطل است ولی اگر فقط رطوبت جایی که جلوتر از محلی است که می‌خواهد بشوید یا مسح کند خشک شده باشد، وضویش صحیح است.[۲]

۳. راه رفتن بین وضو اشکال ندارد، بنابراین اگر پس از شستن صورت و دست‌ها، چند قدم راه برود[به قدری که موالات به‌هم نخورد]و بعد سر و پا را مسح کند، وضوی او صحیح است.[۳]

◘ کمک نگرفتن از دیگران

۱. کسی که می‌تواند اعمال وضو را خودش انجام دهد، نباید از دیگری کمک بگیرد، پس اگر دیگری صورت و دست او را بشوید یا مسح او را انجام دهد وضوی او باطل است، ولی اگر شخص دیگری آب را در دست وی بریزد و وضوگیرنده خودش آن را بر اعضا می‌ریزد و می‌شوید وضو باطل نیست ولی این‌گونه کمک گرفتن مکروه است.[۴]

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۱، فصل في شرایط الوضو، ص ۲۸.
۲. همان، م ۱۵؛ توضیح‌المسائل، م ۲۸۳.
۳. توضیح‌المسائل، م ۲۸۵.
٤. العروةالوثقی، ج ۱، في شرایط الوضو، التاسع، ص ۲۳٤.

□ ۲ .کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد، باید نایب بگیرد که او را وضو دهد و چنان‌چه مزد هم بخواهد، در صورتی که بتواند باید بدهد، ولی خود او باید نیت وضو کند.[۱]

۳ .کسی که در وضو از دیگری کمک می‌گیرد، هرکدام از کارهای وضو را که می‌تواند به تنهایی انجام دهد، نباید در آن عمل کمک بگیرد.[۲]

٤ .کسی که دیگری را وضو می‌دهد، در مسح باید دست او را بر سر و پاهایش بکشد، مگر آنکه ممکن نباشد، که در آن صورت باید از دست او رطوبت بگیرد و با دست خود، مسح او را انجام دهد و چنانچه ممکن است بنا بر احتیاط واجب تیمّم هم بنماید.[۳]

۸. شرایط وضوگیرنده

۱ .کسی که می‌داند اگر وضو بگیرد مریض می‌شود یا می‌ترسد که مریض شود، باید تیمّم کند و اگر وضو بگیرد باطل است. ولی اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد و بعد بفهمد که ضرر داشته، وضویش صحیح است.[۴]

۲ .وضو باید به قصد قربت انجام شود؛ یعنی برای انجام دادن فرمان خداوند عالم وضو بگیرد.[۵]

۳ .لازم نیست نیت را به زبان آورد، یا از قلب خود بگذراند، بلکه همین مقدار که می‌داند وضو می‌گیرد کافی است، به‌طوری که اگر از او بپرسند چه کار می‌کنی؟ بگوید: وضو می‌گیرم.[۶]

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۲۸٦. به نظر برخی از مراجع، نایب نیز باید نیّت وضو کند.
۲ .همان، م ۲۸۷.
۳ .همان، م ۲۸٦.
٤ .العروة‌الوثقی، ج ۱، في شرایط الوضوء، السابع، ص۲۳۲؛ توضیح‌المسائل، م ۲۸۸ و ٦۷۲.
۵ .توضیح‌المسائل، شرایط وضو، شرط هشتم.
٦ .همان، م ۲۸۲.

٤ . چنانچه وقت نماز به قدری تنگ است که اگر وضو بگیرد، تمام نماز یا قسمتی از آن، بعد از وقت خوانده می‌شود، باید تیمّم کند.[1]

پرسش

۱ .کدام‌یک از شرایط، مشترک بین آب وضو و ظرف آب وضو است؟

۲ .وضوگرفتن از نهرها و شیرهای آب کنار خیابان (جلوی مغازه‌ها) چه حکمی دارد؟

۳ .وضوگرفتن از آب‌سردکنی که مخصوص نوشیدن است چه حکمی دارد؟

٤ .چگونه موالات وضو به هم می‌خورد، با ذکر مثال بیان فرمایید.

۵ .پرستار، بیماری را که قادر به وضو نیست، کمک می‌دهد، نحوه کمک او را بیان کنید.

---

۱ .توضیح المسائل، م ۲۸۰.

درس ۸

وضو(۲)

وضوی جبیره‌ای

دوایی که بر زخم می‌گذارند و چیزی که با آن، زخم یا عضو شکسته را می‌بندند، «جَبیره» نام دارد.

۱ . شخصی که بر اعضای وضویش زخم یا شکستگی است، اگر بتواند به‌طور معمول وضو بگیرد، باید چنین کند[1]؛ مثلاً:

.روی زخم باز است و آب برای آن ضرر ندارد.

.روی زخم بسته است، ولی بازکردن آن امکان دارد و آب ضرر ندارد.

□ ۲. چنانچه زخم بر صورت یا دست‌هاست و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد و گذاشتن پارچه و امثال آن روی زخم ممکن نباشد، اگر اطراف آن را بشوید کافی است.[2]

۳ . اگر زخم یا شکستگی در جلو سر یا روی پاهاست و روی آن باز است، چنانچه نتواند آن را مسح کند، باید پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو

---

۱ . توضیح‌المسائل، م ۳۲٤.

۲ . همان، م ۳۲۵. به فتوای برخی از فقها، علاوه بر وضو، تیمّم نیز لازم است.

که در دست مانده، مسح کند و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد، باید به جای وضو تیمّم کند و بهتر است یک وضو بدون مسح نیز بگیرد.[۱]

چند مسأله:

۱ .کسی که نمی‌داند وظیفه‌اش وضوی جبیره‌ای است یا تیمّم، بنا بر احتیاط واجب باید هر دو را انجام دهد.[۲]

۲ .کسی که در کف دست و انگشت‌ها جبیره دارد و در موقع وضو، دست تر روی آن کشیده است، می‌تواند سر و پا را با همان رطوبت مسح کند، یا از جاهای دیگر وضو رطوبت بگیرد.[۳]

۳ .اگر در صورت و دست‌ها چند جبیره باشد، باید بین آنها را بشوید و اگر جبیره‌ها در سر یا روی پاها باشد باید بین آنها را مسح کند و در جاهایی که جبیره است باید به دستور وضوی جبیره‌ای عمل کند.[۴]

٤ . مقدار جبیره و وظیفه وضوگیرنده

۱.اگر جبیره، تمام اعضای وضو را گرفته باشد، باید تیمّم کند.

۲.اگر جبیره، بعضی از اعضای وضو را گرفته باشد؛ مثل تمام صورت یا تمام یک دست، باید وضوی جبیره‌ای بگیرد.

۳.اگر جبیره، بیشتر اعضای وضو را گرفته باشد، بنابراحتیاط واجب باید وضوی جبیره‌ای بگیرد و تیمّم هم انجام دهد.

٤.اگر جبیره بیش از حد معمول اطراف زخم را پوشانده باشد و برداشتن آن ممکن نباشد، باید وضوی جبیره‌ای بگیرد و بنابراحتیاط واجب، تیمّم هم بنماید.[۵]

---

۱ .توضیح المسائل، م ۳۲٦.

۲ .همان، م ۳٤۳.

۳ .همان، م ۳۳۲.

٤ .همان، م ۳۳٤.

۵ .همان، م ۳۳۰، ۳۳۱ و ۳۳۵. در فرض دوم به فتوای برخی از فقها، تیمّم نیز لازم است.

شکیات وضو

۱ .کسی که نمی‌داند وضوگرفته یا نه، باید وضوبگیرد.[۱]

۲ .کسی که نمی‌داند وضویش باطل شده یا نه، لازم نیست دوباره وضوبگیرد.[۲]

۳ .اگرانسان دربین نمازشک کند وضوگرفته یا نه، نمازش باطل است.[۳]

٤ .اگرپس ازخواندن نماز، شک کند با وضوبوده یا نه، نمازخوانده شده صحیح است، ولی برای نمازهای بعدی باید وضوبگیرد.[۴]

٥ .اگرانسان پس ازوضوشک کند، مانعی براعضای وضوبوده یا نه، به شک اعتنا نمی‌شود ووضوصحیح است.[۵]

٦ .اگرمی‌داند چیزی براعضای وضو چسبیده ولی شک دارد که ازرسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه، باید آن را برطرف کند یا آب را زیرآن برساند.[۶]

۷ .اگرپس ازوضوچیزی که مانع رسیدن آب است دراعضای وضوببیند ونداند هنگام وضوبوده یا بعد پیدا شده، وضوی اوصحیح است، ولی اگربداندکه دروقت وضوگرفتن ملتفت آن مانع نبوده، احتیاط واجب است که دوباره وضوبگیرد.[۷]

۸ .کسی که درکارهای وضوو شرایط آن، مثل وجود داشتن مانعی براعضا، زیاد شک می‌کند، باید به شک خود اعتنا نکند.[۸]

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۳۰۱.
۲ .همان، م ۳۰۰.
۳ .همان، م ۳۰٤.
٤ .همان، م ۳۰۳.
٥ .همان، م ۲۹۸.
٦ .همان، م ۲۹۰.
۷ .همان، م ۲۹۷.
۸ .همان، م ۲۹۹.

مبطلات وضو

آنچه وضو را باطل می‌کند عبارتند از:

۱.خارج شدن ادرار یا مدفوع؛

۲.خارج شدن باد معده و روده از مخرج غائط؛

۳.خواب، به حدّی که گوش نشنود و چشم نبیند؛ چرت زدن اگر در این حدّ نباشد وضو باطل نمی‌شود.

٤.چیزهایی که عقل را از بین می‌برد؛ مانند دیوانگی، مستی، بیهوشی.

□ ۵.آنچه سبب غسل شود؛ مانند جنابت و مَسّ میت.[1]

٦.استحاضه[2] زنان.[3]

آداب وضو[4]

برخی از مستحبات وضو

۱ .مصرف آب بیش از یک مُدّ نباشد (یک مُدّ حدود ۷۵۰ گرم است).

۲ .مسواک کردن دندان‌ها، هر چند با انگشت.

۳ .اگر از ظرف، وضو می‌گیرد، آن را سمت راست خود قرار دهد.

٤ .شستن دست‌ها قبل از شروع وضو.

۵ .مضمضه (آب در دهان گرداندن).

٦ .استنشاق (آب در بینی کردن و بیرون ریختن).

۱.به فتوای برخی از فقها مس میت وضو را باطل نمی‌کند.

۲ .استحاضه زنان وضو را باطل می‌کند و در برخی موارد نیازی به غسل ندارد.

۳ .توضیح‌المسائل، م ۳۲۳.

٤ .این بخش از درس را می‌توان به مطالعه شاگردان واگذار کرد.

۷ ــ گفتن «بسم‌الله» هنگامی که دست را درآب می‌برد یا آب را برآن می‌ریزد وبهتر است بگوید «بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنی مِنَ التَّوّابینَ وَ اجْعَلْنی مِنَ الْمُتَطَهِّرینَ».

۸ .آب را در دست راست بریزد، هرچند برای شستن دست راست؛ بدین معنا که اوّل آب را در دست راست بریزد سپس در دست چپ و بعد بر دست راست بریزد.

۹ .خواندن دعاهای وضو.

۱۰ .ریختن آب، قسمت بالای عضو.

۱۱ .ریختن آب برعضو، نه فروبردن عضو در آب.

۱۲ .کشیدن دست براعضا، هرچند بدون کشیدن دست، شسته شود.

۱۳ .انجام دادن تمام اعمال وضو با حضور قلب.

۱٤ .خواندن سوره «قدر» هنگام وضو.

۱۵ .خواندن «آیةالکرسی» پس از وضو.

۱٦ .بازگذاشتن چشم‌ها هنگام شستن صورت.

۱۷ . و نیز مستحب است برای شستن بار اوّل دست‌ها، مردان آب را بر قسمت بیرونی آرنج، و زنان بر قسمت داخلی، جایی که دست خم می‌شود بریزند.[۱]

مکروهات وضو

۱ .کمک گرفتن از دیگران درمقدمات قریبه وضو؛ مثل ریختن آب در دست وضوگیرنده.

۲ .وضوگرفتن در محل استنجاء، مثلاً در توالت.

۳ .وضوگرفتن از ظرفی که طلاکوب یا نقره‌کوب است یا نقش صورت برآن است.

٤ .وضوگرفتن با این آب‌ها:

*آبی که درآفتاب گرم شده؛

*آبی که در غسل واجب بکار رفته؛

---

۱ .العروة‌الوثقی، ج ۱، فصل في بعض مستحبات الوضوء، صص ۱۹۸ تا ۲۰۰.

* آب متعفّن. (ولی اگر مضاف باشد وضو باطل است و اگر ضرر داشته باشد، جایز نیست)

* آب نیم‌خورده حیوان حرام‌گوشت.[1]

پرسش

۱ .اگر یک دست را به طورکامل جبیره پوشانده است و بازکردن جبیره هم ممکن نیست، وظیفه وضوگیرنده چیست؟

۲ .اگر شست پا و دو انگشت دیگر را با جبیره پوشانده باشد، وظیفه وضوگیرنده برای مسح چیست؟

۳ - اگر انسان بعد از نماز چیزی بر اعضای وضو ببیند و نداند مربوط به چه زمانی است تکلیف چیست؟

٤ .کسی که به میتی دست زده، وظیفه‌اش برای نماز چیست (وضو یا غسل)؟

۵ .اگر چیزی بر اعضای وضو است که نمی‌داند مانع رسیدن آب به پوست بدن است یا نه، تکلیف چیست؟

٦ .کدام‌یک از مستحبات وضو مربوط به آب وضوست؟

۷ –آیا بین وضوی مردان و زنان تفاوتی وجود دارد؟

---

۱ .العروة‌الوثقی، ج ۱، فصل في مكروهات الوضوء، صص۲۰۰ تا ۲۰۲.

درس ۹

غُسل

﴿لاَ تَقْرَبُواْ الصَّلاَةَ وَأَنتُمْ سُكَارَى حَتَّىَ تَعْلَمُواْ مَا تَقُولُونَ وَلاَ جُنُبًا إِلاَّ عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىَ تَغْتَسِلُواْ﴾[1]

«ای کسانی که ایمان آورده اید ، آنگاه که مست هستید گرد نماز مگردید، تابدانید که چه می‌گویید و نیز در حال جنابت، تا غسل کنید.»

گاهی باید برای نماز (و هرکاری که نیاز به طهارت دارد) وضو گرفت، که موارد آن در درس‌های گذشته گفته شد، ولی گاهی باید غسل کرد؛ یعنی برای اطاعت فرمان خداوند تمام بدن را شست و گاهی علاوه بر غسل وضو نیز لازم است. غسل نیز مانند وضو گاهی واجب و گاهی مستحب است، اما هیچ‌گاه غسل به خودی خود نه واجب است نه مستحب؛ بلکه نیاز به سبب و موجب دارد، اکنون به بیان موارد غسل و چگونگی آن می‌پردازیم:

---

۱ ـ نساء: ۴۳.

اقسام غسل

- **۱- واجب**
  - **۱- برای مردان و زنان**
    - ۱-جنابت
    - ۲- مس میت
    - ۳- میت
  - **۲-ویژه بانوان**
    - ۱ -حیض
    - ۲ -استحاضه
    - ۳ -نِفاس
- **۲-مستحب**
  - **۱-زمانی**، غسلی که برای زمان خاصی مستحب است، مانند: شب قدر و روز عرفه و غسل جمعه
  - **۲-مکانی**، غسلی که به جهت رفتن به مکان معینی مستحب می‌شود، مانند: رفتن به مسجدالحرام
  - **۳-فعلی**، غسلی که برای انجام دادن کار خاصی مستحب است، مانند: غسل احرام عمره یا حج[1]

کیفیت غسل

درغسل باید تمام بدن و سروگردن شسته شود، خواه غسل واجب باشد؛ مانند جنابت؛ یا مستحب؛ مانند غسل جمعه.

چگونگی غسل

- **۱.ترتیبی**[2]
  - اول سروگردن را بشوید.
  - وسپس نیمه راست بدن.
  - وبعد ازآن نیمه چپ بدن را.
- **۲.ارتماسی**
  - * با نیت غسل، یك‌باره زیرآب می‌رود، به طوری که تمام بدن درآب قرارگیرد.
  - * یا به تدریج زیرآب می‌رود، که درنهایت تمام بدن درآب قرارگیرد.
  - * یا زیرآب رفته ودرآب به نیت غسل بدن را حرکت می‌دهد.

---

۱ - تحریرالوسیله، ج۱، کتاب الطهارة، فصل فی الاغسال، ص ۳۶، والقول فی الاغسال المندوبة، ص ۹۷.

۲. توضیح‌المسائل، م ۳۶۱ ، ۳۶۷ و ۳۶۸ . به فتوای برخی از فقها بعد از شستن سروگردن به احتیاط واجب ابتدا طرف راست و بعد طرف چپ باید شسته شود. به نظر برخی دیگر بین طرف راست و چپ بدن ترتیب شرط نیست و شستن کامل بدن بعد از سروگردن کفایت می کند.

احکام غسل

۱ .تمام شرط‌هایی که برای صحّت وضوگفته شد، در صحّت غسل هم شرط است، به جزموالات وازبالا به پایین شستن بدن.[۱]

۲ .کسی که چند غسل براوواجب است، می‌تواند به نیت همه آنها یک غسل بجا آورد.[۲]

□ ۳ .کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نمازوضوبگیرد، ولی با غسل‌های دیگر نمی‌تواند نمازبخواند وباید وضوهم بگیرد.[۳]

□ ٤ .درغسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد، ولی درغسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست، واگرهرقسمتی را پیش ازغسل دادنِ همان قسمت تطهیرکند کافی است.[۴]

□ ۵ .غسل جبیره‌ای مثل وضوی جبیره‌ای است، ولی بنابراحتیاط واجب باید آن را ترتیبی بجا آورد.[۵]

٦ .درغسل لازم نیست تمام بدن با دست شسته شود واگربا نیت غسل، آب به تمام بدن برسدکافی است.[۶]

□ ۷ .اگردربین غسل، یکی ازمبطِلات وضوپیش آید غسل باطل نمی‌شود، ولی باید

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۳۸۰.

۲ .همان، م ۳۸۹.

۳ .همان، م ۳۹۱. به فتوای برخی از مراجع تقلید، با سایرغسل‌های واجب، بلکه برخی از غسل‌های مستحب نیزمی‌توان بدون وضونمازخواند.

٤ .همان، م ۳۷۲ . به فتوای برخی ازفقها، پاک بودن بدن قبل ازغسل لازم نیست، بلکه اگربا فرورفتن درآب یاآب ریختن بربدن به قصد غسل، بدن پاک شود، غسل صحیح است.

۵ .همان، م ۳۳۹ . به فتوای برخی ازفقها، غسل جبیره‌ای ارتماسی نیزصحیح است.

٦ .استفتاآت، ج ۱، ص ٥٦، س ۱۱۷.

برای نماز وضو بگیرد، هرچند غسل جنابت باشد.[1]

پس از تعریف و تقسیم غسل، به بیان مسایل هریک از غسل‌های واجب می‌پردازیم:

غسل جنابت

۱ - کسی که جنب شده باشد باید برای انجام دادن کارهایی که مشروط به طهارت است غسل جنابت انجام دهد.[2]

۲ - چنانچه از انسان منی بیرون آید یا جماع (آمیزش) کند هرچند منی بیرن نیاید، جنب می‌شود.[3]

کارهایی که بر جنب حرام است

* رساندن جایی از بدن به خط قرآن، اسم خداوند و بنابر احتیاط واجب، اسامی پیامبران و ائمه علیهم‌السلام؛

* رفتن به مسجدالحرام و مسجدالنّبی صلی‌الله‌علیه‌وآله هر چند از یک در وارد و از در دیگر خارج شود؛

* توقف در مساجد؛

*گذاشتن چیزی در مسجد، هر چند از بیرون مسجد باشد؛

□ *خواندن سوره‌هایی از قرآن که سجده واجب دارد، حتی یک حرف از آن؛[4]

□ * توقف در حرم امامان علیهم‌السلام (بنابر احتیاط واجب).[5]

---

۱ . توضیح‌المسائل، م ٣٨٦ . به فتوای برخی از فقها، باید غسل را از سر بگیرد.

۲ . تحریرالوسیله، ج ۱، فصل في الاغسال، ص ٣٦، م ١.

۳ . همان.

٤ . به فتوای برخی از فقها، فقط خواندن آیه سجده حرام است.

٥ . تحریرالوسیله، ج ۱، القول في احکام الجنب، صص ۳۸ و ۳۹ . برخی از فقها حرم امامان را ملحق به مسجد النّبی و توقف در آنها را حرام می دانند.

دو مسأله:

۱ ـ اگر جنب از یک در مسجد وارد و از در دیگر خارج شود (عبور بدون توقف) مانع ندارد، بجز مسجد الحرام و مسجد النّبی که عبور هم جایز نیست.[۱]

۲ ـ نمازخانه مؤسسات و ادارات حکم مسجد ندارد، مگر آنکه به عنوان مسجد وقف شده باشد. حرم امامزادگان نیز حکم حرم امامان را ندارد.[۲]

سوره‌های سجده‌دار قرآن:[۳]

- سوره ۳۲ = سجده، آیه ۱۵ ﴿ اِنَّما یؤمن بایاتِنا الّذین...﴾
- سوره ٤۱ = فُصّلت، آیه ۳۷ ﴿وَمِن آیاتِهِ اللَّیلِ وَالنَّهارِ...﴾
- سوره ۵۳ = نَجم، آیه آخر ﴿فَاسْجُدوا لله واعْبُدُوا﴾
- سوره ۹٦ = عَلَق، آیه آخر ﴿کلاّ لا تُطِعْهُ واسْجُدْ وَاقْتَرِبْ﴾

غسل میّت و غسل مس میّت

احکام این دو غسل در درس ۸۲ (احکام اموات) خواهد آمد.

پرسش

۱ ـ وجه افتراق و اشتراک غسل ترتیبی و ارتماسی چیست؟

۲ ـ شرایط صحّت غسل را برشمارید؟

۳ ـ اگر شخصی در بین غسل جنابت ادرار کند، غسلش چه حکمی دارد و وظیفه‌اش نسبت به نماز چیست؟

٤ ـ اگر انسان پس از غسل متوجه شود، مقداری از طرف راست بدن خشک مانده، تکلیف چیست؟

۵ ـ در رابطه با قرآن چه کارهایی بر جنب حرام است؟

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج۱، القول في احکام الجنب، ص ۳۸.

۲ ـ العروةالوثقی، ج ۱، في ما یحرم علی الجنب، ص ۲۸۸، م ۳؛ استفتاآت، ج ۲، ص ۳٤۳.

۳ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، فصل في غسل الجنابة، القول في احکام الجنب، صص ۳۸ و ۳۹.

درس ۱۰

تیمّم

﴿ وَ إِنْ كُنتُم مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لامَسْتُمُ النِّسَآءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَآءً فَتيمّموا صَعِيداً طَيبا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيدِيكُم مِنْهُ ﴾.[۱]

«اگر بیمار، یا در سفر باشید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمد، یا با زنان نزدیکی کردید وآبی نیافتید، پس با خاک پاک تیمّم کنید واز آن به صورت ودست‌هایتان بکشید...»

موارد تیمّم

در این موارد باید به جای وضوو غسل تیمّم کرد:

۱ .آب نباشد، یاانسان دسترسی به آن نداشته باشد.

۲ .آب برای انسان ضررداشته باشد؛ مثلاًبه سبب استفاده ازآب، مرضی دراوپیدا می‌شود.

---

۱. مائده: ٦.

۳ . اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، بیم آن می‌رود که خود یا همسر یا فرزندان یا رفیق، یا کسانی که به وی مربوطند، از تشنگی بمیرند یا مریض شوند یا به قدری تشنه شوند که تحمل آن مشقت دارد و همچنین کسی که حفظ جان او واجب است طوری تشنه باشد که اگر آب را به او ندهند تلف می‌شود.

٤ . بدن یالباس او نجس است و آب بیش از تطهیرِ آن ندارد، و لباس دیگری هم ندارد.

٥ . وقت برای وضوگرفتن یا غسل کردن ندارد به طوری که اگر وضو بگیرد یا غسل کند، تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود.[1]

چند مسأله:

۱ . اگر عمداً نماز را به قدری تأخیر بیندازد که وقت وضو یا غسل نداشته باشد، معصیت کرده ولی نماز او با تیمّم صحیح است، گرچه احتیاط مستحب است قضای آن نماز را بخواند.[2]

۲ . کسی که شک دارد اگر وضو بگیرد یا غسل کند وقت برای نماز او می‌ماند یا نه، باید تیمّم کند.[3]

۳ . اگر انسان به قدری وقت دارد که می‌تواند وضو بگیرد یا غسل کند و نماز را بدون کارهای مستحب آن؛ مثل اقامه و قنوت بخواند، باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون کارهای مستحب آن بجا آورد، بلکه اگر به اندازه سوره هم وقت ندارد باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون سوره بخواند.[4]

---

۱ . توضیح المسائل، تیمّم.
۲ . همان، م ٦٧۹.
۳ . همان، م ٦٨٠.
٤ . همان، م ٦٨۳.

استفتاء

س .اگر در جایی انسان، مانند منزل خود جنب شود و به عللی، مثل دور بودن حمام یا خجالت کشیدن یا... در حال جنابت بماند تکلیف چیست و همین‌طور در کوه و بیابان که به موقع دسترسی به آب ندارد؟

ج .عذرهای ذکر شده، مجوّز تیمّم نیست و باید غسل کند، ولی اگر غسل کردن به واسطه نبودن آب یا دور بودن آب و دسترسی نداشتن به آن میسور نبود، باید برای نماز تیمّم کند.[۱]

کیفیت تیمّم

□ برای تیمّم، اعمال ذیل باید به ترتیب انجام داده شود:

- زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمّم بر آن صحیح است.
- کشیدن کف هر دو دست بر تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می‌روید تا ابروها و بالای بینی و بنابر احتیاط واجب باید دست‌ها روی ابروها هم کشیده شود.
- کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست.
- کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ.

تمام کارهای تیمّم باید با قصد تیمّم و برای اطاعت از دستور الهی انجام شود و نیز باید معلوم کند که تیمّم به جای وضو است یا غسل و چه غسلی.[۲]

چیزهایی که تیمّم بر آنها صحیح است:

* خاك
* ریگ

۱ .استفتاآت، ج ۱، ص ۹۲، س ۲۳۶.

۲ .توضیح‌المسائل، م ۷۰۰. به فتوای برخی از فقها احتیاط آن است که یک بار دست‌ها را بر زمین زده و بر پیشانی و پشت دست‌ها بکشد و یک بار دیگر بر زمین بزند و بر دست‌ها بکشد.

□ *اقسام سنگ‌ها؛ مانند سنگ سیاه، سنگ مرمر، سنگ گچ و سنگ آهک (پیش از پخته شدن) ولی تیمّم بر جواهر، مانند عقیق و فیروزه باطل است.

□ *گل پخته؛ مانند آجر و کوزه.[۱]

چند مسأله:

۱ .تیمّمی که به جای وضو است با تیمّمی که به جای غسل است، تفاوتی ندارد مگر در نیت.[۲]

۲ .کسی که به جای وضو تیمّم کرده است؛ اگر یکی از چیزهایی که وضو را باطل می‌کند از او سر بزند تیمّمش باطل می‌شود.[۳]

۳ .کسی که به جای غسل تیمّم کرده است، هرگاه یکی از موجبات غسل، مثل جنابت یا مسّ میت پیش آید تیمّمش باطل می‌شود.[۴]

٤ .تیمّم در صورتی صحیح است که انسان نتواند وضو بگیرد، یا غسل کند، بنابر این اگر بدون عذر تیمّم کند صحیح نیست و اگر عذر داشته باشد و برطرف شود؛ مثلاً آب نداشته و آب پیدا کند، تیمّم او باطل می‌شود.[۵]

---

۱ .توضیح المسائل، م ٦٨٤ و ٦٨٥؛ العروة الوثقی، ج ۱، فصل في بيان ما يصح التيمّم به، ص ٤٨٥. به فتوای برخی از فقها، تیمّم بر سنگ گچ و سنگ آهک و گل پخته صحیح نیست و بعضی دیگر تیمّم بر گچ و آهک را نیز صحیح می‌دانند.

۲ .توضیح المسائل، م ۷۰۱.

۳ .همان، م ۷۲۰.

٤ .همان، م ۷۲۰.

۵ .همان، م ۷۲۲.

□ ۵ .اگر به جای غسل جنابت تیمّم کند، لازم نیست برای نماز وضو بگیرد، ولی اگر به جای غسل‌های دیگر تیمّم کند، با آن تیمّم نمی‌تواند نماز بخواند و باید برای نماز وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمّم دیگری به جای وضو انجام دهد.[۱]

□ ٦ .اگر بدل از غسل، تیمّم کند و بعد کاری که وضو را باطل می‌کند برای او پیش آید، چنانچه برای نمازهای بعد نتواند غسل کند باید وضو بگیرد و اگر نمی‌تواند وضو بگیرد، باید بدل از وضو تیمّم نماید.[۲]

شرایط صحّت تیمّم

* اعضای تیمّم یعنی پیشانی و دست‌ها پاک باشد؛
* پیشانی و پشت دست‌ها را از بالا به پایین مسح کند؛
* چیزی که بر آن تیمّم می‌کند پاک و مباح باشد؛
* ترتیب را رعایت کند؛
* موالات را رعایت کند؛
* چیزی بین دست و پیشانی و دست و پشت دست، به هنگام مسح، فاصله نباشد.[۳]

تیمّم کسی که دستش قطع شده

۱ .کسی که یک دستش قطع شده، برای تیمّم باید دست دیگر را بر زمین بزند و بر

---

۱ .همان، م ۷۲۳ . به نظر برخی از فقها، تیمّم بدل از وضو در این صورت، واجب نیست بلکه احتیاط مستحب است.

۲ .توضیح المسائل ، م ۷۲٤ . به فتوای برخی از فقها، اگر برای نمازهای بعد نتواند غسل کند باید بدل از غسل تیمّم کند و احتیاط مستحب است وضو هم بگیرد و به فتوای برخی از فقها باید وضو بگیرد و احتیاط آن است تیمم بدل از غسل نیز انجام دهد.

۳ .العروةالوثقی، ج ۱، فصل في كيفية التيمّم، ص ٤۹۵؛ توضیح المسائل، م ٦۹۲ .٦۹٤، ۷۰٤ تا ۷۰٦ .

پیشانی بکشد و پس از آن پشت دست را بر زمین بکشد. چنانچه با یک بارکشیدن دست بر پیشانی تمام آن مسح نشد، دوبار دست را بر پیشانی بکشد.[۱]

۲ ـ کسی که دو دستش قطع شده، برای تیمّم باید پیشانی را بر چیزی که تیمّم صحیح است بکشد و چنانچه با یک بار تمام پیشانی مسح نشد تکرار می‌کند و اگر خودش نتواند تیمّم کند، نایب می‌گیرد.[۲]

پرسش

۱ ـ در چه صورتی، در تنگی وقت، باید به جای وضو یا غسل، تیمّم کرد؟

۲ ـ تیمّم بر موزاییك، بتون، خشت، کاشی و کوزه چه حکمی دارد؟

۳ ـ کدام یک از شرایط وضو، شرط صحّت تیمّم نیز هست؟

٤ ـ آیا جنب می‌تواند با تیمّم بدل از غسل به مسجد برود؟

٥ ـ کدامیک از شرایط صحت وضو و غسل با هم مشترکند؟

---

۱ ـ استفتاآت، ج ۱، ص ۹٤.

۲ ـ همان.

درس ۱۱

نجاسات (۱)

«طهارت» غیر از «نظافت» و «نجاست» غیر از «کثافت» است. ممکن است چیزی تمیز باشد ولی از نظر احکام اسلام پاک نباشد، خواسته اسلام، هم طهارت است و هم نظافت؛ یعنی انسان باید به فکر پاکی و تمیزی خود و محیط و زندگی‌اش باشد و برای برخی اعمال، طهارت کسب کند، و اکنون سخن درباره طهارت است:

برای پاکی از نجاسات، شناخت آنها و راه پاک کردن اشیای نجس نیز لازم است.[۱]

نجس و مُتنجّس

نجس چیزی است که به خودی خود نجس است که به آن «عین نجس» نیز گفته می‌شود مانند خون و مردار.

مُتنَجس چیزی است که به خودی خود نجس نیست ولی به واسطه برخورد با شیء نجس، نجس شده است، مثل فرشی که با ادرار نجس شده باشد.

۱. پاک بودن بدن و لباس، اختصاص به نماز ندارد و در مواردی دیگر از جمله در حال احرام و طواف نیز لازم است و این بحث در ابواب دیگر فقهی نیز به تناسب مطرح خواهد شد.

نجاسات

- ۱ .ادرار (بول)
- ۲ .مدفوع (غائط)
  - انسان و حیوان‌های حرام گوشتِ خون جهنده‌دار[1] مانند گربه و موش.
- ۳ .منی
- ٤ .مردار
- ٥ .خون
  - ← انسان و حیوانی که خون جهنده دارد؛ مانند گوسفند.
- ٦ .سگ
- ۷ .خوک
  - ← که در خشکی زندگی می‌کند، ولی دریایی آن نجس نیست.
- ۸ .شراب و هر مایع مست‌کننده
- ۹ .آبجو (فُقّاع)
- ۱۰ .کافر
- ۱۱.عرق شتر نجاست‌خوار

ادرار و مدفوع

۱ .ادرار و مدفوع انسان و تمام حیوان‌های حرام گوشت که خون جهنده دارند، مثل گربه و روباه نجس است.

۲ .ادرار و مدفوع حیوان‌های حلال گوشت، مانند گاو و گوسفند و حیوان‌هایی که خون جهنده ندارند، مانند: مار و ماهی پاک است.[2]

۳ .بول و غائط حیوان‌هایی که گوشت آنها مکروه است؛ مانند اسب و الاغ پاک است.[3]

□ ٤ .فضله پرندگان حرام‌گوشت؛ مانند کلاغ نجس است.[4]

---

۱. حیوانی خون جهنده دارد که اگر رگ آن را بِبُرند، خون از آن جستن می کند.

۲. العروةالوثقی، ج ۱، فصل في النجاسات، ص ۵۵.

۳. همان

٤. توضیح‌المسائل، م ۸۵. به فتوای اکثر مراجع تقلید، فضله پرندگان نجس نیست.

۵ ـ بول و غائط حیوانی ـ مثلاً پرنده‌ای ـ که معلوم نیست حلال گوشت است یا حرام گوشت، پاک است.[۱]

٦ ـ فضله‌ای که معلوم نیست از حیوانِ خون جهنده‌دار است، یا غیر آن؛ مثلاً معلوم نباشد از موش است یا سوسك، پاک است.[۲]

انسان مرده

۱ ـ انسان مرده هر چند تازه از دنیا رفته باشد و بدنش سرد نشده باشد (به جز اجزای بی‌روح او؛ مانند ناخن و مو و دندان) تمام بدنش نجس است، مگر آنکه:[۳]

الف) شهید در میدان جنگ (معرکه) باشد.

ب) او را غسل داده باشند (سه غسلش تمام شده باشد).

حیوان مرده‌ای که به طریق شرعی ذبح نشده باشد «مردار» است.

۲ ـ کسانی که در بمب‌گذاری‌ها یا ترور دشمنان به شهادت می‌رسند یا افرادی که در جبهه نبرد مجروح می‌شوند و بیرون معرکه جان می‌دهند، مشمول این حکم نیستند.[۴]

۳ ـ معرکه، محدوده تیررس دشمن است، تا آنجایی که درگیری بین نیروهای دو طرف جریان دارد و اختصاص به خط مقدم یا هنگام پیش روی ندارد.[۵]

حیوان مرده

حیوان مرده‌ای که به طریق شرعی ذبح نشده باشد «مردار» است.

---

۱. العروة‌الوثقی، ج۱، فصل في النجاسات، ص۵۷، م۳.
۲ ـ توضیح المسائل، م ۸۵ .
۳ ـ العروة‌الوثقی، ج ۱، فصل في النجاسات، ص ۵۸، الرابع و ص ٦۱، م ۱۲.
٤ ـ استفتاآت، ج ۱، ص ۸۳، س ۲۰٦.
۵ ـ همان، ج ۱، ص ۵۰٤، س ٤۲.

٤. مردارحیوان

- ۱.سگ و خوک ← تمام اجزای آن نجس است.
- ۲.غیرسگ و خوک
  - ۱-خون جهنده دارد
    - ۱. اجزای روح‌دار؛ مانند گوشت و پوست، نجس است.
    - ۲. اجزای بی‌روح؛ مانند مو و شاخ پاک است.
  - ۲-خون جهنده ندارد: تمام اجزای آن پاک است.

۵ .اجزایی که در حال حیات (قبل از مردن) از بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد جدا می‌شود، در حکم طهارت و نجاست با اجزای مردار تفاوتی ندارد؛ یعنی اگر جزء بی‌روح باشد پاک است واگر روح‌دار باشد نجس است.[۱]

احکام اشیای چرمی

۱ .اشیایی که از اجزای بی‌روح حیوان .غیر از سگ و خوک .تهیه شده پاک است، هرچند ذبح شرعی نشده باشد، بنابراین لباس‌های پشمی، کرکی، مویی، پاک است، هرچند غیرمسلمان آن را ساخته باشد، یا در بازار غیرمسلمین به فروش می‌رسد، ولی اگر از مردار یا حیوان حرام گوشت باشد، نماز خواندن با آن لباس باطل است.[۲]

۲ .اشیایی که از اجزای روح‌دار مردار حیوان خون جهنده‌دار تهیه شده باشد نجس است، مانند چیزهایی که از چرم تهیه می‌شود؛ مثل کفش، کیف، کلاه، کمربند، کاپشن، دستکش و بند ساعت.[۳]

۳ .چیزی که معلوم نیست چرم است یا نه، محکوم به طهارت است.[۴]

---

۱ .العروةالوثقی، ج ۱، فصل في النجاسات، ص ٦۲، الرابع و م ۱.

۲ .همان، ص ٥۸.

۳ .همان.

٤ .همان، ص ٦۲.

٤ . چرمی که معلوم نیست از حیوان خون جهنده‌دار است یا نه، محکوم به طهارت است؛ مانند کمربندی که معلوم نیست از پوست مار است یا غیر آن.[۱]

شیر و فرآورده‌های لَبَنی

۱ . شیر و فرآورده‌های لبنی که از حیوان حلال‌گوشت زنده گرفته می‌شود؛ مانند ماست، پنیر، کشك، کره و خامه که از گاو و گوسفند است، همگی پاک و خوردن آنها حلال است، هرچند غیر مسلمان آن را تهیه کرده باشد، یا در بازار غیر اسلامی به فروش برسد، یا از کشورهای غیر اسلامی آورده باشند، مگر آنکه انسان یقین کند نجس شده است و شک و احتمال تأثیر ندارد و نیاز به تحقیق و جست‌وجو نیست.[۲]

۲ . شیر و فرآورده های لبنی حیوان حرام‌گوشت، حرام است.

پرسش

۱.ادرار و مدفوع و خون چه حیواناتی نجس است؟

۲.مردار این حیوانات چه حکمی دارد: مرغ، مرغابی، موش، میش، مار، ماهی، سوسك، مارمولك؟

۳.کیف و کفش و کلاهی که ساخت کشورهای غیر اسلامی است ولی در کشور اسلامی به فروش می‌رسد، پاک است یا نجس؟

٤ .آیا از پشم گوسفند مرده می‌توان استفاده کرد؟

۵ .اگر بدن انسان خراش بردارد و قسمتی از پوست آن کنده شود، آیا پوست جدا شده پاک است؟

---

۱ . العروة‌الوثقی، ج ۱، فصل في النجاسات، ص ٦٢.

۲ . برای آشنایی بیشتر به درس ۷۵ مراجعه کنید.

درس ۱۲

نجاسات (۲)

خون

۱ـ خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد نجس است؛ مانند مرغ و گوسفند.

۲ـ خون حیوانی که خون جهنده ندارد، پاک است؛ مانند ماهی و پشه.

□ ۳ـ خونی که گاهی در تخم‌مرغ دیده می‌شود نجس نیست، ولی بنابر احتیاط واجب باید از خوردن آن اجتناب کرد و اگر خون را با زرده تخم مرغ به هم بزنند که از بین برود، خوردن زرده هم مانعی ندارد.

۴ـ خونی که از لَثه بیرون می‌آید، اگر با آب دهان مخلوط شده و از بین برود پاک است و در آن صورت فروبردن آب دهان هم اشکال ندارد.

۵ـ خونی که به واسطه کوبیده شدن زیر ناخن یا زیر پوست می‌میرد، اگر به‌گونه‌ای عوض شود که به آن خون نگویند (استحاله شود) پاک است و اگر هنوز به آن خون گفته می‌شود، نجس است. تا زمانی که زیر ناخن یا پوست است و راهی به بیرون ندارد، بیرون آوردن لازم نیست و برای وضو و غسل هم اشکال ندارد.[1]

---

[1] ۱ـ توضیح‌المسائل، م ۹۶، ۹۸ تا ۱۰۱. به نظر برخی از مراجع تقلید، خون در تخم‌مرغ نجس است. و به نظر برخی دیگر پاک ولی خوردن آن حرام است و به نظر برخی دیگر پرهیز از آن احتیاط مستحب است.

در موارد زیر حکم به طهارت می‌شود:

۱ـ شیء قرمزرنگی که معلوم نباشد خون است یا نه.[۱]

۲ـ خونی که معلوم نباشد از حیوان خون جهنده‌دار است یا نه؟ مثل اینکه خونی در لباس خود می‌بیند و نمی‌داند خون پشه است یا بدن خودش.[۲]

۳ـ خون حیوانی که معلوم نیست آن حیوان خون جهنده‌دار است یا نه.[۳]

٤ـ زردآبه‌ای که در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا می‌شود و معلوم نیست که با خون مخلوط شده است یا نه.[۴]

شراب

۱ـ شراب و هر مایع مست‌کننده (که در اصل مایع است) گرچه به شکل جامد درآید نجس است.[۵]

۲ـ شیء جامد مست کننده؛ مانند بنگ و حشیش نجس نیست، هرچند آن‌را ساییده و با آب مخلوط کنند و به صورت مایع درآورند.[۶]

□ ۳ـ آب انگور جوش آمده اگر مست کننده باشد، نجس است و اگر مست کننده نباشد، گرچه خوردن آن حرام است ولی نجس نیست.[۷]

□ ٤ـ خرما و کشمش را اگر همراه غذا (مثل برنج) بپزند حرام نیست، هرچند به جوش آید.[۸]

۱ـ العروة‌الوثقی، ج ۱، في النجاسات، ص ٦٤، م ۷.

۲ـ همان.

۳ـ همان.

٤ـ توضیح‌المسائل، م ۱۰٤.

۵ـ همان، م ۱۱۱.

٦ـ همان.

۷ـ العروة الوثقی، ج ۱، في النجاسات، ص ٦۹، م ۱. برخی از مراجع تقلید، آن را نجس دانسته‌اند.

۸ـ همان، ص ۷۰، م ۳. برخی از مراجع تقلید آن را نجس و حرام می‌دانند.

کافر

این افراد کافر و نجس هستند:

- منکر خدا (کسی که وجود خداوند را انکار کند؛
- منکر توحید (کسی که برای خدا شریک قرار دهد)؛
- منکر پیامبری حضرت محمّد ﷺ، (کسی که نبوت پیامبر اکرم ﷺ را انکار کند)؛
- منکر ضروری دین؛[۱] در صورتی که بداند آن چیز ضروری دین است و انکار آن به انکار رسالت یا تکذیب پیامبر ﷺ یا نقص دین بازگردد؛
- کسی که به ائمه اطهار علیهم السلام دشنام دهد یا با آنها دشمنی ورزد، هرچند با یکی از آنها باشد.[۲]

چگونه چیز پاک نجس می‌شود؟

اگر شیء پاک به چیز نجس برخورد کند و یکی از آن دو (چیز پاک یا نجس) طوری تر باشد که رطوبت یکی از آن دو به دیگری برسد نجس می‌شود.[۳]

□ ۲ . چیزی که نجس شده (مُتنجّس) نیز نجس‌کننده است ولی واسطه چهارم هرچند خودش نجس است اما نجس‌کننده نیست؛ مثلاً اگر دست انسان به لباس نجس برخورد کند و سپس به دستگیره در بگذارد و خشک شود و دیگری دست خیس به دستگیره بگذارد هرچند دست او نجس می‌شود ولی چون دست او واسطه چهارم است نجس‌کننده چیزهای دیگر نخواهد بود.[۴]

---

۱ .ضروری دین، یعنی چیزی که مسلمانان جزء دین اسلام می‌دانند مانند نماز و روزه.

۲ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول في النجاسات، ص ۱۱۸، العاشر.

۳ .توضیح المسایل، م ۱۲۵.

٤ .تحریرالوسیله، ج ۱، في كيفية التنجّس، ص ۱۲۳، م ۹. به فتوای برخی از فقها، واسطه سوم نجس‌کننده نیست. و برخی از مراجع تمام واسطه ها را نجس می‌دانند و فرقی بین آنها نیست.

درموارد زیر حکم به پاکی می‌شود:

* معلوم نباشد پاک و نجس به هم برخورد کرده‌اند یا نه؛

* معلوم نباشد چیز پاک و نجس مرطوب بوده‌اند یا نه؛

* معلوم نباشد رطوبت یکی به دیگری سرایت کرده است یا نه.[1]

چند مسأله:

۱. خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است.[2]

۲. اگر انسان ببیند کسی چیز نجسی را می‌خورد یا با لباس نجس نماز می‌خواند، لازم نیست به او تذکر دهد ولی اگر میزبان متوجه شود غذا نجس است باید به میهمان‌ها بگوید.[3]

۳. اگر انسان نداند چیز پاک نجس شده یا نه، پاک است و جست‌وجو و وارسی هم لازم نیست، هرچند بتواند نجس بودن یا پاک بودن آن را بفهمد، بنابر این در مثال‌هایی که آورده خواهد شد، حکم به طهارت می‌شود و نیاز به سؤال کردن و تحقیق و پرهیز نیست.[4]

- وسایل منزل کسانی که به طور کامل مقید به طهارت و نجاست نیستند. حتی اگر مسلمان نباشند. در صورتی که یقین به نجس شدن آنها نباشد، پاک است.
- عطر و ادکلنی که غیرمسلمان ساخته است ولی معلوم نیست که با بدن وی تماس داشته یا نه، پاک است.

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۱۲۶؛ العروة الوثقی، احکام النجاسات، ج ۱، ص ۷۹، م ۱.

۲. همان، م ۱۴۱.

۳. همان، م ۱۴۳.

۴. همان، م ۱۲۳ و العروة‌الوثقی، ج ۱، احکام النجاسات، ص ۷۹، م ۱.

- خوراکی‌هایی از قبیل: قند، شکر، بیسکویت، شکلات، آدامس و غیره، اگر در ساخت آنها غیرمسلمان دست داشته باشد، ولی یقین به تماس با بدن وی نداریم و به‌گونه‌ای دیگر نجس نشده، پاک است.

پرسش

۱.خون این حیوانات چه حکمی دارد: گنجشك، گوسفند، پشه، قورباغه؟

۲ - پنیر، کره، نوشابه، روغن، قند و شکری که از کشورهای غیراسلامی آورده می‌شود چه حکمی دارد؟

۳ .تفاوت منکر خدا با منکر توحید در چیست؟

٤ .این مسأله را توضیح دهید و دو مثال ذکر کنید. «کسی که معلوم نیست مسلمان است یا نه، پاک است ولی احکام سایر مسلمانان را ندارد.»

۵ .اگر انسان ببیند کسی با لباس نجس نماز می‌خواند، آیا باید به او بگوید یا لازم نیست، چرا؟

درس ۱۳

مُطهِّرات (۱)

«... وَينَزِّلُ عَلَيكُم مِنَ السَّمَاءِ ماءً لِيطَهِّرَكُم بِهِ وَ يذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيطانِ...»[۱]

«خداوند به شما آب را از آسمان فرو می‌فرستد، تا شما را پاک سازد و پلیدی شیطان را از شما ببرد.

مُطهِّرات، جمع مطهِّر و به معنای پاک کننده‌هاست یعنی آنچه که نجاست را پاک می‌کند.

آب

آب، یکی از مطهرات است که بسیاری از چیزهای نجس را پاک می‌کند و اقسام مختلفی دارد که شناخت آنها ما را برای یادگرفتنِ بهترِ مسائل مربوط به آن کمک می‌کند.

اقسام آب

«آب» یا از آسمان می‌بارد، یا از زمین می‌جوشد، یا نه می‌جوشد و نه می‌بارد.

---

۱. انفال: ۱۱.

.به آبی که از آسمان ببارد «**باران**» گویند.

.به آبی که از زمین می‌جوشد، اگر جریان داشته باشد «**آب جاری**» و اگر بدون جریان باشد، «**آب چاه**» گویند.[۱]

.آبی که از زمین نمی‌جوشد و از آسمان نمی‌بارد، «**آب راکد**» است.

- اگر مقدار آب راکد به قدر کُر یا بیشتر از آن باشد «کثیر» است و کمتر از آن «قلیل» است.

□ **مقدار کُر:**
- **حجم:** ۴۲/۸۷۵ وجب. اگر ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هر یک حداقل ۳/۵ وجب باشد پر از آب کنند به مقدار کر است.
- **وزن:** ۳۷۷/۴۱۹ کیلوگرم.

مقدار آب قلیل: آبی که از زمین نمی‌جوشد اگر از مقدار کر کمتر باشد قلیل است.[۲]

تقسیمی دیگر برای آب

آب مضاف: آبی است که از چیزی گرفته شده باشد؛ مانند آب سیب و هندوانه، یا با چیزی مخلوط شده باشد، به طوری که دیگر به آن آب نگویند؛ مانند شربت.

آب مطلق: آبی است که مضاف نباشد.[۳]

فقط، آب مطلق، چیز نجس را پاک می‌کند. گرچه ممکن است آب مضاف چیز کثیفی را تمیز کند، ولی همان‌گونه که پیشتر گفته شد، هرگز چیز نجس را پاک نمی‌کند.

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الطهارة، فصل في المیاه، ص ۱۳، م ۸.

۲ . همان، ص ۱۴، م ۱۴؛ توضیح‌المسائل، م ۱۶. برخی از مراجع تقلید، مقدار کر را کمی بیشتر یا کمتر دانسته‌اند.

۳ .همان، ج ۱، کتاب الطهارة، فصل في المیاه.

احکام آب مضاف

۱. آب مضاف چیز نجس را پاک نمی‌کند (از مطهِّرات نیست).

۲. آب مضاف با برخورد به نجاست نجس می‌شود، هر چند نجاست کم باشد و بو یا رنگ یا مزه آب عوض نشود.

۳. وضو و غسل با آب مضاف باطل است.[۱]

احکام آب قلیل

۱. آب قلیل با برخورد به نجاست، نجس می‌شود، خواه روی چیز نجس ریخته شود یا چیز نجس به آن برسد.[۲]

۲. آب قلیلی که برای برطرف کردن عین نجاست روی چیز نجس ریخته می‌شود و از آن جدا می‌گردد نجس است و باید از آبی که پس از برطرف شدن عین نجاست برای تطهیر چیز نجس روی آن می‌ریزند و از آن جدا می‌شود اجتناب شود.[۳]

احکام آب کثیر، جاری، چاه و باران

۱. تمام اقسام آب‌های مطلق ـ به جز آب قلیل ـ تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد، پاک است و هرگاه بر اثر برخورد با نجاست، بو یا رنگ یا مزه نجاست بگیرد نجس می‌شود. بنابراین، آب جاری، چاه، کثیر و حتّی باران در این حکم مشترکند.[۴]

---

۱. توضیح‌المسائل، م ٤٧ و ٤٨.

۲. همان، م ٢٦.

۳. همان، م ٢٧.

٤. تحریرالوسیله، ج ١، فصل في المیاه، ص ١٣، م ٤.

۲ ـ آب متّصل به آب کثیر، در حکم آب کثیر است؛ بنابراین، آب لوله‌های ساختمان‌ها که متصل به منبع بزرگ شهر است حکم آب کثیر را دارد.[۱]

برخی از خصوصیات باران

- اگر بر چیز نجسی که عینِ نجس در آن نیست یکبار ببارد پاک می‌شود.
- اگر بر فرش و لباس نجس ببارد و خیس شود پاک می‌شود و فشار لازم ندارد.
- اگر بر زمین نجس ببارد پاک می‌شود.

هرگاه باران در جایی جمع شود، اگر چه کمتر از کر باشد، تا موقعی که باران می‌بارد حکم آب کر را دارد و چنانچه با نجس برخورد کند، مثلاً چیز نجسی را در آن بشویند، تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته است، پاک است.[۲]

چگونگی تطهیر اشیای نجس با آب

آب، از جمله مطهِّراتی است که همه روزه تمام افراد با آن سروکار دارند و در تطهیر بسیاری از چیزهای نجس به کار می‌برند.

تطهیر اشیای نجس
- ۱- ظرف
  - ۱- با آب کثیر: یک مرتبه
  - ۲- با آب قلیل: سه مرتبه
  - به جز ظرفی که به شراب نجس شده یا سگ یا خوک از آن چیز روان خورده است.
- ۲- غیر ظرف
  - ۱- به بول نجس شده
    - ۱- با آب کثیر: یک مرتبه
    - ۲- با آب قلیل: دو مرتبه
  - ۲- به غیر بول نجس شده
    - ۱- با آب کثیر: یک مرتبه
    - ۲- با آب قلیل: یک مرتبه

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۳۵.

۲ ـ همان، م ۳۷، ٤۰، ٤۱، ٤۲.

چند نکته:

الف: برای تطهیر اشیای نجس، ابتدا باید عین نجس را برطرف کرد سپس به همان تعداد که گفته شد آن‌را آب کشید؛ مثلاً ظرف نجس را بعد از برطرف کردن آلودگی، اگر یک مرتبه در آب کر بشویند کافی است؛

ب: فرش و لباس و چیزهایی مانند فرش و لباس که آب را به خود می‌گیرد و قابل فشردن است، چنانچه با آب قلیل تطهیر می‌کنند باید بعد از هر بار شستن، آن را بفشارند تا آب‌های داخلش بیرون بیاید، یا به گونه‌ای دیگر آبِ آن گرفته شود و در آب کثیر و جاری هم احتیاط واجب آن است که آب داخل آن گرفته شود؛

ج: آب جاری و چاه در احکامی که برای تطهیر اشیای نجس بیان شد، مانند آب کثیر است.

پرسش

۱. کدام یک از نجاسات با آب، قابل تطهیر نیست؟

۲. تفاوت آب چاه و جاری چیست؟

۳. در چه صورتی ممکن است مقداری از آب قلیل نجس و مقداری از آن پاک باشد؟

۴. ویژگی برتر باران نسبت به آب کثیر چیست؟

۵. فرشی که به بول نجس شده، با آب قلیل یا کثیر چگونه باید تطهیر کرد؟

درس ١٤

مُطهِّرات (٢)

تطهیر ظرف نجس

ظرف نجس را می‌توان این گونه آب کشید:

- **با آب کثیر:** یک بار در آب فرو برده، بیرون آورند.
- **با آب قلیل:** آن را سه مرتبه پر از آب کرده، خالی کنند، یا سه مرتبه قدری آب در آن بریزند و هر مرتبه آب را به طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس برسد و بیرون بریزند.[١]

تطهیر آب نجس

١ .برای تطهیر آب قلیلی که نجس شده، باید به آب کثیر، یا جاری، یا چاه متصل گردد یا باران بر آن ببارد و با آن مخلوط شود، و اگر بو یا رنگ یا مزه نجاست گرفته، باید به اندازه‌ای آب با آن مخلوط شود تا بو و رنگ و مزه نجاست از بین برود.[٢]

٢ .برای تطهیر آب کثیر، یا جاری، یا چاه، باید به اندازه‌ای آب کر یا جاری یا چاه بر آن افزوده شود، یا باران بر آن ببارد که بو و رنگ و مزه نجاست از بین برود، بنابراین اگر با

---

١ .توضیح‌المسائل، م ١٥٠ و ١٥٥.

٢ .العروةالوثقی، ج ١، فصل في المیاه، ص ٤٣، م ٢؛ تحریرالوسیله، ج ١، فصل في المیاه، ص ١٤، م ١١.

افزودن مواد شیمیایی، رنگ و بو و طعم آن عوض گردد، پاک نمی‌شود.[۱]

تطهیر زمین نجس

۱- با آب کثیر: ابتدا نجاست را برطرف کرده، سپس آب کثیر یا جاری بر آن گرفته، به مقداری که تمام جاهای نجس را فراگیرد.

۲- با آب قلیل:
۱ .اگر زمین به گونه‌ای است که آب بر آن جاری نمی‌شود (به اصطلاح آب را به خود گرفته و می‌خورد): با آب قلیل پاک نمی‌شود.
۲ .اگر آب بر زمین جاری می‌شود: جایی که آب جاری شده، پاک می‌شود و جایی که آب جمع شده، نجس است.[۲]

هنگام تطهیر زمین، اگر آب‌ها جاری شده و به داخل چاه می‌رود، یا از آن محل بیرون می‌رود، تمام جاهایی که آب جاری شده، پاک می‌شود.[۳]

تطهیر حبوبات

۱ .اگر ظاهر آن نجس شده: با فروبردن در آب کثیر یا جاری، یا ریختن آب قلیل (جاری کردن) بر آن پاک می‌شود.

□ **۲ .اگر باطن آن هم نجس شده:** پاک نمی‌شود، نه با آب قلیل، نه با آب کثیر.[۴]
□ **۳ .اگر معلوم نیست باطن آن نیز نجس شده یا نه:** تطهیر ظاهر آن کافی است.[۵]

---

۱ .العروة‌الوثقی، ج ۱، فصل في المیاه، ص ٤۳، م ۲؛ تحریرالوسیله، ج ۱، فصل في المیاه، ص ۱٤، م ۱۱؛ استفتاآت، ج ۱، ص ۱۱۹، س ۳۲٤.
۲ .توضیح‌المسائل، م ۱۷۹ و ۱۸۰.
۳ .همان، م ۱۸۰.
٤ .تحریرالوسیله، ج ۱، فصل في المطهرات، ص ۱۲۸، م ۵ و ٦؛ العروة‌الوثقی، ج ۱، فصل في المطهرات، ص ۱۱۵، م ۲۰. به فتوای برخی از فقها، اگر آن را در آب کثیر یا جاری بگذارند که آب به درون آن نفوذ کند، پاک می‌شود.
۵ .توضیح‌المسائل، م ۱٦۵.

استفتاء

س ـ اگر شخصی در عبادات یا طهارت و نجاست دچار وسواس شده باشد و زیاد شک کند تکلیف شرعی او چیست؟

ج ـ نباید به شک‌های خود اعتنا کند و اگر اعتنا کند کار حرامی کرده است و هر عمل را بیش از یک بار نباید انجام دهد و اگر انجام دهد حرام است و هرگاه شک در نجاست چیزی یا صحّت عمل کرد، باید بنا بر طهارت و صحّت بگذارد و اگر برخلاف آن عمل کرد جایز نیست.[۱]

زمین

۱ ـ اگر کف پا یا کف کفش، هنگام راه‌رفتن، نجس شود، و به سبب تماس با زمین، نجاست برطرف گردد، پاک می‌شود. پس زمین، فقط پاک کننده کف پا و کف کفش است، آن هم با این شرایط:

*زمین پاک باشد؛

*زمین خشک باشد، (تر نباشد)؛

زمینی پاک کننده است که خاك، شن، سنگ، آجرفرش و مانند اینها باشد.[۲]

۲ ـ اگر بر اثر تماس ته کفش یا کف پا با زمین، نجاست برطرف شود پاک می‌گردد، ولی بهتر است حداقل پانزده قدم راه برود.[۳]

□۳ ـ **این اشیا پاک کننده نیست:**

موزاییك، آسفالت، فرش، زمینی که با چوب فرش شده است، زمینی که سبزه و گیاه در آن روئیده است، مگر سبزه و گیاهش به قدری کم باشد که چیزی به حساب نیاید و عرفاً بگویند برزمین راه می‌رود.[۴]

---

۱ ـ استفتاآت، ج ۱، ص ۱۱۱، س ۲۹۸.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۸۳، ۱۹۲.

۳ ـ العروةالوثقی، ج ۱، فصل في المطهرات، ص ۱۲٤.

٤ ـ همان، ج ۱، فصل في المطهرات، ص ۱۲۵. به فتوای برخی از فقها، موزاییک و آسفالت نیز پاك‌کننده است.

□ ٤ ـ بنا بر احتیاط واجب، زمین، موارد زیر را پاک نمی‌کند:

- دست و زانوی معلولانی که با دست یا زانو راه می‌روند؛
- نعل چهارپایان؛
- نوک عصا؛
- جوراب (مگر جورابی که کف آن از پوست باشد)؛
- ته پای مصنوعی؛
- چرخ اتومبیل.[1]

پرسش

۱ ـ اگر در ظرفی که مقداری برنج در آن خیسانده‌اند فضله موشی یافت شود، برنج‌ها و ظرف آن چگونه تطهیر می‌شود؟

۲ ـ در تطهیر اشیای نجس با آب، چه چیزی را بیش از همه اشیا باید شست‌وشو داد؟

۳ ـ اگر گربه‌ای یا گوسفندی داخل چاهی بیفتد و بمیرد، آب چاه چه وقت پاک می‌شود؟

٤ ـ اگر کف کفش بر اثر راه رفتن بر زمین مرطوب نجس شود، با راه رفتن پاک می‌شود یا نه؟

۱ ـ العروة‌الوثقی، ج۱، فصل فی المطهرات، ص ۱۲٦؛ توضیح‌المسائل، م ۱۸۸. به فتوای برخی از فقها، زمین، پاک‌کننده چیزهایی مثل چرخ اتومبیل نیز هست.

درس ۱۵

مُطهِّرات (۳)

آفتاب

آفتاب با شرایطی که خواهد آمد، این موارد را پاک می‌کند:

*زمین؛

*ساختمان و چیزهایی که درآن به کاررفته است و جزوآن؛ مانند در و پنجره؛

*درخت وگیاه تا وقتی که از زمین و درخت قطع نشده.[۱]

شرایط مُطهِّر بودن آفتاب

*چیز نجس ترباشد؛ به قدری که اگر چیزی به آن برسد تر شود؛

*با تابش آفتاب خشک شود، اگر مرطوب بماند پاک نشده است؛

*چیزی مانند ابر یا پرده، مانع تابش آفتاب نباشد، مگر آنکه رقیق و نازک باشد و از تابش آفتاب جلوگیری نکند؛

*آفتاب به تنهایی آن را خشک کند؛ مثلاً با کمک باد خشک نشود؛

---

۱ ـ العروةالوثقی، ج ۱، فصل في المطهرات، ص ۱۲۹، الثالث من المطهرات؛ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۳۰، ثالثها و م ۱۰.

* هنگام تابش آفتاب، عین نجاست[۱] درآن نباشد، پس اگرعین نجاست هست، پیش ازتابش آفتاب برطرف شود؛

* قسمت بیرون و درون دیوار یا زمین را یکباره خشک کند، پس اگر روی آن بر اثر تابش آفتاب خشک شود و درون آن بعداً بر اثر تابش مجدّد آفتاب خشک شود، تنها روی آن پاک می‌شود.[۲]

استحاله

۱ .اگر جنس چیز نجس به گونه‌ای عوض شود که به صورت چیز پاکی درآید، پاک می‌شود، وگویند **استحاله** شده است؛ مانند این موارد:

.مردار تبدیل به خاک شود؛

.دانه نجس تبدیل به گیاه گردد؛

.چوب نجس بسوزد و خاکستر شود؛

.مواد سوختنی نجس بسوزد و دود شود؛

.شراب سرکه شود.[۳]

۲ .اگر جنس چیز نجس عوض نشود و فقط تغییر شکل دهد، پاک نمی‌شود؛ مثل اینکه:

.گندم نجس را آرد کنند یا نان بپزند.

.انگور نجس سرکه شود.[۴]

۳ .چیز نجسی که معلوم نیست استحاله شده یا نه، نجس است.[۵]

---

۱ .آنچه خود به خود نجس است مانند خون «عین نجاست» است.

۲ .توضیح‌المسائل، م ۱۹۱.

۳ .تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۳۱؛ توضیح‌المسائل، م ۱۹۵.

٤ .توضیح‌المسائل، م ۲۰۰.

۵ .همان، م ۱۹۷.

انتقال

اگر خون بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد، به بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده ندارد، منتقل شود و جزء بدن آن حیوان به حساب آید، پاک می‌گردد و همچنین اگر جزئی ازبدن انسان یا حیوان به بدن انسان دیگریا حیوان زنده غیرنجس‌العین منتقل شود وجزء آن به حساب آید پاک می‌گردد؛ مثل این‌که:

.خون بدن انسان به بدن پشه منتقل شود؛

.عضوی ازبدن حیوانی (مانند چشم) را جدا کرده وبه بدن انسان پیوند بزنند؛

.مقداری ازگوشت بدن را بریده وبه جای دیگربدن پیوند بزنند.[1]

اسلام

۱ .اگرکافر شهادتین بگوید، مسلمان می‌شود، وبا اسلام، تمام بدن او(حتی عرق وآب دهانش) پاک می‌گردد؛ یعنی بگوید:

«اَشْهَدُ اَنْ لااِلهَ اِلاَّ الله .اَشْهَدُ اَنَّ محمَّدا رسُولُ الله».[2]

۲ .اگرکافرشهادتین بگوید وانسان نداندکه قلباً مسلمان شده یا نه، پاک است، ولی اگر بداندکه قلباً مسلمان نشده، بنابراحتیاط واجب باید ازاواجتناب کرد.[3]

۳ .اگربدن کافربا نجاست دیگری (عارضی) نجس شده باشد؛ مثلاً جایی ازبدن اوزخم شده وبه خون آلوده است، آن نجاست با اسلام پاک نمی‌شود.[4]

تبعیت

۱ .تبعیت آن است که چیزنجسی به واسطه پاک شدن چیزدیگری پاک شود.

۲ .درموارد زیر، اشیای نجس به تبعیت پاک می‌شود.

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۳۱؛ توضیح المسائل، م ۲۰۵.

۲ .توضیح‌المسائل، م ۲۰۷.

۳ .همان، م ۲۰۹.

٤ .العروةالوثقی، ج ۱، فصل في المطهرات، ص ۱٤۱، الثامن.

*کسی که چیزی را تطهیر می‌کند، اگر دست و آن چیز با هم آب کشیده شود، دست او هم پاک می‌شود و احتیاج به تطهیر مجدّد ندارد.

* پس از اتمام سه غسل میت، تختی که میت را بر آن خوابانده‌اند و دست غسّال و پارچه‌ای که بر میت انداخته‌اند (لنگ) پاک می‌شود.[۱]

برطرف شدن عین نجاست

در دو مورد اگر عین نجس برطرف شود، چیز نجس پاک می‌شود و نیازی به آب کشیدن ندارد:

۱ .بدن حیوان: مثلاً منقار مرغی که غذای نجس خورده، هنگامی که نجس برطرف شود منقارش پاک است.

۲ .باطن بدن انسان: مانند داخل دهان و بینی و گوش؛ بنابراین اگر هنگام مسواک کردن دندان از لثه‌ها خون بیاید، یا شخصی غذای نجس بخورد، زمانی که در دهان غذای نجس و خون نباشد، یا به قدری کم باشد که با آب دهان مخلوط شده و از بین برود، پاک است و آب کشیدن داخل دهان لازم نیست.[۲]

استفتاء

س .اگر دهان خونی شود و در دهان، دندان مصنوعی طوری باشد که به دندان طبیعی چسبیده باشد و نشود آن را برای آب کشیدن به بیرون از دهان آورد، آیا نحوه تطهیرش مانند دندان طبیعی است؟

ج .بنابر احتیاط واجب، حکم دندان طبیعی را ندارد و باید تطهیر شود.[۳]

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۱، فصل في المطهرات، ص ۱۳۱، ثامنها؛ توضیح‌المسائل، م ۲۱۱ و ۲۱۵.
۲ .توضیح‌المسائل، م ۲۱۶ و ۲۱۷.
۳ .استفتاآت، ج ۱، ص ۹۹، س ۲۵۸.

غایب شدن مسلمان

اگر بدن یا لباس مسلمان یا چیز دیگری که در اختیار اوست (مانند ظرف و فرش) نجس شود و آن مسلمان غایب گردد، اگر انسان احتمال بدهد آن چیز را تطهیر کرده، محکوم به طهارت است و اجتناب از آن لازم نیست.[۱]

احکام تخلّی (توالت رفتن)[۲]

چون یکی از مسائل تخلّی، تطهیر مخرج بول و غائط است، احکام تخلّی را در پایان مبحث مطهّرات می‌آوریم:

- واجب: پوشاندن عورت از دیگران حتی دیوانه و بچه ممیّز (به جز همسر) یعنی در جایی باشد که کسی عورت را نبیند، مثلاً پشت دیوار یا تپه یا در چاله یا محل دربسته، مثل توالت.
- حرام: رو به قبله، یا پشت به قبله بودن.
- مستحب:
  ۱. جایی بنشیند که کسی او را نبیند.
  ۲. هنگام وارد شدن به توالت با پای چپ داخل شود.
  ۳. هنگام بیرون آمدن، اوّل پای راست را بیرون بگذارد.
  ٤. هنگام تخلّی، سر را بپوشاند.
  ۵. سنگینی بدن را روی پای چپ بیندازد.
- مکروه:
  ۱. توقف زیاد
  ۲. روبروی خورشید یا ماه بودن.
  ۳. روبروی باد.
  ٤. سخن گفتن، مگر در حال ضرورت و گفتن ذکر.
  ۵. تطهیر با دست راست.
  ٦. خوردن و آشامیدن در حال تخلی.
  ۷. ایستاده بول کردن.[۲]

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۲۲۱؛ تحریرالوسیله، ج ۱، فصل في المطهرات، ص ۱۳۲، عاشرها.
۲. این بخش از درس را می‌توان به مطالعه شاگردان واگزار کرد.

احتیاط واجب آن است که کودک را هنگام تخلّی رو به قبله یا پشت به قبله ننشانند، ولی اگر خود بچه بنشیند، جلوگیری از او واجب نیست.[۲]

تطهیر مخرج بول و غائط

۱ ـ مخرج بول با غیر آب (سنگ، کلوخ، پارچه و...) پاک نمی‌شود.

۲ ـ برای تطهیر مخرج بول، پس از برطرف شدن بول، یک بار شستن آن کافی است.

□ ۳ ـ مخرج غائط به احتیاط واجب با غیر آب پاک نمی‌شود، ولی می‌توان با آن حال [پس از برطرف کردن نجاست و پیش از تطهیر با آب] نماز خواند.[۳]

٤ ـ بر مردان مستحب است، پس از بیرون آمدن بول، استبرا کنند و چنانچه بعد از بول استبرا کند و سپس آبی از او خارج شود و شک کند بول است یا نه، حکم بول ندارد (کیفیت استبرا در رساله توضیح‌المسائل آمده است).[۴]

پرسش

۱ ـ آیا آفتاب، دری را که از چوب ساخته‌اند و گندمی را که از کاه جدا کرده‌اند، پاک می‌کند، یا نه؟

۲ ـ برای استحاله، دو مثال، به جز مثال‌هایی که در کتاب آمده است، بیاورید.

۳ ـ کدام یک از مُطهِّرات، تمام چیزهای نجس را پاک می‌کند؟

٤ ـ در چه مواردی برطرف شدن عین نجاست مطهّر است؟

۵ ـ تبعیت را توضیح داده و دو مثال بزنید.

٦ ـ برای غایب شدن مسلمان که جزو مطهرات است دو مثال بزنید.

---

۱ ـ العروة‌الوثقی، ج ۱، فصل في مستحبات التخلي و مکروهاته، صص ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲؛ توضیح‌المسائل، م ۵۷ ـ ۵۹ و ۷۸، ۷۹، ۸۰.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ٦۳.

۳ ـ همان، م ٦٦ و ٦۸. به فتوای برخی از فقها، پاک می‌شود.

٤ ـ همان، م ۷۲ و ۷۳.

درسنامهٔ فقه

فصل دوم:

نماز

- لباس و مکان نمازگزار
- احکام مسجد
- شکیات نماز
- نماز مسافر
- نماز قضا
- نماز جماعت
- نماز جمعه
- نماز آیات
- نمازهای مستحب

درس ١٦

نماز

وَ أَقِمِ الصَّلَوٰةَ طَرَفَیِ النَّهَارِ وَ زُلَفاً مِنَ الَّیلِ ....»[1]

«نماز را در دو طرف روز و ساعات نزدیک شب بپای دار...»

اقسام نماز

نماز مهم‌ترین عمل عبادی انسان ها و یکی از ارکان اساسی دین اسلام است و با شناخت صحیح احکام آن و بجای آوردن به موقع و درست آن، بسیاری از امور زندگی معنوی انسان اصلاح خواهد شد.

برای آشنایی بهتر با مسایل نماز لازم است اقسام آن را بدانیم.

نماز، یا واجب است یا مستحب؛ نمازهای واجب هم دو دسته‌اند: بعضی از آنها تکلیف هر روزه‌اند و در هر شبانه‌روز، در زمان‌های خاصی باید بجا آورده شوند و برخی دیگر نمازهایی هستند که گاهی از اوقات به سببی خاص واجب می‌شوند و برنامه همیشگی و هر روزه نیستند.

---

١ . هود: ١١٦.

- نمازهای واجب
  - ۱- هر روز (یومیه)
    - ۱ .صبح
    - ۲ .ظهر
    - ۳ .عصر
    - ٤ .مغرب
    - ۵ .عشا
  - ۲-مقطعی
    - ۱.آیات
    - ۲ . طواف واجب
    - ۳ . میّت
    - ٤ . قضای پدر بر پسر بزرگ‌تر[1]
    - ۵ . نمازی‌که با نذر و عهد و قسم واجب می‌شود.

نمازهای مستحب بسیار است که در ادامه برخی از آنها آورده خواهد شد.

وقت نماز

برای نمازهای یومیه سه وقت است:

۱ .وقت مخصوص

۲ .وقت مشترك

۳ .وقت فضیلت

برای آشنایی با اوقات نماز، شناخت این زمان‌ها لازم است:

ظهر   مغرب   نیمه‌شب و فجر دوم.

ظهر

اگر چوب یا چیزی مانند آن را عمود بر زمین قرار دهیم،[2] وقتی که سایه آن به کمترین مقدار رسید و رو به افزایش گذاشت، «ظهر شرعی» و ابتدای وقت نماز ظهر است.[3]

---

۱ به فتوای برخی از فقها نماز قضای مادر نیز بر پسر بزرگتر واجب است.

۲ .به چنین چیزی، شاخص گفته می‌شود.

۳ .توضیح‌المسائل، م ۷۲۹.

مغرب

«مغرب» موقعی است که سرخی طرف مشرق، که بعد از غروب آفتاب پیدا می‌شود، از بین برود.[1]

نیمه شب

اگر فاصله بین غروب آفتاب و اذان صبح را دو نیم کنیم، وسط آن «نیمه شب»[2] و آخر وقت نماز عشا است.[3]

فجر دوّم

نزدیک اذان صبح، از طرف مشرق، سفیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند که آن را «فجر اوّل» گویند، هنگامی که آن سفیده پهن شد، «فجر دوّم» و ابتدای وقت نماز صبح است[4].

وقت مخصوص و مشترک نماز ظهر و عصر

□۱. از اذان ظهر تا مغرب، وقت خواندن نماز ظهر و عصر است که از اوّل آن به مقدار خواندن نماز ظهر وقت مخصوص نماز ظهر است و اگر نماز عصر در این وقت خوانده شود باطل است. و در آخر وقت، به مقدار خواندن نماز عصر به مغرب مانده وقت مخصوص نماز عصر است و فاصله بین این دو زمان، وقت مشترک بین ظهر و عصر است که هر دو نماز را می‌توان خواند، ولی نماز ظهر باید قبل از نماز عصر خوانده شود.[5]

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۷۳۵. حدود ۱۵ دقیقه پس از غروب، این سرخی برطرف می شود.
۲. تقریبا یازده ساعت و پانزده دقیقه که از ظهر شرعی بگذرد، نیمه‌شب و آخر وقت نماز مغرب و عشا است.
۳. احتیاط واجب آن است که برای نماز عشا همان گونه که در متن آمده است و برای نماز شب بین غروب تا طلوع آفتاب حساب شود توضیح المسائل، م ۷۳۹.
٤. توضیح‌المسائل، م ۷٤۱.
۵. همان، م ۷۳۱. به فتوای برخی از فقها پایان وقت نماز عصر، غروب آفتاب است.

۲ .اگر کسی تا وقت مخصوص عصر، نماز ظهر را نخوانده باشد، نماز ظهر او قضا شده و باید نماز عصر را بخواند.[۱]

وقت مخصوص و مشترک نماز مغرب و عشا

۱ .از اذان مغرب تا نصف شب وقت خواندن نماز مغرب و عشا است که از اوّل آن به مقدار خواندن یک نماز سه رکعتی، وقت مخصوص نماز مغرب است و در آخر وقت، به مقدار خواندن نماز عشا وقت مخصوص نماز عشا است و فاصله این زمان، وقت مشترک بین مغرب و عشا است که هر دو نماز را می‌توان خواند، ولی نماز عشا باید پس از نماز مغرب خوانده شود.[۲]

۲ .وقت مخصوص نمازهای چهار رکعتی برای مسافر به مقدار خواندن دو رکعت نماز است و برای کسی که مسافر نیست به اندازه خواندن چهار رکعت نماز است.[۳]

□ ۳ .اگر عمداً یا به واسطه عذری مانند فراموشی یا خواب، نماز مغرب یا عشا را تا نصف شب نخواند، بنابر احتیاط واجب، باید تا قبل از اذان صبح بدون اینکه نیت ادا یا قضا کند بجا آورد.[۴]

وقت نماز صبح

از اذان صبح (طلوع فجر دوّم) تا طلوع آفتاب، وقتِ نماز صبح است و چون نماز دیگری در این وقت واجب نیست، وقت مشترکی ندارد.[۵]

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۷۳۱.
۲ .همان، م ۷۳٦.
۳ .همان، م ۷۳۷.
٤ .همان، م ۷٤۰. به فتوای برخی از فقها، اگر عمداً نخوانده باشد باید به نیت قضا بخواند و اگر به واسطه عذری نخوانده باشد باید تا قبل از نماز صبح بجا آورد و نماز او ادا است.
۵ .توضیح المسائل، م۷٤۱.

وقت فضیلت نمازهای یومیه

وقت فضیلت، زمانی است که اگر نماز در آن وقت خوانده شود، ثواب بیشتری دارد.

وقت فضیلت نماز ظهر: از اول ظهر است تا زمانی که سایه پدید آمده شاخص به اندازه طول شاخص افزوده شود؛ مثلاً اگر طول شاخص یک متر باشد و هنگام ظهر ۲۰ سانتی‌متر سایه داشته باشد، پایان وقت فضیلت نماز ظهر وقتی است که سایه شاخص به ۱۲۰ سانتی‌متر برسد.

□ **وقت فضیلت نماز عصر:** پس از وقت مخصوص نماز ظهر است تا زمانی که سایه شاخص دو برابر طول آن اضافه شود.

وقت فضیلت نماز مغرب: از اول مغرب است تا زمانی که سرخی طرف مغرب از بین برود.

وقت فضیلت نماز عشا: شروع آن از پایان وقت فضیلت نماز مغرب است و پایان آن ثلث شب؛ به عبارت دیگر از هنگام برطرف شدن سرخی طرف مغرب تا گذشتن ثلث ($\frac{۱}{۳}$) شب.

وقت فضیلت نماز صبح: از اذان صبح است تا زمانی که هوا روشن شود.[1]

قبله

۱ ـ خانه کعبه، «قبله» مسلمانان است و نمازگزار باید رو به آن نماز بخواند. دفن میت و ذبح حیوان نیز باید رو به قبله باشد.[2]

۲ ـ کسی که بیرون شهر مکّه و دور از آن است، اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، في اعداد النوافل و اوقاتها، ص ۱۳۷، م ٦. به فتوای برخی از فقها، وقت فضیلت نماز عصر پس از اتمام وقت فضیلت نماز ظهر آغاز می‌شود.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۷۷٦.

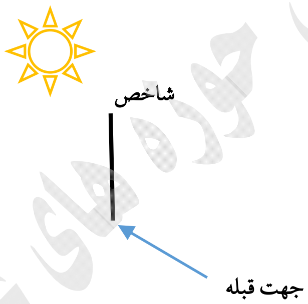
نماز می‌خواند، کافی است.[۱]

□ ۳ .کسی که نماز واجب را ایستاده می‌خواند، باید طوری بایستد که بگویند رو به قبله ایستاده است و لازم نیست زانوها و نوک پای او هم رو به قبله باشد.[۲]

راه‌های تشخیص قبله

- خود انسان یقین کند؛ یعنی جهت قبله را بداند؛
- دو نفر عادل بگویند؛
- کسی بگوید که از روی قاعده علمی قبله را می‌شناسد و مورد اطمینان است.
- و اگر به جهت قبله اطمینان پیدا نکرد می‌تواند به گمانی که از محراب مساجد و قبور مسلمین حاصل شود اعتماد کند.[۳]

تابش خورشید و تعیین قبله



در دو روز از سال؛ یعنی روزهای ٦ خرداد و ٢٤ تیر، هنگام ظهر، خورشید کاملاً عمود بر کعبه می‌تابد و در سایر مناطق جهان می‌توان به کمک خورشید جهت قبله را مشخص کرد؛ یعنی اگر هنگام ظهر شرعی (به وقت مکّه) رو به خورشید بایستیم، به سمت قبله قرار می‌گیریم و دقیق‌تر آنکه؛ اگر در آن دو روز، هنگام ظهر (به وقت مکّه) در هر جای کره زمین شاخصی نصب کنیم، سایه آن از نوک سایه به سمت پایه شاخص، جهت قبله خواهد بود.[۴]

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ٧٧٦.

۲ .همان، م ٧٧٧.

۳ .همان، م ٧٨٢.

٤. مجله نور علم، ش ٨، ص٩.

پرسش

١ .تفاوت وقت مخصوص با وقت فضیلت چیست؟

٢ .وقت مخصوص و فضیلت نماز عشا چه زمانی است؟

٣ .محاسبه کنید، امشب، پایان وقت نماز عشا چه ساعتی است؟

٤ .در چه صورتی نماز عصر را باید قبل از نماز ظهر خواند؟

درس ۱۷

لباس و مکان نمازگزار

لباس نمازگزار

یکی از مسائلی که قبل از شروع نماز توجه به آن لازم است، مسأله پوشش است؛ اکنون به بیان مقدار پوشش و شرایط آن می‌پردازیم:

مقدار پوشش در نماز

۱ ـ **مردان**؛ باید عورت را بپوشانند و بهتر است از ناف تا زانو را بپوشانند.[۱]

۲ ـ **زنان**؛ باید تمام بدن را بپوشانند به جز:

* دست‌ها تا مچ.

* پاها تا مچ.

* صورت به مقداری که در وضو باید شسته شود.[۲]

۳ ـ بر زنان پوشاندن دست‌ها و پاها و صورت،[۳] به مقداری که در مسأله پیش گفته

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۷۸۸.

۲ ـ همان، م ۷۸۹.

۳ ـ یادآوری می‌شود، برای بانوان پوشاندن پاها در نماز واجب نیست ولی از نگاه نامحرم باید بپوشانند. تفصیل احکام نگاه کردن در درس ۷۲ خواهد آمد.

شد، در نماز، واجب نیست، گرچه پوشاندن آن هم مانع ندارد.[۱]

شرایط لباس نمازگزار

٤ .لباس نمازگزار باید دارای این ویژگی‌ها باشد:

* پاک باشد (نجس نباشد).
* مباح باشد (غصبی نباشد).
* از اجزای روح‌دار مردار نباشد؛ مثلاً از پوست حیوانی که مطابق دستور اسلام ذبح نشده، تهیه نشده باشد، حتی کمربند و کلاه.
* از حیوان حرام گوشت نباشد؛ مثلاً از پوست پلنگ یا خوک تهیه نشده باشد.
* اگر نمازگزار مرد است لباس او طلاباف یا ابریشم خالص نباشد.[۲]

٥ .اگر لباس نمازگزار از اجزای حیوان حرام گوشت تهیه شده باشد هرچند اجزای بی‌روح آن، مانند پشم یا مو، نماز خواندن با آن باطل است.[۳]

٦ .هیچ جزیی از حیوان حرام گوشت نباید همراه نمازگزار باشد، هر چند لباس نباشد، بنابراین اگر بند ساعت یا کمربند از حیوان حرام گوشت باشد، نماز باطل است.[٤]

۷ .نماز خواندن با لباسی که از پشم و کرک و موی مردار حیوان حلال گوشت تهیه شده، صحیح است، چون نه نجس است و نه از اجزای روح‌دار مردار و نه حیوان حرام گوشت.[٥]

۸ .علاوه بر لباس، بدن نمازگزار نیز باید پاک باشد.[٦]

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۷۸۹.
۲ .همان، م ۷۹۸.
۳ .همان، م ۸۲٤.
٤ .همان.
٥ .همان، م ۸۲۳.
٦ .همان، م ۷۹۹ و ۸۰۰.

دراین موارد، نماز خواندن با بدن یا لباس نجس، باطل است:

* عمداً با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.
* در یاد گرفتن احکام شرعی کوتاهی کرده و به جهت ندانستن مسأله، با بدن یا لباس نجس نماز خوانده است.[۱]
* نجس بودن بدن یا لباس را می‌دانسته، ولی هنگام نماز فراموش کرده و با آن نماز خوانده است.[۲]

دراین موارد، اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند صحیح است:

* نداند بدن یا لباسش نجس است و پس از نماز متوجه شود.[۳]
* بدن یا لباس نمازگزار بر اثر زخم بدن نجس شده و آب کشیدن یا عوض کردن آن هم دشوار است.
* لباس یا بدن نمازگزار به خون نجس شده ولی مقدار آلودگی کمتر از دِرْهَم[۴] است.
* ناچار باشد که با بدن یا لباس نجس نماز بخواند؛ مثلاً آب برای تطهیر ندارد.[۵]

مسأله

اگر لباس‌های کوچک نمازگزار؛ مانند دستکش و جوراب، نجس باشد، یا دستمال کوچک نجسی در جیب داشته باشد، چنانچه از اجزای حیوان حرام گوشت یا اجزای روح‌دار مردار نباشد اشکال ندارد.[۶]

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۸۰۰.
۲. همان، م ۸۰۳.
۳. همان، م ۸۰۲.
٤. قطر یک درهم، تقریبا ۲۳ میلی‌متر است.
٥. توضیح‌المسائل، م ۸٤۸.
٦. همان، م ۸٦۱.

شرایط مکان نمازگزار

مکان نمازگزار باید دارای شرایط زیر باشد:

* مباح باشد؛
* بی‌حرکت باشد؛
* جای آن تنگ وسقف آن‌کوتاه نباشد تا بتواند قیام ورکوع وسجود را صحیح انجام دهد؛
* جایی که پیشانی را می‌گذارد پاک باشد؛
* اگر مکان نمازگزار نجس است، به اندازه‌ای رطوبت نداشته باشد که به بدن یا لباس نمازگزار سرایت کند؛
* جایی که پیشانی را می‌گذارد از جای زانوها وبنا براحتیاط واجب از جای انگشتان پا، بیش از چهار انگشت بسته پست‌تر یا بلندتر نباشد.[1]

احکام مکان نمازگزار

۱ .یکی از شرایط مکان نمازگزار مباح بودن آن است، پس در این مکان‌ها نماز باطل است:

* در ملک دیگران بدون اجازه صاحبش؛
* در ملکی که منفعت آن از دیگری است؛ مثلاً نماز خواندن در خانه‌ای که اجاره داده شده، بدون اجازه مستأجر؛
* در ملکی که شریک دارد وسهم او جدا نیست (ملک مُشاع) بدون اجازه شریک؛
* در ملکی که با عین پول خمس وزکات نداده خریداری شده؛[2]
* در ملک میتی که به مردم بدهکار است؛

---

۱ .توضیح المسائل، مکان نمازگزار.

۲ .چون امروزه معمولاً با عین پول خریداری نمی‌شود، بلکه به ذمّه می‌خرند؛ یعنی ملک را می‌خرند و قیمت آن را بدهکار می‌شوند، سپس بدهی خود را از آن پول پرداخت می‌کنند، به فتوای برخی از فقها، نماز خواندن در آن اشکال ندارد.

* در ملک میتی که بعضی از ورثه او صغیر یا دیوانه هستند، ولی با اجازه قیم آنان اشکال ندارد؛
* در ملک میتی که بعضی از ورثه او غایبند.
* بر تخت و فرش غصبی.[1]

۲ .کسی که در مسجد نشسته، اگر دیگری جای او را غصب کند و در آنجا نماز بخواند، بنابر احتیاط واجب باید دوباره نمازش را در محل دیگری بخواند.[2]

۳ .نماز خواندن و نشستن و خوابیدن در زمین بسیار وسیعی که دور از شهر یا روستا و چراگاه حیوانات است، اگر چه صاحبش راضی نباشد، اشکال ندارد.[3]

٤ .نماز خواندن و عبور کردن و تصرّفات جزیی در زمین‌های زراعتی که نزدیک شهر یا روستا است و دیوار ندارد، اگر چه صاحبان آن صغیر و دیوانه باشند اشکال ندارد، ولی اگر یکی از صاحبان ناراضی باشند تصرف در آن حرام و نماز باطل است.[4]

٥ .نماز خواندن در جاهایی که غصبی بودن آن معلوم نیست اشکال ندارد.[5]

٦ .اگر در جایی که نمی‌داند غصبی است نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد غصبی بوده، نمازش صحیح است.[6]

استفتاء

س .نماز خواندن در بانك‌ها و ادارات و مدارس و امثال آن که اغلب وضعیت ملکی آنها مشخص نیست چه صورتی دارد؟

ج .اگر علم به غصب بودن محل ندارند اشکال ندارد.[7]

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۸٦٦ تا ۸۷۷.
۲ .همان، م ۸٦۸ .
۳ .همان، م ۸۷۹.
٤ .همان.
٥ .همان، م ۸٦۹؛ تحریرالوسیله، ج ۱، في مكان المصلي، ص ۱٤۷، م ۱.
٦ .همان، م ۸۷۰.
۷ .استفتاآت، ج ۱، ص ۱٤۷، س ٦۹.

نماز بر مکان متحرك

یکی از شرایط مکان نمازگزار بی‌حرکت بودن آن است. بنابر این، نماز خواندن در هواپیما، کشتی، قطار و اتومبیل در حال حرکت اگر سبب تکان خوردن بدن بشود، مثلاً لرزش زیاد داشته باشد، صحیح نیست، ولی اگر انسان ناچار شود که در آن حال نماز بخواند، مثلاً اگر بخواهد صبر کند تا در هنگام توقف نماز بخواند وقت می‌گذرد و نماز قضا می‌شود، باید نماز را در همان حال بخواند، ولی سایر شرایط نماز را در حدّ امکان مراعات کند؛ یعنی این‌گونه عمل کند:

- برای نماز وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمّم کند، و چنانچه تیمّم هم ممکن نباشد، احتیاط مستحب است نماز را بخواند و بعد قضای آن را باید بجا آورد.
- اگر می‌تواند باید نماز را ایستاده بخواند و اگر نه، در حال نشسته.
- جهت قبله را مراعات کند، پس اگر وسیله نقلیه به طرف دیگر بگردد، نمازگزار نیز باید به سمت قبله بگردد.
- □ سجده بر کاغذ نیز صحیح است، چنانچه مهر یا خاک یا سنگ برای سجده ندارد بر کاغذ سجده می‌کند.[1]
- اگر برخی از شرایط نماز را نتواند مراعات کند، باید به هر نحو که می‌تواند نماز را بخواند.[2]

چند مسأله

۱. در حال ناچاری نماز خواندن در مکان غصبی و در جایی که سقف آن کوتاه است، یا جایش تنگ است؛ مانند سنگر و در مکان ناهموار اشکال ندارد.[3]

---

۱. به فتوای برخی از فقها، سجده بر کاغذی صحیح است که از چیزهایی ساخته شده باشد که سجده بر آنها صحیح است، مثل چوب.

۲. تحریرالوسیله، ج ۱، في مكان المصلي، ص ۱۵۱، م ۱۵.

۳. همان، ص ۱۴۷، م ۳؛ توضیح‌المسائل، م ۸۸۳.

□ ۲ .انسان باید رعایت ادب را بکند و جلوتر از قبر پیغمبر ﷺ و امام علیه‌السلام نماز نخواند. ولی نماز باطل نیست.[۱]

□ ۳ .بنابر احتیاط مستحب، زن باید عقب‌تر از مرد بایستد و جای سجده او از جای ایستادن مرد کمی عقب‌تر باشد.[۲]

□ ٤ .اگر در نماز زن برابر مرد یا جلوتر باشد و پرده یا دیوار و مانند آن بین آنها فاصله نشود، و با هم وارد نماز شوند، بهتر است نماز را دوباره بخوانند.[۳]

□ ٥ .بودن مرد و زن نامحرم در جای خلوت جایز نیست و احتیاط در نماز نخواندن در آن جاست، لیکن اگر خواند، نمازش باطل نیست.[٤]

٦ .کسی که در محل عبور مردم نماز می‌خواند، یا کسی روبروی اوست، مستحب است جلوی خود چیزی بگذارد، و اگر چوب یا ریسمان یا تسبیح هم باشد، کافی است.[٥]

پرسش

۱ .اگر تسبیح عاج همراه نمازگزار باشد، اشکال دارد یا نه؟ چرا؟

۲ .اگر پس از نماز، نجس بودن بدن یادش بیاید، نمازِ خوانده شده چه حکمی دارد؟

۳ .در چه مواردی، نماز با بدن یا لباس نجس صحیح است؟

٤ .اگر کیف یا کمربندی که از پوست مار تهیه شده همراه نمازگزار باشد، نماز چه حکمی دارد، چرا؟

٥ .اگر صاحب‌خانه بدون اجازه مستأجر در خانه خود نماز بخواند، نمازش چه حکمی دارد، چرا؟

٦ .کدام قسمت از مکان نمازگزار باید پاک باشد؟

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۸۸٤ . به فتوای برخی از فقها، نماز باطل است.

۲ .همان، م ۸۸٦ . برخی از مراجع تقلید عقب‌تر ایستادن زن از مرد را در نماز لازم می‌دانند.

۳ .همان، م ۸۸۷ . به فتوای برخی از فقها، اعاده نماز لازم است.

٤ .همان، م ۸۸۹ . به فتوای برخی از فقها، در این فرض و فرض قبلی باید نماز را دوباره بخواند.

٥ .همان.

درس ۱۸

احکام مسجد

﴿إِنَّمَا یعْمُرُ مَسَاجِدَ اللهِ مَنْ آمَنَ بِاللهِ وَالْیوْمِ الآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلاَةَ وَآتَى الزَّکَاةَ وَلَمْ یخْشَ إِلاَّ اللهَ فَعَسَى أُوْلَـئِک أَن یکُونُواْ مِنَ الْمُهْتَدِینَ﴾[۱]

«مسجدهای خدا را کسانی عمارت می‌کنند که به خدا و روز قیامت ایمان آورده‌اند و نماز می‌گزارند و زکات می‌دهند و جز از خدا نمی ترسند امید است که اینان از هدایت یافتگان باشند.»

مسجد پایگاه پیوند انسان با خدا و مرکز ارتباط انسان‌های مؤمن است. مسجد، جایگاه عبادت و عبادت، حرکت به سوی قلّه قرب الهی است.

از نظر دینی مسجد دارای احترام و احکام خاصی است که بازشناسی آنها، ما را برای استفاده بهتر از این اماکن مقدس کمک می‌کند.

مسجد سازی

۱. اگر زمینی را به قصد قربت به نیت مسجد بودن بسازند و حداقل یک نفر با اجازه بانی در آن نماز بخواند، مسجد می‌شود و باید احکام مسجد در مورد آن مراعات شود.[۲]

---

۱ ـ توبه: ۱۸.

۲ ـ تحریر الوسیله، ج۱، ص ۱٤٦، م ۱۹. برخی از فقها خواندن صیغه وقف را لازم دانسته‌اند.

۲. هر چند مطابق آنچه در مسأله قبل گفته شد، عنوان مسجد تحقق پیدا می‌کند، ولی مشهور بین فقها آن است که باید صیغه وقف خوانده شود، یعنی بگویند: «**وَقَفتُها مسجداً قربةً اِلَی الله**»؛ یعنی این زمین یا ساختمان را برای رضای خداوند وقف کردم برای آنکه مسجد باشد.[۱]

۳. در احکام مسجد، میان مساجد گروه‌های مختلف مسلمان، اعم از شیعه و غیر آن، فرقی نیست.[۲]

٤. اگر انسان بداند واقف، سقف و صحن و دیوار مسجد را جزء مسجد قرار نداده، یا نداند جزء مسجد قرار داده یا نه و نشانه‌ای بر اینکه جزء مسجد است نباشد، احکام مسجد را ندارد، ولی در فرض دوم، احتیاط مستحب است که احکام مسجد را در مورد این مکان‌ها نیز مرعات کنند.[۳]

۵. اگر مسجدی ویران شود، زمین آن از مسجد بودن خارج نمی‌شود و احکام مسجد در برخی موارد بر آن جاری است و نیز اگر تمام روستا یا شهری خراب شود، مکانی که مسجد بوده، همچنان احکام مسجد را دارد.[۴]

٦. اگر از ابتدا بخشی از زمین را به عنوان مسجد و بخشی دیگر را به عنوان حسینیه یا کتابخانه یا فروشگاه و مانند آن بسازند و وقف کنند، اشکال ندارد، ولی پس از آنکه مکانی، عنوان مسجد را پیدا کرد، تغییر تمام یا بخشی از آن به حسینیه و مانند آن جایز نیست.[۵]

---

۱. تحریرالوسیله، ج۱، ص١٤٦.
۲. العروة الوثقی، ص ٤٨، م ١۵.
۳. همان، ص ٤٨، م ١٦.
٤. تحریرالوسیله، ج۲، ص ۷۳، م ١٦.
۵. استفتاآت، ج ۲، ص ۳۳٦، س ۵؛ صص ۳٦۵ و ۳٦٦، س ۷۷ و ۷۸؛ ص ۳۹۱، س ۹۳.

تعمیر و توسعه مسجد

تعمیر مسجدی که نزدیک به خراب شدن است، مستحب است و اگر مسجد طوری خراب شود که تعمیر آن ممکن نباشد، می‌توانند آن را خراب کنند و دوباره بسازند، بلکه می‌توانند مسجد خراب نشده را برای احتیاج مردم خراب کنند و بزرگ‌تر بسازند.[۱]

لوازم مسجد

۱. اگر لوازم مسجد از قبیل فرش، ظرف، بلندگو حتی مهر، برای استفاده در مسجد وقف شده، بیرون بردن از مسجد و استفاده در غیر آن مسجد، حتی در مسجد دیگر جایز نیست.[۲]

۲. لوازمی که مورد احتیاج مسجد نیست، مثل بخاری یا چراغ نفت سوز یا سماور ذغالی، چنانچه در مسجد دیگر مورد نیاز باشد، با نظر متصدّی شرعی به مسجد دیگر بدهند و اگر مسجد دیگر نیاز به آنها نداشته باشد، می‌توانند آن را به لوازم مورد نیاز مسجد تبدیل کنند.[۳]

۳. خرید و فروش چیزهایی که وقف مسجد شده، باطل است، ولی اگر به طوری خراب شود که نتوانند در موردی که برای آن وقف شده استفاده کنند، فروش آن اشکال ندارد و اگر ممکن باشد، باید پول آن را در همان مسجد به مصرفی برسانند که به مقصود واقف نزدیک‌تر است.[٤]

---

۱. توضیح المسائل، م ۹۱۱.
۲. استفتاآت، ج ۲، ص ۳٤٤، س ۲۵؛ ص ۳٤٥، س ۲۷.
۳. همان، ج ۱، ص ۳۸٦، س ۱۲۵.
٤. توضیح المسائل، م ۲۰۹٤.

استفاده غیرعبادی از مسجد

اگر مسجد را برای عزاداری، چادر بزنند و فرش بگسترانند و پارچهٔ سیاه نصب کنند و وسائل چای و پذیرایی به مسجد ببرند در صورتی که این کارها به مسجد ضرر نرساند و مانع نماز خواندن نشود اشکال ندارد.[۱]

نماز خواندن در مسجد

۱. نمازخواندن درمساجد مستجب است، بلکه حضورنیافتن درمسجد خصوصاً برای همسایگان مسجد درصورتی که عذری مثل بیماری وبارش برف وباران نباشد، مکروه است.[۲]

۲. ترتیب اولویت مساجد برای نمازخواندن ازنظرثواب بدین شرح است:

- مسجد الحرام ⟵ هرنماز، معادل یک میلیون نماز
- مسجد النبی ⟵ هرنماز، معادل ده هزارنماز
- مسجد جامع کوفه ⟵ هرنماز، معادل هزارنماز
- مسجد الاقصی ⟵ هرنماز، معادل هزارنماز
- مسجد جامع هرشهر ⟵ هرنماز، معادل یکصد نماز
- مسجد قبیله ⟵ هرنماز، معادل بیست وپنج نماز
- مسجد بازار ⟵ هرنماز، معادل دوازده نماز

۳. برای زنها نمازخواندن درخانه بهتراست، ولی اگربتوانند کاملاً خود را ازنامحرم حفظ کنند، بهتراست درمسجد نمازبخوانند.[۳]

---

۱. توضیح المسائل، م ۹۰۷.
۲ .تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱٤۵، م ۱٦.
۳ .توضیح المسائل، م ۸۹٤.

نماز تحیت مسجد

وقتی انسان وارد مسجد می‌شود، مستحب است دو رکعت نماز به قصد تحیت و احترام مسجد بخواند و اگر نماز واجب یا مستحب دیگری هم بخواند، کافی است.[1]

حفظ حرمت مسجد

۱. نجس کردن زمین و سقف و بام و طرف داخل دیوار مسجد حرام است.[2]

۲. احتیاط واجب آن است که طرف بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکنند، مگر آنکه واقف، آن را جزء مسجد قرار نداده باشد.[3]

۳. نجس کردن فرش مسجد نیز بنابر احتیاط واجب حرام است.[4]

٤. اگر مسجدی را غصب کنند و به جای آن، خانه و مانند آن بسازند که دیگر به آن مسجد نگویند، باز هم بنابر احتیاط واجب نجس کردن آن حرام و تطهیر آن واجب است.[5]

پرسش

۱. اگر انسان نداند حیاط مسجد را هنگام وقف جزء مسجد قرار داده‌اند یا نه، تکلیف چیست؟

۲. آیا می‌توان بخشی از مسجد را به حسینیه تبدیل کرد؟

۳. در بازسازی مسجد آیا می‌توان لوازم کهنه و قدیمی آن را فروخت؟

٤. برگزاری جلسه درس و بحث و مجلس شادی در مسجد چه حکمی دارد؟

۵. ترتیب فضیلت نماز در مساجد هر شهر یا روستا کدام است؟

---

۱. توضیح المسائل، م ۹۱۳.
۲. همان، م ۹۰۰.
۳. همان، م ۹۰۰.
٤. العروة الوثقی، ص ٤٦، م۲؛ توضیح المسائل، م ۹۰۵.
۵. توضیح المسائل، م ۹۰۳.

درس ۱۹

واجبات نماز (۱)

۱ ـ واجبات نماز، یازده چیز است که برخی رُکن و برخی غیرِرکن است.

واجبات نماز

- **رکن**
  - ۱ ـ نیّت
  - ۲ ـ قیام
  - ۳ ـ تکبیرة‌الاحرام
  - ۴ ـ رکوع
  - ۵ ـ سجود
- **غیررکن**
  - ۱ ـ قرائت
  - ۲ ـ ذکر
  - ۳ ـ تشهد
  - ۴ ـ سلام
  - ۵ ـ ترتیب
  - ۶ ـ مُوالات

۱ ـ توضیح‌المسائل، واجبات نماز.

تفاوت رُکن و غیر رُکن

ارکان نماز، اجزای اساسی آن به شمار می‌آید و چنانچه یکی از آنها بجا آورده نشود، یا اضافه شود، هرچند بر اثر فراموشی هم باشد، نماز باطل است.

واجبات دیگر، گرچه انجام دادن آنها لازم است ولی چنانچه از روی فراموشی کم یا زیاد شود نماز باطل نیست.[۱]

احکام واجبات نماز

نیت

۱. نمازگزار از آغاز تا پایان نماز، باید بداند چه نمازی می‌خواند و آن را برای انجام فرمان خداوند عالم بجا آورد.[۲]

۲. به زبان آوردن نیت لازم نیست، ولی چنانچه به زبان هم بگوید اشکال ندارد.[۳]

عدول از نیت

۱. برگرداندن نیت از نمازی به نماز دیگر در موارد زیر واجب است:

● از نماز عصر به نماز ظهر، در صورتی که بین نماز عصر متوجه شود نماز ظهر را نخوانده یا باطل بوده است.

● از نماز عشا به مغرب، در صورتی که بین نماز عشا پیش از رکوع رکعت چهارم متوجه شود نماز مغرب را نخوانده یا باطل بوده؛ و اگر وارد رکوع رکعت چهارم شده باشد، نماز عشا صحیح است و پس از آن نماز مغرب را می‌خواند.[۴]

---

۱. توضیح المسائل، م ۹۴۲.

۲. همان، م ۹۴۳ و ۹۴۴.

۳. همان، م ۹۴۳.

۴. تحریر الوسیله، ج۱، کتاب الصلوة، فصل فی افعال الصلوة، ص ۱۵۹، م ۱۲.

۲ .برگرداندن نیت در موارد زیر اشکال ندارد:

- از قضای عصر به قضای ظهر.
- از قضای عشا به قضای مغرب.
- از اداء به قضا.
- از جماعت به فُرادا.

۳ .برگرداندن نیت در موارد زیر صحیح نیست:

- از نماز ظهر به نماز عصر.
- از مغرب به عشا.
- از قضا به ادا.
- از فرادا به جماعت (بنابر احتیاط واجب).
- از مستحب به واجب.
- از مستحب به نماز مستحب دیگر.
- از واجب به مستحب، مگر در دو مورد:

الف) در ظهر روز جمعه، برای کسی که خواندن سوره جمعه را فراموش کرده و سوره دیگری شروع کرده و به نصف آن سوره رسیده یا از نصف گذشته است.

ب) مشغول نماز واجب باشد و داخل در رکوع رکعت سوم نشده باشد و نماز جماعت برپا شود و خوف آن داشته باشد که از جماعت عقب بماند.[۱]

---

۱ . تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب‌الصلاة، فصل في افعال الصلاة، ص ۱۵۹، م ۱۲ و ۱۳ و فصل في صلاة الجماعة، ص ۲٦٦، م ٦ و ۷.

قیام

قیام یعنی ایستاده بودن، که در بعضی موارد از ارکان نماز است و ترک آن، نماز را باطل می‌کند، ولی کسانی که نمی‌توانند ایستاده نماز بخوانند، وظیفه‌ای دارند که در مسائل آینده خواهد آمد.

- اقسام قیام
  - رکن
    - ۱ .قیام هنگام تکبیرةالاحرام
    - ۲ .قیام پیش از رکوع (متصّل به رکوع)
  - غیررکن
    - ۱ .قیام هنگام قرائت
    - ۲ .قیام بعد از رکوع[1].

احکام قیام

۱ .بر نمازگزار واجب است پیش از گفتن تکبیرةالاحرام و بعد از آن، مقداری بایستد تا یقین کند که تکبیر را در حال قیام گفته است.[1]

۲ .قیام متصل به رکوع بدان معنا است که در حالت ایستاده به رکوع برود، بنابراین اگر رکوع را فراموش کند و بعد از قرائت به سجده برود و قبل از وارد شدن به سجده یادش بیاید، باید کاملاً بایستد، سپس به رکوع برود، پس اگر از همان حالت به حدّ رکوع برگردد نماز باطل است.[2]

۳ . نمازگزار باید هنگام ایستادن، هر دو پا را بر زمین بگذارد، ولی لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا باشد و اگر روی یک پا هم باشد اشکال ندارد.[3]

٤ . حرکت دادن دست و انگشتان در موقع خواندن حمد اشکال ندارد، گرچه احتیاط مستحب است آنها را هم حرکت ندهد.[4]

---

۱ .توضیح المسائل، م ۹۵۹.

۲ .همان، م ٩٦٠.

۳ .همان، م ٩٦٣.

٤ .همان، م ٩٦٧.

۵ ـ کسی که به هیچ وجه ـ حتی با تکیه به چیزی ـ نتواند ایستاده نماز بخواند، باید نشسته و روبه قبله نماز بخواند و اگر نشسته هم نتواند، باید خوابیده بخواند.[۱]

٦ ـ کسی که خوابیده نماز می‌خواند باید به پهلوی راست، رو به قبله بخوابد و اگر نمی‌تواند، به پهلوی چپ روبه قبله بخوابد و اگر آن هم ممکن نیست، به پشت بخوابد به‌طوری که کف پاهای او، رو به قبله باشد.[۲]

۷ ـ بر نمازگزار واجب است پس از رکوع به‌طور کامل بایستد و سپس به سجده برود و چنانچه این قیام عمداً ترک شود نماز باطل است.[۳]

پرسش

۱ ـ تفاوت رکن با غیر رکن چیست؟

۲ ـ برگرداندن نیت از نماز قضا به ادا و جماعت به فرادا و فرادا به جماعت و عصر به ظهر و مغرب به عشا چه حکمی دارد؟

۳ ـ در چه صورتی می‌توان نیت را از نماز واجب به مستحب برگرداند.

٤ ـ قیام‌های واجب نماز کدام است؟ و تفاوت اصلی آنها در چیست؟

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۹۷۰ و ۹۷۱.

۲ ـ همان، م ۹۷۱.

۳ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في القیام، ص ١٦٢، م ۱؛ و العروة الوثقی، ج ۱، فصل في الرکوع، ص ٦٦٥، الرابع.

درس ۲۰

واجبات نماز (۲)

تکبیرة الاحرام

تکبیر اوّل نماز را «**تَکْبیرَةُ الاِحرام**» می‌گویند. چون با همین تکبیر است که برخی از کارها که قبل از نماز جایز بوده بر نمازگزار حرام می‌شود؛ مانند خوردن و آشامیدن، خندیدن وگریستن.

واجبات تکبیرةالاحرام

۱. به عربی صحیح گفته شود.

۲. هنگام گفتن «**الله اکبر**» بدن آرام باشد.

۳. تکبیرةالاحرام را طوری بگوید که اگر مانعی درکار نباشد خودش بشنود؛ یعنی بسیار آهسته نگوید.

٤. بنا بر احتیاط واجب آن را به چیزی که پیش ازآن می‌خواند، وصل نکند.[1]

□ بر نمازگزار مستحب است موقع گفتن تکبیرةالاحرام و تکبیرهای بین نماز دست‌ها را تا مقابل گوش‌ها بالا ببرد.[2]

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۹٤۸، ۹٤۹، ۹۵۱ و ۹۵۲.

۲. همان، م ۹۵۵.

استفتاء

س١ .برای شخص مریض که نشسته نماز می‌خواند قیام متصل به رکوع چه وضعی دارد؟

ج .باید از حالت نشسته به رکوع رود.[1]

س ۲ .آیا تکان‌های مختصر، هنگام خواندن اذکار نماز، چنانچه سهواً انجام شود و نمازگزار نتواند مانع آن شود، باعث اشکال در نماز می‌شود؟

ج .اشکال ندارد.[2]

قرائت

١ .در رکعت اوّل و دوّم نمازهای واجب یومیه، انسان باید اوّل سوره حمد و پس از آن یک سوره کامل دیگر از قرآن بخواند.[3]

□ ۲ .در رکعت سوم و چهارم نماز، باید سوره حمد، .بدون سوره‌ای دیگر.یا سه مرتبه تسبیحات اربعه خوانده شود و اگر یک مرتبه هم بخواند کافی است.[4]

٣ .اگر نمازگزار، پس از حمد یکی از چهار سوره‌ای را که آیه سجده دارد[5] عمداً بخواند، نمازش باطل است.[6]

٤ .خواندن بیش از یک سوره پس از حمد، در نماز واجب مکروه است ولی در نماز مستحب اشکال ندارد.[7]

---

١ .استفتاآت، ج ١، ص ١٥٣، س ٩٢.

٢ .همان، ص ١٥٤، س ٩٣.

٣ .توضیح‌المسائل، م ٩٧٨.

٤ .همان، م ١٠٠٥. به فتوای برخی از فقها، سه بار باید تسبیحات اربعه را بخواند.

٥ .سوره‌های فصّلت، سجده، نجم و علق. (به درس ٩ رجوع شود)

٦ .توضیح‌المسائل، م ٩٨٣.

٧ .تحریرالوسیله، ج ١، القول في القراءة، ص ٣٤٨، م ٩.

۵ . سوره‌های «**فیل**» و «**ایلاف**» برای نماز یک سوره به حساب می‌آید و نیز سوره «**ضحی**» و «**انشراح**» و خواندن یکی از این‌ها پس از حمد، در نماز کفایت نمی‌کند بلکه باید دو سوره با بسم‌الله در وسط خوانده شود.[۱]

احکام قرائت

۱ . در رکعت سوم و چهارم نماز، سوره حمد یا تسبیحات باید آهسته خوانده شود، و چنانچه سوره حمد بخواند بنابر احتیاط واجب، بسم‌الله آن را نیز باید آهسته بگوید؛ ولی حکم حمد و سوره در رکعت اول و دوم نماز به این شرح است:[۲]

نماز	نمازگزار	حکم
ظهر و عصر	مرد و زن[۳]	باید آهسته بخوانند
مغرب، عشاء، صبح	مرد	باید بلند بخواند
	زن	□ اگر نامحرم صدای او را نمی شنود می‌تواند بلند بخواند و اگر می‌شنود، بنابر احتیاط واجب باید آهسته بخواند[۴]

۲ . در مواردی که باید حمد و سوره نماز بلند خوانده شود، اگر نمازگزار عمداً تمام یا بخشی از آن را آهسته بخواند، یا در جایی که باید آهسته خوانده شود، عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد نماز خوانده شده، صحیح است.[۵]

---

۱ . تحریرالوسیله، ج ۱، القول في القراءة، ص ۳٤۸، م ۹.
۲ . توضیح‌المسائل، م ۹۹۲-۹۹٤، ۱۰۰۷ و ۱۰۰۸.
۳ . احکامی که برای مردان گفته می‌شود، پسرها هم همین احکام را دارند. و همچنین احکامی که برای بانوان گفته می‌شود، دختران هم همین احکام را دارند.
٤ . به فتوای برخی از فقها اگر نامحرم صدای او را می‌شنود، بهتر است آهسته بخواند.
۵ . توضیح‌المسائل، م ۹۹۵.

۳ ـ اگر نمازگزار در بین خواندن حمد و سوره بفهمد اشتباه کرده است، (مثلاً می‌بایست بلند بخواند ولی آهسته خوانده است) لازم نیست مقداری راکه خوانده، دوباره بخواند.[۱]

□ ٤.انسان باید نمازرا یاد بگیرد که غلط نخواند وکسی که اصلاً نمی‌تواند صحیح آن را یاد بگیرد، باید هرطورکه می‌تواند بخواند واحتیاط مستحب است که نمازرا به جماعت بجا آورد.[۲]

□ ۵ ـ احتیاط مستحب آن است که در نماز، وقف به حرکت و وصل به سکون ننمایند.[۳]

□٦ ـ اگر انسان کلمه‌ای را صحیح بداند؛ مثلاً کلمه «عَبْدُهُ» را در تشهد «عَبدَهُ» می‌دانسته و در نماز همانطور بخواند و بعد بفهمد غلط خوانده است، لازم نیست نمازرا دوباره بخواند.[۴]

ذکر

یکی ازواجبات رکوع وسجده ذکر است؛که تفصیل آن خواهد آمد.

رکوع

□۱ ـ در هر رکعت بعد از خواندن حمد و سوره، یا تسبیحات اربعه، نمازگزار باید به اندازه‌ای خم شود که بتواند دست را به زانوبگذارد واین عمل را «رکوع» می‌گویند.[۵]

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۹۹۵.

۲ ـ همان، م ۹۹۷. به فتوای برخی از فقها، شرکت در نماز جماعت در این فرض بنابراحتیاط واجب است.

۳ ـ همان، م ۱۰۰٤. به فتوای برخی از فقها، در نماز وقف به حرکت و وصل به سکون جایز نیست.

٤ ـ همان، م ۱۰۰۱. به فتوای برخی از فقها، باید نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا کند.

۵ ـ همان، م ۱۰۲۲. به فتوای برخی از فقها، باید دست‌ها را بر زانوها بگذارد.

واجبات رکوع
۱ .گفتن ذکر
۲ .آرامش بدن در حال گفتن ذکر.
۳ .ایستادن بعد از رکوع.
۴ .آرامش بدن بعد از رکوع.[1]

• ذکر رکوع

در رکوع، هر ذکری گفته شود کافی است، ولی احتیاط واجب آن است که به قدر سه مرتبه «**سُبْحانَ الله**» یا یک مرتبه «**سُبْحانَ رَبِّیَ العَظیمِ وَبِحَمْدِهِ**» کمتر نباشد.[1]

• آرامش بدن در رکوع

۱ .در رکوع باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد.[2]

۲ .اگر نمازگزار پیش از آن‌که به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد، عمداً ذکر رکوع را بگوید، نمازش باطل است.[3]

۳ .اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد نمازش باطل است.[4]

• ایستادن و آرامش بعد از رکوع

بعد از تمام شدن ذکر رکوع، نمازگزار باید بایستد و پس از آرام گرفتن بدن به سجده برود و اگر عمداً پیش از ایستادن، یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده برود نمازش باطل است.[5]

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۱۰۲۸.
۲ . همان، م ۱۰۳۰.
۳ .همان، م ۱۰۳۲.
۴ .همان، م ۱۰۳۳.
۵ .همان، م ۱۰۴۰.

وظیفه کسی که نمی‌تواند رکوع کند

۱ .کسی که نمی‌تواند به مقدار رکوع خم شود، باید به هر اندازه که می‌تواند خم شود.

۲ .کسی که در حالت ایستاده اصلاً نتواند خم شود، باید نشسته رکوع کند.

۳ .کسی که نشسته رکوع می‌کند، باید به قدری خم شود که صورتش مقابل زانوها برسد و بهتر است به قدری خم شود که صورتش نزدیک جای سجده برسد.

فراموش کردن رکوع

۱ .اگر رکوع را فراموش کند و به سجده برود و پیش از آن‌که پیشانی را بر زمین بگذارد یادش بیاید، باید بایستد بعد به رکوع رود و چنانچه نایستد و از همان حال به رکوع برگردد، نمازش باطل است، چون قیام متصل به رکوع ترک شده است.[۱]

۲ .اگر پس از رسیدن پیشانی به زمین، یادش بیاید که رکوع نکرده، بنابر احتیاط واجب باید بایستد و رکوع را بجا آورد و نماز را تمام کند و دوباره بخواند.[۲]

پرسش

۱ .اگر نمازگزار در حال قرائت، کمی حرکت کند تکلیف چیست؟

۲ .بانوان در چه صورتی می‌توانند حمد و سوره نماز را بلند بخوانند؟

۳ .در چه مواردی نمازگزار می‌تواند سوره‌ای که شروع کرده رها کند و سوره دیگری بخواند؟

٤ .اگر نمازگزار در رکعت چهارم نماز، سوره حمد بخواند، تکلیف چیست؟

٥ .نماز ظهر چند تکبیر واجب دارد؟

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۱۰٤۱.

۲ .همان، م ۱۰٤۲.

واجبات نماز (۳)

سجود

۱ ـ نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، پس از رکوع دو سجده بجاآورد.[۱]

۲ ـ سجده آن است که پیشانی و کف دو دست و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاها (شست) را بر زمین بگذارد؛ افزون بر این، واجباتی دارد که خواهد آمد.

۳ ـ سجده کردن برای غیر خداوند حرام است؛ پس سجده در مقابل هر چیز و هر کس حتی در مقابل قبور معصومین علیهم‌السلام جایز نیست؛ مگر آنکه سجده برای خداوند و جهت شکر توفیق زیارت باشد.[۲]

واجبات سجده

۱ ـ گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است.

۲ ـ گفتن ذکر.

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۰۴۵.

۲ ـ همان، م ۱۰۹۰.

۳ .آرامش بدن در حال ذکر سجده.

٤ .برزمین بودن هفت عضو در هنگام ذکر.

٥ .مساوی بودن جاهای سجده (پست و بلند نبودن).

٦ .پاک بودن جایی که پیشانی را می‌گذارد.

۷ .سربرداشتن و نشستن و آرامش بین دو سجده.

۸ .مراعات موالات بین دو سجده.[۱]

● برزمین بودن هفت عضو:

۱ .اگر موقعی که ذکر سجده را می‌گوید، یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد، نماز باطل می‌شود، ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست اگر غیر از پیشانی، جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد، اشکال ندارد.[۲]

۲ .اگر همراه با انگشتان شست پا، انگشتان دیگر هم برزمین باشد مانع ندارد.[۳]

● گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است:

۱ .در سجده باید پیشانی را بر زمین، یا آنچه از زمین می‌روید ولی خوراکی و پوشاکی نیست قرار دهد پس سجده بر روییدنی‌هایی که انسان آن را می‌خورد؛ مثل سبزی‌های خوراکی و میوه‌ها، یا در پوشاک از آنها استفاده می‌کنند مثل پنبه، صحیح نیست.[٤]

□ ۲ .سجده برگِل پخته؛ مانند آجر و کوزه گِلی اشکال ندارد.[٥]

---

۱ .العروة‌الوثقی، فصل في السجود، ج ۱، ص ٦۷۳؛ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في السجود، ص ۱۷۲.

۲ .توضیح‌المسائل، م ۱۰٥٤. به فتوای برخی از فقها، باید مجددا ذکر را بگوید و نماز را تمام و اعاده کند.

۳ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول في السجود، ص ۱۷۳، م ۲؛ العروة الوثقی، ج ۱، فصل في السجود، ص ٦۷٦، م ۷.

٤ .توضیح‌المسائل، م ۱۰۷٦.

٥ .همان، م ۱۰۸۱. به فتوای برخی از فقها سجده برگِل پخته در حال اختیار صحیح نیست.

□ ۳ ـ جایی که انسان باید تقیه کند می‌تواند بر فرش و مانند آن سجده نماید و لازم نیست برای نماز به جای دیگر برود.[۱]

٤ ـ سجده بر چیزهای معدنی؛ مانند طلا و نقره و عقیق و فیروزه، صحیح نیست.[۲]

٥ ـ سجده بر چیزهایی که از زمین می‌روید و خوراک حیوان است؛ مثل علف و کاه، صحیح است.[۳]

□ ٦ ـ سجده بر کاغذ، اگر چه از پنبه و مانند آن ساخته شده باشد صحیح است.[٤]

۷ ـ برای سجده، بهتر از هر چیز تربت حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام است و بعد از آن بدین ترتیب: خاك؛ سنگ؛ گیاه.[٥]

□ ۸ ـ اگر در سجده اول، مُهر به پیشانی بچسبد و بدون اینکه مُهر را بردارد دوباره به سجده رود، نماز باطل است.[٦]

استفتاء

س ـ نماز خواندن بر مهر شکسته صحیح می‌باشد یا نه؟

ج ـ اشکال ندارد.[۷]

● ذکر

در سجده هر ذکری بگوید کافی است ولی احتیاط واجب آن است که مقدار ذکر از

---

۱ ـ توضیح المسائل، م۱۰۷۲. به‌فتوای برخی از فقها، اگر می‌تواند باید به‌جایی برود که بتواند بر چیزی که سجده صحیح است سجده کند.

۲ ـ همان، م ۱۰۷٦.

۳ ـ همان، م ۱۰۷۸.

٤ ـ همان، م ۱۰۸۲. به فتوای برخی از فقها، سجده بر کاغذی که از غیر چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است ساخته شده کفایت نمی‌کند.

٥ ـ همان، م ۱۰۸۳.

٦ ـ همان، م ۱۰۸٦. به فتوای برخی از فقها، نماز باطل نیست.

۷ ـ استفتاآت، ج ۱، ص ۱٦٥، س ۱۳۸.

سه مرتبه «**سُبْحانَ اللهِ**» یا یک مرتبه «**سُبْحانَ رَبِّیَ الاَعْلی وَ بِحَمْدِهِ**»کمتر نباشد.[۱]

● آرامش

۱ .درسجده باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد و موقع گفتن ذکر مستحب نیز اگر آن را به قصد ذکری که برای سجده دستور داده‌اند بگوید، آرام بودن بدن لازم است.[۲]

□ ۲ .اگر پیش از آنکه پیشانی به زمین برسد و آرام گیرد، عمداً ذکر را بگوید، نماز باطل است و چنانچه از روی فراموشی باشد، باید دوباره در حال آرام بودن، ذکر را بگوید.[۳]

● مساوی بودن مواضع سجده

۱ . جای پیشانیِ نمازگزار باید از جای زانوهایش پست‌تر و بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد.[۴]

۲ .احتیاط واجب آن است که جای پیشانی نمازگزار از جای انگشتان پایش هم پست‌تر و بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد.[۵]

● سربرداشتن از سجده:

۱ .بعد از تمام شدن ذکر سجده اول باید بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.[۶]

۲ .اگر پیش از تمام شدن ذکر، عمداً سر از سجده بردارد، نماز باطل است.[۷]

□ ۳ .اگر پیشانی بی‌اختیار از جای سجده بلند شود، چنانچه ممکن باشد باید نگذارد دوباره به جای سجده برسد، و این یک سجده حساب می‌شود، چه ذکر

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۱۰۴۹.

۲ .همان، م ۱۰۵۰.

۳ .همان، م ۱۰۵۱ و ۱۰۵۲ . به فتوای برخی از فقها، باید دوباره ذکر را بگوید و نماز را تمام و اعاده کند.

٤ .همان، م ۱۰۵۷.

٥ .همان، م ۱۰۵۷.

٦ .همان، م ۱۰٥٦.

۷ .همان، م ۱۰۵۱.

سجده را گفته باشد یا نه و اگر نتواند سر را نگه دارد و بی‌اختیار دوباره به جای سجده برسد، با هم یک سجده حساب می‌شود و اگر ذکر نگفته باشد، باید بگوید.[۱]

کم یا زیاد شدن سجده:

- **عمداً:** نماز باطل است.
- **سهواً:**
  - دو سجده در یک رکعت ← نماز باطل است.
  - یک سجده:
    - زیاد شود ← نماز صحیح است
    - کم شود:
      - ۱. قبل از رکوع رکعت بعد یادش بیاید، باید برگردد و بجا آورد و نماز صحیح است.
      - ۲. در رکوع رکعت بعد یا پس از آن یادش بیایید، نماز صحیح است ولی پس از سلام نماز باید آن را قضا کند و دو سجده سهو بجا آورد[۲].

پرسش

۱. تفاوت سجده و ذکر سجده چیست؟

۲. اگر برای سجده، پیشانی بر مهر بخورد و بی‌اختیار بلند شود، تکلیف چیست؟

۳. سجده بر آجر، چوب، سنگ مرمر، مقوّا، موزاییك، پوست هندوانه چه حکمی دارد؟

٤. آیا نمازگزار می‌تواند در حال سجده یکی از دست‌ها را از زمین بردارد و دوباره به زمین بگذارد؟

٥. اگر نمازگزار در دو رکعت پشت سرهم هرکدام یک سجده بجا آورد نمازش چه حکمی دارد؟

---

۱. توضیح المسائل، م ۱۰۷۱. به فتوای برخی از فقها، اگر ذکر را نگفته باشد باید دوباره به سجده برود و هر دو، یک سجده به حساب می‌آید.

درس ۲۲

واجبات نماز (٤)

وظیفه کسی که نمی‌تواند به طور معمول سجده کند

۱ .کسی که نمی‌تواند پیشانی را به زمین برساند، باید به قدری که می‌تواند خم شود و مهر را برجای بلندی؛ مثل بالش بگذارد و پیشانی را طوری برآن بگذارد که بگویند سجده کرده است، ولی باید کف دست‌ها و زانوها و انگشتان پا را به طور معمول بر زمین بگذارد.[1]

۲ .اگر نمی‌تواند خم شود، باید برای سجده بنشیند وبا سر اشاره کند، ولی احتیاط واجب آن است که مهر را بالا بیاورد و پیشانی را برآن بگذارد.[2]

سجده واجب قرآن

۱ .در چهار سوره قرآن، آیه سجده وجود دارد[3] که اگر انسان آن آیه را بخواند یا وقتی که دیگری آن را می‌خواند به آن گوش دهد، بعد از تمام شدن آن آیه، باید فوری سجده کند.[4]

---

۱ .توضیح المسائل، م ۱۰٦۸.

۲ .همان، م ۱۰٦۹.

۳ .نام سوره‌های سجده‌دار قرآن و شماره آیات آن، در درس ۹ گذشت.

٤ .توضیح‌المسائل، م ۱۰۹۳.

٢ .چنانچه سجده را فراموش کند، هر وقت یادش آمد باید سجده کند.[1]

□ ٣ .اگر انسان آیه سجده را از ضبط صوت بشنود، لازم نیست سجده کند.[2]

□ ٤ .اگر آیه سجده از بلندگو یا رادیو یا تلویزیون شنیده شود، چنانچه صدای انسان به صورت زنده پخش می‌شود، سجده واجب است.[3]

٥ .هنگام سجده برای این آیه‌ها، بر چیزهای خوراکی و پوشاکی نمی‌توان سجده کرد ولی مراعات سایر شرایط سجده، لازم نیست.[4]

٦ .گفتن ذکر در این سجده واجب نیست، بلکه مستحب است و بهتر است بگوید:

لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ حَقًّا حَقًّا، لا اِلهَ اِلاَّ الله ایمانًا وَ تَصْدیقًا، لا اِلهَ اِلاَّ الله عُبُودِیةً وَ رِقًّا، سَجَدْتُ لَک یا رَبِّ تَعَبُّدًا وَ رِقًّا، لا مُسْتَنْکِفًا وَ لا مُسْتَکْبِرًا، بَلْ اَنَا عَبْدٌ ذَلیلٌ خائِفٌ مُسْتَجیرٌ.[5]

تشهّد

١ .نمازگزار در رکعت دوم و آخر نماز، باید بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن، تشهد بخواند، یعنی بگوید:

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ الله وَحْدَهُ لا شَریک لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ و رَسُولُهُ

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ.[6]

---

١ .توضیح المسائل، م ١٠٩٣.

٢ .همان، م ١٠٩٦.

٣ .همان، م ١٠٩٦. به فتوای برخی از فقها، اگر آیه سجده را از ضبط صوت یا رادیو یا تلویزیون بشنود، سجده واجب می‌شود.

٤ .همان، م ١٠٩٧.

٥ .تحریرالوسیله، ج ١، القول في سجدتي التلاوة والشکر، ص ١٧٨، م ٧؛ توضیح‌المسائل، م ١٠٩٩.

٦ .توضیح‌المسائل، م ١١٠٠.

□ ۲ .اگر نمازگزار تشهد را فراموش کند و بایستد و پیش از رکوع یادش بیاید که تشهد را نخوانده، باید بنشیند و تشهد را بخواند و دوباره بایستد و آنچه باید در آن رکعت خوانده شود، بخواند و نماز را تمام کند و اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را تمام کند و بعد از سلام نماز، تشهد را قضا کند و بنابر احتیاط واجب دو سجده سهو بجا آورد.[۱]

سلام

۱ .نمازگزار باید در رکعت آخر هر نماز، پس از تشهد، سلام بگوید و نماز را پایان دهد.

۲ .مقدار واجب سلام یکی از این دو جمله است:

اَلسَّلامُ عَلَینا وَ علی عِبادِالله الصّالِحینَ.

اَلسَّلامُ عَلَیکُمْ وَ رَحْمَةُ الله وَ بَرَکاتُهُ.[۲]

۳ .مستحب است قبل از این دو سلام بگوید:

اَلسَّلامُ عَلَیک اَیهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ الله وَ بَرَکاتُهُ.

و نیز مستحب است هر سه را بگوید.[۳]

ترتیب

۱ .نماز باید بدین ترتیب خوانده شود: تکبیرة‌الاحرام، قرائت، رکوع، سجود، و در رکعت دوم پس از سجود، تشهد بخواند و در رکعت آخر، پس از تشهد، سلام دهد.

۲ .اگر رکنی از نماز را فراموش کند و رکن بعد از آن را بجا آورد؛ مثلاً پیش از رکوع، دو سجده نماید،[۴] نماز باطل است.[۵]

---

۱ .توضیح المسائل، م ۱۱۰۲. به فتوای برخی از فقها، در فرض اول نیز باید پس از نماز دو سجده سهو بجا آورد.

۲ .همان، م ۱۱۰۵. به فتوای برخی از فقها، اگر جمله اوّل را بگوید، احتیاط آن است جمله دوّم را نیز بگوید.

۳ .همان، م ۱۱۰۵.

٤ .اگر در سجده اول باشد، احتیاط واجب آن است که بایستد و رکوع را بجا آورد و نماز را تمام کند و دوباره بخواند. توضیح‌المسائل، م ۱۰٤۲.

۵ .توضیح‌المسائل، م ۱۱۰۹.

٣ .اگر رکنی را فراموش کند و چیزی را که بعد از آن است و رکن نیست بجا آورد؛ مثلاً پیش از دو سجده، تشهد بخواند، باید رکن را بجا آورد و آنچه را که به اشتباه پیش از آن خوانده دوباره بخواند.[١]

□ ٤ .اگر غیر رکنی را فراموش کند و رکن بعد را بجا آورد؛ مثلاً حمد را فراموش کند و مشغول رکوع شود، نمازش صحیح است.[٢]

مُوالات

١ .موالات یعنی پشت سرهم بودن اجزای نماز و فاصله نینداختن بین آنها.

٢ .اگر به قدری بین اجزای نماز فاصله بیندازد که نگویند نماز می‌خواند، نمازش باطل است.[٣]

٣ .طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره‌های بزرگ، موالات را به‌هم نمی‌زند.[٤]

پرسش

١ .کسی که نمی‌تواند برای سجده به طور کامل خم شود، اگر مهر را با دست بالا بیاورد و به پیشانی بگذارد چه حکمی دارد؟ چرا؟

٢ .اگر در حال تشهد یادش بیاید که یک سجده بجا آورده، تکلیف چیست؟

٣ .مراعات کدام‌یک از شرایط و واجبات سجده نماز در سجده واجب قرآن نیز لازم است؟

٤ .اگر در رکعت سوّم نماز متوجه شود، تشهد را فراموش کرده، تکلیف چیست؟

٥ .فراموش کردن کدام‌یک از اجزای نماز قضا دارد؟

---

١ .توضیح المسائل، م ١١١٠.

٢ .همان، م ١١١١. به فتوای برخی از فقها، برای هر واجب فراموش‌شده بنا بر احتیاط باید دو سجده سهو بجا آورد.

٣ .همان، م ١١١٤.

٤ .همان، م ١١١٦.

درس ۲۳

آداب نماز

در اصطلاح فقه، مجموعه مستحبات و مکروهات را «آداب» گویند.

آداب نماز (اعم از مقدمات و مقارنات و تعقیبات) بسیار زیاد است اما در این درس به طور مختصر برخی از آنها را مرور می‌کنیم.

آداب لباس نمازگزار

۱. پوشیدن عبا و لباس سفید و پاکیزه‌ترین لباس‌ها و استعمال بوی خوش و دست کردن انگشتری عقیق در نماز مستحب است.[۱]

۲. پوشیدن لباس سیاه و چرک و تنگ و لباسی که نقش صورت دارد و باز بودن دکمه‌های لباس در نماز مکروه است.[۲]

آداب مکان نمازگزار

۱. مستحب است، انسان نماز را در مسجد بخواند و در اسلام بر این مسأله سفارش بسیار شده است.[۳] احکام مسجد در درس آینده خواهد آمد.

---

۱. توضیح المسائل، م ۸۶۴.

۲. همان، م ۸۶۵.

۳. همان، م ۸۹۳.

۲ .برای زنان نماز خواندن در خانه بهتر است، ولی اگر بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند.[۱]

۳ .در مکان های ذیل نماز خواندن مکروه است:

- حمام.
- زمین نمکزار.
- مقابل دری که باز است.
- در جاده و خیابان و کوچه، اگر برای کسانی که عبور می‌کنند زحمت نباشد و اگر زحمت باشد حرام است ولی نماز باطل نیست.
- مقابل آتش و چراغ.
- در آشپزخانه وهرجا که کوره آتش باشد.
- مقابل چاه و چاله‌ای که محل بول است.
- روبروی عکس و مجسمه انسان یا حیوان، مگر آن که روی آن پرده بکشند.
- در جایی که عکس باشد هر چند روبروی نمازگزار نباشد.
- در اطاقی که شخص جنب در آن باشد.
- مقابل قبر و روی آن و بین دو قبر.
- در قبرستان.[۲]

اذان و اقامه

۱ .برنمازگزار مستحب است قبل از نمازهای یومیه، ابتدا اذان وبعد ازآن اِقامه بگوید.[۳]

۲ .اذان واقامه باید دروقتِ نمازگفته شود واگر قبل ازوقت بگوید باطل است.[۴]

---

۱ .توضیح المسائل، م ۸۹٤.

۲ .همان، م ۸۹۸.

۳ .همان، م ۹۱۸.

٤ .همان، م ۹۳۵.

۳ ـ اقامه باید بعد از اذان گفته شود و اگر قبل از اذان بگوید، صحیح نیست.[۱]

٤ ـ بین جمله‌های اذان و اقامه نباید زیاد فاصله شود و اگر بین آنها بیشتر از معمول فاصله بیندازد، باید دوباره آن را از سر بگیرد.[۲]

۵ ـ اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند، کسی که با آن جماعت نماز می‌خواند، نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.[۳]

۷ ـ مستحب است کسی را که برای گفتن اذان معین می‌کنند، عادل، وقت شناس و صدایش بلند باشد.[۴]

۸ ـ مستحب است در روزی که بچه به دنیا می‌آید، در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگویند.[۵]

بعضی از مستحبات قرائت[٦]

۱ ـ در رکعت اول پیش از حمد بگوید: «**اَعوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیم**».

۲ ـ در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر «**بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ**» را بلند بگوید.

۳ ـ حمد و سوره را شمرده بخواند و در آخر هر آیه وقف کند؛ یعنی آن را به آیه بعد نچسباند.

٤ ـ در حال خواندن حمد و سوره، به معنای آن توجه داشته باشد.

۵ ـ در تمام نمازها، در رکعت اول، سوره «**قدر**» و در رکعت دوم، سوره «**توحید**» را بخواند.

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۹۳۱.

۲ ـ همان، م ۹۲۰.

۳ ـ همان، م ۹۲۳.

٤ ـ همان، م ۹٤۱.

۵ ـ همان، م ۹۱۷.

٦ ـ همان، م ۱۰۱۷ و ۱۰۱۸.

۶ . اگر نماز را به جماعت می‌خواند، بعد از تمام شدن حمد امام و اگر فرادا می‌خواند، بعد از تمام شدن حمد خودش، بگوید: «**اَلْحَمْدُللهِ رَبِّ الْعالَمِینَ**».

۷ .بعد از خواندن سوره «**توحید**»، یک یا دو یا سه مرتبه بگوید: «**کَذلِک اللهُ رَبّی**» یا سه مرتبه بگوید: «**کَذلِک اللهُ رَبُّنا**».

قنوت

۱ .مستحب است دررکعت دوم نمازهای یومیه، بعد از حمد و سوره و پیش از رکوع، قنوت بخواند.

ـ درنماز جمعه، درهر رکعت یک قنوت،[۱]

ـ درنماز آیات، پنج قنوت،[۲]

ـ درنماز عید فطر و قربان، دررکعت اوّل پنج قنوت و دررکعت دوّم چهار قنوت.

و درنماز وترکه یک رکعت است، خواندن قنوت پیش از رکوع مستحب است.[۳]

۲ .در قنوت، هر دعا یا ذکری بگوید، اگر چه یک «**سُبْحانَ اللهِ**» باشد کافی است و می‌تواند این دعا را بخواند.

« **رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَ فِی الآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النّارِ**»[۴]

۳ .هنگام قنوت، بنابراحتیاط واجب باید دست‌ها را بلند کند و مستحب است دست‌ها را تا مقابل صورت بالا آورد وکف دست‌ها رو به آسمان باشد.[۵]

---

۱ .توضیح المسائل، م ۱۰۲۹ و ۱۰۴۳.

۲ .تفصیل آن در درس ۳۶ خواهد آمد.

۳ .توضیح‌المسائل، م ۱۱۱۷ و م ۱۵۱۲.

۴ .همان، م ۱۱۱۹.

۵ .همان، م ۱۱۱۸.

برخی از مستحبات رکوع

* ذکر رکوع را سه یا پنج یا هفت مرتبه بلکه بیشتر بگوید.
* پیش از رفتن به رکوع در حالی که راست ایستاده تکبیر بگوید.
* در حال رکوع بین دو قدم (روی زمین) را نگاه کند.
* پیش از ذکر رکوع یا بعد از آن صلوات بفرستد.
* بعد از رکوع، هنگامی که ایستاد و بدن آرام گرفت بگوید: «سَمِعَ اللهُ لِمَن حَمِدَه».[۱]

برخی از مستحبات سجده

۱- تکبیر گفتن در این موارد:

* پس از رکوع و پیش از سجده اول.
* پس از سجده اول، در حالی که نشست و بدن آرام گرفت.
* پیش از سجده دوم، در حالی که نشسته است و بدنش آرام است.
* بعد از سجده دوم.

۲- طول دادن سجده ها.

۳- گفتن «**أَستَغفِرُاللهَ رَبِّی وَأَتُوبُ اِلَیهِ**» بعد از سجده ی اول، در حالی که بدن آرام گرفت.

٤- صلوات فرستادن در سجده‌ها.[۲]

تعقیب نماز

مستحب است انسان پس از نماز مشغول تعقیب شود؛ یعنی ذکر و دعا و قرآن بخواند.

۱. بهتر است در حال تعقیب رو به قبله باشد.

۲. لازم نیست تعقیب به عربی باشد، ولی بهتر است آنچه را که در کتاب‌های دعا دستور داده‌اند بخواند.

---

۱. توضیح المسائل، م ۱۱۱۸.

۲. همان، م ۱۰۹۱.

۳ .گفتن تسبیح حضرت زهرا علیها السلام ؛ یعنی ۳٤ مرتبه **«اَللّٰه اکبر»** و ۳۳ مرتبه **«اَلحمدُلله»** و ۳۳ مرتبه **«سُبْحانَ الله»** مستحب است.[۱]

استفتاء

س .آیا بعد از نمازها شعارهای اسلامی بگوییم یا تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را با توجه به تأکید فراوان روایات درباره تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام بعد از نماز.

ج .اختیار با نمازگزار است و جمع بین هر دو بهتر است.[۲]

برخی از مکروهات نماز

۱ .برهم گذاشتن چشم‌ها؛

۲ .بازی کردن با انگشتان و دست‌ها؛

۳ .سکوت هنگام خواندن حمد یا سوره یا ذکر، برای شنیدن حرف کسی؛

٤ .هرکاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد؛

٥ .گرداندن صورت به طرف راست یا چپ به مقدار کم (اگر زیاد باشد نماز باطل می‌شود).[۳]

پرسش

۱ -گفتن اذان و اقامه پیش از کدامیک از نمازها مستحب است؟

۲ - نماز چند تکبر مستحب دارد؟

۳ -کدام نماز بیشترین قنوت را دارد؟

٤- تکرار کدام یک از آیات سوره حمد، مستحب است؟

٥- صلوات فرستادن در نماز چه حکمی دارد؟

---

۱ .توضیح المسائل، م ۱۱۲۲.

۲ .استفتاآت، ج ۱، صص ۱٦۷ و ۱٤۸.

۳ .توضیح المسایل، م ۱۱٥۷.

درس ۲٤

مُبطِلات نماز

آنگاه که نمازگزار، تکبیرةالاحرام می‌گوید، تا پایان نماز، بعضی کارها بر او حرام می‌شود و اگر یکی از آنها را انجام دهد نمازش باطل می‌شود، مبطلات نماز عبارتند از:

- **از بین رفتن یکی از شرط‌های نماز؛**
- پیش آمدن چیزی که وضو یا غسل را باطل می‌کند؛
- خوردن و آشامیدن؛
- سخن گفتن؛
- خندیدن؛
- گریستن؛
- رو از قبله برگرداندن؛
- کم یا زیاد شدن ارکان نماز؛
- بر هم زدن صورت نماز؛
- دست‌ها را بر هم گذاشتن؛
- آمین گفتن بعد از حمد؛
- پیش آمدن شکی که مبطل نماز است.[1]

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۱۱۲٦. شك‌هایی که نماز را باطل می‌کند در درس ۲۵ خواهد آمد.

احکام مبطِلات نماز

۱ .اگر در بین نماز یکی از شرایط صحیح بودن آن از بین برود نماز باطل می‌شود؛ مثلاً در بین نماز بفهمد مکانش غصبی است.[۱]

۲ .اگر در بین نماز وضو باطل شود یا یکی از موجبات غسل پیش آید، نماز باطل است.[۲]

• **سخن گفتن**

□ ۱ .اگر نمازگزار عمداً کلمه‌ای بگوید و بخواهد مطلبی را بفهماند، نمازش باطل است، اگرچه آن کلمه معنایی نداشته باشد یا یک حرف باشد.[۳]

۲ .سرفه و آروغ و آه کشیدن نماز را باطل نمی‌کند ولی گفتن «آخ» و «آه» و مانند این‌ها که دو حرف دارد، اگر عمدی باشد نماز را باطل می‌کند.[۴]

□ ۳ .در نماز نباید به کسی سلام کرد، ولی اگر کسی به نمازگزار سلام کند جواب او واجب است و باید «سلام» را مقدم بدارد؛ مثلاً بگوید: **«سَلامٌ عَلیكَ»** یا **«سَلامٌ عَلَیكُمْ»** و نباید **«عَلَیكُمُ السَّلام»** بگوید.[۵]

٤ .اگر کلمه‌ای را به قصد ذکر بگوید؛ مثلاً بگوید: **«الله اکبر»** و در موقع گفتن آن، صدا را بلند کند که چیزی را به دیگری بفهماند اشکال ندارد ولی چنانچه به قصد

---

۱ .توضیح المسائل، م ۱۱۲٦.

۲ .همان.

۳ .همان، ص ۱٥٤. به فتوای برخی از فقها، اگر کلمه معنادار باشد، هرچند نخواهد مطلبی را بفهماند، نماز باطل است.

٤ .همان، م ۱۱۳۳.

٥ .همان، م ۱۱۳۷. به فتوای برخی از فقها، در پاسخ سلام باید همان طور که سلام کرده جواب بدهد.

اینکه چیزی به کسی بفهماند بگوید، اگرچه قصد ذکر هم داشته باشد، نماز باطل می‌شود، چون قصد اصلی غیر ذکر است و قصد ذکر فرع بر آن است.[۱]

استفتاء

س .اگر کسی به نمازگزار سلام کند و فقط بگوید: «سلام» نمازگزار چگونه باید پاسخ دهد؟

ج .جواب واجب است و در جواب یا باید به لفظ «سلام» اکتفا کند، یا بگوید: «سلام علیکم».[۲]

• خندیدن و گریستن

۱ .خنده عمدی و باصدا نماز را باطل می‌کند.

۲ .لبخند زدن نماز را باطل نمی‌کند.

۳ .اگر نمازگزار برای کار دنیا عمداً با صدا گریه کند نمازش باطل می‌شود.

□ ٤ .گریه بی‌صدا و گریه از ترس خدا یا برای آخرت ـ هر چند با صدا باشد ـ نماز را باطل نمی‌کند.[۳]

• رو از قبله برگرداندن

۱ .اگر نمازگزار عمداً روی خود را از قبله برگرداند، به طوری که نگویند رو به قبله است، نمازش باطل می‌شود.

۲ .اگر سهوا تمام صورت را به طرف راست یا چپ قبله برگرداند، به احتیاط واجب نماز را دوباره بخواند. ولی اگر به طرف راست یا چپ قبله نرسیده است، نماز صحیح است.[۴]

---

۱ .توضیح المسائل، م ۱۱۳٤.

۲ .استفتاآت، ج ۱، ص ۳۰۰، س ٥٦۰.

۳ .توضیح المسائل، هفتم و هشتم از مبطلات نماز. به فتوای برخی از فقها، گریه برای کار دنیا هرچند بی‌صدا باشد، نماز را باطل می‌کند.

٤ .همان، م ۱۱۳۱.

• برهم زدن صورت نماز

۱ .اگر در بین نماز، کاری کند که صورت نماز را بر هم زند؛ مثل دست زدن، به هوا پریدن و مانند اینها، هر چند از روی فراموشی باشد، نماز باطل می‌شود.[۱]

۲ .اگر نمازگزار به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می‌خواند، نمازش باطل می‌شود.[۲]

۳ . رها کردن نماز واجب (شکستن نماز) از روی اختیار، حرام است، ولی برای حفظ جان خود یا کسی که حفظ جانش واجب است یا حفظ مالی که نگهداری آن واجب است یا حفظ آبروی خود، مانعی ندارد وگاهی واجب است.[۳]

٤ .شکستن نماز برای پرداخت بدهی با این شرایط اشکال ندارد:

* طلبکار، طلب خود را بخواهد.

* وقت نماز تنگ نباشد؛ یعنی بتواند پس از پرداخت بدهی، نماز را در وقتِ آن بخواند.

* در بین نماز نتواند بدهی را بپردازد.[٤]

□ ٥ .اگر در بین نماز متوجه شود که مسجد نجس است و:

- وقت نماز تنگ است: باید نماز را تمام کند و پس از نماز، مسجد را تطهیر کند.
- وقت نماز وسعت دارد: اگر نمی‌تواند در بین نماز مسجد را تطهیر کند، باید نماز را رها کند و مسجد را تطهیر نماید و بعد نماز را بخواند.[٥]

٦ .شکستن نماز برای مالی که اهمیت ندارد مکروه است.[٦]

---

۱ .توضیح المسائل، ص ۱٥٦، نهم از مبطلات نماز.

۲ .همان، م ۱۱٥۲.

۳ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول في مبطلات الصلاة، ص ۱۹۱، م ۱۰؛ توضیح المسائل، م ۱۱٥۹ و ۱۱٦۰.

٤ .توضیح المسائل، م ۱۱٦۱.

٥ .همان، م ۱۱٦۲. به فتوای برخی از فقها، چنانچه بعد از نماز تطهیر مسجد ممکن باشد، شکستن نماز جایز نیست، بلکه باید نماز را تمام کند و بعد از نماز مسجد را تطهیر کند.

٦ .همان، م ۱۱٦۰.

• دست‌ها را بر هم گذاشتن

اگر نمازگزار مثل بعضی غیرشیعیان در حال نماز دست‌ها را روی هم بگذارد نماز باطل است.[۱]

• آمین گفتن

اگر نمازگزار پس از سوره حمد عمداً «آمین» بگوید نماز باطل می‌شود، ولی اگر سهواً یا از روی تقیه بگوید نماز باطل نمی‌شود.[۲]

پرسش

۱. اگر نمازگزار سهوا کلمه‌ای معنادار بگوید، نمازش چه حکمی دارد؟

۲. اگر کسی به‌نمازگزار بگوید:«سلام» آیا جواب آن واجب است ودر صورت وجوب چگونه باید جواب دهد؟

۳. اگر در بین قرائت برای متوجه کردن کسی، «الله اکبر» بگوید، نماز چه حکمی دارد؟

٤. در چه صورت می‌توان برای پرداختن بدهی نماز را رها کرد؟

۵. اگر مسافر در بین نماز متوجه شود قطار آماده حرکت است، آیا می‌تواند نماز را رها کند؟

---

۱. توضیح المسائل، ص ۱۵۳، سوم از مبطلات نماز.

۲. همان، چهارم از مبطلات نماز.

درس ۲۵

شَکیات نماز (۱)

در برخی موارد ممکن است نمازگزار نسبت به آنچه در نماز می‌خواند یا بجای می‌آورد دچار تردید شود، مثلاً نداند دو رکعت خوانده یا سه رکعت، یا کلمه‌ای را درست خوانده یا نه که در این صورت باید مطابق وظیفه‌ای که گفته خواهد شد عمل کند. برای شناخت وظیفه نمازگزار لازم است اقسام شک دانسته شود، چون هر کدام از اقسام آنها حکم خاص خود را دارد.

اقسام شک در نماز
- ۱- شک در اجزای نماز
  - شک در انجام دادن جزء
  - شک در صحت جزء
- ۲- شک در رکعات نماز
  - معتبر
  - غیرمعتبر
    - مُبطل نماز
    - غیرمبطل
- ۳- شک در اصل نماز
  - شک در بجای آوردن نماز
  - شک در صحت نماز[1]

---

۱ احکام شکّیات نماز به جز آنچه از توضیح المسائل است از تحریر الوسیله، ج۱، القول فی الشک، صص۱۸۹-۲۰۰ آورده شده است.

شک در اجزای نماز

۱ ـ اگر نمازگزار شک کند که جزئی از نماز واجب را بجا آورده یا نه، اگر جزء بعدی را شروع نکرده؛ یعنی هنوز از محل آن جزء نگذشته است؛ باید آن را بجا آورد. ولی اگر از محل آن گذشته، به چنین شکی اعتنا نمی‌شود و نماز را ادامه می‌دهد و صحیح است؛ مثلاً اگر پس از سجده، قبل از شروع کردن تشهد، شک کند یک سجده بجا آورده یا دو سجده، باید یک سجده دیگر بجا آورد ولی اگر تشهد را شروع کرده باشد، لازم نیست سجده دیگری انجام دهد و نماز صحیح است.[۱]

۲ ـ اگر هنگام رفتن به سجده شک کند که رکوع کرده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.[۲]

۳ ـ اگر در حال برخاستن شک کند که سجده را بجا آورده یا نه باید برگردد و بجا آورد ولی اگر شک کند تشهد بجا آورده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.[۳]

٤ ـ اگر نمازگزار در صحّت جزئی از نماز شک کند؛ یعنی نمی‌داند جزئی که بجا آورده، صحیح انجام شده یا نه، بنا می‌گذارد بر صحیح بودن آن و نماز را ادامه می‌دهد و صحیح است؛ مثلاً اگر در صحّت کلمه یا آیه‌ای که خوانده است شک کند، به شک خود اعتنا نمی‌کند.[۴]

۵ ـ حکم شک در اجزای نماز مستحب، همان حکم شک در اجزای نماز واجب است.[۵]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، في الشک في عدد الرکعات، ص ۲۰۰؛ توضیح المسائل، م ۱۱٦۸.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۱۷۱.

۳ ـ همان، م ۱۱۷۲.

٤ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، في الشک في عدد الرکعات، ص ۲۰۰؛ توضیح المسائل، م ۱۱٦۸.

۵ ـ همان، في الشکوک التي لا اعتبار لها، ص ۲۰۸، م ٤.

شک در رکعات

شک‌هایی که نماز را باطل می‌کند (مُبطل):[۱]

* شک در تعداد رکعات نمازهای دورکعتی؛ مثل نماز صبح و نماز مسافر.
* شک در تعداد رکعات نماز مغرب.
* شک بین یک و بیشتر از یک.
* شک بین دو و بیشتر از آن، پیش از سر برداشتن از سجده دوم.
* نداند چند رکعت خوانده است.

مسأله: اگر یکی از شک‌های باطل‌کننده برای نمازگزار پیش آید، نمی‌تواند نماز را به هم بزند ولی اگر قدری فکر کند و چیزی یادش نیاید و شک از بین نرود، به هم زدن نماز مانعی ندارد.[۲]

شک‌هایی که نماز را باطل نمی‌کند (غیر مبطل):

اگر در بین نماز چهار رکعتی یکی از این شک‌ها برای نمازگزار پیش آید در برخی از موارد، شک معتبر است و باید طبق وظیفه‌ای که در نمودار خواهد آمد عمل کند و نمازش صحیح است.[۳]

---

۱. این قسم از شك مربوط به نمازهای واجب است، چون شک در رکعات نماز مستحب نماز را باطل نمی‌کند، بلکه به آن اعتنا نمی‌شود.

۲. همان، م ۱۱٦٦.

۳. همان، م ۱۱۹۹؛ العروة الوثقی، ج ۲، الشک في عدد الرکعات، ص ۲۱، م ۱ تا ۱۵، ص ۲۰، م ۳.

شک	در حال قیام	در رکوع	بعد از رکوع	در سجده	بعد از سجده دوم	وظیفه نمازگزار در مواردی که نماز صحیح است.
شک بین ۲ و۳	مُبطِل	مُبطِل	مُبطِل	مُبطِل	غیرمُبطِل	بنا بر سه گذاشته و یک رکعت دیگر می‌خواند و پس از سلام، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده، یا دو رکعت نشسته می‌خواند.
شک بین ۲ و٤	مُبطِل	مُبطِل	مُبطِل	مُبطِل	غیرمُبطِل	بنا بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده می‌خواند.
شک بین ۲ و۳ و٤	مُبطِل	مُبطِل	مُبطِل	مُبطِل	غیرمُبطِل	بنا بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و دو رکعت نشسته بجا می‌آورد.
شک بین ۳ و٤	غیرمُبطِل	غیرمُبطِل	غیرمُبطِل	غیرمُبطِل	غیرمُبطِل	بنا را بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته می‌خواند.
شک بین ٤ و٥	غیرمُبطِل	مُبطِل	مُبطِل	مُبطِل	غیرمُبطِل	□ اگر در حال قیام شک پیش آمده، بدون رکوع می‌نشیند و نماز را تمام می‌کند و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته می‌خواند و اگر در حالت نشسته پیش آمده است، بنا را بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز دو سجده سهو بجا می‌آورد. [1]

به جز مواردی که در جدول آمده، موارد دیگری نیز هست که کمتر اتفاق می‌افتد و حکم آنها از آنچه بیان شد و قواعدی که خواهد آمد روشن می‌شود.

---

۱. برخی از فقها، بجا آوردن دو سجده سهو را در فرض اول نیز واجب می‌دانند و برخی بنابر احتیاط اعاده نماز را لازم می‌دانند.

چند قانون کلّی

۱ .اگر در نماز یکی از شك‌های غیر مبطل پیش آید نمازگزار نباید نماز را بشکند، بلکه باید مطابق وظیفه‌اش عمل کند و اگر نماز را به هم بزند، معصیت کرده است.[۱]

۲ .اگر یکی از شك‌های غیر مبطل پیش آید، باید مقداری فکر کند، پس اگر یقین یا گمان به یک طرف پیدا کرد همان طرف را می‌گیرد و نماز را تمام می‌کند وگرنه به دستورهایی که گفته شد عمل می‌کند.

۳ .در شك‌های صحیح باید بنا را بر بیشتر گذاشت، مگر آنکه یکی از اطراف شك، از چهار گذشته باشد؛ مثلاً در شک بین ٤ و٥ بنا بر بیشتر گذاشته نمی‌شود.

٤ .نماز احتیاط، برای جبران کمبود احتمالی نماز است، بنابراین در شک بین ۳ و ٤، که احتمال کمبود، یک رکعت است، یک رکعت نماز احتیاط لازم است ولی در شک بین ۲ و٤، دو رکعت نماز احتیاط لازم است.

٥ .سجده سهو، در موارد احتمال زیادی سهوی است، پس در شک بین ٤ و٥ بعد از سجده دوم و شک بین ٥ و٦ در حالت ایستاده، سجده سهو لازم است.

٦ . در مواردی که یک رکعت نماز احتیاط، واجب است می‌توان به جای آن، دو رکعت نشسته خواند.

۷ .در مواردی که دو رکعت نماز احتیاط، واجب است، نمی‌توان به جای آن چهار رکعت نشسته خواند.

۸ .اگر برای نمازگزار در حالت ایستاده، یکی از شك‌های غیر مبطل پیش آید، به جز شک ۳ و٤، در بقیه موارد، باید بدون رکوع بنشیند و پس از نشستن، از هر طرف شك، یک عدد کم می‌شود؛ مثلاً در شک بین ٤ و٥ در حالت ایستاده، پس از نشستن، به شک ۳ و٤ برمی‌گردد و همان وظیفه شک بین ۳ و٤ را باید انجام دهد.[۲]

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۲۰۰۰.

۲ .همان، م ۱۱۹۹.

پرسش

۱ .اگر نمازگزار موقع خواندن تشهد شک کند یک سجده بجا آورده یا دو سجده، تکلیف چیست؟

۲ .اگر پس از ادای حرفی از یک کلمه، در صحت آن شک کند، تکلیف چیست؟

۳ .اگر مسافر در نماز ظهر شک بین ۲ و ۳ برایش پیش آید وظیفه‌اش چیست؟

٤ .حکم شک بین ٤ و ٥ در حالت ایستاده چیست؟

٥ .حکم شک بین ۲ و ۳ در نماز چهار رکعتی در حال قیام پس از رکوع، چیست؟

٦ .در کدام موارد شك، دو رکعت نماز احتیاط واجب می‌شود؟

درس ٢٦

شکیات نماز (٢)

شك‌هایی که نباید به آنها اعتناکرد (غیر معتبر):

- شک بعد از محل (توضیح آن در «شک در اجزا» گذشت).
- شک پس از سلام.
- شک کثیرالشك.
- شک امام و مأموم در نماز جماعت.
- شک در نماز مستحب.[1]

اگر برای نمازگزار یکی از این شك‌ها پیش آید، اعتباری نخواهد داشت و به آن اعتنا نمی‌شود و نماز صحیح است.

• شک بعد از سلام

١ ـ اگر پس از سلام نماز شک کند که نمازش صحیح بوده یا نه؛ مثلاً شک کند در رکعت دوم یک سجده بجا آورده یا دو سجده، یا پس از سلام نماز چهار رکعتی شک

---

١ ـ توضیح‌المسائل، م ١١٦٧.

کند چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت، به شک خود اعتنا نمی‌کند و لازم نیست نماز را دوباره بخواند.[۱]

۲ .اگر پس از سلام شک کند و دو طرف شک باطل باشد؛ مثل آنکه شک کند نماز چهار رکعتی را سه رکعت خوانده یا پنج رکعت، نمازش باطل است.[۲]

• وظیفه کثیرالشك

کثیرالشک کسی است که در یک نماز، سه مرتبه شک کند، یا در سه نماز پشت سر هم، مثلاً نماز صبح، ظهر و عصر، شک کند و وظیفه او بدین شرح است:[۳]

۱-شک در رکعات نماز
- ۱.اگر طرف بیشتر شك، نماز را باطل نمی‌کند؛ مثلاً در نماز چهار رکعتی شک بین سه و چهار برایش پیش می‌آید: بنا را بر بیشتر می‌گذارد.
- ۲ .اگر طرف بیشتر شك، نماز را باطل می‌کند: بنا را بر کمتر می‌گذارد؛ مثلاً در شک بین چهار و پنج، بنا را بر چهار می‌گذارد.

۲-شک در اجزای نماز
- ۱.اگر انجام دادن آن نماز را باطل نمی‌کند: باید بنا بگذارد که آن را بجا آورده؛ مثلاً شک کند یک سجده بجا آورده یا دو سجده: بنا می‌گذارد بر انجام دادن دو سجده.
- ۲.اگر انجام دادن آن نماز را باطل می‌کند: باید بنا بگذارد که آن را انجام نداده؛ مثلاً شک کند یک رکوع بجا آورده یا دو تا: بنا می‌گذارد بر انجام یک رکوع.[۴]

• شک امام و مأموم

در نماز جماعت اگر امام جماعت شک کند ولی مأموم شک نداشته باشد و مثلاً با بلند گفتن ذکری امام را مطّلع کند، امام جماعت به شک خود اعتنا نمی‌کند و

---

۱ .توضیح المسائل، م ۱۱۷۹.
۲ .همان، م ۱۱۷۹.
۳ .همان، م ۱۱۸٤.
٤ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول في الشكوك التي لا اعتبار بها، ص ۲۰۷؛ توضیح‌المسائل، م ۱۱۸۵.

همچنین اگر مأموم شک کند ولی امام جماعت شک نداشته باشد، همانند امام جماعت، عمل می‌کند و صحیح است.[۱]

● **شک در نماز مستحب**

اگر نمازگزار در رکعات نماز مستحب شک کند: مانند وظیفه‌ای که برای کثیرالشک گفته شد عمل می‌کند.[۲]

شک در اصل نماز

● **شک در بجای آوردن نماز**

- پیش از گذشتن وقت ← باید نماز را بخواند.
- پس از گذشتن وقت ← لازم نیست آن نماز را بخواند.[۳]

مسأله: کسی که در بجای آوردن نماز، کثیرالشک است حکم افراد عادی را دارد ولی وسواسی به شک خود اعتنا نمی‌کند، هرچند در وقت نماز شک کند.[۴]

● **شک در صحّت نماز**

اگر نمازگزار در صحّت نماز خوانده شده شک کند، اعتنا نمی‌کند و خواندن دوباره نماز لازم نیست، چه پیش از گذشتن وقت نماز باشد یا پس از آن.[۵]

حکم گمان در نماز

● **در اصل نماز:** حکم شک را دارد.[۶]

● **در رکعات نماز:** حکم یقین را دارد.[۷]

۱ـ توضیح المسائل، م۱۱۸۵.
۲ـ همان، م ۱۱۹۳ و ۱۱۹۵.
۳ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة، القول في الشك، صص ۱۹۸ و ۲۰۶.
٤ـ همان، ص ۲۰۰، م ۸.
٥ـ همان، القول في الشكوك التي لا اعتبار لها، ص ۲۰٦.
٦ـ همان، ج ۱، کتاب الصلاة، القول في الشك، صص ۱۹۸ و ۲۰٦.
۷ـ همان، ص ۲۰۹، م۱.

□ ● **در اجزا و افعال نماز:** در مواردی که با وظیفه شاک مخالف است، باید احتیاط کند؛ مثلاً اگر در حال قیام، پیش از رفتن به سجده گمان به انجام رفتن رکوع دارد ولی یقین ندارد[۱]، رکوع را به جا می‌آورد و نماز را هم اعاده می‌کند. امّا اگر در سجده گمان پیدا کند رکوع را به جا آورده است ولی یقین ندارد، وظیفه او با کسی که شک دارد، تفاوتی نخواهد داشت، چون اگر شک داشته باشد، اعتنا نمی کند، پس اگر گمان داشته باشد به طریق اولی اعتنا نمی شود.[۲]

پرسش

۱ .مورد اشتراک شک بعد از وقت و شک بعد از سلام چیست؟

۲ .اگر کثیرالشّك، در رکعت اوّل پس از سجده، شک کند که یک سجده بجا آورده یا دو تا، تکلیفش چیست؟

۳ .اگر در نماز مستحب شک بین ۱ و ۲ پیش آید، وظیفه چیست؟

٤ .اگر انسان ساعت ٤ بعد از ظهر شک کند نماز عصر را خوانده یا نه تکلیف چیست؟

٥ .اگر نمازگزار پس از برداشتن سر از سجده و پیش از شروع تشهد گمان کند یک سجده بجا آورده وظیفه اش چیست؟

---

۱ .در این فرض اگر شک می‌داشت، می‌بایست رکوع را به جا آورد و نماز صحیح است، پس وظیفه کسی که شک دارد، انجام دادن رکوع است ولی کسی که گمان دارد رکوع را انجام داده، چون احتمال می‌رود رکن تکرار شود، نمی توان گفت حتماً همان وظیفه شک را دارد و باید رکوع را به جا آورد، بلکه باید احتیاط کند به انجام دادن رکوع و اعاده نماز، چون ممکن است با انجام دادن رکوع، تکرار رکن پیش آمده باشد و نماز باطل شده باشد، پس باید نماز را هم اعاده کند.

۲ .تحریرالوسیله، ج۱، کتاب الصلاة، القول في حكم الظن فی افعال الصلاة ورکعاتها، ص۲۰۹، م۱. به فتوای برخی از فقها گمان در افعال و اجزای نماز حکم شک را دارد.

درس ۲۷

شکیات نماز (۳)

نماز احتیاط

درمواردی که نماز احتیاط واجب می‌شود؛ مثل شک بین ۳ و ٤، نمازگزار باید بعد از سلام نماز، پیش از به هم خوردن صورت نماز یا انجام دادن مبطلی، برخیزد و بدون اذان و اقامه، تکبیر بگوید و نماز احتیاط را بخواند.[۱]

تفاوت نماز احتیاط با نمازهای دیگر:

*نیت آن را نباید به زبان آورد.

*سوره و قنوت ندارد (هر چند دورکعتی باشد).

*سوره حمد حتّی بسم اللهِ الرَّحمن الرّحیم را باید آهسته بخواند (بنابراحتیاط واجب).[۲]

۱ ـ اگر یک رکعت نماز احتیاط، واجب باشد، پس از سجده‌ها، تشهد می‌خواند و سلام می‌دهد و اگر دو رکعت واجب شده باشد، نباید در رکعت اول تشهد و سلام بخواند، بلکه باید یک رکعت دیگر هم (بدون تکبیرةالاحرام) بخواند و در پایان رکعت دوم، تشهد خوانده، سلام می‌دهد.[۳]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، القول في رکعات الاحتیاط، ص۲۱۰، م۱ و۲.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۲۱۵.

۳ ـ همان، م ۱۲۱۵ و ۱۲۱٦

۲ .اگر پس از سلام نماز، نماز احتیاط را عمداً یا سهوا نخواند، بنابر احتیاط واجب باید نماز احتیاط را بخواند و نماز را هم اعاده کند.[۱]

۳ .کسی که نشسته نماز می‌خواند اگر شکی برایش پیش آید که باید دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند، یا شکی کند که باید برای آن یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بخواند، باید دو رکعت نشسته بجا آورد.[۲]

استفتاء

س .کسی که وظیفه‌اش خواندن نماز به طور خوابیده است، اگر شک بین ۳ و ۴ کند باید یک رکعت نماز احتیاط بخواند یا دو رکعت؟ یا بستگی به نیت دارد؟

ج .مخیر است بین یک رکعت خوابیده به جای یک رکعت ایستاده یا دو رکعت خوابیده به جای دو رکعت نشسته.[۳]

سجده سهو

□ ۱ . در مواردی که سجده سهو واجب می‌شود، باید بعد از سلام نماز، به سجده رود و بگوید: **بِسْمِ‌اللهِ وَ بِاللهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ** و بهتر است بگوید: **بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ اَیهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ** و بعد بنشیند و دوباره به سجده رود و یکی از ذکرهای بالا را بگوید، سپس بنشیند و تشهد و سلام را بجا آورد.[۴]

۲ . برای سجده سهو، گفتن تکبیرة‌الاحرام واجب نیست، ولی احتیاط مستحب است.[۵]

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول في رکعات الاحتیاط، ص ۲۱۰، م ۱.
۲ .توضیح‌المسائل، م ۱۲۱۲.
۳ .استفتاآت، ج ۱، ص ۱٦۸، س ۱۵۵.
٤ .توضیح‌المسائل، م ۱۲۵۰، به فتوای برخی از فقها بنابر احتیاط باید جمله دوم را بگوید.
۵ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول في سجود السهو، ص ۲۱٤، م ۵

موارد سجده سهو

واجب
۱. دربین نماز سهواً حرف بزند.
۲. یک سجده را فراموش کند و در رکوع رکعت بعد، یا پس از آن یادش بیاید.
۳. در نماز چهار رکعتی، شک بین ٤ و٥ در حالت نشسته یا ٥ و٦ در حالت ایستاده پیش آید.[۱]

احتیاط واجب
۱. سلام بی جا؛ مثلاً در رکعت سوم نماز چهار رکعتی سهوا سلام بدهد.
۲. تشهد را فراموش کند.

احتیاط مستحب: مقداری از سلام واجب نماز بی جا گفته شود.[۲]

۱. اگر چیزی راکه غلط خوانده دوباره صحیح بخواند، سجده سهو واجب نیست.[۳]

۲. اگر در نماز سهوا مدتی حرف بزند و تمام آن یک مرتبه حساب شود، دو سجده سهو کافی است.[۴]

اجزای فراموش شده نماز

۱. اگر یکی از اجزای واجب نماز را عمداً ترک کند، نماز باطل است و اگر واجبات غیر رکنی سهوا ترک شود، نماز باطل نمی‌شود و قضا کردن آن لازم نیست، به جز تشهد و یک سجده که سهوا ترک شده باشد.[۵]

---

۱. یادآوری می‌شود اگر در حالت ایستاده، شک بین ٥ و ٦ پیش آید، نمازگزار باید بدون رکوع بنشیند که در این صورت به شک بین ٤ و ٥ در حالت نشسته برگشت می‌کند.

۲. توضیح‌المسائل، م ۱۲۳٦ و ۱۲٤۲. برخی از فقها، موارد سجده سهو را بیشتر از این می‌دانند؛ مثلاً برای قیام بی‌جا سجده سهو را واجب می‌دانند.

۳. همان، م ۱۲۳۹.

٤. همان، م ۱۲٤۰.

٥. تحریرالوسیله، ج ۱، القول في الاجزاء المنسيّة، ص ۲۱۲، م ۱.

۲ ـ اگر نمازگزار، سجده یا تشهد را فراموش کند، بنابر احتیاط واجب، پس از سلام نماز، پیش از به هم خوردن صورت نماز، باید قضای آن را بجا آورد و سپس سجده سهو را انجام دهد.[۱]

□ ۳ ـ اگر بین نماز و قضای تشهد یا سجده، کاری کند که عمدی و سهوی آن، نماز را باطل می‌کند؛ مثلاً پشت به قبله کند، باید قضای سجده را بجا آورد و نمازش صحیح است.[۲]

٤ ـ کسی که باید سجده یا تشهد را قضا کند، اگر برای کار دیگری هم سجده سهو بر او واجب شده باشد، باید بعد از نماز، سجده یا تشهد را قضا کند، بعد سجده سهو را بجا آورد.[۳]

پرسش

۱ ـ اگر نمازگزار پس از اتمام نماز، نماز احتیاط یا سجده سهو را سهوا انجام ندهد، تکلیف چیست؟

۲ ـ در چه صورتی ممکن است نماز احتیاط و سجده سهو، هر دو واجب شود؟ مثالی بزنید.

۳ ـ اگر نماز احتیاط و سجده سهو، هر دو واجب شود، کدام را باید مقدم بدارد؟ چرا؟

٤ ـ در چه مواردی بدون شک در نماز سجده سهو واجب می‌شود؟

٥ - اگر نمازگزار شک بین ۳ و ٤ برایش پیش آید و یک سجده را نیز فراموش کرده باشد چه وظیفه‌ای دارد؟

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في الاجزاء المنسيّة، ص ۲۱۲، م ۱.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۲۵۵. به فتوای برخی از فقها، بنابر احتیاط واجب باید نماز را نیز اعاده کند.

۳ ـ همان، م ۱۲٦۱.

درس ۲۸

نماز مسافر (۱)

﴿وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الأَرْضِ فَلَيسَ عَلَيكُمْ جُنَاحٌ أَنَ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَوةِ ...﴾[۱]

«هرگاه درزمین راه می‌پیمایید (به سفر می‌روید) برشما باکی نیست که نمازرا کوتاه کنید...»

انسان باید در سفر، با شرایطی که خواهد آمد، نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت (یعنی شکسته)[۲] بجا آورد:

۱ .سفر او کمتر از هشت فرسخِ شرعی[۳] نباشد.

۲ .از اوّل مسافرت، قصد پیمودن هشت فرسخ را داشته باشد.

۳ .به حدّ تَرَخُّص برسد.

٤ .در بین راه، پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برنگردد.

---

۱. نساء: ۱۰۲.

۲ .تعبیر صحیح «نماز قصر» است ولی با اندک مسامحه «نماز شکسته» گفته می‌شود.

۳ .هشت فرسخ شرعی تقریبا ٤۵ کیلومتر است و برخی از فقها، کمتر از این مقدار دانسته‌اند.

۵ .نخواهد پیش ازرسیدن به هشت فرسخ ازوطن خود بگذرد، یا ده روزیا بیشتر درجایی بماند.

٦ .برای کارحرام سفرنکند وخود سفرهم حرام نباشد.

۷ .بیابانگرد نباشد.

۸ .شغل اومسافرت نباشد.[۱]

شرط اوّل

□ ۱ .کسی که رفت وبرگشت او هشت فرسخ است، اگررفتن اوکمتراز چهارفرسخ نباشد باید نمازرا شکسته بخواند، ولی اگررفتن، کمتراز چهارفرسخ باشد، مثلاً سه فرسخ می‌رود وپنج فرسخ برمی‌گردد، باید نمازرا تمام بخواند.[۲]

۲ .اگرشهر دیوار دارد، باید ابتدای هشت فرسخ را از دیوارشهر حساب کند واگر دیوارندارد باید ازخانه‌های آخرشهرحساب کند.[۳]

۳ .اگرانسان شک کند که سفرش هشت فرسخ است یاکمتر:

الف) اگرتحقیق کردن برایش مشقّت ندارد: بنابراحتیاط واجب باید تحقیق کند.

ب) اگرتحقیق کردن برایش مشقّت دارد: باید نمازش را تمام بخواند.[٤]

٤ .اگربه جایی می‌رود که دوراه دارد، یک راه کمترازهشت فرسخ است وراه دیگر هشت فرسخ یا بیشتر، اگرازراهی که هشت فرسخ است برود، باید نمازرا شکسته بخواند واگرازراهی که هشت فرسخ نیست برود، باید نمازرا چهاررکعتی بخواند.[۵]

---

۱ .توضیح‌المسائل، نماز مسافر.

۲ .همان، م ۱۲۷۲. به فتوای برخی از فقها، هرچند مسافتِ رفت کمتر از چهار فرسخ باشد ولی مجموع سفر هشت فرسخ باشد، نماز شکسته است.

۳ .همان، م ۱۲۸۰.

٤ .همان، م ۱۲۷٤.

۵ .همان، م ۱۲۷۹.

شرط دوم

۱. اگر انسان از ابتدا قصد مسافرت هشت فرسخ نداشته باشد و به جایی مسافرت کند که کمتر از هشت فرسخ است و بعد از رسیدن به آن جا، تصمیم بگیرد که سفر را ادامه دهد، پس اگر بخواهد:

- هشت فرسخ دیگر برود یا چهار فرسخ برود و برگردد، و مجموعِ رفت و برگشت، کمتر از هشت فرسخ نباشد، باید نماز را شکسته بخواند.
- به جایی برود که با مقدار راهِ آمده، هشت فرسخ می‌شود و خود به تنهایی هشت فرسخ نیست، چون از اوّل قصد هشت فرسخ را نداشته، نمازش تمام است.[1]

۲. کسی که در سفر به اختیار دیگری است، مانند فرزند که همراه پدر و مادر به سفر می‌رود یا سربازی که با فرمانده است، چنانچه بداند سفر او هشت فرسخ است، باید نماز را شکسته بخواند.[2]

شرط سوم

□۱. مسافر با رسیدن به حدّ تَرَخُّص باید نماز را شکسته بخواند؛ حدّ ترخّص فاصله‌ای است که دیوارهای محل شروع سفر دیده نمی‌شود و اذان آنجا هم شنیده نمی‌شود؛[3] بنابراین اگر پیش از رسیدن به این حدّ بخواهد نماز بخواند، شکسته نیست.[4]

۲. هرگاه شهر یا روستا در بلندی باشد که از دور دیده شود، یا به قدری گود باشد

---

۱. توضیح المسائل، نماز مسافر، شرط دوم.

۲. همان، م ۱۲۸٤.

۳. طبق محاسبه‌ای که در تاریخ ۲۱ و ۲۲ خرداد ماه ۱۳۹۳ هـ.ش توسط چند تن از علمای حوزه علمیه قم و مشهد انجام شده حد ترخّص حدود ۱۳۵۰ متر است.

٤. توضیح‌المسائل، نماز مسافر، شرط هشتم. در تعیین حدّ ترخص نظرات فقها، متفاوت است؛ برخی ندیدن دیوارها را کافی می‌دانند و برخی دیگر دیدن یا ندیدن دیوارها را مؤثر نمی‌دانند، بلکه ندیدن کسی که به مسافرت می‌رود ملاک است.

که اگر انسان کمی دور شود دیوار آن را نمی‌بیند، کسی که از آن شهر یا روستا مسافرت می‌کند، وقتی به اندازه‌ای دور شود که اگر آن شهر و زمین هموار بود، دیوارش از آنجا دیده نمی‌شد، باید نماز را شکسته بخواند و نیز اگر پستی و بلندی خانه‌ها بیشتر از معمول باشد، باید ملاحظه معمول را بنماید.[۱]

۳ ـ اگر از محلی مسافرت می‌کند که خانه و دیوار ندارد، وقتی به جایی برسد که اگر آن محل دیوار داشت، از آنجا دیده نمی‌شد، و اذان آنجا را نیز نمی‌شنوید، باید نماز را شکسته بخواند.[۲]

٤ ـ کسی که به سفر می‌رود، اگر به جایی برسد که اذان را نشنود ولی دیوار شهر را ببیند، یا دیوارها را نبیند اما صدای اذان را بشنود، چنانچه بخواهد در آنجا نماز بخواند، بنابر احتیاط واجب باید هم شکسته و هم تمام بخواند.[۳]

حد ترخّص در پایان سفر

۱ ـ مسافری که به وطنش می‌رود، وقتی دیوار وطن خود را ببیند و صدای اذان آن را بشنود، باید نماز را تمام بخواند.

□ ۲ ـ اگر مسافر به جایی می‌رود که وطن او نیست؛ ولی می‌خواهد ده روز در آنجا بماند، در فاصله بین حدّترخص آن محل و منزل اگر بخواهد نماز بخواند بنابراحتیاط باید نماز را تأخیر بیندازد تا به منزل برسد، یا نماز را هم تمام و هم شکسته بخواند.

۳ ـ اگر مسافر به جایی می‌رود که وطن او نیست و تصمیم ندارد در آنجا ده روز بماند،

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۳۲۰.

۲ ـ همان، م ۱۳۲۱.

۳ ـ همان، م ۱۳۱۸.

درهر صورت ـ چه پیش از رسیدن به حدّ ترخّص، چه پس از آن ـ باید نماز را شکسته بخواند.[1]

شرط چهارم

اگر در بین راه از ادامه سفر منصرف شود:

الف) پیش از پیمودن چهار فرسخ منصرف شود، باید نماز را تمام بخواند.

ب) پس از پیمودن چهار فرسخ (پیش از رسیدن به هشت فرسخ):
- ۱ ـ بخواهد همانجا بماند و بعد از ده روز برگردد. } **نماز را تمام بخواند**
- ۲ ـ مردّد شود که بماند یا برگردد. } **نماز را تمام بخواند**
- ۳ ـ بخواهد برگردد، باید نماز را **شکسته بخواند**.[1]

ج) پس از پیمودن هشت فرسخ یا بیشتر، از سفر منصرف شود، باید نماز را شکسته بخواند.[2]

✍ پرسش

۱ ـ سربازی که در پادگانی بیرون شهر خدمت می‌کند چنانچه به سفر برود مبدأ سفر را از کجا باید محاسبه‌کند؟

۲ ـ مأمور بررسی قطع سیم برق برای یافتن محل قطع از محل خود حرکت می‌کند و بدون قصد ۵۸ کیلومتر از شهر دور می‌شود، نماز او در این مأموریت، از آغاز تا پایان، تمام است یا شکسته؟

۳ ـ اگر مسافر در بین راه از قصد سفر منصرف شود در چه صورتی در برگشت به محل خود باید نماز را شکسته بخواند؟

٤ ـ شخصی پس از پیمودن پنج فرسخ از راه به علت نقص فنیِ وسیله نقلیه خود، تصمیم به برگشت می‌گیرد، اگر همانجا یا در برگشت بخواهد نماز بخواند، نمازش تمام است یا شکسته؟

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۳۱۹. به فتوای برخی از فقها، در فرضی که بخواهد ده روز در آنجا بماند، رسیدن به حدّ ترخص آن محل کافی است.

۲ ـ همان، نماز مسافر، شرط سوّم و مسأله ۱۲۸۷ و ۱۲۸۸.

درس ۲۹

نماز مسافر (۲)

شرط پنجم

۱ .کسی که می‌خواهد، دربین راه، پیش ازپیمودن هشت فرسخ، ازوطن خود عبورکند یا ده روز درمحلی بماند، باید نمازرا تمام بخواند، چون با رسیدن به وطن یا جایی که ده روزمی‌ماند، سفرتمام می‌شود واین سفرکمترازهشت فرسخ است.[۱]

۲ .اگردرسفر، پیش ازرسیدن به هشت فرسخ ازوطنش بگذرد یا ده روزدرمحلی بماند، اگر باقیمانده سفر هشت فرسخ باشد، یا چهار فرسخ باشد و بخواهد برود و برگردد، باید درباقیمانده سفر، نمازرا شکسته بخواند.[۲]

شرط ششم

۱ .اگر سفر، به خودی خود حرام باشد؛ مثل فرار از جبهه جهاد، یا برای کار حرام باشد؛ مانند سفربرای ستم به دیگران، درچنین سفری نمازتمام است.[۳]

---

۱ .توضیح المسائل، نماز مسافر، شرط چهارم.
۲ .همان، م ۱۲۹٤.
۳ .همان، نماز مسافر، شرط پنجم.

□ ۲ .کسی که سفر او حرام نیست و برای کار حرام هم سفر نمی‌کند، اگر چه معصیتی انجام دهد؛ مثلاً غیبت کند، باید نماز را شکسته بخواند.[۱]

شرط هفتم

۱ .صحرانشینانی که در بیابان‌ها گردش می‌کنند و هر جا آب و خوراک برای خود و حیوان‌هایشان پیدا کنند، می‌مانند و بعد از چندی به جای دیگر می‌روند، در این سفرها باید نماز را تمام بخوانند.[۲]

□ ۲ .اگر صحرانشین برای زیارت یا حج یا تجارت و مانند اینها مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند.[۳]

شرط هشتم

۱ .کسی که شغل او مسافرت است، مانند خلبان، ملوان و راننده، یا شغل او در سفر است، مثل میهماندار هواپیما و قطار در سفرهایی که شغل اوست باید در غیر سفر اوّل نماز را تمام بخواند، ولی در سفر اوّل، هرچند طول بکشد، نمازش شکسته است.[۴]

□ ۲ .کسی که شغلش مسافرت است، اگر برای کار دیگری؛ مثلاً برای زیارت یا حج، مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند ولی اگر مثلاً راننده، مسافران را می‌برد و کرایه می‌گیرد و خودش نیز زیارت می‌کند، باید نمازش را تمام بخواند.[۵]

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۱۲۹۶.

۲ .همان، نماز مسافر، شرط ششم.

۳ .همان، م ۱۳۰۶. به پاورقی ۳ مراجعه شود.

٤ .همان، نماز مسافر، شرط هفتم. به فتوای برخی از فقها، افرادی که برای شغلشان مسافرت می‌روند، .هرچند شغلشان سفر نباشد .مانند کسی که محل کارش در فاصله چهار فرسخ یا بیشتر است و هر روز برای کار به آنجا می‌رود و برمی‌گردد، نمازش در این سفرها تمام است. و برخی دیگر نماز کسی را که زیاد به سفر می‌رود، هرچند برای کار نباشد تمام می‌دانند.

۵ .همان، م ۱۳۰۷.

۳ .راننده و دوره‌گردی که در دو سه فرسخی شهر رفت و آمد می‌کند، شغل او مسافرت نیست و چنانچه اتفاقا سفر هشت فرسخی برود، باید نماز را شکسته بخواند.[۱]

٤ .کسی که شغلش مسافرت است، اگر ده روز یا بیشتر در وطن یا غیر وطن بماند، باید در سفر اوّلی که بعد از ده روز می‌رود، نماز را شکسته بخواند.[۲]

در این مکان‌ها نماز تمام است:

الف) در وطن، هرچند مدت کوتاهی در آنجا بماند.

ب) در جایی که می‌داند ده روز می‌ماند، یا تصمیم دارد بماند.

ج) در جایی که سی روز با تردید مانده؛ یعنی معلوم نبوده است که می‌ماند یا می‌رود و تا سی روز به همین حالت مانده و از آنجا به جایی هم نرفته است، در این صورت باید بعد از سی روز نماز را تمام بخواند.[۳]

وطن

۱ .وطن، جایی است که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیارکرده است، مثلاً یک شهر یا روستا، خواه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد یا خودش آن جا را برای زندگی اختیارکرده باشد.[۴]

□ ۲ .تا انسان قصد ماندنِ همیشگی در غیر وطن اصلی خودش را نداشته باشد، آنجا وطن او نیست؛ مانند دانشجویی که مدتی برای تحصیل در جایی می‌ماند.[۵]

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۱۳۱۱.

۲ .همان، م ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳.

۳ .همان، شرط چهارم و مسأله ۱۳۲۸، ۱۳۳۵ و ۱۳۵۳.

٤ .همان، م ۱۳۲۹.

۵ .همان، م ۱۳۳۱. به فتوای برخی از فقها، قصد ماندن همیشگی شرط نیست، بلکه اگر تصمیم دارد چند سالی در آنجا بماند؛ مثل کارمندی که محل کار و مأموریت او به شهری منتقل شده که چند سالی باید در آنجا بماند، حکم وطن را دارد.

□ ۳ .کسی که در دو محل زندگی می‌کند؛ مثلاً شش ماه در شهری و شش ماه در شهر دیگر می‌ماند و هر دو را برای زندگی همیشگی اختیار کرده است، هر دو وطن اوست. اگر بیشتر از دو محل را برای زندگی خود اختیار کرده باشد اشکال دارد و باید احتیاط مراعات شود.[۱]

٤ .اگر انسان بدون قصد ماندن همیشگی در جایی، آن قدر بماند که مردم، او را اهل آنجا بدانند، آنجا برای او حکم وطن را دارد.[۲]

٥ .اگر به جایی برود که پیشتر وطن او بوده ولی هم اکنون از آنجا صرف نظر کرده است، نباید نماز را تمام بخواند، اگر چه وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشد.[۳]

استفتاء

س .همسر، یا فرزندی که مکلّف شده و در منزل تابع شوهر و یا پدر خود می‌باشند، آیا در مسأله ترک وطن تابع پدر و یا شوهر خود هستند و اگر پدر و یا شوهر ترک وطن نمود، آنها هم همان حکم را پیدا می‌کنند و یا باید مستقلاً تصمیم بگیرند؟

ج .زن و فرزندی که از حدّ تبعیت بالطبع بیرون آمده و صاحب اراده است، در اتخاذ وطن و اعراض از آن و قصد اقامه تابع نیست و میزان، تصمیم خود او است.[۴]

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۱۳۳۲. به فتوای برخی از فقها، اگر بیشتر از دو محل را برای زندگی خود اختیار کرده باشد، همه آنها وطن او محسوب می‌شود.

۲ .همان، م ۱۳۳۱.

۳ .همان، م ۱۳۳٤.

٤ .استفتاآت، ج ۱، ص ۲٦٤، س ٤۲۸.

پرسش

۱ .آیا افراد ذیل شغلشان مسافرت است؟

* مأمور خرید یک وزارتخانه که از شهرهای مختلف خرید می‌کند.

* آموزگاری که هر روز برای تدریس به شهر دیگر می‌رود و برمی‌گردد.

* مهمانداران هواپیما، کشتی و قطار.

۲ .کارمندانی که چندین سال در شهری کار می‌کنند، آیا آنجا وطن آنان محسوب می‌شود؟

۳ .در چه صورت ممکن است جایی که زادگاه انسان نیست و قصد ماندن همیشگی را نیز ندارد، حکم وطن داشته باشد؟

٤. در چه صورتی وطن پدر و مادر، وطن فرزند هم خواهد بود؟

درس ۳۰

نماز مسافر (۳)

قصد ده روز

۱ . مسافری‌که قصد دارد ده‌روز پشت سر هم در محلی بماند یا می‌داند که بدون اختیار ده روز درمحلی می‌ماند؛مثل سربازی‌که اختیارش با فرمانده‌است، درآن محل باید نمازرا تمام بخواند.[۱]

۲ .مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بیش از ده روز بماند، تا وقتی که مسافرت نکرده، باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند.[۲]

۳ .اگر انسان از قصد ده روز برگردد:

الف) قبل از خواندن نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد : باید نمازرا شکسته بخواند.

ب) بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد : تا وقتی که درآنجا هست باید نمازرا تمام بخواند.[۳]

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۱۳۳۵.

۲ .همان، م ۱۳۴۷.

۳ .همان، م ۱۳۴۲.

٤ ـ مسافری که می‌خواهد ده روز در محلی بماند در صورتی که تصمیم دارد تمام ده روز را در یک جا بماند نمازش تمام است، ولی اگر بخواند در دو محل یا بیشتر بماند مثلاً در نجف و کوفه یا تهران و کرج بماند، باید نماز را شکسته بخواند.[۱]

بیرون رفتن از محل اقامت

□ مسافری که قصد ماندن ده روز در محلی را دارد، چنانچه به اطراف آنجا ـ کمتر از چهار فرسخ ـ برود و برگردد تنها در یک فرض نمازش شکسته است و آن در صورتی است که در ابتدا قصد بیرون رفتن ـ در بین ده روز ـ از آنجا را دارد و می‌داند بیشتر از دو ساعت طول می‌کشد. بنابراین در موارد ذیل نماز کامل است:

* جایی که می‌رود جزو آن محل به حساب می‌آید.
* جای جدایی است ولی بنا دارد پس از آنکه ده روز در یک محل ماند برود.

□ * بنا دارد در بین ده روز مدت کوتاهی مثلاً دو ساعتی برود و برگردد؛ هرچند موقعی که رفت بیشتر طول بکشد.

* از اول بنا نداشت برود و پس از خواندن یک نماز چهار رکعتی تصمیم گرفت برود و برگردد؛ در این فرض هم اگر بیشتر از دو ساعت طول بکشد، نماز کامل است.[۲]

استفتاء

س ـ عده‌ای که سال‌هاست در منطقه‌ای ساکن عمارات و ساختمان‌های دولتی بوده و خود نیز از کارکنان دولت هستند، اخیرا در بین آنان شایع شده که چون شما نمی‌دانید چند مدت در اینجا خواهید بود نماز و روزه شما قصر است و بعضی هم اکنون در

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۳۲۷.

۲ ـ همان، م ۱۳۳۸ و ۱۳٤۹. به فتوای برخی از فقها، اگر تصمیم داشته باشد تا شش، هفت ساعت برود و برگردد ضرری ندارد و به فتوای برخی دیگر تا نصف روز هم اشکال ندارد. و برخی دیگر قائلند که اگر همان روز برمی‌گردد و شب را در جای دیگر نمی‌ماند اشکال ندارد.

خانه‌های مسکونی خود نمازهای خود را شکسته می‌خوانند، آیا در فتاوای امام امت، چنین موردی هست یا خیر؟

ج .اگر وطن اصلی آنها نیست و قصد ماندن همیشه در آنجا ندارند بدون قصد ماندن ده روز در آنجا، حکم مسافر دارند.[۱]

□ **وظیفه مسافری که نمازش را تمام خوانده:**

الف) اگر نمی‌دانست که مسافر باید نماز را شکسته بخواند : نمازی که خوانده صحیح است.[۲]

ب) اگر حکم سفر را می‌دانست ولی بعضی از جزئیات را نمی‌دانست، یا نمی‌دانست که مسافر است: نمازی را که خوانده، باید دوباره بخواند.[۳]

ج) اگر فراموش کند مسافر است و نماز را تمام بخواند، باید دوباره نمازش را شکسته بخواند.[۴]

وظیفه غیر مسافری که نمازش را شکسته خوانده:

کسی که باید نماز را تمام بخواند، اگر شکسته بجا آورد، در هر صورت نمازش باطل است.[۵]

---

۱ .استفتاآت، ج ۱، ص ۲٦۰، س ٤۱۷. به فتوای برخی از فقها، قصد ماندن همیشگی لازم نیست بلکه اگر تصمیم داشته باشد چند سالی در آنجا بماند حکم وطن را دارد.

۲ .توضیح‌المسائل، م ۱۳۵۹.

۳ .همان، م ۱۳٦۰، ۱۳٦۱ و ۱۳٦۲. به فتوای برخی از فقها، اگر برخی از جزئیات احکام سفر را نمی‌دانست و نماز را تمام خواند در حالی که وظیفه‌اش شکسته خواندن نماز است چنانچه در وقت نماز متوجه شود باید نماز را اعاده کند و اگر بعد از وقت متوجه شود قضا لازم نیست.

٤ .همان، م ۱۳۵۸.

۵ .همان، م ۱۳٦۳.

اماکن تخییر

□ مسافر در این مکان‌ها می‌تواند نماز را تمام یا شکسته بخواند:

* مسجدالحرام * مسجدالنبی صلی الله علیه و آله
* مسجد کوفه * حرم امام حسین علیه السلام[1]

یادآوری:

این حکم اختصاص به نماز دارد و مسافر در این مکان‌ها نمی‌تواند روزه بگیرد، به جز در مدینه منوره که سه روز روزه گرفتن برای برآورده شدن حاجت مستحب است، و مسافر هم می‌تواند این روزه‌ها را بجا آورد و احتیاط آن است که روزهای چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه باشد.[2]

پرسش

۱ ـ شخصی برای کاری به شهری مسافرت می‌کند و می‌داند که کار او بیش از ده روز طول می‌کشد، ولی پس از گذشت سه روز متوجه می‌شود که پنج روز دیگر، کارش به انجام می‌رسد و از آنجا خواهد رفت، تکلیف نمازهای خوانده شده و پنج روز آینده چیست؟

۲ ـ شخصی به گمان آنکه سفرش کمتر از هشت فرسخ است، نماز را تمام خوانده و پس از نماز متوجه می‌شود که بیش از هشت فرسخ بوده، نمازهای خوانده شده چه حکمی دارد؟

۳ ـ آیا در سفری که نماز شکسته است می‌توان قضای نماز چهار رکعتی خواند؟

٤ ـ شخصی برای زیارت به مشهد می‌رود و قصد ماندن ده روز در آنجا را دارد ولی در بین ده روز به طرقبه، شاندیز، طوس و بهشت رضا می‌رود، حکم نماز و روزه وی در این مدت چیست؟

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۳٥٦. در این مسأله تفاوت فتوای زیاد وجود دارد؛ به فتوای برخی از فقها، تمام شهر مکه و مدینه جزو اماکن تخییر است. و برخی فقط در قسمت قدیمی این دو شهر و عده‌ای تنها قسمت قدیمی مسجد را جزو اماکن تخییر می‌دانند و برخی از مراجع این مسأله را قائل نیستند.

۲ ـ همان، م ۱۷۱۸.

درس ۳۱

نماز قضا

انسان باید نمازهای واجب را در وقت خود بخواند و تأخیر آن جایز نیست و پس از وقت باید آن را به نیت قضا بجا آورد.

موارد نماز قضا

۱ . در دو مورد بجا آوردن قضای نماز واجب است:

- نماز واجب را در وقت آن نخوانده باشد.
- بعد از وقت متوجه شود نمازی که خوانده، باطل بوده است.[1]

احکام نماز قضا

□ ۱ . کسی که نماز قضا دارد، نباید در خواندن آن کوتاهی کند، ولی واجب نیست فوری آن را بجا آورد.[2]

□ ۲ . قضای نمازهای یومیه لازم نیست به ترتیب خوانده شود؛ مثلاً کسی که یک روز

---

۱ . توضیح‌المسائل، م ۱۳۷۰، ۱۳۷۱.

۲ . همان، م ۱۳۷۲. به فتوای برخی از فقها، اگر یک یا دو نماز پیش از نماز همان روز باشد احتیاط آن است که اول نماز قضا را بجا آورد.

نمازعصر وروزبعد نمازظهررا نخوانده، لازم نیست اوّل نمازعصروبعد ازآن نمازظهر را قضاکند. ولی درنمازهایی که ادای آنها باید به ترتیب خوانده شود؛ مثل نمازظهرو عصریک روز، باید قضای آن را نیزبه ترتیب بجا آورد.[۱]

۳ .نمازقضا را با جماعت می‌توان خواند؛ چه نمازامام جماعت ادا باشد و چه قضا، ولازم نیست هردو، یک نمازرا بخوانند؛ مثلاً اگرنمازقضای صبح را با نمازظهر یا عصرامام بخواند اشکال ندارد.[۲]

٤ .اگرمسافری که باید نمازرا شکسته بخواند، نمازظهریا عصریا عشا ازاوقضا شود، باید آن را دورکعتی بجا آورد، اگرچه درغیرسفربخواهد قضای آن را بجا آورد.[۳]

۵ .درسفرنمی‌توان روزه گرفت، حتی روزه قضا،[۴] ولی نمازقضا می‌توان بجا آورد و تفصیل این مسأله دربحث روزه مسافرخواهد آمد.[۵]

٦ .اگردرسفربخواهد نمازهایی راکه درغیرسفرقضا شده، بجا آورد، باید نمازهای ظهروعصروعشا را چهاررکعتی قضاکند.[٦]

۷ .نمازقضا را درهروقت می‌توان بجا آورد؛ یعنی قضای نمازصبح را می‌توان ظهر یا شب وقضای نمازمغرب وعشا را درروزخواند.[۷]

۸ .کسی که نمازقضا دارد، می‌تواند نمازمستحب بخواند.[۸]

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۲۵، م ۸؛ توضیح‌المسائل، م ۱۳۷۵. به فتوای برخی از فقها، درصورتی که ترتیب قضا شدن آنها را بداند باید به ترتیب بجا آورد.

۲ .توضیح‌المسائل، م ۱۳۸۸.

۳ .همان، م ۱۳٦۸.

٤ .روزه گرفتن در سفردر چند مورد استثنا شده و صحیح است که از جمله آنها روزه نذری است به شرط آن‌که نذرکرده باشد در سفربگیرد یا روز معینی را نذرکرده روزه بگیرد وآن روز مسافراست.

۵ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول في صلاة القضاء، ص ۲۲٤، م ۵؛ العروةالوثقی، ج ۱، فصل في صلاة القضاء، ص۷۳٤، م ۱۰.

٦ .توضیح‌المسائل، م ۱۳٦۸.

۷ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول في صلاة القضاء، ص ۲۲۳، م ۱؛ العروة الوثقی، ج ۱، فصل في صلاة القضاء، ص۷۳٤، م ۱۰.

۸ .توضیح‌المسائل، م ۱۳۷۳.

نماز قضای پدر و مادر

۱ ـ تا انسان زنده است اگر چه از خواندن نماز خود عاجز باشد، شخص دیگری نمی‌تواند نماز او را بخواند.[۱]

□ ۲ ـ پس از مرگ پدر، نمازها و روزه‌هایی را که بجا نیاورده، بر پسر بزرگ‌تر او واجب است آن نمازها و روزه‌ها را قضا کند، هر چند از روی نافرمانی ترک کرده باشد، و احتیاط مستحب است نماز و روزه‌هایی را که از مادرش قضا شده، بجا آورد.[۲]

۳ ـ قضای نمازهایی که بر خود میت واجب بوده بر پسر بزرگ او واجب است، و نمازهایی که به واسطه استیجار یا از پدرش بر او واجب شده بر پسر او واجب نیست.[۳]

٤ ـ اگر پسر بخواهد نماز پدر یا مادر را بخواند، باید به تکلیف خود عمل کند؛ مثلاً نماز قضای صبح و مغرب و عشا را باید بلند بخواند.[۴]

۵ ـ اگر پس از مرگ پدر، پسر بزرگ‌تر، پیش از آنکه نماز و روزه پدر را قضا کند، از دنیا برود، بر پسر دوم چیزی واجب نیست.[۵]

استفتاء

س ۱. کسی که خودش نماز و روزه قضا دارد، آیا می‌تواند نماز و روزه استیجاری به عهده بگیرد و در صورت توانستن، آیا از دو نفر هم می‌تواند قبول کند؟

ج ـ مانع ندارد.[۶]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۳۸۷.

۲ ـ همان، م ۱۳۹۰. به فتوای برخی از فقها، نماز قضای مادر نیز بر پسر بزرگ وی واجب است و نمازهایی که پدر از روی نافرمانی ترک کرده بر پسر واجب نیست.

۳ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في صلاة القضاء، ص ۲۲۷، م ١٦.

٤ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۳۹۵.

۵ ـ همان، م ۱۳۹۸.

٦ ـ استفتاآت، ج ۱، ص ۱۹۲، س ۲۳۲.

س۲- پدر و مادر من پسری بزرگ‌تر از من داشتند که در سنین کودکی (دو سالگی) مرده است و بعد از مرگ او اولاد ارشد پدر و مادر، من هستم، آیا بعد از مرگ پدر و مادرم طبق مسائل موجود در توضیح‌المسائل نماز و روزه قضای پدرم بر من (که پسر دوّمش هستم) واجب است یا نه؟

ج - در فرض مرقوم، شما پسر بزرگ‌تر هستید.[۱]

نماز استیجاری

برای نماز و عبادات دیگر میت، مثل روزه و حج که در زندگی بجا نیاورده، می‌توانند دیگری را اجیر کنند؛ یعنی به او مزد بدهند تا آنها را بجا آورد و اگر کسی بدون مزد هم آنها را انجام دهد صحیح است.[۲]

شرایط اجیر

۱. کسی که اجیر می‌شود تا نماز قضای میت را بجا آورد باید شرایط زیر را داشته باشد:

* بتواند نماز را به طور صحیح بخواند.
* مورد اطمینان باشد که نماز را به طور صحیح بجا می‌آورد.
* معذور نباشد، بنابراین کسی که نمی‌تواند ایستاده نماز بخواند نمی‌تواند اجیر شود.
* بنا بر احتیاط واجب با وضوی جبیره یا تیمّم نماز نخواند.
* بنا بر احتیاط مستحب بالغ باشد.[۳]

□ ۲. اجیر گرفتن کودک ممیز و نیابت او در صورتی که بدانیم نماز را به طور صحیح می‌خواند، اشکال ندارد، امّا احتیاط مستحب است بالغ باشد.[۴]

---

۱. همان، ج ۱، ص ۱۸۷، س ۲۱۸.
۲. توضیح‌المسائل، م ۱۵۳۳.
۳. تحریرالوسیله، ج ۱، القول في صلاة الاستیجار، ص ۲۲۹، م ۳، ٤ و ٥.
٤. همان.

۳ ـ زن می‌تواند برای بجای آوردن نماز مردی که از دنیا رفته اجیر شود و همچنین مرد می‌تواند برای بجای آوردن نماز زن اجیر شود.[۱]

وظایف اجیر

۱ ـ در نیت نماز، میت را معین کند ولی لازم نیست اسم او را بداند، پس اگر نیت کند که از طرف کسی نماز می‌خوانم که برای او اجیر شده‌ام کافی است.[۲]

۲ ـ اجیر باید خود را به جای میت فرض کند، و عبادت‌های او را قضا کند و اگر عملی را انجام دهد و ثواب آن را برای او هدیه کند کافی نیست.[۳]

۳ ـ نایب در آهسته یا بلند خواندن نماز، مطابق وظیفه خود عمل می‌کند، پس اگر مردی به نیابت زنی نماز می‌خواند باید حمد و سوره نماز صبح، مغرب و عشا را بلند بخواند.[۴]

□ ٤ ـ لازم نیست قضای نمازهای میت به ترتیب خوانده شود، هرچند بدانند که میت ترتیب نمازهای خود را می‌دانسته، مگر نمازهایی که شرعاً ترتیب در آنها شرط است، مثل نماز قضای ظهر و عصر یک روز که نمی‌توان قضای عصر آن روز را پیش از قضای ظهر خواند.[۵]

۵ ـ اگر با کسی که اجیر می‌شود شرط کنند تا نمازهای میت را با مقداری از مستحبات آن بخواند، باید مقداری از مستحبات نماز را که معمول است بجا آورد.[۶]

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۵٤۲.
۲ ـ همان، م ۱۵۳٦.
۳ ـ همان، م ۱۵۳۷.
٤ ـ همان، م ۱۵٤۲.
۵ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في صلاة القضاء، ص ۲۲۵، م ۸؛ توضیح المسائل، م ۱۵٤۳. به فتوای برخی از فقها، اگر بدانند نمازهای میت به ترتیب قضا شده ترتیب را در قضای آنها نیز مراعات کنند.
٦ ـ توضیح المسایل، م ۱۵٤۵.

٦ .اگر با اجیر برای بجای آوردن نمازهای میت، مدت را معین کنند، مثلاً شش ماه یا یک سال و در آن مدت نمازها را نخواند، بعد از آن بدون اجازه کسی که او را اجیر کرده نمی‌تواند نمازها را بخواند و چنانچه بخواند، استحقاق اجرت ندارد.[1]

پرسش

۱ .در حادثه‌ای پدر و پسر بزرگ او فوت می‌کنند، آیا نماز قضای پدر، بر پسر بعدی او واجب است؟
۲ .اگر پسر بخواهد در مسافرت نماز قضای پدر را بجا آورد، باید تمام بخواند یا شکسته؟
۳ .اگر کودکی نماز قضای پدرش را بجا آورد کفایت می‌کند یا نه؟
٤ . شخصی برای بجای آوردن نمازهای قضای میت اجیر شده ولی اسم او را فراموش کرده، تکلیف چیست؟
٥ - کسی که اول وقت نماز در وطن بوده و سپس به سفر رفته و فراموش کرده نماز ظهر و عصر را بخواند قضای نماز را باید تمام بخواند یا شکسته؟

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول في صلاة الاستیجار، ص ۲۳۰، م ۱۰.

درس ۳۲

نماز جماعت (۱)

«قال رسول الله ﷺ: «صَلاةُ الرَّجُلِ فی جَماعَةٍ خیرٌ مِن صَلاتِهِ فی بَیتِهِ اَربَعینَ سَنَةً. قیلَ: یا رَسولَ الله! صَلاةُ یومٍ؟ قال ﷺ صلاةٌ واحِدةٌ»[1]

«پیامبراکرم ﷺ فرمود: یک نماز با جماعت، بهتر از چهل سال نماز فُرادا در خانه است. پرسیدند: آیا یک روز نماز؟ فرمود: بلکه یک نماز».

وحدت امّت اسلامی از مسائلی است که اسلام به آن اهمیت بسیار داده است و برای حفظ و ادامه آن، برنامه‌های ویژه‌ای دارد که یکی از آنها نماز جماعت است.

نماز جماعت تجلی وحدت مسلمانان و تشکّل آنان در هر صبح و شام است. در روایات اسلامی برای شرکت در نماز جماعت، ثواب بسیاری شمرده شده است، تا جایی که اگر تعداد نمازگزاران، بیش از ده نفر باشد، ثواب آن قابل شمارش نیست.

۱.مستدرک الوسائل، ج۶، ص۴۶۶.

اهمیت نماز جماعت

گذشته از آنکه در روایات، برای نماز جماعت اَجر و پاداش بسیاری وارد شده است، با دقّت در برخی از مسائل فقهی، به اهمیت این عبادت پی می‌بریم و در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱ . مستحب است نمازهای واجب، به خصوص نمازهای یومیه را به جماعت بخوانند.

۲ . شرکت در نماز جماعت برای هر کس مستحب است، به‌ویژه برای همسایه مسجد.

۳ .سزاوار نیست انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.

٤ .حاضر نشدن در نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی، جایز نیست.

٥ .مستحب است، انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

□ ٦ .نماز جماعت، هر چند اوّل وقت خوانده نشود، از نماز فُرادایِ اوّل وقت بهتر است.[1]

۷ .نماز جماعتی که مختصر خوانده می‌شود، از نماز فُرادای طولانی بهتر است.

۸ .وقتی که جماعت برپا می‌شود، مستحب است کسی که نمازش را فُرادا خوانده دوباره به جماعت بخواند.

□ ۹ .امام یا مأموم می‌تواند نمازی را که به جماعت خوانده، دوباره به جماعت بخواند، در صورتی که جماعت دوّم و اشخاص آن غیر از جماعت اوّل باشند.[2]

---

۱ .به فتوای برخی از فقها در صورتی جماعت دیر وقت از نماز فرادی افضل است که نماز جماعت بعد از وقت فضیلت خوانده نشود.

۲ .توضیح‌المسائل، م ۱۳۹۹ تا ۱٤۰٤. به فتوای برخی از فقها، امام جماعت نمی‌تواند یک نماز را دو بار امامت کند ولی اگر یک بار فرادا خوانده، بار دیگر می‌تواند همان نماز را امامت کند.

استفتاء

س .اگر کسی در نماز جماعت توجه کافی نداشته باشد ولی در منزل و به طور فرادا نمازش از توجه بیشتری برخوردار باشد، آیا می‌تواند به جای جماعت، در منزل نماز بخواند؟

ج .مانع ندارد و جماعت بهتر است.[1]

شرایط نماز جماعت

در نماز جماعت، شرایط زیر باید مراعات شود:

- مأموم از امام جلوتر نایستد و بنا بر احتیاط واجب باید کمی عقب‌تر بایستد.
- جایگاه امام جماعت از جایگاه مأمومین بالاتر نباشد.
- فاصله امام و مأموم و فاصله صف‌ها، زیاد نباشد. یعنی بیش از یک گام نباشد.
- بین امام و مأموم و همچنین بین صف‌ها چیزی مانند دیوار یا پرده مانع نباشد، ولی نصب پرده بین صفِ مردها و زن‌ها اشکال ندارد.[2]

توضیح:

مأمومین باید با امام جماعت مرتبط باشند. ارتباط آنها یا بدون واسطه است که بین امام و مأموم نباید بیش از یک گام فاصله باشد؛ یعنی از محل سجده مأموم تا محل ایستادن امام، یا با واسطه سایر مأمومین که از جلو یا سمت راست یا چپ باید این ارتباط برقرار باشد، و این ارتباط دو شرط دارد:

* بین نمازگزار و صف جلو یا کسی که طرف راست یا چپ او قرار دارد، بیش از یک گام فاصله نباشد.

* اگر در صف اوّل ایستاده است، نباید مقابل او مانعی باشد که نتواند امام جماعت را ببیند، پس اگر امام جماعت در محراب باشد، کسانی‌که دو طرف محراب پشت دیوار

---

۱ .استفتاآت، ج ۱، ص ۲۷۷، س ٤٧٦.

۲ .العروة‌الوثقی، ج ۱، في شرائط الجماعة، صص ۷۷۷ و ۷۷۸، فصل ٤٦؛ توضیح‌المسائل، م ١٤١٥، ١٤٣٢ و ١٤٣٣.

می‌ایستند و امام جماعت را نمی‌بینند، نمی‌توانند اقتدا کنند. ولی اگر مانعی در کار نباشد و به جهت طولانی بودن صف، امام جماعت را نبینند، اشکال ندارد.

□ اگر در صفوف بعدی ایستاده است، باید مانعی از دیدن صف جلوی خودش وجود نداشته باشد، پس اگر صفوف جماعت تا درِ شبستان برسد، کسی که بیرون شبستان مقابل در ایستاده که صف جلو را می‌بیند و کسانی که پشت سر او ایستاده‌اند نمازشان صحیح است ولی کسانی که دو طرف پشت دیوار ایستاده‌اند و از صف جلو، کسی (حتی یک نفر) را نمی‌بینند، نمازشان باطل است.[۱]

استفتاء

س ـ طبقه دوّم مسجد، مأمومین زن یا مرد اقتدا می‌نمایند و لبه این طبقه یک دیوار نیم متری وجود دارد، آیا وجود این دیوار ضرری به جماعت آنها می‌زند یا خیر؟

ج ـ اشکال ندارد.[۲]

شرایط امام جماعت

□ **امام جماعت باید این شرایط را دارا باشد:**

- بلوغ و عقل؛
- عدالت؛[۳]
- مرد بودن؛
- صحیح خواندن نماز؛

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۱٤۱۱ تا ۱٤۱٤ و ۱٤۳۵ و ۱٤۳٦. به فتوای برخی از فقها، اگر اتصال برقرار باشد جماعت اشکال ندارد.

۲ ـ استفتاآت، ج ۱، ص ۲۸۳، س ٤۹۸.

۳ ـ به درس ۲ مراجعه شود.

- مسلوس و مبطون[1] نبودن، بنابر احتیاط واجب؛
- نداشتن بیماری خوره یا پیسی، بنابر احتیاط واجب؛
- با لباس نجس نماز نخواندن، بنابر احتیاط واجب؛[2]

چند مسأله

۱ .کسی که ایستاده نماز می‌خواند نمی‌تواند به کسی که نشسته یا خوابیده نماز می‌خواند اقتدا کند.[3]

□ ۲ .اگر امام جماعت به واسطه عذری با تیمّم یا با وضوی جبیره‌ای نماز بخواند، می‌شود به او اقتدا کرد.[4]

□ ۳ .اگر امام جماعت به واسطه عذری با لباس نجس نماز می‌خواند، بنابر احتیاط واجب نباید به او اقتدا کرد.[5]

استفتاء

س۱.آیا مأمومی که قرائتش فصیح‌تر از امام جماعت است، می‌تواند برای نماز جماعت به این امام اقتدا کند؟

ج .اقتدا صحیح است.[6]

□ س۲.آیا می‌شود به مأمومی که در نماز چهار رکعتی دو رکعت آن را به جماعت خوانده و دو رکعت باقی مانده را فرادا می‌خواند اقتدا کرد؟

ج .مانع ندارد.[7]

---

۱ .مسلوس کسی است که کنترل ادرار ندارد و مبطون کسی است که مدفوع را نمی‌تواند کنترل کند.

۲ .توضیح‌المسائل، م ۱۴۵۳، ۱۴۵۵، ۱۴۵۷ تا ۱۴۵۹. به فتوای برخی از فقها، مرد بودن جزو شرایط امام جماعت نیست، بلکه زن نیز می‌تواند با وجود سایر شرایط برای زنان امامت کند و به فتوای برخی نیز امامت بچه ممیز اشکال ندارد.

۳ .توضیح‌المسائل، م ۱۴۵۵.

۴ .همان، م ۱۴۵۷.

۵.همان. به فتوای برخی از فقها اقتدای به او اشکال ندارد.

۶ .استفتاآت، ج ۱، ص ۲۸۰، س ۴۸۹.

۷ .همان، ص ۲۹۴، س ۵۳۷. به فتوای برخی از فقها، اقتدا به چنین فردی جایز نیست.

پرسش

۱. در چه صورتی شرکت نکردن در نماز جماعت حرام است؟

۲. وجود مانع بین صفوف نماز جماعت در چه صورتی به جماعت ضرر نمی زند؟

۳. شرایط نماز جماعت از نظر جایگاه امام و مأموم چیست؟

٤. نمازکسانی که در نماز جماعت حتّی یک نفر از صف جلویِ خود را نمی‌بینند، چه حکمی دارد؟

۵. آیا کسی که دستش مجروح شده است و با وضوی جبیره‌ای نماز می‌خواند، می‌تواند امام جماعت باشد؟

درس ۳۳

نماز جماعت (۲)

نمازها و حالت‌های مختلفی که جماعت صحیح است

	نماز امام جماعت	نماز مأموم	توضیح
۱	ادای یومیه	ادای یومیه	هر کدام از نمازهای یومیه را می‌توان به دیگری اقتدا کرد؛ مثلاً نماز ظهر رابهً عصر.[۱]
۲	قضای یومیه	قضای یومیه	هر چند هماهنگ نباشد، مثلاً امام جماعت قضای ظهر را می‌خواند و مأموم قضای صبح را.[۲]
۳	ادای یومیه	قضای یومیه	هر کدام از قضای یومیه را می‌توان به نماز ادا اقتدا کرد؛ مثلاً نماز قضای صبح را به ادای ظهر[۳]
۴	قضای یومیه	ادای یومیه	هرکدام که باشد، هرچند هماهنگ نباشد
۵	آیات	آیات	هرچند آیات متحد نباشد؛ مثلاً یکی نماز برای زلزله می‌خواند، دیگری برای صاعقه.[۴]
۶	عیدین	عیدین	□ به قصد رجاء در زمان غیبت اشکال ندارد.[۵]
۷	تمام	شکسته	صحیح، ولی مکروه است؛ یعنی ثوابش کمتر است.
۸	شکسته	تمام	
۹	میّت	میّت	صحیح است.[۶]

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۴۰۸.

۲ ـ همان، م ۱۳۸۸ و ۱۴۰۹.

۳ ـ همان، م ۱۳۸۸.

۴ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة، القول في صلاة الآیات، م ۱۲.

۵ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۴۰۷. به فتوای برخی از فقها خواندن نماز عیدین به جماعت صحیح است و قصد رجاء لازم نیست.

۶ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الطهارة، القول في الصلاة علی المیّت، ص ۷۹.

مسأله

اگر امام جماعت نماز قضای یومیه خود یا دیگری را می‌خواند، در صورتی که نماز قضای قطعی باشد اقتدای به او اشکال ندارد ولی در صورتی که احتیاطا نماز را قضا می‌کند، اقتدای به او اشکال دارد، اما مأموم می‌تواند نماز قضای احتیاطی را به امام جماعت اقتدا کند.[۱]

مواردی که نماز جماعت صحیح نیست

۱. نمازهای مستحب به جماعت صحیح نیست، به جز نماز طلب باران و نمازهای واجب که به جهتی مستحب شده است؛ مانند نماز عیدین در زمان غیبت، که به قصد رجاء به جماعت صحیح است.

۲. هیچکدام از نمازهای یومیه را نمی‌توان به نمازهای آیات، اموات و احتیاط، اقتدا کرد و عکس آن نیز صحیح نیست.[۲]

□ ۳. صحیح بودن نماز طواف نیز به جماعت، محل اشکال است.[۳]

٤. اگر انسان نداند نمازی را که امام جماعت می‌خواند نماز واجب یومیه است یا نماز مستحب، نمی‌تواند به او اقتدا کند.[۴]

---

۱. توضیح المسائل، م ۱٤۰۹.

۲. العروة الوثقی، ج ۱، صص ۷٦۵ و ۷٦٦، کتاب الصلاة، فصل في صلاة الجماعة، م ٤ و ٦. برخی از فقها، نماز طواف را به جماعت صحیح می‌دانند.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، فصل في صلاة الجماعة، ص ۲٦۵، م ۱.

٤. توضیح المسائل، م ۱٤۱۰.

اقتدا به امام جماعت

▣ **رکعت اوّل**

۱.در بین قرائت ← مأموم حمد و سوره را نمی‌خواند و بقیه اعمال را با امام جماعت بجا می‌آورد.

۲.در رکوع ← رکوع و بقیه اعمال را با امام جماعت بجا می‌آورد.[۱]

▣ **رکعت دوّم**

۱.در بین قرائت ← مأموم حمد و سوره را نمی‌خواند و با امام، قنوت و رکوع و سجده را بجا می‌آورد و آنگاه که امام جماعت تشهد می‌خواند، بنا بر احتیاط واجب باید به‌صورت نیم‌خیز، بنشیند؛ اگر نماز دو رکعتی است یک رکعت دیگر به تنهایی بخواند و نماز را تمام کند و اگر سه یا چهار رکعتی است، در رکعت دوّم که امام جماعت در رکعت سوّم است، حمد و سوره بخواند (هر چند امام جماعت تسبیحات بخواند) و آنگاه که امام جماعت رکعت سوّم را تمام کرد و برای رکعت چهارم برمی‌خیزد، مأموم باید پس از دو سجده، تشهد بخواند و برخیزد و حمد یا تسبیحات را بخواند و در رکعت آخر نماز که امام جماعت با تشهد و سلام، نماز را به پایان می‌برد یک رکعت دیگر می‌خواند.[۲]

۲.در رکوع: ← رکوع را با امام جماعت بجا می‌آورد و بقیه نماز را همان گونه که گفته شد، انجام می‌دهد.

۳.درقنوت: ← قنوت را با امام جماعت می‌خواند و همانند آنچه برای اقتدای در بین قرائت گفته شد، عمل می‌کند.

۱.توضیح‌المسائل، م ۱۴۲۷.

۲.همان، م ۱۴۳۹ و ۱۴۴۰.

■ **رکعت سوّم**

۱. **در بین حمد یا تسبیحات** ← چنانچه می‌داند که اگر اقتدا کند برای خواندن حمد و سوره یا حمد تنها وقت دارد، می‌تواند اقتدا کند و باید حمد و سوره یا حمد را بخواند، و اگر می‌داند فرصت ندارد، بنا بر احتیاط واجب باید صبر کند تا امام جماعت به رکوع رود، سپس به او اقتدا کند.

۲. **در رکوع** ← چنانچه در رکوع اقتدا کند، رکوع را با امام جماعت بجا می‌آورد و حمد و سوره برای آن رکعت ساقط است، و بقیه نماز را همان گونه که قبلاً بیان شد بجا می‌آورد.[۱]

■ **رکعت چهارم**

۱. **در بین حمد یا تسبیحات** ← حکم اقتدا در رکعت سوّم را دارد، و آنگاه که امام جماعت در رکعت آخر نماز برای تشهد و سلام می‌نشیند، مأموم می‌تواند برخیزد و نمازش را به تنهایی ادامه دهد و می‌تواند نیم‌خیز بنشیند تا تشهد و سلام امام جماعت تمام شود و سپس برخیزد.

۲. **در رکوع** ← رکوع و سجده‌ها را با امام بجا می‌آورد (اکنون رکعت چهارم امام و رکعت اوّل مأموم است) و بقیه نماز را همان گونه که گذشت انجام می‌دهد.[۲]

اقتدا در رکوع

اگر مأموم، موقعی که امام جماعت در رکوع است اقتدا کند، ممکن است یکی از این حالت‌ها را داشته باشد:

---

۱. توضیح‌المسائل، م۱٤٤۲ و ۱٤٤۳؛ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في احکام الجماعة، صص ۲۷۱ و ۲۷۲، م ٥، ٦ـ ۸.

۲. همان.

* قبل از تمام شدن ذکر رکوعِ امام جماعت به رکوع برسد ← نمازش به جماعت صحیح است.

* وقتی به حدّ رکوع رسید، ذکرِ رکوعِ امام جماعت تمام شده ولی هنوز امام در رکوع است ← نمازش به جماعت صحیح است.

□ * به رکوع رود ولی به رکوع امام هم نرسد ← نمازش به طور فرادی صحیح است و باید آن را تمام کند.[۱]

* به رکوع رود و شک کند به رکوع امام جماعت رسیده یا نه ← نمازش به طور فرادی صحیح است و باید آن را تمام کند.[۲]

* پیش از آنکه به اندازه رکوع خم شود امام جماعت سر از رکوع بردارد ← می‌تواند نیت فرادا کند و خودش نماز را بخواند یا صبر کند تا امام جماعت برای رکعت بعد برخیزد و آن را رکعت اول نماز خود حساب کند. ولی اگر نماز امام زیاد طول بکشد که نگویند این شخص نماز جماعت می‌خواند باید نیت فرادا کند.[۳]

پرسش

۱. کدامیک از نمازهای مستحب را می‌توان به جماعت خواند؟

۲. اگر ماموم تکبیرة الاحرام بگوید و به رکوع برود و شک کند رکوع امام جماعت را درک کرد یا نه نمازش چه حکمی دارد؟

۳ - اگر مأموم در نماز متوجه شود امام جماعت مشغول خواندن نافله است تکلیفش چیست؟

٤. کدامیک از نمازهای واجب را نمی‌توان به جماعت خواند؟

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۱٤۲۷. به فتوای برخی از فقها، در این صورت نمازش باطل است.

۲. همان، م ۱٤۲۸.

۳. همان، م ۱٤۲۹.

نماز جماعت (٣)

وظیفه مأموم در نماز جماعت

١ ـ مأموم نباید تکبیرةالاحرام را پیش از امام بگوید، بلکه بنا بر احتیاط واجب تا تکبیر امام تمام نشده، نباید تکبیر بگوید.[1]

٢ ـ مأموم باید غیر از حمد و سوره، همه چیز نماز را خودش بخواند، ولی اگر رکعت اوّل یا دوّم او و رکعت سوّم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را بخواند و چنانچه فرصت نکند باید حمد را بخواند و سوره را نمی‌خواند.[2]

چگونگی پیروی مأموم از امام جماعت

□ * **در اقوال؛** مانند ذکر رکوع یا سجده یا تسبیحات اربعه یا تشهد، جلو افتادن از امام یا عقب افتادن از او اشکال ندارد، مگر در تکبیرةالاحرام.

* **در اعمال؛** مانند رکوع، سر برداشتن از رکوع و سجده، پیش افتادن جایز نیست، پس اگر عمداً قبل از امام به رکوع برود یا از رکوع برخیزد، یا به سجده برود معصیت کرده،

---

١ ـ توضیح‌المسائل، م ١٤٦٧.

٢ ـ تحریرالوسیله، ج ١، القول في احکام الجماعه، ص ٢٧٥، م ٥؛ توضیح‌المسائل، م ١٤٦١.

اگرچه نمازش صحیح است، ولی عقب افتادن از امام جماعت اگر زیاد نباشد اشکال ندارد.[1]

اگرمأموم، سهواً پیش‌ازامام:
- **۱.به رکوع رود** ← واجب است برخیزد و با امام جماعت به رکوع برود.
- **۲.ازرکوع برخیزد** ← چنانچه امام در رکوع باشد باید به رکوع برگردد و با امام سر از رکوع بردارد و در این دوصورت زیاد شدن رکوع که رکن است، نماز را باطل نمی‌کند.
- **۳.به‌سجده‌رود** ← واجب است، سر از سجده بردارد و با امام به سجده رود.
- **٤.سرازسجده‌بردارد** ← باید به سجده برگردد.

در هر صورت اگر از امام تبعیت نکند؛ مثلاً اگر پیش از امام جماعت به رکوع رفته، درحال رکوع بماند تا امام جماعت به رکوع برود، نمازش باطل نیست ولی احتیاط مستحب است نماز را اعاده کند.[2]

دو مسأله

۱ ـ اگر مأموم سهواً پیش از امام جماعت سر از رکوع بردارد و دوباره به رکوع برگردد، امّا پیش از آنکه به رکوع برسد، امام سر بردارد، نمازش باطل است.[3]

۲ ـ اگر مأموم سهواً پیش از امام جماعت سر از سجده بردارد و دوباره به سجده برگردد و هنوز به سجده نرسیده، امام سر بردارد، نمازش صحیح است، ولی اگر در هر

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱٤٦۷، ۱٤٦۹ و ۱٤۷۰، العروةالوثقی، ج ۱، ص ۷۸۵، م ۷. به فتوای برخی از فقها، سلام را جلوتر از امام نباید بگوید و در اعمال نماز نیز اگر عمدا از امام جماعت جلو بیفتد نمازش باطل است.
۲ ـ همان، م ۱٤۷۱، ۱٤۷۲ و ۱٤۷۸؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۸٦، م ۱۲.
۳ ـ همان، م ۱٤۷۱.

دوسجده این اتفاق بیفتد، نمازش باطل است.[1]

احکام نماز جماعت

۱ ـ اگر جای مأموم بلندتر از امام باشد، در صورتی که بلندی آن به مقدار متعارف باشد، اشکال ندارد؛ مثل آنکه امام در صحن مسجد و مأموم در پشت بام به نماز بایستد، ولی اگر مثل ساختمان‌های چند طبقه این زمان باشد، جماعت اشکال دارد.[2]

☐ ۲ ـ اگر بین کسانی که در یک صف ایستاده‌اند، بچه ممیز، یعنی بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد، فاصله شود و فاصله بیش از یک گام باشد و:

- می‌دانند نماز او صحیح است ← می‌توانند اقتدا کنند.
- می‌دانند نماز او باطل است ← نمی‌توانند اقتدا کنند.
- نمی‌دانند نمازش صحیح است یا باط ← می‌توانند اقتدا کنند.[3]

۳ ـ بعد از تکبیر امام جماعت، اگر صف جلو آماده نماز و تکبیرگفتن آنان نزدیک باشد، کسی که در صف بعد ایستاده، می‌تواند تکبیر بگوید.[4]

٤ ـ اگر نماز کسانی که در صف جلو هستند تمام شود یا نیت فرادا کنند، اگر فاصله به اندازه یک قدم بزرگ نباشد، نماز صف بعد به‌طور جماعت صحیح است و اگر بیشتر از این مقدار باشد، نماز آنان فرادا می‌شود و صحیح است.[5]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱٤۷۳.
۲ ـ همان، م ۱٤۱٦.
۳ ـ همان، م ۱٤۱۷. به فتوای برخی از فقها، در صورتی که بدانند نماز کودک صحیح است اشکال ندارد ولی اگر شک داشته باشند یا بدانند نمازش صحیح نیست و فاصله زیاد باشد، اقتدا صحیح نیست.
٤ ـ همان، م ۱٤۱۸.
٥ ـ همان، م ۱٤۳۸.

٥ .اگر امام ایستاده باشد و مأموم نداند که درکدام رکعت است، می‌تواند اقتدا کند، ولی باید حمد و سوره را به قصد قربت بخواند و چنانچه بعد بفهمد که امام در رکعت اوّل یا دوّم بوده، نمازش صحیح است.[١]

استفتاء

س .در صف جماعت اگر در یک صف یا صف‌ها بین مردان که در یک طرف قرار دارند و زنان که در طرف دیگرند، حجابی نباشد، آیا نماز آنها اشکال ندارد؟

ج .اشکال ندارد.[٢]

برخی از آداب نماز جماعت

١ .مستحب است امام در وسط صف بایستد و اهل علم وکمال وتقوا در صف اوّل بایستند.

٢ .مستحب است صف‌های جماعت منظم باشد و بین کسانی که در یک صف ایستاده‌اند، فاصله نباشد.

٣ .مستحب است بعد ازگفتن «قد قامت الصَّلاة» مأمومین برخیزند.

٤ .مستحب است امام جماعت حال ضعیف‌ترین مأموم را رعایت کند و عجله نکند، تا افراد ضعیف برسند و قنوت و رکوع و سجود را طول ندهد، مگر آنکه بداند همه مأمومین به طولانی شدن مایلند.

٥ .اگر در صف‌های جماعت جا باشد، مکروه است مأموم تنها بایستد.

٦ .مکروه است مأموم ذکرهای نماز را طوری بگوید که امام بشنود.[٣]

---

١ .توضیح المسائل، م ١٤٤٦.

٢ .استفتاآت، ج ١، ص ٢٨٠، س ٤٩٠. به فتوای برخی از فقها وجود پرده لازم است.

٣ .توضیح‌المسائل، صص ١٩٧و١٩٨.

پرسش

۱. در رکعت سوّم و چهارم نماز چه وقت می‌توان اقتدا کرد؟

۲. تقدم و تأخر از امام جماعت در افعال نماز چه حکمی دارد؟

۳. اگر نماز نمازگزارانِ صف جلو فرادا شود، نماز افراد در صف‌های بعد چه حکمی دارد؟

۴. اگر انسان به نماز جماعت حاضر شود و نداند رکعت چندم است، آیا می‌تواند اقتدا کند؟

درس ۳۵

نماز جمعه

يا أَيهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ إِذَا نُودِىَ لِلصَّلَوةِ مِن يوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِاللهِ وَذَرُوا الْبَيعَ ذَلِكُمْ خَيرٌلَكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ»[1]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون برای نماز جمعه ندا داده می‌شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و داد و ستد را رها کنید، اگر بدانید، این برای شما بهتر است.»

□ یکی از اجتماعات هفتگی مسلمانان، نماز جمعه است و نمازگزاران در روز جمعه می‌توانند به جای نماز ظهر، نماز جمعه بخوانند.[2]

اهمیت نماز جمعه

امام خمینی ﷺ در اهمّیت نماز جمعه چنین نگاشته‌اند:

«نماز جمعه و دو خطبه آن، مانند حج و نماز عید فطر و قربان، از مراسم بزرگ مسلمانان است، ولی متأسفانه، مسلمانان از وظایف مهم سیاسی این عبادت، غافل

---

۱ ـ جمعه:۹.

۲ ـ تحریرالوسیله، ج۱، البحث في صلاة الجمعة، ص۲۳۱، م۱. به فتوای برخی از فقها، بنابراحتیاط خواندن نماز ظهر نیز لازم است.

وناآگاهند، در حالی که انسان، با اندک مطالعه و دقت در احکام کشوری، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام درمی‌یابد که اسلام دین سیاست است وکسی که دین را از سیاست جدا می‌داند، نادانی است که نه اسلام را می‌شناسد و نه سیاست را.»[۱]

وقت نماز جمعه

□ وقت نماز جمعه، اوّل ظهر است و احتیاط واجب آن است که از اوایل وقت تأخیر نیندازند.[۲]

چگونگی نماز جمعه

▣ **واجبات:**

نماز جمعه دو رکعت است؛ مانند نماز صبح، ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه، قبل از نماز ایراد می‌شود.[۳]

▣ **مستحبات:**

۱ ـ خواندن حمد و سوره با صدای بلند (توسط امام جمعه).

۲ ـ خواندن سوره «جمعه» بعد از حمد، در رکعت اوّل (توسط امام جمعه).

۳ ـ خواندن سوره «منافقون» پس از حمد، در رکعت دوّم (توسط امام جمعه).

٤ ـ خواندن دو قنوت؛ یکی در رکعت اوّل پیش از رکوع، دیگری در رکعت دوّم پس از رکوع.[٤]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في شرایط صلاة الجمعه، ص ۲۳٤، م ۹.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۷۳٤. به فتوای برخی از فقها وقت نماز جمعه از ظهر تا یک ساعت ($\frac{1}{12}$) است و به فتوای برخی به اندازه اذان و ایراد خطبه ها و خواندن نماز به طور متعارف است.

۳ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة، فروع تلحق بصلاة الجمعه، الخامس.

٤ ـ همان.

شرایط نماز جمعه

۱ .باید به جماعت برگزار شود و فُرادا صحیح نیست؛ بنابراین تمام شرایطی که در نماز جماعت باید رعایت شود، در نماز جمعه هم معتبر است؛ مثل اتصال صفوف.

۲ .حداقل تعداد افراد برای برپایی نماز جمعه پنج نفر است؛ یک نفر امام و چهار نفر مأموم.

۳ .پیش از نماز دو خطبه خوانده شود.

٤ .بین دو نماز جمعه، حداقل باید یک فرسخ فاصله باشد.[1]

وظیفه امام جمعه هنگام ایراد خطبه‌ها

۱ .باید ایستاده خطبه بخواند.

۲ . بنا بر احتیاط واجب، با صدای بلند خطبه بخواند؛ به طوری که همه شرکت‌کنندگان بشنوند و می‌تواند از بلندگو استفاده کند.

۳ .باید بین دو خطبه کمی بنشیند.

٤ .مستحب است:

* عمامه بر سر بگذارد؛
* نظیف‌ترین لباس‌ها را بپوشد و خود را معطر کند؛
* درآغاز خطبه به مستمعین سلام کند؛
* رو به مردم باشد؛
* بر چوب یا عصا یا شمشیری تکیه کند؛
* هنگام ایراد خطبه نیز با طهارت باشد.[2]

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول في شرایط صلاة الجمعة، ص ۲۳۱، الرابع.

۲ .توضیح‌المسائل، م ۱۲ – ۱٤.

محتوای خطبه‌ها

خطبه اوّل:

۱ ـ حمد و سپس ثنای الهی را بجا آورد.
۲ ـ صلوات بر پیامبر و آل او بفرستد (بنا بر احتیاط واجب).
۳ ـ مردم را به تقوا توصیه کند.
٤ ـ سوره کوتاهی از قرآن بخواند.

خطبه دوم:

۱ ـ حمد و سپاس الهی را بجا آورد.
۲ ـ بر پیامبر و آل او صلوات بفرستد.
۳ ـ مردم را به تقوا توصیه کند (بنا بر احتیاط واجب).
٤ ـ سوره کوتاهی از قرآن بخواند (بنا بر احتیاط واجب).
٥ ـ بر ائمه مسلمین علیهم السلام درود بفرستد و برای مردان و زنان مؤمن طلب آمرزش کند (بنابر احتیاط مستحب).[1]

سزاوار است این مطالب را نیز بگوید:

۱ ـ آنچه مسلمانان در زندگی دنیا و آخرت به آن نیاز دارند.
۲ ـ آنچه در جهان می‌گذرد و به سود و زیان مسلمانان است.
۳ ـ مسائل سیاسی و اقتصادی که در استقلال و آزادی آنان دخالت دارد و چگونگی رفتار آنها با سایر ملت‌ها.
٤ ـ دخالت دولت‌های ستمگر و استعمارگر در امور سیاسی و اقتصادی مسلمانان که منجر به بهره‌کشی از آنان می‌شود.[2]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة، القول في شرائط صلاة الجمعه، م ۷.
۲ ـ همان، القول في شرائط صلاة الجمعة، صص ۲۳۳ و ۲۳٤، م ۷ ـ ۸ ـ ۹.

ویژگی‌های امام جمعه

سزاوار است امام جمعه این ویژگی‌ها را داشته باشد:

* خطیب بلیغ باشد و مقتضای حال را با عبارت‌های فصیح و خالی از پیچیدگی بیان کند.
* نسبت به آنچه در کشورهای اسلامی به ویژه کشور خودش می‌گذرد، آشنا باشد.
* مصالح اسلام و مسلمین را بداند.
* شجاع باشد و سرزنش هیچ کس او را از طریق الهی بازندارد.
* در اظهار حق و ابطال باطل صریح باشد.
* آنچه سبب تأثیر کلامش در نفوس می‌شود، مراعات کند؛ از جمله:
* در شکل و شمایل صالحان باشد.
* کردارش با موعظه‌هایش هماهنگ باشد.
* از آنچه سبب می‌شود دیگران او را سرزنش یا کلامش را مسخره کنند، حتی زیاد حرف زدن و مزاح کردن بپرهیزد و همه این‌ها را برای رضای خدا و به دور از حب دنیا و ریاست مراعات کند.[1]

وظیفه نمازگزاران جمعه

۱. واجب است نمازگزاران به خطبه‌ها گوش دهند.

۲. احتیاط مستحب است از سخن گفتن بپرهیزند و چنانچه سخن گفتن، سبب از بین رفتن فایده خطبه‌ها و یا گوش ندادن به آنها شود، ترک آن واجب است.

۳. احتیاط مستحب است، شنوندگان هنگام ایراد خطبه‌ها، رو به امام جمعه بنشینند و بیش از مقداری که در نماز اجازه داده شده، به اطراف نگاه نکنند.[2]

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۳۵، م ۱۴.

۲. همان.

پرسش

۱. تفاوت نماز جمعه با نماز ظهر چیست؟

۲. شرایط نماز جمعه علاوه بر شرایط نماز جماعت چیست؟

۳. چه چیزی در هر دو خطبه باید خوانده شود؟

٤. داشتن چه آگاهی‌هایی برای امام جمعه شایسته است؟

۵. بر امام جمعه و نمازگزاران هنگام ایراد خطبه‌ها چه چیزهایی واجب است؟

٦. اگر به رکعت دوّم نماز جمعه برسیم، برای اقتدا تکلیف چیست؟ آیا خواندن نماز ظهر لازم است؟

درس ٣٦

نماز آیات، نماز بر میت

نماز آیات

وقتی خورشید یا ماه بگیرد یا زلزله‌ای رخ دهد، نماز آیات واجب است، هر چند هیچ کس نترسد.

اگر حوادث دیگر طبیعی، مثلاً صاعقه شود یا بادهای زرد و سرخ بوزد و بیشتر مردم بترسند، واجب است همگی رو به سوی خدا کرده و دو رکعت نماز، که نامش «آیات» است بخوانند. گزاردن چنین نمازی، کنایه از این است که این‌گونه حوادث نشانه‌هایی از قدرت الهی و نظم و حساب دقیق عالم طبیعی است.

خواندن این نماز، انسان را از خرافات و خیال‌های بیهوده باز می‌دارد و متوجه آفریدگار هستی می‌کند و همچنین سبب آرامش دل‌ها و فرونشستن ترس می‌شود.

اسباب وجوب نماز آیات

* زلزله
* خسوف (ماه گرفتگی)
* کسوف (خورشید گرفتگی)

(هر چند کسی از آن نترسد.)

* رعد و برق و بادهای زرد و سرخ و سیاه و مانند آن، اگر بیشتر مردم بترسند.[1]

---

١ .توضیح‌المسائل، م ١٤٩١؛ تحریرالوسیله، ج ١، القول في صلاة الآیات، م ١.

چگونگی نمازآیات

۱ ـ نمازآیات دورکعت است ودرهررکعت پنج رکوع دارد.

۲ ـ درنمازآیات، قبل ازهررکوع، سوره حمد وسوره دیگری ازقرآن خوانده می‌شود، که دراین صورت، دردورکعت، ده حمد وده سوره خوانده می‌شود، ولی می‌توان یک سوره را پنج قسمت کرده وقبل ازهررکوع یک قسمت ازآن را خواند، که دراین صورت، دردورکعت دوحمد ودوسوره خوانده می‌شود.[۱]

دراینجا با تقسیم سوره «اخلاص» چگونگی نمازآیات مختصررا می‌آوریم:

*** رکعت اوّل**

- □ **حمد و «بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ»** ← **رکوع.**
- **«قُلْ هُوَ اللّهُ اَحَدٌ»** ← **رکوع.**
- **«اللّهُ الصَّمَدُ»** ← **رکوع.**
- **«لَمْ یلِدْ وَلَمْ یولَدْ»** ← **رکوع.**
- **«وَلَمْ یکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَد»** ← **رکوع.**

وسپس سجده‌ها را بجا آورده، برای رکعت دوّم برمی‌خیزد.

*** رکعت دوّم**

رکعت دوّم را نیزمانند رکعت اوّل بجا می‌آورد وسپس با تشهد وسلام، نمازرا به پایان می‌برد.[۲]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۵۰۷ و ۱۵۰۸.

۲ ـ همان، م ۱۵۰۸. به فتوای برخی از فقها، گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم» به تنهایی کافی نیست، بلکه باید بخشی از سوره را نیزبخواند. و به فتوای برخی از فقها، خواندن کمتراز یک آیه هم اشکال ندارد ولی برخی جمله کامل بودن را شرط نمی‌دانند؛ هرچند یک آیه کامل نباشد.

وقت نماز آیات

۱ .خورشید یا ماه گرفتگی ← از شروع گرفتگی تا شروع به بازشدن.

۲ .سایر آیات، مثل زلزله و رعد و برق ← وقت معین ندارد و همیشه ادا است.[۱]

احکام نماز آیات

۱ .اگر یکی از سبب‌های نماز آیات در شهری اتفاق بیفتد، فقط مردم همان شهر باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست.[۲]

۲ .اگر در یک رکعت از نماز آیات، پنج مرتبه حمد و پنج سوره خوانده شود و در رکعت دیگر یک حمد بخواند و سوره را تقسیم کند صحیح است. نماز آیات را به گونه‌های دیگر نیز می‌توان خواند که در کتاب‌های مفصل فقهی آمده است.[۳]

۳ .مستحب است پیش از رکوع دوّم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت بخواند و اگر فقط یک قنوت پیش از رکوع دهم بخواند کافی است.[۴]

٤ .هر یک از رکوع‌های نماز آیات رکن است، که اگر عمداً یا سهواً کم یا زیاد شود، نماز باطل است.[۵]

۵ .نماز آیات را می‌توان به جماعت خواند، که در این صورت حمد و سوره‌ها را تنها امام جماعت می‌خواند.[۶]

---

۱ .توضیح المسائل، م ۱٤۹۵ و ۱٤۹۸.

۲ .همان، م ۱٤۹٤.

۳ .همان، م۱۵۰۹؛ العروة‌الوثقی، ج۱، فصل في صلاة الآيات، ص۷۲۷، م۱.

٤ .همان، م ۱۵۱۲.

۵ .همان، م ۱۵۱۵.

٦ .العروة‌الوثقی، فصل في صلاة الآيات، ج ۱، ص ۷۳۰، م ۱۳.

٦ ـ مأموم در هر رکعت از نماز آیات، وقتی که امام جماعت در رکوع اول است می‌تواند اقتدا کند، و پس از آن، اقتدا صحیح نیست.[1]

۷ – اگر سبب وجوب نماز آیات تکرار شود، باید به تعداد همه آنها نماز آیات خوانده شود، مثلاً چندین بار زلزله شود.[2]

نماز بر میت

پس از غسل و حنوط و کفن کردن میت، باید بر او نماز بخوانند و سپس او را دفن کنند.

کسی که بر میت نماز می‌خواند باید بعد از نیت و گفتن تکبیر اول بگوید: «اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ الله وَ اَنَّ مُحَمَّدا رَسُولُ الله».

بعد از تکبیر دوم بگوید: «اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

بعد از تکبیر سوم بگوید: «اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنینَ وَالمُؤْمِناتِ».

بعد از تکبیر چهارم اگر میت مرد است بگوید: «**اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِهذَا الْمَیتِ**» و اگر زن است بگوید: «**اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِهذِهِ الْمَیتِ**» و **بعد تکبیر پنجم** را بگوید.[3]

بهتر است نماز میت را به تفصیلی که در رساله‌های توضیح‌المسائل آمده است بخوانند، اگرچه همین مقدار نیز کفایت می‌کند.

شرایط نماز میت

* قصد قربت و اخلاص.

* تعیین میت به طوری که ابهام برطرف شود؛ مثلاً نیت کند نماز می‌خوانم بر میت حاضر، قُربةً اِلی الله.

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی صلاة الآیات، ص ۱۹۵، م ۱۲.

۲ ـ العروة‌الوثقی، ج ۱، فصل فی صلاة الآیات، ص ۷۳۱، م ۲۱.

۳ ـ توضیح‌المسائل، م ٦۰۸.

* رو به قبله بودن نمازگزار.

* ایستاده خواندن، (نشسته صحیح نیست)، مگر کسی که بتواند ایستاده نماز بخواند، نباشد.

* میت را مقابل نمازگزار به پشت بخوابانند به‌طوری که سر او به طرف راست نمازگزار و پای او به طرف چپ باشد.

* بین میت و نمازگزار، پرده و دیوار یا چیزی مانند اینها فاصله نشود، ولی اگر میت در تابوت و مانند آن باشد اشکال ندارد.

* نمازگزار از میت دور نباشد. اگر نماز میت به جماعت خوانده می‌شود و صف‌ها متصل است، دور بودن مأموم اشکال ندارد.

□ * مکان نمازگزار از جای میت، بلندتر یا پایین‌تر نباشد؛ ولی پستی و بلندی مختصر اشکال ندارد.

* نماز پس از غسل و حنوط و کفن باشد، مگر نماز بر شهید معرکه که این امور (غسل، حنوط و کفن) نسبت به او ساقط است.[1]

احکام و آداب نماز میت

۱ ـ در نماز میت، باید تکبیرها و دعاها را طوری پشت سر هم بخوانند که نماز از صورت خود خارج نشود.[2]

۲ ـ نماز میت به جماعت نیز صحیح است؛ ولی امام و مأموم هر دو باید تکبیرها و دعاها را بخوانند.[3]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في شرایط صلاة المیت، ص ۸۳؛ توضیح المسائل، م ۵۹۷ تا ٦۰٤. در فتاوای برخی از فقها آمده است که علاوه بر این شرط، مکان نمازگزار نباید غصبی باشد.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ٦۰۹.

۳ ـ همان، م ٦۱۰.

۳ .کسی که نماز بر میت می‌خواند، لازم نیست با وضو یا غسل یا تیمّم باشد و بدن و لباسش پاک و مباح باشد، اگرچه احتیاط مستحب، رعایت تمام چیزهای واجب در نمازهای دیگر است.[1]

□ ٤ .اگر میت وصیت کرده باشد که شخص معینی بر او نماز بخواند، احتیاط واجب است که آن شخص از ولیّ میت اجازه بگیرد و بنابر احتیاط واجب بر ولیّ هم واجب است که اجازه بدهد.[2]

٥ .اگر بخواهند بر چند میت نماز بخوانند بهتر است که جدا جدا خوانده شود، هر چند خواندن یک نماز بر چند جنازه نیز مانعی ندارد.[3]

مستحبات نماز میت

۱ .کسی که بر میت نماز می‌خواند با طهارت باشد.

۲ .اگر میت مرد است، امام جماعت یا کسی که فرادا بر او نماز می‌خواند، مقابل وسط قامت او بایستد و اگر میت زن است، مقابل سینه‌اش بایستد.

۳ .پابرهنه نماز بخواند.

٤ .برای هر تکبیر دست‌ها را بلند کند.

٥ .فاصله او با میت به قدری کم باشد که اگر باد لباسش را حرکت دهد به جنازه برسد.

٦ .نماز را به جماعت بخوانند.

۷ .امام جماعت، تکبیر و دعاها را بلند و مأمومین آهسته بخوانند.

۸ .مأموم پشت سر امام بایستد، نه در ردیف امام جماعت، هر چند مأموم یک نفر باشد.

---

۱ .توضیح المسائل، م ٥۹٦.

۲ .همان، م ٦٠٥. برخی از فقها، این احتیاط را واجب ندانسته‌اند.

۳ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول في شرایط صلاة المیت، ص ۸٦، م ۹.

۹ .نمازگزار برای میت و مؤمنان بسیار دعا کند.

۱۰ .پیش از نماز سه مرتبه گفته شود: «الصلاة».

۱۱ .نماز را در جایی بخوانند که مردم برای نماز میت بیشتر به آنجا می‌روند.

۱۲ .زن حائض اگر در نماز جماعت میت شرکت کرده، در صفی تنها بایستد.[۱]

خواندن نماز میت در مساجد مکروه است، به جز مسجد الحرام.[۲]

پرسش

۱ – آیا باران شدید و جاری شدن سیل موجب نماز آیات است یا نه؟

۲ – معمولاً بعد از یک زلزلهٔ شدید، پس لرزه هایی نیز رخ می‌دهد، آیا برای هر کدام آنها به طور جداگانه نماز آیات واجب است؟

۳ – برای کیفیت نماز آیات چهار نمونه دیگر بیان کنید.

٤ - نماز بر میت و دفن آن در مسجد چه حکمی دارد؟

٥ - اگر مأموم در نماز میت به تکبیر سوم امام جماعت برسد وظیفه‌اش چیست؟

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول في آداب الصلاة على الميّت، ص ۸٦ ؛ توضیح‌المسائل، م ٦۱۱.

۲ .همان، م ٦۱۲.

درس ۳۷

نمازهای مستحب

نمازهای مستحب[۱]

۱ .نماز مستحب را «نافِلَه» گویند.

۲ .نمازهای مستحب بسیاراست واین نوشته گنجایش تمام آنها را ندارد، امّا برخی ازآنها راکه اهمیت بیشتری دارد می‌آوریم:[۲]

نام نماز	تعداد رکعات نافله	وقت نافله
نماز صبح	دو رکعت	قبل از نماز صبح و احتیاط آن است که قبل از فجراوّل نخوانند.
نماز ظهر	چهارنماز دو رکعتی (۸ رکعت)	قبل از نماز ظهر، از ظهر تا وقتی که سایه پدید آمده شاخص به مقدار $\frac{۲}{۷}$ آن برسد.
نماز عصر	چهارنماز دو رکعتی (۸ رکعت)	پیش از نماز عصر، تا موقعی که سایه پدید آمده شاخص به مقدار $\frac{٤}{۷}$ آن برسد.
نماز مغرب	دو نماز دو رکعتی (٤رکعت)	پس از نماز مغرب تا وقتی که سرخی طرف مغرب که پس از غروب آفتاب پدید می‌آید از بین برود.
نماز عشا	دو رکعت نشسته[۳]	پس از نماز عشا تا نصف شب.[۴]

---

۱ .برخی از مطالب نمازهای مستحب برای مطالعه است.

۲ .توضیح‌المسائل، م ۷٦٤.

۳ .به نافله نماز عشا، نماز وُتیره گفته می‌شود و بنا بر احتیاط واجب باید نشسته خوانده شود.

٤ .توضیح‌المسائل، م ۷٦٤ و ۷٦۸ تا ۷۷۲.

نافله‌های نمازهای یومیه (درغیرسفرو روزجمعه)، ۲۳ رکعت است که به علاوه ۱۱ رکعت نمازشب، جمعا ۳٤ رکعت می‌شود؛ یعنی دوبرابرتعداد رکعت‌های نمازواجب.

دو مسأله

۱ .درروزجمعه برشانزده رکعت نافله ظهروعصر، چهاررکعت اضافه می‌شود.[۱]

۲ .نافله ظهر و عصر را در سفر نباید خواند ولی نافله عشا را به نیت این‌که شاید مطلوب باشد (به قصد رجاء) می‌توان خواند.[۲]

نمازشب

نمازشب ۱۱ رکعت است که بدین ترتیب خوانده می‌شود:

دورکعت ← به نیت نافله شب.

دورکعت ← به نیت نافله شب.

دورکعت ← به نیت نافله شب.

دورکعت ← به نیت نافله شب.

دورکعت ← به نیت نافله شَفع.

یک رکعت ← به نیت نافله وَتْر.[۳]

وقت نمازشب

□۱ .وقت نمازشب ازنصف شب است تا اذان صبح وبهتراست نزدیک اذان صبح خوانده شود.[۴]

---

۱ .توضیح المسائل، م ۷٦٤.

۲ .همان، م ۷٦۷.

۳ .همان، م ۷٦۵.

٤ .همان، م ۷۷۳. به فتوای برخی از مراجع از اول شب است، ولی احتیاط مستحب است بعد از نصف شب بجا آورد.

۲ ـ مسافر و کسی که برای او سخت است نافله شب را بعد از نصف شب بخواند، می‌تواند در اوّل شب بجا آورد.[۱]

نماز غُفیلَه

یکی از نمازهای مستحب، نماز «غُفیلَه» است که پس از نماز مغرب خوانده می‌شود.

کیفیت نماز غفیله

نماز غفیله دو رکعت است، در رکعت اوّل، پس از حمد، به جای سوره، این آیه خوانده می‌شود:[۲]

«وَ ذَاالنُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغاضِبا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيهِ فَنَادىَ فِى الظُّلُماتِ أَنْ لا إلَهَ اِلاَّ أَنْتَ سُبْحَانَک اِنّى کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاستَجَبْنا لَهُ وَ نَجَّيناهُ مِنَ الْغَمِّ وَ کَذلِک نُنْجِى الْمُؤْمِنينَ »[۳]

و در رکعت دوّم، پس از حمد، به جای سوره، این آیه خوانده می‌شود:

« وَ عِنْدَهُ مفاتِحُ الْغَيبِ لا يعْلَمُها اِلاّ هُوَ و يعْلَمُ مَا فِى الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ و مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ اِلاّ يعْلَمُهَا وَ لا حَبَّةٍ فِى ظُلُماتِ الأرْضِ وَ لا رَطْبٍ وَ لا يابِسٍ اِلاَّ فِى كِتابٍ مُبينٍ»[٤]

در قنوت آن این دعا خوانده می‌شود:

«اَللّهُمَّ اِنّى اَسأَلُک بِمَفاتِحِ الْغَيبِ اَلّتِى لا يعْلَمُهَا اِلاّ أَنْتَ أَنْ تُصَلِّىَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَغْفِرَلِى ذُنُوبِى[٥] اَللّهُمَّ اَنْتَ وَلِىُّ نِعْمَتِى وَ الْقادِرُ عَلَى طَلِبَتِى تَعْلَمُ حاجَتِى فَأسْأَلُک بِحَقِّ مُحَمّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيهِ و عَلَيهِمُ السَّلامُ لَمّا قَضَيتَهَا لِى.»[٦]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۷۷٤.

۲ ـ همان، م ۷۷۵.

۳ ـ انبیا: ۸۷.

٤ ـ انعام: ۵۹.

۵ ـ به جای جمله «أن تَغْفِرَلِى ذُنُوبِى» می‌تواند حاجت دیگری از خدا بخواهد.

٦ ـ توضیح‌المسائل، م ۷۷۵.

نماز عید

در دو عید فطر و قربان خواندن نماز مخصوص عید مستحب است.[۱]

وقت نماز عید

۱ .وقت نماز عید از طلوع آفتاب تا ظهر است.[۲]

۲ .مستحب است نماز عید قربان را اوّل روز پس از بالا آمدن خورشید بخوانند.[۳]

چگونگی نماز عید

□۱ .نماز عید فطر و قربان دو رکعت است با نُه قنوت و این گونه خوانده می‌شود:

* در رکعت اوّل پس از حمد و سوره باید پنج تکبیر گفته شود و بعد از هر تکبیر یک قنوت و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری و سپس رکوع و دو سجده.

* در رکعت دوّم پس از حمد و سوره چهار تکبیر گفته می‌شود و بعد از هر تکبیر یک قنوت و بعد از قنوت چهارم تکبیر دیگر و سپس رکوع و دو سجده و تشهد و سلام.[۴]

* در قنوت‌های نماز عید هر دعا و ذکری بخوانند کافی است، ولی بهتر است به امید ثواب این دعا را بخوانند:

اَللّهمَّ أَهْلَ الْکِبْرِیاءِ وَالْعَظَمَةِ وَ أَهْلَ الْجُودِ وَ الْجَبَروتِ و أَهْلَ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ وَ أَهْلَ التَّقوی وَ الْمَغْفِرَةِ أَسْأَلُک بِحَقِّ هذَا الْیومِ الَّذِی جَعَلْتَهُ لِلْمُسلِمینَ عیدا و لِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ ذُخْرا وَ شَرَفا وَ کَرامَةً وَ مَزیدا، أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُدخِلَنِی فی کُلِّ خَیرٍ اَدْخَلْتَ فیهِ مُحَمَّدا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُخْرِجَنِی مِنْ کُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ، صَلَواتُک عَلَیهِ وَ

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۱۵۱٦.

۲ .همان، م ۱۵۱۷.

۳ .همان، م ۱۵۱۸.

٤ .همان، م ۱۵۱۹. به فتوای برخی از فقها در نماز عید در هر رکعت سه تکبیر کافی است ولی احتیاط مستحب است در رکعت اول پنج تکبیر و پنج قنوت و در رکعت دوم چهار تکبیر و چهار قنوت بجا آورد.

عَلَیهِمْ أَللّهُمَّ اِنّی أَسْأَلُک خَیرَما سَأَلَک بِهِ عِبادُک الصّالِحُونَ وَ اَعُوذُ بِک مِمّا اسْتَعاذَ مِنْهُ عِبادُک الْمُخْلَصُونَ.[1]

نماز جعفر طیار

از جمله نمازهای مستحب که ثواب بسیاری دارد و شیعه و سنّی استحباب آن را قبول دارند، نمازی است که پیامبر اکرم ﷺ پس از بازگشت از حبشه به پسرعموی خود، جعفر بن ابی طالب، تعلیم فرمودند.

۲ . این نماز چهار رکعت است که به صورت دو نماز دو رکعتی خوانده می‌شود و در هر رکعت ۷۵ بار تسبیحات اربعه «سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر» به ترتیب زیر خوانده می‌شود:

- پس از حمد و سوره: ۱۵ مرتبه.
- در رکوع: ۱۰ مرتبه.
- پس از رکوع در حال ایستاده: ۱۰ مرتبه.
- در سجده اول: ۱۰ مرتبه.
- بین دو سجده: ۱۰ مرتبه.
- در سجده دوم: ۱۰ مرتبه.
- پس از سجده دوم در حالت نشسته: ۱۰ مرتبه.

خواندن ذکر دیگر بجز تسبیحات اربعه در رکوع و سجده لازم نیست؛ ولی احتیاط مستحب است به تسبیحات اکتفا نکند و ذکر رکوع و سجده را نیز بگوید.

در نماز حضرت جعفر، خواندن سوره خاصی لازم نیست؛ ولی بهتر آن است که در رکعت اول، سوره «زلزال» و در رکعت دوم، سوره «عادیات» و در رکعت سوم، سوره «فتح» و در رکعت چهارم، سوره «توحید» بخواند.

---

۱ ـ همان، م ۱۵۲۰.

کسی که فرصت خواندن نماز حضرت جعفر همراه با مستحبات را ندارد، می‌تواند اصل نماز را بخواند و مستحبات را پس از آن بخواند و همچنین می‌تواند دو رکعت آن را بخواند و کار خود را انجام دهد و سپس دو رکعت دیگر را به جا آورد.

بهترین وقت نماز حضرت جعفر علیه‌السلام، روز جمعه، هنگام بالا آمدن خورشید است.

نماز طلب باران

مطابق آنچه در سخنان معصومین علیهم‌السلام آمده است، هنگام گسترش گناهان و کفران نعمت‌ها و نپرداختن زکات و حقوق دیگران و کم‌فروشی و مکر و حیله و ستم و ترک امر به معروف و نهی از منکر و حکم کردن به غیر دستور خداوند و هر کار دیگری که موجب غضب الهی شود از بارش باران و برف کاسته می‌شود که در این حال خواندن نماز طلب باران مستحب است.[1]

چگونگی نماز باران

نماز باران مانند نماز عید است؛ در رکعت اول پس از حمد پنج تکبیر گفته می‌شود و پس از هر تکبیر یک قنوت و در رکعت دوم، چهار تکبیر و چهار قنوت و در هر قنوت آن هر دعایی می‌توان خواند و بهتر است در دعای قنوت، درخواست باران و نعمت و نزول رحمت باشد و پیش از دعا نیز صلوات بر محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله و آل او فرستاده شود.[2]

مستحبّات نماز باران

پیش از خواندن نماز باران موارد زیر مستحب است:

۱. سه روز مردم روزه بگیرند و روز سوم برای نماز بیرون روند.

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۳۰.

۲. همان، ص ۲۳۱.

۲ . روزهای شنبه، یکشنبه و دوشنبه روزه بگیرند و روز دوشنبه برای نماز بیرون بروند و اگر این روزها ممکن نبود، روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه بگیرند و همان روز جمعه هم برای نماز بیرون بروند.

۳ . امام جماعت و مردم با آرامش و وقار و خشوع برای خواندن نماز به صحرا بروند و بهتر است با حالتی که جلب رحمت خداوند را می‌کند، مثلاً پا برهنه بیرون روند.

٤ . در صحرا، جای تمیزی را برای نماز انتخاب کنند.

٥ . منبر را برای خواندن خطبه نماز با خود به صحرا ببرند.

٦ . مؤذن‌ها نیز پیشاپیش امام حرکت کنند.

۷ . پیران و کودکان و افراد ناتوان و حتی حیوان‌ها را با خود به صحرا ببرند و کودکان را از مادرانشان جدا کنند تا با گریه آنان، خداوند بر مردم ترحّم کند.

۸ . از آمدن غیر مسلمان به صحرا، جلوگیری کنند.[1]

در نماز نیز مستحب است، امام جماعت قرائت را بلند بخواند و سوره‌هایی که در نماز عید مستحب است بخواند.

پس از نماز موارد زیر مستحب است:

۱ . امام جماعت ردای خود را برگرداند و بالای منبر رفته رو به قبله بایستد و با صدای بلند صد مرتبه تکبیر بگوید.

۲ . سپس رو به مردمی که سمت راست او هستند برگردد و صد مرتبه «سبحان الله» بگوید.

۳ . بعد رو به مردمی که سمت چپ او هستند، برگردد و صد مرتبه «لا اله الا الله» بگوید.

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۳۱.

٤ . در پایان رو به روی مردم (پشت به قبله) صد مرتبه «الحمد لله» بگوید و مانعی ندارد که اینها را نیز بلند بگوید و مردم نیز به دنبال او همین ذکرها را بگویند.

٥ . پس از این اذکار، امام جماعت دست‌ها را بالا ببرد و دعا کند و مردم نیز دعا کنند و مانع ندارد که امام، دعا کند و مردم آمین بگویند و بهتر است که دعاهای وارده از معصومین ﷺ را بخوانند، مانند دعایی که از امیرمؤمنان علی ؏ وارد شده و اوّل آن این است «الحمد لله سابغ النعم...».[1]

٦ . بهتر است که امام جماعت دو خطبه بخواند.

٧ . نماز باران وقت معینی ندارد؛ ولی بهتر است هنگام بالا آمدن آفتاب بخوانند.[2]

نماز حاجت

در وقت سختی و مشکلات، برای برآمدن حاجت، خواندن دو رکعت نماز، مستحب است.

پس از خواندن دو رکعت نماز، حمد و ثنای الهی را به جای آورده و بر پیامبر ﷺ، صلوات می‌فرستد و پس از آن، آیه آخر سوره «حشر» و شش آیه اوّل سوره «حدید» و دو آیه ۲٥ و ۲٦ از سوره «آل عمران»، یعنی از ﴿قل اللهم مالک الملك...تا بغير حساب﴾ را می‌خواند و سپس حاجت خود را از خداوند می‌خواهد.

---

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، صلاة الاستسقاء، ص ٥۲۷.

۲. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۳۱، م ۱.

احکام کلّی

۱ .تمام نمازهای مستحب، دورکعت است، مگر نماز وتر.
۲ .هیچ کدام از نمازهای مستحب اذان و اقامه ندارد.
۳ .در هیچ کدام از نمازهای مستحب خواندن سوره پس از حمد لازم نیست، مگر آنکه خواندن سوره یا آیه معینی در آن شرط شده باشد.

پرسش

۱ .نوافل نماز عصر و عشا چند رکعت است و چه وقت خوانده می‌شود؟
۲ .نماز عید چند قنوت و چند رکوع دارد؟
۳ - نسبت نمازهای مستحب شبانه روزی به نمازهای واجب شبانه روزی چیست؟
٤ - بهترین اوقات برای خواندن نماز حضرت جعفر طیار علیه‌السلام چه زمانی است؟
٥ - دو نمونه از نمازهای مستحب که حتماً باید پس از حمد، سوره یا آیه مخصوصی خوانده شود نام ببرید.

فصل سوم:

روزه و اعتکاف

- تعریف و اقسام روزه
- نیت و مبطلات روزه
- قضا و کفاره و روزه مسافر
- اعتکاف

درس ۳۸

روزه

﴿یا أیهَا الَّذینَ ءامَنُوا کُتِبَ عَلَیکُمُ الصِّیامُ کَما کُتِبَ عَلَی الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُم لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ﴾[1]

«ای مؤمنان، روزه بر شما واجب شده، چنانچه بر پیشینیان شما نیز واجب بود، تا پرهیزکار (باتقوا) شوید.»

تعریف روزه

روزه آن است که انسان، از هنگام اذان صبح تا اذان مغرب برای اطاعت دستور خداوند از برخی کارها که شرح آن خواهد آمد پرهیز کند. هرچند با ترک آن کارها تکلیف روزه‌داری از عهده انسان برداشته می‌شود، اما روزه کامل و حقیقی، تنها نخوردن و نیاشامیدن و انجام ندادن برخی کارهای دیگر نیست، بلکه حقیقت روزه پرهیز از گناه و هرکاری است که نفس انسان به آن علاقه دارد و او را از خدا دور می‌کند. و این روزه معمول، راهی است برای رسیدن به آن مقام محمود.

اقسام روزه:
- ۱- واجب؛
- ۲- حرام
- ۳- مستحب؛
- ٤- مکروه[2]

---

۱. بقره: ۱۸۳.

روزه‌های واجب

* روزه ماه مبارک رمضان؛
* روزه قضا؛
* روزه کفّاره؛
* روزه استیجاری؛[۱]
* روزه روز سوّم ایام اعتکاف؛[۲]
* روزه بدل قربانی حج؛[۳]
* روزه‌ای که به سبب نذر و عهد و قسم واجب شود؛
□ * روزه قضای پدر که بر پسر بزرگ‌تر واجب است.[۴]

روزه‌های حرام[۵]

* روزه عید فطر (روز اوّل شوال)؛
* روزه عید قربان (روز دهم ماه ذی‌حجه)؛
* روزه نذر معصیت؛
* روزه ایام تشریق (۱۱، ۱۲ و ۱۳ ذی الحجه) برای کسی که در منا است؛
* روزه سکوت؛[۶]

---

۱ .روزه استیجاری: روزه‌ای است که شخص مزد می‌گیرد و به نیابت از میّت انجام می‌دهد.
۲ .بحث اعتکاف در درس ٤۲ خواهد آمد.
۳ .اگر حج‌گزار نتواند قربانی کند، باید به جای آن، سه روز در حج و هفت روز پس از مراجعت از حج روزه بگیرد.
٤ .العروة‌الوثقی، ج ۲، فصل في اقسام الصوم، صص ۲٤۰ و ۲٤۱؛ توضیح‌المسائل، م ۱۳۹۰. به فتوای برخی از فقها، اگر پدر از روی نافرمانی روزه را ترک کرده قضای آن بر پسر بزرگ وی واجب نیست.
۵ .العروة‌الوثقی، ج ۲، کتاب الصوم، فصل ۱۵، صص ۲٤۳ و ۲٤٤.
٦ .روزه سکوت، روزه گرفتن با این نیّت که با کسی سخن نگوید.

* روزه وصال؛[1]

* روزه آخر شعبان به نیت اوّل ماه رمضان؛

* روزه مستحب فرزند که سبب اذیت و آزار پدر یا مادر یا پدربزرگ شود؛

* روزه مستحب فرزند که پدر یا مادر یا پدر بزرگ او را از آن نهی کرده باشند (به احتیاط واجب)؛

* روزه مستحب زن که شوهرش او را از آن نهی کرده باشد (به احتیاط واجب).

* روزه مستحب زن که سبب از بین رفتن حق شوهرش شود (به احتیاط واجب).[2]

روزه‌های مستحب

روزه گرفتن در تمام ایام سال ـ به جز روزه‌های حرام و مکروه ـ مستحب است، ولی نسبت به بعضی از روزه‌ها تأکید و سفارش بیشتری شده است، که برخی از آنها بدین شرح است:

***هرهفته**
۱- پنج شنبه
۲- جمعه

***در هر ماه قمری**
۱ ـ اولین چهارشنبه بعد از دهه اول؛
۲ ـ سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم؛
۳ ـ پنجشنبه اول و پنجشنبه آخر ماه.

---

۱ ـ روزه وصال، روزه گرفتن دو روز پی‌درپی بدون آنکه در بین آنها مبطلی انجام دهد، البته با قصد وصال نه به طور اتفاقی.

۲ ـ تحریر الوسیلة، ج ۱، القول في اقسام الصوم، ص ۳۰۳؛ توضیح المسائل، م ۱۷۳۹ تا ۱۷۴۲.

*درسال
١ .اول و سوم ماه محرم؛
٢ .روز میلاد پیامبرﷺ (١٧ ربیع الاول)؛
٣ .تمام ماه رجب و شعبان؛
٤ .روز مبعث پیامبرﷺ (٢٧ رجب)؛
٥ .روز دحوالارض (٢٥ ذی قعده)؛
٦ .اول تا نهم ذی حجه؛
٧ . روزعرفه بشرط آنکه روزه گرفتن سبب بازماندن از دعای آن روز نشود.

*** روز اوّل فروردین.**[١]

استفتاء

س .کسی که نماز مغربش را بخواند و نماز عشا را فراموش کند، فردای آن شب [در غیر ماه رمضان]، روزه بر او واجب است یا نه؟

ج .واجب نیست، اگر چه موافق احتیاط است.[٢]

روزه‌های مکروه

* روزه مستحب میهمان بدون اجازه میزبان؛
* روزه مستحب میهمان با نهی میزبان؛
* روزه مستحب فرزند بدون اجازه پدر یا مادر؛
* روزه عاشورا؛
* روزه عرفه اگر سبب بازماندن از دعاهای آن روز بشود؛
* روزه روزی که نمی‌داند عرفه است یا عید قربان.[٣]

---

١ . توضیح‌المسائل، م ١٧٤٨؛ تحریر الوسیله، ج ١، القول في اقسام الصوم، ص ٣٠٢؛ العروة‌الوثقی، ج ٢، کتاب الصوم، فصل في اقسام الصوم، ص ٢٤٠.
٢ .استفتاآت، ج ١، ص ٣٢٧، س ٧٠. به فتوای برخی از فقها، روزه گرفتن فردای آن شب بنا بر احتیاط لازم است.
٣ .تحریر الوسیله، ج ١، القول في اقسام الصوم، ص ٣٠٣؛ توضیح‌المسائل، م ١٧٤٧.

نیت روزه

۱ .روزه باید با قصد قربت واطاعت دستورالهی ونیت خالص وبه دوراز هرگونه ریا وخودنمایی بجا آورده شود.[۱]

۲ .انسان می‌تواند درهرشب ماه رمضان برای روزه فردای آن، نیت کند. وبهتراست که شب اوّل ماه هم روزه همه ماه را نیت کند.[۲]

۳ .درروزه واجب، نیت روزه نباید بدون عذراز اذان صبح تأخیربیفتد.[۳]

٤ .درروزه واجب، اگربه سبب عذری، مانند فراموشی یا سفر، نیت روزه نکرده، اگر کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، تا ظهرمی‌تواند نیت روزه کند وپس از آن صحیح نیست.[۴]

۵ .لازم نیست نیت روزه را به زبان بگوید بلکه همین قدرکه برای انجام دستور خداوند، ازاذان صبح تا اذان مغرب، کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام ندهد کافی است.[۵]

٦ .وقت نیت روزه مستحب، ازاوّل شب است تا موقعی که به اندازه نیت کردن به مغرب مانده باشد، که اگرتا این وقت، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد ونیت روزه مستحب کند، صحیح است.[۶]

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۱۵۵۰.

۲ .همان، م ۱۵۵۱.

۳ .همان، م ۱۵۵٤ و۱۵٦۱.

٤ .همان، م ۱۵۵٤ و۱۵٦۱.

۵ .همان، م ۱۵۵۰.

٦ .همان، م ۱۵۵۳.

۷ .کسی که روزه قضا یا روزه واجب دیگری دارد، نمی‌تواند روزه مستحب بگیرد و چنانچه فراموش کرده باشد و قبل از ظهر یادش بیاید، می‌تواند نیت خود را به روزه واجب برگرداند و اگر بعدازظهر یادش بیاید، روزه‌اش باطل است.[۱]

۸ .کسی که برای بجا آوردن روزه میت اجیر شده، اگر روزه مستحب بگیرد اشکال ندارد.[۲]

۹ .اگر روزی را که شک دارد آخر شعبان است یا اوّل ماه رمضان، به نیت روزه قضا و مانند آن روزه بگیرد و در بین روز بفهمد که ماه رمضان است باید نیت روزه رمضان کند و اگر بعد معلوم شود رمضان بوده، از ماه رمضان حساب می‌شود.[۳]

پرسش

۱ .در این ایام، روزه گرفتن چه حکمی دارد؟

۱۲ فروردین، دوازدهم ذی‌حجه، دهم محرم، نهم ذی‌حجه، اوّل فروردین و اوّل شوال

۲ - در چه صورتی فرزند نمی‌تواند روزه مستحب بجا آورد؟

۳ - در روز عرفه روزه داری افضل است یا خواندن دعاهای آن روز؟

٤ - در چه صورتی روزه مستحب زن تبدیل به روزه حرام می‌شود؟

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۱۵٦۳.

۲ .همان، م ۱۵٦۳.

۳ .همان، م ۱۵٦۸ و ۱۵٦۹.

درس ۳۹

مبطلات روزه

مبطلات روزه

روزه‌دار باید از اذان صبح تا مغرب از برخی کارها بپرهیزد و اگر پرهیز نکند، روزه‌اش باطل می‌شود، به این کارها «مُبطلاتِ روزه» گفته می‌شود، که عبارت‌اند از:

* خوردن و آشامیدن؛
* دروغ بستن به خدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله و جانشینان آن حضرت علیهم السلام؛
* رساندن غبار غلیظ به حلق؛
* فروبردن تمام سر در آب؛
* قی کردن؛
* آمیزش؛
* استمناء؛
* باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح؛
* اماله[1] کردن با چیزهای روان.[2]

---

۱ .اماله = وارد کردن داروی مایع از طریق مخرج غائط به داخل بدن.

۲ .توضیح‌المسائل، م ۱۵۷۲.

• خوردن و آشامیدن

۱ .اگر روزه‌دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل می‌شود هرچند خوردن وآشامیدن آن معمول نباشد؛ مانند خاک و نفت.[۱]

۲ .اگر کسی عمداً چیزی را که لای دندانش مانده است فرو ببرد، روزه‌اش باطل می‌شود.[۲]

۳ .فروبردن آب دهان، روزه را باطل نمی‌کند، هر چند زیاد باشد.[۳]

٤ .اگر روزه‌دار به سبب فراموشی (نمی‌داند روزه است) چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل نمی‌شود.[۴]

٥ .انسان نمی‌تواند به خاطر ضعف، روزه را بخورد ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی‌توان آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد.[۵]

٦ .فرو بردن اخلاط سر و سینه، تا به فضای دهان نرسیده روزه را باطل نمی‌کند، ولی اگر داخل فضای دهان شود، بنا بر احتیاط واجب آن را فرونبرد.[۶]

تزریق آمپول

□ آمپول اگر به جای غذا نباشد تزریق آن، روزه را باطل نمی‌کند، هر چند عضو را بی‌حس کند ولی احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از آمپولی که به جای غذا به کار می‌رود پرهیز کند.[۷]

---

۱ .توضیح المسائل، م ۱۵۷۳.
۲ .همان، م ۱۵۷۷.
۳ .همان، م ۱۵۷۹.
٤ .همان، م ۱۵۷٥.
٥ .همان، م ۱۵۸۳.
٦ .همان، م ۱۵۸۰.
۷ .همان، م ۱۵۷٦. به فتوای برخی از فقها، آمپول‌هایی که در رگ تزریق می‌شود و انواع سرم‌ها نیز روزه را باطل می‌کند و به فتوای برخی دیگر تزریق آمپول روزه را باطل نمی‌کند.

• رساندن غبار غلیظ به حلق

۱ ـ اگر روزه‌دار غبار غلیظی به حلق برساند، روزه‌اش باطل می‌شود؛ چه غبار خوراکی‌ها باشد مانند آرد، یا غیر خوراکی مانند خاك.

۲ ـ دراین موارد، روزه باطل نمی‌شود:

☐ * غبار غلیظ نباشد؛

* به حلق نرسد. (فقط به داخل دهان برسد)؛

* بی‌اختیار به حلق برسد و بیرون آوردن آن ممکن نباشد؛

* نمی‌داند روزه است؛

* شک کند غبار غلیظ به حلق رسیده است یا نه.[1]

استعمال دخانیات

بنابر احتیاط واجب روزه دار نباید دود سیگار و قلیان و مانند اینها را به حلق برساند.[2]

• دروغ بستن به خدا و پیغمبر

۱ ـ درتمام موارد زیر، دروغ بستن از روی عمد، به خدا، پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یا امام علیه‌السلام روزه را باطل می‌کند. و بنابر احتیاط واجب دروغ بستن به حضرت زهرا علیهاالسلام و سایر پیامبران علیهم‌السلام همین حکم را دارد:

ـ باگفتار باشد یا نوشتار یا اشاره یا انجام کاری که از آن، نسبت دروغ فهمیده شود؛

ـ به صراحت باشد یا کنایه؛

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الصوم، القول فیما یجب الامساك عنه، صص ۲۸۵ و ۲۸۶، الثامن؛ توضیح المسائل، م ۱۶۰۳ تا ۱۶۰۷. به فتوای برخی از فقها، غبار غیرغلیظ هم اگر به حلق برسد روزه را باطل می‌کند و به فتوای برخی دیگر هرگاه در حلق تبدیل به گل شود و فرو رود روزه باطل می‌شود و در غیر این صورت روزه باطل نیست.

۲ ـ توضیح المسائل، م ۱۶۰۵.

.دروغ را خودش ساخته باشد یا دیگری؛

.اِخبار باشد یا پاسخ به سؤال دیگری؛[1]

۲ .بازگویی دروغی که دیگری ساخته یا گفته، بر وجه نقل قول یا حکایت اشکال ندارد؛[2] مثلاً در حالی که روزه است بگوید: یزید گفت:

لَعِبَتْ هاشمُ بالمُلک فلا　　　خبرٌ جاء و لا وحیٌ نَزَل[3]

• فرو بردن تمام سر در آب

□ ۱ .اگر روزه‌دار عمداً تمام سر را در آب مطلق فرو برد، روزه‌اش باطل می‌شود.

۲ .در این موارد روزه باطل نیست:

* سهوا سر را زیر آب ببرد.
* قسمتی از سر را زیر آب ببرد.
* نصف سر را یکبار و نصف دیگر را بار دیگر در آب فرو برد.
* بی‌اختیار در آب بیفتد.
* شخصِ دیگری به زور سر او را در آب فرو برد.
* شک کند تمام سر زیر آب رفته است یا نه.[4]

---

۱ .توضیح المسائل، م ۱۶۰۵.

۲ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول فیما یجب الامساک منه، صص ۲۸۴ و ۲۸۵؛ توضیح‌المسائل، م ۱۵۹۶ تا ۱۶۰۲.

۳ .یعنی؛ هاشمیان با حکومت بازی کردند، نه خبری از آسمان غیب آمده و نه وحی نازل شده است. اصل شعر از «ابن زبعری» است، ولی یزید بن معاویه پس از شهادت امام حسین علیه‌السلام هنگامی که عترت او را به اسارت به شام آورده بودند با غرور و سر مستی آن را خواند. (فرهنگ عاشورا، ص ۴۲۱) به نقل از حیات الامام الحسین علیه‌السلام، ج ۲، ص ۱۸۷، ج ۳، ص ۳۷۷.

۴ .توضیح‌المسائل، م ۱۶۱۰ ـ ۱۶۱۳ ـ ۱۶۱۴ ـ ۱۶۱۵؛ العروة‌الوثقی، القول فیما یجب الامساک منه، ج ۲، ص ۱۸۷، م ۳۶. به فتوای برخی از فقها، فرو بردن سر در آب روزه را باطل نمی‌کند ولی مکروه است.

۳ - اگر در حال روزه ماه رمضان برای غسل سر را در آب فرو برد، غسل و روزه او باطل است، مگر آنکه زیر آب توبه کند و در حال خارج شدن از آب نیت غسل کند که در این صورت، غسل او صحیح و روزه باطل است.[۱]

• قی کردن

۱.هرگاه روزه‌دار عمداً قی کند، هر چند به سبب بیماری باشد، روزه‌اش باطل می‌شود.[۲]

۲ .اگر روزه‌دار بی‌اختیار یا سهوا قی کند، روزه‌اش باطل نمی‌شود.[۳]

• اِستِمنا

۱ .اگر روزه‌دار استمنا کند؛ یعنی با خود کاری کند که مَنی از او بیرون آید، روزه‌اش باطل می‌شود.[۴]

۲ .اگر بی‌اختیار مَنی از او بیرون آید؛ مثلاً در خواب جنب شود، روزه‌اش باطل نمی‌شود.[۵]

• باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح

اگر شخص جنب، تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه او تیمّم است، تیمّم نکند، در برخی موارد روزه‌اش باطل می‌شود؛ برخی از مسائل آن چنین است:

۱ .اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه‌اش تیمّم است، تیمّم نکند:

* در روزه ماه رمضان } **روزه‌اش باطل است.**
* در قضای آن }
* در بقیه روزه‌ها ← **روزه‌اش صحیح است.**[٦]

---

۱ .توضیح المسائل، م ۱٦۱۷.

۲ .همان، م ۱٦٤٦.

۳ .همان، م ۱٦٤٦.

٤ .همان، م ۱۵۸۸.

۵ .همان، م ۱۵۸۹.

٦ .همان، م ۱٦۱۹ تا ۱٦۳۱.

□ ٢ ـ اگر جنب در روزه ماه رمضان غسل یا تیمّم را فراموش کند و پس از یک یا چند روز یادش بیاید، باید آن روزه‌ها را قضا کند.[١]

٣ ـ اگر روزه‌دار، در خواب جنب شود، واجب نیست فوراً غسل کند و روزه‌اش صحیح است.[٢]

٤ ـ اگر شخص جنب در شب ماه رمضان می‌داند قبل از اذان صبح، برای غسل بیدار نمی‌شود، نباید بخوابد و اگر بخوابد و بیدار نشود، روزه‌اش باطل است.[٣]

• باقی ماندن بر حیض و نفاس

١ ـ اگر در ماه رمضان زن قبل از اذان صبح از خون پاک شود و عمداً تا اذان غسل نکند، یا اگر وظیفه‌اش تیمّم است تیمّم نکند، روزه‌اش باطل است.[٤]

□ ٢ ـ اگر مستحاضه غسل‌های خود را به تفصیلی که در احکام استحاضه گفته شده بجا آورد روزه‌اش صحیح است.[٥]

• اماله کردن

١ ـ اماله کردن با چیز روان اگر چه از روی ناچاری و برای معالجه بیماری باشد روزه را باطل می‌کند.[٦]

٢ ـ استعمال شیاف‌های مُسکّن و درمانی روزه را باطل نمی‌کند.[٧]

---

١ ـ توضیح المسائل م ١٦٢٢. به فتوای برخی از فقها، اگر در بین ماه رمضان متوجه شود باید قضای آن روزه‌ها را بجا آورد و اگر پس از ماه رمضان یادش بیاید قضا واجب نیست.

٢ ـ همان، م ١٦٣٢.

٣ ـ همان، م ١٦٢٥.

٤ ـ همان، م ١٦٣٧.

٥ ـ همان، م ١٦٢٥. به فتوای برخی از فقها، چنانچه غسل‌ها را بجا نیاورد نیز روزه‌اش صحیح است.

٦ ـ همان، م ١٦٤٥.

٧ ـ همان.

برخی از مکروهات روزه

۱ .انجام دادن هرکاری که سبب ضعف شود؛ مانند خون دادن.

۲ .بوییدن گیاهان معطّر (عطرزدن مکروه نیست).

۳ .خیس کردن لباسی که برتن دارد.

٤ .مسواک کردن با چوب تر.

۵ .کشیدن دندان وهرکاری که به سبب آن ازدهان خون بیاید.[۱]

پرسش

۱ - در چه صورتی خوردن و آشامیدن مبطل روزه نیست؟

۲ .مسواک کردن در حال روزه چه حکمی دارد؟

۳ .اگر با لباس غواصی .محفظه‌ای که به سر نچسبد .زیر آب برود، روزه باطل می‌شود یا نه؟

٤ .آیا نقل مطالب غیر واقع، روزه را باطل می‌کند؟

۵ .شنا کردن در حال روزه چه حکمی دارد؟

٦ .اگر شخص روزه‌دار غسل ارتماسی بجا آورد غسلش باطل است یا روزه، یا هردو؟

۷ .شخصی پس از چند سال متوجه می‌شود که غسلش باطل بوده روزه‌هایش چه حکمی دارد؟

---

۱ .همان، م ۱٦۵۷.

درس ۴۰

قضا وکفاره روزه

﴿...فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَنْ كانَ مَريضاً أَوْ عَلى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيّامٍ أُخَرَ يُريدُ اللهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لا يُريدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾[1]

پس هرکس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد، و کسی که بیمار یا در سفر است، تعدادی از روزهای دیگر[را روزه بدارد]. خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد.

روزه قضا

اگرکسی روزه را در وقت آن نگیرد، باید روز دیگری، به جای آن روزه بگیرد، پس روزه‌ای که بعد ازوقت آن، بجا آورده می‌شود، «روزه قضا» نام دارد.

کفاره روزه

۱ .اگرعمداً روزه ماه رمضان را نگیرد، یا عمداً آن را باطل کند، قضا وکفاره واجب می‌شود.[2]

---

۱. بقره: ۱۸۵.

۲ .توضیح‌المسائل، م ۱۶۵۸ و۱۷۱۰.

٢ .کفّاره، همان جریمه‌ای است که برای باطل کردن روزه معین شده است و عبارت است از:

* آزاد کردن یک بَرده؛

* دو ماه روزه گرفتن که سی و یک روز آن باید پی در پی باشد؛

* طعام دادن به شصت فقیر به مقداری که یک وعده غذا بخورند و سیر شوند، یا دادن یک مُدّ طعام به هریک از آنها.[١]

٣ .کسی که کفّاره بر او واجب شود، باید یکی از این سه را انجام دهد و چون امروزه، برده به معنای فقهیِ آن یافت نمی‌شود، مورد دوّم یا سوّم را انجام می‌دهد. اگر هیچ یک از اینها برایش مقدور نیست، هر مقدار که می‌تواند باید به فقیر طعام بدهد و اگر اصلاً نتواند طعام بدهد، باید استغفار کند.[٢]

٤ .کسی که می‌خواهد دو ماه کفاره روزه ماه رمضان را بگیرد، باید ابتدا سی و یک روز آن را پی در پی بگیرد و اگر بقیه آن پی در پی نباشد اشکال ندارد.[٣]

□ **در این موارد بجا آوردن قضای روزه واجب است ولی کفّاره ندارد:**

١ .روزه‌دار عمداً قی کند.

٢ .در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند و با حال جنابت، یک یا چند روز روزه بگیرد.

٣ .در ماه رمضان، بدون این‌که تحقیق کند صبح شده یا نه؟ کاری کند که روزه را باطل می‌کند؛ مثلاً آب بخورد و بعدا معلوم شود صبح بوده است.

---

١ .توضیح المسائل، م ١٦٦٠.

٢ .همان.

٣ .همان، م ١٦٦١.

٤ .کسی بگوید: صبح نشده وروزه‌دار با اعتماد به گفته او، کاری کند که روزه را باطل می‌کند، وبعدا معلوم شود صبح بوده است.[۱]

۵ .روزه‌هایی که به سبب سفر، باطل شده است.[۲]

٦ .روزه‌های ایام حیض ونفاس بانوان.[۳]

۷ .براثر ندانستن مسأله، مبطلی انجام داده ولی نمی‌توانسته مسأله را یاد بگیرد، یا اصلاً متوجه نبوده.[٤]

۸ .به سبب بیماری روزه نگیرد وبیماریش پس از ماه رمضان برطرف شود.[۵]

مواردی که فقط باید برای هر یک روز، یک مد طعام به فقیر داده شود

۱ .به سبب بیماری نتواند روزه بگیرد وتا سال بعد طول بکشد وچنانچه بیماری او تا چندین سال طول بکشد قضای سال آخر را باید بجا آورد وسال‌های گذشته را برای هریک روز یک مد طعام به فقیر بدهد.[٦]

۲ .کسی که به سبب پیری، روزه گرفتن برایش مشقت دارد وبعد از ماه رمضان هم نمی‌تواند قضای آن را بجا آورد.[۷]

۳ .مرضی دارد که زیاد تشنه می‌شود وروزه گرفتن برایش مشقت دارد وبعد از ماه رمضان هم نمی‌تواند قضای آن را بجا آورد.[۸]

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۱٦۸۸. به فتوای برخی از فقها، در بعضی از این موارد کفاره هم واجب می‌شود.

۲ .تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۹۸، م ٤.

۳ .العروة‌الوثقی، ج ۲، فصل في شرايط وجوب الصوم، الخامس، ص ۳۹۰، م ۳.

٤ .توضیح‌المسائل، م ۱٦۵۹.

۵ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول في قضاء صوم شهر رمضان، ص ۲۹۹، م ۹.

٦ .توضیح‌المسائل، م ۱۷۰۳ و ۱۷۰۷.

۷ .همان، م ۱۷۲٦.

۸ .همان، م ۱۷۲۷.

مواردی که باید قضای روزه را بجا آورد و برای هریک روز، یک مد طعام به فقیر بدهد

١ ـ با عذر، مثلاً در سفر، روزه نگرفته و بعد از ماه رمضان عذر برطرف شده و تا ماه رمضان سال بعد عمداً قضای آن را بجا نیاورده است ولی اگر سال‌های بعد هم بجا نیاورد چیزی اضافه بر قضا و یک مُدّ طعام واجب نیست.[1]

٢ ـ موقعی که عذر دارد، تصمیم او بر این است که بعد از برطرف شدن عذر، قضای روزه را بجا آورد و عذر برطرف شود و پیش از آنکه قضا کند در تنگی وقت عذری برایش پیدا شود، قضای آن واجب و یک مد طعام احتیاط واجب است.[2]

٣ ـ در قضای روزه کوتاهی کند و وقت تنگ شود و در تنگی وقت عذری برایش پیش آید.[3]

٤ ـ مرضی دارد که زیاد تشنه می‌شود و روزه گرفتن برایش مشقت دارد؛ اگر می‌تواند قضای آن را بجا آورد باید اضافه بر یک مد طعام، بنابر احتیاط واجب قضای آن را هم بجا آورد.[4]

٥ ـ زنی که زاییدن او نزدیک است و روزه برای حملش ضرر دارد و نمی‌تواند روزه بگیرد.[5]

٦ ـ زنی که زاییدن او نزدیک است و روزه برای خودش ضرر دارد و نمی‌تواند روزه بگیرد قضای آن را باید بجا آورد و بنابر احتیاط واجب برای هر یک روز، یک مد طعام به فقیر بدهد.[6]

---

١ ـ توضیح المسائل، م ١٧٠٥ و ١٧٠٩.
٢ ـ همان، م ١٧٠٦.
٣ ـ همان، م ١٧٠٦.
٤ ـ همان، م ١٧٢٧.
٥ ـ همان، م ١٧٢٨.
٦ ـ همان، م ١٧٢٨.

۷ .زنی که بچه شیر می‌دهد و شیر او کم است و روزه برای بچه‌ای که شیر می‌دهد ضرر دارد.[۱]

۸ .زنی که بچه شیر می‌دهد و شیر او کم است و روزه برای خودش ضرر دارد، قضای روزه را باید بجا آورد و بنابر احتیاط واجب برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد.[۲]

۹ .به واسطه عذری، غیر بیماری مانند مسافرت، روزه ماه رمضان را نگیرد و عذر او تا ماه رمضان سال بعد طول بکشد، قضای آن را باید بجا آورد و بنا بر احتیاط مستحب برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد.[۳]

پرسش

۱ .روزه قضا با کفاره چه تفاوتی دارد؟

۲ .در چه صورتی کفاره جمع واجب می‌شود؟ دو مثال بزنید.

۳ .شخصی در بجا آوردن قضای روزه ماه رمضان کوتاهی کرده و نزدیک ماه رمضان نیز بیمار شده و نتوانسته آنها را بجا آورد تکلیفش نسبت به قضا و کفاره چیست؟

٤ .زنی که در ماه رمضان به سبب حمل نتوانست روزه بگیرد و تا رمضان سال بعد نیز به واسطه شیر دادن بچه نتوانست قضای آن را به جا آورد، وظیفه‌اش نسبت به قضا و کفاره روزه آن سال چیست؟

---

۱ .توضیح المسائل، م ۱۷۲۹.
۲ .همان، م ۱۷۲۹.
۳ .همان، م ۱۷۰۳.

درس ۴۱

قضا و کفاره روزه و روزه مسافر

احکام قضا و کفاره روزه

□ ۱ ـ لازم نیست قضای روزه را فوری بجا آورد، ولی بنابراحتیاط واجب باید تا ماه رمضان سال بعد انجام دهد.[۱]

□ ۲ ـ اگر از چند ماه رمضان روزه قضا دارد، هرکدام را اوّل بگیرد اشکال ندارد، ولی اگر وقت قضای روزه آخرین ماه رمضان تنگ است؛ مثلاً ده روز از ماه رمضان آخر، قضا دارد و ده روز به ماه رمضان بعد مانده است، باید اوّل قضای آن را بگیرد.[۲]

۳ ـ انسان نباید در انجام کفاره کوتاهی کند، ولی لازم نیست فوری آن را انجام دهد.[۳]

۴ ـ اگر کفّاره بر انسان واجب شود و بجا نیاورد و چند سال بر آن بگذرد چیزی بر آن اضافه نمی‌شود.[۴]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في قضاء شهر رمضان، ص ۲۹۸، م ۴. به فتوای برخی فقها احتیاط مستحب است.

۲ ـ توضیح المسائل، م ۱۶۹۸. به فتوای برخی از فقها، در فرض دوم نیز احتیاط مستحب است اول قضای ماه رمضان آخر را بجا آورد.

۳ ـ همان، م ۱۶۸۴.

۴ ـ همان، م ۱۶۸۵.

□ ۵ .اگر روزه خود را با کار حرامی؛ مانند استمنا باطل کند، بنابراحتیاط واجب کفّاره جمع لازم می‌شود؛ یعنی باید یک برده آزاد کند و دو ماه روزه بگیرد و به شصت فقیر طعام بدهد. اگر هر سه برایش ممکن نیست، هرکدام از آنها را که می‌تواند باید انجام دهد.[۱]

٦ .کسی که قضای روزه ماه رمضان را گرفته، اگر بعدازظهر عمداً آن را باطل کند، باید به ده فقیر، هرکدام یک مدّ طعام بدهد و اگر نمی‌تواند طعام بدهد، بنابر احتیاط واجب باید سه روز پی‌درپی روزه بگیرد.[۲]

در این موارد نه قضا واجب است و نه کفّاره

۱ . روزه‌های ایام کفر برای تازه مسلمان؛ یعنی اگر کافری مسلمان شود قضای روزه‌های گذشته واجب نیست.[۳]

□ ۲ .کسی که به سبب پیری نمی‌تواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان هم نمی‌تواند قضای آن را انجام دهد. ولی اگر روزه گرفتن برایش دشوار است، باید برای هر روز، یک مُدّ طعام به فقیر بدهد.[۴]

روزه قضای پدر و مادر[۵]

□ پس از مرگ پدر، پسر بزرگ او باید نمازها و روزه‌های قضا شده او را بجا آورد و احتیاط مستحب است قضای نماز و روزه‌های مادر را هم بجا آورد.[۶]

---

۱ .توضیح المسائل، م ١٦٦٥. به فتوای برخی از فقها، کفاره جمع واجب نیست لکن احتیاط مستحب است.

۲ .همان، م ١٦٨٧.

۳ .همان، م ١٦٩٥.

٤ .همان، م ١٧٢٥ ـ ١٧٢٦. به فتوای برخی فقها در فرض اول نیز باید برای هر روز یک مدّ طعام به فقیر بدهد.

۵ .این بحث به تفصیل در درس ۳۱ گذشت.

٦ .تحریرالوسیله، ج ١، القول في صلاة القضاء، ص ٢٢٧ م ١٦؛ توضیح المسائل، م ١٧١٢ و ١٣٩٠. به فتوای برخی از فقها، نمازها و روزه‌های قضای مادر نیز بر او واجب است.

روزه مسافر

۱. مسافری که باید نمازهای چهاررکعتی را در سفر، دورکعت بخواند، نباید در آن سفر روزه بگیرد ولی باید قضای آن را بجا آورد و مسافری که نمازش را تمام می‌خواند؛ مثل کسی که شغل او سفر است، باید در سفر روزه بگیرد.[۱]

۲. مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، ولی اگر برای فرار از روزه باشد مکروه است.[۲]

حکم روزه مسافر

- به سفر رفتن (آغاز سفر)
  - ۱. قبل از ظهر به مسافرت می‌رود ← وقتی به حد ترخص رسید، روزه‌اش باطل می‌شود و اگر قبل از آن روزه را باطل کند، بنا بر احتیاط واجب باید کفاره بدهد.
  - ۲. بعد از ظهر به مسافرت می‌رود ← روزه‌اش صحیح است و نباید آن را باطل کند.
- از سفر برگشتن (پایان سفر)
  - ۱. قبل از ظهر به وطن یا جایی که بنا دارد ده روز بماند برسد.
    - ۱. اگر کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام نداده است: باید نیّت روزه کرده و روزه آن روز را تمام کند و صحیح است.
    - ۲. اگر کاری که روزه را باطل کند انجام داده است؛ روزه آن روز بر او واجب نیست و باید قضای آن را بجا آورد.
  - ۲- بعد از ظهر برسد ← روزه‌اش باطل است و باید قضای آن را بجا آورد.[٤]

در برگشت از سفر، رسیدن به حدّ ترخّص، برای روزه اثری ندارد؛ بنابراین اگر پیش از ظهر به حدّ ترخّص برسد ولی هنوز به وطن یا جایی که می‌خواهد ده روز بماند نرسیده ظهر شود، نمی‌تواند نیت روزه کند.

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۱۷۱٤.
۲. همان، م ۱۷۱۵.
۳. همان، م ۱۷۱٤. ۱۷۲۱. ۱۷۲۲. ۱۷۲۳.

□ **راه‌های ثابت شدن اول ماه**

۱ .خود انسان ماه را ببیند.

۲ .عده‌ای که ازگفته آنان یقین پیدا می‌شود بگویند ماه را دیده‌ایم وهمچنین است هرچیزی که به واسطه آن یقین پیدا شود.

۳ .دومرد عادل بگویند که درشب ماه را دیده‌ایم.

٤ .سی روزازاول شعبان بگذرد، اول ماه رمضان ثابت می‌شود وسی روزازاول ماه رمضان بگذرد اول شوال ثابت می‌شود.

□ ۵ .حاکم شرع حکم کندکه اول ماه است.[1]

چند مسأله

۱ .اول ماه با پیشگویی منجّمان ثابت نمی‌شود، ولی اگرانسان ازگفته آنان یقین پیداکند باید به آن عمل نماید.[2]

□ ۲ .بزرگ بودن ماه یا دیرغروب کردن آن، دلیل نمی‌شودکه شب پیش، شب اول ماه بوده است.[3]

□ ۳ .اگردرجایی، مثلاً درکشوری یا شهری، اول ماه ثابت شود، برای جای دیگر فایده ندارد؛ مگرآن دوجا به هم نزدیک باشند یا انسان بداندکه افق آنها یکی است.[4]

---

۱ .توضیح المسائل، م ۱۷۳۰. به فتوای برخی از فقها، حکم حاکم شرع یکی از راه‌های ثابت شدن اول ماه نیست ولی چنانچه حکم کند که اول ماه است تبعیت از حکم وی واجب است.

۲ .همان، م ۱۷۳۲.

۳ .همان، م ۱۷۳۳. به فتوای برخی از فقها، اگرماه پیش ازظهردیده شود دلیل برآن است که آن روز اول ماه است.

٤ .همان، م ۱۷۳۵. به فتوای برخی از فقها، اگردرجایی ماه دیده شود برای سایرشهرها و کشورهایی که با آنجا درشب مشترک باشند هرچند اول شب یکی آخرشب دیگری باشد، کافی است.

٤ .روزی را که انسان نمی‌داند آخر ماه رمضان است یا اول شوال، باید روزه بگیرد، ولی اگر پیش از مغرب بفهمد که اول شوال است باید افطار کند.[١]

٥ .اگر حاکم شرع حکم کند که اول ماه است، کسی هم که از او تقلید نمی‌کند باید به حکم او عمل کند ولی کسی که می‌داند حاکم شرع اشتباه کرده است نمی‌تواند به حکم او عمل کند.[٢]

پرسش

١ .باطل کردن قضای روزه ماه رمضان چه حکمی دارد؟

٢ .در چه مواردی قضای روزه فردی بر شخص دیگر واجب می‌شود؟

٣ .کسی که از سفر به وطن برمی‌گردد و مطمئن است پیش از ظهر به وطن می‌رسد، آیا مجاز است مبطلی انجام دهد؟

٤ - وظیفه انسان نسبت به روزه یوم الشک آخر ماه رمضان چیست؟

٥ - در چه صورتی می‌توان برای روزه داری ماه رمضان براساس تقویم عمل کرد؟

---

١ .توضیح المسائل، م ١٧٣٧.

٢ .همان، م ١٧٣١.

درس ٤٢

اعتکاف

یکی ازکارهای مستحب «اعتکاف» است و اعتکاف عبارت است از ماندن در مسجد برای عبادت خداوند با شرایطی که خواهد آمد.[1]

شرایط اعتکاف

اعتکاف با شرایط زیر صحیح است و با نبود یکی ازآنها اعتکاف باطل است:

۱ .مُعتکف عاقل باشد.

۲ .به قصد قربت و اخلاص مُعتکف شود.

۳ .مدت اعتکاف ازسه روزکمتر نباشد.

٤ .درمسجد مُعتکف شود.

٥ .مُعتکف ازمسجد خارج نشود.

٦ .درمدت اعتکاف، روزها را روزه بگیرد.

۷ .برای اعتکاف اجازه بگیرد(تفصیل این شرایط خواهد آمد).[2]

---

۱ .تحریرالوسیله، ج۱، کتاب الصوم، خاتمة في الاعتکاف، ص ۳۰٤.

۲ .همان، القول في شروط الاعتکاف.

نیت اعتکاف

١ .اعتکاف همانند سایر عبادت‌ها باید با نیت و قصد قربت باشد و هرگونه ریا و خودنمایی و قصد غیر الهی آن را باطل می‌کند.[١]

٢ .انسان می‌تواند اعتکاف را برای خود یا دیگری بجا آورد؛ که به قِسْم دوم، اعتکاف نیابتی گفته می‌شود.[٢]

٣ .اعتکاف به نیابت از دو یا چند نفر صحیح نیست، ولی می‌تواند اعتکاف را به نیت خود بجا آورد و ثواب آن را به دیگران اهدا کند.[٣]

مدّت اعتکاف

١ .مدّت اعتکاف حداقل سه روز است و کمتر از آن صحیح نیست ولی در زیاده حدّی ندارد، و اگر پنج روز مُعتکف شود، روز ششم نیز واجب است بماند، بلکه بنابر احتیاط واجب هرگاه دو روز اضافه کرد، روز سوّمش هم باید بماند، پس اگر هشت روز معتکف شد، ماندن روز نهم نیز بنابر احتیاط واجب لازم است.[٤]

٢ .این سه روز از طلوع فجر روز اول تا مغرب روز سوم است، بنابراین اگر بعد از طلوع فجر ـ هر چند، دقیقه‌ای ـ با تأخیر به مسجد برسد، آن روز جزو اعتکاف به حساب نمی‌آید.[٥]

٣ . سه روز اعتکاف با شب‌های آن است که حداقل سه روز و دو شب در وسط است، بنابراین نمی‌تواند شب‌ها را از مسجد خارج شود.[٦]

---

١ .تحریرالوسیله، ج ١، کتاب الصوم، خاتمة في الاعتکاف، الثانی.
٢ .العروة‌الوثقی، ج ٢، کتاب الاعتکاف، ص ٢٤٦.
٣ .همان.
٤ .تحریرالوسیله، ج ١، خاتمة في الاعتکاف، القول في شروطه، الرابع، ص ٣٠٥.
٥ .همان.
٦ .همان، ص ٣٠٦، م ٤.

٤ .رها کردن اعتکاف مستحب و نذر غیر معین در روزهای اوّل و دوم اشکال ندارد، ولی اگر تا مغرب روز دوم ماند واجب است روز سوم را نیز بماند.[۱]

زمان اعتکاف

در طول سال هر زمانی که انسان بتواند حداقل سه روز در مسجد بماند و روزه بگیرد اعتکاف صحیح است، امّا بهترین زمان برای اعتکاف، ماه مبارک رمضان به ویژه دهه آخر آن است.[۲]

مکان اعتکاف

□۱ .اعتکاف در یکی از این مساجد صحیح است:

مسجدالحرام، مسجدالنبی ﷺ، مسجد کوفه، مسجد بصره

و در غیر این چهار مسجد، تنها در مسجد جامع هر شهر، به قصد رجاء مانع ندارد. و در سایر مساجد جایز نیست.[۳]

۲ .اگر در یک شهر، دو یا چند مسجد جامع وجود داشته باشد، در هر کدام که بخواهد می‌تواند به قصد رجاء معتکف شود.[۴]

۳ .اگر کسی در خانه خود یا تکیه یا حسینیه یا حرم و حتی مسجد غیر جامع معتکف شود صحیح نیست.[۵]

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۱، خاتمة في الاعتکاف، القول في شروطه، الرابع، ص ۳۰٦، م ۳.
۲ .العروةالوثقی، ج ۲، کتاب الاعتکاف، ص ۲٤٦.
۳ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول في شروط الاعتکاف، الخامس، ص ۳۰۵. به فتوای برخی از فقها، اعتکاف در مسجد جامع هم صحیح است و برخی اعتکاف در مسجد غیر جامع را نیز رجاءا صحیح می‌دانند.
٤ .العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الاعتکاف، في شرایط الاعتکاف، السادس.
۵ .همان.

٤ .اعتکاف باید دریک مسجد باشد، پس اعتکاف دردومسجد که بخشی ازوقت را دریکی وبخشی ازآن را دردیگری بماند صحیح نیست.[1]

٥ .اگردرمسجدی معتکف شود ولی مانعی ازادامه ماندن درآن مسجد پیش آید، اعتکاف باطل است.[2]

خارج شدن از مسجد

۱ .مُعتکف نباید ازمسجد خارج شود، مگردرموارد ذیل:

* برای گواهی دادن.
* برای تشییع جنازه، در صورتی که میت، طوری وابستگی به مُعتکف داشته باشد که شرکت درتشییع جنازه او ازضرورت‌های عرفی او به حساب می‌آید.
* برای سایرکارهای ضروری عرفی یا شرعی، خواه واجب باشد یا مستحب، خواه مربوط به امور دنیوی باشد یا اخروی، ولی مصلحتی در آن نهفته باشد.[3]

۲ .اگرمعتکف جنب شود واجب است برای غسل ازمسجد بیرون برود واگربیرون نرود اعتکاف باطل است.[4]

۳ .اگرمعتکف به جهتی ازمسجد خارج شد، این امور را باید مراعات کند:

* بیش ازمقدار ضرورت و نیاز بیرون مسجد نماند.
* در صورت امکان زیرسایه ننشیند، بلکه مطلقاً ننشیند، مگردر حال ضرورت.
* بنابراحتیاط واجب نزدیکترین راه را انتخاب کند.[5]

---

۱ .تحریرالوسیله، ج۱، القول في شروط الاعتکاف، ص ۳۰۷، م ٦.
۲ .همان، السابع، ص ۳۰٦.
۳ .همان، ص ۳۰٦، السابع و ص ۳۰۷، م ۹.
٤ .همان، ج۱، القول في شروط الاعتکاف، ص ۳۰۸، م ۱۰.
٥ .همان، ص ۳۰۷، م ۹.

٤ ـ اگر مُعتکف به جهت ضرورت از مسجد بیرون رود و به قدری طول بکشد که صورت اعتکاف به هم بخورد اعتکاف باطل است.[۱]

٥ ـ اگر به سبب فراموشی از مسجد خارج شود اعتکافش باطل نیست ولی باید فورا به مسجد برگردد.[۲]

روزه اعتکاف

۱ ـ انسان در ایام اعتکاف باید روزه بگیرد، بنابر این، اعتکاف کسی که نمی‌تواند روزه بگیرد مانند مسافر، مریض و زن حائض یا نفساء و کسی که عمداً روزه نگیرد صحیح نیست.[۳]

۲ ـ اعتکاف در روز عید فطر و قربان یا دو روز قبل از عید به طوری که روز سوم آن عید باشد صحیح نیست.[٤]

۳ ـ لازم نیست که روزه، مخصوص به اعتکاف باشد، بلکه هر روزه‌ای باشد صحیح است، مثلاً در ایام اعتکاف می‌تواند روزه قضا یا نذری یا استیجاری بجا آورد.[٥]

٤ ـ اگر انسان نذر کند در سفر روزه بگیرد می‌تواند بدون قصد ماندن ده روز معتکف شود.[٦]

یادآوری می‌شود نذر روزه ماه رمضان و قضای آن در سفر صحیح نیست.

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في شروط الاعتکاف، ص ۳۰۸، م ۱۲.
۲ ـ همان، السابع.
۳ ـ همان، ص ۳۰۵، الثالث.
٤ ـ العروة‌الوثقی، ج ۲، کتاب الاعتکاف، في شرایط الاعتکاف، الرابع.
٥ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في شروط الاعتکاف، الثالث، ص ۳۰۵.
٦ ـ همان.

اجازه اعتکاف

افراد ذیل با توضیحی که خواهد آمد بدون اجازه نمی‌توانند مُعتکف شوند:

* زن بدون اجازه شوهرش.

* فرزند بدون اجازه والدین.

* کسی که در استخدام دیگری است.

توضیح:

۱ ـ اگر اعتکاف زن موجب از بین رفتن حق شوهر باشد، بنابر احتیاط واجب باید از او اجازه بگیرد و همچنین برای بیرون رفتن از منزل نیز باید از شوهرش اجازه بگیرد.

۲ ـ اگر اعتکاف فرزند سبب اذیت و آزار والدین باشد صحیح نیست و در صورتی که سبب اذیت و آزار آنها هم نباشد احتیاط مستحب است اجازه بگیرد.

۳ ـ کسی که در استخدام دیگری است؛ مانند برخی از کارگران و کارمندان، در صورتی که قرارداد استخدامی و کاری به گونه‌ای است که منفعت مدت اعتکاف را نیز در بر می‌گیرد؛ یعنی اعتکاف با عمل به اجاره منافات دارد باید از صاحب کار اجازه بگیرد یا از اداره مطابق مقررات مرخصی بگیرد.[1]

محرّمات اعتکاف

انسان در حال اعتکاف باید از این کارها پرهیز کند:

* بوییدن چیزهای خوشبو و عطریات حتی گیاهان خوشبو، همراه با لذّت.

* خرید و فروش.

* سایر انواع تجارت؛ مثل صلح و اجاره و غیر اینها (بنابر احتیاط واجب).

* جدال در امور دینی و دنیوی برای غلبه بر دیگری و اظهار فضل و برتری بر او.

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في شروط الاعتکاف، السادس.

* امور جنسی و شهوت‌آمیز؛ مانند بوسه، لمس، آمیزش.
* استمناء[1] (بنا بر احتیاط واجب).[2]

مبطِلات اعتکاف

۱ .اگر معتکف، روزه خود را باطل کند، اعتکافش باطل می‌شود.[3]

۲ .آمیزش جنسی هر چند سهوا باشد اعتکاف را باطل می‌کند.[4]

۳ .اگر معتکف از روی شهوت، دیگری را ببوسد یا بدن او را لمس کند یا یکی دیگر از محرمات اعتکاف را عمداً یا سهواً مرتکب شود، احتیاط واجب آن است که اعتکاف را به پایان برساند و چنانچه اعتکاف واجب شده باشد؛ مثلاً نذر کرده باشد یا روز سوم اعتکاف باشد، مجددا باید بجا آورد.[5]

پرسش

۱ .آیا در حال اعتکاف برای شرکت در نماز جمعه می‌توان از مسجد خارج شد؟
۲ - اعتکاف فرزند بدون اجازه پدر چه حکمی دارد؟
۳ .در چه صورتی می‌توان اعتکاف را قطع کرد؟
٤ .در چه صورتی مسافر می‌تواند معتکف شود؟
۵ .کدامیک از محرمات اعتکاف، در غیر حال اعتکاف جایز است؟

---

۱ .استمناء در هر حال حرام و از گناهان بزرگ است و بنا بر احتیاط واجب جزو محرمات اعتکاف نیز هست، لذا اگر کسی در حال اعتکاف چنین عملی را مرتکب شود، گناهش بیشتر و عذابش افزون‌تر است.
۲ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول في احکام الاعتکاف، ص ۳۰۹.
۳ .همان، م ۲.
٤ .همان.
۵ .همان.

فصل چهارم:

حج

- مقدمات حج
- اعمال حج

درس ۴۳

حج (۱)

«... وَلِلّهِ عَلَى النّاسِ حِجُّ الْبَيتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيهِ سَبيلاً وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعالَمِينَ»[1]

«... وبرای خدا، حج آن خانه برعهده مردم است. [البته بر] کسی که بتواند به سوی آن راه یابد و هر که کفر ورزد، یقینا خداوند از جهانیان بی‌نیاز است»

حج، یکی از وظایف مهم مسلمانان و اعمال حج، از مهم‌ترین مراسم عبادی- سیاسی اسلام است.

حج، یکی از پایه‌های اساسی دین اسلام شمرده می‌شود و به عنوان یك عبادت سیاسی و اجتماعی، دارای شکوه وعظمتی خاص می‌باشد.

درحج، تمام مسلمانها ازسراسرجهان برای شرکت دراین مراسم بزرگ به مکه می‌روند وهمه آنها ازهررنگ ونژاد، برادرانه درکنارهم لباس احرام می‌پوشند، به دورکعبه طواف می‌کنند، درمسجد الحرام نمازمی‌خوانند و یاد پیامبران خدا، حضرت ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام- بنیانگذاران خانه توحید - را گرامی می‌داند و به یاد مادر اسماعیل و

۱.آل عمران: آیه ۹۷.

حضرت هاجر - از صفا تا مروه را راهپیمایی می‌کنند و سپس در روزهای نهم تا دوازدهم ذی حجه، در اجتماع بزرگ «عرفات»، «مشعر» و «منا» شرکت می‌کنند و با انجام اعمال مخصوص، قدرت عظیم خود را به نمایش می‌گذارند.

کسانی که خرج سفر حج را داشته باشند و بتوانند در زمان معین آن به مکه روند و اعمال مخصوص حج را انجام دهند، حج بر آنها واجب می‌شود.

حج، برکسانی که دارای شرایط باشند، در عمر یک بار واجب می‌شود.

شرایط وجوب حج

حج، برکسی واجب است که دارای شرایط ذیل باشد:

* بالغ و عاقل باشد.

* برای حج مجبور نشود کار واجبی را که اهمیتش از حج بیشتر است ترک کند، یا کار حرامی را که ترک آن مهم‌تر از حج است مرتکب شود.[1]

* مستطیع باشد و استطاعت اقسامی به این شرح دارد:

- بدنی (صحت و توانایی)
- طریقی (باز بودن و امنیت راه)
- زمانی (داشتن زمان کافی)[2]
- مالی یعنی داشتنِ:

-هزینه رفت و برگشت به حج

-ضروریات زندگی

-شغل یا مال یا راه کسب دیگری که پس از بازگشت به سختی زندگی نکنند.[3]

---

۱ .مناسک حج، شرایط وجوب حَجة‌الاسلام، ص ۳.

۲ .توضیح‌المسائل، م ۲۰۳٦ و تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۷۲.

۳ .تحریرالوسیله، ج ۱، صص ۳۷۲ و ۳۷۳.

نیابت در حج

کسی که حج بر او مستقر شده، یعنی شرایط وجوب حج را داشته وترک کرده اگر به واسطه پیری یا مرض، قدرت رفتن به حج را ندارد و یا رفتن به حج برای او حرج ومشقت دارد و امید خوب شدن و قدرت پیدا کردن را نداشته باشد، واجب است نایب بگیرد.[۱]

شرایط نایب

در نایب اموری شرط است:

- بلوغ (بنابراحتیاط واجب)
- عقل
- وثوق و اطمینان به انجام دادن اعمال
- شناخت وی نسبت به افعال و احکام حج، هر چند با راهنمایی دیگری، هنگام عمل
- واجب نبودن حج بر خودش
- معذور نبودن از انجام اعمال به طوری که برخی از آنها را ترک کند یا محتاج به نایب باشد.

اقسام حج

حج به تناسب موقعیت و محل زندگی افراد سه قسم است:

۱ .قِران ۲ .اِفراد ۳ .تَمتُّع

نوع اول و دوم، ویژه اهالی مکه و اطراف آن، تا فاصله شانزده فرسخی است که احکام و شرایط آن درکتاب‌های مفصل فقهی آمده است. ولی دیگران، باید نوع سوّم را انجام دهند و پیش از اعمال حج «عمره تمتّع» بجا آورند.[۲]

---

۱ .مناسک حج (محشی)، م ۱۱۶.

۲ .همان، ص ۴۰۳؛ کتاب الحج، القول في اقسام الحج.

اعمال عمره تمتع و سیر مکانی آن

عمره تمتع پنج عمل است بدین ترتیب:

۱ـ **احرام**؛ در میقات.[1]

۲ـ **طواف و نماز طواف**؛ در مسجدالحرام.

۳ـ **سعی**؛ بین صفا و مروه.

٤ـ **تقصیر**؛ که جای معینی ندارد.[2]

اعمال حج تمتّع و سیر مکانی آن

حج تمتّع سیزده عمل است بدین ترتیب:

۱ـ **احرام حج تمتّع**؛ در مکّه.

۲ـ **وقوف در عرفات**؛ روز عرفه (نهم ذی حجه).

۳ـ **وقوف در مشعرالحرام (مزدلفه)**؛ شب عید قربان.

٤ـ **رمی جمره عقبه و قربانی و حلق یا تقصیر**؛ در منا، روز عید قربان.

پس از اعمال روز عید، برای **بیتوته**؛ در مِنا می‌ماند، یا برای اعمال پس از منا به مکه می‌رود.

۵ـ **اعمال پس از منا**:
- ۱ـ **طواف حج و نماز آن**؛ در مسجدالحرام.
- ۲ـ **سعی**؛ بین صفا و مروه.
- ۳ـ **طواف نساء و نماز آن**؛ در مسجدالحرام.

٦ـ پس از انجام دادن این اعمال، به مِنا برمی‌گردد برای **ماندن شب‌های یازدهم و دوازدهم** در آنجا و **رمی جمرات** در روزهای یازدهم و دوازدهم ذی حجه.

۱ـ «میقات» مکانی است که برای احرام مشخص شده است و آن پنج محل است: «مسجد شجره» «جحفه» «وادی عقیق» «قَرن المنازل» و «یلملم».

۲ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الحج، القول في صورة الحج التمتّع اجمالاً.

۷ ـ بعد از ظهر روز دوازدهم از مِنا خارج می‌شود و اعمال حج به پایان می‌رسد.

کسی که تا ظهر روز دوازدهم، اعمال مکه (طواف حج، نماز طواف، سعی، طواف نساء و نماز طواف نساء) را انجام نداده، پس از بازگشت به مکه انجام می‌دهد.[1]

پرسش

۱ ـ مکان‌های اعمال عمره تمتع را به ترتیب برشمارید.

۲ ـ اقسام استطاعت را نام برده، توضیح دهید.

۳ ـ حج قران وظیفه چه کسانی است؟

۴ ـ اعمال حج تمتع را برشمارید.

۵ ـ حجاج شب‌های ۱۰ تا ۱۲ ذی الحجه را در کجا بسر می‌برند؟

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الحج، القول في صورة الحج التمتّع اجمالاً.

درس ٤٤

حج (۲)

توضیح اعمال عمره

احرام

- مردان باید تمام لباس‌های دوخته را ازتن درآورند ودوتکّه لباس غیردوخته برتن کنند که یکی را مانند لنگ به کمر می‌بندند و دیگری را برشانه می‌اندازند وبا نیت احرام می‌گویند:

«لَبَّیک اللّهُمَ لَبَّیكَ، لَبَّیک لا شَریک لَک لَبّیك»

□ احتیاط مستحب است، پس ازآن بگویند:

«إِنَّ الحَمْدَ والنِعْمَةَ لَک والمُلک لا شَریک لَک لَبَّیكَ»

- بانوان می‌توانند لباس دوخته بپوشند و بیرون آوردن لباس‌هایی که برتن دارند و پوشیدن دوتکه پارچه ندوخته، برآنها واجب نیست.[1]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في کیفیة الاحرام، ص ٤١٣. به فتوای برخی از فقها، جمله دوم لبیك‌ها هم باید گفته شود.

طواف

یکی از اعمال عمره و حج، طواف است؛ یعنی هفت مرتبه به دورکعبه گشتن.

۱ - طواف باید از مقابل گوشه‌ای از کعبه که حَجرالاسود در آن قرار دارد آغاز و در همان جا به پایان برسد.

۲ - خانه کعبه، در حال طواف باید در طرف چپ طواف کننده باشد؛ بنابراین اگر در حال حرکت رو به کعبه باشد یا عقب عقب یا بر خلاف مسیر طواف‌کنندگان برود، باطل است.

۳ - طواف کننده باید به دور حِجر اسماعیل[1] هم بگردد، یعنی هنگام طواف، داخل حِجر نرود.

٤ - طواف کننده باید با طهارت طواف کند؛ یعنی با وضو باشد و غسلی بر عهده او نباشد و نیز بدن و لباس وی پاک باشد.

(در بین اعمال عمره و حج، تنها در طواف و نماز طواف، باید با طهارت باشد.)[2]

نماز طواف

۱ - پس از طواف، باید دو رکعت نماز، به نیت نماز طواف بخواند.

۲ - نماز طواف، مانند نماز صبح است؛ ولی اذان و اقامه ندارد و مردان می‌توانند حمد و سوره را بلند یا آهسته بخوانند، ولی زنان در صورتی که نامحرم صدایشان را می‌شنود، باید آهسته بخوانند.

---

۱ ـ حجر اسماعیل: فضایی است بین کعبه و نیم دایره‌ای به عرض حدود ده متر که از زاویه شمالی تا زاویه غربی کعبه امتداد دارد. هرگاه باران بر بام کعبه ببارد از ناودان رحمت در این فضا می‌ریزد، آنجا مدفن حضرت اسماعیل علیه‌السلام و مادرش هاجر علیهاالسلام و بسیاری از پیامبران علیهم‌السلام است.

۲ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ٤٣٠، القول في واجبات الطواف.

۳ - نماز طواف را باید در مسجد الحرام، نزد مقام ابراهیم علیه السلام[1] بخواند و بنا بر احتیاط واجب باید پشت مقام بجا آورد به طوری که سنگ مقام بین او و خانه کعبه واقع شود.[2]

سعی

۱ - پس از نماز طواف، باید هفت مرتبه فاصله بین صفا و مروه را که امروزه به صورت راهرو سرپوشیده ساخته شده و کنار مسجد الحرام قرار دارد بپیماید.

۲ - سعی باید از صفا آغاز و به مروه ختم شود.

۳ - پیمودن فاصله صفا تا مروه یک مرتبه و برگشتن از مروه به صفا مرتبه دوم به حساب می‌آید، بنابراین هفت شَوْط سعی به مروه ختم می‌شود.[3]

تقصیر

در عمره تمتّع، پس از سعی باید تقصیر کند؛ یعنی مقداری از ناخن یا موی سر یا صورت خود را بچیند. و در عمره مفرده مردان می‌توانند به جای تقصیر، سر بتراشند.[4]

احرام حج

۱ .حجّاج، برای بجا آوردن اعمال حج باید در شهر مکّه محرم شوند و بهتر است در مسجدالحرام و روز هشتم ذی حجّه باشد.[5]

۲ .احرام حج با احرام عمره تفاوتی ندارد به جز در نیت.[6]

---

۱ .مقام ابراهیم: سنگی است که حضرت ابراهیم علیه السلام هنگام ساختن کعبه زیر پای خود می‌گذاشته و اثر پای آن حضرت بر سنگ مانده است و اکنون در مسجد الحرام، نزدیک کعبه در یک محفظه بلورین نگهداری می‌شود.

۲ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول في صلاة الطواف، ص ٤٣٦.

۳ .همان، القول في السعی، ص ٤٣٧.

٤ .همان، القول في التقصیر، ص ٤٣٩ .

٥ .همان، القول في صورة حج التمتع اجمالاً، ص ٤٠٦، م ۱، رابعها.

٦ .همان.

وقوف در عرفات

حجّاج باید از ظهر روز نهم ذی‌حجّه تا مغرب همان روز در عرفات بمانند و از آنجا خارج نشوند.[١]

وقوف در مشعر الحرام (مُزدَلِفه)

١ - بعد از مغرب روز نهم ذی‌حجّه (شب عید قربان) حاجیان از عرفات خارج می‌شوند و برای عملی دیگر از اعمال حج به طرف مشعرالحرام حرکت می‌کنند.

٢ - بنابر احتیاط واجب، باید شب دهم را تا اذان صبح برای اطاعت امر الهی در مشعر بمانند و از اذان صبح، نیت وقوف در مشعرالحرام کنند و تا طلوع آفتاب در آنجا بمانند.

٣ - در عرفات و مشعر، به جز ماندنِ در آنجا کار دیگری واجب نیست گر چه مستحبات بسیاری دارد.[٢]

پرسش

١ - تفاوت احرام مردان و زنان در چیست؟
٢ - تفاوت نماز طواف و نماز صبح چیست؟
٣ .کدام یک از اعمال عمره باید با طهارت بجا آورده شود؟
٤ - مکان احرام عمره تمتع و حج تمتع کجاست؟
٥ .وقت وقوف عرفات و مشعرالحرام چه زمانی است؟

---

١ .تحریرالوسیله، ج١، القول في الوقوف بعرفات، ص ٤٤٠.
٢ .همان، القول في صورة حج التمتع اجمالا و ص ٤٤١، القول في الوقوف بالمشعر الحرام.

درس ٤٥

حج (۳)

اعمال روز عید قربان

پس از طلوع آفتاب روز دهم ذی‌حجّه (عید قربان) حجاج برای بقیه اعمال از مشعرالحرام بیرون آمده روانه مِنا می‌شوند.

اعمال روز عید در مِنا عبارت است از:

* رمی جمره عقبه؛
* قربانی؛
* تراشیدن سر یا تقصیر.[1]

رمی جمره عَقَبه

وقتی که از مشعرالحرام به مِنا وارد شویم در آخر مِنا، بعد از مسجد خیف، جمرات[2] قرار دارد که اوّلی «جمره اُولی» و دوّمی «جمره وُسطی» و سومی را «جمره عَقَبه» می‌نامند. اوّلین کار واجب در روز عید قربان، زدن هفت سنگ به جمره عقبه است.[3]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ٤٤٤، القول في واجبات مِنی.

۲ ـ جمرات، در سابق به صورت سه ستون سنگی بوده که اخیرا به سبب ازدحام جمعیت و آسیب دیدن برخی از حاجیان. این ستون‌ها را توسعه داده اند به دیوار تبدیل شده است.

۳ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في صورة حج التمتع اجمالا، و ص ٤٤٤، القول في واجبات مِنی.

قربانی

پس از سنگ زدن به جمره عقبه، حجاج برای یکی دیگر از واجبات حج، به قربانگاه می‌روند و یک شتر، یا گاو، یا گوسفند، ذبح می‌کنند یا به دیگری نیابت می‌دهند تا این عمل را از طرف آنها انجام دهد.[۱]

حلق یا تقصیر

۱ - پس از قربانی، حاجی باید سر بتراشد (حلق) یا مقداری از ناخن یا موی خود را بچیند (تقصیر).

□ ۲ - کسانی که سال اوّل حج آنهاست، بنابر احتیاط واجب باید سر بتراشند و تقصیر کفایت نمی‌کند؛ ولی افرادی که بار اوّل آنها نیست می‌توانند تقصیر کنند یا سر بتراشند.[۲]

بیتوته در مِنا

۱ - یکی دیگر از واجبات حج، بیتوته (ماندن در شب) به مِنا است.

□ ۲ - حاجیان باید شب یازدهم ذی‌حجه و شب دوازدهم را از غروب آفتاب تا نیمه شب، با قصد قربت در مِنا باشند.[۳]

رمی جَمرات

۱ - در روز یازدهم و دوازدهم ذی‌حجه، حجّاج باید به هر یک از جمرات، هفت سنگ بزنند.

۲ - در رمی جمرات، ابتدا باید به جمره اولی، سپس به وسطی و بعد از آن به جمره عقبه سنگ بزنند.[۴]

---

۱ . تحریرالوسیله، ج ۱، القول في واجبات مِنی، ص ٤٤٦.

۲ . همان، ص ٤٥٠. به فتوای برخی از فقها، افرادی که سال اول حج آنهاست بین حلق و تقصیر مخیرند ولی حلق افضل است.

۳ . همان، ص ٤٥٤، القول في المبیت بمنی. به فتوای برخی از فقها، حاجی مخیّر است بین نیمه اول شب یا نیمه دوم.

٤ . همان، القول في رمی الجمار الثلاث.

طواف نساء و نمازآن

۱ - یکی ازاعمال حج، طواف نساء و نمازآن است.

۲ - طواف نساء و نمازآن، اختصاص به مردان ندارد، بلکه برتمام کسانی که عمره مفرده یا حج به جا می‌آورند واجب است.

۳ - پس ازطواف نساء و نمازآن، زن و مردی که به سبب احرام بریکدیگر حرام شده بودند، حلال می‌شوند.[۱]

مُحرَّمات احرام

زائرپس ازپوشیدن لباس احرام و نیت وگفتن لبیك، مُحرم است و درمدت احرام باید ازبیست و چهارکارپرهیزکند. چهارتای آنها فقط برمردان حرام است و دوتای آنها برزنان و بقیه، برهردو حرام است.

▣ **محرّمات مشترک بین زن و مرد:**

۱ .استعمال عطریات وگرفتن بینی ازبوی بد؛

۲ .سرمه کشیدن؛

۳ .نگاه کردن درآینه؛

٤ .فُسوق (دروغ گفتن وفحش دادن وفخرفروشی)؛

٥ .جِدال (گفتن «لا والله» و«بلی والله»)؛

٦ .کشتن جانورانی که دربدن ساکن می‌شوند؛

۷ .انگشتربه دست کردن برای زینت؛

۸ .روغن مالیدن به بدن؛

۹ .زدودن موازبدن؛

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول فیما یجب بعد اعمال منی، ص ٤٥٢، م ٥.

۱۰ .بیرون آوردن خون از بدن؛
۱۱ .ناخن گرفتن؛
۱۲ .کندن دندان؛
۱۳ .کندن درخت یا گیاهی که در محدوده حرم[1] روییده باشد؛
١٤ .سلاح به تن داشتن؛
۱۵ .شکار حیوان صحرایی؛
١٦ .عقد کردن زن، برای خود یا دیگری؛
۱۷ .آمیزش یا هرگونه عمل شهوانی دیگر؛
۱۸ .استمنا.[2]

محرّمات ویژه مردان

۱ .پوشیدن جامه دوخته؛ مانند پیراهن؛
۲ .پوشیدن چیزی که تمام روی پا را بگیرد؛ مانند کفش و جوراب؛
۳ .پوشاندن سر؛
٤ .سایه‌بان قراردادن بالای سر.[3] در حال حرکت بین دو منزل؛ مثلاً از میقات تا مکه با ماشین سقف‌دار حرکت کند.

محرمات ویژه زنان

۱ .پوشیدن زیور برای زینت.
۲ .پوشاندن روی خود با نقاب یا روبند.[4]

---

۱ .شهر مکه و قسمتی از اطراف آن که حدود معینی دارد «حرم» است و دارای احکام خاصی است.
۲ .تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الحج، القول في تروک الاحرام، ص ٤۱۸.
۳ .همان.
٤ .همان.

اعمال عمره مفرده

در طول سال کسانی که به مکه مشرف می‌شوند و حج بر آنها واجب نیست و قصد بجا آوردن آن را ندارند یا وقت حج نیست، باید عمره مفرده را انجام دهند که اعمال آن عبارت است از:

۱ .احرام؛

۲ .طواف؛

۳ .نماز طواف؛

٤ .سعی؛

۵ .تقصیر یا حلق؛

٦ .طواف نساء؛

۷ .نماز طواف نساء.[1]

پرسش

۱ .کارهایی که فقط بر مردان مُحرم حرام است چیست؟

۲ - سعی و رمی را توضیح داده و مکان هر یک را بیان کنید؟

۳ .کدام یک از اعمال حج باید در منا انجام شود؟

٤ - تفاوت فسوق و جدال چیست؟

۵ .تفاوت اعمال عمره تمتّع با عمره مفرده چیست؟

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الحج، القول في صورة حج التمتع اجمالاً، ص ٤٠٨، م ۹.

درسنامهٔ فقه

فصل پنجم:

امر به معروف و نهی از منکر و جهاد

- ۱ - امر به معروف و نهی از منکر
- ۲ - جهاد

امر به معروف و نهی از منکر (۱)

«وَلْتَكُن مِنْكُمْ أُمَّةٌ يدْعُونَ إِلَى الْخَيرِوَ يأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ ينْهَونَ عَنِ الْمُنْكَرِوَ أُولئِک هُمُ الْمُفْلِحُونَ»[1]

«باید از شما گروهی باشند که مردم را به نیکی دعوت کنند و به کار نیکو امر کنند و از کار ناشایست بازدارند و اینان رستگارانند».

هر انسانی نسبت به کارهای ناپسند افراد جامعه و کارهای نیک و پسندیده آنان، مسؤولیت دارد. بنابراین اگر کار واجبی ترک شود یا حرامی اتفاق بیفتد، سکوت و بی‌تفاوتی در مقابل آن جایز نیست و تمام افراد جامعه باید برای برپایی واجب و جلوگیری از حرام اقدام کنند، که این عمل، امر به معروف و نهی از منکر نام دارد.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

در برخی از سخنان امامان معصوم علیهم السلام آمده است:

* امر به معروف و نهی از منکر، از مهم‌ترین واجبات و شریف‌ترین آنهاست.[2]

---

۱. آل عمران: ۱۰٤.

۲. کافی، ج ٤، ص ٥٥.

* واجبات دینی به سبب امر به معروف و نهی از منکر استوار می‌گردد.[۱]
* اگر مردم امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، افراد پست و غیر لایق بر آنها مسلّط می‌شوند و دعاها مستجاب نمی‌شود.[۲]

تعریف معروف و منکر

در احکام دین، به تمام واجبات و مستحبات «معروف» و به تمام محرّمات و مکروهات «مُنکر» گفته می‌شود. بنابراین، واداشتن افراد جامعه به انجام دادن کارهای واجب و مستحب «امر به معروف» و بازداشتن آنها از کارهای حرام و مکروه «نهی از منکر» است.

حکم امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، واجب کفایی است که اگر افرادی - به قدر کفایت - به آن اقدام کنند، از دیگران ساقط می‌شود و اگر با فراهم بودن شرایط، همه افراد آن را ترک کرده باشند، همه آنها ترک واجب کرده‌اند.[۳]

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر با وجود برخی شرایط، واجب می‌باشد و در صورت نبود آن شرایط، تکلیف ساقط است. آنها عبارتند از:

۱. کسی که امر یا نهی می‌کند، بداند آنچه را که دیگری انجام می‌دهد حرام است و آنچه را ترک کرده، واجب است. پس بر کسی که نمی‌داند کاری که دیگری انجام می‌دهد حرام است یا نه، جلوگیری واجب نیست.

---

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹٤.
۲. نهج‌البلاغه، نامه ٤۷.
۳. تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، القول في اقسامهما و کیفیة وجوبهما، ص ٤٦۳، م ۲.

٢ ـ احتمال بدهد امر یا نهی او تأثیر دارد؛ بنابراین اگر می‌داند تأثیر ندارد امر و نهی واجب نیست.

٣ ـ شخص گناهکار اصرار بر ادامه داشته باشد. پس اگر معلوم شود یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که گناهکار بنای ترک عمل را دارد و دوباره تکرار نمی‌کند یا موفّق به تکرار نمی‌شود، امر و نهی واجب نیست.

٤ ـ امر و نهی، سبب ضرر جانی یا آبرویی یا ضرر مالی قابل توجه، به خودش یا نزدیکان و یاران و همراهانش، یا سایر مؤمنان نشود.[١]

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

برای امر به معروف و نهی از منکر، مراتبی است که اگر با عمل به مرتبه پایین‌تر، مقصود حاصل می‌شود، عمل به مرتبه بعدی جایز نیست و آن مراتب چنین است:

اوّل: با معصیت‌کار طوری عمل شود که بفهمد به سبب ارتکاب آن گناه، با او این گونه عمل می‌شود؛ مثل اینکه از او روبرگرداند یا با چهره عبوس با او برخورد کند یا با او رفت و آمد نکند.

دوم: امر و نهی با زبان؛ یعنی به کسی که واجبی را ترک کرده است بگوید که واجب را بجا آورد و به گناهکار دستور بدهد که گناه را ترک کند.

□ **سوم:** استفاده از زور[٢] برای جلوگیری از منکر و برپایی واجب؛ یعنی زدن گناهکار.[٣]

---

١ ـ تحریرالوسیله، ج ١، کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، القول في شرائط وجوبهما.

٢ ـ نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای ـ دام ظله ـ نسبت به مرتبه سوم این است: با توجه به اینکه در زمان قدرت حکومت اسلامی امکان ارجاع مرتبه سوم از امر به معروف و نهی از منکر، به قوه قضائیه و نیروی انتظامی وجود دارد به ویژه در مواردی که جلوگیری از منکر متوقف بر تصرف در اموال مرتکب شونده می‌باشد یا لازم است تعزیر شود یا او را زندانی کنند، بنابراین بر مکلف واجب است در امر به معروف و نهی از منکر به دو مرتبه اوّل اکتفا کنند و در صورتی که اثر نکرد و نیاز به توسل به زور وجود داشت، مسأله را به نیروی انتظامی و قضایی ارجاع دهند. اجوبة الاستفتائات، ج ١، ص ٣٣٧، س ١٩٠.

٣ ـ تحریرالوسیله، ج ١، القول في مراتب امر بالمعروف و النهی عن المنکر، ص ٤٧٦؛ توضیح‌المسائل، م ٢٨١٨ و ٢٨٢٣.

احکام امر به معروف و نهی از منکر

۱ ـ فراگیری شرایط امر به معروف و نهی از منکر و موارد آن واجب است تا انسان در امر و نهی، مرتکب خلاف نشود.[۱]

۲ ـ اگر بداند امر و نهی، بدون خواهش و نصیحت و موعظه اثر نمی‌کند، واجب است که امر و نهی را با نصیحت و موعظه و خواهش همراه کند و اگر بداند که درخواست و موعظه به تنهایی (بدون امر و نهی) مؤثر است، باید به همین گونه عمل کند.[۲]

۳ ـ اگر بداند یا احتمال دهد که امر و نهی‌اش با تکرار مؤثر است، واجب است تکرار کند.[۳]

٤ ـ مراد از اصرار بر گناه، مداومت بر انجام‌دادن نیست، بلکه ارتکاب آن‌عمل هرچند یکبار دیگر است، پس اگر یک بار نماز را ترک کرد و بار دیگر هم بنای ترک دارد، امر به معروف واجب است.[۴]

۵ ـ در امر به معروف و نهی از منکر زخمی کردن و کشتن معصیت‌کار بدون اجازه حاکم شرع جایز نیست، مگر آنکه منکر از اموری باشد که در اسلام اهمیت بسیار زیادی دارد؛ مثل آنکه شخصی بخواهد انسان بی‌گناهی را بکشد و جلوگیری از او بدون مجروح کردن وی ممکن نباشد.[۵]

٦ ـ در امر به معروف و نهی از منکر قصد قربت شرط نیست، بلکه غرض از این واجب، عمل به معروف و ترک منکر است؛ ولی اگر قصد قربت کند، دو پاداش دارد.[۶]

۷ ـ در وجوب نهی از منکر فرقی بین گناه بزرگ (معصیت کبیره) و گناه کوچک

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، القول في شرائط وجوبهما، ص ٤٦٨، م ۸ .

۲ ـ همان، الشرط الثانی، م ۳.

۳ ـ همان، م ۵.

٤ ـ همان، الشرط الثالث، م ٤.

۵ ـ همان، القول في مراتب امر بالمعروف و النهی عن المنکر، المرتبة الثالثة، ص ٤٦٨، م ۱۱ و ۱۲.

٦ ـ همان، القول في اقسامهما و کیفیة وجوبهما، ص ٤٦٩، م ۱۳.

(معصیت صغیره) نیست، پس اگر کسی مرتکب گناه صغیره هم بشود نهی او واجب است.[۱]

۸ .اگر شخصی به قصد انجام کار حرام، مقدّمات آن را شروع کند، پس اگر انسان:

* بداند به انجام آن موفق می‌شود نهی او واجب است.

* بداند به انجام آن موفق نمی‌شود نهی او واجب نیست، مگر از آن باب که مقدمه حرام هم منکر است یا جرأت کردن بر کار حرام هم معصیت است و باید جلوگیری شود.

* نمی‌داند به آن موفق می‌شود یا نه حکم فرض قبلی را دارد.[۲]

۹ .اگر بداند یا احتمال دهد که نهی او در حضور جمع مؤثر است (نه تنهایی)، اگر انجام دهنده، آن عمل را آشکارا انجام می‌دهد، جایز بلکه واجب است او را در جمع نهی کند و اگر چنین نیست، بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.[۳]

۱۰ .اگر بداند که امرِ شخص دیگری به گناهکار مؤثر است، واجب است به آن شخص امر کند تا او را بدان کار وادارد.[۴]

۱۱ .اگر تأثیر امر و نهی متوقف بر ارتکاب حرام یا ترک واجب باشد، جایز نیست و وجوب ساقط است، مگر از امور بسیار مهمی باشد که شارع مقدس راضی به تخلّف از آن نباشد و آنچه را برای جلوگیری از آن کار مرتکب می‌شود بدان اهمیت نباشد؛ مثل اینکه برای جلوگیری از قتل یک انسان بی‌گناه لازم باشد، بدون اجازه وارد خانه دیگران شود.[۵]

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۱، م ١٤.

۲ .همان، م ۱۵.

۳ .همان، القول في شرائط وجوبهما، الشرط الثاني، ص ٤٦٨، م ٦.

٤ .همان، م ۱۰.

۵ .همان، م ۱۲.

آداب امر به معروف و نهی از منکر

سزاوار است، امرکننده به معروف و نهی‌کننده از منکر:

* مانند طبیبی دلسوز و پدری مهربان باشد.

* قصد خود را خالص کند و تنها برای رضای خداوند اقدام کند و عمل خود را از هرگونه برتری‌جویی پاک گرداند.

* خود را پاک و منزّه نداند، چه بسا همان شخصی که اکنون خطایی از او سرزده است، دارای صفات پسندیده‌ای باشد که مورد محبت الهی است، هرچند این عمل او هم‌اکنون ناپسند و مورد غضب الهی باشد.[۱]

پرسش

۱ـ معروف و منکر را توضیح داده و برای هر یک چهار مثال بزنید.
۲ـ آیا نهی از منکر نسبت به گناهی است که انجام شده یا گناهی که در شرف انجام است؟
۳ـ اگر انسان ببیند کسی با لباس نجس نماز می‌خواند یا غذای نجس می‌خورد آیا واجب است به او تذکر دهد؟ چرا؟
٤ـ اگر دیدیم دو نفر شطرنج بازی می‌کنند، آیا واجب است آنها را از این کار نهی کنیم؟
٥ـ آیا امر به معروف و نهی از منکر از عبادات است؟ چرا؟
٦ـ خرید کالا از قاچاق‌فروش، محتکر و دروغگو، چه حکمی دارد؟

۱ـ تحریرالوسیله، ج ۱، في مراتب امر بالمعروف و النهي عن المنكر، المرتبة الثالثة، ص ٤٨١، م ١٤.

درس ٤٧

امر به معروف و نهی از منکر (۲)

معروف ها

در اصطلاح فقهی، کلیه واجبات و مستحبات **معروف** هستند، لذا در دروس گذشته برخی از آنها مطرح شده و در ضمن درس های آینده نیز تعداد زیادی از آنها مطرح خواهد شد، اما در این درس بعضی از معروف هایی که در اثناء مطالب کتاب، احکام آنها مطرح نشده یا تنها اشاره‌ای به آن شده باشد آورده می‌شود.

طلب علم

دانش آموختن و طلب علم از جمله مهم‌ترین خواسته‌های دین اسلام است و جزو با فضیلت ترین اعمال شمرده شده است و در برخی موارد به عنوان فریضه از آن یاد شده است.

۱- یاد گرفتن مسائلی را که انسان غالبا به آن نیاز دارد و واجب است.

۲- فراگیری علومی که ضروری جامعه اسلامی است، مانند دانش فقه، طب و برخی از علوم طبیعی واجب کفایی است و بر افرادی که شرایط تحصیل آن و بر طرف کردن نیاز جامعه را دارند واجب است اقدام کنند.

۳- یاد دادن احکام و مسائل ضروری دیگری به افراد جاهل در صورتی که جهل آنها سبب ترک واجب یا ارتکاب حرام بشود واجب است.

مبارزه با بدعت

بدعت عبارت است از انجام دادن عملی که جزء دین نیست یا از دین بودن آن ثابت نیست به نام دین یا آموختن آن به دیگران، خواه از عبادات باشد یا غیر آنها، مانند تحریف قرآن.

۱- مبارزه با بدعت به اظهار علم بر عالمان دینی واجب است. در روایت آمده است: «اگرعالم به رویارویی با بدعت ها برنخیزد و دانش خود را به منظور روشن کردن افکار عمومی عرضه نکند دچار نفرین خداوند می‌شود».

۲-بیزاری جستن از بدعت گزاران و ترک تعظیم آنان و بر حذر داشتن حرام از نزدیک شدن و ارتباط ایشان واجب است.

۳-اگر در اسلام بدعتی واقع شود و سکوت علمای دین و رؤسای مذهب(اعلی الله کلمتهم) موجب هتک اسلام و تضعیف اعتقادات مسلمین شود بر آنان واجب است به هر وسیله‌ای که ممکن است انکار نمایند چه انکار آنها در ریشه کن ساختن فساد مؤثر باشد یا نباشد.

٤-ارشاد جاهل یه احکام شرعی، واجب است، ولی ارشاد به موضوع واجب نیست. به طور مثال کسی که می‌داند نماز خواندن با لباس نجس باطل است ولی نمی‌داند لباسش نجس شده است لازم نیست به او بگوید و همچنین اگر یکی از میهمان‌ها بفهمدغذا نجس است لازم نیست به سایر میهمان‌ها بگوید در حالی که خودش نباید غذای نجس را بخورد، ولی در امور مهمی که شارع مقدس به آن اهمیت زیادی داده است، مثل آتش زدن قرآن یا اموری که مفسده مهمی بر آن مترتب است،

مثل آن که موجب تفرقه بین مسلمانان و آدم کشی خواهد شد، در اینگونه موارد ارشاد به موضوع واجب است.

٥-اگر شخصی بخواهد انسان بی گناهی را به خیال آنکه محارب است بکشد یا با کسی که خواهر رضاعی اوست بخواهد ازدواج کند، چون این‌گونه امور دارای اهمیت بسیار زیادی است یا مفسده مهمی برآن مترتب خواهد شد، ارشاد وی واجب است.

توبه از گناه

١-توبه از گناه، واجب فوری است.

٢-توبه از اهمّ واجبات الهی است که در قرآن کریم و روایات با تأکید فراوان به آن سفارش شده است.

٣-توبه از گناه به معنای پشیمانی از گناه همراه با تصمیم بر ترک آن است و چنانچه وظیفه‌ای به دنبال داشته باشد آن وظیفه را نیز عمل کند، بدین شرح:

الف) در حقوق الهی، مثل ترک نماز، روزه، حج و مانند آن، قضا آن را نیز بجا آورد.

ب) در حقوق مردم (حق الناس) صاحب حق را راضی کند و چنانچه دسترسی به وی ندارد و حق مالی است به عنوان مظالم عباد به افراد فقیر بپردازد و احتیاط آن است که از حاکم شرع اجازه بگیرد.

سلام کردن

سلام و احترام به دیگران از سنن رایج پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و به آن امر فرموده و بهترین و ساده ترین و کم هزینه ترین شیوه ارتباط با هنوعان به ویژه مؤمنان و احترام به آنان است، سلام موجب الفت و وحدت و همدلی و برطرف کننده کدورت و اختلاف و بددلی است.

درباره سلام و فضیلت آن و اجر و ثواب بسیار زیاد و آثار مفید آن، روایات بسیار زیادی وارد شده است و شاید بتوان آن را یکی از بدیهی‌ترن معروف‌ها دانست، چرا که همه مسلمانان بلکه همهٔ انسان‌ها خوبی آن را درک می‌کنند، هر چند خودشان به آن عمل نکنند.

۱-سلام کردن به دیگران مستجب ولی پاسخ به آن واجب است.

۲-پاسخ سلام، واجب فوری است یعنی انسان بدون تأخیر باید جواب سلام کننده را بدهد حتی اگر در حال نماز باشد.

۳-جواب سلام باید طوری باشد که اگر مانعی در کار نیست سلام کننده بشنود.

٤-اگر دو نفر همزمان به یکدیگر سلام کنند، هریک واجب است جواب سلام دیگری را بدهد.

٥-جواب سلام کسی که از روی شوخی یا مسخره کردن سلام داده واجب نیست.

٦-جواب سلام گویندگان رادیو و تلویزیون، هرچند پخش زنده باشد، واجب نیست.

حفظ نظام اسلامی

در اندیشه امام خمینی ﷺ، «فقه تئوری و کامل ادارهٔ انسان و جامعه از گهواره تا گور است» و «حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفهٔ علمی تمامی فقه در تمام زوایای زندگی است».[۱]

اگر احکام اجتماعی اسلامی برای اداره جامعه است بی شک بدون تشکیل حکومت چنین امری امکان پذیر نخواهد بود، و چنانچه حکومتی براساس مبانی اسلام تشکیل شد حفظ آن واجب قطعی است و بی درنگ یکی از معروف هایی است که امر به آن واجب و غفلت از آن گناه بزرگی است، لذا به فرموده امام راحل: اگر حفظ اسلام یک فریضه الهی است، بالاتر از تمام فرائض، یعنی هیچ فریضه‌ای در

۱. صحیفه نور، ج۲۱، ص۲۸۹.

اسلام بالاتر از حفظ خود اسلام نیست، اگر حفظ اسلام جزء فریضه های بزرگ است و بزرگترین فریضه است، بر همهٔ ما و شما و همهٔ ملت و همه روحانیون، حفظ این جمهوری اسلامی، از اعظم فرائض است.

۱- حفظ نظام اسلامی، واجب عینی است.

۲- اعمالی که موجب حفظ نظام اسلامی می‌شود عبارت‌اند از:

- حفظ و تقویت باورهای دینی مردم
- حفظ وحدت امّت اسلامی و حضور در صحنه های مختلف، مثل انتخابات
- اطاعت از رهبری

۳- اعمالی که موجب تضعیف نظام اسلامی خواهد شد نقطه مقابل اموری است که در مساله قبل گفته شد؛ یعنی اعمالی که موجب تضعیف اعتقادات و ایمان مردم نسبت به مبانی دینی خواهد شد و نیز:

.ایجاد اختلاف و تفرقه بین آحاد ملت

.سرپیچی از اوامر ولی فقیه و رهبر امت اسلامی

رعایت قوانین و مقررات

شاید کمتر کسی است که نداند رعایت قوانین و مقررات، امری لازم و تخلف از آن موجب هرج و مرج و بی بند و باری در جامعه خواهد بود، برای هر نظام سیاسی مهم‌تر از قوانین مترقی، مراعات قانون است لذا این امر نه تنها یک معروف شرعی بلکه معروف عادی و مردمی است ، یعنی حتی کسانی که معتقد به ادیان الهی نیستند، مطلوب بودن بلکه ضرورت آن را درک می‌کنند.

□ ۱- مراعات مقررات دولت اسلامی لازم و تخلف از آن جایز نیست.[۱]

۲-به طور کلی قوانین و مقرراتی که جهت حفظ نظم و برای جلوگیری از اختلال نظام و ناامنی تصویب و اعلام شده، لازم است رعایت شود و تخلّف از آنها جایز نیست و اگر کسی تخلف کرد و آنها را نادیده گرفت تعزیر او به هرنحوکه حاکم شرع صلاح دانست، اعم از جزای نقدی یا شلاق، مشروع و بلامانع است.

۳-خرید و فروش اجناسی که از سوی دولت اسلامی، قاچاق اعلام شده، باید مطابق مقررات اعلام شده باشد.[۲]

٤-استفاده از دفترچه خدمات درمانی دیگران، یا در اختیار گذاشتن دفترچه خود برای استفاده دیگران در صورتی که برخلاف مقررات دولت اسلامی باشد جایز نیست.

پرسش

۱.چهار نمونه از معروف‌هایی که در کتاب نیامده، نام ببرید.

۲. در چه صورتی فراگیری یک رشته علمی واجب و در چه صورتی حرام است؟

۳. اگر انسان ببیند دو نفر در حال بازی شطرنج هستنند، آیا نهی کردن آنها واجب است؟ چرا؟

٤. بدعت را توضیح داده، مثال بزنید.

۵. آیا می‌دانید سرّ اینکه سلام به دیگران از جواب سلام ثواب بیشتری دارد چیست؟

٦. چرا حفظ نظام اسلامی از نماز مهمتر است؟

---

۱ .استفتاآت، ج۱، ص ٧٤، س ۱۷۷، به فتوای برخی از فقهاء، تخلف از مقررات اگر موجب هرج و مرج یا بر هم خوردن انتظام عمومی بشود جایز نیست.

۲ .استفتاآت، ج۱، ص ٤٧، س۱۳۲.

۲. همان ، ص٥٤، ص ١٤٨.

درس ٤٨

امر به معروف و نهی از منکر (۳)

منکرها

به طور کلی همهٔ گناهان اعم از کبیره و صغیره و مکروه‌ها، جزو منکرات هستند ولی بررسی و ارائه احکام تمام آنها از گنجایش این کتاب بیرون است، لذا به برخی از آنها که دارای اهمیت بسیاری است و بیشتر مورد ابتلا است می‌پردازیم.

دروغ

۱. دروغ از کارهای حرام و از گناهان بزرگ است.[۱]

۲. انسان در حال ناچاری هم تا می‌تواند نباید دروغ بگوید، بلکه باید توریه کند، یعنی چیز دیگری غیر از آنچه شنونده متوجه می‌شود، قصد کند. مثلاً شخصی او را به خوردن غذایی دعوت می‌کند که خوردن آن غذا برایش حرام است، ولی نمی‌تواند واقعیت را بگوید و در جواب می‌گوید میل ندارم و قصدش این است که به غذای حرام میل ندارد، در حالی که شنونده خیال می‌کند که او غذا خورده و سیر است.[۲]

---

۱. استفتاآت؛ ج ۲، ص ٦١٦، س ٤ و ۲.

۲. المکاسب المحرمة، مرتضی انصاری، ج ۱، ص ٤٧، فی حرمة الکذب.

۳. اگر امر بسیار مهمی در پیش باشد، مثل کشته شدن یک فرد یا از هم پاشیدن نظام خانواده، گفتن دروغی که از آن جلوگیری کند، اشکال ندارد.[۱]

غیبت

اگر صفتی ناروا در شخصی باشد یا کاری انجام داده باشد که خلاف است و دیگران از آن بی‌اطلاعند و دوست ندارد کسی آن را برای دیگران بازگو کند، بازگو کردن آن پشت سر او نزد دیگران، «غیبت» است.[۲]

۱. غیبت، هم برای گوینده و هم برای شنونده حرام است.[۳]

۲. اگر انسان از کسی غیبت کرده باشد، باید از آن گناه توبه کند، و لازم نیست به او بگوید.[٤]

۳. اگر شخصی نماز نمی‌خواند، ولی این گناه خود را آشکار نمی‌کند، غیبت او جایز نیست، اگر چه باید او را امر به معروف کرد.[٥]

فحش و لعن

۱- فحش و ناسزا گفتن به مؤمن حرام است.

۲- شوخی هایی که گاهی در آن الفاظ توهین آمیز به کار می‌رود حرام است.

۳- در توبه از فحش علاوه بر پشیمانی و تصمیم بر ترک، باید کسی را که به او

---

۱. استفتاآت؛ ج ۲، ص ٦١٦، س ۱.

۲. همان، ص ٦١٨، س ۹.

۳. همان.

٤. همان، ص ٦٢٠، س ۱٥ و ۱٦. به فتوای برخی از فقها، در صورتی که مفسده‌ای نداشته باشد باید رضایت غیبت شونده را به دست آورد.

٥. همان، س ۱۸.

فحش داده است راضی کند؛ ولی اگر راضی نشد یا دسترسی به او نداشت و یا مفسده‌ای بر آن مترتب باشد، گرچه لازم نیست ولی باید جبران آن اهانت را به وسیله تعریف نمودن از او در میان مردم و به واسطه دعا و استغفار برای او بنماید.

٤- لعن مؤمن، زنده یا مرده، حرام است.

استهزاء

استهزاء آن است که آدمی گفتار یا کردار یا صفات دیگران را با سخن یا عمل یا اشاره یا کنایه طوری نقل و حکایت کند که سبب خندهٔ دیگران شود.

استهزای مؤمن حرام است و چنانچه در حضور او نباشد غیبت نیز خواهد بود.

غَصب

غصب آن است که انسان به ناحق و از روی ظلم، بر اموال یا حقوق دیگران مسلط شود.

اقسام غصب:

- ۱. اموال:
  - **شخصی**؛ مانند سرقت از منزل یا مغازهٔ کسی.
  - **عمومی**؛ مانند برداشتن لوازم اداره، نپرداختن خمس و زکات.
- ۲. حقوق:
  - **شخصی**؛ مانند نماز خواندن در مکانی که دیگری در مسجد برای خود گرفته است تا زمانی که به طور متعارف این حق را برای او قائل هستند.
  - **عمومی**؛ مانند جلوگیری از استفاده مردم از مسجد یا پل و خیابان و سدّ معبر.[1]

۱. تحریرالوسیله؛ ج ۲، کتاب الغصب، ص ۱۷۳، م ۱.

احکام غصب

۱. تمام اقسام غصب حرام است و از گناهان بزرگ به شمار می‌رود.[1]

۲. اگر انسان چیزی را غصب کند، مرتکب کار حرام شده و باید آن را به صاحبش بازگرداند و اگر آن چیز از بین برود، باید عوض آن را به او بدهد.[2]

۳. اگر مال غصبی را خراب کند، باید آن را با مزد ساختش به مالک آن بدهد و اگر تفاوتِ قیمتِ ساخته و نساخته آن بیشتر از مزد ساخت باشد، باید تفاوت قیمت آن را هم بدهد.[3]

۴. اگر در چیزی که غصب کرده، تغییری داده که از صورت اولش بهتر شده (مثلاً از طلایی که غصب کرده، گوشواره ساخته)، چنانچه صاحب مال بگوید که آن را به همین صورت بده، غاصب باید آن را به او بدهد و نمی‌تواند برای زحمتی که کشیده، مزد بگیرد و نیز غاصب حق ندارد آن را به شکل اولش برگرداند.[4]

کمک به ستمکار

۱. ظلم و یاری ظالم در ستم به دیگران، بلکه در هر کار حرامی که مرتکب می‌شود، حرام است.[5]

۲. کمک به ستمگران در غیر کار حرام تا وقتی که جزء اعوان و اطرافیان و منسوبان آنها به حساب نیاید و اسمش در دفتر آنها ثبت نشود و سبب زیادی قدرت و شوکت آنان نباشد، جایز است.[6]

---

۱. تحریرالوسیله، ج۲، ص ۱٦٥، م ۳.
۲. همان، ص ۱٦٥، م ۳.
۳. همان، توضیح المسائل؛ م ۲٥٥۳.
٤. همان، م ۲٥٥٤.
٥. همان، تحریرالوسیله؛ ج ۱، ص ٤٧۳، م ١٤.
٦. همان، ص ٤٧۳، م ١٤.

رشوه

١. گرفتن و دادن رشوه برای صدور حکم باطل، قطعاً حرام است، ولی چنانچه کسی برای رسیدن به حقش چاره‌ای جز پرداخت رشوه نداشته باشد، برای رشوه‌دهنده، جایز، ولی برای گیرنده، حرام است.[١]

٢. تغییر عنوان رشوه سبب حلال شدن آن نمی‌شود، مثلاً به عنوان هدیه، بخشش، شیرینی یا هر عنوان دیگر.[٢]

٣. کسی که رشوه گرفته، واجب است آن را به صاحبش برگرداند.[٣]

مجسمه سازی

١. ساختن مجسمه دو گونه است:

- **مجسمه انسان و حیوان،** حرام است.
- **مجسمه غیرآنها،** مانند درختان و گل‌ها، اشکال ندارد.[٤]

٢. کسب از راه مجسمه‌سازی و مزد گرفتن برای ساخت آن حرام است.

٣. خرید، فروش، نگهداری و استفاده از مجسمه اشکال ندارد.

٤. نقاشی کردن تصویر انسان و حیوان، اشکال ندارد، هرچند احتیاط مستحب ترک آن است.[٥]

---

١. تحریرالوسیله؛ ج ٢، ص ٣٨٥، م ٦.

٢. همان.

٣. همان.

٤. همان، ج ١، ص ٤٧٢، م ١٢. به فتوای برخی از فقها، ساختن مجسمه انسان و حیوان اگر به قصد تمثل به فعل الهی و بت‌سازی و بت‌پرستی نباشد اشکال ندارد.

٥. همان، ص ٤٧٢، م ١٢.

قمار

۱- هر نوع بازی ، که شرط کنند شخص برنده از کسی که بازی را باخته پول یا چیز دیگری بگیرد، قمار و حرام است، به جز در مسابقات اسب دوانی (سبق) و تیراندازی (رمایه)[1]

۲- مسابقه ـ ورزشی یا غیر آن ـ اگر همراه با حرام نباشد، از نظر اسلام بی اشکال و گاهی پسندیده است . آنچه موجب مسابقات می شود، معمولا دو امر است :

الف) به کار گرفتن ابزار قمار در مسابقات .

ب) شرط برد و باخت و گرفتن چیزی از طرف مقابل[2]

بنابراین، احکام مسابقات و بازی‌ها را می توان اینگونه خلاصه کرد:

بازی
- **۱- با ابزار قمار:** حرام، چه بدون برد و باخت و چه با آن .
- **۲- بدون ابزار قمار**
  - ۱.بدون برد و باخت ـ جایز.
  - ۲.با برد و باخت ـ حرام .[3]

استفتاء

س۱.بازی های سرگرم کننده ولی بدون شرط بندی ; مانند شطرنج و تخته نرد و غیره ، چگونه است ؟

ج ـ بازی با آلات قمار، مطلقاً حرام است .[4]

---

۱ ـ استفتاآت، ج۲، ص ۹ و ۱۰.

۲ ـ مقصود از برد و باخت آن است که از برنده از بازنده چیزی یا خدمتی بگیرد، بنابراین اگر فقط برنده و بازنده اعلام می شود و گرفتن چیزی و خدمتی در بین نیست، یا مؤسسه و سازمانی به برنده جایزه ای می دهد اشکال ندارد.

۳ ـ استفتاآت، ج۲، ص ۹ و ۱۰ و ۱۱.

٤ ـ همان، س ۱۸.

س ٢- اگر شطرنج ، آلت قمار بودن خود را به کلی از دست داده باشد و چون امروزه ، تنها به عنوان یك ورزش فکری از آن استفاده گردد، بازی با آن چه صورتی دارد ؟

ج - بر فرض مذکور اگر برد و باختی در بین نباشد اشکال ندارد.[1]

س ٣ – وضع بازی بیلیارد از لحاظ شرعی چگونه است؟

ج – هر چه که از آلات قمار محسوب باشد بازی با آن حرام است.[2]

سقط جنین

حکم از بین بردن جنین به این شرح است:

الف. پیش از چهار ماهگی (پیش از روح‌دار شدن):

١. باقی ماندن جنین برای مادر خطر دارد ⟵ جایز است.

٢. باقی ماندن جنین برای مادر خطر ندارد ⟵ حرام است.

ب. پس از روح‌دار شدن ⟵ جایز نیست، هرچند باقی ماندن آن برای مادر خطر داشته باشد یا ناقص الخلقه و عقب افتاده باشد.

سقط جنین دیه اگر روح‌دار باشد، کفاره نیز واجب است.[3]

---

١ –استفتاآت، ج٢، ص ١٠، س ٢١. به فتوای برخی از فقها، بازی با شطرنج مطلقاً حرام است.

٢ – همان، ج٣، ص ٨، س ١٥.

٣– همان، صص ٢٨٦ تا ٢٩٢ و تحریر الوسیله، کتاب الدیات، ص ٥٩٨، م ٢.

پرسش

۱- مراعات نکردن نوبت، غصب است یا نه؟ کدام نوع آن؟

۲- اگر شخصی قبل از بلوغ چیزی را غصب کند و سپس صاحب آن بمیرد و غاصب قیمت آن را هم نداند تکلیف چیست؟

۳- با مراجعه به کتاب های مفصل فقهی، موارد استثنای غیبت را برشمارید.

٤- چه اعمالی ملحق به سحر و حرام است؟

٥- شخصی مسئول خرید یک وزارتخانه است، برخی از شرکت‌ها و فروشندگان، برای جذب مشتری هدیه‌ای به این شخص می‌دهند، که گاهی بسیار ارزشمند است، حکم آن را بیان کنید.

٦- در چه صورت سقط جنین جایز است؟

درس ٤٩

جهاد و دفاع

اقسام جهاد

تلاش برای پیشبرد اسلام و مبارزه با کسانی که از پذیرش آن سرباز زده‌اند «جهاد ابتدایی» نام دارد، جهاد دارای تاکتیک‌ها و شیوه‌های ویژه‌ای است که فقط به امر پیامبر اکرم ﷺ و جانشینان وی که از هرگونه لغزش و اشتباه در امان هستند، عملی می‌گردد و اختصاص به زمان حضور معصومین ﷺ دارد و در زمان ما ـ که عصر غیبت امام معصوم ﷺ است ـ واجب نیست. ولی نوع دیگر مبارزه با دشمنان که «جهاد دفاعی» یا «دفاع» نام دارد، حقّ مسلّم همه مسلمانان است که در هر زمان و در هر جا که مورد هجوم دشمنان قرار گرفتند، یا آیین و مذهبشان در خطر بود، برای حفظ جان و نگهداری از آیین خود، با دشمنان مبارزه کنند و زمینه اصلاح جامعه و کمال افراد انسانی را فراهم آورند.

اقسام دفاع

اقسام دفاع:
- ۱. دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی
- ۲. دفاع از جان و حقوق شخصی

دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی

اگر دشمن بر کشورهای اسلامی هجوم آورد،

یا نقشه تسلط بر منابع اقتصادی یا نظامی مسلمانان را کشیده باشد،

یا نقشه تسلط سیاسی بر کشورهای اسلامی را داشته باشد، بر همه مسلمانان واجب است هرگونه که بتوانند در مقابل هجوم دشمنان بایستند و با نقشه‌های آنان مخالفت کنند.[۲]

دفاع از جان و حقوق شخصی

۱ ـ جان و مال مسلمانان محترم است و چنانچه کسی بر انسان حمله آورد یا به خویشان وی، مانند پسر، دختر، پدر، مادر و برادرش، هجوم آورد، دفاع و جلوگیری از او واجب است، هر چند منجر به قتل مهاجم شود.[۳]

۲ ـ اگر دزدی برای دزدیدن اموال انسان هجوم آورد، دفاع و جلوگیری از او واجب است.[۴]

۳ ـ اگر کسی برای دیدن نامحرم به خانه دیگران نگاه کند، جلوگیری او از آن کار واجب است، هر چند با زدن او باشد.[۵]

٤ ـ دفاع از اسلام یا جان، مشروط به حضور امام معصوم علیه السلام و اجازه آن حضرت یا نایب خاص یا عام او (فقیه جامع‌الشرایط) نیست؛ یعنی در همه وقت و همه جا دفاع واجب است.[۶]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، فصل في الدفاع، ص ٤۸۵.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۸۲٦ تا ۲۸۲۹.

۳ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، فصل في الدفاع، القول في القسم الثاني، ص ٤۸۷، م ۳.

٤ ـ همان، م ۵.

۵ ـ همان، م ۳۰.

٦ ـ همان، م ۲.

آموزش فنون نظامی

در این زمان که مسائل نظامی پیشرفت بسیاری کرده و دشمنان اسلام به انواع سلاح‌های پیشرفته مجهّز شده‌اند، دفاع از اسلام وکشورهای اسلامی بدون فراگیری فنون نظامی ممکن نیست و ازآنجاکه دفاع، بدون آموزش نظامی امکان ندارد، برتمام افرادی که توانایی و قدرت یادگیری آن را دارند و احتمال می‌رود که به شرکت آنها در جبهه دفاع از اسلام وکشور اسلامی نیاز باشد، آموزش نظامی واجب است.[۱]

خدمت سربازی

دفاع ازکشورهای اسلامی و حفظ آنها از خطر هجوم دشمنان، اختصاص به زمان جنگ و درگیری ندارد، بلکه در هر حال، افراد زیادی باید با آمادگی کامل رزمی در مرزهای کشور برای جلوگیری از هجوم احتمالی دشمن، حاضر باشند وگروهی دیگر برای مبارزه با دشمن داخلی و تبهکاران اقدام کنند. بنابراین برتمام افرادی که توانایی دارند، لازم است که در برهه‌ای از عمر خود این خدمت مقدس را انجام دهند.

استفتاء

س: نظر امام راجع به سربازی کسانی که مشمول قانون نظام وظیفه هستند و در این زمان حساس به سربازی نمی‌روند چیست؟
ج: باید به سربازی بروند و تخلّف از مقرّرات جایز نیست.[۲]

س: آیا رفتن به سربازی برای مشمولینی که مشکلاتی دارند، از نظر شرعی لازم است؟
ج: باید به سربازی بروند و یا مطابق مقرّرات معافی بگیرند و تخلّف جایز نیست.[۳]

---

۱ ـ استفتا.
۲ ـ استفتاآت، ج ۱، ص ۵۰۲، س ۳٤.
۳ ـ همان، ص ٤٦۱، س ۲.

اجازه پدر برای رفتن به جبهه دفاع یا سربازی

۱ ـ اگر دشمن به کشور اسلامی هجوم آورد و جبهه دفاع به نیرو نیاز داشته باشد، برای رفتن به جبهه، نیاز به اجازه والدین نیست.[۱]

استفتاء

س: پدر من اجازه نمی‌دهد به خدمت اعزام شوم؛ یعنی به سربازی بروم، وظیفه شرعی من چیست؟

ج: اگر مشمول نظام وظیفه هستید باید بروید و رضایت پدر در آن اعتبار ندارد.[۲]

س: اینجانب تنها پسر خانواده هستم، اکنون که تکلیف شرعی شده که به جبهه بروم، والدینم مخالفت می‌کنند، البته ایشان معتقد به اسلام و انقلابند، ولی چون مادرم دچار ناراحتی قلبی است مرا از رفتن منع می‌کنند، آیا مجاز هستم که بدون توجه آنان به جبهه بروم؟

ج: تا موقعی که جبهه‌ها نیاز به نیرو دارند، شرکت در جبهه واجب است و اذن والدین شرط نیست.[۳]

وظیفه بانوان

هرچند جهاد ابتدایی، حتی در زمان حضور امام معصوم علیه‌السلام بر زنان واجب نیست ولی دفاع بر هر شخصی ـ حتی بانوان ـ در هر زمان و هر جا در حدّ توانایی و امکانات واجب است.[٤]

---

۱ ـ چند استفتا، ص ۱۹، س ۷.
۲ ـ استفتاآت، ج ۱، ص ٤۹۳، س ٦ و ص ٤۹٦، س ۱۵.
۳ ـ همان، س ۱٤.
٤ ـ همان، ج ۳، ص ٤۳، س ۷.

فرار از جبهه

فرار از جبهه، از گناهان بزرگ شمرده شده و در هیچ حالی جایز نیست.[١]

غنایم جنگی

در دوران هشت سال دفاع مقدس که سربازان اسلام در یک جنگ تحمیلی و نابرابر در برابر دشمن متجاوز، بلکه جهان شرک و کفر ایستادند، بنا به تقیدی که رزمندگان جبهه حق به احکام شرع داشتند و ضرورتی که ایجاب می‌کرد، برخی از احکام موضوعات نوظهور در جنگ‌های امروز، از محضر بنیانگذار جمهوری اسلامی و فرماندهی کل قوا امام خمینی قدس‌سره استفتاء شد تا راهگشای فرماندهان و رزمندگان باشد. با استفاده از پرسش‌ها و پاسخ‌های آن دوران غنائم را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف) غنایم عمومی: مانند اسلحه و مهمات و ادوات جنگی، که باید به مسئولان نظامی تحویل شود و جزو بیت‌المال قرار گیرد و مربوط به نظام اسلامی است.

ب) غنایم شخصی: مانند لباس و ساعت و رادیو و پول، که برداشتن آنها برای رزمندگان اشکال ندارد.[٢]

اسیر و شهید

هرچند احکام مربوط به اسیرانی که از نیروهای دشمن گرفته می‌شود و شهیدان نیروهای اسلام، بسیار است که بخشی از احکام مربوط به شهدا در درس «احکام درگذشتگان» خواهد آمد، اما نسبت به اسیران دشمن، چه آنها که تسلیم شده‌اند و چه آنها که دستگیر شده‌اند، هرگونه آزار و اذیت آنان جایز نیست و مسأله آزادی یا

---

١ ـ استفتائات، ص ٤٢، س ٣.

٢ ـ همان، ص ٤٨، س ٢٨ – ٢٧ و ص ٥١، س ٤٠.

نگهداری یا مبادله آنها به ولیّ‌فقیه و فرماندهی کل قوا مربوط است و او هرگونه صلاح بداند عمل می‌کند.

استفتاء

س ـ گرفتن اموال شخصی اسیران و نیز اموال غیرشخصی آنان صحیح است یا خیر؟

ج ـ اموال شخصی اسرا را نباید از آنان بگیرند و ادوات جنگی را باید از چنگ آنان درآورند و به مسئولین مربوطه تحویل دهند.[1]

پرسش

۱ـ تفاوت جهاد و دفاع چیست؟

۲ ـ در چه صورتی مبارزه با سارق و دزد واجب است؟

۳ ـ دلیل واجب بودن خدمت سربازی چیست؟

٤ ـ در چه صورت، رفتن به سربازی باید با رضایت والدین باشد؟

۵ ـ حکم غنائم جنگی در حال حاضر چیست؟

۱ ـ استفتاآت، ج ۳، ص ۵۲، س ٤۱.

فصل ششم:

واجبات مالی

- زکات
- خمس
- انفال
- کفارات
- مظالم عباد

درس ۵۰

زکات(۱)

﴿... وَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ وَءاتُوا الزَّكَوٰةَ وَأَقْرِضُوا الله قَرْضا حَسَنا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُم مِنْ خَيرٍ تَجِدُوهُ عِندَالله هُوَ خَيرا وَأَعْظَمَ أَجْرا ...﴾[1]

«... ونمازرا برپا دارید وزکات را بپردازید وقرض نیکو به خدا بدهید وهرکارخوبی برای خویش پیش فرستید، آن را نزد خداوند بهتروبا پاداشی بیشتربازخواهید یافت».

احکام دین، برای اداره زندگی انسان‌هاست. برای عملی ساختن این هدف والا، تشکیل حکومت اسلامی ضروری است. وظیفه اساسی حکومت اسلامی «اداره جامعه بزرگ اسلامی» است و برای انجام این مسئولیت، هزینه و سرمایه لازم است و یکی ازراه‌های تأمین آن ادای واجبات مالی است.

پرداختن زکات، یکی ازواجبات دینی وازوظایف مهم اقتصادی مسلمانان است. درآیات بسیاری از قرآن کریم[2] پرداختن زکات درکنار اقامه نماز قرارگرفته و از ویژگی های مؤمنان و حکومت صالحان شمرده شده است. معصومان علیهم السلام نیز در روایات متعددی بر این وظیفه مهم تأکید کرده و اهمیت وآثارآن را بیان فرموده‌اند.[3]

۱ـ مزمل: ۲۰.

۲ ـ مانند آیه ۱۷۷ سوره بقره، آیه ۱۱ سوره توبه، آیه ٤ سوره مؤمنون و آیه ۷۸ سوره حج.

۳ ـ درکتاب شریف وسائل الشیعه، ج ٦، ص ۱۸ تعدادی از این روایات نقل شده است.

زکات، باید مانند نماز و روزه با نیت و به قصد قربت و اطاعت دستور خداوند پرداخت شود و اگر با این قصد نباشد، زکات محسوب نمی‌شود و وظیفه انجام نشده است. پس زکات رنگ معنوی و الهی دارد و از عبادات شمرده می‌شود.

اقسام زکات

زکات بر دو قسم است: یک قسم آن زکات بدن و حیات است که هر سال یک مرتبه در روز عید فطر پرداخت می‌شود و به نام زکات فطره معروف است و بر تمام کسانی که فقیر نباشند، واجب است. قسم دوم زکات اموال است که موارد معینی دارد.

زکات اموال

اموالی که زکات دارند و در اصطلاح فقهی به آنها «مُتعلّقات زکات» گفته می‌شود، بدین شرح است:

الف. غلاّت: گندم، جو، خرما، کشمش؛

ب. دام‌ها: گوسفند، گاو، گاومیش، شتر؛

ج. سکه‌ها: طلا و نقره.[1]

پس زکات با شرایطی بر کشاورزان، باغداران، دامداران و سکه‌داران واجب است که احکام و شرایط هرکدام را در ادامه خواهیم گفت.

وظیفه کشاورزان و باغداران

کسانی که گندم یا جو کشت می‌کنند یا درختان خرما و انگور دارند، چنانچه محصول و میوه به دست آمده کمتر از ۸٤۷ کیلو و ۲۰۷ گرم[2] نباشد، باید زکات آن را بپردازد و اگر از این مقدار کمتر باشد، زکات ندارد. به این مقدار حد «نصاب» گفته

---

۱ توضیح المسائل، م ۱۸۵۳.

۲ برخی از فقها، نصاب غلات را کمی بیشتر از این مقدار دانسته‌اند.

می‌شود. البته می‌توانند هزینه‌های به دست آمدن محصول را از آن کسر کنند و زکات باقیمانده آن را بپردازند.[1]

کسر مخارج

هزینه‌ها را به طور خلاصه می‌توان به مخارج کاشت، داشت و برداشت تقسیم کرد.

- **مخارج کاشت؛** مانند بذر، کود، مزد تراکتور و شخم زدن زمین، مزد تسطیح و آماده‌سازی زمین، پول نهال و درخت خریداری شده، مزد بذرپاشی و نهال‌کاری، مخارج کانال‌کشی، جوی‌سازی، لایروبی، حفر چاه و قیمت وسیله‌ای که برای کاشت همان محصول خریداری شده است، مثل موتورپمپ و لوله. اما چنانچه از وسیله خریداری شده، در فعالیت‌های دیگر کشاورزی یا باغداری استفاده می‌کند و یا در سال‌های دیگر نیز از آن استفاده می‌شود، تنها قیمت استهلاک مقداری که برای کاشت همین محصول در همین سال بوده، محاسبه می‌شود؛ ولی احتیاط آن است که قیمت استهلاک دستگاه‌ها را محاسبه نکنند.
- **مخارج داشت؛** مانند مزد آبیاری، نگهبانی، سم‌پاشی، قیمت سم، مزد زدودن علف‌های هرز و هَرَس و اصلاح درختان و مزد آفت‌زدایی، قیمت آب خریداری شده و قیمت وسایل آب‌رسانی و مخارج حفاری و لایروبی قنات که برای همین محصول صرف شده، همان‌گونه که در مخارج کاشت گفته شد.
- **مخارج برداشت؛** مانند مزد میوه‌چین، دروگر و کمباین، هزینه جدا کردن دانه از کاه، و خشک کردن خرما.

مزد کار صاحب محصول جزء مخارج به حساب نمی‌آید؛ یعنی نباید برای کار خودش مزدی قرار دهد و آن را از محصول کسر کند و نیز کرایه زمین و وسایلی که از

---

۱ توضیح المسایل، م ۱۸٦٤. به فتوای برخی از فقها، ملاحظه نصاب پس از کسر مخارج است.

خودش است، محاسبه نمی‌شود؛ مثلاً اگر با تراکتور خودش زمین را شخم زده، نمی‌تواند بگوید اگر تراکتور اجاره میکردم، فلان مبلغ میگرفت و آن مبلغ را از مخارج این محصول به حساب آورد.[۱]

دو مسأله

۱. اگر انسان، مزرعه گندم و جو را پیش از دانه بستن، خرما را پیش از سرخ شدن و انگور را پیش از غوره شدن، خریداری کند یا از راه دیگر به ملکیت او درآید، مثلاً به او ببخشند یا به او ارث برسد، باید زکات آن را بپردازد؛ ولی اگر پس از آن باشد، زکات آنها بر او واجب نیست، بلکه بر عهده مالک قبلی است؛ ولی اگر بداند مالک قبلی زکات آن را نپرداخته، مقدار زکات آن مال را مالک نمی‌شود.[۲]

۲. آنچه از گندم و جو، پیش از خوشه بستن چیده می‌شود ـ مثلاً برای خوراک دام ـ یا از غوره و انگور یا خرما، اگر پیش از چیدن تمام آنها مصرف کند، مقدار مصرف شده، زکات ندارد؛ هرچند احتیاط مستحب است زکات همین مقدار را نیز بپردازد. ولی اگر از انگور و خرما یا گندم و جو که زکات آن واجب شده مصرف کند، باید زکات مقدار مصرف شده را نیز بپردازد.[۳]

وقت پرداخت زکات غلاّت

۱. زمان پرداخت زکات گندم و جو، پس از درو کردن و جدا کردن آنها از کاه است و زمان پرداختن خرما و انگور پس از چیدن آنهاست.[۴]

---

۱. تحریر الوسیله، ج۱، ص۳۱۳، م۲؛ توضیح المسائل، م۱۸۸۰ و ۱۸۸۲. نسبت به کسر برخی از این هزینه‌ها مراجع تقلید نظرات متفاوتی دارند که تفصیل آن در رساله توضیح المسائل و کتب مفصل فقهی آمده است.

۲. همان، ص ۳۰۹، م۷؛ همان، م۱۸٦۲ و ۱۸٦۹.

۳ همان، ص۳۰۹، م۷، همان، م ۱۸٦۸ و ۱۸٦۹.

٤ تحریر الوسیله، ج۱، ص ۳۰۸، م ٤؛ توضیح المسائل، م ۱۸٦٥.

۲. پس از جدا کردن زکات از اموال لازم نیست فوراً آن را بپردازد؛ ولی اگر به کسی که می‌توان به او زکات داد دسترسی دارد، احتیاط مستحب است تأخیر نیندازد و چنانچه تأخیر انداخت و زکات تلف شد، ضامن است و باید بپردازد. [1]

مقدار زکات غلاّت

مقدار زکات غلاّت بدین شرح است:

الف. اگر دیم بوده و از باران یا نم زمین استفاده کرده یا از آب رودخانه و نهر و چشمه و قنات و امثال اینها که بدون هزینه و زحمت است، مشروب شده، زکات آن یك($\frac{۱}{۱۰}$) است؛ یعنی یک کیلو از هر ده کیلو، محصول زکات است.

ب. اگر با آب دستی یا موتورپمپ آبیاری شده، زکات آن یک بیستم($\frac{۱}{۲۰}$) است..

ج. اگر به هر دو شیوه، آبیاری شده است، مسأله سه صورت دارد:

۱. بیشتر با یکی از اینها آبیاری شده؛ مثلاً همیشه آب موتورپمپ خورده وگاهی هم باران باریده؛ زکات آن یک بیستم($\frac{۱}{۲۰}$) است یا بیشتر باران باریده و مثلاً یکی دو بار هم با آب چاه آبیاری شده، زکات آن یک دهم($\frac{۱}{۱۰}$) است.

۲. با هر دو مشروب شده؛ زکاتِ نصف محصول یک دهم($\frac{۱}{۱۰}$) و زکات نصف دیگر، یک بیستم($\frac{۱}{۲۰}$) است.

۳. اگر از هر دو آبیاری شده، ولی معلوم نیست کدام‌یک بیشتر بوده؛ زکات آن یک بیستم($\frac{۱}{۲۰}$) است.[2]

دو مسأله

۱. گندم و جو و خرما وکشمشی که زکات آن را داده‌اند، اگر چند سال هم بماند، مجددا زکات ندارد. [3]

---

۱ توضیح المسایل، م ۱۹٦۱ و ۱۹٦۳

۲ تحریر الوسیله، ج۱، ص ۳۱٤ ،المطلب الثالث؛ توضیح المسائل، م ۱۸۷۵ و ۱۸۷۷.

۳ توضیح المسائل، م ۱۸۷٤.

۲. اگر گندم و جو و خرما و کشمش که زکاتش واجب شده، خوب و بد دارد، باید زکات هرکدام از خوب و بد را از خود آن بپردازند و یا زکات همه را از جنس خوب بدهند و به احتیاط واجب نمی‌توانند زکات همه را از جنس بد بپردازند.[۱]

پرسش

۱. نصاب خرما و گندم چقدر است؟

۲. اگر مزرعه گندم را خریداری کند، زکات آنها بر عهده اوست یا فروشنده؟

۳. زکات گندمی که با موتور پمپ از رودخانه آبیاری شده است، است $\frac{1}{10}$ یا $\frac{1}{20}$؟

٤. نصاب غلات قبل از کسر مخارج محاسبه می‌شود یا پس از آن؟

---

۱ همان، م ۱۸۹۵.

درس ۵۱

زکات (۲)

وظیفه دامداران

دامدارانی که گوسفند یا گاو یا گاومیش یا شتر نگهداری میکنند، با وجود شرایطی که گفته می‌شود، پرداخت زکات دام بر آنها واجب می‌شود:

الف. یک سال مالک آنها باشند.

ب. حیوان در تمام سال بیکار باشد.

ج. حیوان در تمام سال بچرد و از علف بیابان تغذیه کند.

د. تعداد دام به حدّ نصاب برسد. [1]

توضیح شرایط

الف. گذشت سال

□ ۱. زکات دام درصورتی واجب می‌شود که صاحب آن یک سال مالک آن باشد؛ پس اگر پیش از آنکه یک سال بگذرد[2]، دام را بفروشد، مثلاً گوسفند یا گوساله پرواری

---

۱ تحریر الوسیله، ج۱، ص ۲۸۹، فی زکاة الانعام؛ توضیح المسائل، م ۱۸۵۶ و ۱۹۰۸.

۲ به نظر برخی از فقها پس از گذشت یازده ماه، زکات واجب می‌شود.

را هفت ـ هشت ماه نگه میدارد و می‌فروشد یا به خرید و فروش دام اشتغال دارد و هیچ‌گاه دام‌ها را یک سال نگه نمی‌دارد، زکات واجب نیست؛ ولی اگر یازده ماه نگه داشته و در ماه دوازدهم فروخته باشد، زکات آن واجب می‌شود که پس ازگذشت ماه دوازدهم باید بپردازد.

ب. بیکار بودن

□ یکی از شرایط وجوب زکات دام آن است که حیوان در طول سال بیکار باشد. پس شتری که برای بارکشی یا گاوی که در شخم زدن زمین به کارگرفته می‌شود، زکات ندارد؛ ولی اگر در طول سال، یکی دو روز به کارگرفته شود، زکات آن واجب است.[۱]

ج. بیابان‌چر بودن

□ ۱. دام‌هایی که علف دستی می‌خورند یا از علف کاشته شده استفاده می‌کنند، خواه صاحب دام آن را کاشته باشد یا دیگری کاشته و او خریده یا اجاره کرده است، زکات ندارند.[۲]

۲. اگر دام، گاهی در بیابان می‌چرد وگاهی علف دستی می‌خورد یا در بخشی از سال، مثلاً تابستان در بیابان می‌چرد و در بخش دیگری، مثلاً پاییز و زمستان علف دستی می‌خورد، زکات ندارد.

۳. اگر دام، در تمام سال می‌چرد، ولی چند روزی علف دستی بخورد که عرفاً به آن حیوان بیابان‌چر بگویند، زکات دارد.[۳]

---

۱ توضیح المسائل، م ۱۹۰۸. برخی از فقها این شرط را لازم نمی‌دانند و چنانچه حیوان د ر شخم زدن و حمل بار یا امثال آن به کار گرفته شود، احتیاط واجب آن است که زکاتش پرداخت شود.

۲ همان، برخی از فقها این شرط را لازم نمی‌دانند و زکات حیوان‌هایی را که علف دستی می خورند نیز واجب دانسته‌اند.

۳ همان، م ۱۹۱۳ و ۱۹۱٤.

د. به نصاب رسیدن

نصاب دام، تعداد معینی است که اگر حیوان‌های موجود کمتر از آن تعداد باشد، زکات ندارد. نصاب گوسفند، گاو، شتر و مقدار زکات آنها بدین شرح است.

نصاب گوسفند

اولین نصاب گوسفند، چهل رأس است و زکات آن یک گوسفند است؛ پس اگر تعداد گوسفندان کمتر از چهل رأس باشد، زکات ندارد و نصابهای بعدی آن بدین شرح است:

شماره	نصاب	مقدار زکات
۱	۱۲۱ گوسفند	۲ گوسفند
۲	۲۰۱ گوسفند	۳ گوسفند
۳	۳۰۱ گوسفند	بنابر احتیاط واجب، ٤ گوسفند
٤	٤۰۰ گوسفند و بیشتر از آن	هر صد رأس آن یک گوسفند

مقدار فاصله بین دو نصاب، زکات ندارد؛ یعنی اگر تعداد گوسفندان از یک نصاب بگذرد، ولی به نصاب بعدی نرسد، زکات نصاب پایین را باید بپردازد؛ مثلاً زکات ۱۱۱ گوسفند، یک گوسفند است.

نصاب گاو

اولین نصاب گاو سی رأس است و زکات آن یک گوساله است که یک سال آن تمام شده و وارد سال دوم شده باشد و نصاب‌های بعدی بدین شرح است[1]:

۱- به نظر برخی از فقها، نصاب گاو دو تاست، ۳۰ و ٤۰ و بیشتر از ٤۰ با همین دو عدد محاسبه می‌شود، مثلاً زکات ٦۰ رأس گاو، دو گوساله است که وارد سال دوم شده باشد.

شماره	نصاب	مقدار زکات
۱	٤٠ گاو	یک گوساله ماده که وارد سال سوم شده باشد.
۲	٦٠ گاو	دوگوساله یک ساله
۳	بیشتر از ٦٠ گاو	برای هر ۳۰ رأس یک گوساله دوساله و هر ٤٠ رأس تا یک گوساله سه ساله[1]

نصاب شتر

شتر دوازده نصاب دارد، بدین شرح:

نصاب	مقدار زکات
۵ شتر	۱ گوسفند
۱۰ شتر	۲ گوسفند
۱۵ شتر	۳ گوسفند
۲۰ شتر	٤ گوسفند
۲۵ شتر	۵ گوسفند
٢٦ شتر	یک شتر که وارد سال دوم شده باشد.
۳٦ شتر	یک شتر که وارد سال سوم شده باشد.
٤٦ شتر	یک شتر که وارد سال چهارم شده باشد.
٦١ شتر	یک شتر که وارد سال پنجم شده باشد.
٧٦ شتر	دو شتر که وارد سال چهارم شده باشد.
۹۱ شتر	دو شتر که وارد سال چهارم شده باشد.
۱۲۱ شتر و بیشتر	برای هر چهل شتر، یک شتر که وارد سال سوم شده باشد.[2]

۱ یادآوری می‌شود در این محاسبه باید طوری عمل شود که چیزی باقی نماند و اگر چیزی باقی ماند از ۹ رأس بیشتر نباشد.

۲ .توضیح المسائل، م ۱۹۱۰.

دو مسأله

۱. اگر همهٔ حیوان‌ها سالمند، دادن حیوان ناقص و مریض به عنوان زکات آنها کافی نیست. و نیز اگر حیوانها همه جوانند، حیوان پیر و فرتوت کافی نیست، ولی اگر همه آنها همان‌گونه باشند، اشکال ندارد. [1]

۲. در زکات، نر یا ماده بودن حیوان شرط نیست. بنابر این می‌تواند زکات حیوان‌های نر را از جنس ماده بدهد، هرچند همه آنها نر نباشند؛ یا از جنس ماده بدهد، گرچه همه آنها ماده نباشند. [2]

وظیفه سکه‌داران

از آنجا که امروزه سکه طلا و نقره، چندان رواج ندارد و کمتر کسی است که زکات سکه بر او واجب شود، تنها به شرایط وجوب زکات سکه و نصاب و مقدار زکات آن می‌پردازیم. کسانی که طلا و نقره دارند، با شرایط زیر زکات آن واجب است:

- به نصاب لازم برسد.
- یک سال بر آن بگذرد.
- مسکوک رایج باشد. [3]

توضیح شرایط

۱. نصاب طلا ۱۵ مثقال و نصاب نقره ۱۰۵ مثقال است و کمتر از این مقدار زکات ندارد. [4]

---

۱ تحریر الوسیله، ج۱، ص ۳۰۳، م۱.
۲ همان
۳ همان، ج۱، ص ۳۰٤ و ۳۰۵، الفصل الثانی. توضیح المسایل، م ۱۸۹۹.
٤ همان، ص ۳۰٤؛ همان، م۱۸۹۷.

۲. اگر یازده ماه سکه‌ها را نگه داشته باشد، زکات آن واجب می‌شود که در پایان ماه دوازدهم باید بپردازد؛ ولی اگر پیش از ماه یازدهم تعدادی از آنها را بفروشد یا ببخشد که وزن مجموع باقیمانده آنها کمتر از نصاب باشد، زکات واجب نیست.[۱]

۳. طلا و نقره در صورتی که به صورت سکه رایج باشد[۲]، زکات دارد؛ ولی طلای شمش یا زیورآلات که به صورت سکه رایج نیست، زکات ندارد.[۳]

مقدار زکات طلا و نقره

۱. مقدار زکات طلا و نقره، همیشه یک چهلم ($\frac{۱}{٤۰}$) است؛ یعنی اگر از نصابِ گفته شده کمتر نباشد، یک چهلم آن به عنوان زکات باید پرداخت شود.[٤]

۲. اگر زکات طلا و نقره را بپردازد و تا سال دیگر آنها را نگه دارد و از نصاب کمتر نباشد، مجدداً باید زکات آن را بپردازد و همچنین در سال‌های آینده.[۵]

پرسش

۱. اولین نصاب گوسفند و مقدار زکات آن چقدر است؟

۲. شخصی اوّل اردیبهشت ۲۵ رأس گوسفند و اوّل مهر ماه همان سال ۲۰ رأس دیگر می‌خرد. زمان پرداخت زکات این گوسفندان چه وقت است؟

۳. زکات ۵۳ رأس گاو چیست؟

٤. یک شتر یک ساله، زکات چند شتر است؟

---

۱ تحریر الوسیله، ج۱، ص ۳۰۵؛ توضیح المسائل، م ۱۹۰۲.

۲ به فتوای برخی از فقها سکه طلای بهار آزادی، اگر به حد نصاب برسد زکات دارد.

۳ تحریر الوسیله، ج۱، م ۳۰۵؛ همان ۱۸۹۹ و ۱۹۰۰.

٤ تحریر الوسیله، ج۱، ص ۳۰٤.

۵ توضیح المسائل، م ۱۸۹۸.

درس ۵۲

زکات فطره

قال الصادق عليه‌السلام «ان من تمام الصوم اعطاء الزكاة يعني الفطرة كما ان الصلوة على النبي صلى‌الله‌عليه‌وآله من تمام الصلوه .»[1]

«تکمیل روزه به پرداخت زکات یعنی فطریه است، همچنان که صلوات بر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله کمال نماز است».

شب عید فطر، بر افراد واجد شرایط، زکاتی واجب می‌شود به نام زکات فطره، که مقدار و موارد مصرف آن خواهد آمد.

فردی که در شب عید فطر دارای این شرایط باشد زکات فطره بر او واجب است:

۱ .بالغ باشد؛

۲ .عاقل باشد؛

۳ .بنده کسی نباشد؛

٤ .فقیر نباشد.

۵ .نان خور دیگران نباشد.[2]

۱.وسایل الشیعه، ج ٦، ص ۲۲۱، ح ۵.

۲ .توضیح‌المسائل، م ۱۹۹۱.

چنین شخصی، باید زکات خود وکسانی راکه درمغرب شب عید فطرنان‌خوراو هستند، بپردازد؛ کوچک باشند یا بزرگ، مسلمان باشند یا غیرمسلمان، خرج آنان بر اوواجب باشد یا نباشد، درشهرخود اوباشند یا درشهردیگر(یعنی حتی اگرفرزند او که نان‌خوراوست به مسافرت رفته باشد باید زکات اورا بدهد).[۱]

مقدارزکات فطره: هرنفریک صاع که تقریبا ۳ کیلواست.[۲]

جنس زکات فطره: گندم یا جویا خرما یاکشمش یا برنج یا ذرت ومانند این‌ها یا پول این‌ها.[۳]

وقت وجوب زکات فطره: شب عید فطر.[۴]

وقت پرداخت زکات فطره: ازشب عید تا ظهرروزعید فطروبهتراست که درروزعید بپردازد واگرنمازعید می‌خواند بنابراحتیاط واجب قبل ازنمازعید بپردازد.[۵]

فطره میهمان

□۱ ـ فطره میهمانی که پیش ازغروب شب عید فطر، وارد می‌شود، درصورتی که نان‌خور[۶] میزبان حساب شود، برمیزبان واجب است وهمچنین است فطره کسی که انسان را مجبورکرده‌اند که خرجی اورا بدهد.[۷]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۱۹۹۱.

۲ ـ همان.

۳ ـ همان.

٤ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، في زكاة الابدان، القول في وقت وجوبها، ص ۳٤۸.

٥ ـ همان؛ توضیح‌المسائل، م ۲۰۲۹.

٦ ـ میهمانی که تنها برای یک شب وارده شده نان‌خورمیزبان به حساب نمی‌آید، مگرآنکه بخواهد چند شب دیگرنیزبماند.

۷ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، في زكاة الابدان، م ۳، ص ۳٤٦؛ توضیح‌المسائل، م ۱۹۹٥ و ۱۹۹٦. به فتوای برخی از فقها، اگربدون دعوت و رضایت صاحبخانه آمده است زکات فطره براو واجب نیست و اگرمیزبان فطره میهمان را نپردازد برخودش واجب است.

۲ .فطره میهمانی که بعد از غروب شب عید فطر وارد می‌شود، بر صاحبخانه واجب نیست، اگرچه پیش از غروب او را دعوت کرده باشد و در خانه او هم افطار کند.[۱]

احکام زکات فطره

۱ .کسی که مخارج سال خود و اهل و عیالش را ندارد و کسبی هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و اهل و عیالش را تأمین کند، فقیر است و دادن زکات فطره بر او واجب نیست.[۲]

□ ۲ .کسی که دیگری باید فطره او را بدهد واجب نیست فطره خود را بدهد، هر چند آن دیگری فطره او را نپردازد.[۳]

۳ . غیر سید نمی‌تواند به سید فطره بدهد، حتی اگر سیدی نان‌خور او باشد نمی‌تواند فطره او را به سید دیگر بدهد؛ مثلاًکسی که همسرش سید است، ولی خودش سید نیست، زکات فطره همسرش را نیز نمی‌تواند به سید بپردازد.[٤]

٤ .اگر فطره را کنار بگذارد، نمی‌تواند آن را برای خودش بردارد و مالی دیگر را برای فطره بگذارد.[۵]

۵ .اگر در محل خودش مستحق پیدا شود احتیاط واجب آن است که فطره را به جای دیگر نبرد و اگر به جای دیگر ببرد و تلف شود باید عوض آن را بدهد.[٦]

---

۱ .توضیح المسائل، م ۱۹۹۷.

۲ .همان، م ۱۹۹۲.

۳ .همان، م ۲۰۰۵ و ۲۰۰٦ . به پاورقی قبلی مراجعه شود.

٤ .همان، م ۲۰۰۹.

۵ .همان، م ۲۰۳۲.

٦ .همان، م ۲۰۳۵.

مصرف زکات

مصرف زکات در هشت جا است که می‌توان آن را در تمام یا برخی از این موارد، مصرف کرد. مصارف هشت‌گانه زکات در آیه ۶۰ سوره توبه آمده است:

﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللهِ وَاللهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾

توضیح مصارف زکات

۱. کسانی که مخارج لازم زندگی خود را نمی‌توانند تأمین کنند. **﴿فقراء﴾**

۲. آنان که به کلّی درمانده و بینوایند. **﴿مساکین﴾**

۳. کسانی که از طرف امام علیه السلام یا نایب او مأمور جمع‌آوری و نگهداری و توزیع زکاتند. **﴿عاملین﴾**

۴. برای الفت دادن دل‌ها به اسلام و مسلمانان؛ مانند غیرمسلمانان که اگر به آنها کمکی بشود، به دین اسلام می‌گروند یا در جنگ به مسلمانان کمک می‌کنند. **﴿مؤلفة قلوبهم﴾**

۵. خریداری برده‌ها و آزاد کردن آنان. **﴿فی الرقاب﴾**

۶. بدهکارانی که نمی‌توانند قرض خود را بدهند. **﴿غارمین﴾**

۷. در راه خدا؛ یعنی در کارهایی که نفع آن به عموم می‌رسد و مورد رضایت خداست؛ مانند ساختن جاده، پل و مسجد. **﴿فی سبیل الله﴾**

۸. مسافری که در سفر درمانده است و خرج برگشت به وطن را ندارد، هر چند در وطن خود فقیر نباشد. **﴿ابن السبیل﴾**[1]

احکام مصرف زکات

۱. فقیری که زکات دریافت می‌کند باید دارای این شرایط باشد:

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۱۹۲۵.

* شیعه دوازده امامی باشد؛

* واجب النفقه زکات دهنده نباشد؛ مانند همسر و فرزند؛

* اگر زکات دهنده سید نیست، زکات گیرنده نیز سید نباشد؛

* زکات را در معصیت مصرف نکند؛

* بنا بر احتیاط واجب، شرابخوار نباشد و آشکارا معصیت کبیره نکند.[۱]

۲ .به کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد، اگر چه مخارج او بر زکات‌دهنده واجب باشد، می‌توان زکات داد.[۲]

□ ۳ .اگر فرزند به کتاب‌های علمیِ دینی احتیاج داشته باشد، پدر می‌تواند برای خریدن آن کتاب‌ها به او زکات بدهد.[۳]

٤ .پرداخت زکات از عبادات است و باید به قصد قربت؛ یعنی برای اطاعت دستور خداوند بپردازد و در نیت معین کند که زکات مال است یا زکات فطره.[۴]

□ ۵ .مصرف زکات فطره، همان مصرف زکات مال است، گرچه احتیاط مستحب است که فقط به فقرای مؤمن[۵] و اطفال آنها و به مساکین بپردازد.[۶]

٦ .وقت پرداخت زکات:

.زکات طلا و نقره و دام‌ها را پس از تمام شدن یک سال
.زکات گندم و جو را موقعی که از کاه جدا می‌کنند
.زکات خرما و انگور را موقع خشک شدن
} باید به فقیر بپردازد یا از مال خود جدا کند.

---

۱ .توضیح المسائل، م ۲۰۱٦، ۱۹٤۲، ۱۹٤٦ تا ۱۹٤۸ و ۱۹۵٦.

۲ .همان، م ۱۹٤۷.

۳ .تحریرالوسیله، ج ۱، القول في اوصاف المستحقين للزكاة، ص ۳۱۱، م۱؛ توضیح‌المسائل، م ۱۹۵۰. به فتوای برخی از فقها، بدون اجازه حاکم شرع نمی‌تواند به پسرش برای خرید کتاب، زکات بدهد.

٤ .همان، م ۱۹۵۷.

۵ .مؤمن در فرهنگ فقهی، شیعه دوازده امامی است.

٦ .توضیح‌المسائل، م ۲۰۱٤. برخی از فقها، این احتیاط را واجب دانسته‌اند.

پس از جدا کردن زکات، لازم نیست فوری آن را به مستحق بدهد، ولی اگر به مستحق دسترسی دارد، احتیاط مستحب آن است که پرداخت زکات را تأخیر نیندازد.[۱]

۷ .اگر زکات را از اموال خود جدا کند، می‌تواند در بقیه آن تصرف کند و اگر قیمت آن را کنار بگذارد (نه از خود آن) می‌تواند در تمام آن مال تصرف کند.[۲]

۸ .انسان نمی‌تواند زکاتی را که از اموالش جدا کرده، برای خود بردارد و چیز دیگری به جای آن بگذارد.[۳]

مستحبات پرداخت زکات

۱ .خویشان خود را بر دیگران،

.و اهل علم و کمال را بر غیر آنان،

.و کسانی را که گدایی نمی‌کنند بر گدایان مقدّم دارد.

۲ .زکات دام‌ها را به فقیرهای آبرومند بدهد.

۳ .زکات را آشکارا و صدقه مستحب را پنهانی بپردازد.[٤]

پرسش

۱ .زکات فطره یک خانواده پنج نفره چه مقدار است؟

۲.آیا زکات فطره را از یک شهر می‌توان به شهر دیگر برد؟

۳ .تفاوت فقیر و مسکین چیست؟

٤ .برای مصرف سبیل‌الله، ده مثال بزنید.

۵ .در چه صورتی پدر می‌تواند به فرزند خودش زکات بدهد؟

---

۱ .توضیح المسائل، م ۱۹٦۱ و ۱۹٦۲.

۲ .همان، م ۱۹٦۵.

۳ .همان، م ۱۹٦٦.

٤ .همان، م ۱۹۷۳ و ۱۹۷٤.

خُمس (۱)

﴿... وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُم مِن شَيْءٍ فَأَنَّ لله خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِی الْقُرْبَی وَالْيتمَی وَالْمَسكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ...﴾[1]

«بدانید هر چیزی را که به دست آوردید، پنج یک آن برای خدا و رسول خدا وخویشان او ویتیمان ومسکینان وراه‌ماندگان است.»

برخی می‌پندارند، خمس وزکات، تنها برعهده کسانی است که ثروت فراوان دارند ودر رفاه کامل به سر می‌برند ودرمقابل، برخی براین باورند که تمام افراد باید خمس بپردازند وهمه اموال انسان مشمول خمس خواهد بود. امّا این پندار صحیحی نیست؛ بلکه هر انسان عاقل وبالغی که یکی ازموارد خمس را داشته باشد، باید $\frac{1}{5}$ آن را برای مصارفی که مشخص شده است، بپردازد وافرادی که هیچ کدام از موارد خمس یا زکات را نداشته باشند، تکلیفی ندارند؛ بلکه دربرخی موارد باید به آنها خمس یا زکات داده شود.

۱ـ انفال: ۴۱.

موارد وجوب خمس

* آنچه از خرج سال زیاد بیاید (منفعت کسب)؛
* معدن؛
* گنج؛
* غنائم جنگی؛
* جواهری که با فرورفتن در دریا به دست آید؛
* مال حلال مخلوط به حرام؛
* زمینی که کافر ذِمّی[1] از مسلمانی بخرد.[2]

پرداخت خمس، مانند نماز و روزه از واجبات است و تمام افراد بالغ و عاقل که مالک یکی از موارد هفتگانه باشند باید به تفصیلی که گفته می‌شود یک پنجم آن را بپردازند.

● **منفعت کسب**

یکی از موارد هفتگانه خمس که بر بیشتر افراد جامعه واجب می‌شود، خمسِ چیزی است که از خرج سال انسان و خانواده‌اش زیاد بیاید. برای روشن شدن این مسأله باید به پاسخ دو پرسش بپردازیم:

۱. مراد از خرج سال چیست؟

۲. آیا یک سال با ماه‌های قمری محاسبه می‌شود یا شمسی و ابتدای آن چه وقت است.

مخارج سال (مؤونه)

مراد از مخارج، تمام چیزهایی است که انسان در زندگی خود و خانواده‌اش بدان

---

۱. ذِمّه = عهد و پیمان، غیرمسلمانانی که در ممالک اسلامی زندگی می‌کنند و با آنان پیمان بسته‌اند که مقرّرات اجتماعی مسلمانان را مراعات کنند و مالیات معینی هم بپردازند و در مقابل، جان و مال آنها در امان باشد، کافران ذمی هستند.

۲. توضیح‌المسائل، م ۱۷۵۱.

نیازدارد که به نمونه‌هایی ازآن اشاره می‌کنیم:

* خوراک وپوشاک؛
* اثاثیه منزل مانند ظرف، فرش و...؛
* وسیله نقلیه‌ای که برای کسب وکار نیست؛
* مخارج میهمانی؛
* مخارج ازدواج؛
* کتاب‌های مورد نیاز؛
* آنچه درراه زیارت مصرف می‌کند؛
* جوایزوهدایایی که به کسی می‌دهد؛
* صدقه، نذرویاکفّاره‌ای که پرداخت می‌کند.[1]

بنابراین هرکس در طول سال می‌تواند تمام مخارج مورد نیاز خود را از درآمدش تأمین کند و در پایان سال، اگر چیزی اضافه نیامد، پرداخت خمس واجب نیست، ولی پس ازآنکه به طورمتعارف و در حدّ نیاز خود زندگی راگذراند، اگر در پایان سال چیزی اضافه آمد، یک پنجم آن را باید برای مصارف مشخصی بپردازد و چهارپنجم آن را می‌تواند مصرف یا برای خود پس‌اندازکند.

سال خمسی

انسان ازاوّلین روزبلوغ خود باید نمازبخواند و دراوّلین ماه رمضان روزه بگیرد وپس ازگذشت یک سال ازاوّلین درآمدی که به دست آورده است، خمس اضافه برمخارج سال گذشته را بپردازد؛ بنابراین درمحاسبه خمس، ابتدای سال، اوّلین درآمد وپایان آن گذشتن یک سال شمسی ازآن تاریخ است.

---

۱ .العروة‌الوثقی، ج ۲، کتاب الخمس، فصل ۱، ص ۳۹٤.

پس؛ ابتدای سال برای:

*کشاورز ـــــــــ اوّلین محصولی است که برداشت می‌کند.

*کارمند ـــــــــ اوّلین حقوقی است که دریافت می‌کند.

*کارگر ـــــــــ اولین مزدی که می‌گیرد.

* مغازه‌دار ـــــــــ اوّلین معامله‌ای که انجام می‌دهد.[1]

وکسی که سالیانی از بلوغ اوگذشته و در این مدت درآمدهایی داشته ولی خمسی نپرداخته، باید با مراجعه به مرجع تقلید خود یا نماینده وی، خمس مالش را محاسبه و بدهی خود را بپردازد و روز حسابرسی و پرداخت خمس، اول سال خمسی او خواهد بود.

چند مسأله

۱ .اگر انسان با قناعت چیزی از مخارج سال زیاد بیاورد، باید خمس آن را بپردازد.[2]

□ ۲ .اگر اثاثیه‌ای که از درآمد بین سال ـ پیش از پرداختن خمس آن ـ برای منزل خریده، نیازش از آن برطرف شود، واجب است خمس آن را بدهد، مثل آنکه یخچال بزرگ‌تری بخرد و به یخچال قبلی نیاز نداشته باشد.[3]

۳ .آذوقه‌ای که از درآمد سال برای مصرف سالش خریده؛ مانند برنج، روغن و چای، اگر در آخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.[4]

□ ٤ .اگر کودک غیر بالغ سرمایه‌ای داشته باشد و از آن سودی به دست آید، بنابر احتیاط واجب باید پس از بلوغ، خمس آن را بدهد.[5]

---

۱ .العروة‌الوثقی، ج ۲، کتاب الخمس، فصل ۱، م ٦۰.

۲ .توضیح‌المسائل، م ۱۷٥٦.

۳ .همان، م ۱۷۸۱. به فتوای برخی از فقها، پرداختن خمس در این صورت واجب نیست.

٤ .همان، م ۱۷۸۰.

٥ .همان، م ۱۷۹٤. به فتوای برخی از فقها، خمس آن واجب نیست.

□ ۵ ـ مالی که به انسان برسد ولی درآمد کسب و در مقابل کار نباشد، خمس ندارد؛ مانند: ارث، هدیه، جایزه، مهریه و مالی که به عنوان خمس یا زکات یا صدقه دریافت کرده است.[1]

خمس سرمایه

□ ۱ ـ سرمایه کسب و ابزارکار اگر از درآمد کسب و حقوق، تهیه شده خمس دارد.[2]

۲ ـ اگر زمین موات را برای کشاورزی احیا کند، اصل زمین نیز خمس دارد.[3]

● معدن

هرچه که در عرف مردم «معدن» نامیده شود، اگر محصول آن به حدّ نصاب برسد خمس دارد از جمله معادن می‌توان: طلا، نقره، سرب، مس، نفت، ذغال سنگ، فیروزه، عقیق و نمک را نام برد.[4]

نصاب معدن

اگر قیمت آنچه از معدن به دست آمده پس از کَسر مخارج به قیمت ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا برسد، بنابر احتیاط واجب باید یک پنجم آن به عنوان خمس پرداخت شود.[5]

---

۱ ـ العروة‌الوثقی، ج ۲، کتاب الخمس، فصل ۱، ص ۳۸۹، السابع، ص ۳۹۰، م ۵۱؛ توضیح‌المسائل، م ۱۷۵۳ و ۱۷۵٤. به فتوای برخی از فقها، اگر در بین سال از آن استفاده نشود باید خمس آن را بپردازد.

۲ ـ همان، ص ۳٤۹، س ۱۵. به فتوای برخی از فقها، سرمایه کسب و ابزار کار به مقداری که برای تأمین مخارج زندگی به آن نیاز است خمس ندارد.

۳ ـ همان، ص ۳٤۷، س ٦

٤ ـ توضیح‌المسائل، م ۱۷۹۸.

۵ ـ همان، م ۱۷۹۹.

پرسش

۱ .کدام یک از موارد خمس، بر اکثر افراد جامعه واجب می‌شود؟

۲ .کدام یک از این موارد جزو مخارج زندگی به حساب می‌آید: کتاب، تلفن، اتومبیل، عینك، مغازه؟

۳ .آیا حقوق بازنشستگی و عیدی کارمندان دولت خمس دارد؟

٤ .آیا پولی که برای ازدواج یا خرید منزل پس‌انداز شده خمس دارد؟

۵ .آیا معادن نفت و مس و منگنز که دولت آنها را استخراج می‌کند خمس دارد؟

درس ٥٤

خمس(۲)

• گنج

گنج، مالی است که درزمین یا درخت یاکوه یا دیوارپنهان باشد وکسی آن را پیدا کند وطوری باشد که به آن «گنج» بگویند.[۱]

نصاب گنج

اگر قیمت گنج یافت شده، پس ازکسرمخارج به ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا برسد، خمس دارد.[۲]

گنج و محل آن [۳]

۱ .درملک خودش یافت شود مال خود اوست وباید خمس آن را بدهد.

۲ .درجایی که ملک کسی نیست؛ مثلاً دربیابان یاکوه یافت شود مال خود اوست وباید خمس آن را بدهد.

۳ .درملک دیگران پیداکند متعلق به صاحب ملک است.

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۱۸۰٦.

۲ .همان، م ۱۸۰۸.

۳ . چنانچه نظام اسلامی قانون و مقررات خاصی نسبت به گنج داشته باشد، باید رعایت شود.

در ملکی که از دیگران خریده پیدا شود:
- ۱. بداند از صاحبان قبلی آن ملک نیست، برای خود او می‌شود و باید خمس آن را بدهد.
- ۲.احتمال دهد که مال یکی از آنان است، باید به او اطلاع دهد و اگر معلوم شود مال او نیست باید به مالکین قبلی اطلاع دهد و اگر معلوم شود مال هیچ یک از آنان نیست، مال خود او می‌شود و باید خمس آن را بدهد[1]

● مال حلال مخلوط به حرام

۱ .اگر اموال انسان با اموال دیگران مخلوط شود، ممکن است یکی از این حالت‌ها را داشته باشد:

الف) صاحب آن معلوم
- **مقدار آن معلوم** ← باید آن مقدار را به صاحبش برگرداند.
- **مقدار نا معلوم** ← باید یکدیگر را راضی کنند.

ب)صاحب آن نامعلوم
- **مقدار معلوم** ← باید آن مقدار را به نیّت صاحبش صدقه بدهد و احتیاط واجب آن است که از حاکم شرع هم اجازه بگیرد.
- **مقدار نامعلوم** ← باید خمس آن را بپردازد و بقیّه حلال می‌شود[2]

۲ .اگر خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد و بعد بفهمد که مقدار حرام بیشتر از خمس بوده، چنانچه مقدار زیادی معلوم باشد، بنابر احتیاط واجب باید مقداری را که می‌داند از خمس بیشتر بوده، از طرف صاحب آن صدقه بدهد.[3]

---

۱ .توضیح المسائل، م ۱۸۰۷ و ۱۸۰۹.
۲ .همان، م ۱۸۱۳ تا ۱۸۱۵.
۳ .همان، م ۱۸۱٦.

● جواهری که با غوّاصی به دست آمده

اگرکسی با غواصی وفرورفتن دردریا جواهری به دست آورد وپس ازکسر مخارجی که برای بیرون آوردن آن شده، قیمتش به ۱۸ نخود طلا برسد، باید خمس آن را بدهد.[۱]

● غنیمت

اگر مسلمانان به امر امام معصوم علیه السلام با کفّار جنگ کنند وچیزهایی در جنگ به دست آورند، غنیمت است و پس ازکسر مخارج حمل ونقل ونیز مقداری که امام علیه السلام صلاح می‌داند به مصرفی برساند وکنارگذاشتن آنچه سهم خاص امام معصوم علیه السلام است، بقیه آن خمس دارد.[۲]

● زمینی که کافر ذمّی از مسلمانی بخرد

کافر ذمّی، غیرمسلمانی است‌که تحت شرایطی تحت حمایت حکومت اسلامی زندگی می‌کند، چنین کسی اگر زمینی را از مسلمانی خریداری کند، باید یک پنجم آن را به عنوان خمس تحویل دهد.[۳]

پی آمدهای ندادن خمس

۱ .انسان، تا خمس مالش را ندهد نمی‌تواند درآن تصرف کند؛ یعنی غذایی که درآن خمس باشد نمی‌تواند بخورد وبا پولی که خمس آن را نداده، نمی‌تواند چیزی بخرد.[۴]

□ ۲ .اگربا پول خمس نداده، خرید وفروش کند (بدون اجازه حاکم شرع) یک پنجم آن معامله باطل است.[۵]

---

۱ .توضیح المسائل، م ۱۸۱۹.
۲ .همان، م ۱۸۲۸.
۳ .همان، م ۱۸۲۹.
٤ .همان، م ۱۷۹۰.
٥ .همان، م ۱۷٦۰. به فتوای برخی از فقها، معامله صحیح است ولی خمس آن را باید بپردازد.

۳ ـ اگر با پول خمس نداده آب بخرد و با آن وضو بگیرد یا غسل کند، باطل است.[۱]

۴ ـ اگر با پول خمس نداده خانه بخرد، نماز خواندن در آن باطل است.[۲]

۵ ـ اگر چیزی را که خمس آن داده نشده، به کسی ببخشد، یك پنجم آن چیز را مالك نمی‌شود.[۳]

مصرف خمس

خمس مال را باید دو قسمت کرد: نصف آن را، که سهم امام زمان ﷺ است، به مجتهد جامع الشرایطی که از او تقلید می‌کند، یا به نماینده او بپردازد و نصف دیگر را باید یا به مجتهد جامع‌الشرایط بدهد، یا با اجازه او به سادات دارای شرایط بپردازد.[۴]

شرایط سیدی که می‌توان به او خمس داد:

* فقیر باشد یا در سفر مانده باشد، هر چند در شهر خود فقیر نباشد.

* شیعه دوازده امامی باشد.

* آشکارا معصیت نکند (بنابراحتیاط واجب) و دادن خمس، کمک بر گناه او نباشد.

* از افرادی که مخارج آنان برعهده اوست؛ مانند همسر و فرزند نباشد (بنابراحتیاط واجب).[۵]

انفال

انفال جمع نَفل، به معنای زیاده و بخشش است و در اصطلاح فقه، اموال عمومی است که در اختیار پیامبر ﷺ و جانشین وی قرار دارد تا در مصالح عمومی جامعه به

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۳۸۳.
۲ ـ همان، م ۸۷۳.
۳ ـ همان، م ۱۷۶۳.
۴ ـ همان، م ۱۸۳۴.
۵ ـ همان، م ۱۸۳۵ تا ۱۸۴۱.

کارگیرند و در زمان غیبت، این اموال در اختیار حاکم اسلامی خواهد بود و موارد آن بدین شرح است:

١ ـ فِیء، وآن چیزی است که بدون لشکرکشی و جنگ به دست مسلمانان افتاده است، خواه زمین باشد یا غیر آن.

٢ ـ اراضی موات، که جز با احیا و آباد کردن قابل استفاده نیست.

٣ ـ شهرها و روستاهایی که اهالی آن کوچ کرده‌اند.

٤ ـ سواحل دریاها و رودخانه‌ها، بلکه هر زمین بی صاحب.

٥ ـ جنگل‌ها، نیزارها و قلل کوه‌ها.

٦ ـ اموال پادشاهان.

٧ ـ غنائم برجسته و ارزشمند.

٨ ـ غنائم به دست آمده در جنگی که بدون اجازه امام عليه السلام باشد.

٩ ـ ارث بدون وارث.

١٠ ـ معادنی که در زمین شخصی کسی نیست یا کسی آن را احیا نکرده است.[١]

پرسش

١ ـ نصاب معدن و گنج چه مقدار است؟

٢ ـ در گمرک یکی از بنادر مقدار زیادی کالا که از سال‌ها قبل مانده است با کالای دیگران مخلوط شده، تکلیف این کالاها چیست؟

٣ ـ آیا سهم سادات را می‌توان به عمو، عمه، عمه‌زاده و فرزندزاده داد؟

٤ ـ رابطه خمس و نماز چیست؟

٥ ـ کدام دسته از غنائم جنگی جزو انفال است؟

٦ ـ چهار نمونه از معادنی که جزو انفال می‌باشد، نام ببرید.

---

١ ـ تحریرالوسیله، ج ٢، کتاب الخمس، القول في الانفال، ص ٣٦٨ و کتاب البیع، ج ٣، ص ١٤.

درس ۵۵

کفّارات، مظالم عباد

کفّارات

کفّاره، جریمه‌ای است برای ارتکاب برخی ازگناهان واین غیراز حدّ وتعزیرودیه و قصاص است وبه دست خودِگناهکارانجام می‌شود ونیازی به حکم حاکم ندارد.

برخی ازموارد کفاره دربحث روزه وحج گذشت وبرخی نیزمربوط به ایام حیض بانوان است که احکام مربوط به آن درکتب مفصل فقهی ودررساله‌های عملیّه آمده است وبرخی دیگرازگناهانی که کفاره دارد، همراه با نوع ومقداروکیفیت ادای آن در این درس خواهد آمد.

کفاره اقسام واحکامی داردکه مکلف با شناخت آنها باید به وظیفه خود عمل کند.

اقسام کفاره

۱ .**مُرتّبه** ←کفاراتی که درصورت ناتوانی ازاوّلی نوبت به بعدی می‌رسد.

۲ .**مخیره** ←کفاراتی که مکلّف درانتخاب یکی ازآنها اختیاردارد.

۳ .**مخیره ومرتبه** ←کفاراتی که قسم اول ودوم، هردودرآن وجود دارد.

٤ .**جمع**← مواردی که گناهکارتمام موارد کفاره را باید انجام دهد.[1]

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الکفارات، ص ۱۲۵.

برخی ازگناهان کفاره‌دار وکفاره هریک[۱]

نوع	گناه	کفاره
مرتبه	۱ .باطل کردن روزه قضای ماه رمضان، بعد از ظهر	ده مسکین طعام و در صورت ناتوانی، سه روز روزه پی در پی
	۲ .قتل خطایی	آزاد کردن برده، دو ماه روزه، شصت مسکین طعام
مخیره	۱ .باطل کردن عمدی روزه ماه رمضان؛ ۲ .تخلّف نذر (عمل نکردن به نذر)؛ ۳ .تخلّف عهد (عهدشکنی)؛ ٤ .زنی که در مصیبت موی خود را پریشان کند.	کفاره تمام این موارد عبارت است از: * آزاد کردن برده، * یا دو ماه روزه، * یا اطعام شصت مسکین
مخیره و مرتّبه	۱ .تخلّف از قسم (شکستن قسم)؛ ۲ .کندنِ زن، موی سر خود در مصیبت یا خراشاندن صورت؛ ۳ .چاک دادن مرد، لباس خود در سوگ فرزند یا همسر.	در تمام این موارد، مخیر است بین: * آزاد کردن برده و اطعام یا لباس دادن به ده مسکین و در صورت ناتوانی از همه اینها، سه روز روزه بگیرد.
جمع	۱ .قتل عمد؛ ۲ .افطار عمدی روزه ماه رمضان با عمل حرام.	بنابر احتیاط واجب، در هر دو مورد باید: * یک برده آزاد کند، * و دو ماه روزه بگیرد، * و به شصت مسکین طعام بدهد؛ و در صورت ناتوانی از برخی، باید بقیه را انجام دهد.

احکام کفّارات

۱ .پرداختن کفاره باید به نیت کفاره و با قصد قربت باشد.[۲]

۲ .مسکینی که می‌توان به او کفاره داد، همان فقیری است که مستحق زکات است.[۳]

۳ .در اطعام مسکین، تفاوتی نیست بین اینکه طعام را به خودش تحویل دهد یا او را

---

۱ .همان. به فتوای برخی از فقها، کفاره تخلّف نذر همان کفاره تخلّف قسم است.

۲ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الکفارات، ص ۱۲۷، م ۲.

۳ .همان، ص ۱۳۱، م ۱۸.

دعوت کند و به او غذا بدهد تا سیر شود؛ ولی اگر بخواهد غذا را به خودش تحویل دهد، حداقل باید یک مدّ (حدود ۷۵۰ گرم) باشد و احتیاط مستحب دو مُدّ است.[۱]

استفتاء

س ۱ .بر شخصی که کفاره جمع تعلّق گرفته، آیا بنده آزاد کردن از او در این زمان ساقط است؟

ج .ساقط است.[۲]

س ۲ .آیا از گوشت گوسفندی که حاجی به عنوان کفاره می‌دهد خودش هم می‌تواند بخورد یا نه؟

ج .نمی‌تواند بخورد.[۳]

مظالم عباد

۱ .مظالم عباد در اصطلاح به اموال و بدهی هایی گفته می‌شود که انسان از روی ظلم و بی عدالتی از بندگان خدا گرفته و نپرداخته است.[۴]

۲ .وظیفه انسان نسبت به مظالم عباد:

الف) اگر صاحبش را می‌شناسد باید رضایت او را جلب کند.

ب) اگر صاحبش را نمی شناسد.

- اگر عین آن مال موجود است، مثلاً کالایی است که هنوز از بین نرفته، باید همان را به فقیر بدهد.
- اگر عین آن موجود نیست و مثل آن یافت می‌شود باید مثل آن را تهیه کند و به فقیر بدهد.

---

۱ .همان، ص ۱۲۹، م ۱۱.

۲ .استفتاآت، ج ۲، ص ٤۸۹، س ۱۵.

۳ .همان، ص ٤۸۷، س ۸.

٤ .جامع المسائل، آیت الله فاضل، ج ۲، ص ٤۲٦، س ۱۲۰۰.

● اگر نمونهٔ آن یافت نمی شود، قیمت آن را به ارزش فعلی باید به فقیر بدهد.[۱]

استفتاء

س ۱ .اگر کسی در کوچکی از کسی پول یا چیزی برداشته باشد و حالا خواسته باشد از این گناه بزرگ بریءالذمّه شود، آیا می‌تواند آن را از طرف صاحبش به فقیر بدهد؟ و اگر جواب منفی است چگونه باید آن را جبران کند؟

ج .اگر صاحب آن را می‌شناسد باید رضای او را تحصیل کند، و اگر او را نمی‌شناسد از طرف او به فقیر صدقه دهد.[۲]

س ۲ .پول‌هایی که به جبهه و مستمندان و دارالایتام داده می‌شود می‌توانیم ردّ مظالم حساب کنیم؟

ج .مظالم باید به فقرا داد شود.[۳]

پرسش

۱ .تفاوت کفاره تخلف نذر و تخلف قسم چیست؟
۲ .اگر فقیر به پول نیاز داشته باشد آیا می‌توان پول کفاره را به او داد؟
۳ .آیا کفاره را می‌توان به مؤسّساتی مثل کمیته امداد و بهزیستی داد؟
٤ - در چه مواردی، روزه، کفاره برخی از گناهان است؟
٥ - مصرف مظالم عباد چیست؟

---

۱ .جامع المسائل، آیت الله فاضل، ج ۲، ص ٤۲٦، س ۱۲۰۰.
۲ .همان، ج ۳، ص ٥۷٦، به فتوای اکثر فقها، مظالم عباد باید با اجازه حاکم شرع به فقیر پرداخت شود.
۳ .همان، ج ۳، ص ٥۷۷، س ۲۷.

فصل هفتم:

معاملات

- خرید و فروش
- اجاره سرقفلی و جعاله
- قرض و رهن
- ضمانت وکالت و کفالت
- شرکت و حجر
- ودیعه و عاریه و لقطه
- مضاربه
- مزارعه و مساقات

درس ٥٦

خرید و فروش (۱)

﴿یا أَیهَا الَّذینَ امَنُوا لاتَأکُلُوا اَموالَکُم بَینَکُم بِالْباطِلِ الاّ اَنْ تَکُونَ تِجارَةً عَنْ تَراضٍ مِنْکُم ...﴾[۱]

«ای مؤمنان در اموال یکدیگر تصرف ناروا نکنید، مگر آنکه داد و ستدی از روی رضایت باشد...»

در تعالیم اسلام، نسبت به کار و تلاش برای تأمین معاش تأکید فراوان شده و بیکاری و تنبلی و سربار دیگران بودن به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است. در سخنان پیامبر خدا ﷺ آمده است که: «جوان بیکار مورد غضب خداوند است و کسی که به جهت تنبلی و بیکاری سربار جامعه باشد، از رحمت خدا به دور و مورد لعن و نفرین اوست»[۲]

همان‌گونه که در آموزه‌های دین آموختن دانش و طلب علم به عنوان فریضه و کاری ضروری و واجب شمرده شده، به دنبال کار رفتن و کسب درآمد حلال نیز وظیفه و تکلیف الهی است:

---

۱. نساء: ۲۹.

۲. فروع کافی، ج۵، ص ۷۳.

قال رسول الله ﷺ: «**طلب الحلال فريضةٌ على كلّ مسلمٍ ومسلمة**»[1] «در پی روزی حلال رفتن، بر هر مرد و زنی لازم است.»

چنانچه این تلاش، به قصد خیر و به نیت رفع نیاز خود و افراد تحت تکفّل و نیز کمک به مستمندان صورت گیرد، عبادتی بزرگ است.

هر چند اسلام انسان‌ها را به کار و تلاش تشویق کرده، ولی هرکاری را مجاز و هر درآمدی را مشروع نمی‌داند؛ لذا برای قانون‌مند شدن فعالیت‌های اقتصادی و به سامان رسیدن تلاش‌های درآمدزا، مقرّرات ویژه‌ای دارد ودرآمدهایی که مطابق آنها به دست بیاید، مشروع و خلاف آن را نامشروع می‌داند؛ مثلاً درآمدی را که از راه فعالیت شخصی درکشتزارها و بستان‌ها به دست آید، یا از راه تجارت و خرید و فروش یا اجاره واستخدام، یا مزارعه و مساقات و مانند اینهاکسب شود، درآمد حلال می‌داند وآنچه از راه سرقت، ربا، رشوه و امثال اینها به دست آید، درآمد حرام می‌داند.

یکی از راه های متداول کسب درآمد و معاملات متعارف بین افراد جامعه، خرید و فروش (بیع) است که دانستن اقسام و احکام آن برای مصون ماندن از ربا و... اکل مال به باطل، لازم است.

اقسام خرید و فروش
1. واجب
2. حرام
3. مستحب
4. مکروه
5. مباح

1. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۹.

خرید و فروش واجب

تلاش برای تحصیل مخارج زندگی، واجب است وکسانی که به جز از راه خرید و فروش نتوانند مخارج خود را تأمین کنند، واجب است با خرید و فروش، خرج زندگی خود را به‌دست آورند و محتاج دیگران نشوند.[١]

خرید و فروش مستحب

خرید و فروش برای توسعه در مخارج زندگی خود و خانواده و نفع رساندن به مسلمانان مستحب است؛ مثلاًکشاورزی که با کاشتن محصول خرج خود را به‌دست می‌آورد، چنانچه در اوقات فراغت به خرید و فروش بپردازد تا از این راه بتواند به مستمندان کمک کند، ثواب دارد.[٢]

خرید و فروش حرام

١ ـ خرید و فروش نجاسات، بنا بر احتیاط واجب، مگر مواردی که استثنا شده است؛ مثل فروش خون برای درمان بیمار.

٢ ـ خرید و فروش چیزهایی که منافع معمولی آنها حرام است؛ مانند ابزار قمار.

٣ ـ خرید و فروش چیزی که از راه قمار یا دزدی به دست آمده باشد.

٤ - معامله‌ای که در آن ربا باشد. (معامله ربوی)

٥ ـ خرید و فروش کتاب‌های گمراه‌کننده.

٦ ـ فروش سلاح یا چیز دیگر به دشمنان اسلام که موجب تقویت آنان بر ضد مسلمانان باشد.[٣]

خرید و فروش حرام، موارد دیگری هم دارد که اکنون مورد ابتلا نیست.

---

١ ـ توضیح‌المسائل، م ٢٠٥٣.

٢ ـ همان، م ٢٠٥٣.

٣ ـ تحریرالوسیله، کتابُ المکاسب و المتاجر، ص ٤٩٣، م ٩، ١١ و ١٥؛ توضیح‌المسائل، م ٢٠٥٥ و ٢٠٧٠.

استفتاء

س .استفاده مرد از طلای زرد حرام است. خرید و فروش انگشتر طلای زرد برای مردان توسط طلافروشی‌ها چه حکمی دارد؟

ج .جایز نیست.[1]

در این موارد خرید و فروش مکروه است:

* معامله با مردم پَست؛

* خرید و فروش بین اذان صبح و طلوع آفتاب؛

* برای خریدن کالایی که دیگری می‌خواهد بخرد وارد معامله او شدن.[2]

چنانچه خرید و فروش، یکی از احکام چهارگانه قبل را نداشته باشد، مباح است؛ مانند بسیاری از مواد مصرفی که هر روز خریداری می‌شود.

برخی از شرایط خرید و فروش

۱ .خریدار و فروشنده، قصد معامله داشته باشند؛ پس اگر کسی به شوخی بگوید: «این کالا را فروختم»، معامله باطل است.

۲ .فروشنده و خریدار با اختیار معامله کنند و کسی آنها را مجبور نکند.

۳ .فروشنده، کالا را و خریدار، قیمت آن را مالک باشد، یا اختیار معامله آن را داشته باشد.

٤ .شیء مورد معامله معلوم باشد؛ یعنی اگر کالا است، با وزن یا پیمانه یا شماره، مقدار آن معلوم شود و اگر مِلک است، قطعه آن مشخص گردد.

---

۱ .استفتاآت، ج ۲، ص ۸، س ۱٤.

۲ .توضیح‌المسائل، م ۲۰٥٤.

٥ ـ اگر چیز مورد معامله خصوصیاتی دارد که به سبب آن خصوصیات، رغبت مردم نسبت به معامله فرق می‌کند، یعنی ممکن است نخرند یا گران‌تر یا ارزان‌تر بخرند، معین نمایند.

٦ ـ فروشنده و خریدار قدرت تحویل کالا و قیمت را داشته باشند. پس فروش مالِ به سرقت رفته صحیح نیست.

٧ ـ دیگری در آن جنس یا عوض آن، حقی نداشته باشد. پس چیزی را که گرو گذاشته، بدون اجازه گروگیرنده نمی‌تواند بفروشد.[١]

آداب خرید و فروش

▣ مستحبات

* بین مشتری‌ها در قیمت فرق نگذارد؛
* در قیمت جنس، سخت‌گیری نکند؛
* در صورتی که طرف مقابل از معامله پشیمان شد و تقاضای فسخ معامله را کرد، از او بپذیرد و این در اصطلاح «اِقاله» نام دارد.[٢]

▣ مکروهات

* تعریف کردن از کالا؛
* بدگویی کردن مشتری از کالای فروشنده؛
* قسم راست خوردن در داد و ستد (قسم دروغ حرام است)؛
* قبل از همه برای خرید و فروش وارد بازار شدن و دیرتر از همه خارج شدن؛
* وزن کردن یا متر کردن کالا، در مواردی که وزن کردن و متر کردن را خوب نمی‌دانند.
* تقاضای کم کردن قیمت پس از معامله.[٣]

---

١ ـ توضیح‌المسائل، م ٢٠٨١ و ٢٠٩٠.
٢ ـ تحریرالوسیله، کتاب المکاسب و المتاجر، ص ٥٠٠، م ٢٢.
٣ ـ همان.

احکام خرید و فروش

۱ ـ فروختن و اجاره دادن خانه یا چیز دیگر برای استفاده حرام، کار حرامی است و معامله هم باطل است.[۱]

۲ ـ خرید و فروش، نگهداری، نوشتن، خواندن و درس دادن کتاب‌های گمراه‌کننده حرام است، مگر زمانی که برای هدفی صحیح باشد؛ مثلاً برای پاسخ دادن به اشکال‌های آن.[۲]

۳ ـ غشّ در معامله به معنی مخلوط کردن جنسی که می‌فروشد با چیزی که ارزش ندارد یا ارزش آن کمتر است، حرام است؛ مثل آنکه برنج اعلا را با غیر اعلا مخلوط کند و به عنوان برنج خوب بفروشد یا شیر را با آب مخلوط کند و بفروشد.[۳]

٤ ـ جنس وَقف شده را نمی‌توان فروخت، مگر در صورتی که خراب شده باشد و قابل استفاده نباشد؛ مانند فرش مسجد که قابل استفاده برای آن مسجد یا مسجد دیگر نباشد.[۴]

۵ ـ خرید و فروش خانه یا چیز دیگری که به کسی اجاره داده، اشکال ندارد؛ ولی استفاده آن در مدت اجاره برای اجاره‌کننده است.[۵]

٦ ـ خرید و فروش دو کالای همجنس که با وزن یا پیمانه می‌فروشند به زیادتر «رِبا» و حرام است؛ مثلاً یک تُن گندم بدهد و یک تن و ۲۰۰ کیلوگرم بگیرد.[۶]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، کتاب المکاسب و المتاجر، ص ۵۰۰، م ۱۰.

۲ ـ همان، م ۱۵.

۳ ـ توضیح المسائل، م ۲۰۵۵.

٤ ـ همان، م ۲۰۹٤.

۵ ـ همان، م ۲۰۹٦.

٦ ـ همان، م ۲۰۷۲ و ۲۲۸۳؛ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب البیع، القول في الربا، ص ۵۳٦.

پرسش

١. در چه صورت خرید و فروش به عنوان یک شغل، واجب خواهد بود؟
٢. خرید و فروش کیف و کفش چرمی ساخت کشورهای غیر اسلامی چه حکمی دارد؟ چرا؟
٣. خرید و فروش زیورآلات طلای مردانه چه حکمی دارد؟ چرا؟
٤. چه زمانی خرید و فروش مکروه است؟
٥. اقاله را توضیح دهید.
٦. برای غشّ در معامله چهار مثال بزنید.

درس ۵۷

خرید و فروش (۲)

هنگام خرید و فروش، طرفین معامله (فروشنده و خریدار) ممکن است مال و قیمت آن را نقد تحویل دهند یا به زمان دیگری موکول کنند. بنابراین معامله از این جهت ممکن است یکی از چهار حالت زیر را داشته باشد:

• **کالا نقد و قیمت آن هم نقد** ← یعنی فروشنده هم اکنون مال را می‌دهد و خریدار هم قیمت آن را تحویل می‌دهد که به آن «**معامله نقدی**» می‌گویند.

• **کالا نسیه و قیمت آن هم نسیه** ← یعنی صیغه معامله را اجرا می‌کنند و تحویل قیمت و کالا را به آینده موکول می‌کنند. چنین معامله‌ای را «**دَین به دَین**» می‌گویند.

• **کالا نقد و قیمت آن نسیه** ← یعنی فروشنده کالا را تحویل می‌دهد که قیمت آن را در آینده بگیرد. به آن «**معامله نسیه**» می‌گویند.

• **کالا نسیه و قیمت نقد** ← یعنی خریدار قیمت کالا را می‌پردازد تا در آینده جنس را تحویل بگیرد که «**معامله سَلَف**» نام دارد.[۱]

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۲۱۰۴ و ۲۱۱۰؛ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب البیع، صص۵۳۵ و ۵۳۹ و ۵۴۳.

احکام معامله نسیه

۱ .درمعامله نسیه باید مدت کاملاً معلوم باشد. پس اگرجنسی را بفروشد که قیمت آن را هروقت ازسفربرگشت بگیرد، چون مدت آن کاملاً مشخص نشده، معامله باطل است.[۱]

۲ .اگرجنسی را نسیه بفروشد بعد ازتمام شدن مدتی که قرارگذاشته‌اند می‌تواند پول آن را مطالبه نماید، ولی اگرخریدارنتواند بپردازد باید به اومهلت دهد.[۲]

۳ .اگربه کسی که قیمت جنسی را نمی‌داند مقداری نسیه دهد وقیمت آن را به او نگوید، معامله باطل است؛ ولی اگربه کسی که قیمت نقدی جنس را می‌داند نسیه بدهد وگران‌تر حساب کند؛ مثلاً بگوید: جنسی راکه به تونسیه می‌دهم ده درصد گران‌ترازنقد حساب می‌کنم واوقبول کند، اشکال ندارد.[۳]

٤ .اگردر معامله نسیه فروشنده درضمن شرط کند که اگرمشتری زودتر ازوقت معین قیمت را پرداخت کرد مقداری ازآن راکم کند اشکال ندارد.[۴]

شرایط معامله سَلَف (پیش فروش)

معامله سلف درصورتی صحیح است که دارای این شرایط باشد:

* خصوصیاتی که درقیمت جنس تأثیردارد مشخص نمایند.

* قبل ازآنکه خریداروفروشنده ازهم جدا شوند خریدارتمام قیمت را به فروشنده بدهد (یا به مقدارآن ازفروشنده طلبکارباشد).

* مدّت را مشخص کنند.

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۲۱۰۵.

۲ .همان، م ۲۱۰۷.

۳ .همان، م ۲۱۰۸.

٤ .استفتاآت، ج ۲، ص ۹۰، س ۵۲.

* وقتی که برای تحویل جنس قرار می‌دهند، زمانی نباشد که جنس در آن وقت نایاب باشد؛ مثلاً اگر بگوید: در اسفند ماه ده کیلو گیلاس تازه به شما می‌دهم، صحیح نیست؛ چون در اسفند ماه گیلاس تازه نایاب است.

* بنابر احتیاط واجب جای تحویل جنس را معین کنند ولی اگر از حرف‌های آنان جای تحویل جنس معلوم باشد، لازم نیست اسم آن جا را بگویند.

* در صورتی که جنس، وزنی یا پیمانه‌ای است، وزن یا پیمانه را مشخص کنند.[۱]

احکام معامله سلف

۱ ـ شخصی که جنسی را به سلف خریده، قبل از تمام شدن مدّت مقرر نمی‌تواند جنس را به دیگری بفروشد؛ امّا پس از تمام شدن مدّت، هر چند جنس را تحویل نگرفته باشد، فروش آن اشکال ندارد.

۲ ـ اگر سلف فروش، جنسی غیر از آنچه در قرارداد معین شده، یا جنس پست‌تر بیاورد، مشتری می‌تواند آن جنس را قبول نکند، ولی اگر به همان راضی شود، اشکال ندارد.

۳ ـ جنسی که به سلف فروخته، اگر در موقعی که باید آن را تحویل دهد، نایاب شود و نتواند آن را تهیه کند، مشتری می‌تواند معامله را فسخ کند یا منتظر بماند تا تهیه نماید.[۲]

معامله ربوی

انواع ربا
- ۱. معاملی
- ۲. قرضی

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۱۱۲؛ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب البیع، القول في السلف، ص ۵٤۳.

۲ ـ همان، م ۲۱۱۳ ، ۲۱۱٦، ۲۱۱۷.

۳ ـ بحث ربای قرضی در درس ٦۱ خواهد آمد.

شرایط ربای معاملی
- ۱ . عرفاً اجناس مورد معامله از یک جنس شناخته شوند.
- ۲ . اجناس مورد معامله از چیزهایی باشند که با وزن کردن یا پیمانه کردن خرید و فروش می‌شوند.

احکام معامله ربوی

۱ . اگر مقداری از جنسی را که با وزن یا پیمانه می‌فروشند، زیادتر از همان جنس بفروشد، مثلاً یک تُن برنج را به یک تُن و دویست کیلو بفروشد، ربا و حرام است. حتّی اگر یکی از دو جنس، سالم و دیگری معیوب، یا جنس یکی خوب و جنس دیگر بد باشد، یا با یکدیگر تفاوت قیمت داشته باشند، چنانچه بیشتر از مقداری که می‌دهد بگیرد باز هم ربا و حرام است.[1]

خرید و فروش
- درآلومینیومی با ← آلومینیوم نساخته
- برنج درجه یک با ← برنج درجه دو
- طلای ساخته با ← طلای نساخته
- روغن حیوانی با ← پنیر

در صورتی که اضافه بگیرد ربا و حرام است.

۲ . اگر چیزی را که اضافه می‌گیرد، غیر از جنسی باشد که می‌فروشد؛ مثلاً یک تن گندم را به یک تن و هزار تومان پول بفروشد، باز هم ربا و حرام است؛ بلکه اگر چیزی زیادتر نگیرد ولی شرط کند که خریدار عملی برای او انجام دهد ربا و حرام خواهد بود.[2]

۳ . جنسی را که در بعضی از شهرها با وزن یا پیمانه می‌فروشند و در بعضی از شهرها با شماره معامله می‌کنند؛ مانند گردو که اکنون در بعضی مناطق دانه‌ای و در بعضی

---

۱ . توضیح‌المسائل، م ۲۰۷۲.

۲ . همان، م ۲۰۷۳.

دیگر کیلویی می‌فروشند، اگر در شهری که آن را با وزن یا پیمانه می‌فروشند زیادتر بگیرند ربا و حرام است و در شهر دیگر ربا نیست.[۱]

٤ . در مثل اسکناس (پول کاغذی) ربای غیر قرضی تحقق پیدا نمی‌کند و جایز است معاوضه نقدی بعضی از آنها با بعضی دیگر به زیاده وکم؛ مثلاً یکصد هزار تومان را با هزار دینار معاوضه کند؛ اما ربای قرضی در تمام آنها تحقق پیدا می‌کند و جایز نیست قرض دادن هزار دینار به دوازده هزار دینار.[۲]

٥ .اگر جنسی را که می‌فروشند و عوض می‌گیرند از یک چیز به عمل آمده باشد باید در معامله، زیادی نگیرند. پس اگر ده کیلو روغن حیوانی بفروشد و در عوض، بیست کیلو پنیر بگیرد ربا و حرام است و بنا بر احتیاط واجب اگر میوه رسیده را با میوه نارس معامله می‌کند، نباید زیادی بگیرد.[۳]

پرسش

۱ .معامله نسیه با سلف چه تفاوتی دارد؟
۲ .شرط اوّل از شرایط معامله سلف را توضیح داده، دو مثال بزنید.
۳ .در معامله سلف در چه صورت، مشتری قبل از تحویل گرفتن کالا می‌تواند آن را بفروشد؟
٤ .آیا معامله کشک با پشم گوسفند به زیادتر، رباست؟ چرا؟
٥ .برای ربای معاملی، چهار مثال دیگر بیاورید.

---

۱ .توضیح المسائل، م ۲۰۷٦.
۲ .همان، م ۲۸٤٥.
۳ .همان، م ۲۰۷۸.

درس ۵۸

خرید و فروش (۳)

در برخی موارد، خریدار یا فروشنده یا هر دو می‌توانند معامله انجام شده را برهم بزنند. حق به هم زدن معامله را «خیارفسخ» یا «اختیارفسخ» گویند وگاهی به اختصار «خیار» گفته می‌شود.

خیارات معامله

۱. خیارمجلس
۲. خیارغَبْن
۳. خیارشرط
٤. خیارتَدْلیس
۵. خیارتخلف شرط
٦. خیارعیب
۷. خیارشرکت
۸. خیاررؤیت
۹. خیارتأخیر
۱۰. خیارحیوان
۱۱. خیارتعذّرتسلیم

۱.توضیح المسایل، م ۲۱۲٤.

۱ ـ **خیار مجلس:** تا زمانی که دو طرف معامله از مجلس داد و ستد متفرق نشده باشند، و جلسه معامله به هم نخورده باشد، می‌توانند معامله را فسخ کنند.

۲ ـ **خیار غبن:** در صورتی که خریدار یا فروشنده گول خورده باشد، می‌تواند معامله را فسخ کند.

۳ ـ **خیار شرط:** در صورتی که در معامله قرار بگذارند که تا مدّت معینی هر دو یا یکی حق فسخ داده باشد، طبق قرارداد می‌توانند معامله را فسخ کنند.

٤ ـ **خیار تدلیس:** زمانی که خریدار یا فروشنده مال خود را بهتر از آنچه هست نشان دهد و در نظر مردم ارزشمندتر جلوه کند، طرف مقابل می‌تواند معامله را به هم بزند؛ مثلاً با رنگ‌کاری و آراستن آن، مشتری به اشتباه بیفتد ولی اگر در آن کاری انجام دهد که ارزشمندتر شود، مثلاً تعمیراتی در ساختمان انجام دهد یا یک طبقه دیگر روی آن بسازد، تدلیس نیست.

۵ ـ **خیار تخلف شرط:** اگر فروشنده یا خریدار شرط کند که کاری انجام دهد یا شرط کند مالی را که می‌دهد طور مخصوصی باشد و به آن شرط عمل نکند، طرف دیگر می‌تواند معامله را فسخ کند.

٦ ـ **خیار عیب:** اگر پیش از معامله در جنس یا عوض آن عیبی باشد و نمی‌دانسته، و پس از معامله متوجه شود، می‌تواند معامله را به‌هم بزند یا تفاوت قیمت معیوب با سالم را بگیرد.

۷ ـ **خیار شرکت:** اگر معلوم شود که مقداری از جنسی که فروخته‌اند مال دیگری است؛ یعنی شریک دارد، اگر صاحب آن مقدار، به معامله راضی نشود خریدار می‌تواند معامله را به‌هم بزند یا پول آن مقدار را از فروشنده بگیرد، و همچنین نسبت به جنسی که مشتری داده است.

۸ . **خیار رؤیت:** اگر خریدار یا فروشنده خصوصیات جنس معینی را که طرف دیگر ندیده به او بگوید و بعد معلوم شود آن گونه که گفته، نبوده است، می‌تواند معامله را فسخ کند.

۹ . **خیار تأخیر:** در صورتی که مشتری پول جنسی را که نقد خریده تا سه روز ندهد و فروشنده هم جنس را تحویل ندهد در صورتی که تأخیر آن، شرط نشده باشد فروشنده می‌تواند معامله را به‌هم بزند؛ ولی در اجناسی که اگر یک روز بماند فاسد می‌شود، مثل برخی میوه‌ها، تأخیر تا شب است.

۱۰ . **خیار حیوان:** اگر حیوانی را خریده باشد، خریدار تا سه روز بعد حق دارد معامله را فسخ کند و حیوان را پس بدهد.

۱۱ . **خیار تعذّر تسلیم:** در صورتی که فروشنده نتواند جنسی را که فروخته تحویل دهد؛ مثلاً اسبی را که فروخته فرار کند، مشتری می‌تواند معامله را به هم بزند.[۱]

احکام خیارات

۱ . اگر خریدار قیمت جنس را نداند، یا در وقت معامله غفلت کند و جنس را گران‌تر از قیمت معمولی آن بخرد، چنانچه به قدری گران خریده که مردم او را مغبون بدانند و به کمی و زیادی آن اهمیت بدهند، اختیار فسخ معامله را دارد و همچنین نسبت به فروشنده.[۲]

□ ۲ . اگر بعد از معامله، عیب مال را بفهمد و فوری معامله را فسخ نکند، دیگر حق فسخ معامله را نخواهد داشت.[۳]

---

۱ . توضیح‌المسائل، م ۲۱۲۴.

۲ . همان، م ۲۱۲۵.

۳ . همان، م ۲۱۳۲. به فتوای برخی از فقها، اگر فورا فسخ نکند حق او از بین نمی‌رود و بعداً هم حق فسخ دارد.

۳ ـ هرگاه بعد از خریدن جنس، عیب آن را بفهمد، اگر چه فروشنده حاضر نباشد، می‌تواند معامله را فسخ کند.[۱]

□ ٤ ـ در این موارد اگر خریدار بفهمد مال معیوب است حق فسخ و گرفتن تفاوت قیمت ندارد:

* موقع خریدن، عیب مال را بداند.

* به عیب مال راضی شود.

* وقت معامله بگوید: اگر مال عیبی داشت پس نمی‌دهم و تفاوت قیمت هم نمی‌گیرم.

* فروشنده در وقت معامله بگوید: این مال را با هر عیبی که دارد می‌فروشم.[۲]

۵ ـ اگر فروشنده هنگام معامله عیب کالا را معین کند و بگوید: آن را با این عیب می‌فروشم، ولی پس از معامله معلوم شود عیب دیگری هم دارد، خریدار می‌تواند به خاطر عیبی که فروشنده معین نکرده کالا را پس دهد یا تفاوت قیمت را بگیرد.[۳]

٦ ـ در مواردی که خواهد آمد اگر خریدار بفهمد مال معیوب بوده فقط می‌تواند تفاوت قیمت بگیرد، ولی حق فسخ معامله را ندارد:

* بعد از معامله تغییری در کالا بدهد که مردم بگویند: کالا مانند زمانی که خریداری و تحویل داده شده، باقی نمانده است.

* پس از معامله بفهمد کالا معیوب است و تنها حق برگرداندن آن را ساقط کرده باشد.

* بعد از تحویل گرفتن کالا، عیب دیگری در آن پیدا شود، به جز در خرید حیوان که تا سه روز می‌تواند برگرداند.[٤]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۲۱۳۳.

۲ ـ همان، م ۲۱۳٤. به فتوای برخی از فقها، تنها در مورد اول و چهارم این حکم جاری است.

۳ ـ همان.

٤ ـ همان، م ۲۱۳۵.

بیع شَرط

۱ .بیع شرط آن است که فروشنده کالایی را بفروشد و شرط کند که اگر تا فلان مدت، خودش قیمت کالا را به خریدار بدهد، بتواند معامله را فسخ کند.[۱]

۲ - بیع شرط درصورتی صحیح است که خریدارو فروشنده قصد خرید و فروش داشته باشند، هر چند کالای خود را به کمتر از قیمت معمولی آن بفروشد؛ مثلاً شخصی که به پول نیاز دارد، خانه خود را به قیمت کمتر (با قصد) می‌فروشد، ولی شرط می‌کند که اگر تا سه ماه دیگر توانستم پول خانه را برگردانم، خانه برای خودم باشد.[۲]

۳ .در بیع شرط، هر چند فروشنده مطمئن باشد که اگر پول را ندهد، باز هم خریدار کالا را به او می‌دهد، معامله صحیح است؛ ولی چنانچه سر مدت پول را ندهد، حق مطالبه کالا را ندارد و اگر خریدار بمیرد، نمی‌تواند از ورثه او مطالبه کند.[۳]

پرسش

۱ .تفاوت خیار غبن با خیار عیب چیست؟

۲ .تفاوت خیار شرط با خیار تخلف شرط چیست؟

۳ .در چه مواردی فروشنده حق فسخ معامله را ندارد ولی می‌تواند تفاوت قیمت بگیرد؟

٤ .خیار تعذّر تسلیم را توضیح دهید.

۵ .برای خیار رؤیت دو مثال ذکر کنید.

---

۱ .توضیح المسائل، م ۲۱۲٦.

۲ .همان، م ۲۱۲٦.

۳ .همان، م ۲۱۲۷.

درس ۵۹

خرید و فروش (٤)

تجارت الکترونیکی

دست یابی انسان به فن آوری جدید به خصوص اینترنت، سبب شده بسیاری از کارهای فردی و فعالیت های اجتماعی خود را با استفاده از آن به انجام رساند که از جمله آنها فعالیت اقتصادی و مبادلات مالی و تجارت کالاست که در ماده یک قانون تجارت الکترونیکی آمده است. « مجموعه اصول و قواعدی که برای مبادلۀ آسان و ایمن اطلاعات در واسطه های الکترونیکی و با استفاده از سیستم های ارتباطی جدید به کار می‌رود.»

بنابراین تجارت الکترونیک که گاه به بازاریابی الکترونیکی یا بازاریابی اینترنتی نیز از آن یاد می‌شود، صرفاً استفاده از فن آوری‌های جدید در فروش کالاست، لذا چنانچه شرایط بیع و سایر عقود اسلامی در آن رعایت شود اشکال ندارد.

بازاریابی شبکه‌ای

بازاریابی شبکه‌ای یک روش فروش محصول است که شرکت هایی که از این روش استفاده می‌کنند افرادی را به عنوان بازاریاب به دور از یک مکان ثابت تجاری برای فروش محصول به طور مستقیم به مصرف کننده نهایی به کار می‌گیرند. این در حالی

است که بازاریاب توانایی تشکیل گروه فروش چند سطحی و دریافت پورسانت از فروش آنها را دارد. لذا در صورتی که فعالیت شرکت‌های بازاریابی شبکه‌ای که موارد ذیل را واقعی رعایت کنند مجاز می‌باشند:

۱-شرکت مجوزهای لازم را از مراجع ذیصلاح داشته باشد.

۲-کالاهایی که خرید و فروش می‌شود مجاز شرعی و مورد نیاز متعارف جامعه باشد.

۳-قیمت کالاها در حدود متعارف همان بازار واقعی باشد.

٤-فعالیت و افراد واسطه واقعی باشد.[1]

شرکت

شرکت بر دو نوع است: ۱ـ شرکت عقدی (قراردادی) ۲ـ شرکت غیر عقدی.

شرکت عقدی: آن است که دو یا چند نفر با هم قراردادی ببندند که با مال مورد اشتراک خود معامله کنند. به این نوع شرکت «شرکت اکتسابی» هم می‌گویند.

شرکت غیرعقدی: آن است که یک چیز بدون قرارداد برای دو یا چند نفر باشد؛ مثل آنکه مالی از کسی به چند نفر به ارث برسد یا شخصی، فرد دیگری را در مال خود شریک کند.[2]

احکام شرکت

۱ـ شرکت عقدی، فقط در اموال صحیح است نه در اعمال؛ پس اگر دو نفر قرار بگذارند که هر چه کارشان درآمد داشت با هم شریک باشند هرچند هرکدام مالک مزد خود است ولی شرکت نیست، خواه عمل آنها همانند باشد؛ مثلاً دو نفر خیاط با هم قرار بگذارند که هرچه درآمد داشتند با هم شریک باشند؛ یا عمل آنها متفاوت

---

۱. موضوع شناسی بازاریابی شبکه ای، مؤسسه موضوع شناسی احکام فقهی.

۲ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الشرکة، ص ٦۲۳، م ۳.

باشد؛ مانند خیاط و نسّاج. بلی اگر یکی از آنها نصف منفعت خود را به دیگری مصالحه کند به چیزی وآن دیگری هم نصف منفعت خود را به همان چیز مصالحه کند، اشکال ندارد.[۱]

۲ .اگر در عقد شرکت شرط کنند که هر دو با هم با مال مورد شراکت خرید و فروش کنند یا هرکدام به تنهایی معامله کند یا فقط یکی از آنها معامله کند، باید به قرارداد عمل نمایند.[۲]

۳ .اگر معین نکنند کدام‌یک از آنها با سرمایه خرید و فروش کند، هیچ‌یک از آنان بدون اجازه دیگری نمی‌تواند با آن سرمایه معامله کند.[۳]

٤ .هر وقت یکی از شریکان تقاضا کند که سرمایه شرکت را قسمت کنند، اگر چه شرکت مدت داشته باشد، باید دیگران قبول کنند، مگر آنکه تقسیم مشتمل بر ردّ یا مستلزم ضرر بر شریک دیگر باشد.[۴]

٥ .اگر یکی از شریکان بمیرد یا دیوانه یا بیهوش یا سفیه شود یا حاکم شرع او را از تصرف در اموالش منع کند، سایر شرکا نمی‌توانند در مال شرکت تصرّف کنند.[۵]

٦ .اگر شریک چیزی را نسیه برای خود بخرد، نفع و ضررش مال خود اوست ولی اگر برای شرکت بخرد و شریک دیگر به آن معامله راضی باشد، نفع و ضررش برای هر دو است.[۶]

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الشرکة، ص ٦۲٤، م ٥؛ توضیح‌المسائل، م ۲۱٤۳.
۲ .توضیح‌المسائل، م ۲۱٤۹.
۳ .همان، م ۲۱٥۰.
٤ .همان، م ۲۱٥٦.
٥ .همان، م ۲۱٥۷.
٦ .همان، م ۲۱٥۸.

شُفعَه

اگر دو نفر ملکی را با هم شریک باشند و یکی از آنها سهم خود را بفروشد، با شرایطی که در کتب مفصّل فقهی آمده است، شریک دیگر حق دارد سهم شریک را تملّک کند و قیمتی را که مشتری پرداخته است به او بدهد. به این حق «حقّ شُفعه» می‌گویند.[1]

۱ ـ حق شفعه تنها در صورت فروش ملک است. بنابراین اگر یکی از دو شریک سهم خود را به دیگری ببخشد یا مصالحه کند یا مهریه همسرش قرار دهد، حق شفعه برای شریک دیگر وجود ندارد.[2]

۲ ـ حق شفعه تنها در ملکی که دو نفر شریک هستند وجود دارد نه بیشتر. بنابراین اگر مثلاً یکی از سهامداران یک شرکت که افراد متعددی در آن شریک هستند سهم خود را بفروشد، برای سایر شریکان حق شفعه وجود ندارد.[3]

۳ ـ حق شفعه در مالی است که به صورت مشاع با هم شریک هستند؛ بنابراین اگر یکی از همسایه‌ها ملک خود را بفروشد، برای همسایه حق شفعه وجود ندارد.[4]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الشفعة، ص ۵۵۵، م ۱.
۲ ـ همان، ص ٥٥٦، م ٥.
۳ ـ همان، م ٦.
٤ ـ همان، م ۳.

برخی از موارد شفعه:[۱]

شماره	نوع مال	حکم
۱	غیرمنقولات قابل تقسیم؛ مانند باغ و مزرعه و خانه	حق شفعه درآن وجود دارد.
۲	غیرمنقولات غیرقابل تقسیم؛ مانند راه‌ها وجوی‌ها ودهلیزهای باریك	وجود حق شفعه محل اشکال است واحتیاط آن است که شفیع رضایت مشتری را فراهم کند ومشتری هم درخواست اورا اجابت نماید.
۳	اموال منقول؛ مانند اتومبیل، حیوان، لباس ولوازم منزل	وجود حق شفعه محل اشکال است واحتیاط آن است که شفیع رضایت مشتری را فراهم کند ومشتری هم درخواست اورا اجابت نماید.
٤	ملک تقسیم‌شده؛ مانند باغی که تقسیم شده هرچند هنوزبا دیوارو امثال آن سهم هرکدام ازهم جدا نشده باشد	حق شفعه وجود ندارد.

اقاله

اقاله، فسخ قراداد از سوی هر دو طرف است؛ مثلاکالای خریده را پس بدهد، با اینکه حق فسخ ندارد، و فروشنده هم بپذیرد.

۱. اقاله در تمام قراردادها - به جز نکاح - قابل اجرا است و به هر لفظی باشد، صحیح است حتی اگر لفظی درکار نباشد، بلکه یک طرف معامله، آنچه را که به او منتقل شده، پس بدهد و طرف مقابل هم بگیرد، اقاله شده است.[۲]

---

۱ .تحریرالوسیله، ص ۵۵۵، م ۲.

۲ .همان، القول فی الاقاله.

۲. اقاله معامله به بیش از قیمت مقرر یا کمتر از آن جایز نیست. پس اگر مشتری چیزی روی کالا بگذارد تا فروشنده قبول کند یا فروشنده چیزی از قیمت کم کند و قبول کند، صحیح نیست و اقاله صورت نگرفته و مال فروخته شده در ملک مشتری و قیمت در ملک فروشنده باقی می‌ماند.[۱]

۳. اقاله کردن بخشی از مال یا قیمت مورد معامله نیز صحیح است. پس اگر پنج کیسه از ده کیسه برنج خریداری شده را پس بدهد و فروشنده قبول کند و قیمت آن را پس بدهد، صحیح است.[۲]

٤. در مال مشترك، یکی از شریکان می‌تواند سهم خود را با فروشنده اقاله کند و موافقت شریک نیز شرط نیست.[۳]

پرسش

۱ ـ فرق اساسی شفعه با بیع چیست؟

۲ ـ آیا در ساختمان‌های چند طبقه که هر طبقه را یک نفر مالک است، با فروش یک طبقه از آن برای دیگران حق شفعه وجود دارد؟ چرا؟

۳ ـ آیا حق شفعه در پارکینگ و آسانسور مشترک وجود دارد؟

٤ ـ تفاوت اقاله با خیار چیست؟ توضیح دهید.

۵ ـ در صورتی که مشتری معامله را اقاله کند، بایع می‌تواند مقداری از قیمت کالا را کم کند و پس بگیرد؟

٦ ـ شرکت‌های تعاونی مصرف، جزو کدامیک از اقسام شرکت می‌باشند؟

---

۱ ـ تحریر الوسیله، ج۱، القول فی الاقاله، م ۱.

۲ ـ همان، م ۳.

۳ ـ همان، م ۳.

درس ۶۰

اجاره، جعاله و سرقفلی

اجاره

هرگاه شخصی منفعت چیزی را ملک دیگری کند و در مقابل آن چیزی بگیرد، به این عمل «اجاره» می‌گویند.

قرارداد اجاره

اگر اجاره دهنده به مستأجر بگوید: «مِلک خود را به تو اجاره دادم» و او بگوید: «قبول کردم» صحیح است، حتی اگر چیزی هم نگویند، بلکه صاحب مال به قصد اجاره دادن، آن را به مستأجر تحویل دهد و او هم به قصد اجاره کردن بگیرد، صحیح است؛ مثلاً کلید خانه را به او بدهد و او هم بگیرد.[1]

شرایط مال مورد اجاره

چیزی که اجاره داده می‌شود باید دارای شرایطی باشد، از جمله:

* معین باشد، پس اگر بگوید: یکی از اتاق‌های این خانه را به تو اجاره می‌دهم، صحیح نیست.

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۲۱۷۷.

* مستأجر باید آن را ببیند یا طوری خصوصیات آن گفته شود که کاملاً معلوم باشد.

* از چیزهایی نباشد که با استفاده از آن، اصلِ مال از بین می‌رود، پس اجاره دادن نان و میوه و سایر خوراکی‌ها صحیح نیست.[۱]

احکام اجاره

۱. در اجاره باید مدت استفاده از مال، معین شده باشد؛ مثلاً بگوید: یک سال یا یک ماه.[۲]

۲. اگر صاحب مال چیزی را که اجاره داده تحویل دهد، اگر چه مستأجر تحویل نگیرد یا تحویل بگیرد ولی تا آخر مدت اجاره از آن استفاده نکند، باید اجاره‌بها را بپردازد.[۳]

۳. اگر کسی کارگری بگیرد که در روز معینی کاری را انجام دهد؛ مثلاً آجرها را داخل ساختمان ببرد و آن کارگر سرِکار حاضر شود، اما کاری به او محوّل نکند؛ مثلاً آجر نباشد که داخل ساختمان ببرد، باید مزد او را بدهد.[۴]

٤. هرگاه صنعتگر چیزی را که گرفته، ضایع کند، باید خسارت آن را بپردازد، مثل آنکه تعمیرکار خسارتی بر ماشین وارد کند.[۵]

۵. اگر مثلاً خانه یا دکانی را اجاره کند و صاحب آن شرط کند که فقط خودش از آن استفاده کند، مستأجر نمی‌تواند آن را به دیگری اجاره بدهد.[۶]

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۲۱۸٤.
۲. همان، م ۲۱۸۷.
۳. همان، م ۲۱۹٦.
٤. همان، م ۲۱۹۷.
۵. همان، م ۲۲۰۰.
٦. همان، م ۲۱۸۰.

استفتاء

س ـ کارمند دولت جمهوری اسلامی گاهی از محل خدمت، بدون اجازه آن سازمان، برای تشییع جنازه یا مجلس ختم خارج می‌شود؛ حقوقش چه صورت دارد؟

ج ـ اگر از وظیفه کوتاهی نموده به مقداری که کوتاهی کرده مدیون است.[1]

س ـ آموزگاری پیمان بسته که در مقابل خدمت موظف ۲٤ ساعت در هفته حقوق دریافت نماید، حال اگر بعضی ساعت‌ها کارهای شخصی انجام داده و دانش‌آموزان بدون معلّم بوده‌اند ـ یا معلم دیگری جایش بوده ـ آیا حق استفاده از حقوق دارد و اگر بگیرد جایز است یا خیر؟ و اگر چنانچه مریض شود و آن ساعتی که می‌بایست کار موظف انجام دهد که در مقابلش حقوق بگیرد، گرفتن آن مقدار پولی که در برابرش هیچگونه کاری انجام نداده است جایز و قابل تصرف است یا خیر؟

ج ـ تابع مقررات استخدامی است و اگر برخلاف [مقررات عمل] نموده استحقاق اجرت ندارد.[2]

س ـ کارهای غیرمستقلی را که فرزند در خانه و برای امرار معاش انجام می‌دهد (چه در زمان بلوغ، یا غیربلوغ) حقّ ادعای اجرت از پدر دارد یا نه؟

ج ـ اگر به دستور پدر نیست یا به قصد مجّان انجام می‌دهند، استحقاق اجرت ندارد.[3]

سرقفلی

به پول یا چیزی که کسی به شخص دیگری می‌دهد تا مثلاً خانه یا دکانی را که در اجاره او است در اختیار او بگذارد، «سرقفلی» گفته می‌شود.

۱ ـ اگر محلی را از شخصی اجاره کرده و حق داشته باشد که در مدت اجاره مکان را به دیگری اجاره دهد و در این مدت، اجاره محل، ترقی کرده می‌تواند آن محل را به

---

۱ ـ استفتاآت، ج ۲، ص ۵۰، س ۱۳۷.
۲ ـ همان، ص ۲۱۷، س ۵۵.
۳ ـ همان، ص ۲۱۳، س ٤٦.

شخصی به همان قیمت که اجاره کرده اجاره دهد و چیزی هم به عنوان سرقفلی دریافت کند.[1]

٢ .اگر شخصی محلی را اجاره کند و با صاحبش شرط کند که مثلاً تا بیست سال اجاره محل را بالا نبرد و باز با او شرط کند که اگر محل را به دیگری اجاره داد او هم همین گونه عمل کند و همچنین شخص ثالث هم اگر خواست محل را به دیگری اجاره دهد همین گونه عمل کند و اجاره را بالا نبرد، در این صورت مستأجر اول می‌تواند محل را به دیگری اجاره دهد و مبلغی به عنوان سرقفلی از او بگیرد که محل را به او تحویل دهد و سرقفلی به این صورت حلال است و دومی به سومی و سومی به چهارمی برحسب قرار تحویل دهد و از او به این عنوان سرقفلی بگیرد.[2]

جُعاله

جُعاله آن است که انسان قرار بگذارد در مقابل کاری که برای او انجام می‌دهند، مال معینی بدهد؛ مثلاً بگوید: هرکس گمشده مرا پیدا کرد هزار تومان به او می‌دهم.

جاعل: کسی است که ملتزم می‌شود در مقابل انجام دادن کاری چیزی بدهد.

عامل: کسی که آن کار را انجام می‌دهد.[3]

تفاوت اجاره با جُعاله

١ .اجاره، قرارداد دو طرفه (عقد) است ولی جُعاله قرارداد یک طرفه (ایقاع) است.

٢ .در اجاره پس از عقد اجاره (قرارداد بستن)، اجیر، مالک اجرت است و مستأجر عمل او را مالک است؛ مثلاً اگر مالک وسایل را برای او آماده نکرد، باید مزد او را بپردازد. ولی در جعاله، پس از انجام عمل، یکی صاحب کار و دیگری صاحب اجرت می‌شود.[4]

---

١ .توضیح‌المسائل، م ٢٨٤٩.

٢ .همان، م ٢٨٥٠.

٣ .همان، م ٢٢١٨.

٤ .توضیح‌المسائل، م ٢٢١٨.

اقسام جعاله

الف) عام: در جعاله عام، عامل معین نیست؛ مثلاً می‌گوید: به هرکس کتاب مرا پیدا کند، صد تومان می‌دهم.

ب) خاص: در جعاله خاص، عامل معین است؛ مثلاً به شخصی می‌گوید: اگر کتاب مرا پیدا کردی صد تومان به تو می‌دهم.[1]

دو مسأله

۱ ـ اگر جاعل پس از شروع کار توسط عامل، دست از جعاله بردارد، باید مزد همان مقدار کار او را به اندازه‌ای که نزد مردم ارزش دارد، بپردازد.[2]

۲ ـ هر زمان عامل بخواهد می‌تواند از انجام عمل صرف‌نظر کند و مستحق اجرتی نیست هر چند در اثنای آن باشد، ولی اگر کار را شروع کرده باشد و با ترک آن ضرری متوجه جاعل می‌شود، باید آن را به پایان برساند.[3]

پرسش

۱ ـ آیا مستأجر می‌تواند ملک را به شخص دیگر اجاره دهد؟

۲ ـ در چه صورت مستأجر می‌تواند در مقابل تحویل مال مورد اجاره، از مستأجر دوم سرقفلی بگیرد؟

۳ ـ اگر شخصی اعلام کند: «هرکس یک میلیون تومان یک ساله به من قرض دهد، در پایان دویست هزار تومان به او اجرت می‌دهم»، این جعاله صحیح است یا نه؟ چرا؟

٤ ـ شهرداری، ساخت یک بزرگراه را بین شرکت‌های راه‌سازی به مناقصه می‌گذارد، آیا این مناقصه، جعاله است؟ چرا؟

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الجعالة، ص ٥٨٦.

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۲۲۵.

۳ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الجعالة، ص ٥٨٦؛ توضیح المسائل، م ۲۲۲٦.

درس ٦١

قرض، رَهن، حواله

قَرض

قرض، آن است که انسان، مالی را، به دیگری تملیک کند تا در آینده همان را یا قیمت یا مثل آن را به او برگرداند.[1]

۱ ـ قرض دادن به دیگران مستحب است و در قرآن و روایات، نسبت به آن سفارش فراوان شده است و قرض دهنده در روز قیامت پاداش بسیاری خواهد داشت.[2]

۲ ـ قرض گرفتن ـ بدون نیاز ـ مکروه است و در صورت نیاز کراهت آن کمتر است و هرچه نیاز بیشتر باشد، کراهت کمتر می‌شود و اگر نیاز شدید باشد کراهت برطرف می‌شود و اگر اضطرار باشد، مثل آنکه برای حفظ جان یا آبرو ناچار شود قرض بگیرد، نه تنها مکروه نیست بلکه واجب است.[3]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ٦٥١، القول في القرض.
۲ ـ توضیح المسائل، ص ۳۱۰، احکام قرض.
۳ ـ همان، م ۱.

اقسام قرض

***مدت دار:** قرضی است که هنگام قرض دادن، زمان پرداخت بدهی مشخص شده باشد.

***بدون مدت:** قرضی است که زمان پرداخت، درآن مشخص نشده باشد.

احکام قرض

۱ .اگر قرض مدت‌دار باشد، طلبکار نمی‌تواند پیش از تمام شدن آن مدت، طلب خود را درخواست کند و اگر قرض مدت‌دار نباشد، طلبکار هر وقت بخواهد می‌تواند طلب خود را درخواست کند.[۱]

۲ .اگر طلبکار طلب خود را درخواست کند، چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد، باید فورا بپردازد و اگر تأخیر بیندازد، گناهکار است، مگر آنکه قرض مدت‌دار باشد و مدت به پایان نرسیده باشد.[۲]

۳ .اگر بدهکار غیر از خانه‌ای که درآن نشسته و اثاثیه منزل و چیزهای دیگری که به آنها احتیاج دارد، چیزی نداشته باشد، طلبکار نمی‌تواند طلب خود را از او مطالبه کند، بلکه باید صبر کند تا بتواند بدهی خود را بدهد.[۳]

قرض ربوی

۱ .اگر مقداری پول به کسی بدهد و شرط کند که پس از مدتی؛ مثلاً یک سالِ دیگر، زیادتر بگیرد، رِبا و حرام است؛ مثلاً یک صد هزار تومان بدهد و شرط کند که پس از یک سال صد و بیست هزار تومان بگیرد.[٤]

---

۱ .توضیح المسائل، م ۲۳۰٦.
۲ .همان، م ۲۲۷٦.
۳ .همان، م ۲۲۷۷.
٤ .همان، م ۲۲۸۸.

۲ .ربا دادن، مثل ربا گرفتن حرام است.[۱]

۳ .کسی که قرض ربایی گرفته، اگر چه کار حرامی کرده ولی اصل قرض صحیح است و می‌تواند در آن تصرف کند.[۲]

٤ .اگر بدهکار بدون شرط قبلی چیزی اضافه به طلبکار بدهد، اشکال ندارد، بلکه مستحب است.[۳]

استفتاء

س ۱ .شخصی مبلغی به عنوان قرض از دیگری گرفته و بعد از آن، دیگر او را ندیده است و خیلی هم دنبالش گشته است، می‌خواهد بداند که آیا می‌تواند آن مبلغ پول را به حساب ۱۰۰ یا به حساب سهم امام یا به حساب جنگ‌زدگان بدهد یا نه؟

ج .اگر مأیوس از پیدا کردن صاحب پول باشد، از طرف او به فقرا صدقه بدهد.[۴]

س ۲ .در ارتباط با پرداخت حق‌الناس در صورت عدم حضور فرد طلبکار و بی‌اطلاعی از زنده بودن وی نظر امام چیست؟

ج .اگر طلبکار را می‌شناسد باید تحقیق کند تا حق او را به خودش یا به ورثه‌اش تسلیم نماید.[۵]

رهن

رهن آن است که بدهکار مقداری از مال خود را نزد طلبکار بگذارد تا اگر طلب او را نداد از آن مال طلب خود را به دست آورد.[۶]

---

۱ .توضیح المسائل، م ۲۲۸٤.

۲ .همان، م ۲۲۸٤.

۳ .تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الدین و القرض، ص ٦٥٤، س ۱۱.

٤ .استفتاآت، ج ۲، ص ۲۸۵، س ۱۵.

۵ .همان، س ۱۳.

٦ .توضیح‌المسائل، م ۲۳۰۰.

۱ ـ استفاده چیزی که گرو (رهن) می‌گذارند، مال گرو دهنده است. بنابر این گرو گیرنده، بدون اجازه صاحب مال نمی‌تواند ازآن استفاده کند.[۱]

۲ ـ طلبکار (گروگیرنده) وبدهکار (گرو دهنده) نمی‌توانند مالی راکه دررهن است، بدون اجازه یکدیگر ملک کسی کنند؛ مثلاً بفروشند یا ببخشند. ولی اگر یکی ازآنان، آن را بفروشد یا ببخشد وبعد دیگری بگوید: «راضی هستم»، اشکال ندارد.[۲]

۳ ـ اگر مالی راکه بدهکار گروگذاشته، خانه واثاثیه منزل هم باشد، طلبکار می‌تواند بفروشد وطلب خود را بردارد.[۳]

رهن و اجاره

۱ ـ آنچه، امروزه در خصوص اجاره ملک (منزل، مغازه و...) مبلغی را به عنوان رهن به مالک پرداخت می‌شود، هرچند رهن نیست ولی اگر اجاره به مبلغ کمتر از قیمت متداول باشد ودرضمن اجاره شرط شود که پولی به صاحب منزل یا مغازه به عنوان ودیعه یا قرض داده شود اشکال ندارد.[۴]

۲ ـ اگر مالك، ضمن اجاره شرط کند چانچه مبلغی به عنوان قرض یا ودیعه به او داده شود، مقداری ازاجاره‌بها راکم می‌کند، ربا وحرام است.[۵]

استفتاء

س ـ شخصی مبلغ پنجاه هزار تومان به صاحبخانه‌ای داده که دو اتاق را رهن کند و دیگر اجاره نمی‌دهد، چه صورت دارد؟

ج ـ محکوم به رباست و اگر در اتاق تصرف کند، اجرت‌المثل را ضامن است.[٦]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۲۳۰۵.

۲ ـ همان، م ۲۳۰٦.

۳ ـ همان، م ۲۳۰۹.

٤ ـ استفتاآت، ج ۲، ص ۲۰۵، س ۳٤ و ۳۵.

۵ ـ همان.

٦ ـ همان، ص ۲۹۳، س ۳۲.

حواله

حواله آن است که بدهکار بدهی خود را به عهده دیگری بگذارد و طلبکار قبول کند.[۱]

۱ ـ موقعی که انسان حواله می‌دهد، باید بدهکار باشد؛ پس اگر بخواهد چیزی از شخصی قرض بگیرد، تا وقتی که قرض نگرفته نمی‌تواند آن را به شخص دیگری حواله کند که آنچه را بعدا قرض می‌دهد، از آن شخص بگیرد.[۲]

۲ ـ طلبکار می‌تواند حواله را نپذیرد، اگر چه فردی که به او حواله شده، فقیر نباشد و در پرداختن حواله هم کوتاهی نکند.[۳]

۳ ـ بعد از انعقاد حواله، حواله دهنده وکسی که به او حواله شده نمی‌توانند حواله را به هم بزنند، مگر آنکه یکی از آنان برای خود حق به هم زدن حواله را قرار دهد، که در این صورت مطابق قرار می‌توانند حواله را به هم بزنند.[۴]

پرسش

۱ ـ رهن مصطلح کنونی جامعه که در اجاره منزل یا مغازه مرسوم است، چه اشکالی دارد؟

۲ ـ فردی به شخصی بدهکار است و از دیگری طلبکار، اگر بدهی خود را به بدهکار حواله کند، آیا بر بدهکار واجب است، بدهی را به حواله‌شونده بپردازد؟

۳ ـ در چه مواردی قرض‌دهنده حق مطالبه قرض را ندارد؟

٤ ـ رهن کامل منزل (بدون اجاره‌بها) صحیح نیست، چرا؟

۵ ـ چه چیزهایی را واجب نیست بدهکار برای پرداخت بدهی خود بفروشد؟

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۲۸۹.

۲ ـ همان، م ۲۲۹۲.

۳ ـ همان، م ۲۲۹۵.

٤ ـ همان، م ۲۲۹۷ و ۲۲۹۹.

درس ٦٢

ضمانت، وکالت، حجر

ضمان

ضمان آن است که انسان متعهّد شود بدهی کسی را بپردازد و طلبکار قبول کند.[۱]

شرایط ضمان

* ضامن و طلبکار، بالغ، عاقل، رشید و دارای اختیار باشند.

* طلبکار به سبب ورشکستگی، از طرف حاکم شرع، از تصرف در اموالش منع نشده باشد.

* بدهی بدهکار قطعی باشد، پس اگر بخواهد از کسی قرض کند، تا قرض نکرده ضمان صحیح نیست.

* طلبکار و بدهکار و جنس بدهی مشخص باشد؛ یعنی مبهم و مردّد نباشد.

* بنابر احتیاط واجب، ضمان، منجّز باشد؛ یعنی ضمانت خود را وابسته به امر دیگری نکند، پس اگر بگوید: «چنانچه تا فلان تاریخ بدهی خود را نپرداخت من خواهم پرداخت»، احتیاط واجب آن است که به ضامن شدن او ترتیب اثر ندهند.[۲]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الضمان، ص ۲۵.

۲ ـ همان، م ۱ و ۲.

احکام ضمان

□ ١ـ اگر طلبکار طلب خود را به ضامن ببخشد، ضامن نمی‌تواند از بدهکار چیزی بگیرد و اگر مقداری از آن را ببخشد، نمی‌تواند آن مقدار را مطالبه کند.[١]

٢ـ ضامن نمی‌تواند از ضامن شدن خود برگردد.[٢]

٣ـ ضامن و طلبکار می‌توانند شرط کنند که هر وقت بخواهند، ضمانت ضامن را به هم بزنند.[٣]

٤ـ اگر شخصی بدون اجازه بدهکار، ضامن شود که بدهی او را بدهد، نمی‌تواند چیزی از او مطالبه کند، امّا اگر با اجازه او ضامن شده و همان چیزی را که بدهکار بوده بپردازد می‌تواند از او مطالبه کند.[٤]

وکالت

وکالت آن است که انسان کاری را که می‌تواند در آن دخالت کند، به دیگری واگذارد تا از طرف او انجام دهد؛ مثلاً کسی را وکیل کند که خانه‌اش را بفروشد.[٥]

شرایط وکالت

* متعلّق وکالت مقدور وکیل باشد.

* متعلّق وکالت معلوم باشد.

* وکیل و موکّل، عاقل، بالغ[٦] و مختار باشند و قصد وکالت داشته باشند.

* موکّل، ممنوع‌التصرف در متعلّق وکالت نباشد و انجام دادن آن برای خودش جایز باشد.

١ـ توضیح‌المسائل، م ٢٣١٥. به فتوای برخی از فقها، ضامن می‌تواند مقدار بخشیده شده را از بدهکار بگیرد.
٢ـ همان، م ٢٣١٦.
٣ـ همان، م ٢٣١٧.
٤ـ همان، م ٢٣٢٠ و ٢٣٢١.
٥ـ توضیح‌المسائل، ص ٣٠٧.
٦ـ اگر کودک را فقط برای اجرای عقد بیع و امثال آن وکیل کنند صحیح است.

* بنابراحتیاط واجب، اصل وکالت منجّز باشد.[1]

احکام وکالت

۱ .درکالت لازم نیست صیغه بخوانند واگرانسان به دیگری بفهماند که اورا وکیل کرده واوهم بفهماند قبول کرده، صحیح است.[2]

۲ .کاری راکه انسان نمی‌تواند انجام دهد، یا شرعا نباید انجام دهد، نباید برای انجام دادن آن ازطرف دیگری وکیل شود؛ مثلاًکسی که دراحرام حج است نمی‌تواند وکیل دراجرای صیغه عقد نکاح شود.[3]

۳ .اگرانسان کسی را برای انجام دادن کارهای خویش وکیل کند، صحیح است؛ ولی اگربرای یکی ازکارهای خود وکیل کند وآن کاررا معین نکند وکالت صحیح نیست.[4]

٤ . وکیل، لازم نیست مسلمان باشد، مگر در اموری که از غیر مسلمان صحیح نیست. بنابراین انسان می‌تواند برای فروش خانه خود، به کافروکالت بدهد.[5]

٥ - نمی‌توان کافررا وکیل کرد تا علیه مسلمان اقامه دعوی کند.[6]

٦ .وکیل می‌تواند ازوکالت کناره‌گیری کند؛ هرچند مُوکّل غایب باشد.[7]

۷ . وکیل نمی‌تواند برای کاری که به او واگذارشده، دیگری را وکیل کند، ولی اگر موکّل به او اجازه داده باشد که وکیل بگیرد، طبق دستورمی‌تواند رفتارنماید، پس اگر گفته باشد: «برای من وکیل بگیر»، باید از طرف او وکیل بگیرد و نمی‌تواند کسی را از طرف خودش وکیل کند.[8]

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الوکاله، ص ۳۹، م ۱ و ۲.
۲ .توضیح‌المسائل، م ۲۲٥۷.
۳ .همان، م ۲۲٦۰.
٤ .همان، م ۲۲٦۱.
٥ .تحریرالوسیله، ج ۲، ص ٤۰.
٦ .همان.
۷ .توضیح‌المسائل، م ۲۲٦۳.
۸ .همان، م ۲۲٦٤.

۸ .اگر انسان کسی را برای کاری وکیل کند و چیزی برای او قرار بگذارد، بعد از انجام دادن کار، آن چیز را باید به او بدهد.[۱]

□ ۹ .اگر وکیل یا موکّل بمیرد یا دیوانه همیشگی شود، وکالت باطل می‌شود و نیز اگر گاه‌گاهی دیوانه یا بیهوش شود، بنابر احتیاط واجب باید به معامله‌ای که انجام می‌دهد ترتیب اثر ندهند و نیز اگر چیزی که برای تصرف در آن وکیل شده است، از بین برود؛ مثلاً گوسفندی که برای فروش آن وکیل شده بمیرد، وکالت باطل می‌شود.[۲]

۱۰ .اگر مال نزد وکیل تلف شود مسأله دو صورت دارد:

الف) اگر در نگهداری آن کوتاهی یا در استفاده از آن زیاده‌روی کرده، باید عوض آن را بدهد.

ب) اگر کوتاهی یا زیاده‌روی نکرده، لازم نیست عوض آن را بدهد.[۳]

حَجْر

حَجْر به معنای منع است و در فقه، منع شرعی، نسبت به تصرف در اموال می‌باشد.[۴]

۱ .این افراد محجورند؛ یعنی نمی‌توانند در اموال خود تصرف کنند:

* کودک غیر بالغ؛
* دیوانه؛
* سفیه (کسی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند)؛
* ورشکسته اقتصادی (مُفلس).

۲ .ولایت بر تصرف در اموال کودک غیر بالغ و دیوانه، با پدر و جد پدری اوست.

---

۱ .توضیح‌المسائل، م ۲۲۶۹.

۲ .همان، م ۲۲۶۸. به فتوای برخی از فقها، دیوانگی مقطعی ادواری موجب بطلان وکالت نمی‌شود، هرچند در آن مدت، وکالت اثری ندارد.

۳ .همان، م ۲۲۷۰ و ۲۲۷۱.

۴ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الحجر، ص ۱۲.

* اگر پدر و جد پدری ندارد، قیمی که با وصیت آنان مشخص شده است، ولایت دارد.
* اگر قیم هم ندارد، با حاکم شرع است.
* اگر حاکم شرع نباشد، با مؤمنان است و بنا بر احتیاط واجب باید عادل باشند.[1]

□ ۳ .ولایت بر سفیه:

اگر از دوران کودکی سفیه بوده و با همان حال به حدّ بلوغ رسیده، شرعا محجور است و ولایت بر او مانند دیوانه، با پدر یا جدّ پدری است و با نبود آنها، با قیم است.

اگر قبلاً سفیه نبوده و پس از بلوغ سفیه شده، حاکم شرع بر او ولایت دارد و حاکم او را از تصرف در اموالش منع می‌کند.[2]

٤ .ورشکسته اقتصادی را نیز حاکم شرع با شرایطی که در کتب مفصّل فقهی آمده، از تصرف در اموالش منع می‌کند و ولایت در تصرف با حاکم است.[3]

پرسش

۱ .ضمان را توضیح داده و تفاوت آن را با حواله بیان فرمایید.

۲ .در صورتی که متهم پرونده‌ای مسلمان باشد، آیا شاکی می‌تواند فرد غیر مسلمانی را وکیل خود قرار دهد؟ چرا؟

۳ .آخرین شرط از شرایط وکالت را با ذکر مثال توضیح دهید.

٤.تفاوت سفیه و دیوانه چیست؟

۵ .در چه صورتی پدر یا جد پدری سفیه بر او ولایت ندارند؟

---

۱ .همان، ص ۱۳، م ۵.

۲ .تحریرالوسیله، ج۲، کتاب الحجر، القول في السفیه، ص۱۵. به فتوای برخی از فقها، ولایت بر سفیه با پدر وجدّ پدری اوست.

۳ .برای آشنایی با شرایط جواز حجر می‌توانید به کتاب تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۱۸ «القول في المفلس» مراجعه کنید.

درس ٦٣

ودیعه، عاریه و لقطه

ودیعه (امانت)

ودیعه آن است که انسان مالی را به دیگری بسپارد تا برایش نگه دارد.[١]

اگر انسان مالِ خود را به کسی بدهد و بگوید نزد تو امانت باشد و او هم قبول کند، باید به احکام امانتداری عمل کند.[٢]

وظایف امانتدار

١ .کسی که نمی‌تواند از امانت نگهداری کند، بنابر احتیاط واجب نباید قبول کند. مگر آنکه صاحب مال در نگهداری آن عاجزتر باشد و کسی که بهتر حفظ کند یافت نشود.[٣]

٢ .کسی که چیزی را امانت می‌گذارد، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بگیرد و کسی که امانت را قبول می‌کند، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را به صاحبش برگرداند.[٤]

---

١ .تحریرالوسیله، ج ١، کتاب الودیعه، ص ٥٩٦.
٢ .توضیح‌المسائل، م ٢٣٢٧.
٣ .همان، م ٢٣٣٠.
٤ .همان، م ٢٣٣٢.

۳ ـ اگر امانتدار برای امانت، جای مناسبی ندارد، باید جای مناسبی تهیه کند؛ مثلاً اگر پول است و در خانه نمی‌تواند نگهداری کند، باید به بانک بسپارد.[۱]

۴ ـ امانتدار باید طوری از امانت نگهداری کند که مردم نگویند: «در امانت خیانت یا در نگهداری آن کوتاهی کرده است».[۲]

۵ ـ در صورتی که امانت مردم از بین برود:

* اگر امین در نگهداری آن کوتاهی کرده باشد، باید عوض آن را به صاحبش بدهد.
* اگر در نگهداری آن کوتاهی نکرده و به طور اتفاقی آن مال از بین رفته؛ مثلاً سیل برده است، امانتدار ضامن نمی‌باشد و لازم نیست عوض آن را بدهد.[۳]

عاریه

عاریه آن است که انسان مال خود را به دیگری بدهد تا از آن استفاده کند و در عوض، چیزی از او نگیرد؛ مثلاً کتاب خود را به کسی می‌دهد تا مطالعه کند و برگرداند.[۴]

۱ ـ کسی که چیزی را عاریه داده هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بگیرد و کسی هم که عاریه گرفته هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس دهد.[۵]

۲ ـ چیزی را که عاریه گرفته بدون اجازه صاحبش نمی‌تواند به دیگری عاریه یا اجاره دهد.[۶]

۳ ـ چنانچه مالی را که عاریه کرده، از بین برود یا معیوب شود:

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۳۳۴.
۲ ـ همان.
۳ ـ همان، م ۲۳۳۵.
۴ ـ همان، م ۲۳۴۴.
۵ ـ همان، م ۲۳۵۳.
۶ ـ همان، م ۲۳۵۸.

* اگر در نگهداری آن کوتاهی یا در استفاده از آن زیاده‌روی نکرده، ضامن نیست؛ مگر آنکه شرط کند که اگر تلف شود ضامن باشد یا مورد عاریه، طلا یا نقره باشد.

* اگر کوتاهی یا زیاده‌روی کرده باشد، باید خسارت آن را بپردازد.[١]

٤ .اگر از پیش، شرط کرده باشند که اگر خسارتی بر آن وارد شود، عاریه‌کننده ضامن است، باید آن خسارت را بپردازد.[٢]

لُقطه (اشیای پیدا شده)

١ .برداشتن چیزی که پیدا شده، مکروه است.

٢ .اگر انسان چیزی پیدا کند و بردارد:

الف) اگر صاحبش معلوم است، باید به صاحبش بدهد.

ب) اگر صاحبش معلوم نیست:

- **نشانه‌ای ندارد** که از روی آن بتواند صاحبش را پیدا کند بنابر احتیاط واجب از طرف صاحبش صدقه بدهد.
- **نشانه دارد**
  - **قیمت آن یک درهم یا بیشتراست**: باید اعلام کند. پس:
    - .اگر صاحبش پیدا شد، باید به او بدهد.
    - اگر صاحبش پیدا نشد، می‌تواند برای خود بردارد، به قصد اینکه هر وقت صاحبش پیدا شد عوض آن را به او بدهد یا برای صاحبش نگهداری کند تا هر وقت پیدا شد به او بدهد.
  - **قیمت آن یک درهم کمتراست**: می‌تواند به قصد آنکه برای خودش باشد از آن استفاده کند یا اعلام کند تا صاحبش پیدا شود.[٢]

---

١ .توضیح المسائل، م ٢٣٤٩.

٢ .همان.

چگونگی اعلام

اگر از روزی که آن را پیدا کرده تا یک هفته، روزی یک مرتبه و بعد از آن تا یک سال، هفته‌ای یک مرتبه در محل اجتماع مردم اعلام کند، کافی است.[١]

چند مسأله

١ ـ کسی که مالی را پیدا کرده، اگر عمداً به دستوری که گفته شد، اعلام نکند، گذشته از اینکه معصیت کرده، باز هم اعلام واجب است.[٢]

٢ ـ اگر کودک نابالغ چیزی پیدا کند، ولیّ او باید اعلام کند.[٣]

٣ ـ اگر قیمت چیزی که پیدا کرده به ١٢/٦ نخود نقره سکه‌دار برسد، چنانچه اعلام نکند و در مسجد یا جای دیگری که محل اجتماع مردم است بگذارد و آن چیز از بین برود، یا دیگری آن را بردارد، پیداکننده ضامن است.[٤]

٤ ـ هرگاه چیزی پیدا کند که اگر بماند فاسد می‌شود باید تا مقداری که ممکن است آن را نگه دارد بعد قیمت کند و خودش بردارد یا بفروشد و پولش را نگه دارد و اعلا کند.[٥]

گم شدن کفش

□ اگر کفش کسی را ببرند و کفش دیگری به جای آن بگذارند، با چند شرط می‌تواند آن را برای خود بردارد:

* بداند کفشی که مانده، مالِ کسی است که کفش او را برده.

---

١ – تحریرالوسیله، ج ٢، کتاب اللقُطة، ص ٢٢٥، م ٦؛ توضیح المسائل، م ٢٥٦٦.

٢ ـ توضیح‌المسائل، م ٢٥٧٠.

٣ ـ همان، م ٢٥٧١.

٤ ـ همان، م ٢٥٧٨.

٥ ـ همان، م ٢٥٧٩.

* از پیدا کردن صاحبش مأیوس شود یا برایش مشقّت داشته باشد.

* ارزش آن مساوی با کفش خودش یا کمتر از آن باشد، ولی اگر قیمت آن از کفش خودش بیشتر باشد، باید هر وقت صاحب آن پیدا شد، زیادی قیمت را به او بدهد و چنانچه از پیدا شدن او ناامید شود، باید با اجازه حاکم شرع زیادی قیمت را از طرف صاحبش صدقه بدهد.[1]

پرسش

١ .اگر امانت تلف شود، آیا امانتدار ضامن است یا نه؟

٢ .برای ودیعه و عاریه هرکدام دو مثال بزنید.

٣ .اگر شخصی یک اسکناس هزار تومانی پیدا کند، وظیفه‌اش چیست؟

٤ .یک جعبه میوه در جاده از روی ماشینی افتاده و راننده دیگری آن را برداشته، وظیفه‌اش نسبت به آن چیست؟

٥ .اگر کفش کسی را ببرند و کفش ارزشمندتری به جای آن مانده، تکلیف چیست؟

---

١ .توضیح المسائل، م ٢٥٨١ . به فتوای برخی از فقها، علاوه بر شرایطی که گفته شد باید بداند راضی است کفشش را عوض کفشی که برده است بردارد.

مُضاربه، مزارعه، مساقات

مضاربه

اگر دو نفر با هم قرارداد ببندند که یکی از آنها مالی را به دیگری بدهد تا با آن مال معامله کند و اگر سودی به‌دست آمد با هم تقسیم کنند، به چنین قراردادی «مضاربه» می‌گویند. به صاحب سرمایه (پول) «مالک» و به کسی که مال را تحویل گرفته تا با آن معامله کند «عامل» می‌گویند.[1]

شرایط مضاربه

برخی از شرایط مضاربه عبارتند از:

۱ .مورد مضاربه پول باشد، پس مضاربه دادن کالا صحیح نیست؛

۲ .اوصاف و مقدار مال مورد مضاربه معلوم باشد.

۳ . مقدار سهم طرفین از سود حاصله معلوم باشد؛

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب المضاربة، ص ٦٠٨.

٤. سهم آنان از سود مشاع کسری باشد؛ مثل $\frac{1}{2}$ $\frac{1}{3}$ $\frac{1}{4}$ اگر مثلاً بگوید: ده هزار تومان برای تو صحیح نیست؛

٥. مال مورد مضاربه در خرید و فروش مصرف شود. اگر در کار دیگری غیر معامله و تجارت خرج کند، صحیح نیست.[1]

احکام مضاربه

۱ .اگر صاحب مال دو نفر یا بیشتر باشند و مال خود را به یک نفر مضاربه بدهند مانع ندارد.[1]

۲ .در تجارت، کارهایی را که معمولاً به دیگران می‌سپارند، مانند وزن کردن بار و حمل آن و امثال اینها، می‌تواند به اهلش بسپارد و مزد آنها را از سرمایه بپردازد و اگر خودش آن را انجام داد می‌تواند مزد خود را از سرمایه بردارد و اما برای کارهایی که معمولاً عامل باید انجام دهد، نمی‌تواند مزد بردارد.[2]

۳ .اگر قرارداد مضاربه مطلق باشد؛ یعنی شرطی در آن نباشد، عامل هرگونه صلاح بداند می‌تواند تجارت کند اما نمی‌تواند نسیه بدهد، مگر اینکه بین تجّار نسیه دادن مرسوم باشد. ولی اگر عقد مضاربه مشروط باشد، عامل باید به شرط عمل کند و اگر به شرط عمل نکرد و خسارتی به بار آمد ضامن است و اگر سودی به‌دست آمد صاحب سرمایه شریک است.[3]

٤ .عامل نمی‌تواند بدون اجازه مالك، مال را به شخص دیگری به مضاربه بدهد یا دیگری را در مضاربه شریک کند و اگر اجازه هم بدهد باید مضاربه اوّلی را فسخ کنند

---

۱ .تحریرالوسیله، ج۱، کتاب المضاربه، م ۱۰.

۲ .همان، م ۱۵.

۳ .همان، ص ٦١۲، م ١٦ و ١٨.

و مالک با شخص دوم عقد مضاربه ببندد یا قرارداد مضاربه بین مالک و عامل و شخص دیگری به اشتراک بسته شود.[۱]

ضمان عامل و عدم آن

اگر اموالی که در اختیار عامل است تلف شود یا خسارتی بر آن وارد شود یا مضاربه سودی نیاورد یا ضرر کند، در برخی موارد عامل ضامن است و در برخی موارد ضامن نیست که حکم صورت‌های مختلف آن بدین شرح است:

- بدون تقصیر عامل، تمام مال یا مقداری از آن تلف شود← عامل ضامن نیست.
- با تقصیر عامل، مال تلف شود← عامل ضامن است
- تجارت سود نیاورد← عامل ضامن سود صاحب مال نیست.
- تجارت ضرر بیاورد← عامل ضامن ضرر صاحب مال نیست.
- شرط کرده باشند که خسارت برعهده مالک باشد← عامل خسارت را ضامن نیست.
- شرط کرده باشند که اگر ضرری به سرمایه وارد شد، عامل هم؛ مثلاً $\frac{1}{2}$ یا $\frac{1}{3}$ از آن را بدهد← در صورت ضرر، او هم ضامن است.[۲]

مزارعه

مزارعه آن است که صاحب زمین، با زارع قرارداد ببندند که زمین را در اختیار زارع بگذارد تا زراعت کند و مقداری از حاصل آن را به صاحب زمین بدهد.[۳]

---

۱. تحریر الوسیله، ج۱، کتاب المضاربه، ص ٦١٥، م ٢٥.
۲. همان، ص ٦١١، م ١٤.
۳. توضیح المسائل، م ٢٢٢٨.

شرایط مزارعه

- صاحب زمین، زمین مورد مزارعه را مشخص کند.
- زمین، قابل کاشت باشد یا بتوانند کاری کنند که زراعت ممکن شود؛ مثلاً با شخم‌زنی وکود دادن وتسطیح کردن.
- مدّت مزارعه معین باشد.
- مدّت مزارعه به قدری باشد که درآن مدّت حاصل زمین به دست آید.
- نوع زراعت معین باشد، مگر درمحلی باشد که فقط یک نوع زراعت کاشت می‌شود یا زراعت خاصی معمول ومتعارف باشد که دراین صورت نام بردن لازم نیست.
- خرجی را که هرکدام باید عهده‌دار شود مشخص کنند؛ مثلاً زمین وبذر از یکی و سایر مخارج از دیگری.
- همه حاصل زمین به یک نفر اختصاص داده نشود.
- سهم هرکدام از محصول، به طور مشاع معین باشد؛ مثلاً $\frac{1}{2}$، $\frac{1}{3}$، $\frac{1}{4}$؛ پس اگر قرار بگذارند، مثلاً یک تن گندم بدهد، یا بگوید حاصل این قطعه اززمین برای من و آن قطعه برای تو، مزارعه صحیح نیست.[1]

احکام مزارعه

□ ١. اگر زراعت درزمین به سبب پیش‌آمدی، مثلاً باریدن برف زیاد، ممکن نشود:

.اگر مقداری اززراعت به دست آمده، حتی علفی که بتوان به حیوان داد، همان مقدار، مطابق قرارداد از هر دواست ونسبت به بقیه، مزارعه باطل است.

.اگر اصلاً زراعت به دست نیامده، مزارعه باطل است.[2]

---

١. توضیح‌المسائل، م ٢٢٢٩.

٢. همان، م٢٢٣٢؛ تحریرالوسیله، ج١، کتاب‌المزارعة، ص٦٣٧، م٦. به‌فتوای برخی ازفقها، مزارعه در هر دو صورت باطل است.

۲ - اگر بر اثر کوتاهی زارع چیزی به دست نیاید، باید اجاره زمین را به قدر متعارف به صاحب زمین بپردازد.[۱]

۳ ـ زارع نمی‌تواند بدون اجازه صاحب زمین، زمین را در اختیار شخص دیگری بگذارد.[۲]

مُساقات

مساقات قراردادی است میان صاحب باغ و باغبان که در مدت معینی به آبیاری و پرورش درختان بپردازد و مطابق قرارداد، سهمی از میوه‌ها به باغبان داده شود.[۳]

شرایط مساقات

برخی از شرایط مساقات عبارتند از:

- مورد مساقات درخت میوه باشد؛ نه مانند درختان بید و صنوبر و کاج و سپیدار؛ مگر درختانی که از گُل یا برگ آنها استفاده می‌کنند؛ مانند درخت سدر.
- مدت مساقات معلوم باشد.
- سهم هرکدام از میوه معین باشد.
- سهم آنها، مُشاع باشد؛ مثلاً $\frac{1}{2}$، $\frac{1}{3}$، $\frac{1}{4}$؛ بنابر این اگر قرار بگذارند که باغبان، آبیاری کند و در پایان یک تُن میوه بگیرد، این قرارداد مساقات نیست.[۴]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج۱، کتاب‌المزارعة، ص۶۳۷، م۶.

۲ ـ همان.

۳ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۲۳۸.

۴ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب المساقات، ص ۶۴۲؛ توضیح المسائل، م ۲۲۳۸ تا ۲۲۴۵. به فتوای برخی از فقها، قرارداد مساقات روی درختانی که از گل و برگ آنها استفاده می‌شود و میوه‌ده نیست اشکال دارد.

چند مسأله

۱. در قرارداد مساقات می‌توان مدت آن را تا پایان رسیدن میوه‌ها قرارداد، درصورتی که زمان شروع آن (ابتدای مساقات) مشخص باشد.

۲. قرارداد مساقات بر نهال‌هایی که تازه غرس شده و هنوز زمان میوه دادن آنها نرسیده، اشکال ندارد؛ به شرط آنکه مدّت مساقات به قدری باشد که نهال میوه‌دار شود.

۳. قرارداد مساقات بر درختی که از آب باران یا رطوبت زمین استفاده می‌کند و به آبیاری نیازی ندارد، اگر به کارهای دیگری؛ مانند بیل زدن وکود دادن نیازمند باشد، صحیح است.[1]

پرسش

۱. اگر مبلغی را به یک کارگاه تولیدی بدهد که مثلاً ۳۱٪ از سود تولیدات را به او بدهد صحیح است یا نه؟

۲. در مضاربه، عامل چه نوع مخارجی را می‌تواند از سرمایه بردارد؟

۳. اگر تجارت ضرر بیاورد، در چه صورت، عامل، ضامن ضرر صاحب مال خواهد بود؟ . در قرارداد مزارعه، بذر، کود، سم و مالیات دولتی بر عهده کیست؟

٤. در مزارعه، کاه و علوفه به دست آمده برای چه کسی است؟

۵. شخصی آب و زمین را در اختیار کشاورز قرار داده تا در آن کشت کند و پس از برداشت محصول، مبلغ یکصدهزار تومان به صاحب زمین بدهد؛ این قرارداد چه نام دارد و حکم آن چیست؟

٦. شخصی باغ خود را در اختیار باغبان می‌گذارد تا کارهای آن را انجام دهد و پس از برداشت محصول، یک تن میوه به او بدهد، نام این قرارداد چیست و چه حکمی دارد؟

۷. مزارعه و مساقات چه تفاوت‌هایی دارند؟

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب المساقات، ص ٦٤۲؛ توضیح المسائل، م ۲۲۳۸ تا ۲۲٤۵.

صلح، هبه، صدقه

صُلح

انسان می‌تواند تمام یا مقداری از اموال یا منافع اموال خود را در مقابل چیزی یا بدون عوض، به‌دیگری واگذارکند یا طلبی‌که دارد، نگیرد. به این واگذاری یا اسقاط دَین «صُلح» گفته می‌شود.[١]

١ ـ صلح، قراردادی مستقل است و احکام سایرقراردادها درآن جاری نیست؛ پس خیاربیع و حق شفعه درآن ثابت نیست.[٢]

٢ ـ درقرارداد صلح، صیغه خاصی شرط نیست بلکه با هرلفظی که بیانگرواگذاری مال یا اسقاط دین باشد، صحیح است.[٣]

٣ ـ صلح کننده باید عاقل، بالغ ومختارباشد وقصد صلح نیزداشته باشد وحاکم شرع اورا ازتصرف دراموالش منع نکرده باشد.[٤]

---

١ ـ توضیح‌المسائل، م ٢١٦٠.
٢ ـ تحریرالوسیله، ج ١، کتاب الصلح، ص ٥٦١، م ١.
٣ ـ همان، ص ٥٦٢، م ٣.
٤ ـ همان، ص ٥٦٣، م ٩.

٤ .اگر بخواهند دو چیز همجنس را به یکدیگر صلح کنند:

• **اگر وزن آنها معلوم است**
- ١ .هر دو مساوی است: صلح صحیح است.
- ٢ .یکی بیشتر است: صلح صحیح نیست.

•**وزن آنها معلوم نیست:** صلح صحیح است، هر چند احتمال بدهند که وزن یکی بیشتر از دیگری است.[١]

٥ .اگر دو نفر چیزی را با هم صلح کنند، با رضایت یکدیگر می‌توانند صلح را به هم بزنند و همچنین اگر برای یکی از آنها حق فسخ قرار داده باشند.[٢]

هِبه

هِبه یا بخشش، عبارت است از: خارج ساختن مالی از ملکیت خود و بدون دریافت چیزی آن را، به ملکیت دیگری درآوردن.[٣]

١ - هبه‌کننده وکسی که چیزی به او هبه خواهد شد، باید بالغ و عاقل و دارای قصد و اختیار باشند. آری، ولیِ طفل و دیوانه می‌تواند از طرف آنها قبول کند.[٤]

٢ .مواردی که نمی‌توان هبه را پس گرفت:

- هبه به ارحام؛ مانند پدر، مادر، فرزند، در صورتی که تحویل آنان داده باشد.
- هبه به غیر ارحام، در صورتی که آن مال باقی نباشد و مصرف کرده یا تلف شده باشد، امّا اگر هنوز آن مال باقی است پس گرفتن آن اشکال ندارد.

---

١ .توضیح المسائل، م ٢١٦٦.

٢ .همان، م ٢١٦٩.

٣ .تحریر الوسیله، ج٢، کتاب الهبة، ص ٥٦.

٤ .همان.

- هبه معوّضه؛ یعنی بخششی که مشروط باشد به پرداخت چیزی یا انجام کاری درمقابل آن؛ مثلاً چیزی را به کسی می‌بخشد به شرط آن‌که او هم چیزی به او بدهد.[۱]
- اگر بخشنده، پس از تحویل دادن چیزی که بخشیده، از دنیا برود، ورثه بخشنده نمی‌توانند آن را پس بگیرند و اگر کسی که چیزی به او بخشیده‌اند از دنیا برود، بخشنده، نمی‌تواند آن را از ورثه او مطالبه کند.[۲]

□ ۳ .در بحث هبه، زن و شوهر حکم ارحام را ندارند، ولی احتیاط آن است که اگر یکی از آنها چیزی به دیگری بخشید پس نگیرد.[۳]

صدقه

صَدقه عمل مستحبی است که در آیاتِ قرآن و روایاتِ معصومین علیهم‌السلام تأکید بسیاری به آن شده و ثواب بی‌شماری برای آن بیان گشته است تا آنجا که فرموده‌اند:

«صدقه، در دنیا مانع پیشامدهای ناگوار و مرگ‌های ناگهانی است و در آخرت گناهان بزرگ را می‌زداید و حسابرسی قیامت را آسان می‌کند».[۴]

احکام صَدقه

۱ .انسان باید در پرداخت صدقه، قصد قُربت داشته باشد؛ یعنی تنها برای رضای خدا بپردازد و از هرگونه ریا و خودنمایی دور باشد.[۵]

---

۱ .تحریرالوسیله، ج۲، کتاب الهبة، ص ۵۸، م ۸ و ۱۱.

۲ .همان، م ۸.

۳ .همان. به فتوای برخی از فقها، زن و شوهر نیز در بحث هبه حکم ارحام را دارند.

٤ .بحارالانوار، ج ٩٦، ص ١٢٤، وسائل الشیعه، ج ٦، ص ٢٥٨.

۵ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الوقف و اخواته القول في الصدقة، ص ۹۰، م ۱.

٢ ـ پس گرفتنِ صدقه جایز نیست.[۱]

٣ ـ صدقه بر سید هم حلال است، گرچه زکاتِ غیر سید بر سید حرام است.[۲]

٤ ـ صدقه دادن به کافری که در حال جنگ با مسلمانان نباشد و به پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام علیه السلام دشنام نمی‌دهد، اشکال ندارد.[۳]

٥ ـ صدقه را بهتر است پنهانی بدهد، مگر آنکه بخواهد دیگران هم تشویق شوند، ولی زکات، بهتر است آشکارا داده شود.[۴]

پرسش

١ ـ آیا پدر می‌تواند تمام یا نصف اموال خود را برای پس از مرگ خود به یکی از فرزندان صلح کند؟

٢ ـ اگر دو نفر، دو کالای همجنس را که وزن یکی بیش از دیگری است به یکدیگر صلح کنند، چه حکمی دارد؟ چرا؟

٣ ـ تفاوت صدقه با هبه چیست؟

٤ ـ در چه صورت پس گرفتن هبه جایز است؟

٥ ـ مردی همسر خود را طلاق می‌دهد، آیا می‌تواند زیورآلاتی که برایش خریده از او پس بگیرد؟

---

١ ـ تحریرالوسیله، ج ٢، کتاب الوقف و اخواته القول في الصدقة، مسأله ٢.

٢ ـ همان، ص ٩١، م ٣.

٣ ـ همان، م ٥.

٤ ـ همان، م ٦.

درس ٦٦

وَقف

وقف

وقف، آن است که انسان، ملکیت خود را از مالی سلب کند و منفعت آن را در راه خدا و خیر قرار دهد.[۱]

اقسام وقف

وقف به اعتبار کسانی که مال برای آنها وقف می‌شود بر دو نوع است:

- **وقف عام:** استفاده‌کنندگان از آن مال، فرد یا گروه خاصی نیستند؛ بلکه وقف بر جهت و مصلحت عامی است؛ چون وقف زمین برای مسجد.
- **وقف خاص:** استفاده‌کننده از آن مال، فرد یا افراد خاصی می‌باشند؛ چون وقف چیزی برای امام جماعتِ مسجد یا دانشجویانِ یک مدرسه.[۲]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الوقف و اخواته، ص ٦٢.
۲ ـ همان، صص ۷۰، م ٣٤.

شرایط وقف

١.شرایط واقف
- ١.بالغ و عاقل باشد.
- ٢.با اختیار وقف کند وکسی اورا مجبورنکرده باشد.
- ٣.ممنوع ازتصرف دراموالش نباشد.

٢.شرایط مال موقوف
- ١.ملک وقف کننده باشد.
- ٢.عین دارای منفعت حلال باشد.
- ٣.بااستفاده ازمنافع آن، اصل مال باقی بماند.
- ٤- قابل تملیک وتحویل باشد

٣. شرایط موقوف علیه[٢]
- ١.معین باشد.
- ٢.اگروقف خاص است، هنگام وقف موجود باشد.
- ٣.اگروقف عام‌است، هنگام وقف امکان موجود شدن آنها باشد.

٤.سایرشرایط:
- صیغه وقف باید با الفاظی باشد که بیانگراراده وقف است.
- وقف، دائمی باشد نه موقّت.
- بنا براحتیاط، منجّزباشد و معلّق و مشروط به شرطی نباشد.
- برای دیگران باشد نه برای خودش.[٢]

١.تحریرالوسیله، ج ٢، کتاب الوقف و اخواته، م ٣١.

٢.همان، ص ٦٢، ٦٤، ٦٥ و ٦٧، م ١، ١٥، ٢٢ و ٢٤.

احکام وقف

۱ .کسی که زمین یا ساختمانی را وقف مسجد، پل، راه و مانند آن کند و در اختیار مردم بگذارد و مردم از آن استفاده کنند؛ مثلاً عده‌ای در آن مسجد نماز بخوانند یا از آن پل یا راه عبور کنند، کافی است و جزء اموال موقوف، به حساب می‌آید.[۱]

۲ .واقف باید مال وقف شده را به موقوف‌علیهم یا متولی وقف یا حاکم اسلامی تحویل دهد و اگر قبل از تحویل بمیرد، وقف باطل می‌شود و آن مال به وارث می‌رسد.[۲]

۳ .پس از آنکه مالی را وقف کرد واقف نمی‌تواند عنوان آن را تغییر دهد؛ مثلاً وقف برای حسینیه را به وقف برای مسجد تغییر دهد.[۳]

۴ .واقف می‌تواند، خود یا شخص دیگری را هنگام اجرای صیغه وقف، متولّی قرار دهد، یا حق برکناری متولّی را برای خودش شرط کند.[۴]

متولّی وقف

۱ .اگر واقف، متولّی را مشخص کرده باشد، همان شخص متولّی وقف است.

□ ۲ .اگر واقف، متولّی را مشخص نکرده و وقف عام است، حاکم اسلامی یا نماینده او متولّی وقف می‌باشد. و در وقف خاص نیز در اموری که به مصلحت وقف و مراعات حال نسل‌های بعدی است؛ مثل تعمیر و حفظ اصل آن، اختیار با حاکم اسلامی است. ولی نسبت به بهره‌ور کردن و اصلاحات جزیی که بهره‌دهی آن متوقف بر آنهاست، مثل حفر جوی و لایروبی آن و درو کردن محصول، تصمیم با موقوفٌ علیهم است.[۵]

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الوقف و اخواته، ص ۶۳، م ۳.
۲ .همان، ص ۶۴، م ۸ و ۱۴.
۳ .همان، ص ۷۴، م ۶۹.
۴ .همان، ص ۸۲، م ۷۹.
۵ .همان، ص ۸۴، م ۸۷. به فتوای برخی از فقها، در وقف خاص، متولی وقف، همان موقوف علیهم هستند.

فروش مال وقفی

فروش مال وقفی، چه خاص باشد و چه عام، جایز نیست؛ مگر در این موارد:

* به طوری خراب و غیر قابل استفاده شده که تعمیر آن ممکن نباشد.

* بر اثر خرابی، استفاده چندانی از آن نشود و با فروش آن بتوان مالی تهیه کرد که منافع قبلی آن مال را داشته باشد.

* واقف شرط کرده باشد که هنگام ضرورت و نیاز فروخته شود.[1]

استفتاء

س ۱ .زمینی در بیش از بیست سال قبل برای مسجد داده شده و با پول مردم مسجد ساخته شده؛ آیا صاحب قبلی زمین یا وارث او می‌تواند بگوید: من راضی نیستم کسی در این مسجد نماز بخواند یا خیر؟

ج .بعد از ساختن مسجد و تحویل به نمازگزاران نمی‌تواند رجوع کند و رضایت او معتبر نیست.[2]

س ۲ .آیا جایز است لوازم مسجد از قبیل کولر، بلندگو و فرش جهت استفاده شخصی فاتحه و عروسی و یا استفاده پیش‌نماز مسجد از مسجد خارج شود؟

ج .تابع کیفیت وقف است. اگر برای استفاده در مسجد وقف شده بیرون بردن از مسجد جایز نیست.[3]

س ۳ .ساختن مهدیه و حسینیه در قبرستانی که قسمتی از آن به حالت تعطیل درآمده چه صورتی دارد؟

ج .قبرستان، اگر برای دفن اموات باشد، جایز نیست.[4]

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الوقف و اخواته، ص ۷۹، م ۷۳.

۲ .استفتاآت، ج ۲، ص ۳۳۹، س ۱۲.

۳ .همان، ص ۳۴۴، س ۲۵.

۴ .همان، ص ۳۵۸، س ۵۹.

برخی از نمونه‌های وقف و حکم هریک[1]

ردیف	نمونه وقف	حکم
١	مسلمان، چیزی را بر فقرای شهر وقف کند	به فقیران مسلمان می‌رسد.
٢	چیزی را بر فقرای قبیله وقف کند و در جاهای مختلف زندگی می‌کنند.	به همه آنها می‌رسد، نمی‌توان تنها به حاضرین آنها داد.
٣	وقف «فی سبیل‌الله» یا «کار خیر».	در هرکاری که ثواب داشته باشد خرج می‌شود.
٤	وقف بر ارحام و اقارب به طور مطلق.	به کسانی که عرف مردم آنها را از ارحام و اقارب بدانند می‌رسد.
٥	وقف بر اقوام و ارحام، با قید الأقرب فالأقرب.	مطابق طبقات تقسیم ارث عمل می‌شود.
٦	وقف بر اولاد، بدون قید.	به دختر و پسر می‌رسد و به طور مساوی تقسیم می‌شود.
٧	وقف بر عُلما.	به عالمان دینی می‌رسد.
٨	وقف بر مسجد، بدون قید و شرط.	صرف نور و فرش و خادم و تعمیر و سایر مخارج مسجد می‌شود.
٩	وقف بر سید الشهدا علیه‌السلام	صرف برپایی عزاداری آن حضرت می‌شود.

١ . تحریرالوسیله، ج ٢، کتاب الوقف و اخواته، صص ٧١ تا ٧٤، م ٤٠ تا ٤٦ و ٥٣، ٥٦ و ٥٨. در برخی موارد مصرف وقف که در جدول آمده تفاوت فتوای جزئی وجود دارد.

پرسش

١ .وقف میوه‌های باغ صحیح است یا نه؟ چرا؟
٢ .برای هرکدام از دو قسم وقف، سه مثال بزنید.
٣ .آیا وقف باغ برای پس از مرگ خود صحیح است؟ چرا؟
٤ .متولّی وقف عام چه کسی است؟
٥ .در بازسازی یک مسجد، جای حیاط با شبستان تغییر می‌کند؛ این مسأله چه حکمی دارد؟
٦ .اگر چیزی را وقف امام رضا علیه‌السلام کند، چگونه باید صرف شود؟

درس ٦٧

وصیت

﴿کُتِبَ عَلَیکُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَکُمُ الْمَوْتُ إِن تَرَک خَیرًا الْوَصِیةُ لِلْوَالِدَینِ وَالأَقْرَبِینَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَی الْمُتَّقِینَ﴾

«هرگاه یکی از شما را مرگ فرا رسد و مالی برجای گذارد ، مقرر شد که درباره پدرومادروخویشاوندان ، ازروی انصاف وصیت کند و این شایسته پرهیزگاران است» [1]

وصیت

وصیت آن است که انسان سفارش کند بعد از مرگش برای اوکاری انجام دهند یا بگوید بعد از مرگش چیزی از اموال او برای کسی باشد یا برای فرزندان خود قیم (سرپرست) تعیین کند. [2]

چگونگی وصیت

* باگفتار؛ یعنی وصیت خود را به زبان آورد.

* با نوشته‌ای که مقصود وصیت کننده را برساند.

---

۱ . بقره : ۱۸۰

۲ .توضیح‌المسائل، م ٢٦٩٤.

* با اشاره‌ای که مقصود را بفهماند.[١]

کسی که انسان به او وصیت می‌کند «وَصیّ» نام دارد.

وصیّ باید مسلمان، عاقل، بالغ و مورد اطمینان باشد، بنابر این انسان نمی‌تواند فرزند غیر بالغ خود یا کسی را که به او اطمینان ندارد، وصیّ خود قرار دهد.[٢]

متن وصیت‌نامه

آنچه باید در مورد آنها وصیت کرد، بدین شرح است:

١ .نماز و روزه‌های قضا شده (در صورتی که خودش نتواند آنها را بجا آورد) و چنانچه پسر بزرگ دارد که پس از مرگ بر وی واجب می‌شود، باید به او اطلاع دهد.

٢ . خمس، زکات و سایر بدهی‌ها (در صورتی که نمی‌تواند بپردازد) چنانچه از خودش مال دارد یا احتمال می‌دهد که کسی آنها را پرداخت می‌کند.

٣ .اگر حج بر او واجب شده و نتواند آن را بجا آورد.

٤ .اگر فرزندانش با نداشتن سرپرست، اموالشان از بین می‌رود یا خودشان ضایع می‌شوند، باید برای آنها قیمی امین قرار دهد.[٣]

وصیت مالی

اگر انسان نسبت به اموال خود وصیت کند، یعنی مصرفی را برای آن تعیین کند، چنانچه بیش از یک سوّم کل اموالش نباشد باید مطابق وصیت عمل کنند و اگر بیش از یک سوّم اموال وی باشد، وصیت او در بیش از ثُلث در صورتی صحیح است که ورثه

---

١ .توضیح‌المسائل، م ٢٦٩٥ و ٢٦٩٦.
٢ .همان، م ٢٧٠٤.
٣ .همان، م ٢٧٠٠ تا ٢٧٠٣.

او، حرفی بزنند یا کاری کنند که معلوم شود عملی شدن وصیت را اجازه داده‌اند و تنها راضی بودن آنها کافی نیست. اگر بعد از مردن او هم اجازه بدهند، صحیح است.[۱]

احکام وصیت

۱. اگر انسان از وصیت خود برگردد؛ مثلاً بگوید ثُلث مالش را به کسی بدهند بعد بگوید به او ندهند، وصیت باطل می‌شود.[۲]

۲. اگر انسان وصیت خود را تغییر دهد باید به وصیت دوّم عمل شود.[۳]

۳. اگر انسان کاری کند که معلوم شود از وصیت خود برگشته؛ مثلاً خانه‌ای را وصیت کرده به کسی بدهند بفروشد، یا دیگری را برای فروش آن وکیل کند وصیت باطل می‌شود.[۴]

۴. اگر وصیت کند که ثلث مال او را نفروشند و مایه آن را به مصرف برسانند، باید مطابق آن عمل کنند.[۵]

۵. کسی را که انسان وصیت می‌کند، چیزی به او بدهند باید داشته باشد پس اگر وصیت کند به بچه‌ای که ممکن است فلان زن حامله شود چیزی بدهند باطل است، ولی اگر وصیت کند به بچه‌ای که در شکم مادر است چیزی بدهند، هر چند هنوز روح نداشته باشد وصیت صحیح است و اگر زنده به دنیا بیاید باید آن مال را به او بدهند و اگر مرده به دنیا آمد وصیت باطل می‌شود.[۶]

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۲۷۲۱.
۲. همان، م ۲۷۰۶.
۳. همان.
۴. همان، م ۲۷۰۷.
۵. همان، م ۲۷۱۰.
۶. همان، م ۲۷۱۲.

وصّی میت

وصّی کسی است که از طرف شخصی برای انجام دادن برخی کارهای پس از مرگ وی مشخص شده است.[۱]

شرایط وصّی

۱ - وصّی انسان باید دارای شرایط زیر باشد:

- مسلمان باشد؛
- بالغ و عاقل باشد؛
- مورد اطمینان باشد.

۲. اگر میت چند نفر را وصّی خود قرارداده باشد، چنانچه اجازه داده باشد هرکدام به تنهایی به وصیت عمل کنند لازم نیست در عمل به وصیت به یکدیگر اجازه بگیرند و اگر اجازه نداده باشد، باید با نظر یکدیگر به وصیت عمل کنند.[۲]

قیم

قیم کسی است که از طرف پدر یا جد پدری یا حاکم شرع به عنوان سرپرست و عهده دار امور کودک مشخص شده است.

شرایط قیم

قیم باید دارای شرایط زیر باشد:

- بالغ
- عاقل و رشید
- امانتدار و مورد اعتماد[۳]

---

۱ .تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۱، م ۱۹.
۲ .توضیح المسائل، م ۲۷۱۳.
۳ .استفتاآت، ج ۲، ص ٤٤٩، س ۸۹.

قیم در صورتی می‌تواند در اموال یتیم تصرف کند که تصرفش نه تنها مفسده نداشته باشد، بلکه دارای مصلحت نیز باشد.[1]

پرسش

۱ . در وصیت نامه جوانی که هنوز ازدواج نکرده و چیزی جز تعدادی کتاب ندارد، چنین آمده است: «کتاب‌هایم را به کتابخانه دانشگاه بدهید»، پس از مرگ او تکلیف چیست؟

۲ . در چه صورتی تعیین وصی لازم است؟

۳ . وصی با قیم چه تفاوتی دارد و آیا ممکن است وصی میت، قیم فرزندان او هم باشد؟

۴ . شرایط مشترک قیم و وصی کدام است؟

۱ . تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۱، م ۱۹ و استفتاآت، ج ۲، ص ۴۴۹، س ۸۸ و ۸۹.

درس ٦٨

نَذر، عهد، قسم

﴿يوفُونَ بِالنَّذْرِوَ يخافُونَ يوْماً كانَ شَرُّهُ، مُسْتَطِيراً﴾

«نیکان، به نذر وفا می‌کنند و از روزی که گزند آن فراگیر است می‌ترسند». [1]

نَذر

نذر آن است که انسان ملتزم شود کار خیری را برای خدا به‌جا آورد یا کاری که انجام ندادنش بهتر است برای خدا ترک کند. [2]

۱ ـ در نذر باید صیغه خوانده شود و لازم نیست انسان آن را به عربی بخواند؛ پس اگر بگوید: «چنانچه مریض من خوب شود برای خدا بر عهده من است که هزار تومان به فقیر بدهم» نذر او صحیح است. [3]

۲ ـ نذرکننده باید مکلّف باشد و با قصد و اختیار خود نذر کند، بنابراین، نذر کسی که او را مجبور کرده‌اند یا در حال عصبانیت بی‌اختیار نذر کند، صحیح نیست. [4]

---

۱ . انسان: ۷

۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۲٦٤۰.

۳ ـ همان، م ۲٦٤۱.

٤ ـ همان، م ۲٦٤۲.

□ ۳ ـ نذر زن بدون اجازه شوهر باطل است.[۱]

۴ ـ انسان کاری را می‌تواند نذر کند که انجام دادن آن برایش ممکن باشد، بنابراین کسی که مثلاً نمی‌تواند پیاده به حج برود، اگر نذر کند که پیاده برود، نذر او صحیح نیست.[۲]

۵ ـ انسان می‌تواند انجام دادن کارهای واجب یا مستحب و ترک کارهای حرام یا مکروه را نذر کند؛ و اما نذر کار مباح مثل غذا خوردن یا نخوردن را چنانچه با آن، قصد امر مطلوبی داشته باشد، مثل اینکه نذر می‌کند غذا بخورد تا برای عبادت خداوند نیرو پیدا کند یا کم بخورد تا شهوت خود را کنترل کند، اشکال ندارد ولی نذر کار خلاف یا کار مباحی که هیچگونه رُجحانی ندارد صحیح نیست.[۳]

۶ ـ اگر انسان نذر کند کاری را انجام دهد، باید همان طور که نذر کرده عمل کند؛ پس اگر نذر کند روز اول ماه روزه بگیرد، چنانچه روز قبل یا بعد از آن به جا آورد، کفایت نمی‌کند.[۴]

۷ ـ اگر نذر کند که به فقیر معینی صدقه بدهد، نمی‌تواند آن را به فقیر دیگری بدهد و اگر آن فقیر بمیرد، بنابر احتیاط باید به ورثه او صدقه بدهد.[۵]

۸ ـ اگر نذر کند که به زیارت یکی از امامان علیهم‌السلام برود، چنانچه به زیارت امام دیگر برود، کافی نیست و چنانچه به سبب عذر نتواند آن امام را زیارت کند، چیزی بر او واجب نیست.[۶]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۲۶۴۴. به فتوای برخی از فقها، نذر زن اگر با حق شوهر منافات نداشته باشد نیاز به اجازه شوهر ندارد.
۲ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۶۴۷.
۳ ـ تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الایمان والنذور، ص ۱۱۸، م ۵.
۴ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۶۵۱.
۵ ـ همان، م ۲۶۵۹.
۶ ـ همان، م ۲۶۶۰.

۹ ـ اگر برای حرم یکی از امامان علیهم‌السلام یا امامزادگان چیزی نذر کند، باید آن‌را به مصارف حرم برساند، از قبیل فرش، پرده و روشنایی.[۱]

۱۰ ـ اگر برای خود امام علیه‌السلام یا امامزاده چیزی نذر کند، چنانچه مصرف معینی را قصد کرده، باید به همان مصرف برساند و اگر مصرف معینی را قصد نکرده، باید به فقیران و زائران بدهد یا مسجد و مانند آن بسازد و ثواب آن‌را به امام علیه‌السلام هدیه کند.[۲]

استفتاء

س ـ کسی که نذر کرده مبلغی در موردی نظیر اطعام و غیره صرف نماید، آیا می‌تواند این مبلغ را به یکی از حساب‌های ضروری‌تر، نظیر جبهه یا جنگ‌زدگان واریز نماید؟

ج ـ اگر نذر با صیغه معتبر شرعی بوده، باید بر طبق نذر عمل شود و اگر صیغه نداشته، اختیار با خود شماست.[۳]

کفّاره تخلّف نذر

اگر انسان بدون عذر به نذر خود عمل نکند کفّاره واجب می‌شود؛ یعنی باید:

* یک برده آزاد کند.
* یا به شصت فقیر طعام دهد.
* یا دو ماه پی‌درپی روزه بگیرد که حداقل ۳۱ روز آن باید پی‌درپی باشد.[۴]

عهد

عهد، پیمانی است که به سبب آن مکلّف خود را ملزم می‌کند برای خدا کاری را انجام دهد.

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۲۶۶۲.

۲ ـ همان، م ۲۶۶۳.

۳ ـ استفتاآت، ج ۲، ص ٤٦٤، س ۲۰.

٤ ـ توضیح‌المسائل، م ۲٦٥٤. به فتوای برخی از فقها، کفاره تخلّف نذر همان کفاره تخلف قسم است.

۱ ـ در عهد ـ مانند نذر ـ نیت به تنهایی کافی نیست بلکه باید صیغه خوانده شود و صیغه آن «عاهدتُ الله » یا «عليّ عهد الله» است یا به فارسی بگوید: «با خدا عهد می‌بندم که فلان کار را انجام دهم».[۱]

۲ ـ عهد نیز مانند نذر ممکن است بدون شرط باشد یا با شرط و چنانچه مشروط باشد تا وقتی که شرط تحقق نیافته عمل به عهد واجب نیست، مثلاً اگر بگوید با خدا عهد بستم که اگر از این بیماری شفا یافتم سه روز روزه بگیرم، پس از شفا یافتن، روزه گرفتن بر او واجب می‌شود.[۲]

۳ ـ آنچه را که عهد می‌بندد لازم نیست طاعت خدا باشد، بلکه اگر مباح هم باشد اشکال ندارد ولی اگر عهد بندد که کار حرام یا مکروهی را انجام دهد یا کار واجب یا مستحبی را ترک کند، صحیح نیست.[۳]

٤ ـ اگر انسان به عهد خود عمل نکند کفاره بر او واجب می‌شود که همان کفاره افطار عمدی روزه ماه رمضان است.[۴]

قَسم

۱ ـ اگر کسی به یکی از اسامی خداوند عالم که به غیر از ذات مقدس او گفته نمی‌شود؛ مانند «خدا» و «الله» قسم بخورد که کاری را که حرام یا مکروه نباشد انجام دهد یا کاری را که واجب یا مستحب نیست ترک کند؛ مثلاً سوگند بخورد که روزه بگیرد یا سیگار نکشد، واجب است به آن عمل کند.[۵]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۲، القول في العهد، ص ۱۲٤.

۲ ـ همان.

۳ ـ همان.

٤ ـ همان.

۵ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۶۷۰ و ۲۶۷۱.

٢ - کسی که قسم می‌خورد باید این شرایط را داشته باشد:

* بالغ و عاقل باشد.

* از روی قصد و اختیار قسم بخورد.

* اگر می‌خواهد نسبت به مال قسم بخورد، حاکم شرع او را از تصرف در اموالش ممنوع نکرده باشد.[1]

٣ .اگر عمداً به سوگند خود عمل نکند، باید کفّاره بدهد وکفّاره آن یکی از این سه چیز است:

* آزاد کردن یک برده.

* طعام دادن به ده فقیر.

* پوشاندن ده فقیر؛ یعنی به هرکدام یک دست لباس دادن.

اگر هیچکدام از اینها را نتواند انجام دهد، باید سه روز روزه بگیرد.[2]

٤ .کسی که قسم می‌خورد - چه از گذشته خبر دهد یا برای آینده باشد - اگر حرف او راست باشد، قسم خوردن او مکروه است و اگر دروغ باشد، حرام و از گناهان بزرگ است.[3]

پرسش

١ .نذر مطلق و مشروط را با ذکر مثال توضیح دهید.

٢ .کفاره تخلّف نذر، همان کفاره . . . . است.

٣ .شخصی گفته است: «خدایا اگر در امتحان قبول شدم یک ماه روزه می‌گیرم» آیا پس از قبولی، یک ماه روزه بر او واجب است؟ چرا؟

٤ .آیا قسم خوردن به قرآن، احکام قسم به الله را دارد؟

٥ .تفاوت کفاره نذر و قسم چیست؟

---

١ .تحریرالوسیله، ج ٢، کتاب الایمان والنذور، ص ١١٣، م ٨ .

٢ .همان.

٣ .همان، ج ٢، ص ١١٦، م ١٧؛ توضیح المسائل، م ٢٦٧٥.

درس ٦٩

بانک و بورس

بانک

امروزه می‌توان بانک را به عنوان یک مؤسسه فعال اقتصادی در تمام جهان نامید که برنامه و سیاست‌های پولی کشورها و در آمدها و معاملات مالی و ذخایر آنها به بانک پیوند خورده به طوری که جدا کردن آن از سیستم اقتصادی جهان شاید امری غیرممکن باشد. از آنجا که طراحان اصلی و مجریان و دست اندرکاران مؤسسات مالی جهانی از جمله بانک ها اغلب غیرمسلمان بوده‌اند، مقررات بانکی در جهان نیز خالی از اشکال نیست و بهره پولی یا به تعبیر دیگر ربا یکی از ارکان اصلی درآمدزایی برای بانک‌ها و همچنین سپرده گذاران در بانک‌ها بوده و هست امّا در کشور ایران طبق قانون مجلس شورای اسلامی مصوب ۸ شهریور ۱۳٦۲ مقررات بانک بدون ربای جمهوری اسلامی ایران با اهداف ذیل تدوین شده است:

۱- استقرار نظام پولی و اعتباری براساس حق و عدالت و گردش پول برای رسیدن به اقتصاد سالم اسلامی و رشد آن .
۲- تلاش در راه تحقق اهداف و سیاست‌ها و برنامه های اقتصادی جمهوری اسلامی
۳- ایجاد تسهیلات لازم برای توسعه دایره تعاونی‌ها و قرض الحسنه از طریق جذب و جلب وجوه آزاد و پس اندازها و سپرده‌ها.

در این درس به طور اجمال و کلّی به بررسی عملکرد بانک‌ها می‌پردازیم.

قراردادهایی که بین بانک و افراد سپرده‌گذار یا وام‌گیرنده برقرار می‌شود و همچنین سایر فعالیت‌های اقتصادی بانک‌ها، اگر مطابق یکی از قراردادهای شرعی باشد، جایز است و اشکالی ندارد.[1]

سپرده‌گذاری در بانک

پولی که به بانک داده می‌شود، ممکن است یکی از عناوین زیر را داشته باشد:

الف. قرض بدون سود (قرض‌الحسنه): بدون اشکال است و بانک می‌تواند در آن پول تصرف کند اشکال ندارد.

ب. قرض به شرط سود: نه به عنوان شرکت یا مضاربه یا قراردادی دیگر: در این صورت هرچند اصل قرض صحیح است و بانک می‌تواند در آن پول تصرف کند، ولی قرارداد سود، باطل و پرداخت و دریافت آن حرام است و این همان «ربای قرضی» است.

ج. ودیعه و امانت: که در این صورت تصرف در آن پول باید با اجازهٔ صاحب سپرده باشد و اگر بانک چیزی اضافه بر ودیعه به صاحب آن بپردازد (بدون شرط قبلی)، حلال است.

د. نه قرض و نه ودیعه یا امانت: بلکه به صورت سرمایه‌گذاری کوتاه مدت و دراز مدت مطابق یکی از قراردادهای شرعی؛ مانند مضاربه، مزارعه، مساقات، اجاره، جعاله یا شرکت باشد و مطابق همین قراردادها نیز عمل شود: در این صورت سودی که به صاحب پول داده می‌شود، حلال است.

استفتاء

س – سودی که بانک ها به پس انداز ها می‌دهند حلال است یا حرام؟ و اگر حرام است چرا دولت مردم را به گذاشتن پول در بانک ها تشویق می‌کند؟

ج- سپردن پول به بانک اشکال ندارد ولی بهره پول ربا و حرام است و گرفتن آن جایز نیست و اگر گرفته و از برگرداندن به صاحب واقعی آن مأیوس است از طرف او به فقرا صدقه بدهد.[2]

---

١ – تحریرالوسیله، ج ٢، المسائل المستحدثه، ص ٦٤٦، م ٢ ؛ توضیح المسائل، م ٢٨٥٣.

٢ – استفتاآت، ج٢، ص ١٤٣.

وام بانکی

۱- آنچه مردم از بانک به عنوان وام (قرض الحسنه) دریافت می‌کنند چنانچه قرض بدون سود باشد، یعنی شرط پرداختن سود نشده باشد وبنای براین هم نباشد، حلال است و قرض گیرنده‌ی می‌تواند در آن تصرف کند، مگر آنکه بداند پولی که دریافت کرده تمام یا مقداری از آن حرام است در این صورت تصرف در آن جایز نیست، ولی اگر بداند در بانک پول‌های حرامی هست و احتمال بدهد که شاید پولی را که گرفته از حرام باشد، اشکالی ندارد و تصرف در آن جایز است.[۱]

۲- اگر برای وام قرض الحسنه سودی قرار داده باشند، چه آنکه هنگام گرفتن وام طرفین تصریح به آن بکنند یا قانون بانک این باشد که کسانی که از بانک قرض می‌گیرند سودی بدهد (هرچند شرط نشود) داد و ستد قرض براساس آن قانون صورت بگیرد، قرض صحیح است و آن سود حرام است[۲].

۳- اگر شخصی پولی را به بانک قرض داده باشد (حساب قرض الحسنه) بدون آنکه شرط سود گرفتن باشد یا بنابر پرداختن سود باشد و بانک خودش چیزی اضافه بدهد، گرفتن آن جایز است و همچنین اگر شخص وام گیرنده به بانک چیزی اضافه بر قرض (بدون شرط) بپردازد.[۳]

کارمزد[۴]

گرفتن کارمزد برای کارهایی که بانک انجام می‌دهد از قبیل اخذ اسناد و ثبت آنها و صدور دفترچه و اجاره ساختمان و حقوق کارمندان و غیره، در صورتی که حیله‌ای

---

۱ - تحریرالوسیله، ج۲، المسائل المستحدثه، ص ٦٤٦، م ۱ و توضیح المسائل، م ۲۸۵۳.

۲ - همان، م ٤.

۳ - همان، م ٥.

٤ کار مزد، کلمه ای مقلوب است و همان مزد کار است.

برای فرار از ربا و بهرهٔ پول نباشد، جایز است.[1]

استفتاء

س –وام هایی که از طرف صندوق داده می‌شود نوعاً صدی یک به عنوان کارمزد گرفته می‌شود، چنانچه صندوق درآمد دیگری داشته باشد، در این صورت کارمزد گرفتن چه صورت دارد؟

ج: اگر واقعاً حق الزحمه و کارمزد به مقدار متعارف می‌گیرند مانع ندارد، ولی مجرّد تغییر اسم، بهره را حلال نمی کند.[2]

دریافت تسهیلات بانکی

پولی که بانک به افراد یا مؤسسات می‌پردازد، اگر قرض بدون سود یا مطابق یکی از قراردادهای شرعی باشد، مثلاً قرارداد مضاربه بین بانک و آن فرد یا مؤسسه باشد، اشکال ندارد.[3]

۴. اگر بانک برای نگهداری پول افراد یا سایر خدماتی که به آنها می‌دهد مزدی دریافت کند، مثلاً پولی را می‌گیرد و حواله می‌کند تا صاحب پول آن را از شعبه‌ای دیگر یا بانکی دیگر دریافت کند و در مقابل این خدمت مبلغی از وی می‌گیرد اشکال ندارد، هرچند مزد خود را از همان پول بردارد و فرقی نیست که بانک، پول را به عنوان قرض بگیرد یا به عنوانی دیگر.[4]

چک

۱- چک‌های بانکی مانند سایر اوراق تجاری مالیّت ندارد، بلکه نشانگر مبلغ معینی در بانک است و خرید و فروش آن جایز نیست، آری چک تضمینی مانند

---

۱ تحریرالوسیله، ج ۲، المسائل المستحدثه ، م ۱۲.

۲ – استفتاآت، ج۲، ص ۱٤۳.

۳ – تحریرالوسیله، ج ۲، المسائل المستحدثه، م ۳ و ٤ و توضیح المسائل ، م ۲۸٥٤ تا ۲۸٥۷.

٤ – همان.

اسکناس، از اوراق نقدی است و خرید و فروش آن صحیح است و کسی که آن را تلف کند ضامن است.[1]

۲- اگر طلبکار مبلغ چک مدّت دار را به طور نقدی به قیمت کمتر به بدهکار بفروشد، اشکال ندارد؛ ولی فروش آن به شخص سوم به قیمت کمتر صحیح نیست.[2]

سفته

۱- سفته پول نیست و معامله بر خود آن واقع نمی شود و با دادن آن به طلبکار، ادای دَین یا پرداخت قیمت کالا محسوب نمی شود، بر خلاف پول که معامله بر خود آن واقع می‌شود.[3]

۲- کسی که سفته در اختیار دارد، اگر از دیگری پول قرض بگیرد و سفته بدهد که در وعدهٔ مقرر بیشتر از آنچه قرض گرفته بدهد ربا و حرام است؛ ولی اصل قرض صحیح است؛ یعنی قرض گیرنده می‌تواند در آن پول تصرف کند.[4]

پول

۱.معاوضه نقدی پول اشکال ندارد؛ مثلاً یکصد هزار تومان را با هزار دینار معاوضه کند و اضافه گرفتن در این فرض ربا محسوب نمی‌شود. اما اگر قرض بدهد و اضافه بگیرد ربا و حرام است.[5]

۲. خرید و فروش پول از یک نوع مثل آنکه ۱۰۰ هزار تومان را به ۱۰۵ هزار تومان بفروشد، چنانچه غرض عقلایی در آن باشد، مثلاً آنکه پول نو را به پول کهنه

---

۱ - تحریرالوسیله، ج۲، المسائل المستحدثه، ص ٦٤٨، م ۱۱.

۲ .استفتاآت؛ ج۲، ص ۱۷۵، س ۲۲۵. به فتوای برخی از فقها، اگر چک صوری نباشد و در قبال بدهی واقعی شخص بدهکار صادر شده باشد، واگذاری آن به کمتر از قیمت درج شده اشکال ندارد.

۳ .توضیح المسائل، م ۲۸٤۰.

٤ .همان، م ۲۸٤۱.

۵ - توضیح المسائل، م ۲۸٤۵.

می‌فروشد، اشکال ندارد.[١]

بورس

گسترده شدن فعالیت اقتصادی بشر و دست یابی به فن آوری جدید تمام عرصه‌های زندگی وی را فرا گرفته و در بسیاری از موارد داد و ستدها از شکل سنتی و متداول قدیمی بیرون آمده و اشکال جدیدی به خود گرفته، که در حقیقت تبدل موضوع یا پدید آمدن موضوع جدیدی است که با تطبیق احکام شرعی بر آنها وظیفهٔ مکلفان روشن خواهد شد که در صورت مجاز بودن آنها می‌توانند اقدام کنند و سودی به دست آورند و در صورت عدم جواز باید از آن پرهیز کنند.

تعریف بورس

«بورس» واژه‌ای فرانسوی (برگرفته از یک نام یونانی است) و در اصطلاح به نوعی معامله گفته می‌شود که در آن اسناد، اوراق مالی، پول‌های کشورهای مختلف، فلزات، طلا و نقره و امثال آنها مبادله می‌شود، این واژه به طور معمول همراه با اضافه به کار می‌رود؛ مانند بورس اوراق بهادار، بورس فلزات، بورس جواهرات؛ و اگر به صورت مطلق استفاده شود، منظور بورس اوراق بهادار است.[٢]

به طور کلی فعالیت در بورس و خرید سهام و تعیین سود سالانه برای آن بر طبق مصوبه مجلس شورای اسلامی که به تأیید شوارى نگهبان قانون اساسی رسیده انجام می‌گیرد محکوم به صحّت و حلیت است.

---

١. همان.

٢. ابزارهای مالی اسلامی، سید عباس موسویان، ص ٣٢، به نقل از نگرش اسلام به فعالیت‌های بازار بورس اوراق بهادار، غلامرضا سرآبادی.

اوراق قرضه

ورقه قرضه، ورقه بهادار قابل معامله است که معرّف مبلغی وام با بهره می‌باشد که کلاً یا جزءاً در موعد یا مواعد تعیین شده باید توسط ناشر به دارنده‌اش مسترد گردد، ممکن است ورقه قرضه علاوه بر بهره، حقوق دیگری نیز به همراه داشته باشد.[١]

پرسش

١. جوایزی که بانک‌ها به صاحبان حساب‌های قرض‌الحسنه می‌دهند، چه حکمی دارد؟

٢. سپرده گزاری در بانک در چه صورتی صحیح است؟

٣. دو نمونه از قراردادهای شرعی که بر اساس آن افراد می‌توانند تسهیلات دریافت کنند با ذکر مثال توضیح دهید.

٤. تفاوت فروش و مبادله اسکناس با فروش چک چیست؟

٥. فعالیت در بورس اوراق بهادار در چه صورتی می‌تواند بدون اشکال باشد؟

٦. کارمزد نادرست کدام است؟ توضیح دهید.

---

١. ابزارهای مالی اسلامی، سید عباس موسویان، ص ٣٢، به نقل از نگرش اسلام به فعالیت‌های بازار بورس اوراق بهادار، غلامرضا سرآبادی، ص ٣٣.

فصل هشتم:

روابط اجتماعی

- ارتباط با همنوعان
- آداب زندگی

درس ۷۰

ارتباط با همنوعان (۱)[1]

ارتباط با همنوعان یکی از مظاهر وحدت امت اسلامی است، در آموزه های دینی، به ویژه احکام فقهی، دستور العمل های زیادی برای حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه و همچنین برطرف کردن اختلافات وارد شده است، که از جمله آن ها دستور ارتباط با سایر انسان ها به ویژه مؤمنان و خویشاوندان است که برای هر کدام نیز حقوق متقابلی را قائل است.

در یک دسته بندی مختصر می‌توان آن دستورالعمل‌ها را به ترتیب اولویت اینگونه مرتب کرد.

۱. حفظ کانون خانواده و ارتباط با والدین، فرزندان و برادران و خواهران.
۲. ارتباط با ارحام و پرهیز از قطع ارتباط با آنان.
۳. مراعات حقوق همسایگان.
٤. مراعات حال اهل بَلَد و محل سکونت.

۱.برای طلاب پایه اول، می‌توان از تدریس این درس صرف نظر کرد و آن را به مطالعه شاگردان واگذار کرد.

۵. مراعات حقوق همکیشان. (اهل اسلام و ایمان)

۶. ارتباط صحیح و سالم با همنوعان (انسان ها، غیر دشمنان)

پس از این شش مرتبه و جدای از این گروه‌ها دشمنان قرار دارند که آنان نه تنها حقوقی ندارند بلکه به شدت باید مراقب توطئه ها و فتنه گری های آنان بود تا از ایذاء و ستم آنان در امان بود و چنانچه به تحرکی علیه مسلمانان دست زنند به دفع و مقابله با آنان پرداخت.

در این بخش به طور مختصر به بخشی از حقوق این افراد پرداخته می‌شود.

حقوق والدین

۱. حفظ احترام پدر و مادر واجب و هر گونه بی احترامی به آنان حرام است.

۲. یکی از گناهان کبیره عقوق والدین است، یعنی آزار رسانی و فراهم کردن اسباب ناخشنودی آنان.

۳. پدر و مادر و حتی جدّ و جدّه جزو افراد واجب النفقه هستند که در صورت نیاز و ناتوانی از تأمین هزینه زندگی، بر فرزند واجب است مخارج زندگی آنها را نیز تأمین کند.

استفتاء

س ۱: اختیارات پدر و مادر تا چه اندازه است آیا می‌توانند حتّی مانع افعال مستحبّ (مثل غسل مستحبّ) شوند یا نه؟

ج: احترام والدین لازم است و کاری که موجب اذیت آنها می‌شود باید ترک شود، ولی در انجام تکالیف شرعی اطاعت والدین لازم نیست.[1]

---

۱. استفتاآت؛ ج ۳، ص ۵۹۷، س ۸۷.

س ۲: اطاعت از پدر و مادر تا چه حدّ بر فرزند لازم است و آیا اجداد و جدّات هم حکم پدر و مادر را دارند؟

ج: در اموری که انجام [دادن] آن موجب ناراحتی آنها است از حیث شفقت پدر و مادری اطاعت شود و فرقی بین پدر و مادر و اجداد نیست.[1]

حقوق فرزندان

همانگونه که والدین بر فرزندان حقوقی دارند که مراعات آنها بر فرزندان لازم است، فرزندان نیز حقوقی دارند که والدین باید آنها را مراعات کنند که از نظر احکام شرعی، برخی مستحب است که در این بخش به تعدادی از حقوق واجب فرزندان بر والدین اشاره می‌شود.

۱ - شیر دادن به نوزاد بر مادر مستحب است اما در موارد ذیل واجب است:

۱. آغوز شیر (شیر دهی در روزهای اول تولد نوزاد)

۲. زمانی که نگهداری نوزاد با غذای غیر از شیر مادر ممکن نباشد، یا غذای دیگر برایش زیان داشته باشد.

۳. زمانی که شیر دهنده‌ای غیر از مادر وجود نداشته باشد.[2]

۲ - فرزندان واجب النفقه پدر و مادر هستند و واجب است در صورتی که بتوانند هزینه زندگی فرزندان و نوه‌ها و نتیجه‌های خود و فرزندان آنها را که فقیر باشند و توانایی کسب و کار ندارند بدهند، خواه کوچک باشد یا بزرگ، مسلمان باشد یا غیر مسلمان.[3]

۳ - تنها هزینه زندگی فرزند و اولاد فرزند بر پدر و مادر واجب است ولی هزینه زندگی همسر فرزندشان بر آنها واجب نیست.[4]

---

۱. ۱. استفتاآت؛ ج ۳، ص ٤۳۲، س ۸۵.
۲ .تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۱۲، م ۱۱.
۳ .همان، ص ۳۱۹، م ۱.
٤ .همان، ص ۳۲۱، م ۱۰.

٤ - بر ولی کودک واجب است او را ازکارهایی که باعث زیان خودش یا زیان دیگران است وکارهایی که ازنظر دین اسلام وجود آنها در جامعه ممنوع است مانند، زنا، لواط، غیبت و غنا جلوگیری کند.[1]

عقیقه

١ ـ عقیقه، گوسفند یا حیوان دیگری است که برای نوزاد ذبح می‌کنند.

٢ ـ مستحب است عقیقه پسر، حیوان نر و عقیقه دختر، حیوان ماده باشد.

٣ ـ مستحب است عقیقه را روز هفتم تولد کودک بدهند و اگر از روز هفتم تأخیر افتاد، همچنان مستحب است؛ حتی اگر فرزند بالغ شد و برایش عقیقه نداده باشند، مستحب است برای خودش عقیقه بدهد.

٤ ـ حیوان‌های عقیقه، گوسفند یا گاو و یا شتر است؛ یعنی همان حیوان‌هایی که می‌توان در حج ذبح کرد و زکات به آنها تعلق می‌گیرد وکفّاره محرّمات اِحرام عمره و حج است.

٥ ـ صدقه دادن پول حیوان به جای عقیقه هرچند مستحب است ولی عقیقه حساب نمی‌شود.

٦ ـ مستحب است، پاچه وران عقیقه را به «ماما» بدهند.[2]

٧ ـ درعقیقه مخیرند بین این‌که گوشت خام یا پخته شده را تقسیم کنند یا بپزند و عده‌ای از مؤمنین ـ حداقل ده نفر ـ را دعوت کنند و به آنها غذا بدهند.[3]

---

١ ـ العروة الوثقی، ج ١، ص ٧٤٢.

٢ ـ تحریرالوسیله، ج ٢، کتاب النکاح، في استحباب العقیقه، ص ٣١١، م ٩.

٣ ـ همان، م ١٠.

حقوق همسر

۱. از جمله حقوق زن بر شوهر خود در ازدواج دائم، تأمین مخارج زندگی (نفقه) اوست.[۱]

۲. مخارج زندگی مقدار معینی ندارد؛ بلکه بر شوهر واجب است آنچه را که همسرش در زندگی نیاز دارد ـ مانند خوراک، پوشاک، مسکن، لوازم منزل برای پخت و پز، خوردن، آشامیدن، نظافت، خوابیدن و استراحت کردن ـ تأمین کند.[۲]

۳. در پرداخت نفقه، فقیر بودن و نیاز همسر شرط نیست، بنابراین زن بر شوهر حق نفقه دارد، هرچند خودش درآمدی داشته باشد و جزء بی‌نیازترین مردم باشد.[۳]

٤. اگر شوهر مبلغی به صورت روزانه یا ماهانه برای مخارج مشترک زندگی در اختیار همسر می‌گذارد، او نمی‌تواند بدون اجازه و رضایت شوهر به دیگران هدیه یا صدقه دهد، ولی چنانچه مخارج خودش را به صورت وجه نقد می‌پردازد یا آن مبلغ را به او می‌بخشد یا برای مصرف به او اختیار کامل داده است، بخشش و صدقه و صرف در امور دیگر، نیاز به اجازهٔ او ندارد.[٤]

حقوق شوهر بر زن

۱. زنی که عقد دائمی شده، نباید بدون اجازهٔ شوهر از خانه بیرون رود، هرچند برای دیدن اقوام و خویشان و پدر و مادر باشد.[۵]

---

۱. تحریرالوسیله؛ ج۲، ص ۲۹۸، م۱، کتاب النکاح، فصل فی النفقات.
۲. همان، ص ۲۹۹، م۸.
۳. همان، ص ۳۰۲، م۱۹.
٤. تحریرالوسیله؛ ج۲، ص ۳۰۱، م۱۰ و ۱۲.
۵. توضیح المسائل؛ م ۲٤۱۲. به فتوای برخی از فقها، رضایت شوهر برای بیرون رفتن از منزل کافی است.

۲. اگر زن بدون اجازهٔ همسرش به سفری برود که بر او واجب نباشد، سفر معصیت است و باید در آن سفر نماز را تمام بخواند، ولی اگر مثل سفر حج واجب باشد، هرچند بدون اجازه برود سفر معصیت نیست و باید نماز را شکسته بخواند.[1]

بجز آنچه که گفته شد، زن و شوهر حقوق دیگری نیز دارند که در کتب مفصل فقهی آمده است.

پرسش

۱.آیا اطاعت از پدر و مادر در کارهایی که معصیت خدا نباشد واجب است؟
۲.در چه صورتی بر مادر واجب است نوزاد خودرا شیر بدهد؟
۳.آیا تامین هزینهٔ تحصیل همسر بر شوهر واجب است؟
۴.آیا زن می‌تواند از پولی که شوهرش برای هزینه زندگی در اختیارش قرار می‌دهد به دیگران هبه کند؟
۵. ادامه تحصیل دختر پس از ازدواج چه حکمی دارد؟

۱. توضیح المسائل؛ پس از مسألهٔ ۱۲۹۴.

درس ۷۱

ارتباط با همنوعان (۲)

ارتباط با ارحام

۱- ارتباط با اقوام نسبی (ارحام) مانند برادر و خواهر و عمو و عمه لازم است و قطع ارتباط کامل با آنان حرام است.

۲- ارتباط با ارحام به معنای رفت و آمد به منزل آنان نیست، هرچند اگر بتوانند رفت و آمد کنند و مستلزم ارتکاب حرام مثل اختلاط محرم و نامحرم نباشد و مفسده‌ای بر آن مترتب نشود، بسیار پسندیده است، اما با ارتباط تلفنی و احوالپرسی هم، این ارتباط محقق می‌شود ولی قطع رابطه کامل به طوری که مانند بیگانگان باشند، جایز نیست.[۱]

استفتاء

س۱. آیا انسان می‌تواند از نظر شرعی با خویشاوندانی که بی‌تقوا و بی‌نماز و ضد انقلابند، از قبیل پدر، مادر، خواهر و غیره قطع رحم نماید؟

ج: قطع رحم جایز نیست، ولی باید آنها را با مراعات موازین، امر به معروف و نهی از منکر نمایند.[۲]

---

۱. استفتاآت، ج۲، ص۴۸۸.

۲. همان، ج۱، ص ۴۸۸، س ۱۸.

مَحرم و نامحرم

محرم کسی است که درنگاه به او ونگاه او محدودیتی که برای نامحرم وجود دارد، نیست وازدواج با او حرام است، به جز همسرکه محرمیت او با ازدواج است و احکام خاص خود را دارد.

اسباب محرمیّت:
۱ .نسب (خویشاوندی پدری و مادری)؛
۲ .سبب (خویشاوندی با ازدواج)؛
۳ .رضاع (خویشاوندی با شیر خوردن).

محارم نسبی

هفت دسته از زن‌ها و مردها به سبب خویشاوندی نسبی با یکدیگر مَحرمند و نمی‌توانند با هم ازدواج کنند.

محارم پسرها و مردها

۱ .مادر و مادربزرگ، هرچه بالا رود؛
۲ .دختر و دختر فرزند، هرچه پایین رود (نوه، نتیجه، نبیره و...)؛
۳ .خواهر؛
۴ .خواهرزاده (دختر خواهر)؛
۵ .برادرزاده (دختر برادر)؛
۶ .عمّه (عمه خود و عمه پدر و مادر)؛
۷ .خاله (خاله خود و خاله پدر و مادر).[1]

دو مسأله

۱ – عمهٔ عمه و عمهٔ عمو و خاله‌ی خاله و خالهٔ دایی درصورتی که عمه و خاله پدر یا مادر نباشند، محرم نیستند؛ مثل اینکه عمهٔ انسان با پدر وی، فقط از طریق مادر منسوب باشد که در این صورت عمهٔ عمه، عمهٔ پدر نیست.[2]

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، صص ۲۶۳ و ۲۶۴.
۲ .همان.

۲ - به جز افراد مذکور و برخی افراد دیگر که به سبب شیر خوردن محرم می‌شوند،[1] زن‌ها و دخترهای دیگر نامحرمند، حتی همسر برادر و خواهر همسر، اگرچه ازدواج با خواهر زن تا مدتی که خواهرش همسر اوست حرام است؛ یعنی ازدواج با دو خواهر جایز نیست، مگر اوّلی را طلاق بدهد یا از دنیا برود.[2]

محارم دخترها و زنان

۱ .پدر و پدربزرگ، هرچه بالا رود؛

۲ .پسر و پسر فرزند، هرچه پایین رود (نوه، نتیجه، نبیره و...)؛

۳ .برادر؛

٤ .خواهرزاده (پسرخواهر)

٥ .برادرزاده (پسر برادر)؛

٦ .عمو (عموی خود و عموی پدر و مادر)؛

۷ .دایی (دایی خود و دایی پدر و مادر).[3]

یاد آوری

عمویِ عمو و عمویِ عمّه و دایی دایی و داییِ خاله، اگر عمو و عمّه و دایی و خاله پدر یا مادر انسان نباشند، محرم نیستند.

محارم سببی

● افرادی که به سبب ازدواج، بر پسرها و مردها محرم می‌شوند، عبارتند از:

۱ - همسر؛

۲ .مادرِ همسر و مادر بزرگ او؛

۳ .دختر همسر، هر چند دختر خودش نباشد و نوه او.[4]

---

۱ .در ادامه همین درس خواهد آمد.

۲ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، ص ۲۸۰، م ۱۵.

۳ .همان، صص ۲٦۳ و ۲٦٤.

٤ .دختر همسر در صورتی محرم می‌شود که با آن زن آمیزش کرده باشد و عقد به تنهایی سبب محرمیّت نمی‌شود ولی برای محرمیّت پسرشوهر بر همسر این شرط نیست.

۴ .زن پدر (نامادری)؛

۵ .زن پسر (عروس).[1]

● افرادی که با ازدواج بر دخترها و زن‌ها محرم می‌شوند، عبارتند از:

۱ .شوهر؛

۲ .پدرشوهر و پدربزرگ‌های او؛

۳ .پسر شوهر، هر چند فرزند خودش نباشد و نوه او؛

۴ .شوهر مادر؛[2]

۵ .شوهر دختر (داماد).[3]

به جز این افراد و برخی که به سبب شیر خوردن محرم می‌شوند، دیگر مردها نامحرمند، حتی شوهر خواهر و برادر شوهر.[4] ولی چنان که گذشت ازدواج با شوهر خواهر حرام است؛ مگر وقتی که خواهر بمیرد یا از شوهرش طلاق بگیرد.

محارم رضاعی

اگر کودکی با شرایطی که خواهد آمد، از زنی شیر بخورد، موجب محرمیت برخی افراد می‌شود.

شرایط شیردادنی که سبب محرمیت می‌شود:

*کودك، شیر زن زنده را بخورد؛

* شیر آن زن از حرام نباشد (شیر مادری که از زنا حامله شده سبب محرمیت نمی‌شود)؛

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، القول في المصاهرة، ص ۲۷۷، م ۱.

۲ .به شرط آنکه آن زن و شوهر با هم آمیزش کرده باشند.

۳ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، القول في المصاهرة، ص ۲۷۷، م ۱.

۴ .همان، ص ۲۸۰، م ۱۵.

□ *کودک، شیر را از پستان بمکد (اگر بدوشند و به او بدهند سبب محرمیت نمی‌شود)؛

* شیر خالص باشد (با چیزی مخلوط نکرده باشند)؛

* دو سال بچه تمام نشده باشد (یعنی ۲۴ ماه قمری)؛

* شیر، از یک شوهر باشد (زنی که از شیر خود کودکی را چند مرتبه شیر دهد، بعد شوهر دیگری اختیار کند و از آن شوهر نیز شیردار شود و شیر دادن را تکمیل کند، سبب محرمیت نمی‌شود)؛

*کودک، به سبب بیماری شیر را قی نکند؛

* حداقل یک شبانه‌روز شیر سیر بخورد و در بین آن، غذا یا شیر زن دیگری را نخورد یا پانزده مرتبه شیر بخورد و در بین پانزده مرتبه، شیر زن دیگری را نخورد. یا مقداری شیر بخورد که باعث رویش گوشت و محکم شدن استخوان کودک شود.[1]

اگر کودکی که شیر خورده، پسر باشد با این افراد مَحرم می‌شود:

۱ ـ زنی که به او شیر داده؛

۲ – مادر و مادربزرگ آن زن؛

۳ – خواهران آن زن؛

۴ – دختران و نوه‌های او؛

۵ – عمه و خاله او.

شوهر آن زن که از او شیردار شده نیز پدر رضاعی این کودک به حساب می‌آید. بنابراین، زنانی که با آن شوهر محرم هستند با این کودک محرم می‌شوند، مثلاً خواهر او عمه این کودک است.[2]

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۶۵؛ توضیح المسائل، م ۲۴۷۴. به فتوای برخی از فقها، علاوه بر شرایط ذکر شده، شیر آن زن از ولادت باشد، بنابراین اگر بدون تولد فرزندی شیردار بشود و کودک از آن شیر بخورد، سبب محرمیّت نمی‌شود. و همچنین اگر شیر را در گلوی بچه بریزند احتیاط آن است که با آن زن و محارم او ازدواج نکند.

۲ ـ تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، القول في الرضاع، ص ۲۶۸، م ۷.

اگر کودکی که شیر خورده، دختر باشد، با این افراد محرم می‌شود:

۱ - شوهر زنی که کودک را شیر داده و شیر از اوست؛

۲ - پدر آن شوهر؛

۳ - پسرها و نوه‌های او؛

۴ - برادران او؛

۵ - عمو و دایی او؛

۶ - برادران زن شیرده؛

۷ - فرزندان و نوه‌های آن زن؛

۸ - پدر و پدر بزرگ‌های او؛

۹ - عمو و دایی او.

زنی که به او شیر داده مادر رضاعی او به حساب می‌آید.

افرادی که گفته شد، فقط به کودکی که شیر خورده است محرم می‌شوند، نه با خویشاوندان او، حتی به پدر و مادر و برادران و خواهران وی هم محرم نمی‌شوند.[1]

پرسش

۱. در چه صورتی قطع ارتباط کامل با اقوام و خویشان واجب می‌شود؟

۲. آیا امکان دارد دو نفر نسبا و سببا با هم محرم باشند؟ چرا؟

۳ .تمام افرادی که ممکن است به یک پسر محرم باشند چه کسانی هستند؟

۴ .شخصی دو پسر و یک دختر شیرخوار دارد، دخترش از مادری که دارای دو دختر و یک پسر شیرخوار است شیر می‌خورد، آیا برادران آن دختر با خواهران آن پسر و همچنین مادر او محرم هستند یا نه؟

۵ .کدام یک از این افراد محرمند؟ مادر بزرگ همسر، خواهر زن، خاله و عمه همسر، زن برادر، زن پدر، مادرزن پدر.

---

۱ .همان.

درس ۷۲

ارتباط با همنوعان(۳)

﴿ وَاللهُ أَخْرَجَكُم مِنْ بُطُونِ أُمَّهاتِكُمْ لاتَعْلَمُونَ شَيئاً وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴾

وخداوند شما را از شکم مادرانتان، درحالی که چیزی نمی‌دانستید، بیرون آورد، و برای شما گوش و چشمان و دل‌ها قرار داد، باشد که سپاسگزاری کنید. [۱]

ارتباط با نامحرم

ارتباط با نامحرم به یکی از شکل های زیر متصور است:

* ارتباط ذهنی
* ارتباط نوشتاری
* ارتباط گفتاری
* ارتباط دیداری
* تماس بدنی

---

۱ . نحل: ۷۸

ارتباط ذهنی با نامحرم

فکر کردن در مورد نامحرم و تخیل و تصور او و علاقه مند شدن به وی، چنانچه از روی لذت و شهوت باشد یا موجب تحریک شود حرام است. اما صرف تفکر و تخیل و به ذهن آوردن نامحرم اشکال ندارد و علاقه‌مندی نیز اگر به جهت علم، ایمان، شجاعت و امثال اینها باشد حرام نیست.

ارتباط نوشتاری وگفتاری

ارتباط نوشتاری و گفتاری با نامحرم چه از طریق تماس تلفنی یا پیامک و نامه یا اینترنت و فضای مجازی باشد یا گفت‌و‌گوی حضوری، چنانچه مطالبی که ردّ و بدل می‌شود:

* باطل و مبتذل باشد.
* تحریک کننده شهوت جنسی باشد.
* به قصد لذت و شهوت باشد.
* یا مفسده‌ای برآن مترتب شود.

حرام است و در غیر این صورت، مثل سؤال علمی، یا گفت و گوی متعارف بین زن و مرد متدین، اشکال ندارد.

ارتباط دیداری

یکی از نعمت‌های الهی، قدرت بینایی است، انسان باید از این نعمت بزرگ در راه کمال و ترقّی خود و همنوعان استفاده کند و آن را از نگاه به نامحرمان بازدارد، ولی حفظِ دیده از نگاه به دیگران و حفظ خود از نگاه نامحرمان، احکام خاصی دارد که در این بخش به برخی از آنها می‌پردازیم:

احکام نگاه کردن

۱ .زن و شوهر به تمام بدن یکدیگر می‌توانند نگاه کنند، هرچند برای لذّت بردن باشد.[1]

۲ .به جز زن وشوهر، نگاه‌کردن به دیگران، حتی به غیر انسان مثل فیلم وعکس اگر برای لذّت بردن باشد حرام است، خواه همجنس باشد مانند نگاه مرد به مرد دیگر ویا غیر همجنس مانند نگاه مرد به زن، و خواه از محارم باشد یا غیرمحارم و به هر جای بدن باشد همین حکم را دارد.[2]

حکم نگاه
- **۱- به محارم**
  - همسر ← مانع ندارد
  - غیرهمسر
    - با قصد لذت ← حرام
    - بدون قصد لذت ← به غیرعورتین مانع ندارد.
- **۲- به غیرمحارم**
  - با قصد لذت ← حرام
  - بدون قصد لذت
    - به صورت و دست ها تا مچ ← مانع ندارد.
    - به غیرصورت و دست ها[3] ← حرام[4]

۳ .معالجه زن یا مرد نامحرم توسط جنس مخالف، درصورتی‌که پزشک همجنس نباشد و ناچارباشد اورا نگاه کند و دست به بدن اوبزند اشکال ندارد، ولی اگر با نگاه

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۴۳ م ۱۵ تا ۱۹.

۲ .همان.

۳ .طبق فتوای برخی از مراجع معظم تقلید، نگاه کردن زن به موی سر و گردن مرد نامحرم به مقداری که به طور متعارف نمی‌پوشانند، بدون قصد لذت اشکال ندارد.

٤ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، صص ۲٤۲، ۲٤۳، ۲٤٤، م ۱۵ تا ۱۹؛ استفتاآت، ج ۳، ص ۲۸۵، س ۱ و ٦؛ توضیح‌المسائل، م ۲٤۳۳. به فتوای برخی از فقها، مرد و زنی که با هم محرم هستند، حتی بدون قصد لذت نباید به بدن دیگری از ناف تا زانو نگاه کنند. و به فتوای برخی از فقها، بنا بر احتیاط، مرد نباید به صورت و دست زن نامحرم بدون قصد لذت نگاه کند.

اگر با نگاه کردن بتواند معالجه کند نباید دست به بدن او بزند و اگر با دست زدن بتواند معالجه کند نباید او را نگاه کند.[۱]

٤ - نگاه کردن به زن غیر مسلمان، بدون قصد لذت اشکال ندارد و احتیاط آن است که به جاهایی از بدن که به طور متعارف نمی‌پوشانند اکتفا شود.[۲]

□ ٥ .مردی که تصمیم دارد با زنی ازدواج کند می‌تواند به او نگاه کند به شرط آنکه:

* با قصد لذت نگاه نکند و هدف او ازدواج باشد.
* احتمال توافق ازدواج را بدهد.
* زنی باشد که اکنون بتواند با او ازدواج کند؛ مثلاً شوهردار یا در عدّه نباشد.
* با نگاه کردن شناختش نسبت به وی افزوده شود.

با شرایطی که گذشت، مرد می‌تواند به تمام بدن زن مورد خواستگاری (به جز عورت) نگاه کند، اگرچه احتیاط مستحب آن است که تنها به صورت و دست‌ها و زیبایی‌های او اکتفا کند و همچنین مستحب است که از پشت لباس نازک نگاه کند.[۳]

٦ - لمس بدن نامحرم حرام است حتی لمس دست و صورت، بدون قصد لذت.[۴]

□ ٧ .زن و مرد نامحرم نمی‌توانند به هم دست بدهند (مصافحه کنند) مگر از روی لباس، که در آن صورت هم بنابر احتیاط واجب نباید دست یکدیگر را بفشرند.[۵]

دو مسأله

۱ .نگاه کردن به عکس نامحرمی که حجاب لازم را رعایت نکرده، در صورتی که صاحب عکس را نشناسد و مفسده‌ای نداشته باشد ـ مثلاً تحریک شهوت نکند ـ

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، ص ۲٤۳، م ۲۲؛ توضیح‌المسائل، م ۲٤٤۱.

۲ .همان، ص ۲٤٤، م ۲۷.

۳ .همان، ص ۲٤٥، م ۲۸. به فتوای برخی از فقها، از ناف تا زانوی او را نباید نگاه کند.

٤ .همان، ص ۲٤۳، م ۲۰.

٥ .همان. به فتوای برخی از فقها، در این فرض نیز جایز نیست.

اشکال ندارد.[۱]

۲ ـ نگاه به فیلم، حکم نگاه به‌شخص را ندارد و در صورتی که حجاب لازم را مراعات نکرده باشد و صاحب فیلم را نشناسد، نگاه به آن بدون قصد لذت، چنانچه مفسده‌ای نداشته باشد، مانع ندارد.[۲]

احکام پوشش (حجاب)

□ ۱ ـ برزن واجب است تمام بدن خود را از نامحرم بپوشاند؛ ولی پوشاندن صورت به مقداری که در وضو شسته می‌شود و دست‌ها تا مچ اگر آرایش و زیور نداشته باشد، واجب نیست.[۳]

۲ ـ انسان باید عورتین خود را از تمام افراد، به جز همسر بپوشاند.[۴]

۳ ـ بچه غیر ممیز از احکامی که در باب نگاه کردن و پوشش بیان شد، خارج است، ولی بنا بر احتیاط واجب زن باید بدن و موی خود را از پسری که بالغ نشده ولی خوب و بد را می‌فهمد و به حدّی رسیده که مورد نظر شهوانی است بپوشاند.[۵]

شرایط پوشش

لباس که انسان برای پوشاندن خود از نگاه نامحرم به تن می‌کند باید شرایط ذیل را داشته باشد:

* به مقدار لازم بدن را بپوشاند.

---

۱ ـ استفتاآت، ج ۳، ص ۲۵۹، س ٦.

۲ ـ همان.

۳ ـ تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، ص ۲٤٤، م ۲۳ ؛ استفتاآت، ج ۳، ص ۲٥٦، س ۳۲ و ۳۳. به فتوای برخی از فقها، صورت و دست‌ها نیز بنا بر احتیاط واجب باید از نگاه نامحرم پوشانده شود.

٤ ـ همان، م ۲٥.

٥ ـ همان، م ۲٦.

* نازک و بدن نما نباشد.

* برجستگی های بدن را بپوشاند.

* لباس شهرت نباشد.

* لباس جنس مخالف نباشد.

* مروّج فرهنگ ابتذال و دشمنان نباشد.

* لباس مردان، از حریر و زربفت نباشد.[1]

۱. پوشیدن لباس شهرت – چه برای مرد و چه برای زن – بنابراحتیاط جایز نیست؛ و لباس شهرت، لباسی است که پوشیدن آن برای انسان به خاطر رنگ یا کیفیّت دوخت یا مندرس بودن آن وعلّت‌های دیگر، مناسب نیست؛ به طوری که اگر آن را در برابر مردم بپوشد، توجّه آنان را به خود جلب نموده و انگشت نما می‌شود.[2]

۲. پوشیدن لباس مخصوص بانوان – مانند چادر – برای مردان و پوشیدن لباس مخصوص مردان – مانند کت و شلوار مردانه – برای بانوان، بنابراحتیاط واجب حرام است.[3]

۳. پوشیدن لباس‌هایی که ترویج کنندهٔ فرهنگ غیر اسلامی دشمن است، اشکال دارد.[4]

٤. پوشیدن لباس ابریشم خالص و زینت کردن به طلا – مثل آویختن زنجیر طلا به سینه، انگشتر یا حلقهٔ طلا به دست کردن – برای مردان حرام است.[5]

---

۱. رساله اجوبة الاستفتائات، صص ۳۰٤ و ۳۰۵.

۲. توضیح المسائل، م ۸٤۵؛ رساله اجوبة الاستفتائات، ص ۳۰٤.

۳. همان، م ۸٤٦.

٤. رساله اجوبة الاستفتائات، ص ۳۰۷، س ۱۳۷۷.

۵. توضیح المسائل، م ۸۳۲، شرط پنجم لباس نمازگزار.

حقوق همسایگان

مراعات حقوق همسایگان مورد تأکید و سفارش بسیار زیاد دین اسلام است، امیرمؤمنان علی علیه‌السلام فرمود: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آنقدر سفارش همسایه را می‌فرمود که تصور کردیم برای آنان سهمی از ارث قرار خواهد داد. [۱]

استفتاء

س ۱: مالک زمینی می‌خواهد در محلّهٔ مسکونی مغازه آهنگری بسازد، همسایه‌ها اعتراض کرده‌اند، ولی مالک توجّه نمی‌کند، هرچند آنان حاضر هستند در مسافتی دورتر برای این کار زمینی به او بدهند امّا او نمی‌پذیرد. لطفاً تکلیف شرعی را بیان فرمائید؟

ج: حق ندارند از ساختمان کردن مالک در ملک خودش جلوگیری کنند، ولی مالک باید از کاری که موجب اذیت یا ضرر همسایه باشد احتراز کند. [۲]

س ۲: در شهر ما رانندگانی هستند که اغلب دارای ماشین‌های سنگین بوده و غالباً ماشین‌های خود را در جلو خانه‌های خویش پارک می‌کنند و هر موقع از شب دلشان بخواهد ماشین را روشن کرده و یا احیاناً مشغول شست و شوی آن می‌شوند و خیابان و کوچه را آلوده می‌کنند، آیا شرعاً عمل آنها مجاز است یا خیر؟

ج: مزاحمت عابرین و همسایگان نباید بکنند. [۳]

س ۳: اگر درخت شخصی فضای ملک دیگری را اشغال نماید آیا صاحب ملک مجاز است همان مقدار از درخت همسایه را که به فضای ملک او وارد شده قطع نماید؟

ج: می‌تواند از صاحب درخت مطالبه رفع مزاحمت کند و اگر نکرد با مراجعه به محاکم صالحه، مقدار مزاحم را که داخل ملک او شده قطع نماید. [٤]

س ۴: همسایهٔ ما روی منزل خود دو طبقهٔ دیگر ساخته است، امّا به بهانهٔ این که یک متر حیاط خلوت به طرف حیاط ما دارد، در هر دو طبقه پنجره گرفته است و شیشه‌های

---

۱. نهج البلاغه، نامه شماره٤٧.

۲. رسالهٔ اجوبة الاستفتائات، ص ۵۹۹، س ٩٤.

۳. همان، ص ٦٠٠، س ٩٦.

٤. رسالهٔ اجوبة الاستفتائات، ص ٦٠١، س ٩٨.

پنجره را ساده انداخته که کاملاً بر حیاط ما اشراف دارد و آرامش ما را سلب کرده، آیا این همسایه چنین حقی را دارد یا نه؟

ج: ساختمان در ملک خودش اشکال ندارد، ولی چنانچه ساده بودن شیشه‌ها موجب مزاحمت همسایه است باید طوری عمل کند که مزاحمت مرتفع شود.[1]

حقوق میهمان

دعوت از مؤمنان به میهمانی مستحب است و در آموزه‌های دینی برای میهمان حقوقی وارد شده که از جمله آنهاست:

۱. اگر میهمان چند شب می‌ماند، مستحب است دو شب اول به خوبی از او پذیرایی کنند و در شب‌های بعد غذای او مانند اهل خانه است؛ یعنی هر چه برای اهل خانه مهیا می‌شود، بخورد و چیز اضافه‌ای برای او تهیه نکنند.

۲. ولیمه و میهمانی دادن در بازگشت از سفر حج، رفتن به خانه جدید و برای عروسی و عقیقه و ختنه فرزند، مستحب است.

۳. در میهمانی تنها از ثروتمندان دعوت کردن بدون آنکه از فقرا کسی دعوت شود، مکروه است.

٤. برای اهل شهر یا روستا مستحب است، کسی که به آن شهر یا روستا وارد می‌شود، تا وقتی که در آنجاست، از او پذیرایی کنند.

٥. مستحب است صاحب خانه برای میهمان غذا بیاورد و اگر غذا نخورد، آب یا نوشیدنی دیگر بیاورد.

٦. مستحب است میزبان غذای خوب برای میهمان بیاورد، ولی مکروه است خود را به زحمت بیندازد و بیش از توان خود چیزی تهیه کند، بلکه هر چه دارد، برایش بیاورد و از آنچه دارد، دریغ نکند.

---

۱. همان، ج ۲، ص ۵۸۲، س ۳۲.

۷. بر میزبان مستحب است برای آمدن میهمان او را کمک کند، ولی برای رفتن او را کمک نکند، مگر آنکه به کمک نیاز داشته باشد.

۸. بر میزبان مکروه است که آنچه را برای میهمان آورده، کم بشمارد و برای ناچیز بودن غذا عذرخواهی کند.

پرسش

۱. تماس تلفنی و ارسال پیامک به نامحرم چه حکمی دارد؟
۲. دیدن فیلم‌هایی که زنان بی‌حجاب یا بدحجاب در آن نقش ایفا می‌کنند، چه حکمی دارد؟
۳. از کدام یک از شرایط لباس، حفظ استقلال مسلمانان استفاده می‌شود؟
٤. لباس شهرت چه لباسی است و آیا مد جدید لباس می‌تواند مصداق لباس شهرت باشد؟
۵. قطع درخت همسایه که برگ‌هایش داخل حیاط می‌ریزد چه حکمی دارد؟
٦. در آداب میهمانی کدام یک از حقوق شهروندی استفاده می‌شود؟

درس ۷۳

آداب زندگی (۱)

احکام عملی اسلام، برنامه زیستن است که درقالب واجبات، محرمات، وآداب عرضه می‌شود. درس‌های پیشین با برخی ازواجبات ومحرّمات آشنا شدید.

آداب در اصطلاح «فقه» به مجموعه مستحبات و مکروهات گفته می‌شود که بسیاری ازآنها درخلال درس‌های گذشته آمد وبرخی هم درآینده خواهد آمد وبرخی دیگر را که بیشتر درکتاب‌های «اخلاق» به آن پرداخته‌اند و دارای اهمیت ویژه‌ای است، دردوبخش «آداب شخصی» و«آداب اجتماعی» می‌آوریم.

آداب فردی

آداب لباس

۱. مستحب است لباس انسان همیشه پاک وتمیزباشد.

۲. مستحب است لباس، سفید واز جنس پنبه باشد.

۳. مستحب است هنگام پوشیدن لباس، ابتدا سمت راست آن را بپوشد.

٤. برسرگذاشتن عمامه با تحت الحنك[1]، به ویژه در نماز، مستحب است.

٥. پوشیدن لباس سیاه مکروه است، مگر عمامه، عبا و چادر

٦. پوشیدن لباس بلند، که از برآمدگی روی پا بگذرد. مکروه است.

٧. بازبودن تکمه‌های لباس مکروه است.

آداب انگشتری

١. انگشتری را به دست راست کردن مستحب و به دست چپ کردن مکروه است.

٢. مستحب است انگشتری را به انگشت کوچک دست کند و اگر در انگشت دیگر انگشتری دارد، این انگشت را نیز از انگشتری خالی نگذارد.

٣. بهتر است انگشتری را به انگشت میانه و سبّابه نکنند.

٤. بهتر است انگشتری سر انگشت دست نباشد.

٥. به دست کردن انگشتری عقیق مستحب است و نماز با آن ثواب بیشتر دارد و فرقی بین عقیق سرخ و زرد و سفید نیست.

آداب کفش

١. پوشیدن کفش سفید یا زرد مستحب است.

٢. پوشیدن کفش سیاه مکروه است، مگر چکمه سیاه.

٣. پوشیدن کفشی که کف آن صاف است و پاشنه ندارد، مکروه است.

٤. هنگام پوشیدن کفش یا لباس و بیرون آوردن لباس، خواندن دعاهایی مستحب است که در کتاب‌های آداب و ادعیه آمده است.

---

١. از آنجا که آداب زندگی، بیشتر در کتب اخلاقی آمده است و در کتاب‌های فقهی متداول کمتر به آن پرداخته‌اند آنچه در این درس و درس بعدی آمده، از کتاب‌های سراج الشیعه فی آداب الشریعه تألیف علامه بزرگوار شیخ عبدالله مامقانی و حلیة المتقین تألیف علامه پرتلاش محمد باقر مجلسی و چند کتاب دیگر نقل شده است.

آداب مسکن

۱. درساخت و خرید منزل مسکونی، امورزیرمستحب است:

- زود به زود خانه را عوض نکنند، مگرآنکه درمنزل اوّل راحت نباشند؛
- وسیع باشد، نه تنگ؛
- به قدرنیازباشد، نه زیادترازآن؛
- پشت بام آن حفاظی داشته باشد؛
- آن را به تصویرانسان یا حیوان نقاشی نکنند؛
- وقتی خانه‌ای ساختند یا خریدند، گوسفند چاقی ذبح کنند، غذا بپزند و یا گوشت آن را به فقرا بدهند.

۲. برخی ازمستحبات خانه داری بدین شرح است:

- داخل منزل و جلودرآن را جاروونظافت کنند؛
- خاکروبه وزباله را درخانه وپشت درانباشته نکنند؛
- خاکروبه وزباله را پیش ازفرا رسیدن شب بیرون ببرند؛
- اتاق‌ها را ازتارعنکبوت پاک کنند؛
- بیشترازنیاز، چراغ روشن نکنند؛
- چراغ خانه را پیش ازغروب وتاریک شدن هوا روشن کنند؛
- هنگام وارد شدن به اتاق، اگرکسی داخل اتاق است، بگویند: «السلام علیکم» و اگرکسی داخل اتاق نیست، بگویند: «السلام علینا من ربنا» یا بگویند: «السلام علی محمد بن عبدالله خاتم النبیین، السلام علی الائمة الهادین المهدیین، السلام علینا و علی عباد الله الصالحین».
- برای وارد شدن به منزل و بیرون رفتن از آن و روشن کردن چراغ منزل، دعاهایی نیزوارد شده است.

استراحت و خواب

برخی از مستحبات خوابیدن بدین شرح است:

۱. وضوگرفتن پیش از خواب

۲. خواندن دعاهایی که از معصومان ﷺ رسیده است و نیز خواندن تسبیحات حضرت زهرا ﷺ آیة الکرسی، سوره‌های توحید، فلق وکافرون.

۳. مسواک کردن دندان‌ها پیش از خواب.

٤. پیش از خواب، اعمال خود را محاسبه کند و خواب را مرگ انگارد.

آداب نظافت

دین اسلام برای نظافت انسان ومحیط زندگی او اهمیت بسیارزیادی قائل است؛ به طوری که پاکیزگی را جزء ایمان می‌داند و برای آن، احکام وآداب خاصی دارد. در اینجا به برخی از مستحبات آن اشاره می‌کنیم:

- عطرزدن و خوشبو بودن؛
- مسواک کردن دندان‌ها که در اسلام تأکید زیادی برآن شده است؛
- شانه زدن موهای سر و صورت؛
- کوتاه کردن ناخن‌ها؛
- زدودن موهای زاید بدن؛
- نگاه کردن به آینه ومرتّب کردن سر و صورت خود؛
- یک روز در میان حمّام رفتن، ولی هر روز حمّام رفتن مکروه است؛

آداب دعا

برخی از آداب دعا و حاجت خواستن از خداوند عبارت است از:

۱. هنگام دعا با طهارت باشد

۲. پیش از دعا، حمد وثنای الهی را به جا آورد ونعمت‌های خداوندی را یاد کند و شکر آن را به جا آورد.

۳. دعا را با نام خدا شروع کند.

٤. در ابتدا و انتهای دعا صلوات بفرستد

۵. ابتدا برای دیگران دعا کند، سپس برای خودش.

٦. با حضور قلب و خضوع و خشوع و اطمینان به استجابت، دعا کند.

۷. برای دعا، مؤمنان جمع شوند که اگر چهل نفر گرد هم آیند و چیزی از خداوند بخواهند، زودتر مستجاب می‌شود.

۸. در اوقات و اماکنی که دعا زودتر مستجاب می‌شود دعا کند؛ مانند وقت اذان، پس از نماز، در سجده، هنگام ظاهر شدن یکی از نشانه‌های قدرت الهی مثل خورشید گرفتگی یا ماه گرفتگی، هنگام بارش باران، هنگام درگیر شدن لشکر حق و باطل، در حال بیماری و درد، در وقت سحر و طلوع و غروب آفتاب، در مسجد، به ویژه مسجدالحرام، در عرفات، در کنار قبر اولیای الهی.

پرسش

۱. آداب لباس از جهت رنگ کدام است؟

۲. آداب مشترک کفش و لباس را نام ببرید؟

۳. آداب معماری منزل مسکونی کدام است؟

٤. خواندن کدام یک از سوره‌های قرآن، پیش از خواب مستحب است؟

۵. آداب محتوایی دعا را برشمارید.

درس ۷٤

آداب زندگی (۲)

آداب اجتماعی

بسیاری از احکام دین، مربوط به زندگی اجتماعی مسلمانان است. بخش عمده‌ای از این احکام شامل واجبات و محرمات است که در این کتاب آمده است. در این درس با برخی از آداب مستحب و مکروه اجتماعی، آشنا خواهید شد.

آداب معاشرت

۱. خوش اخلاقی و خوش رفتاری با دیگران، به ویژه با خانواده و اقوام و خویشان

۲. گرامی داشتن مؤمنان به ویژه سالمندان و صاحبان علم و فضیلت و شرف؛

۳. دوستی و مراوده و رفت آمد با دیگران؛

٤. معانقه و مصافحه با مؤمن و بوسیدن پیشانی وی؛[۱]

۵. سلام کردن به مؤمن هنگام وارد شدن بر وی؛

---

۱. مصافحه به معنای دست یکدیگر را گرفتن و دست دادن است و معانقه، یعنی گردن به گردن نهادن، یکدیگر را در آغوش گرفتن.
واضح است که مصافحه و معانقه با محرمان و همجنس مستحب است، نه با نامحرمان.

۶. خداحافظی هنگام جدا شدن از مؤمن؛
۷. تبسم و خوش‌رویی با مؤمن، مگر تبسم بر روی نامحرم؛
۸. دعا و استغفار برای مؤمن؛
۹. کمک به مؤمن با دست و زبان و مال؛
۱۰. راهنمایی مؤمن در مواقع نیاز او؛
۱۱. عیادت کردن از بیماران؛
۱۲. شرکت در تشییع جنازه مؤمن و تسلیت گویی به بازماندگان؛
۱۳. هر چه برای خود دوست دارد، برای دیگران نیز دوست داشته باشد؛

در معاشرت با دیگران سزاوار است از این امور پرهیز کند:

۱. برای احترام، دست بسته در مقابل دیگری ایستادن یا ایستادن در مقابل کسی که نشسته است؛
۲. بوسیدن زمین در مقابل دیگری برای احترام وی؛
۳. زیاد و بیش از حدّ سخن گفتن؛
۴. خنده بی جهت و قهقهه؛
۵. نجوا و درگوشی صحبت کردن با کسی در حضور دیگران.

آداب مُجالست

برخی از آداب همنشینی (مجالست) با دیگران بدین شرح است:

۱. سزاوار است بیشتر با فقرا مجالست و همنشینی داشته باشد، نه با اغنیا؛
۲. با کسانی که برایش نفع دینی دارد همنشینی داشته باشد؛
۳. وقتی وارد مجلسی می‌شود، هر جای مجلس که جا برای نشستن هست، بنشیند؛ یا در جایی که برای او آماده کرده‌اند یا هر جایی که با تواضع تناسب دارد، بنشیند؛

٤. اگر به خانه کسی وارد می‌شود، هرجا که صاحب خانه می‌گوید، بنشیند؛
٥. برای ورود سادات و ذریه پیامبر خدا ﷺ به احترام از جای خود برخیزد؛
٦. سزاوار است با افراد فاسق، دروغ‌گو، بخیل، احمق و کسی که با اقوام و خویشان خود قطع رابطه کرده است (قاطع رحم)، همنشینی نکند؛
٧. از نشستن بر سر کوچه و سر راه مردم پرهیز کند؛
٨. از رفتن به مجلس گناه و مجلسی که مورد اتهام قرار می‌گیرد، پرهیز کند.

آداب سفر و زیارت

هر چند آداب سفر را می‌توان جزء آداب شخصی شمرد، ولی از آنجا که هم اکنون بیشتر مسافرت‌ها دیگر جنبه شخصی ندارد و با فعالیت‌ها و روابط اجتماعی همراه شده و جنبه شغل برای کسب روزی در عرصه اجتماع پیدا کرده، به طور مختصر در اینجا برخی از آداب آن را می‌آوریم:

١. بستگان و دوستان خود را از سفر با خبر و با آنان خداحافظی کند؛
٢. وصیت کند، به ویژه در مورد کارهای واجب و امور مالی خود؛
٣. هنگام سفر صدقه بدهد و دعاهایی را که وارده شده، بخواند؛
٤. آنچه در سفر به آن نیاز دارد، همراه بردارد؛
٥. با یاد خدا و توکل بر او، با حمد و شکر الهی، سفر را آغاز کند؛
٦. خواندن سوره‌های حمد، توحید، قدر و آیة الکرسی مستحب است.

برای زیارت قبور اولیا الهی، مستحب است امور ذیل مراعات شود:

١. برای رفتن به حرم، غسل کند؛
٢. پاکیزه‌ترین لباسها را بپوشد؛
٣. خود را خوشبو کند؛ مثلاً عطر بزند. البته برای رفتن به حرم امام حسین علیه‌السلام خوشبو کردن خود مستحب نیست؛

۴. با طهارت و وضو به حرم برود؛

۵. هنگام رفتن به حرم گامها را کوتاه بردارد و با وقار و آرام حرکت کند و به ذکر الهی مشغول باشد؛

۶. هنگام ورود به حرم، ابتدا پای راست را داخل بگذارد؛

۷. اگر مزاحمت برای دیگران نیست، به ضریح نزدیک شود و ابتدا، گونه راست و پس از آن گونه چپ را بر ضریح بگذارد و دعا بخواند؛

۸. زیارتهای مأثور را بخواند، مثل زیارت جامعه و امین الله؛

۹. هنگام خواندن زیارت رو به قبله بایستد؛

۱۰. پس از زیارت دو رکعت نماز زیارت بخواند؛

۱۱. پس از نماز زیارت برای خود و دیگران دعا کند، به ویژه برای ستمدیدگان و بر ضد ستمکاران؛

۱۲. از گناهان خود توبه و استغفار کند؛

۱۳. قرآن به ویژه سوره «قدر» را بخواند و آن را به صاحب مزار هدیه کند.

سفر حج و زیارت بیت الله الحرام، آداب دیگر و بیشتری دارد که در کتب ادعیه و مناسک آمده است.

مجالس شادی و عزاداری

اسلام شاد بودن و شادزیستن را مورد تأیید و تأکید قرار داده است؛ بلکه شاد کردن دیگران با کارهای مستحب مثل دستگیری از مستمندان یا فعل مباح امری است پسندیده و گاهی موجب اجر و ثواب می‌باشد اما انسان برای شاد بودن و شادکردن دیگران مجاز به ارتکاب حرام نمی‌باشد.

برخی از کارهای حرام که در مجالس شادی صورت می‌گیرد عبارتند از:

* مسخره کردن دیگران
* دروغ گویی
* لقب بد دادن به دیگران
* غیبت از دیگران
* آزار و اذیت دیگران از جمله همسایه‌ها
* طعنه زدن به مؤمنان
* سدّ معبر
* غنا و موسیقی

غنا و موسیقی

«غنا» فقط زیبا خواندن نیست، بلکه کشیدن صدا و بالا و پایین کردن آن است که با کیفیت خاصی که طرب آور و مناسب با مجالس لهو و محافل طرب و ابزار لهو و ادوات موسیقی باشد.[١]

١. اشتغال به غنا و شنیدن آن وکسب درآمد از این راه حرام است.[٢]

٢. غنای زنان آوازه خوان در عروسی‌ها استثنا شده است و احتیاط واجب آن است که به شب زفاف و مجلسی که پیش از آن تدارک شده اکتفا شود، نه هر مجلسی، بلکه احتیاط این است که مطلقاً و به طورکلی از آن اجتناب شود.[٣]

٣. یاد گرفتن و یاد دادن غنا حرام است.[٤]

٤. گوش دادن به صداهای مشکوک که غنا بودن آن معلوم نیست، اشکال ندارد.[٥]

---

١ .تحریرالوسیله، ج ١، ص ٤٧٣، م ١٣.

٢ .همان.

٣ .استفتاآت، ج ٢، ص ٦٢٠، س ١٨. برخی از فقها این مورد را نیز جایز نمی‌دانند.

٤ .همان، ص ١٢، س ٢٦.

٥ .همان، س ٢٥ – ٢٩. به فتوای برخی از فقها در این مورد نیز باید احتیاط کرد و به چنین صداهایی گوش نداد.

استفتاء

س۱. بعضی از سرودهای صدا و سیمای جمهوری اسلامی، آهنگ تندی دارد که انسان را ازحالت طبیعی خارج می‌کند. شنیدن این نوع سرودها چه حکمی دارد؟ آیا شنیدن کلیه آهنگ‌هایی که از رادیو پخش می‌شود، مشروع است؟ حکم نواختن آهنگ چیست؟ آیا شخصی که مثلاً آهنگ‌های سرود شهید مطهری را به طور غم‌انگیز می‌نوازد نیز همین حکم را دارد؟

ج: موسیقی مطرب، حرام است و صداهای مشکوک مانع ندارد.[۱]

□ س۲. موزیک نظامی و سرودهای رادیو و تلویزیون و همچنین سرودهایی که خانم‌ها در حضور مردها اجرا می‌کنند، شرعاً جایز است یا خیر؟

ج: اشکال ندارد، مگر آنکه محرز شود که موسیقی مُطرب است.[۲]

س: منظور از موسیقی مطرب و لهوی چیست؟ و راه تشخیص موسیقی مطرب و لهوی از غیر آن چیست؟

ج: موسیقی مطرب و لهوی آن است که به سبب ویژگی هایی که دارد، انسان را از یاد خدای متعال و فضایل اخلاقی دور نموده به سمت بی بند و باری و گناه سوق دهد و مرجع تشخیص موضوع، عرف است.[۳]

عزاداری

گریستن در عزای امام حسین وگریاندن دیگران و برپایی مجالس سوگواری سالار شهیدان از جمله کارهای مستحب مؤکد و ازافضل قُربات و دارای ثواب بسیاری است

---

۱ ـ استفتاآت، ج ۲، ص ۱۷، س ۴۰. با مراجعه به حاشیه مسأله قبل فتوای برخی از فقها در این مسأله و مسائل بعد روشن می‌شود.

۲ ـ همان، ص ۱۸، س ٤٤. به فتوای برخی فقها موسیقی غیر مطرب نیز حرام است.

۳ ـ اجوبة‌الاستفتاآت، ص ۲٤۷.

ولی از آنجا که برخی افراد گاهی در عزاداری دچار افراط یا تفریط می‌شوند، توجه به چند شرط از شرایط عزاداری قابل توجه است:

الف) آنچه خوانده می‌شود؛ مشتمل بر مطالب دروغ و باطل نباشد.

ب) همراه با کار حرام؛ مثلاً موسیقی لهوی نباشد.

ج) همراه با مطالبی که وهن مذهب یا تنقیص و تحقیر آن حضرت است نباشد.

د) موجب اضرار به نفس (ضرر قابل توجه) نباشد.

هـ) سبب ترك واجب نباشد، که گاهی سبب ترك نماز یا قضا شدن آن می‌شود.[١]

استفتاء

س: نظر مبارك خود را در مورد خواندن دعاهای کمیل، ندبه، سمات، زیارت عاشورا و جامعه، عزاداری حضرت امام حسین علیه‌السلام از قبیل روضه خوانی، سینه زنی و غیره مرقوم فرمایید تا رفع ابهام و شبهه از دسائس مغرضین شود و نیز شیعیان راستین اغفال نشوند؟

ج) خواندن ادعیه مأثوره و عزاداری برای حضرت سید الشهداء علیه‌السلام از افضل قُرُبات و آدم ساز است.[٢]

س: لطفاً نظر خود را در مورد تعزیه‌ای که با شرایط ذیل خوانده می‌شود و مرسوم محلّ می‌باشد، مرقوم فرمائید تا به آن عمل شود؟

١. از طبل و شیپور و سائر ادوات طرب انگیز هیچ‌گونه استفاده نمی شود.
٢. تعزیه را با صدای ساده که غنا به آن گفته نمی شود می‌خوانند.
٣. اجتماع مرد و زن به صورتی است که زنها و مردها جداگانه و با فاصله پنجاه متر از هم می‌نشینند.

١- استفتاآت، ج٣، ص٥٧٩. اجوبة الاستفتاآت، صص٢٢٢ و ٢٢٣.
٢- همان، ص ٥٨٢، س٣٩.

٤. کسی که نسخه زنانه را می‌خواند فقط عبا به دوش دارد و یك دستمال سیاه به سر می‌پیچد.
٥. اشعار معمولی به زبان محلّی(که در اغلب مجالس مرسوم است) خوانده می‌شود.
٦. مزاحم وقت نماز و روضه خوانی و مانع وعظ نیست وخواننده هم اهل محل است.

ج) باخصوصیات مذکوره اشکالی ندارد.[1]

س - در بعضی از هیئت های مذهبی، مصیبت‌هایی خوانده می‌شودکه مستند به مقتل معتبری نیست و از هیچ عالم یا مرجعی هم شنیده نشده است و هنگامی که از خواننده مصیبت از منبع آن سؤال می‌شود، پاسخ می‌دهند که اهل بیت علیهم السلام اینگونه به ما فهمانده اند و یا ما را راهنمایی کرده اند و واقعه کربلا فقط در مقاتل نیست و منبع آن هم فقط به‌گفته های علما نمی باشد بلکه‌گاهی بعضی از امور برای مدّاح یا خطیب حسینی از راه الهام و مکاشفه مکشوف می‌شود، سؤال من این است که آیا نقل وقایع از این طریق صحیح است یا خیر؟ و در صورتی که صحیح نباشد، تکلیف شنوندگان چیست؟

ج) نقل مطالب به صورت مزبور بدون اینکه مستند به روایتی باشد و یا در تاریخ ثابت شده باشد وجه شرعی ندارد مگر آنکه نقل آن به عنوان بیان حال به حسب برداشت متکلّم بوده و علم به خلاف بودن آن نداشته باشد و تکلیف شنوندگان نهی از منکر است به شرطی که موضوع و شرایط آن نزد آنان ثابت شده باشد.[2]

استفاده از ابزار موسیقی در عزاداری

از آنجا که در برخی از هیئت های عزاداری از شیپور و طبل و سنج و دیگر وسائل موسیقی استفاده می‌شود، توجه به چند استفتاء لازم است:

١- استفتاآت، ج٣، ص ٥٧٩ ، س ٣٢
٢- اجوبة الاستفتاءات، ص ٣٢٣ ، س ١٤٤٦

س : استفاده از طبل و سنج و شیپور وهمچنین زنجیرهایی که دارای تیغ هستند در مجالس و دسته های عزاداری چه حکمی دارد؟

ج) اگر استفاده از زنجیرهای مزبور موجب وهن مذهب در برابر مردم شود و یا باعث ضرر بدنی قابل توجهی گردد جایز نیست ولی استفاده از شیپور و طبل و سنج به نحو متعارف اشکال ندارد.[۱]

س : استفاده از آلات موسیقی مانند اُرگ (از آلات موسیقی و شبیه پیانو است) و سنج و غیر آنها در مراسم عزاداری چه حکمی درد؟

ج) استفاده از آلات موسیقی، مناسب با عزاداری سالار شهیدان نیست و شایسته است مراسم عزاداری به همان صورت متعارفی که از قدیم متداول بوده برگزار شود.[۲]

قمه زنی

از جمله اعمالی که در عصر حاضر سبب توهین دیگران به مذهب تشیع شده و سابقه تاریخی و توجیه عقلانی ندارد قمه زنی یا تیغ زنی است. این عمل در فتاوای بسیاری از فقها حرام شمرده شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

س : قمه زنی و سینه زنی با بدن برهنه در انظار عمومی چه حکمی دارد؟

ج) در شرایط و اوضاع کنونی از قمه زدن خودداری شود و عزاداری و سینه زدن مانعی ندارد.[۳]

س : آیا قمه زنی به طور مخفی حلال است یا اینکه فتوای شریف جنابعالی عمومیت دارد؟

ج) قمه زنی علاوه بر اینکه از نظر عرفی از مظاهر حزن و اندوه حساب نمی شود و سابقه‌ای در عصر ائمه علیهم‌السلام و زمان های بعد از آن ندارد و تأییدی هم به شکل خاص یا عام از معصوم علیه‌السلام در مورد آن نرسیده است، درزمان حاضر موجب وهن و بدنام شدن مذهب می‌شود، بنابراین در هیچ حالتی جایز نیست.[٤]

۱- اجوبة الاستفتاءات، ص ۳۲۳ ، س ۱٤٤۱.

۲- همان، س ۱٤٤۹ .

۳-استفتاآت، ج ۳ ، ص ۵۸۳ ، س ٤۲

٤-اجوبة الاستفتائات، ص ۳۲٦ ، س۱٤٦۱

س : آیا قمه زنی جایز است؟ چنانچه در این مورد نذری و جود داشته باشد، وظیفه چیست؟

ج) با توجه به گرایشی که نسبت به اسلام و تشیع بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در اکثر نقاط جهان پیدا شده و ایران اسلامی به عنوان ام القری جهان اسلام شناخته می‌شود و اعمال و رفتار ملت ایران به عنوان الگو و بیانگر اسلام مطرح است، لازم است در رابطه با مسائل سوگواری و عزاداری سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام به گونه‌ای عمل شود که موجب گرایش بیشتر و علاقمندی شدیدتر به آن حضرت و هدف مقدس وی گردد، پیداست در این شرایط مسأله قمه زدن نه تنها چنین نقشی ندارد، بلکه به علت عدم قابلیت پذیرش و نداشتن هیچگونه توجیه قابل فهم مخالفین، نتیجه سوء برآن مترتب خواهد شد. لذا لازم است شیعیان علاقه مند به مکتب امام حسین علیه‌السلام ازآن خودداری کنند و چنانچه در این مورد نذری وجود داشته باشد، نذر واجد شرایط صحت و انعقاد نیست.[1]

پرسش

۱. در چه مواردی خندین ناپسند است؟
۲. همنشینی با چه افرادی تأکید و سفارش شده است؟
۳. آدابی که شایسته است میزبان مراعات کند، کدام است؟
٤. در چه مواردی ولیمه مستحب است؟
٥. آداب زیارت، پیش از تشرف به حرم کدام است؟
٦. چه نوع خوانندگی و نوازندگی حرام است؟ توضیح دهید.
۷. عزاداری چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد.

۱- جامع المسائل، آیت الله فاضل لنکرانی رحمه‌الله، ج ۱، ص ٦۲۲، س ۲۱۷۲.

درسنامهٔ فقه

فصل نهم:

خوردنی‌ها و آشامیدنی ها

- خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها
- ذبح و شکار حیوانات

درس ۷۵

خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها

﴿يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّباتِ ما رَزَقْناكُمْ وَاشْكُرُوا للهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيّاهُ تَعْبُدُونَ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از نعمت‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم بخورید و اگر تنها خدا را می‌پرستید او را شکر کنید.[1]

برای حفظ جان انسان‌ها و سلامتی جسم و روح آنها و بقای نسل‌ها و احترام به حقوق دیگران، قوانین و مقرراتی در مورد خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها در فقه اسلامی وجود دارد که به بیان برخی از آنها می‌پردازیم:

اقسام خوراکی
- ۱- گیاهی
  - میوه‌ها
  - سبزیجات
  - حبوبات
- ۲- حیوانی
  - چهارپایان
  - پرندگان
  - آبزیان (دریایی)
  - حشرات
- ۳- صنعتی، که غالباً با تغییراتی در دو نوع اول تولید می‌شود.

۱. بقره: ۱۷۲

احکام خوراکی‌ها

غذاهای گیاهی

تمام میوه‌ها و سبزیجات و حبوبات حلال است، مگر آنچه برای بدن ضرر[1] داشته باشد.

غذاهای حیوانی

چهارپایان

- ۱ .چهارپایان اهلی
  - ۱ .حلال گوشت؛ مانند: گوسفند، گاو و شتر.
  - ۲ .مکروه؛ مانند: اسب، قاطر و الاغ.
  - ۳ .حرام گوشت؛ مانند: سگ و گربه.
- ۲ .چهارپایان وحشی
  - ۱ .حلال گوشت؛ مانند: آهو، بزکوهی وگورخر.
  - ۲ .حرام‌گوشت؛ مانند: گرگ و پلنگ.

چند مسأله

۱ . تمام حیوان‌های درنده حرام‌گوشت هستند، هر چند از نظر قدرت درندگی ضعیف باشند؛ مانند روباه.[3]

۲ .خوردن گوشت خرگوش حرام است.[4]

۳ .تمام انواع حشرات به جز ملخ[5]، حرام‌اند.[6]

---

۱ .البته، مقصود از ضرر، ضررهای جزئی غیر قابل اعتنا نیست.

۲ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الاطعمة و الاشربه، ص ۱۵٦، م ۵.

۳ .همان.

٤ .همان.

۵ .در اصطلاح فقه، تمام خزندگان، مثل مار و مارمولک و حتی لاک پشت جزو حشرات به حساب می‌آید.

٦ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الاطعمة و الاشربه، ص ۱۵٦، م ۵؛ توضیح‌المسائل، م ۲٦۲۲.

- **پرندگان**
  - **الف)** حلال یا حرام بودن آنها تصریح شده
    - ۱ . حلال؛ مانند مرغ، خروس، مرغابی، اردك، شترمرغ، کبوتر، فاخته، گنجشك، بلبل.
    - ۲ .حرام؛ مانند کلاغ، زاغ، خفاش، طاووس و هر پرنده‌ای که چنگال دارد.
    - ۳ .مکروه؛ مانند پرستو و هُدهُد.
  - **ب)** حلال یا حرام بودن آنها تصریح نشده
    - ۱- حلال گوشت *(با وجود یکی از دو شرط)*
      - ۱) بال زدن بیشتر در پرواز
      - ۲) داشتن
        - چینه‌دان
        - سنگ‌دان
        - چنگک عقب پا
    - ۲- حرام گوشت
      - ۱) بال زدن کمتر در پرواز (در پرواز بالشان بیشتر ساکن است و گاهی حرکت می‌دهند)
      - ۲) نداشتن
        - چینه‌دان
        - سنگ‌دان
        - چنگک عقب پا[1]

دو مسأله

۱ . داشتن یکی از نشانه‌ها برای پرندگان کافی است، پس اگر پرنده‌ای که معلوم نیست جزوکدام دسته است، یکی از این علامت‌ها را داشته باشد، مثلاً در پرواز بال زدنش زیاد است یا چینه‌دان دارد حلال‌گوشت است.[2]

۲ .تخم پرندگان حلال گوشت، حلال و تخم پرندگان حرام گوشت، حرام است.[3]

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الاطعمة و الاشربه، صص ۱۵٦ و ۱۵۷، م ٦ و ۷ و ۸.

۲ .همان، م ۸.

۳ .همان، ص ۱۵۸، م ۱۲.

آبزیان

۱ .ازحیوان‌های دریایی، تنها ماهی پولک‌دار و پرندگانی که یکی ازنشانه‌های پرنده حلال را داشته باشند، حلال گوشت است.[۱]

۲ .میگو، از جنس ماهیان پولک‌دار و حلال گوشت است.[۲]

اجزای حرام حیوان‌های حلال‌گوشت[۳]

- خون؛
- فضله (ادرار و مدفوع)؛
- بچه‌دان؛
- غُدّه، که آن را دُشْوِل می‌گویند؛
- بیضه، که آن را دُنبلان می‌گویند؛
- چیزی که درمغزکلّه است و به شکل نخود است؛
- مغز حرام که در میان مهره‌های کمر است؛
- پِیْ که در دو طرف مهره‌های کمر است؛
- نری (آلت تناسلی حیوان مذکر)؛
- فرج (آلت تناسلی حیوان مؤنث)؛
- زهره‌دان؛
- طحال (سِپُرز)

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الاطعمة و الاشربه، ص ۱۵۵، م ۲.

۲ .همان، م ۳.

۳ .ابونصر فراهی در کتاب نصاب الصبیان برخی از آنها را این‌گونه به شعر آورده است:

غدد ذات اشاجع حدق و فرج و قضیت   انثیان و دم و غلبا و نخاعست و طحال

پس مثانه است و مراره است و مشیمه   خرزه یاد گیر اینکه تورا باز رهاند ز وبال

نقل از لغت‌نامه دهخدا، حرف ذ، کلمه ذات اشاجع

- مثانه (بول‌دان)؛
- حَدقه چشم؛

چیزی که درمیان سُم حیوان است و به آن ذات الاشاجع می‌گویند.[۱]

این اجزا مخصوص شتر و حیوان‌هایی است که ذبح می‌شوند، لذا در ماهی و میگو و ملخ حرام نیست.[۲]

غذاهای تولیدی کشورهای غیر اسلامی

غذاهای غیرگوشتی، که در کشورهای غیر اسلامی تولید شده است؛ اعم از سبزیجات، حبوبات، میوه‌ها و فرآورده‌های لبنی، مانند: پنیر، ماست، کره، خامه، که از حیوان حلال گوشت گرفته می‌شود، تخم پرندگان حلال گوشت، نان، بیسکویت، شکلات، آدامس، شیرینی و سایر خوردنی‌هایی که ازگوشت حیوان نیست، پاک و خوردن آنها حلال است، مگر آنکه انسان یقین کند نجس شده است. بنابراین مسأله چند صورت دارد:

الف: می‌داند که با بدن کافر تماس نداشته و به نحو دیگری نیز نجس نشده است پاک و حلال است.

ب: نمی‌داند نجس شده است یا نه، پاک و حلال است.

ج: احتمال می‌دهد نجس شده باشد ولی یقین ندارد، پاک و حلال است.

د: می‌داند بر اثر تماس با بدن کافر یا به گونه‌ای دیگر نجس شده است، نجس و حرام است.[۳]

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۲٦۲٦.
۲. تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الاطعمة و الاشربه، ص ۱٦۱، م ۲۸.
۳. استفتاآت، ج ۲، صص ۵۰۷ ، ۵۰۸ و ۵۰۹.

حرام خوری

□ ١ ـ خوردن و آشامیدنِ چیز نجس حرام است و خورانیدن عین نجس به اطفال حرام است ولی خورانیدن غذای مُتِنجّس به اطفال حرام نیست.[١]

٢ ـ خوردن چیزی که برای انسان ضرر دارد حرام است، مثلاً خوردن غذای چرب برای مریضی که غذای چرب برایش ضرر دارد حرام است.[٢]

٣ ـ نوشیدن شراب و هر مایع مست‌کننده دیگر حرام است.[٣]

٤ـ خوردن گِل حرام است.[٤]

٥ـ خوردن کمی از تربت سیدالشهدا علیه‌السلام برای شفا یافتن از بیماری اشکال ندارد.[٥]

٦ ـ در موارد زیر خوردن و آشامیدن چیزهای حرام اشکال ندارد:

* حفظ جان متوقف بر حرام باشد؛ مثلاً در موقعیتی قرار گیرد که به جز غذای حرام چیز دیگری نیست و اگر نخورد از گرسنگی می‌میرد.

* مداوای مرضی که تحمل آن به طور معمول ممکن نیست، متوقف بر خوردن یا آشامیدن حرام باشد و به تشخیص پزشکان ماهر و مورد اطمینان، معالجه آن منحصر در استفاده از همان خوردنی یا نوشیدنی حرام باشد.

* او را به خوردن یا آشامیدن حرام وادار کنند، به گونه‌ای که اگر نخورد جان یا آبرو یا مقدار قابل‌توجهی از اموالش به خطر می‌افتد، و همچنین اگر جان یا آبروی افراد محترمی در خطر باشد.

---

١ ـ توضیح المسائل، م ١٤١. به فتوای برخی از فقها، خورانیدن غذای متنجس به کودکان نیز حرام است.

٢ ـ همان، م ٢٦٣٠.

٣ ـ همان، م ١١١ و ٢٦٣٣.

٤ ـ همان، ج ٢، کتاب الاطعمة و الاشربه، ص ١٥٧، م ٧.

٥ ـ همان، م ٢٦٢٨.

* درمقام تقیه که خوف ازجان ومال وآبروداشته باشد، همان گونه که درفرض قبل گذشت.[۱]

۷. در تمام مواردی که خوردن یا آشامیدن حرام، جایز می‌شود، باید به مقدار ضرورت اکتفا کند و بیشتر از آن جایز نیست.[۲]

پرسش

۱.کدام دسته از غذاهای گیاهی حرامند؟

۲.این حیوانات حلال‌گوشت هستند یا حرام‌گوشت؟

کلاغ و الاغ، مار و مورچه، گاو و گربه، موش و میش

۳.کدام یک از این پرندگان حرام‌گوشت نیستند؟

قُمری، زاغ، بلبل، پرستو، هُدهُد

۴. کدام دسته از آبزیان حلال گوشت هستند؟

۵. کدام دسته از غذاهای تولید کشورهای غیراسلامی حرامند؟

۱.تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الاطعمة و الاشربه، م ۳۰ تا ۳۴.

۲.همان.

درس ۷٦

ذبح و شکار حیوانات

شرایط ذبح

اگر حیوان حلال گوشت را به دستوری که بعداً گفته می‌شود، سر ببرند، چه وحشی باشد چه اهلی، بعد از جان دادن گوشت آن حلال و بدنش پاک است.[۱]

شرایط ذبح حیوان

- کسی که سر حیوان را می‌برد، مسلمان باشد؛
- با آهن سر حیوان را ببرد، ولی در حال ناچاری با چیز تیز دیگری مانند شیشه و سنگ تیز هم مانع ندارد؛
- هنگام سر بریدن، قسمت جلو بدن حیوان رو به قبله باشد؛
- وقتی که می‌خواهد سر حیوان را ببرد، نام خدا را ببرد و همین قدر که بگوید: «بسم‌الله» کافی است؛
- حیوان بعد از سر بریدن حرکتی کند تا معلوم شود زنده بوده است.[۲]

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۲۵۸۳.

۲ ـ همان، م ۲۵۹٤.

□ **مسأله:** ذبح حیوان با غیرآهن یا آنچه آهن بودن آن مشکوک است، صحیح نیست.[1]

دستور سر بریدن حیوان

دستور سر بریدن حیوان (به جز شتر) آن است که چهار رگ بزرگ گردن آن را از پایین برآمدگی زیر گلو به طور کامل ببرند و اگر آنها را بشکافند کافی نیست.[2]

دستور کشتن (نحر) شتر

برای کشتن شتر، باید با پنج شرطی که برای سر بریدن حیوان گفته شد، کارد یا چیز دیگری را که از آهن و برنده باشد، در گودی بین گردن و سینه‌اش فرو کنند. پس اگر مانند گوسفند آن را سر ببرند، حرام و نجس است.[3]

شکار با اسلحه

اگر حیوان حلال گوشت وحشی را با سلاح شکار کنند، با پنج شرط، حلال و بدنش پاک است:

- سلاح شکار، مانند کارد و شمشیر برنده باشد، یا مثل نیزه و تیر، تیز باشد که بدن حیوان را پاره کند؛
- سلاح را برای شکار کردن به کار ببرد، پس اگر جایی را نشان کند و به طور اتفاق حیوانی را بکشد، آن حیوان، پاک و حلال نیست؛
- در وقت به کار بردن سلاح، نام خدا را ببرد؛

---

۱ ـ استفتاآت، ج ۲، ص ۴۹۷، س ۱۰؛ مناسک حج، مسائل متفرقه هدی، س ۱۸؛ مناسک محشی، م ۱۰۹۴. به نظر کارشناسان، استیل نوعی آهن فولاد ضدزنگ است و ذبح با آن به فتوای برخی از فقها مانع ندارد.
۲ ـ همان، م ۲۵۹۱.
۳ ـ توضیح المسائل، م ۲۵۹۵.

- وقتی به حیوان برسد که مرده باشد یا اگر زنده است، به مقدار سر بریدن آن وقت نباشد، ولی چنانچه به مقدار سر بریدن وقت باشد و سر حیوان را نبرد تا بمیرد، حرام است؛
- کسی که شکار می‌کند مسلمان باشد یا بچه مسلمانی باشد که خوب و بد را بفهمد.[1]

شکار با سگ شکاری

اگر سگ شکاری، حیوان وحشی حلال‌گوشتی را شکار کند، پاک بودن و حلال بودن آن حیوان شش شرط دارد:

- آن سگ برای شکار تربیت شده باشد، به‌طوری که هر وقت آن را برای گرفتن شکار بفرستند، برود و هر وقت از رفتن جلوگیری کنند، بایستد.
- صاحبش آن را برای شکار بفرستد و اگر از پیشِ خود حیوانی را شکار کند، خوردن آن حیوان حرام است.
- کسی که سگ را برای شکار می‌فرستد، مسلمان باشد.
- وقت فرستادن، نام خدا را ببرد.
- شکار به سبب زخمی که از دندان سگ پیدا کرده بمیرد؛ پس اگر سگ، شکار را خفه کند، یا شکار از دویدن یا ترس بمیرد، حلال نیست.
- کسی که سگ را فرستاده، وقتی برسد که حیوان مرده باشد یا اگر زنده است به اندازه سر بریدن آن وقت نباشد، ولی اگر وقت باشد و حیوان را سر نبرد تا بمیرد، حلال نیست.[2]

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۲۶۰۱.
۲. همان، م ۲۶۰۹.

صید ماهی

□ ١ـ اگر ماهی فلس‌دار را زنده از آب بگیرند و بیرون آب جان دهد، پاک و خوردن آن حلال است امّا اگر در آب بمیرد، چون خون جهنده ندارد، پاک است ولی خوردن آن حرام است.[١]

٢ـ صیاد ماهی لازم نیست مسلمان باشد و در موقع گرفتن، نام خدا را ببرد؛ ولی مسلمانی که از آن ماهی استفاده می‌کند، باید بداند که آن را زنده گرفته‌اند و در خارج آب مرده است.[٢]

□ ٣ـ خوردن ماهی زنده، اشکال ندارد.[٣]

آداب غذا خوردن[٤]

مستحبات

١ـ دست‌ها را پیش از غذا و پس از آن بشوید؛

٢ـ در اوّل غذا «بسم‌الله» و در پایان «اَلحمدُلِلّه» بگوید؛

٣ـ با دست راست غذا بخورد؛

٤ـ لقمه را کوچک بردارد؛

٥ـ غذا را خوب بجود؛

٦ـ میوه را پیش از خوردن، با آب بشوید؛

٧ـ اگر چند نفر سر سفره نشسته‌اند، هرکسی از غذای جلو خودش بخورد؛

٨ـ میزبان پیش از همه شروع به غذا خوردن کند و پس از همه دست بکشد.[٥]

١ـ توضیح‌المسائل، م ٢٦١٥. به فتوای برخی از فقها، اگر ماهی فلس‌دار در تور ماهیگیری هم بمیرد حلال است.

٢ـ همان، م ٢٦١٧.

٣ـ همان، م ٢٦١٩. به فتوای برخی از فقها، خوردن ماهی زنده بنا بر احتیاط جایز نیست.

٤ـ این بخش را می‌توان به مطالعه شاگردان واگذار کرد.

٥ـ توضیح‌المسائل، م ٢٦٣٦.

مکروهات

۱ .در حال سیری غذا خوردن؛

۲ .پرخوری؛

۳ .نگاه کردن به صورت دیگران هنگام غذا خوردن؛

٤ .خوردن غذای داغ؛

٥ .فوت کردن به غذایی که می‌خورد؛

٦ .پاره کردن نان با چاقو؛

۷ .گذاشتن نان زیر ظرف غذا؛

۸ .دور انداختن میوه، پیش از خوردن کامل.[1]

آداب آب نوشیدن

مستحبات:

۱ .در روز، ایستاده آب بخورد؛

۲ .پیش از آشامیدن آب «بِسمِ‌الله» و بعد از آن «الحَمدُلله» بگوید؛

۳ .به سه نفس آب بیاشامد؛

٤ . پس از آشامیدن آب، حضرت امام حسین علیه‌السلام و خاندان و یاران او را یاد و قاتلانشان را لعن کند.[2]

۱ .همان، م ۲٦۳۷.

۲ .همان، م ۲٦۳۸.

مکروهات

۱ ـ زیاد آشامیدن؛

۲ ـ آشامیدن آب بعد از غذای چرب؛

۳ ـ با دست چپ آب نوشیدن؛

٤ ـ در شب، ایستاده آب نوشیدن.[۱]

پرسش

۱ ـ کدام دسته از مایعات حرام است؟

۲ ـ این مسأله را با ذکر مثال توضیح دهید: «خوردن هر نجسی حرام است ولی هر حرامی نجس نیست».

۳ ـ استفاده از نان، پنیر، شیر و تخم مرغ در رستوران‌های کشورهای غیر اسلامی چه حکمی دارد؟

٤ ـ موارد اشتراک آداب خوردن و آشامیدن کدام است؟

۵ ـ کدام یک از شرایط ذبح حیوان و شکار با سلاح، مشترک است؟

٦ ـ ماهیانی که در کشورهای غیر اسلامی صید می‌شود حلال است یا نه؟

۷ ـ اگر ماهی را زنده از دریا یا رودخانه بگیرند و درون ظرف آبی بیندازند و در آن ظرف بمیرد حلال است یا نه؟

---

۱ ـ توضیح‌المسائل، م ۲٦۳۹.

فصل دهم:

نکاح و طلاق

درس ۷۷

نکاح

﴿وَأَنْكِحُواْ الأَيامى مِنْكُمْ وَالصّالِحِينَ مِنْ عِبادِكُمْ وَ إِمائِكُمْ إِنْ يكُونُوا فُقَرآءَ يغْنِهِمُ الله مِنْ فَضْلِهِ وَاللهُ واسِعٌ عَليمٌ﴾

بی‌همسران خود و غلامان و کنیزان درستکارتان را همسر دهید، اگر فقیرند، خداوند آنان را از فضل خودش بی‌نیاز خواهد کرد و خدا گشایشگر داناست.[۱]

ازدواج، سرآغاز فصل جدید در زندگی انسان است.

آدمی با ازدواج جایگاهی ویژه می‌یابد و نگرش انسان‌ها نسبت به او دگرگون می‌شود و عضو فعّال و مؤثر جامعه به حساب می‌آید؛ او نیز مسئولیت خطیر و جدیدی را عهده‌دار می‌شود و با شناخت صحیح وظایف جدید می‌تواند بهار شیرین زندگی خود را شروع کند و در ادامه، آثار و برکات زیاد آن را ببیند.

اسلام، ازدواج را حافظ نصف دین می‌داند. در حقیقت، با پیوند زناشویی نیمی از دیانت کامل می‌شود و تکمیل نیمه دوّم بر عهده خود انسان است که اگر راه صحیح دینداری را بشناسد و مطابق آن رفتار کند، بی شک به نیم دیگر کمال نیز دست خواهد یافت.

---

۱. نور: ۳۲.

دراسلام تمام رفتارهای فردی وگروهی انسان‌ها وروابط خانوادگی واجتماعی آنان براساس قانون الهی تنظیم می‌شود و این قانون‌مداری سبب حفظ کانون خانواده و پیوندهای درست اجتماعی و بهره‌مندی صحیح از محبت متقابل یکدیگر و ادامه زندگی سالم وشیرین خواهد بود.

لزوم ازدواج

کسی که به سبب نداشتن همسر به حرام می‌افتد؛ مثلاً به نامحرم نگاه می‌کند، واجب است ازدواج کند.[۱]

عقد ازدواج

۱. درازدواج باید صیغه مخصوص آن خوانده شود و فقط راضی بودن دختر و پسر و علاقه داشتن کافی نیست، بنابراین، خواستگاری تا زمانی که صیغه ازدواج خوانده نشده، سبب محرم شدن نیست وبا سایرزنان نامحرم تفاوتی ندارد.[۲]

۲. اگر یک حرفِ ازعقد ازدواج غلط خوانده شود که معنای آن عوض شود، عقد باطل است.[۳]

دستور خواندن عقد دائم

اگر صیغه عقد دائم را خود زن و مرد بخوانند و اول زن بگوید: **زَوَّجْتُک نَفْسی عَلَی الصِّداقِ الْمَعْلُومِ** (یعنی خود را زن تو نمودم به مهری که معین شده)؛ پس از آن بدون فاصله، مرد بگوید: **قَبِلْتُ التَّزْویجَ** (یعنی قبول کردم ازدواج را)، عقد صحیح است واگر دیگری را وکیل کنند که از طرف آنها صیغه عقد را بخواند چنانچه مثلاً اسم مرد

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۲۴۴۳.
۲. همان، م ۲۳۶۳.
۳. همان، م ۲۳۷۱.

احمد و اسم زن فاطمه باشد و وکیل زن بگوید: زَوَّجْتُ مُوَکِّلَتی فاطِمَةَ مُوَکِّلَک اَحْمَدَ عَلَی الصِّداقِ الْمَعْلُوم، پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید: قَبِلْتُ لِمُوَکِّلی اَحْمَدَ عَلَی الصِّداقِ صحیح می‌باشد.[۱]

دستور خواندن عقد غیر دائم

اگر خود زن و مرد بخواهند صیغه عقد غیر دائم را بخوانند، بعد از آنکه مدت و مهر را معین کردند، چنانچه زن بگوید:

زَوَّجْتُک نَفْسی فِی الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَی المَهْرِ الْمَعْلُومِ، بعد بدون فاصله مرد بگوید: قَبِلْتُ، صحیح است. و اگر دیگری را وکیل کنند و اول وکیل زن به وکیل مرد بگوید: مَتَّعْتُ مُوَکِّلَتی مُوَکِّلَک فِی الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَی المَهْرِ الْمَعْلُومِ، پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید: قَبِلْتُ لِمُوَکِّلی هکَذا صحیح می‌باشد.[۲]

مهریه[۳]

هر چه را که مسلمانان بتوانند مالک آن شوند، می‌توان مهریه قرارداد و آنها عبارتند از:

۱. عین؛ مانند، باغ پول نقد، طلا و نقره

۲. دین؛ مانند طلب، چك، سفته، برات: مثلاً مبلغی را که از کسی طلب دارد مهریه همسر قرار دهد یا چک و سفته به او بدهد.

۳. منفعت؛ مانند منافع خانه، باغ، حیوان، ماشین؛ مثلاً استفاده از باغ یا ماشین را مهریه او قرار دهد.

---

۱. توضیح المسائل، م ۲۳۶۸.

۲. همان، م ۲۳۶۹.

۳. مطالب این درس با استفاده از کتاب «رساله نوین، جلد ۳» تألیف دانشمند گرانمایه دکتر بی آزار شیرازی، با اندکی تغییر و حذف و اضافه آورده شده است چون آن را در ترجمه استوار و در تنظیم زیبا یافتم.

٤. کار مباح؛ مانند ساختن خانه، دامداری، مثلاً مدت معینی برای همسر کار کند.

۵. آموزش؛ مانند آموختن قرآن، صنعت و حرفه؛ مثلاً مهریه همسرش آموزش قرآن به وی باشد.

٦. حقوق مالی؛ مانند حق سرقفلی یا تحجیر و نشان گذاری زمین؛ مثلاً سرقفلی مغازه یا حقی که به واسطه علامت گذاری نسبت به زمین بی صاحب پیدا کرده مهریه همسرش قرار دهد.[۱]

مقدار مهریه

مهریه مقدار معینی ندارد؛ بلکه هر مقدار که مورد رضایت و توافق زن و مرد قرار گیرد خواه کم باشد یا زیاد، البته نه به آن اندازه که در اثر کمی از مالیت خارج باشد. مستحب است که بیشتر از مهرالسنه یعنی ۵۰۰[۲] درهم نباشد.[۳]

ازدواج حرام

در برخی موارد به عللی زن و مرد بر یکدیگر حرام می‌باشند و نمی‌توانند با هم ازدواج کنند. که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

محرمیت

یکی از موانع ازدواج محرمیت است؛ یعنی دختر و پسر یا زن و مردی که باهم محرم باشند، نمی‌توانند با یکدیگر ازدواج کنند و در این مسأله فرقی بین محارم نسبی و

---

۱ .تحریرالوسیله؛ ج۲، کتاب نکاح، ص ۲۹۷، م ۱ .

۲ .درهم و دینار در گذشته دو واحد پولی رایج و دارای وزن و قیمت معین بوده، اولی از نقره و دومی از طلا؛ ولی اکنون از رواج افتاده و سکه‌ها بر اساس وزن طلا و نقره آن ارزش گذاری می‌شوند و اکنون قیمت هر درهم (۲ / ۵ گرم) حدود ۱۵۰۰۰ تومان است. (تابستان ۱۳۹۳ هـ. ش)

۳ .استفتاآت، ج ۱، ص ۱۸۱، س ۱۱.

سببی و رضاعی نیست. اسباب محرمیت و کسانی که به یکدیگر محرمند در بحث‌های گذشته، معین شد.

زنا و لواط

در موارد زیر، زنا و لواط موجب حرمت دائمی ازدواج می‌شود:

۱. زنا با زن شوهردار، موجب حرمت ابدی بر مردی که زنا کرده می‌شود[۱] یعنی اگر مردی با زن شوهردار زنا کند، سپس آن زن از شوهر خود طلاق بگیرد یا شوهرش بمیرد، نمی‌تواند با مرد زانی ازدواج کند.[۲]

۲. زنا با زنی که طلاق رجعی گرفته است و درعدّه به سر می‌برد، سبب حرمت می‌شود.[۳]

۳. زنا با زنی که در عده طلاق بائن یا وفات یا متعه است، سبب حرمت ازدواج با او نمی‌شود.[۴]

٤. اگر با زن بی شوهری که در عدّه نیست زنا کند، سبب حرمت ازدواج با او نمی‌شود ولی احتیاط آن است که پیش ازآنکه زن یک بار حائض شود، با آن زن ازدواج نکند.[۵]

۵. ازدواج با مادر، خواهر یا دختر کسی که با وی لواط کرده، حرام است.[۶]

٦. مادر و خواهر و دختر کسی که لواط کرده، بر کس که لواط داده، حرام نمی‌شود.

---

۱ .به فتوای برخی از فقها، موجب حرمت ابدی نمی‌شود.

۲ .تحریرالوسیله؛ ج۲، کتاب نکاح ، ص ۲۸۱، م ۲۲.

۳ .توضیح المسائل، م ۲۳۹۸.

٤ .همان.

۵ .همان، م ۲۳۹۹.

٦ .همان، تحریرالوسیله؛ ج ۲، کتاب النکاح، ص ۲۸۱، م ۲٤. به فتوای برخی از فقها، چنانچه این عمل پیش از بلوغ صورت گرفته باشد، موجب حرمت ازدواج مادر و دختر وی نخواهد بود

کفر

۱. ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان جایزنیست؛ چه به طورموقت چه دائم.[1]

۲. ازدواج موقت مرد مسلمان با زن‌های اهل کتاب (یهودی، مسیحی وزرتشتی) جایزاست؛ امّا ازدواج دائم جایزنیست.[2]

سه طلاق

اگرمردی زنش را سه مرتبه طلاق دهد وزن دربین آنها با مرد دیگری ازواج نکرده باشد ودوباره شوهرش به اورجوع کرده باشد، یعنی همسرش را طلاق می‌دهد وبه او رجوع می‌کند ودومرتبه اورا طلاق می‌دهد ومجدداً به اورجوع می‌کند. بعد ازآن برای بارسوم اورا طلاق می‌دهد، دیگرنمی‌تواند با اوازدواج کند، مگرآنکه مرد دیگری، (با شرایطی که دربحث طلاق خواهد آمد) با وی ازدواج کند.[3]

ازدواج با خواهرزن

۱. ازدواج با خواهرزن تا مدتی که خواهرش همسراوست، حرام است.[4]

۲. اگرهمسردائم خود را طلاق رجعی بدهد تا زمانی که عده‌اش تمام نشده ، نمی‌تواند با خواهرش ازدواج کند.[5]

۳. اگر همسر دائم خود را طلاق بائن بدهد، احتیاط مستحب است تا زمانی که عده‌اش تمام نشده با خواهرش ازدواج نکند.[6]

---

۱ .تحریرالوسیله؛ ج۲، کتاب نکاح ، ص ۲۸۵.

۲ .همان. به فتوای برخی از فقها، صابئین نیزاهل کتابند وبه فتوای برخی دیگر، ازدواج دائم با زنان اهل کتاب باطل نیست، ولی مکروه است.

۳ .تحریرالوسیله؛ ج۲، کتاب نکاح ، ص ۲۸٤، م ۱۲.

٤ .همان، توضیح المسائل، م ۲۳۹۱

۵ همان، م۲۳۹۱.

٦ همان.

زوجیت(شوهردار بودن)

اگر انسان بداند زنی شوهر دارد و با او ازدواج کند، باید از او جدا شود و بعداً هم نمی‌تواند او را برای خود عقد کند.[۱]

درعدّه دیگری بودن

حکم ازدواج با زنی که درعدّه دیگری است:

الف ـ زن و مرد یا یکی ازآنهابدانند عده تمام نشده و بدانند عقد کردن زن درعده حرام است: آن دوبرهم حرام می‌شوند؛ هرچند آن مرد بعد ازعقد با اونزدیکی نکرده باشد.

ب ـ نمی‌دانستند زن درعده بوده و نمی‌دانستند که عقد کردن درعده حرام است:

۱. با اونزدیکی کرده باشد: آن دوبرهم حرام می‌شوند.

۲. نزدیکی نکرده باشند: حرام ابدی نمی‌شود، امّا عقد صحیح نیست. اگرتصمیم به ازدواج داشته باشند، باید پس ازعده، مجدداً صیغه نکاح را بخوانند.[۲]

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۲۴۰۲.

۲ ـ توضیح المسائل، م ۲۴۰۰ و ۲۴۰۱.

پرسش

۱. آیا مرد می‌تواند نصف خانه‌ای را که در آینده خریداری خواهد کرد به عنوان مهریه قرار دهد. چرا؟

۲.محرمیت و زوجیت هر دو از موانع ازدواجند، تفاوت این دو چیست؟

۳.در چه صورتی زنای با زن موجب حرمت ازدواج با او نمی شود؟

٤.در چه صورتی ازدواج با خواهر زن جایز است؟

۵.در چه صورتی ازدواج با زنی که در عدّه به سر می‌برد، موجب حرمت ابدی می‌شود؟

درس ۷۸

طلاق

تعریف طلاق

طلاق درلغت به معنای آزادکردن ودراصطلاح فقهی به معنای جدایی زن وشوهر ازیکدیگر، با شرایط آن می‌باشد.

اسلام برای ازدواج، برقراری بنیان خانواده ودوام آن اهمیت بسیارزیادی قائل شده است و برای جلوگیری از طلاق‌های بی‌مورد، سفارش‌های بسیاری درباره دقت در انتخاب همسر درآغازو خوشرفتاری زن و شوهر درطول زندگی کرده است. بعد از آن مراحل، اگر بر اثر برخی موانع و مشکلات، چاره‌ای جز اجرای طلاق نبود، شرایط سنگینی قرارداده است، تا حتی‌المقدور، طلاق کمتر واقع شود وکانون گرم خانواده، با اندک کدورت وناراحتی به هم نخورد.

اختیار طلاق

اختیارطلاق با شوهراست، ولی می‌تواند به شخص دیگری، حتی همسرخود برای ط وکالت دهد؛ مثلاً بگوید: اگر مخارج تو را تأمین نکردم یا به مسافرت طولانی بیش ازیک سال رفتم ازطرف من وکیل هستی که خودت را مطلّقه کنی.[۱]

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الطلاق، القول في الصیغه، ص ۳۳۰، م ۵.

شرايط طلاق

١ .مردی که زن خود را طلاق می‌دهد باید:

* عاقل وبنابراحتیاط واجب بالغ باشد؛

* به اختیارخود طلاق دهد واورا برطلاق مجبورنکرده باشند؛

* قصد طلاق داشته باشد وبه شوخی صیغه طلاق را نگوید؛

٢ .زن، دروقت طلاق باید:

* ازحیض ونفاس پاک باشد؛[١]

* شوهرش درمدتی که ازآخرین خون (حیض یا نفاس) پاک شده یا درمدت حیض یا نفاس که پیش ازاین پاک بود با اوآمیزش نکرده باشد؛

* همسردائمیِ شوهرش باشد؛[٢]

مسأله

درازدواج موقت طلاق نیست وجدا شدن زن وشوهربه تمام شدن مدت عقد است یا اینکه مرد مدت را به اوببخشد، به این ترتیب که بگوید: مدت را به توبخشیدم وشاهدگرفتن وپاک بودن ازحیض لازم نیست.[٣]

٣ .صیغه طلاق باید:

* به عربی صحیح خوانده شود؛

* هنگام اجرای آن، دومرد عادل حاضرباشند وصیغه طلاق را بشنوند؛

---

١ .طلاق در برخی موارد استثنایی، در حال حیض یا نفاس نیزصحیح می‌باشد که در کتاب‌های مفصل فقهی آمده است.

٢ .توضیح‌المسائل، م ٢٤٩٨ و٢٤٩٩ و٢٥٠٨؛ تحریرالوسیله، ج ٢، کتاب الطلاق، ص ٣٢٥، م ١ و ص ٣٣١، م ١٠.

٣ .همان، القول في النكاح المنقطع، ص ٢٩١، م ١٤.

اقسام طلاق

طلاق بر دو نوع است: رجعی و بائن.

طلاق رِجْعی، آن است که بعد از طلاق تا مدت معینی که زن در عِدّه است مرد می‌تواند به او رجوع کند؛ یعنی بدون خواندن عقد مجدد می‌تواند او را به همسری قبول کند.

طلاق بائن، آن است که بعد از طلاق، مرد حق ندارد بدون خواندن عقد نکاح جدید به او رجوع کند.

در شش صورت اگر زنی را طلاق دهند، بائن است:

۱. زنی که نُه سالش تمام نشده باشد.

۲. زنی که یائسه باشد.

۳. زنی که شوهرش بعد از عقد با او نزدیکی نکرده باشد.

٤. زنی که او را سه مرتبه طلاق داده باشند.

٥. زنی که به ادامه زندگی با شوهر مایل نیست و با بخشیدن مهر خود یا مال دیگر به شوهرش از او تقاضای طلاق می‌کند که به این، طلاق «خُلع» گفته می‌شود.

٦. زنی که به سبب بی‌میلی هر دو طرف به ادامه همسری، طلاق داده می‌شود و زن، مالی به مرد بدهد که او را طلاق بدهد، به این طلاق «مُبارات» گفته می‌شود.[۱]

عِدّه طلاق

«عدّه» مدت زمانی است که زن، پس از جدایی از همسر خود، نمی‌تواند شوهر کند.

زنی که طلاق داده شده اگر دارای شرایطی باشد که خواهد آمد، نگه داشتن عدّه بر او واجب است:

---

۱. توضیح‌المسائل، م ۲۵۲۲ ، ۲۵۲۸ و ۲۵۳۱.

- **نُه سالش تمام شده باشد؛**
- **یائسه نباشد؛**
- **شوهرش با او آمیزش کرده باشد.**[۱]

مدت عدّه طلاق

الف: زن باردار تا به دنیا آمدن یا سقط شدن کودک باید صبر کند؛ پس اگر یک ساعت پس از طلاق، بچه به دنیا بیاید، عدّه تمام می‌شود.

ب: اگر باردار نیست ولی حیض می‌بیند تا ابتدای حیض سوم باید عدّه نگه‌دارد، یعنی پس از آنکه دو بار حیض دید و پاک شد، همین‌که حیض سوم را ببیند، عدّه او تمام می‌شود.

ج: اگر نه حامله است و نه یائسه ولی خون حیض نمی‌بیند، باید تا سه ماه صبر کند.[۲]

عدّه وفات

چون عده طلاق به تناسب بحث مطرح شد، بجاست عده زنی که شوهرش از دنیا رفته نیز در اینجا آورده شود.

مدّت عدّه وفات

الف: اگر زن آبستن نیست، چهار ماه و ده روز.

ب: اگر زن آبستن است تا موقع زاییدن، ولی اگر وضع حمل، قبل از چهار ماه و ده روز اتفاق افتاد، باید تا چهار ماه و ده روز پس از وفات شوهر صبر کند.[۳]

---

۱. توضیح المسائل، م ۲۵۱۱.

۲. تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الطلاق، فصل في عدّة الفراق، ص ۳۳۵، م ٤ و ٥ ، توضیح المسائل، م ۲۵۱۰ تا ۲۵۱۲ و ۲۵۱٤.

۳. توضیح‌المسائل، م ۲۵۱۷.

چند مسأله

۱ ـ زنی که در عدّه وفات است این کارها بر او حرام است:

* ازدواج (چه دائم و چه موقت)؛
* پوشیدن لباس‌های رنگارنگ؛
* سرمه کشیدن و هر کاری که زینت حساب شود.[۱]

۲ ـ ابتدای عدّه وفات از موقعی است که زن از مرگ شوهر خود مطلع می‌شود.[۲]

۳ ـ زنی که شوهرش گم شده، اگر بخواهد به دیگری شوهر کند، باید نزد مجتهد عادل برود و به دستور او عمل کند.[۳]

۴ ـ در عده وفات تفاوتی بین زن یائسه و غیر یائسه و همسر دائم و موقت نیست و تمام اینها باید پس از مرگ شوهر تا مدّتی که گفته شد عدّه نگه دارند.[۴]

۵ ـ زن یائسه و زنی که شوهرش با او نزدیکی نکرده، عدّه ندارند، مگر عدّه وفات.[۵]

عدّه انقضای عقد موقت

عدّه زنی که مدّت ازدواج موقت او به پایان رسیده یا شوهرش بقیه مدّت را بخشیده به این شرح است:

الف: باردار نیست
- حائض می‌شود: باید دوبار حائض شود و پس از پاک شدن از حیض دوم عدّه‌اش تمام می‌شود.
- حائض نمی‌شود و یائسه هم نیست: باید چهل و پنج روز عدّه نگه دارد.

---

۱ ـ توضیح المسائل، م ۲۵۱۸.

۲ ـ همان، م ۲۵۴۰.

۳ ـ همان، م ۲۵۲۰.

۴ ـ تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الطلاق، القول في عدة الفراق، ص ۳۳۸، م ۱.

۵ ـ همان، ص ۳۳۵، م ۱.

۶ ـ همان، القول في النكاح المنقطع، ص ۲۹۱، م ۱۶ و فصل في عدّة الفراق، ص ۳۳۷، م ۱۴.

ب: باردار است: پس از به دنیا آمدن یا سقط شدن بچه، عدّه وی تمام می‌شود، ولی چنانچه پیش از چهل و پنج روز یا دیدن دو حیض بچه به دنیا آمد یا سقط شد احتیاط آن است که مدت بیشتر را لحاظ کند و تا آن زمان عدّه نگه دارد.[1]

پرسش

۱. فرق طلاق رجعی و بائن چیست؟

۲. طلاق مُبارات را توضیح دهید.

۳. عدّه طلاق نسبت به زنی که خون حیض نمی‌بیند چه مدّت است؟

۴. مدّت عدّه وفات چقدر است؟

۵. در ازدواج غیردائم، جدایی زن و شوهر چگونه حاصل می‌شود؟

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۲، فصل في عدّة الفراق، ص ۳۳۵، م ۱.

فصل یازدهم:

قضاوت و شهادت

- قضاوت
- شهادت

درس ۷۹

قضاوت و شهادت

﴿اِنَّ اللهَ يأْمُرُكُمْ اَنْ تُؤَدُّوا الاَمانَاتِ اِلَى اَهْلِهَا وَ اِذَا حَكَمْتُمْ بَينَ النّاسِ اَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾

خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحب آنها بدهید و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدل حکم دهید.[1]

قضاوت

برقراری قسط و عدل در جامعه، بدون قوانین مدون و مجریان درستکار امکان‌پذیر نیست. فقه اسلامی برای رفع خصومت‌ها و پایان دادن به نزاع‌ها و بررسی دعاوی و رساندن حقوق از دست رفته حقداران به آنها، قوانینی دقیق و قابل اجرا دارد و برای پیاده کردن آن قوانین نیز مجریان عادل و دارای شرایط خاص، تعیین کرده است. در این بحث به شرایط قاضی و برخی از مسائل قضا می‌پردازیم:

---

۱. نساء:۵۸.

شرایط قاضی

قضاوت، امری بس خطیر و دارای اهمیت بسیار زیادی است. تنها کسانی می‌توانند عهده‌دار این امر مهم شوند که اوصاف و شرایط ویژه‌ای داشته باشند.

شرایط قاضی

- **واجب**
  - عقل و بلوغ
  - ایمان و عدالت
  - اجتهاد مطلق واجب
  - مرد بودن
  - حلال‌زاده بودن
- **بنابراحتیاط واجب**[1]
  - داناترین فرد شهر و حومه آن باشد
  - دارای قدرت حافظه و فراموشکار نبودن

١ .کسی که شرایط قضاوت را ندارد، قضاوت کردن بر او حرام است.[2]

٢ .کسی که شرایط قضاوت را دارد، اگر هیچ کس نباشد که به این کار بپردازد، بر او واجب عینی است.[3]

٣ .کسی که به خود اطمینان دارد که می‌تواند تکالیف قضاوت را به خوبی انجام دهد، عهده‌دار شدن امر قضاوت برای او مستحب است، ولی اگر به قدر کفایت باشند، به جهت خطرها و تهمت‌هایی که دارد، ترک آن بهتر است.[4]

استفتاء

س ـ چون بعضی دوستان با توجه به کتاب «تحریرالوسیله» از پذیرفتن پست قضاوت شرعی خودداری می‌کنند، جواب سؤال زیر مورد نیاز است، آیا در قاضی شرع دادگاه‌های

---

١ .تحریرالوسیله، ج ٢، کتاب القضاء، ص ٤٠٧، م ١.

٢ .همان، ص ٤٠٥، م ١.

٣ .همان.

٤ .همان، م ٣.

انقلاب اسلامی اجتهاد شرط است؟ و یا هر کس که صلاحیت علمی و عملی‌اش احراز شود ولو این‌که مجتهد نباشد می‌تواند متصدّی قضاوت گردد؟

ج .در این موقع می‌تواند از طرف مجتهد منصوب شود.[1]

وظایف قاضی

۱. رعایت مساوات بین طرفین دعوا در سلام کردن، جواب سلام، نشستن، نگاه کردن به آنها، گفتار با آنها، خوشرویی و مراعات انصاف و عدالت در حکم.

۲ .سؤال کردن از کسی که ابتدا وارد دادگاه شده است؛ مگر اوّلی رضایت دهد که از دیگری سؤال شود.

۳ .اگر قاضی از کسی سؤال نکند، هرکدام شروع کرد، به سخنانش توجه می‌شود و اگر هر دو با هم شروع کردند، ابتدا به سخنان کسی که سمت راست طرف دعوا نشسته گوش داده می‌شود.

٤ .اگر مُدّعی عَلیه، کلام مُدّعی[2] را قطع کند، به گفتار مدّعی علیه توجه نمی‌شود، تا پاسخ جواب مُدّعی را بدهد و بین آنها حکم شود مگر با رضایت مدّعی.

۵ .برای قاضی جایز نیست به یکی از طرفین دعوا، مطلبی را تلقین کند تا بر طرف دیگر غلبه کند؛ مثل اینکه مطلبی را به نحو احتمال ادعا می‌کند، قاضی به او بگوید: باید ادعای تو قطعی باشد تا به آن ترتیب اثر داده شود؛ همچنین جایز نیست شیوه احتجاج و غلبه بر طرف مقابل را به یکی از آنها یاد دهد.[3]

---

۱ .استفتاآت، ج ۳، ص ٦٨، س ۲۰.

۲ .مدّعی =خواهان، کسی است که امری را علیه دیگری ادعا می‌کند. مدعی علیه (خوانده)، کسی است که امری علیه او از طرف مدّعی ادعا می‌شود و مدعّی به، چیزی است که مدعی در مقام اثبات آن است.

۳ .تحریرالوسیله، ج ۲، القول في وظائف القاضي، ص ٤۰۹.

شرایط مُدّعی

۱ ـ بالغ و عاقل باشد.

۲ ـ اگر ادعای او مستلزم تصرف در مال است، به جهت سفاهت از تصرف در اموالش ممنوع نشده باشد.

۳ ـ ادعا، مربوط به خودش یا کسی باشد که بر او ولایت یا از او وکالت دارد.

٤ ـ به ادعای خود یقین داشته باشد.

شرایط مُدّعی علیه

۱ ـ موجود باشد؛ پس مدّعی نمی‌تواند چیزی را ادعا کند، بدون اینکه طرف نزاعی وجود داشته باشد.

۲ ـ معلوم باشد که ادعا، علیه چه کسی است.

شرایط دعوا و مدّعی‌به

۱ ـ دعوا مؤثر باشد؛ پس اگر کسی ادعا کند زمین متحرک است و دیگری انکار کند، قابل پیگیری نیست.

۲ ـ مُدّعی به معلوم باشد؛ مثلاً نمی‌تواند بگوید: چیزی از من نزد فلانی است.[1]

راه‌های ثبوت حق یا جرم

۱ ـ بینه (دو شاهد).

۲ ـ اقرار مُدّعی علیه.

۳ ـ قسم خوردن.

٤ ـ علم قاضی.

---

۱ ـ تحریرالوسیله، ج ۲، القول في وظائف القاضي، صص ٤١٠ و ٤١١.

شرایط شهادت

۱ .شهادت صریح باشد.

۲ .تعداد شهود متناسب با مورد شهادت باشد.

۳ .درصورت تعدّد شهود، همگی حاضرشوند وبا هم شهادت دهند.[۱]

شرایط شهود

بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، حلال زادگی، غیرمتهم (شاهد مورد اتهام نباشد)؛ یعنی درموردی که شهادت می‌دهد ذی‌نفع نباشد یا ضرری را ازخود دفع نکند.[۲]

شرایط اقرار

۱ .اقرارازروی اختیارباشد.

۲ .درحال مستی، خواب وبیهوشی نباشد.

۳ .صریح باشد.

٤ .متناسب با مورد اقرارتکرارشود.[۳]

شرایط مُقِّر

* بلوغ وعقل؛
* حریت (برده نباشد)؛
* اختیار(به اجباراقرارنکرده باشد)؛
* قصد (بدون قصد اقرارنکرده باشد).[۴]

---

۱ .همان، کتاب الحدود، فیما ثبت به الزنا، ص ٤٦١، م ۱۰.

۲ .تحریرالوسیله، ج ۲ ، کتاب الشهادات، فیما یعتبرفي الشهود، ص ٤۲۱.

۳ .همان، کتاب القضاء، القول في الجواب بالاقرار، ص ٤۱٥.

٤ .همان، ص ٤۱٦.

شرایط قسم

* با لفظ «الله» یا اسما و صفات خداوند باشد؛ مانند رحمان و خالق.

* خود شخص قسم بخورد؛ یعنی برای قسم خوردن نه وکیل بگیرد و نه نایب معین کند.

* قسم، در مجلس قضاوت باشد.[۱]

* قسم، برای جرائمی نافذ است که حدود الهی برای آنها مقرر نشده باشد، و برای آن گونه جرایم نیاز به اقرار یا بینه است.[۲]

✍ پرسش

۱ .موارد مشترک شرایط قاضی و مرجع تقلید کدام است؟

۲ .پذیرفتن منصب قضاوت بر چه کسانی واجب و بر چه کسانی حرام است؟

۳ .نحوه برخورد قاضی با طرفین دعوا چگونه باید باشد؟

٤ .مواردی که به ادعای مدّعی ترتیب اثر داده نمی‌شود کدام است؟

٦ .موارد مشترک شرایط شاهد با مُقرّ چیست؟

۷ .برای جرایمی که با قسم اثبات می‌شود، چهار مثال بزنید.

---

۱ .همان، القول في احکام الحلف، صص ۳۸۵ و ۳۸٦.

۲ .تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۳۸۷، م ۱۳.

فصل دوازدهم :

حدود، قصاص، دیات و تعزیرات

درس ۸۰

حدود و تعزیرات

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

«إقامَةُ حَدٍّ خَیرٌ مِنْ مَطَرِ أربَعینَ صَباحا»:

اجرای یکی از حدود، از چهل شبانه روز باران باریدن بهتر است.

در روایات بسیاری از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام بر اجرای حدود الهی تأکید و آثار اجتماعی زیادی نیز برای آن بیان شده که با اندک دقتی، اهمیت بسیار آن روشن می‌شود.[۱]

حدود

حدّ کیفری است که از سوی خداوند برای برخی از جرایم مقرر شده است که حاکم شرع آن را اجرا می‌کند.

در این درس به بیان برخی از گناهانی که دارای حد خاص است، می‌پردازیم.

---

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۳۰۸، کتاب الحدود.

حدّ برخی از گناهان

شماره	گناه	حدّ
۱	سرقت	در مرتبهٔ اول: قطع کامل چهار انگشت دست راست در مرتبهٔ دوم: قطع پا تا برآمدگی روی پا در مرتبهٔ سوم: حبس ابد در مرتبه چهارم: قتل
۲	نوشیدن مسکرات	هشتاد ضربه شلا
۳	زنا با محارم نسبی یا با زن پدر یا کافر با زن مسلمان و زنای به عنف که زن از خود اختیاری نداشته باشد.	قتل
۴	زنای محصنه (زنای مرد همسردار با زن عاقل بالغ یا زنای زن شوهردار با مرد عاقل و بالغ)	رجم (سنگسار)
۵	زنای غیر محصنه و غیر محرم (نسبی)	صد ضربه شلا
۶	زنای مردی که ازدواج کرده، ولی با همسرش آمیزش نکرده است.	صد ضربه شلاق و تراشیدن سر و تبعید از محـ
۷	زنای محصنهٔ پیرمرد با پیرزن	صد ضربه شلاق و سپس رجم
۸	لواط	قتل
۹	سُحْق (همجنس بازی دو زن)	صد ضربه شلاق
۱۰	قیادت (دلالی در زنا یا لواط)	مرد ۳۵ ضربه شلاق و تبعید از محل. زن ۲۵ ضربه شلاق
۱۱	قذف (نسبت زنا یا لواط به دیگری دادن)	هشتاد ضربه شلا

شماره	گناه	حدّ
۱۲	تفخیذ (آمیزش بدون ادخال)	اگر هر دو مسلمان باشند، هر کدام صد ضربه شلاق و اگر فاعل کافر باشد، فاعل کشته می‌شود.
۱۳	محاربه (کشیدن سلاح و ترساندن مردم)	قتل
۱۴	ارتداد (کافر شدن زن مسلمان)	چه فطری، چه ملّی: از شوهرش جدا می‌شود، او را زندانی می‌کنند و در اوقات نماز او را می‌زنند و بر او سخت می‌گیرند تا توبه کند و اگر توبه نکرد، تا ابد در حبس می‌ماند.
۱۵	ارتداد (کافر شدن مرد مسلمان)	مرتدّ فِطری: زنش از او جدا می‌شود، اموالش بین ورثه تقسیم می‌گردد، توبهٔ او پذیرفته نمی‌شود و حکم او اعدام است.[۱] مرتدّ ملّی: زنش از او جدا می‌شود، او را توبه می‌دهند و بنابر احتیاط تا سه روز توبه میدهند، اگر توبه نکرد، در روز چهارم کشته می‌شود.[۲]

تعزیرات

تعزیر در لغت به معنای تأدیب است و در اصطلاح فقه، مجازاتی است که از سوی حاکم شرع برای گناه، مشخص و اجرا می‌شود. این مجازات از حدّ کمتر است و در مورد گناهانی است که حدّ ندارد.

---

۱. ممکن است توبه‌اش نزد خداوند پذیرفته شود، ولی از نظر برگشت اموال و همسرش و اجرای حدّ، فایده ندارد.

۲. تحریر الوسیله، ج ۲، صص ٤٦٩ و ٤٧٠، القول فی الارتداد.

ـ مرتدّ فِطری، کسی است که هنگام انعقاد نطفه‌اش، پدر و مادرش یا یکی از آنها مسلمان بوده‌اند و فرزند آنان پس از بلوغ مسلمان و سپس کافر شده است.

ـ مرتدّ ملّی، کسی است که هنگام انعقاد نطفه‌اش، پدر و مادرش هر دو کافر بوده و فرزند تا هنگام بلوغ هم کافر بوده، سپس اسلام آورده و بعد کافر شده است.

فرق حدّ و تعزیر

۱. حدّ مقدار معین دارد؛ ولی تعزیر مقدار معینی ندارد، مگر در چند مورد؛ مثلاً کسی که آشکارا روزه‌خواری کند، ۲۵ ضربه شلاق دارد.

۲. تعزیر تابع مفسده است، اگر چه کار او معصیت نباشد، مانند تعزیر طفل یا دیوانه. امّا حدّ مجازاتی است که بر خودِ گناه است.

۳. توبه از گناهی که موجب تعزیر است، پذیرفته می‌شود، امّا در برخی از حدود توبه پذیرفته نمی‌شود.

۴. حدّ، حق الله است، اما تعزیر منحصر به حق الله نیست، مثلاً کسی که سدّ معبر کند، حاکم می‌تواند او را تعزیر کند.

۵. در تعزیر، بنده و آزاد، مساوی هستند، ولی در حدّ چنین نیست.

هر گناهی ممکن است موجب تعزیر باشد، ولی تعیین گناه و مشخص کردن مقدار تعزیر ـ در مواردی که مقدار مشخص ندارد ـ با حاکم شرع است و او مقدار آن را طبق مصالحی که تشخیص می‌دهد، تعیین می‌کند.

پرسش

۱. بالاترین و پایین‌ترین مقدار حدّ چیست و برای چه گناهانی است؟

۲. اگر دختری که در یک خانواده مسلمان بزرگ شده، مرتد شود، مجازاتش چیست؟

۳. در چه مواردی حدّی که برای مرد مشخص شده، شدیدتر از زن است؟

۴. حدّ چه گناهانی صد ضربه شلاق است؟

۵. در چه مواردی حدّ گناه مرد و زن تفاوت دارد؟

درس ۸۱

قصاص و دیات

قصاص

قصاص مجازات از سوی کسی است که مورد جنایت واقع شده یا از سوی ورثهٔ او، با اجازهٔ حاکم شرع، علیه مُجرم اعمال می‌شود.

انواع قصاص:
۱. قصاص نفس ← برای کشتن عمدی دیگران (قتل عمد).
۲. قصاص عضو ← خساراتی که به عضوی از اعضای بدن وارد می‌شود.

اقسام قتل:
۱. عمد: قصاص دارد؛ یعنی او را می‌کشند.
۲. شبه عمد: قصاص ندارد.
۳. خطا: قصاص ندارد.

شرایط قصاص نفس

- تساوی در دین؛ پس مسلمان را برای قتل کافر نمی‌کشند؛
- تساوی در حرّیت و بندگی؛ هر دو آزاد یا هر دو برده باشند یا قاتل برده باشد؛
- قاتل، پدر مقتول نباشد؛ پدری اگر فرزند خود را بکشد، پدر قصاص نمی‌شود؛
- قاتل و مقتول عاقل باشند؛ اگر عاقل، دیوانه‌ای را کشته باشد، قصاص نمی‌شود؛

- قاتل، بالغ باشد؛ اگر کودکی، دیگری را بکشد، او را قصاص نمی‌کنند؛
- مقتول، مهدورالدم نباشد؛ مثلاً به پیامبر ﷺ دشنام نداده باشد.[1]

چگونگی قصاص نفس

هنگامی که قاتل بودن شخصی نزد حاکم ثابت شد، از ورثهٔ مقتول خواسته می‌شود که قاتل را عفو یا قصاص کنند. اگر راضی به عفو نشدند، می‌توانند قاتل را بکشند. ولی اگر مقتول زن و قاتل مرد باشد، در صورت قصاص، ورثه مقتول باید نصف دیهٔ مرد را به ورثهٔ قاتل بپردازند؛ چون دیهٔ مرد دو برابر دیهٔ زن است. اگر قاتلان متعدد باشند و بخواهند همه را قصاص کنند، باید دیهٔ افراد اضافه بر مقتول را به ورثه قاتلان بپردازند.[2]

شرایط قصاص عضو

۱. تساوی در دین؛
۲. تساوی در حرّیت و بندگی؛
۳. تساوی در عقل (هر دو عاقل باشند)؛
۴. تساوی در سلامت، عضو سالم در مقابل عضو معیوب قصاص نمی‌شود ولی عضو معیوب در مقابل عضو سالم قصاص می‌شود؛
۵. جنایتکار بالغ باشد؛
۶. جانی، پدر مَجنی علیه نباشد.

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۲، صص ۴۹۳ و ۴۹۷، القول في الشرائط المعتبرة في القصاص.
۲. همان، صص ۵۰۷ و ۵۱۳، القول في كيفية الاستيفاء.

همچنین در قصاص اعضا این امور نیز باید رعایت شود:

- تساوی در طول و عرض و عمق در جراحات برای قصاص جراحات؛ یعنی باید قصاص از نظر طول و عرض و عمق با جنایت مساوی باشد.
- تساوی اعضا در محل (دست راست برای دست راست، و دست چپ برای دست چپ).
- تساوی در ابزار جنایت (وسیله‌ای که با آن جنایت کرده است).
- اگر محکوم به قصاص، زنِ حامله باشد، تا زمانی که حامله است، قصاص نمی‌شود.
- گرمی و سردی هوا موجب سرایت زخم یا موجب آزاری اضافه بر قصاص نشود؛ مثلاً هوا به قدری سرد نباشد که هنگام قصاص یخ بزند یا سرما بخورد.[۱]

مسأله:

در قصاصِ اعضا، زن و مرد با هم مساویند؛ امّا اگر جانی مرد باشد و عضوی که قصاص می‌کنند، از اعضایی باشد که یک سوم دیه آن از دیه کشتن بیشتر است، تفاوت دیه را باید بپردازند؛ چون در دیهٔ اعضا، زن و مرد تا یک سوم دیه کشتن مساوی هستند و بیشتر از آن، دیه زن نصف دیه مرد است.[۲]

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۲، صص ۵۱۳ و ۵۲٤، في قصاص مادون النفس.
۲. همان، ص ۵۳۱، م ۲۷ و ص ۵۹٦، م ۷.

دیات

دیه خون‌بهای جنایت است که جانی باید به ورثهٔ مقتول یا به مَجنی علیه بپردازد.

موجبات دیه

اعمالی که سبب پرداخت دیه می‌شود:

- **قتل؛**
- **نقص عضو؛**
- **جراحت.**

دیهٔ قتل

۱. در قتل عمد، ورثهٔ مقتول با شرایطی که گذشت، می‌توانند عفو یا قصاص کنند یا دیه بگیرند؛ ولی در دو قسم (قتلِ شِبْهِ عمد و خطا) دیگر حق قصاص ندارند، بلکه می‌توانند عفو کنند یا دیه بگیرند.[۱]

دیهٔ قتل:
- ۱۰۰ شتر
- ۲۰۰ گاو
- ۱۰۰۰ گوسفند
- ۲۰۰ حُلّه
- ۱۰۰۰ دینار
- ۱۰۰۰۰ درهم

پرداخت کنندهٔ دیه در انتخاب یکی از اینها مخیّر است.[۲]

۱. دیهٔ قتل عمد و شبه عمد، برعهدهٔ قاتل است و دیهٔ قتل خطا برعهدهٔ عاقلهٔ قاتل.

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۵۰۷، م ۱.

۲. همان، صص ۵۲۶ و ۵۲۸، م ۱ و م ۱۳.

عاقله یعنی برادران و خواهران قاتل، فرزندانشان و عمو و عمه‌های او، و فرزندانشان که از طریق پدر و مادر یا پدر با قاتل نسبت داشته باشند، ولی بستگان مادری وی را شامل نمی‌شود.[1]

۲. خون‌بهای زن، نصف موارد ذکرشده است، یعنی نصف دیهٔ مرد.[2]

۳. در قتل عمد و خطا، کفاره بر قاتل هم واجب می‌شود که بحث آن گذشت.[3]

دیهٔ سقط جنین

اگر کسی کاری کند که زن، جنین خود را سقط کند، دیهٔ آن بدین شرح است:

* نطفه: ۲۰ مثقال طلا؛

*علقه (خون بسته): ٤٠ مثقال؛

* مضغه (پاره گوشت): ٦٠ مثقال؛

* استخوان گوشت‌دار بدون روح: ۱۰۰ مثقال؛

* روح دمیده باشد:
۱. پسر: ۱۰۰۰ مثقال؛
۲. دختر: ۵۰۰ مثقال.

در تمام موارد فوق، مثقال شرعی ملاک است که تقریبا چهار پنجم مثقال بازاری است و طلای سکه‌دار باید محاسبه شود.

دیهٔ سقط جنین، بر عهدهٔ کسی است که جنین را اسقاط کرده، چه پزشک باشد و چه غیر او.

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۲، صص ۵۲۷ و ۵۳۰، م ۱۲ و ۱۵ و ۲۲ و ص ۵۷۰، الثاني من اللواحق في العاقله.
۲. همان، ص ۵۳۱، م ۲٦.
۳. همان، ص ۱۱۹، کتاب الکفارات.

و اگر زن خودش کاری کند که بچه‌اش سقط شود، مطابق آنچه گفته شده، باید دیهٔ آن را به وارث طفل بدهد.[1]

دیهٔ اعضا

هر یک از اعضای بدن مانند دست و پا و حواس پنج‌گانه نیز دیه خاصی دارد که در کتاب‌های مفصل فقهی آمده است. در اینجا تنها به بیان اعضایی که دیه آنها دیهٔ قتل است، اکتفا می‌کنیم.

برخی از اعضای بدن که دیه آنها دیه قتل است:

- کور کردن هر دو چشم؛
- بریدن هر دو بینی، یا از کار انداختن آنها؛
- بریدن هر دو گوش، یا از کار انداختن آنها؛
- بریدن هر دو لب؛
- قطع زبان سالم؛
- از بین بردن تمام دندان‌ها؛
- شکستن گردن به طوری که خم شود و قدّ او کوتاه شود (بنابراحتیاط واجب)؛
- از بین بردن هر دو دست؛
- از بین بردن انگشتان هر دو دست یا انگشتان هر دو پا؛
- شکستن پشت؛
- قطع نخاع؛
- قطع پاها؛
- شکستن ترقوه (دو استخوان بالای سینه در زیر گردن)؛

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۲، صص ۵۶۸ و ۵۶۹.

- شکستن کمر؛
- کندن موی سر یا ریش به گونه‌ای که دیگر نروید؛
- بنابر احتیاط واجب در کندن موی تمام مژه هر دو چشم، اگر دیگر نروید.[۱]

حکم کلّی

دیهٔ اعضای اصلی بدن انسان که جفت باشد، دیهٔ کامل است و اگر یکی از آنها آسیب ببیند، نصف دیهٔ کامل است؛ به جز دو بیضه که در مقدار دیهٔ آن اختلاف است.[۲]

پرسش

۱. تفاوت قتل شبه عمد با خطا چیست؟ برای هرکدام مثالی بزنید.

۲. اگر دو مرد در قتل یک زن مشارکت داشته باشند و ورثهٔ مقتول درخواست قصاص کند، تکلیف چیست؟

۳. اگر دیوانه‌ای دو نفر را بکشد یا عاقلی دو دیوانه را بکشد و ورثهٔ مقتول درخواست قصاص کنند، تکلیف چیست؟

۴. لزوم تساوی اعضا برای قصاص، در چه چیزهایی است؟

۵. اگر کسی در تصادف وسایل نقلیه کشته شود، دیهٔ او چه مقدار است؟

۶. دیهٔ کدام یک از اعضای غیر جفت بدن، مثل دیه قتل است؟

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۵٤۱ و ۵۵۸، المقصد الاول في دية الأعضاء.

۲. همان.

فصل سیزدهم:

احکام اموات

درس ۸۲

احکام اموات (۱)

احکام محتضر[1]

محتضر به کسی گویند که در حال جان دادن باشد.

وظیفهٔ دیگران در برابر مُحتضر

واجب است حاضران محتضر را به پشت طوری بخوابانند که کف پاهای او به سوی قبله باشد.

مستحبات

- شهادتین و اقرار به دوازده امام علیهم‌السلام و سایر عقاید حقّه را برای او طوری بخوانند که بفهمد.
- آنچه گفته شد، تا وقت مرگ تکرار شود.
- کسی که سخت جان می‌دهد، اگر ناراحت نمی‌شود، او را به جایی که نماز می‌خوانده ببرند.

---

۱ بسیاری از مطالب این درس و درس بعدی را می‌توان به مطالعه شاگردان واگذار کرد.

- برای راحت شدن وی، بر بالین او سوره‌های «یس»، «صافات»، «احزاب»، «آیةالکرسی»، آیه ۵۴ سورهٔ اعراف: «إنَّ ربَّکم‌الله...»، سه آیه آخر سورهٔ بقره و هرچه از قرآن ممکن است، بخوانند.
- دعاهایی را که در این مورد وارد شده، برای او بخوانند.

مکروهات

- تنها گذاشتن او؛
- گذاشتن چیز سنگین بر شکم او؛
- حضور شخص جنب و زن حائض نزد او؛
- زیاد حرف زدن نزد او؛
- گریه کردن نزد او؛
- تنها گذاشتن زنان نزد او.[1]

مستحبات پس از مرگ

- دهان و چشمان میت را بر هم بگذارند که باز نماند؛
- چانه او را ببندند؛
- دست و پای او را دراز کنند؛
- پارچه‌ای روی او بیندازند؛
- اگر در شب مرده، در محل وفات او چراغ روشن کنند؛
- برای تشییع جنازهٔ او مؤمنان را خبر کنند؛
- در دفن او عجله کنند، ولی اگر یقین به مردن او ندارند، باید صبر کنند تا معلوم شود؛

---

۱. توضیح المسائل، م ۵۳۳ و ۵۴۰.

● اگر میت حامله باشد و جنین در شکم او زنده باشد، باید به قدری دفن را تأخیر اندازند تا با عمل جراحی جنین را بیرون آورند و بدن مادر را بدوزند.[۱]

واجبات پس از مرگ

۱. اگر زن یا مرد مسلمان دوازده امامی از دنیا برود، این کارها را باید برای او انجام داد:

● غسل؛

● حنوط؛

● کفن؛

● نماز؛

● دفن.

۲. اگر بچه‌ای از دنیا برود، حتی اگر کودک سقط شده‌ای که چهار ماه یا بیشتر دارد و پدر و مادر او یا یکی از آنها مسلمان دوازده امامی باشند، باید همین کارها را برایش انجام دهند، ولی نماز خواندن بر بچه‌ای که شش سالش تمام نشده واجب نیست.[۲]

۳. اگر جنین سقط شده کمتر از چهار ماه داشته باشد، غسل و کفن و حنوط و نماز او واجب نیست، بلکه باید آن را در پارچه‌ای بپیچند و دفن کنند.[۳]

غسل میّت

۱. واجب است میت را با سه آب غسل بدهند:

الف. با آبی که با سدر مخلوط باشد؛

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۸۶ ، م ۷؛ توضیح المسائل، م ۵۴۱.

۲. توضیح المسائل، م ۵۴۲ و ۵۵۷ و ۵۵۸ و ۵۸۵. به فتوای برخی از فقها، این اعمال برای میّت مسلمان واجب است.

۳. همان، م ۵۵۸.

ب. با آبی که با کافور مخلوط باشد؛

ج. با آب خالص.[1]

۲. کیفیت غسل میت با سایر غسل‌ها تفاوتی ـ به جز در نیت ـ ندارد و احتیاط واجب است که تا غسل ترتیبی ممکن است، میت را غسل ارتماسی ندهند.[2]

۳. سدر و کافور نباید به اندازه‌ای زیاد باشد که آب را مضاف کند و به اندازه‌ای هم کم نباشد که نگویند سدر و کافور با آب مخلوط شده است.[3]

۴. اگر سدر و کافور یا یکی از اینها پیدا نشود، باید به جای هر کدام که ممکن نیست، میت را با آب خالص غسل بدهند.[4]

۵. برای غسل، کفن، نماز و دفن میت، باید از ولی او اجازه گرفت.[5]

۶. ولیّ زن که در غسل و کفن و دفن او دخالت می‌کند، شوهر اوست و پس از او مردهایی که از میت ارث می‌برند، مقدم بر زن‌های ایشانند و هر کدام که در ارث بردن مقدم هستند، در این امر نیز مقدمند.[6]

۷. شرایط کسی که میت را غسل می‌دهد:

- مسلمان دوازده امامی باشد.
- مسائل غسل را بداند.
- عاقل باشد.

---

۱. توضیح المسائل، م ۵۵۰.
۲. همان، م ۵٦۵.
۳. همان، م ۵۵۱.
٤. همان، م ۵۵٤.
۵. همان، م ۵٤۲.
٦. همان،م ۵٤۷.

- بنابر احتیاط واجب بالغ باشد.
- اگر میت مرد است، مرد او را غسل دهد و اگر زن است، زن او را غسل دهد.[۱]

۸. زن می‌تواند شوهر خود را غسل دهد، شوهر هم می‌تواند زن خود را غسل دهد، اگرچه احتیاط مستحب آن است که یکدیگر را غسل ندهند.[۲]

۹. مرد می‌تواند دختربچه‌ای را که بیش از سه سال ندارد، غسل دهد. زن هم می‌تواند پسربچه‌ای را که سه سال بیشتر ندارد، غسل دهد.[۳]

۱۰. نگاه کردن به عورت میت، حرام است و اگر غسل دهنده نگاه کند، معصیت کرده؛ ولی غسل باطل نمی‌شود.[۴]

۱۱. برای غسل دادن میت مزد گرفتن جایز نیست، ولی مزد گرفتن برای کارهای مقدماتی غسل، حرام نیست.[۵]

□ ۱۲. اگر آب نباشد یا استعمال آن مانعی داشته باشد، باید عوض سه غسل، سه بار میت را تیمم دهند.[۶]

---

۱. توضیح المسائل، م ۵۴۲و ۵۵۷ و ۵۵۸. به فتوای برخی از فقها، کسی که میت را غسل می‌دهد، مسلمان باشد، کافی است.

۲. همان، م ۵۵۹.

۳. همان، م ۵۶۰.

۴. همان، م ۵۶۳.

۵. همان، م ۵۶۷.

۶. توضیح المسائل ، م ۵۶۸. به فتوای برخی از فقها، بنابر احتیاط واجب یک تیمم دیگر نیز عوض هر سه غسل انجام بدهد؛ یعنی چهار تیمم و اگر کسی که تیمم می‌دهد در یکی از همان سه تیمم قصد ما فی‌الذمّه کند؛ یعنی نیت کند این تیمم را برای آنکه به تکلیف عمل شده باشد انجام می‌دهم، تیمم چهارم لازم نیست.

غسل مسّ میت

۱ ـ اگر کسی جایی از بدن خود را به بدن انسان مرده‌ای که سرد شده و غسلش نداده‌اند برساند، باید غسل مَسّ میت کند.[۱]

۲ ـ در موارد ذیل مسّ بدن مرده سبب غسل نیست:

- رزمنده‌ای که در میدان نبرد به شهادت رسیده است، در صورتی که در میدان جان دهد.
- مرده‌ای که بدنش گرم است و هنوز سرد نشده است.
- مرده‌ای که غسلش داده‌اند (سه غسل او تمام شده است).[۲]

۳ ـ اگر چند میت را مسّ کند یا یک میت را چند بار مسّ کند، یک غسل کافی است.[۳]

□ ٤ ـ برای کسی که بعد از مس میت غسل نکرده است، توقف در مسجد و خواندن سوره‌هایی که سجده واجب دارد مانعی ندارد ولی برای نماز و مانند آن باید غسل کند و وضو بگیرد.[۴]

کیفیت تیمم دادن میت

برای تیمم دادن، اگر ممکن است، دست میت را بر زمین می‌زنند و بر پیشانی و دستهایش می‌کشند و احتیاط مستحب است که یک بار هم، تیمم دهنده دست‌های خودش را بر زمین بزند و بر پیشانی و دست‌های میت بکشد. و اگر تیمم دادن میت با دست خودش ممکن نباشد، تیمم دهنده دست‌های خود را بر زمین می‌زند و او را تیمم می‌دهد.[۵]

---

۱ ـ همان، م ۵۲۱.
۲ ـ تحریرالوسیله، ج ۱، فصل في غسل المیّت، ص ٦۳؛ توضیح المسائل، م ۵۲۲ و ۵۲٦ و استفتاآت، ص ۱۷۹.
۳ ـ توضیح‌المسائل، م ۵۳۱.
٤ ـ همان، م ۵۳۲. به فتوای برخی از فقها، با غسل مسّ میّت بدون وضو می‌توان نماز خواند.
۵. العروة الوثقی، ج۱، ص ۱۹۵، م ۱۱.

حَنوط

□ ۱. پس از غسل، واجب است میت را حنوط کنند؛ یعنی به پیشانی و کف دست‌ها و سر زانوها و سر دوانگشت بزرگ پاهای او کافور بمالند.

۲. مستحب است بر نوک بینی میت هم کافور بمالند.

۳. کافور باید ساییده و تازه باشد و اگر به سبب کهنگی بوی آن از بین رفته باشد، کافی نیست.[۱]

کفن میّت

مقدار لازم کفن میّت:

۱. لُنگ؛ که باید بدن را از ناف تا زانو بپوشاند و بهتر است از سینه تا روی پا برسد.

۲. پیراهن؛ بنابر احتیاط واجب باید از سر شانه تا نصف ساق پا، تمام بدن را بپوشاند.

۳. سرتا سری؛ باید درازی آن به قدری باشد که بستن دو سر آن ـ از طرف سر و پای میت ـ ممکن باشد و پهنای آن باید به اندازه‌ای باشد که یک طرف آن روی طرف دیگر بیاید.[۲]

شرایط کفن میّت

- بنابر احتیاط واجب به قدری نازک نباشد که بدن میت از زیر آن پیدا باشد؛
- مباح باشد، اگر پارچهٔ مباحی پیدا نشود، کفن کردن میت با پارچهٔ غصبی جایز نیست؛

---

۱. توضیح المسائل؛ م ۵۸۵، به فتوای برخی از فقها، ابتدا باید کافور را بر پیشانی بمالند و در بقیهٔ اعضا ترتیب شرط نیست.

۲. توضیح المسائل، م ۵۷۰ و ۵۷۱.

- پاک باشد؛
- از پوست مردار نباشد؛
- از اجزاء حیوان حرام‌گوشت نباشد؛
- پارچهٔ ابریشمی خالص نباشد؛
- بنابراحتیاط واجب پارچهٔ طلابافت نیزنباشد.

تمام این شرایط، جز مباح بودن کفن، در حال اختیار است و در حال ناچاری مراعات آنها واجب نیست، مگرکفن غصبی که در حال اضطرار نیزجایزنیست.[1]

نماز بر میّت

پس از غسل و حنوط و کفن کردن میت، باید براو نماز بخوانند و سپس او را دفن کنند. کیفیت و احکام نماز میت در درس ٣٦ گذشت.

پرسش

١. انجام دادن چه کارهایی برای حاضران نزد محتضر و میت واجب است؟
٢. غسل میت بر چه کسانی واجب نیست و بر چه کسانی حرام است؟
٣. چه کسی را باید یک بار با آب سدر و دو بار با آب خالص غسل داد؟
۴. در چه مواردی مرد می‌تواند زن را غسل دهد؟
۵. شرایط مشترک لباس نمازگزار و کفن میت کدام است؟

١. تحریرالوسیله، ج ١، صص ٧٢ و ٧٤، القول في تكفين الميت؛ توضیح المسائل، م ٥٧٨ و ٥٨١.

درس ۸۳

احکام اموات (۲)

تشییع جنازه و آداب آن

تشییع جنازهٔ مؤمن، مستحب است و ثواب بسیار دارد. تشییع جنازه آدابی دارد که برخی از آنها را در اینجا می‌آوریم:

مستحبات

۱. هنگام حمل جنازه بگویند: «بسم ٱللّٰه و بٱللّٰه وصلّی ٱللّٰه عَلی محمدٍ وَآلِ محمدٍ، اللّٰهُمَ ٱغْفِرْ لِلْمُؤمنینَ وَٱلمُؤمناتِ»؛

۲. جنازه را بر شانهٔ خود حمل کنند، نه بر حیوان و ماشین و امثال آن، مگر آنکه عذری مانند دوری مسافت وجود داشته باشد؛

۳. با خشوع و تفکر باشند؛

۴. پیاده بروند، سواره رفتن مکروه است، مگر با عذر؛ ولی در بازگشت مکروه نیست؛

۵. دو طرف جنازه یا پشت سر آن حرکت کنند و پشت سر جنازه افضل است.

مکروهات

۱. خندیدن و بازی کردن و سخن بیهوده گفتن؛

۲. تند رفتن، به خصوص دویدن، بلکه بهتر، حدّ وسط در حرکت است؛

۳. بهتر است که زنان جوان در تشییع جنازه شرکت نکنند.[1]

وظایف صاحبان عزا

۱. مستحب است انسان در مرگ خویشان، به خصوص در مرگ فرزند صبر کند؛

۲. مستحب است در تشییع جنازه، پابرهنه باشد و ردا را بردارد یا به گونه‌ای دیگر که مناسب مصیبت دیده باشد، تا بین دیگران شناخته شود؛

۳. مستحب است هروقت به یاد میت می‌افتد، بگوید: ﴿إنّالله و إنّا إلیهِ راجِعُون﴾؛

۴. مستحب است برای میت، قرآن بخوانند و سر قبر پدر و مادر از خداوند حاجت بخواهند؛

۵. پس از رفتن کسانی که تشییع جنازه کرده‌اند، مستحب است ولی میت یا کسی که از طرف ولیّ اجازه دارد، دعاهایی را که دستور داده شده، به میت تلقین کند؛

۶. احتیاط واجب است در گریه بر میت، صدا را خیلی بلند نکنند؛

۷. پاره کردن یقه در مرگ غیرپدر و برادر جایز نیست؛

۸. اگر مرد در مرگ زن یا فرزند یقه یا لباس خود را پاره کند یا زن در عزای میت، صورت خود را بخراشد، به طوری که خون بیاید یا موی خود را بکند، کفّاره[2] بر او واجب می‌شود؛[3]

---

۱. تحریرالوسیله؛ ج ۱، صص ٧٦ و ٧٨، القول في تشييع الجنازة.

۲. کفاره آن در درس ۵۵ گذشت.

۳. تحریرالوسیله؛ ج ۱، ص ٧٧، القول في تشييع الجنازة؛ توضیح المسائل، م ٦٣١ و ٦٣٥ و ٦٣٦.

کیفیّت دفن میّت

۱. میت را باید طوری دفن کنند که بوی آن بیرون نیاید و درندگان هم نتوانند بدنش را بیرون آورند؛

۲. میت را باید در قبر به پهلوی راست، رو به قبله بخوابانند؛

۳. اگر دفن میت، در زمین ممکن نباشد، می‌توانند به جای دفن، آن را در بنا یا تابوت بگذارند؛

□ ۴. اگر کسی در کشتی بمیرد، چنانچه جسد فاسد نمی‌شود و بودن آن در کشتی مانعی ندارد، باید صبر کنند تا به خشکی برسند و آن را در زمین دفن کنند. وگرنه باید در کشتی غسلش دهند و حنوط و کفن کنند و پس از نماز بر او، چیز سنگینی به پایش ببندند و به دریا بیندازند یا او را در خمره بگذارند و درش را ببندند و به دریا بیندازند و اگر ممکن است باید آن را در جایی رها کنند که فوراً طعمهٔ حیوانات نشود؛

۵. اگر کسی در چاه بمیرد و بیرون آوردنش ممکن نباشد، باید درِ چاه را ببندند و همان چاه را قبر او قرار دهند و اگر چاه از خود او نیست، صاحب چاه را راضی کنند.[۱]

مکان‌هایی که دفن میت در آنها جایز نیست:

- دفن مسلمان در قبرستان کفار و دفن کافر در قبرستان مسلمانان؛
- دفن مسلمان در جایی که بی‌احترامی به او باشد؛ مثلاً در محل زباله و خاکروبه؛
- در مکان غصبی؛
- در مسجد و مکانی که برای غیر دفن وقف شده است؛
- در قبر مردهٔ دیگری که سبب نبش قبر شود.[۲]

---

۱. توضیح المسائل، م ٦١۳ و ٦١٦ و ٦۲۵. به فتوای برخی از فقها، کسی که در کشتی بمیرد لازم نیست او را در خمره بگذارند؛ بلکه در هر چیزی که حیوان‌های دریایی نتوانند به بدن او دست یابند بگذارند و در آن را محکم ببندند و در دریا رها کنند.

۲. همان، م ٦۲۰ و ٦۲۳.

آداب دفن

آنچه در حفر و بنای قبر و محل آن مستحب است:

۱. قبر را به اندازه قد انسان متوسط گود کنند؛

۲. در زمین‌های سخت برای قبر، لَحَد در آورند، یعنی حفره‌ای به اندازهٔ جسد در دیوار قبر، در سمت قبله درآورند؛

۳. قبر را مربع یا مستطیل بسازند؛

۴. به اندازهٔ چهار انگشت، قبر را از زمین بالا آورند؛

۵. قبر را محکم بسازند که زود خراب نشود؛

۶. نشانه‌ای روی قبر بگذارند که اشتباه نشود؛

۷. اسم میت را بر سنگی یا لوحی بنویسند و بالای سر او روی قبر بگذارند؛

۸ . میت را در نزدیک‌ترین قبرستان دفن کنند، مگر آنکه قبرستانِ دورتر، از جهتی بهتر باشد؛ مثل آنکه مردمان خوب در آنجا دفن شده باشند یا مردم برای فاتحه اهل قبور، بیشتر به آنجا بروند؛

۹. اقوام و خویشان را نزدیک هم دفن کنند.[۱]

مستحبات دفن

۱. جنازه را در چند قدمی قبر بر زمین بگذارند و تا سه مرتبه کم کم ببرند و در هر مرتبه زمین بگذارند و بردارند و در نوبت چهارم وارد قبر کنند؛

۲. اگر میت مرد است، در دفعهٔ سوم طوری آن را بر زمین بگذارند که سر او به طرف

---

۱. تحریر الوسیله؛ ج ۱، صص ۸۷ ـ ۹۰ ، القول في مستحبات الدفن ومكروهاته؛ العروة الوثقى؛ صص ۲۲۲ ـ ۲۲۸ ، فصل في المستحبات قبل الدفن وحينه وبعده.

پایین قبر باشد و در دفعهٔ چهارم آن را از طرف سر وارد قبر کنند. اگر میت زن است، در دفعهٔ سوم، آن را به سمت قبلهٔ قبر بگذارند و به پهنا وارد قبر کنند. در موقع وارد کردن جنازه، پارچه‌ای روی قبر بگیرند؛

۳. جنازه را به آرامی از تابوت بردارند و وارد قبر کنند؛

۴. بعد از گذاردن میت در لحد، گره‌های کفن را باز کنند و صورت میت را روی خاک بگذارند و بالشی از خاک زیر سر او درست کنند و پشت میت خشت خام یا کلوخی بگذارند که میت به پشت برنگردد؛

۵. غیر از خویشانِ میت، کسانی که حاضرند، با پشتِ دست، خاک بر قبر بریزند و بگویند: ﴿إنّالله و إنّا إلیهِ راجِعُون﴾؛

۶. دو چوبِ تر ـ که بهتر است از چوب نخل باشد ـ همراه میت در قبر بگذارند و یکی را در سمت راست و دیگری را سمت چپ وی قرار دهند؛

۷. دعاهایی را که برای دفن میت وارد شده است، بخوانند و عقاید حق را نیز به وی تلقین کنند؛[1]

۸. بر کسی که میت را در قبر می‌گذارد، چند چیز مستحب است:

- با طهارت، سر برهنه و پا برهنه باشد؛
- از طرف پای میت از قبر بیرون بیاید؛
- اگر میت زن است، شوهر یا یکی از محرمانش او را در قبر بگذارد و بند کفنش را باز کند.[2]

---

۱. تحریرالوسیله؛ ج ۱، ص ٧٦، القول في الجریدتین؛ توضیح المسائل؛ م ٦٢٨ و ٦٢٩.

۲. همان، ص ٨٧، القول في مستحبات الدفن و مکروهاته.

احکام شهید

۱. کسی که به امر معصوم علیه‌السلام یا نایب او به جبهۀ جهاد برود و در میدان نبرد کشته شود، شهید است و غسل و حنوط و کفن از او ساقط است، بلکه با لباس خودش دفن می‌شود؛

۲. این حکم اختصاص به شهیدی دارد که در معرکه جان داده باشد، ولی در میدان نبرد مجروح شود و پشت جبهه به شهادت برسد، غسل و حنوط و کفن از او ساقط نیست؛

۳. اگر بر تن شهید، لباس نباشد، باید او را کفن کنند؛[۱]

دو مسأله

۱. بعد از دفن مستحب است صاحبان عزا را سر سلامتی دهند، ولی اگر مدتی گذشته است که با این کار، مصیبت یادشان می‌آید، ترک آن بهتر است؛

۲. مستحب است پس از دفن تا سه روز برای اهل خانه میت غذا بفرستند و غذا خوردن نزد آنان و در منزلشان مکروه است؛[۲]

مخارج کفن و دفن

۱. اگر میت برای این مخارج وصیتی کرده باشد، با در نظر گرفتن شرایط وصیت، مطابق آن عمل می‌شود.

اگر میت وصیتی ندارد:

- چنانچه میت، زنی است که شوهردار است، کفن و سایر مخارج تجهیز او بر عهدۀ شوهر است؛ هرچند آن زن از خودش مالی داشته است؛

---

۱. تحریرالوسیله، ج۱، ص ٦٦، م ۱؛ استفتاآت، ج ۱، صص ۷۹ و ۸۳.

۲. توضیح المسائل، م ٦٣٢.

- اگر میت غیر زوجه است، کفن و سدر و کافور و قیمت زمین برای دفن (اگر برای زمین دفن پول گرفته می‌شود) و مزد حمّال و قبر کن و سایر مخارج تجهیز میت از اموال میت برداشته می‌شود؛[1]

۲. کفن کردن میت واجب است، نه دادن کفن؛ اگر چه آن هم مستحب است؛[2]

نبش قبر

۱. نبش قبر مسلمان، یعنی شکافتن قبر او به حدّی که جسد پیدا شود، اگر چه طفل یا دیوانه باشد، حرام است، مگر در این موارد:

- میت بدون غسل دفن شده باشد یا غسلش باطل بوده؛
- میت بدون کفن دفن شده باشد یا به غیر دستور شرع کفن شده باشد؛
- او را رو به قبله نگذاشته باشند. شکافتن قبر در موارد فوق اگر موجب بی‌احترامی به میت نشود، جایز است؛
- □ میت در زمین غصبی دفن شده باشد و مالک زمین راضی نشود؛
- □ کفن یا چیز دیگری که با میت دفن شده غصبی باشد و صاحب آن راضی نشود که در قبر بماند؛
- چیزی از مال خود میت که به ورثه رسیده، با او دفن شده باشد و ورثه راضی نشوند که در قبر بماند، مگر چیز مختصری که ماندن آن در قبر اجحاف به ورثه نباشد که در این صورت احتیاط واجب است که نبش قبر نکنند؛
- برای ثابت شدن حقّی، بخواهند بدن میت را ببینند؛

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۱، صص ۷۳ و ۷٤، م ٤ و ٥.
۲. همان، ص ۷۲.

- میت را در جایی که بی‌احترامی به اوست مثل قبرستان کفار یا جایی که خاکروبه می‌ریزند، دفن کرده باشند؛
- برای امری که اهمیّت آن از شکافتن قبر بیشتر است، قبر را نبش کنند، مثلاً بخواهند بچه زنده‌ای را از شکم زن مدفون، بیرون آورند؛
- بترسند که دشمن یا درنده‌ای آن را بیرون آورد یا سیل آن را ببرد؛
- بخواهند قسمتی از بدن میت را که با آن دفن نشده، دفن کنند؛ ولی بنابراحتیاط واجب آن قسمت را طوری در قبر بگذارند که بدن میت دیده نشود؛
- □ جسد میّت از بین رفته و خاک شده باشد.[1]

۲. نبش قبر امامزاده‌ها و شهدا و علما و صُلحا، اگر چه سال‌ها بر آن گذشته باشد، در صورتی که زیارتگاه باشد، حرام است. بلکه اگر زیارتگاه هم نباشد، بنابر احتیاط واجب نباید آن را نبش کرد.[2]

✍ پرسش

۱. آداب هندسی و معماری قبر چیست؟

۲. محرمات عزاداری بر میت کدام است؟

۳. مردی از دنیا رفته و برای مخارج کفن و دفن خود وصیتی ندارد. مخارج آن از کجا تأمین می‌شود؟

۴. چه کسانی را نباید حنوط کرد؟

۵. آیا قبرستان‌های ویران و متروک را می‌توان تبدیل به مدرسه یا فضای آموزشی کرد؟

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۱، صص ۷۲؛ توضیح المسائل؛ م ٦٤١ و ٦٤٣. به فتوای برخی از فقها، در برخی از موارد که زمین یا کفن غصبی باشد یا چیز غصبی با میّت دفن شده باشد، نمی‌توان قبر را نبش کرد.

۲. همان، م ٦٤٢.

درس ۸٤

ارث

﴿... لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَکَ الْوالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّساءِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَکَ الْوالِدانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْكَثُرَ نَصِيباً مَفْرُوضاً﴾

برای مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان بر جای گذاشته‌اند سهمی است و برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشان بر جای گذاشته‌اند سهمی خواهد بود، کم باشد یا زیاد، سهم هر کدام مشخص شده است.[1]

با مرگ انسان، ملکیت او نیز زایل می‌شود و اموال وی به دیگران می‌رسد. اسلام با درنظرگرفتن مصالح فرد و اجتماع، سهم هریک از بازماندگان میت را مشخّص کرده و به تمام نزاع‌ها و مشکلاتی که بر تقسیم اموال میت وجود داشته، خاتمه داده است.

مصارف تَرکه (اموال) میت

تَرکه میت در مصارف زیر به ترتیب مصرف می‌شود:

۱. پرداخت بدهی‌هایی که متعلّق به عین ترکه است؛ مانند خمس و زکاتی که به مال موجود تعلّق گرفته، ولی پرداخت نشده است.

---

۱. نساء: ۷.

۲ .تجهیز میت، مانند مخارج کفن، دفن، خرید سدر و کافور، خرید زمین قبر و آنچه مربوط به دفن است. مگر آنکه میت، زنی است شوهر دار که در این صورت این گونه مخارج بر عهده شوهر اوست. یا در این مورد وصیت کرده باشد.

۳ .دیونی که بر ذمّه میت است؛ مانند خمس و زکاتی که بدهکار است، هر چند اموال موجود متعلّق خمس نباشد و همچنین بدهکاری به افراد نیز از اصلِ ترکه میت پرداخته می‌شود.

٤ .وصیت میت بر ثلث؛[1] مثلاً میت وصیت کرده یک سوم اموال او یا بخشی از آن را به مصرفی برسانند، امّا وصیت به بیش از یک سوم با اجازه ورثه قابل عمل است.

۵ .آنچه پسر بزرگ‌تر، از پدر ارث می‌برد (قرآن، انگشتر، لباس).

٦ .بقیه اموال میت مطابق قانون ارث به ورثه او می‌رسد.[2]

طبقات ارث

کسانی که با خویشاوندی نسبی از میت ارث می‌برند، به سه گروه (طبقه) تقسیم می‌شوند:

- **گروه اول:** ۱ .پدر و مادر / ۲ .فرزندان
- **گروه دوم:** ۱ .جدّ و جدّه / ۲ .برادر و خواهر
- **گروه سوم:** ۱ .عمو و عمّه / ۲ .دایی و خاله

---

۱ .بحث وصیت مالی در درس ٦٧ گذشت.

۲ .رساله ارث، تألیف حاج ملا هاشم خراسانی با حواشی امام خمینی، ص ۳۱ به بعد. به فتوای برخی از فقها، سایر سلاح‌های میّت مثل خنجر و تفنگ وی نیز به پسر بزرگ وی می‌رسد و نیز نسبت به کتاب‌های میّت با سایر ورثه مصالحه کنند.

با وجود گروه اول، گروه دوم وسوم ارث نمی‌برند، حتی اگر یک نفر از آنها زنده باشد، وبا وجود گروه دوم چیزی به گروه سوم نمی‌رسد.[۱]

* **زن و شوهر** جزو هیچ کدام از این سه گروه به حساب نمی‌آیند وبا وجود هریک از سه گروه نیز ازیکدیگر ارث می‌برند ووجود هیچ یک از این طبقات، مانع تمام ارث آن دو ازیکدیگر نیست.[۲]

سهام ورثه

سهام جمع سهم وسهم مقدار مالی است که وارث ازمیت ارث می‌برد.

انواع سهم

۱ **.بالفرض:** مقدارسهمی است که درقرآن به صراحت بیان شده است.

۲ **.بالقرابه:** سهامی که درقرآن به صراحت بیان نشده وادلّه دیگرآن را بیان می‌کند.[۳]

سهام مفروض درسوره **نساء** آمده است وآیات آن چنین است:

$\frac{1}{2}$ ← آیه‌های ۱۰ و۱۲ و۱۷۵	$\frac{1}{3}$ ← آیه‌های ۱۱ و۱۲
$\frac{1}{4}$ ← آیه ۱۲	$\frac{1}{6}$ ← آیه‌های ۱۱ و۱۲
$\frac{1}{8}$ ← آیه ۱۲	$\frac{2}{3}$ ← آیه‌های ۱۱ و۱۷۵

چون بیان تمام سهام ارث وصاحبان آنها ازگنجایش این کتاب بیرون است، تنها به بیان وگروه اول و مقدار سهامشان و توارث همسران اکتفا می‌کنیم و برای اطلاع گسترده دراین باره می‌توان به رساله توضیح‌المسائل یا سایرکتب فقهی مراجعه کرد.

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الارث، ص ۳۷۸.

۲ .همان، ص ۳۹۶، م ۱، توضیح المسائل، م ۲۷۳۰.

۳. تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الارث، الامر الثالث في السهام، صص ۳۷۳ و ۳۷۴.

توارث همسران[1]

۱ .زن و شوهر زمانی از یکدیگر ارث می‌برند که عقد آنها دائمی باشد.[2]

۲ .شوهر از تمام اموال همسر خود ارث می‌برد (چه منقول، چه غیرمنقول) ولی اگر شوهر بمیرد، همسرش از زمین ارث نمی‌برد و از ساختمان و درخت و کشتزار نیز فقط از قیمت آنها ارث می‌برد نه از اصل آنها.[3]

اگر شوهر بمیرد
- ۱ .میّت فرزند ندارد: $\frac{1}{4}$ به همسر و $\frac{3}{4}$ به سایر ورثه می‌رسد.
- ۲ .میّت فرزند دارد: $\frac{1}{8}$ به همسر و $\frac{7}{8}$ به سایر ورثه می‌رسد.

اگر زن بمیرد
- ۱ .میّت فرزند ندارد: $\frac{1}{2}$ به شوهر و $\frac{1}{2}$ به سایر ورثه می‌رسد.
- ۲ .میّت فرزند دارد: $\frac{1}{4}$ به شوهر و $\frac{3}{4}$ به سایر ورثه می‌رسد.

ارث گروه اول

۱ .پدر و مادر میت زنده‌اند:

الف- میت فرزند دارد

۱. یک پسر $\frac{1}{6}$ مادر، $\frac{1}{6}$ پدر و $\frac{4}{6}$ پسر

۲. چند پسر $\frac{1}{6}$ پدر، $\frac{1}{6}$ مادر و $\frac{4}{6}$ پسران. (به طور مساوی)

۳. یک دختر (میت برادر و خواهر دارد) $\frac{1}{6}$ پدر، $\frac{1}{6}$ مادر، $\frac{3}{6}$ دختر و $\frac{1}{6}$ باقیمانده را چهار قسمت کرده، $\frac{1}{4}$ پدر، $\frac{3}{4}$ دختر؛ یعنی $\frac{15}{24}$ به دختر، $\frac{5}{24}$ به پدر و $\frac{4}{24}$ به مادر.

٤. یک دختر (میت برادر و خواهر ندارد یا کمتر از تعدادی است که در پاورقی آمده است) $\frac{1}{5}$ پدر، $\frac{1}{5}$ مادر، $\frac{3}{5}$ دختر.[4]

۵. چند دختر $\frac{1}{6}$ پدر، $\frac{1}{6}$ مادر و $\frac{4}{6}$ بین دختران به طور مساوی تقسیم می‌شود.

٦. هم دختر و هم پسر $\frac{1}{6}$ پدر، $\frac{1}{6}$ مادر، $\frac{4}{6}$ بین فرزندان تقسیم می‌شود (پسر دو برابر دختر)

---

۱ .تحریرالوسیله، ج ۱،الامر الثالث في السهام، ص ۳۷۳.

۲ .همان، ج ۲، ص ۳۹٦، م ۲.

۳ .تحریرالوسیله، ج ۲، المقصد الثاني في المیراث بسبب الزوجیة، ص ۳۹۷، م ۵.

٤ – اگر دو برادر یا چهار خواهر و یا یک برادر و دو خواهر پدری داشته باشد، مادر یک ششم می برد؛ ولی اگر برادر و خواهر ندارد یا به این تعداد نیستند، یک پنجم می‌برد.

ب- میت فرزند ندارد
- **١. میت برادر و خواهر ندارد** یا کمتر از تعدادی است که در فرض بعدی خواهدآمد $\frac{2}{3}$ پدر و $\frac{1}{3}$ مادر.
- **٢. میت برادر و خواهر دارد** $\frac{5}{6}$ پدر و $\frac{1}{6}$ مادر (در صورتی که دو برادر یا چهار خواهر یا یک برادر و دو خواهر باشند و با میت پدر و مادری یا پدری باشند.)

٢ .یکی از آنها زنده و دیگری مرده است:

الف) میت فرزند دارد
- **یک پسر دارد** $\frac{1}{6}$ پدر یا مادر، $\frac{5}{6}$ پسر.
- **چند پسر دارد** $\frac{1}{6}$ پدر یا مادر و $\frac{5}{6}$ پسرها (به طور مساوی).
- **یک دختر دارد** $\frac{1}{4}$ پدر یا مادر و $\frac{3}{4}$ دختر.
- **چند دختر دارد** $\frac{1}{5}$ پدر یا مادر و $\frac{4}{5}$ دخترها (به طور مساوی).
- **هم دختر و هم پسر** $\frac{1}{6}$ پدر یا مادر، $\frac{5}{6}$ دخترها و پسرها (پسر دو برابر دختر).

ب) میت فرزند ندارد: همه اموال به پدر یا مادر می‌رسد.[1]

٣ .پدر و مادر میت مرده‌اند:

الف) میت فرزند دارد
- **یک دختر یا یک پسر** همه اموال به او می‌رسد.
- **چند پسر یا چند دختر** همه اموال به طور مساوی بین آنها تقسیم می‌شود.
- **هم پسر و هم دختر** همه اموال بین آنها تقسیم می‌شود (پسر دو برابر دختر).

ب) میت فرزند ندارد به وارث دسته دوم می‌رسد.

---
١ .تحریرالوسیله، ج ٢، المقصد الاول فی میراث الانساب، ص ٣٦٠.

پرسش

۱ .چه مقدار از مخارج کفن و دفن و مراسم سوگواری میت از ترکه او برداشته می‌شود؟

۲ .آیه ۱۲ از سوره نساء کدام یک از سهام مفروض را بیان می‌کند؟

۳ .فرزند میت مانع سهم بری کامل چه کسانی است؟

٤ .تفاوت ارث‌بریِ زن و شوهر از یکدیگر در چیست؟

۵ .اگر مردی بمیرد و همسرش زنده است و از گروه اول کسی وجود ندارد اموال او به چه کسی می‌رسد؟

٦ .اگر زن بمیرد و وارث وی شوهرش و مادرش و سه دختر و یک پسر است، سهام هرکدام از آنها چقدر است؟

جدول تفاوت فتاوا

مطابق با نظریات ۱۳ تن از مراجع معظّم تقلید

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

تفاوت فتاوای مراجع معظّم تقلید، مسأله‌ای متداول و دارای سابقه بسیار است. برای متخصّصان و صاحب نظران و اهل فن در رشته‌های گوناگون علمی واضح است که در صورت تعدّد عالمان و نظریه پردازان در علوم مختلف، تفاوت دیدگاه و رأی پیش خواهد آمد و هرگز دانشمندان یک رشته در تمام فروع مرتبط با آن دارای یک نظر نخواهند بود و چنانچه دیدگاه‌ها و نظریه‌ها و آراء مختلف مستند به دلیل و برهان باشد نه تنها مطرود و ناپسند نخواهد بود بلکه امری مقبول و مطلوب و پذیرفته شده و پسندیده است و موجب پویایی و پیشرفت آن علم خواهد شد.

بی شک علم فقه که رشته‌ای ویژه در بین دانش‌های دینی است از این قاعده مستثنی نیست، و فقیهان نیز ممکن است در فروع فقه، دارای تفاوت نظر و فتوا باشند، امّا ناگفته نماند که تفاوت فتاوا با وجود مجتهدان متعدّد هر چند فی نفسه مطلوب است و دارای برکات زیادی است ولی چنانچه مکلّفان در عمل به فتوا بر یک نظریه عمل کنند و پیرو مقلّد یک فقیه جامع الشرایط باشند، برکات بیشتری خواهد داشت؛ ولی از آنجا که امروزه در حوزه‌های علمیه صدها مجتهد و فقیه صاحب‌نظر وجود دارد و بسیاری از آنها نیز دارای مقلّدانی نیز هستند و در برخی از مسایل جزیی فقهی نیز دارای فتاوای متفاوتی می‌باشند، آشنایی عالمان دینی و مبلّغان و پاسخگویان به مسایل شرعی به آن فتاوا ضرورتی است اجتناب ناپذیر. ولی دستیابی و جمع بندی آنها نیز امری است دشوار؛ لذا بر آن شدیم تا اهمّ این تفاوت‌ها را از ابواب مختلف احکام دینی بر اساس کتاب «درسنامه فقه» سامان دهیم. ابتدا این کار توسط تعدادی از خواهران دانش‌پژوه حوزه علمیه علی بن‌موسی الرضا علیه السلام (تهران) انجام پذیرفت و چندین بار نیز جرح و تعدیل و اصلاح شد و اکنون به صورت جزوه حاضر به محضر عالمان و طلّاب علوم دینی و مراکز پاسخگویی تقدیم می‌داریم. امید داریم راهنمای خوبی باشد؛ ولی از آنجا که تدوین چنین

جزواتی دقّت وافر و صرف وقت زیادی می‌طلبد، بی شک عاری از نقص و عیب نخواهد بود که برای اصلاح و تکمیل آن از نظریات اهل فنّ استقبال می کنیم.

یادآوری چند نکته:

۱. فتاوای مراجع معظّم تقلید ـ بجز تعداد اندکی ـ از کتاب شریف «توضیح المسایل مراجع»، چاپ و نشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (چاپ هفدهم؛ ۱۳۸۸ هـ.ش) آورده شده است.
۲. ضمن احترام ویژه به مراجع معظّم تقلید، اسامی آن بزرگواران جهت اختصار بدون القاب آورده شده است.
۳. در چندین مسأله فتاوای برخی از مراجع تقلید به دست نیامده که در آینده امیدواریم بتوانیم با استفاده از سایر تألیفات فقهی آنان یا استفتاء از محضر شریفشان در صورتی که تفاوت فتوایی وجود داشته باشد برآن بیفزاییم.
٤. برای اطمینان بیشتر و در صورت نیاز مراجعه به اصل مسایل، مآخذ آنها نیز با علایم اختصاری: د= درسنامه فقه، ت= توضیح المسایل مراجع، ص=صفحه، م= مسأله، پ= پاورقی، آورده شده است.
۵. امیدواریم در آینده نزدیک بتوانیم فتاوای سایر مراجع تقلید را نیز برآن بیفزاییم.
٦. در پایان از دانش پژوهان حوزه علمیه علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) که در تنظیم و آماده‌سازی این نوشته ما را یاری دادند و همچنین حضرات آقایان سیدمحمدتقی محمدی و محمدجواد غفوری و محمدحسن دهقان که در تصحیح نهایی آن زحمت فراوانی را متحمّل شدند، تشکر کرده و توفیق همگان را از خداوند بزرگ خواستاریم.

ربنا تقبّل منّا انک انت السمیع العلیم
حوزه علمیه قم – محمد حسین فلاح زاده
تابستان۱۳۹۵ هـ. ش

تقلید

تقلید ابتدایی از مجتهد میّت (د: ص۵۱ پ۱ ت: م ۹)	
جایز نیست.	آیات عظام: اراکی، امام خمینی، بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری
جایز است (به شرط آنکه در زمان حیات آن مجتهد ممیّز بوده باشد هر چند که بالغ نبوده باشد).	آیت الله زنجانی
بنابر احتیاط جایز نیست.	آیت الله خامنه‌ای
عدول از مجتهد زنده به زنده مساوی (د: ص۵۴ پ۱ ت: پس از مسأله ۱۳، مسأله اختصاصی ۱۴)	
جایز نیست	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، (بنابر احتیاط واجب: آیت الله مکارم)
جایز است.	آیات عظام: بهجت، فاضل، تبریزی
جایز است، اگر علم اجمالی به مخالفت با واقع پیدا نشود.	آیت الله سیستانی
عدول از مجتهد مرده به زنده (د: ص ۵۴ پ۳ ت: م ۱۰)	
عدول از مجتهد مرده به زنده جایز است.	آیات عظام: اراکی، امام خمینی، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، زنجانی، فاضل، گلپایگانی، نوری
عدول از مجتهد اعلم مرده جایز نیست مگر آنکه فتوای میّت احتیاط باشد و عدول از احتیاط واجب به فتوای مجتهد زنده اشکال ندارد.	آیات عظام: بهجت، سیستانی، صافی، مکارم

طهارت؛ وضو

مقدار واجب مسح پا (د: ص ۷۴ پ۲ و ص ۳۳ پ۳ ت: م۲۵۲)	
از نوک انگشت تا برآمدگی پا.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، زنجانی، مکارم، فاضل، نوری
بنابر احتیاط واجب از نوک انگشت تا مفصل.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی
باید از نوک انگشت تا مفصل مسح شود.	آیت الله خامنه‌ای، آیت الله سیستانی

مسح سر با دست راست (د: ص ۷۴ پ۳ ت: م ۲۴۹)	
بنابر احتیاط واجب مسح با دست راست باشد.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، زنجانی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری
لازم نیست با دست راست باشد.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، سیستانی، فاضل
وجوب ترتیب در مسح پا (د: ص۷۴ پ۳ ت: شرایط وضو، شرط نهم)	
پای چپ را پیش از پای راست مسح نکند مسح همزمان نیز صحیح است.	آیات عظام: اراکی، سیستانی، گلپایگانی، بهجت
پای راست را باید پیش از پای چپ مسح کند.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، نوری
بنابراحتیاط واجب پای راست را پیش از پای چپ مسح کند.	آیات عظام: زنجانی، صافی، مکارم، خویی، فاضل، تبریزی
مسح پای راست با دست راست (د: ص۷۴ پ۳ ت: م ۲۵۲)	
لازم نیست پای راست با دست راست و پای چپ با دست چپ مسح شود.	آیات عظام: امام‌خمینی، اراکی، بهجت، خامنه‌ای زنجانی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری
بنابر احتیاط واجب پای راست با دست راست و پای چپ با دست چپ مسح شود.	آیت الله تبریزی، آیت الله خویی
نبودن رطوبت در دست برای مسح (د: ص۷۵ پ۱ ت: م ۲۵۷و ۲۵۸)	
باید از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد .	آیات عظام: اراکی، امام خمینی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری
باید از ریش خود رطوبت بگیرد.	آیات عظام: تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی
بنابر احتیاط از ریش خود رطوبت بگیرد.	آیت الله بهجت، آیت الله زنجانی ملاحظه: منظور از ریش چانه است.
وضو گرفتن در نهرهای بزرگ در صورت نهی صاحبانش(د: ص۸۰ پ۲ ت: م ۲۷۱)	
بنابر احتیاط واجب جایز نیست.	آیات عظام: امام خمینی، مکارم، گلپایگانی، صافی، نوری، خامنه‌ای، فاضل، اراکی
جایز و صحیح است.	آیات عظام: تبریزی، سیستانی، زنجانی
اگر سیره مردم وضو گرفتن است جایز است.	آیت الله بهجت، آیت الله خویی

نیّت وضوی نیابتی (د: ص۸۲ پ۱ ت: ۲۸۶)	
فقط وضو گیرنده نیّت کند و نیّت نایب لازم نیست.	آیـات عظـام: امام خمینی، گلپایگانی، خویی، تبریزی، صافی، زنجانی، نوری، بهجت، مکارم، خامنه‌ای، اراکی
باید هر دو نیّت کنند بنابر احتیاط واجب.	آیت الله فاضل
اگر نائب او را وضو می‌دهد و خودش مشارکتی ندارد احتیاط واجب هر دو نیّت وضو کنند.	آیت الله سیستانی
زخم باز صورت یا دست که آب برای آن ضرر دارد (د: ص۸۴ پ۲ ت: م ۳۲۵)	
شـسـتن اطراف زخم کافی اسـت و گذاشـتن جبیره احتیاط مستحب است.	آیات عظام: امام خمینی، خویی، خامنه‌ای، سیستانی، تبریزی، گلپایگانی، مکارم، نوری، صافی
دسـت تر بر آن بکشـد و اگر ممکن نیسـت وضوی جبیره‌ای بگیرد، بنابر احتیاط واجب.	آیات عظام: اراکی، فاضـل، بهجت (مسـتحب اسـت جبیره بگذارد: آیت الله مکارم)
در شکستگی تیمّم نیز لازم است.	آیت الله زنجانی (به احتیاط واجب: آیت الله صافی)
چیز پاکی روی آن بکشـد مانند پارچه یا پلاستیک و دست تر روی آن بکشد.	آیت الله زنجانی
در شکستگی باید تیمم کند.	آیت الله سیستانی، آیت الله خویی
فرا گرفتن جبیره تمام صورت یا تمام دست (د: ص۸۵، پ۵؛ ۱۵۹ ت: م ۳۳۰)	
باید وضو جبیره بگیرد و تیمّم لازم نیست.	آیات عظام: امام خمینی، زنجانی، اراکی، سـیستانی، فاضل، خامنه‌ای، نوری
بـاید وضـــو جبیره بگیرد و بنابر احتیاط واجب تیمّم نماید. به شــرط آنکه جبیره تمام یا بعضــی مواضــع تیمم را نپوشانده باشد	آیات عظام: بهجت، گلپایگانی، صافی
بنـابر احتیاط باید تیمّم کند و وضـــوی جبیره‌ای نیز بگیرد.	آیات عظام: تبریزی، خویی، مکارم

کفایت غسل از وضو (د: ص ۹۲ پ۳؛ ت: م ۳۹۱)	
فقط غسل جنابت وضو ندارد.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، فاضل،خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی، بهجت
با هر غسلی می‌توان نماز خواند به جز استحاضه متوسطه.	آیات عظام: تبریزی، سیستانی، خویی، نوری، (به جز استحاضه: آیت الله زنجانی)
با هر غسلی می‌توان بدون وضو نماز خواند.	آیت الله مکارم
پاک بودن بدن قبل از غسل ارتماسی (د:ص۹۲ پ۴؛ ت: م ۳۷۲)	
لازم نیست به شرط آنکه با آن آب که غسل می‌کند نجس نشود مثلاً با آب کر غسل کند.	آیات عظام: بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، زنجانی
لازم و واجب است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، خامنه‌ای، گلپایگانی، صافی، فاضل، نوری
بنابر احتیاط واجب لازم است پاک باشد.	آیت الله مکارم
نحوه غسل جبیره‌ای (د: ص۹۲ پ۵ ت: م ۳۳۹)	
بنابر احتیاط واجب ترتیبی باشد.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، مکارم، سیستانی، خامنه‌ای، صافی، فاضل
ارتماسی هم صحیح است.	آیات عظام: اراکی، گلپایگانی، زنجانی
باید ترتیبی باشد.	آیات عظام: نوری، تبریزی، خویی
پیش آمدن حدث اصغر بین غسل (د: ص۹۳ پ۱ ت: م ۳۸۶)	
غسل باطل نمی‌شود.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، نوری، صافی، سیستانی، زنجانی، خامنه‌ای، گلپایگانی، فاضل، مکارم
باطل است.	آیت الله بهجت، آیت الله خویی
بنابر احتیاط واجب دوباره غسل کند.	آیت الله تبریزی
این غسل کفایت از وضو نمی‌کند.	به نظر همهٔ مراجع تقلید

قرائت سوره‌های سجده دار برای جنب (د: ص۹۳ پ۴ ت: م ۳۵۵)	
فقط خواندن آیه سجده‌دار حرام است.	آیات عظام: تبریزی، سـیسـتانی، مکارم، خامنه‌ای، خویی، گلپایگانی، صافی
خواندن سوره سجده‌دار حرام است.	آیات عظام: اراکی، امام خمینی، بهجت، فاضـل، نوری (خواندن آیه سـجده‌دار حرام اسـت و بنابر احتیاط آیات دیگر یا قسـمتی از یک آیه نیز جایز نیسـت: آیت الله زنجانی)

طهارت؛ تیمّم

کیفیت تیمّم بدل از وضو و بدل از غسل (د: ص۹۷، پ۲ ت: م ۷۰۱)	
یک بار دسـت‌ها را بر زمین زده و بر پیشانی و پشت دست‌ها بکشد.	آیـات عظـام: امـام خمینی، بهجت، تبریزی، خویی، زنجانی، سـیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، اراکی، نوری
یکبار دسـتها را بر زمین زده و بر پیشـانی و پشـت دسـتها بکشـد و بنابر احتیاط واجب یکبار دیگر بر زمین بزند و بر دستها بکشد.	آیـت الله خامنه‌ای (بنابر احتیاط مسـتحب در تیمم بـدل از غسـل بـار دیگر بر زمین بگذارد: آیت الله مکارم)
تیمّم بر سنگ گچ و سنگ آهک (د: ص۹۸ پ۱ ت: م ۶۸۵)	
قبل از پخته شدن صحیح است.	آیـات عظـام: امـام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری
تیمّم براقسـام سـنگها صـحیح نیسـت مگر آنکه پودرشده باشد.	آیت الله زنجانی
پس از پخته شدن نیز صحیح است.	آیت الله خامنه‌ای، آیت الله سـیسـتانی: ولی احتیاط مستحب است بر کچ و آهک پخته تیمم نکند.

تیمّم بر گل پخته مثل آجر و کوزه (د: ص۹۸ پ۱ ت: م ۶۸۴)	
صحیح نیست.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، مکارم، نوری، گلپایگانی، صافی، (بنابراحتیاط واجب: آیت الله مکارم)
صحیح است.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل
قبل از پخته شدن جایز، بعد از پخته شدن اگر چیز دیگری ندارد احتیاطاً هم بر اینها و هم بر گل یا غبار تیمّم نماید.	آیت الله بهجت
صحیح است به شرط پودر شدن.	آیت الله زنجانی
کفایت تیمّم بدل از غسل از وضو (د: ص۹۹ پ۱ ت: م ۷۲۳)	
فقط تیمّم بدل از غسل جنابت کفایت از وضو می‌کند.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، صافی، فاضل، گلپایگانی
تیمّم بدل از هر غسلی (چه واجب چه مستحب) کفایت از وضو می‌کند.	آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم
تیمّم بدل از هر غسلی کفایت از وضو می‌کند به غیر از استحاضه متوسطه که وضو لازم دارد.	آیت الله نوری
تیمّم بدل از هر غسلی کفایت از وضو می‌کند به جز استحاضه که بنابر احتیاط واجب وضو لازم دارد.	آیت الله زنجانی
پیش آمدن مبطل وضو، پس از تیمّم بدل از غسل (د: ص۹۹ پ۲ ت: م ۷۲۴)	
اگر نمی‌تواند غسل کند باید وضو بگیرد و اگر نمی‌تواند وضو بگیرد باید بدل از وضو تیمّم نماید.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، خامنه‌ای، زنجانی، سیستانی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری
باید بدل از غسل تیمّم کند.	آیت الله تبریزی، آیت الله خویی
بنابر احتیاط واجب بدل از غسل تیمّم کند و وضو هم بگیرد و اگر وضو نمی‌تواند بگیرد، تیمّم کند یکی بدل از غسل و یکی بدل از وضو.	آیت الله صافی

طهارت ؛ نجاسات

حکم فضله پرندگان حرام گوشت (د: ص۱۰۲ پ۴ ت: م ۸۵)	
نجس نیست.	آیات عظام: اراکی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، خویی، تبریزی، صافی
نجس است.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، نوری
بنابر احتیاط اجتناب شود.	آیت الله زنجانی
خون داخل تخم مرغ (د: ص۱۰۶، پ۱ ت: م ۹۸)	
بنابر احتیاط واجب باید از خوردن آن تخم مرغ اجتناب کرده ولی اگر خون در زده باشد و پوستهٔ آن پاره نشده سفیده تخم مرغ پاک است.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، زنجانی، صافی، گلپایگانی، بهجت
نجس نیست ولی خوردنش حرام است. (احتیاط مستحب از زرده‌ای که خون در آن است اجتناب شود: آیت الله سیستانی)	آیات عظام: خامنه‌ای، سیستانی، مکارم
نجس نیست ولی احتیاط واجب از خوردن خون اجتناب کند ولی اگر با زدن تخم مرغ خون از بین برود خوردن زرده اشکال ندارد.	امام خمینی، آیت الله فاضل
بنابر احتیاط واجب نجس است و خوردن آن نیز حرام است.	آیت الله نوری
حکم آب انگور جوش آمده (د: ص۱۰۷ پ۷ ت: م ۱۱۳)	
پاک، ولی خوردن آن حرام است.	آیات عظام: خویی، فاضل، تبریزی، سیستانی، گلپایگانی، صافی
نجس و بنابر احتیاط خوردنش حرام است.	آیت الله بهجت (بنابراحتیاط نجس ولی خوردنش حرام است: آیت الله زنجانی)
مست کننده باشد نجس است. مست کننده نباشد پاک است ولی خوردنش حرام است.	امام خمینی، آیت الله خامنه‌ای
به خودی خود جوش بیاید حرام و نجس با حرارت جوش بیاید پاک ولی حرام است.	آیات عظام: مکارم، نوری، اراکی

حکم کشمش و خرمای پخته (د: ص۱۰۷ پ۸ ت: م ۱۱۴)	
نجس و حرام نیست هر چند بجوشد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، مکارم، صافی گلپایگانی، نوری، زنجانی، خویی، تبریزی، سیستانی، فاضل
بنابراحتیاط، نجس و حرام است.	آیت الله بهجت
خرما پاک است و حلال. ولی کشمش اگر خود بخود جوش آید نجس و حرام است والا پاک، اما خوردنش حرام است.	آیت الله اراکی
حکم متنجس سوم و چهارم(د: ص۱۰۸ پ۴ ت: م ۱۲۵)	
متنجس چهارم نجس کننده نیست.	امام خمینی، آیت الله نوری
متنجس سوم نجس کننده نیست.	آیات عظام: سیستانی، فاضل، خامنه‌ای، مکارم
بنابر احتیاط واجب اجتناب کنند.	آیت الله خویی
مطلقاً نجس کننده است.	آیات عظام: تبریزی، صافی، بهجت
مقدار آب کر (د: ص۱۱۲ پ۲ ت: م، ۱۶)	
۳/۵×۳/۵×۳/۵وجب	آیات عظام: امام خمینی، گلپایگانی، زنجانی، سیستانی، مکارم، اراکی، خامنه‌ای، فاضل، نوری
۳×۳×۳ وجب	آیت عظام: خویی، تبریزی، بهجت، صافی
نسبت به وزن آب کر نیز نظرات متفاوتی وجود دارد ولی نظر اکثر حدود ۴۱۹، ۳۷۷ کیلوگرم است.	

طهارت ؛ مطهرات

تطهیر باطن حبوبات نجس (د: ص۱۱۷ پ۴ ت: م ۱۶۴)	
در داخل آب کر یا جاری قرار دهند و آب داخل آن نفوذ کند پاک می‌شود.	آیات عظام: گلپایگانی، بهجت، صافی، سیستانی، اراکی، خویی، تبریزی، زنجانی (خشک بودن قبل از تطهیر لازم است: آیت الله صافی، آیت الله بهجت)

حکم	مراجع
پاک نمی‌شود.	آیات عظام: امام خمینی، نوری، فاضل، خامنه‌ای
در داخل آب کر یا جاری قرار دهند و آب داخل آن نفوذ کند و از آن خارج شود پاک می‌شود.	آیت الله مکارم
پاک کنندگی آسفالت و موزایک (د: ص۱۱۸ پ۴ ت: م ۱۸۴)	
پاک کننده کف یا ته کفش نیست.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، خویی، اراکی، گلپایگانی، تبریزی، فاضل، نوری، سیستانی، صافی، بهجت
پاک کننده کف یا ته کفش است.	آیت الله زنجانی، آیت الله مکارم
پاک شدن دست و پای معلولان با راه رفتن (د: ص۱۱۹ پ۱ ت: م ۱۸۸)	
بنابر احتیاط، پاک نمی‌شود.	آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل، خویی، اراکی، مکارم
پاک می‌شود.	آیات عظام: نوری، زنجانی، صافی، بهجت، گلپایگانی
پاک شدن ته عصا و ته پای مصنوعی و نعل چهارپایان و چرخ وسایل نقلیه با حرکت بر زمین (د: ص۱۱۹، پ۱ت: م ۱۸۸)	
بنابر احتیاط واجب پاک نمی‌شود.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، نوری، تبریزی، سیستانی، فاضل، مکارم، اراکی، خویی
پاک می‌شود.	آیات عظام: بهجت، زنجانی، صافی، گلپایگانی
نظر آیت الله صافی و آیت الله گلپایگانی نسبت به حکم چرخ وسیله نقلیه یافت نشد.	
تطهیر مخرج غائط با غیر آب (د: ص۱۲۵، پ۳ ت: ۶۸۲، ۶۹)	
پاک می‌شود. (به نظر اکثر این مراجع بنابراحتیاط باید پارچه یا کلوخ سه قطعه باشد.)	آیات عظام: بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، مکارم، اراکی، خویی، زنجانی، سیستانی، صافی، گلپایگانی
بنابر احتیاط واجب پاک نمی‌شود ولی می‌توان نماز خواند.	امام خمینی، آیت الله فاضل

نماز؛ وقت

پایان وقت نماز عصر (د: ص۱۳۱،پ۵ ت: م۷۳۰و ۷۳۱)	
تا مغرب است.	آیـات عظـام: امام خمینی، فاضـــل، نوری، زنجانی، گلپایگانی، صافی، اراکی، نوری
تا غروب آفتاب است.	آیات عظام: خویی، بهجت، خامنه‌ای، ســیســـتانی، مکارم (بنابر احتیاط تا غروب آفتاب اســـت: آیت الله تبریزی)
نخواندن نماز مغرب و عشا در وقت مخصوص خود ۱. عمداً ۲. با عذر(د: ص۱۳۲، پ۴ ت: م ۷۴۰)	
بنابر احتیاط تا اذان صــبح بدون نیّت ادا و قضــا بجا آورد، چه عمداً چه با عذر.	آیـات عظام: اراکی، امام خمینی، بهجت، خامنه‌ای، خویی، صــافی، گلپایگانی، نوری (اگر به واسـطه عذری: آیت الله فاضل)، (اگر از روی اختیار: آیت الله سیستانی)
۱. عمداً: نماز وی قضا شده. ۲. باعذر: نمازش قضــا نشـــده و باید تا قبل از اذان صبح بخواند.	آیت الله زنجانی، آیت الله مکارم

نماز؛ مکان

نماز خواندن بر مکانی که با پول خمس و زکات نداده خریده است (د: ص۱۳۹، پ۱ ت: م ۸۷۳)	
تصرّف در آن ملک، حرام و نمازش باطل است. الف) با عین پول خمس نداده بخرد. ب) به ذمّه بخرد و بخواهد پول خمس و زکات نداده بپردازد.	امـام خمینی (و بنابر احتیاط واجب اگر به ذمّه بخرد باطل است. آیت الله فاضل، آیت الله مکارم)
اگر به ذمّه بخرد، نمازش صحیح است.	آیات عظام: اراکی، بهجت، خامنه‌ای
الف) تصـــرّف در آن حرام و بنابر احتیاط مســـتحب نمازش باطل است.	آیت الله زنجانی
آیت الله سیستانی: اگر با عین پول خمس نداده بخرد تصـــرف بـدون اذن حاکم شـــرع حرام و نماز بنابر احتیاط واجب باطل است.	ب) نظر آیـات عظـام تبریزی، گلپـایگانی، صـــافی، خویی و نوری یافت نشد.

نماز خواندن جلوتر از قبر پیغمبر (ص) و امام (ع) (د: ص۱۴۲، پ۱ ت: م ۸۸۴)	
اگر بی‌احترامی باشد حرام است ولی نماز باطل نیست.	آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، مکارم، خامنه‌ای، بهجت، سیستانی، فاضل، زنجانی (نماز بنابر احتیاط واجب صحیح نیست: آیت الله نوری)
بنابراحتیاط واجب باید جلوتر یا مساوی قبر پیغمبر(ص) و امام(ع) نماز نخوانند.	آیات عظام: گلپایگانی، صافی، اراکی
در صورتی که مستلزم هتک باشد نماز نخوانند و الا عیبی ندارد.	آیت الله خویی
نماز خواندن زن جلوتر از مرد (د: ص۱۴۲، پ۲ ت: م۸۸۶)	
احتیاط مستحب است زن عقب تر از مرد باشد.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، گلپایگانی، صافی، زنجانی، بهجت، نوری
حداقل باید جای سجده زن از جای ایستادن مرد یک وجب عقب‌تر باشد.	آیات عظام: تبریزی، خویی (بنابر احتیاط واجب: آیت الله خامنه‌ای)
باید کمی عقب‌تر باشد و الا نماز باطل است.	آیت الله فاضل، آیت الله مکارم (بنابر احتیاط مقداری که جای سجده او برابر جای دو زانوی مرد در حال سجده باشد: آیت الله سیستانی)
اعاده نماز بر فرض که زن مساوی مرد یا جلوتر از او نماز خوانده باشد (د: ص۱۴۲، پ۳ ت: م ۸۸۷)	
لازم نیست.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، گلپایگانی، صافی، زنجانی، بهجت، نوری
لازم است.	آیات عظام: خامنه‌ای، خویی، تبریزی، فاضل، مکارم
بنابراحتیاط لازم است.	آیت الله سیستانی
نماز خواندن زن و مرد نامحرم در مکان خلوت (د: ص۱۴۲، پ۴ ت: م ۸۸۹)	
نماز باطل نیست.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، خویی، تبریزی، نوری، اراکی، سیستانی، بهجت
نماز باطل است.	آیت الله گلپایگانی، آیت الله صافی (بنابراحتیاط واجب باطل است: آیت الله زنجانی)
نماز اشکال دارد.	آیت الله مکارم

نماز؛ قرائت

تعداد تسبیحات در رکعات ۳ و ۴ (د: ص۱۵۴، پ۲ ت: م۱۰۰۵)	
یک مرتبه کافی است.	آیـات عظـام: امـام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، خـامنه‌ای، خویی، سـیسـتانی، زنجانی، صـافی، گلپایگانی، مکارم، نوری
بنابر احتیاط واجب، سه مرتبه بخواند.	آیت الله فاضل
شرکت در نماز جماعت برای کسی که قرائتش صحیح نیست (د: ص۱۵۶، پ۲ ت:، م۹۹۷)	
احتیاط مستحب است.	آیـات عظـام: امـام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سـیستانی، زنجانی، فاضل، مکارم، نوری
احتیاط لازم است.	آیت الله گلپایگانی، آیت الله صافی
اگر از حمد مقداری را که صـحیح می‌خواند معتنابه باشـد، همان را بخواند ولی اگر ناچیز باشد باید بنابر احتیاط واجب مقداری از بقیه قرآن را به طور صحیح بخواند و اگر آن هم نمی‌شـود بخواند تسـبیح به آن ضـمیمه کند، ولی اگر نمی‌تواند به کلی سـوره را صحیح بخواند، لازم نیست چیزی عوض آن بخواند.	آیت الله سیستانی
وقف به حرکت و وصل به سکون (د: ص۱۵۶، پ۳ ت: م ۱۰۰۴)	
اشـکال ندارد ولی احتیاط مسـتحب اسـت وقف به حرکت و وصل به سکون ننماید.	آیـات عظـام: امـام خمینی، تبریزی، خـامنـه‌ای، سیستانی، زنجانی، فاضل
بنابر احتیاط واجب جایز نیست.	آیات عظام: اراکی، خویی، نوری، گلپایگانی، صافی
وقف به حرکت بنابر احتیاط واجب جایز نیسـت ولی وصل به سکون جایز است.	آیت الله مکارم
احتیاط آن اسـت که عمداً و بدون عذر وقف به حرکت نکند و وصل به سکون نکند.	آیت الله بهجت

کلمه‌ای از نماز را صحیح می‌دانسته و متوجه شود غلط خوانده (د: ص۱۵۶،پ۴؛ ت: م ۱۰۰۱)	
اعاده ندارد.	آیات عظام: بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، امام خمینی، خویی، سیستانی، زنجانی، فاضل، مکارم
باید دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا کند.	آیات عظام: اراکی، صافی، گلپایگانی (بنابر احتیاط واجب بخواند و اگر وقت گذشته قضا کند: آیت الله نوری)
گذاشتن دستها بر زانو در حال رکوع (د: ص۱۵۶، پ۵ ت: م ۱۰۲۲)	
گذاشتن دستها بر زانو لازم نیست.	آیات عظام: صافی، خویی، فاضل، گلپایگانی، نوری، امام خمینی، زنجانی، سیستانی، اراکی، تبریزی، بهجت
بنابراحتیاط واجب باید دستها را بر زانوها بگذارد.	آیت الله خامنه‌ای، آیت الله مکارم

نماز؛ سجده

برداشتن یکی از اعضای سجده به جز پیشانی در حال ذکر (د: ص۱۶۰،پ۲ ت: م ۱۰۵۴)	
نماز باطل است.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، زنجانی، سیستانی، مکارم، اراکی، خویی، فاضل، نوری
نماز باطل است و بنابراحتیاط دوباره ذکر را بگوید و نماز را تمام و اعاده کند.	آیات عظام: گلپایگانی، صافی (باید ذکر را دوباره بگوید و نماز را تمام کند. آیت الله تبریزی)
در غیر حال ذکر نیز بنابر احتیاط نمازش باطل است.	آیت الله سیستانی
سجده بر گِل پخته (د: ص۱۶۰، پ۵ ت: م۱۰۸۱)	
جایز است.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، بهجت، تبریزی، سیستانی، خویی، فاضل، مکارم، نوری
جایز نیست.	آیت الله اراکی، آیت الله گلپایگانی (بنابراحتیاط واجب جایز نیست: آیت الله صافی، آیت الله زنجانی)

سجده بر فرش و مانند آن در حال تقیّه (د: ص۱۶۱، پ۱ ت: م ۱۰۷۲)	
در صورت امکان باید به جایی برود که بر چیزی که سجده بر آن صحیح است سجده کند.	آیات عظام: تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، فاضل، صافی، مکارم. (بنابراحتیاط واجب: آیت الله گلپایگانی)
می‌تواند بر فرش سجده کند و لازم نیست به جای دیگری برود.	آیات عظام: اراکی، امام خمینی، نوری
همان نظر اکثر ولی چنانچه بر فرش سجده کرد باید نماز را دوباره بخواند.	آیت الله زنجانی
سجده بر کاغذ (د: ص۱۶۱،پ۴ ت: م ۱۰۸۲)	
صحیح است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، خویی، تبریزی، زنجانی، نوری، (صحیح است، مگر آنکه بدانیم از پنبه یا چیزهایی که سجده صحیح نیست ساخته شده باشد: آیت الله مکارم)
اگر نمی‌داند از چیزی که سجده بر آن صحیح است ساخته شده یا نه اشکال دارد.	آیت الله گلپایگانی، آیت الله صافی
صحیح است، مگر آنکه بداند از حریر و ابریشم ساخته شده است.	آیت الله سیستانی (بنابراحتیاط واجب صحیح نیست: آیت الله فاضل). (اگر از چوب و گیاهان ـ غیر از پنبه و کتان ساخته شده، صحیح است: آیت الله خامنه‌ای)
اگر احتمال می‌دهد از چیزی که سجده صحیح نیست ساخته شده بنابراحتیاط واجب سجده ننمایند.	آیت الله بهجت
الف) گفتن عمدی ذکر پیش از رسیدن پیشانی به زمین و آرام گرفتن بدن یا سر برداشتن از سجده پیش از اتمام ذکر ب) اگر سهواً باشد (د: ص۱۶۲،پ۳؛ ت: م ۱۰۵۱و ۱۰۵۲)	
الف) نماز باطل است. ب) نماز صحیح است ولی دوباره باید ذکر را در حال آرامش بدن بگوید.	الف) آیات عظام: امام خمینی، زنجانی، مکارم، نوری، سیستانی ب) آیات عظام: خویی، امام خمینی، نوری، تبریزی، خامنه‌ای، مکارم، سیستانی، زنجانی

الف) اگر پیش از رسـیدن پیشـانی به زمین، ذکر بگوید، باید مجدداً در حال آرامش ذکر را بگوید و بنابر احتیاط واجب نماز را اعاده کند. اگر عمداً پیش از ذکر سر از سجده بر دارد نماز باطل است.	آیات عظام: تبریزی، صافی، گلپایگانی
چسبیدن مهر به پیشانی و بدون برداشتن مهر به سجده دوّم رفتن (د: ص۱۶۳، پ۱؛ ت: م ۱۰۸۶)	
باید مهر را بردارد.	آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، زنجانی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری، اراکی
اشکال ندارد و دو سجده محسوب می‌شود.	آیت الله فاضل
اشکال ندارد گرچه خلاف احتیاط است.	آیت الله بهجت
بلند شدن غیر ارادی پیشانی از محل سجده (د: ص۱۶۳، پ۱ ت: م۱۰۷۱)	
در صورت امکان نباید بگذارد به محل سجده برگردد و یک سجده محسوب می‌شود هرچند ذکر نگفته باشد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، سیستانی، زنجانی، مکارم
سجده به حساب نمی‌آید و باید برگردد و سجده را به طور صحیح به جا آورد.	آیات عظام: بهجت، صافی، گلپایگانی
به یاد آوردن سجده فراموش شده قبل از رکوع رکعت بعد (د: ص۱۶۳، پ۱ت: م ۱۲۴۴)	
برگردد و سجده را بجا آورد و نماز صحیح است. (سجده سهو واجب نیست).	آیات عظام: اراکی، خامنه‌ای، امام خمینی، سیستانی، زنجانی، فاضل، نوری
برگردد و بجا آورد و بنابر احتیاط واجب دو سجده سهو بجا آورد.	آیات عظام: تبریزی، مکارم، خویی، صافی،گلپایگانی (و اگر قرائت یا تسبیحات را خوانده بنابر احتیاط واجب دو سجده سهو برای آنها بجا آورد: آیت الله بهجت)
شنیدن آیه سجده‌دار از ضبط صوت و امثال آن (د: ص۱۶۵، پ۳ ت: م ۱۰۹۶)	
سجده لازم نیست مگر آنکه صدا را به صورت مستقیم برساند.	آیات عظام: بهجت، تبریزی، امام خمینی، خویی، سیستانی، نوری
بنابر احتیاط واجب سجده لازم است.	آیات عظام: اراکی، زنجانی، صافی، گلپایگانی، مکارم (سجده واجب است: آیت الله خامنه‌ای، آیت الله فاضل)

نماز؛ تشهد

الف) یادآوری تشهد فراموش شده پیش از رکوع ب) یادآوری تشهد فراموش شده در رکوع یا سجدهٔ بعد از آن (د: ص۱۶۶،پ۱ ت: م ۱۱۰۲)	
الف) بنشیند و تشهد بخواند و ادامه نماز. ب) پس از اتمام نماز، تشهد را قضا نماید و بنابراحتیاط واجب دو سجده سهو برای تشهد فراموش شده.	الف) آیات عظام: امام خمینی، اراکی، خامنه‌ای، سیستانی، زنجانی، گلپایگانی، مکارم، نوری. ب) آیات عظام: امام خمینی، بهجت، زنجانی، مکارم، نوری (باید سجده سهو به جا آورد: آیات عظام: اراکی، فاضل، گلپایگانی، صافی)، (و بنابراحتیاط، تشهد را قضا کند: آیت الله خامنه‌ای)
الف) بنشیند و تشهد بخواند و ادامه نماز و بنابر احتیاط واجب دو سجده سهو به جا آورد. ب) بنابراحتیاط واجب تشهد را قضا نماید و دو سجده سهو بجا آورد.	الف) آیات عظام: تبریزی، صافی، گلپایگانی، خویی ب) آیت الله خویی، آیت الله تبریزی
ب) بعد از سلام دو سجده سهو بجا آورد و با آن تشهد هم قضا می‌گردد.	آیت الله زنجانی، آیت الله سیستانی
الف) باید بنشیند و تشهد بخواند و ادامهٔ نماز. و بعد از سلام دو سجده سهو برای قیام بی‌جا و دو سجده سهو برای قرائت یا تسبیحات زیادی اگر خوانده باشد.	آیت الله بهجت

سلام نماز مقدار واجب سلام نماز (د: ص۱۶۶، پ۲ ت: م ۱۱۰۵)	
یکی از دو سلام آخر است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، نوری، زنجانی، مکارم
اگر السلام علینا... بگوید بنابر احتیاط واجب باید بعد از آن السلام علیکم... هم بگوید.	آیات عظام: صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، سیستانی

نماز؛ سجده سهو

سجده سهو برای هر زیاده و نقصان (د: ص۱۶۷، پ۲ ت: م ۱۲۳۶)	
واجب نیست.	آیات عظام: تبریزی، خامنه‌ای، امام خمینی، خویی، سیستانی، فاضل، زنجانی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری
بنابراحتیاط واجب به جا آورد.	آیت الله اراکی، آیت الله بهجت

نماز؛ شکّیات

شک بین ۴و ۵ در حالت ایستاده (د: ص۱۸۲، پ۱ ت: م ۱۱۹۹، فرع ششم)	
پس از نماز سجده سهو واجب نیست.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، خامنه‌ای، خویی، تبریزی، سیستانی، زنجانی، فاضل، نوری
بنابر احتیاط واجب است.	آیات عظام: بهجت، گلپایگانی، صافی
سجده سهو واجب نیست و بنابر احتیاط واجب نماز را اعاده کند.	آیت الله مکارم
موارد سجده سهو (د: ص۱۹۱،پ۱؛ ت: م ۱۲۳۶)	
۱- کلام بی جا (سهوی): الف) باید سجده سهو به جا آورد. ب) بنابراحتیاط واجب.	الف) آیات عظام: امام خمینی، اراکی، زنجانی، خامنه‌ای، بهجت، تبریزی، خویی، صافی، فاضل، گلپایگانی، نوری ب) آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم
۲- یک سجده فراموش شده: الف) باید سجده سهو به جا آورد. ب) بنابراحتیاط واجب. ج) بجا آوردن سجدهٔ سهو، احتیاط مستحب است.	الف) آیات عظام: اراکی، بهجت، خامنه‌ای، امام خمینی، صافی، فاضل، گلپایگانی، نوری، زنجانی ب) آیات عظام: تبریزی، خویی، مکارم ج) آیت الله سیستانی
۳- شک بین ۴ و ۵: باید سجده کند.	آیات عظام: اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، امام‌خمینی، خویی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری

۴- سلام بی جا: الف) باید به جا آورد. ب) بنابراحتیاط واجب:	الف) آیـات عظـام: اراکی، بهجـت، تبریزی، خویی، سیستانی، زنجانی، فاضل، صافی، گلپایگانی ب) آیات عظام: خامنه‌ای، امام خمینی، مکارم، نوری
۵- تشهد فراموش شده: الف) باید به جا آورد. ب) بنابراحتیاط واجب.	الف) آیـات عظـام: اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، زنجانی، صافی، فاضل، گلپایگانی ب) آیات عظام: امام خمینی، نوری، مکارم
۶- قیام بی جا: الف) باید سجده کند. ب) بنابراحتیاط واجب.	الف) آیت الله اراکی ب) آیـات عظـام: بهجت، تبریزی، خویی، صـــافی، گلپایگانی، نوری، مکارم

نماز؛ مبطلات

الف) گفتن عمدی کلمه‌ای یک حرفی در نماز با قصد فهماندن مطلبی(چه معنا دار باشد چه نباشد)
ب) گفتن عمدی کلمه‌ای دو حرفی در نماز با قصد فهماندن مطلبی(چه معنا دار و چه بی معنی)
ج) گفتن کلمه‌ای یک حرفی با معنا بدون قصد معنای آن کردن

(د: ص۱۷۵، پ۳ ت: ششم از مبطلات نماز، م ۱۱۳۲ ت: ص۶۱۸ و ۶۱۹)

الف) بطلان نماز. ب) بطلان نماز. ج) اعاده نماز بنابر احتیاط واجب.	الف) آیـات عظـام: تبریزی، امـام خمینی، نوری، سیسـتانی، فاضل، مکارم (هر چند قصد فهماندن مطلبی نداشــته باشــند: آیت الله تبریزی، آیت الله خویی) ب) آیـات عظـام: اراکی، زنجـانی، امـام خمینی، بهجت، تبریزی، صـــافی، گلپایگانی، (بنابر احتیاط نماز باطل است: آیت الله مکارم) ج) آیـات عظام: اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، امـام خمینی، خویی، زنجـانی، فاضـــل، صـــافی، گلپایگانی، مکارم، نوری (نماز باطل نیســـت: آیت الله سیستانی)

اگر عمداً دو حرف تولید شود نماز باطل و اگر یک حرف تولید شود، بنابراحتیاط واجب، نماز باطل است.	آیت الله زنجانی
ج) بیان کلمه‌ای یک حرفی با معنا بدون قصد معنای آن: نماز باطل نمی‌شود، ولی دو حرفی یا بیشتر بدون معنا و بدون استعمال در معنایش بنابراحتیاط نماز باطل می‌شود.	آیت الله فاضل
جواب سلام در نماز الف) تطابق با سلام ب) تقدیم سلام بر ادامه‌اش (د: ص۱۷۵، پ۵ ت: م ۱۱۳۷)	
جواب مطابق با سلام باشد و کلمه «سلام» مقدّم باشد.	آیات عظام: امام خمینی، زنجانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، نوری
همان طور که سلام کرده جواب دهد و اگر «علیک» را در سلام مقدّم داشت می‌تواند سلام را مقدّم یا مؤخر بدارد.	آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم (بنابراحتیاط واجب: آیت الله خویی، آیت الله تبریزی)
اگر کلمه «علیک» را مقدّم داشت با صیغه‌های سلامی که در قرآن وارد شده مانند سلام علیک یا سلام علیکم به قصد اینکه از قرآن است جواب بگوید.	آیت الله زنجانی
آیت الله بهجت: باید مثل سلام او جواب بدهد.	آیت الله زنجانی: احتیاط واجب با صیغه‌های سلام در قرآن جواب دهد
گریه عمدی بی‌صدا در نماز برای کار دنیا (د: ص۱۷۶،پ۳ ت: ص۶۲۷، هشتم از مبطلات نماز)	
بنابر احتیاط واجب، بی‌صدا هم گریه نکند.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری
اشکال ندارد.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، خامنه‌ای، زنجانی

شکستن نماز برای تطهیر مسجد در وسعت وقت (د: ص۱۷۷، پ۵ ت: م ۱۱۶۲)	
اگر بعد از نماز تطهیر مسجد ممکن باشد شکستن نماز جایز نیست.	آیات عظام: اراکی، خویی، صافی، گلپایگانی، مکارم
باید نماز را رها کند و مسجد را تطهیر کند و بعد نماز را بخواند.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، زنجانی، فاضل، نوری
اگر بعد از نماز هم تطهیر مسجد ممکن باشد شکستن نماز جایز است.	آیت الله تبریزی، آیت الله سیستانی
نظر آیت الله بهجت یافت نشد.	

نماز مسافر

مقدار مسافت در رفت و برگشت (د:ص۱۹۴، پ۲ ت: م ۱۲۷۲)	
رفت و برگشت هیچ کدام کمتر از ۴ فرسخ نباشد.	آیات عظام: اراکی، خویی، صافی، نوری، گلپایگانی
لزومی ندارد رفت ۴ فرسخ باشد بلکه رفت و برگشت مجموع ۸ فرسخ باشد.	آیات عظام: بهجت، سیستانی، مکارم، زنجانی
تنها رفتن کمتر از ۴ فرسخ نباشد و مجموع سفر حداقل هشت فرسخ باشد شکسته است.	امام خمینی، آیت الله خامنه‌ای
اگر رفتن یا برگشتن کمتر از ۴ فرسخ باشد بنابراحتیاط نماز جمع (هم شکسته هم تمام)	آیت الله صافی، آیت الله اراکی
حدّ ترخص (د: ص۱۹۵، پ۳ ت: م ۱۲۸۳)	
دیوار شهر دیده نشود و صدای اذان نیز شنیده نشود.	آیات عظام: امام‌خمینی، اراکی، بهجت، خامنه‌ای،صافی، فاضل، گلپایگانی، نوری
اهل آنجا او را نبینند و اذان آن جا را نشنود.	آیات عظام: تبریزی، خویی، زنجانی، مکارم
اهل آنجا او را نبینند و نشانه‌اش این است که او اهل آنجا را نبیند.	آیت الله سیستانی
حد ترخص برای وطن است ولی اگر از غیر وطن به مسافرت می‌رود همین که از محل اقامت خارج شود نمازش شکسته است.	آیات عظام: تبریزی، خویی، سیستانی

حکم نماز پس از حدّ ترخص و پیش از رسیدن به محل قصد اقامت (د: ص۱۹۷، پ۱ ت: م ۱۳۱۹)	
بنابر احتیاط واجب باید نماز را تمام و شکسته بخواند.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، بهجت، فاضل، نوری
باید نماز را تمام بخواند.	آیات عظام: گلپایگانی، صافی، اراکی، زنجانی
باید شکسته بخواند.	آیات عظام: خویی، تبریزی، سیستانی
وظیفه کثیرالسفر (د: ص۱۹۹،پ۵ ت: م ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷)	
کسی که شغلش مسافرت است یا مقدّمه شغلش مسافرت است در سفرهای شغلی باید نماز را تمام بخواند.	آیات عظام: اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، زنجانی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری
عرفاً او را کثیر السفر بگویند هر چند برای کارش نباشد نیز باید نماز را تمام بخواند.	آیات عظام: بهجت، سیستانی، زنجانی، فاضل
تنها در صورتی که شغلش مسافرت باشد نمازش در سفر شغلی تمام است.	امام خمینی
اگر به مدت یک ماه در کمتر از ده روز یک سفر داشته باشد اعم از شغلی یا غیر شغلی، نماز تمام است.	آیت الله فاضل
قصد توطن (د: ص۲۰۰،پ۵ ت: م ۱۳۳۱)	
قصد ماندن همیشگی شرط نیست، اگر ماندن خود را محدود به زمان نکند. کفایت می‌کند	آیات عظام: تبریزی، خویی، صافی، نوری، گلپایگانی
قصد ماندن همیشگی شرط است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، فاضل
قصد ماندن همیشگی شرط نیست بلکه اگر طوری باشد که عرف او را در آنجا مسافر نگویند.	آیات عظام: بهجت، سیستانی، زنجانی، مکارم
اگر برای سکونت به جایی رفته باشد و بنا دارد هفت، هشت سال بماند حکم وطن دارد. ولی اگر برای کار یا امر دیگری غیر از زندگی بخواهد در آنجا مدتی بماند حکم وطن ندارد.	آیت الله خامنه‌ای

اختیار بیش از دو وطن (د: ص۲۰۱، پ۱ ت: م ۱۳۳۲)	
اشکال ندارد.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، بهجت، خویی، سیستانی، صافی، مکارم، نوری، گلپایگانی
اشکال دارد.	آیات عظام: خامنه‌ای، امام خمینی، زنجانی، فاضل
بیرون رفتن از محل قصد اقامه در بین ده روز (کمتر از مسافت شرعی) (د: ص۲۰۴، پ۲ ت: م ۱۳۳۸)	
۱. با قصد قبلی: الف) حداکثر دو ساعت. ب) اگر همان روز را برگردد و شب را در محل اقامت می‌ماند باید نماز را تمام بخواند. ج) حداکثر نصف روز. د) اگر بـه اندازه‌ای دور نیسـت که جزء مسـافرت محسوب شود قصد صحیح است. هـ) قسمت عمده روز را در محل اقامت باشد نماز تمام است.	الف) آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، خویی، نوری ب) آیت الله اراکی، آیت الله فاضـل (اگر خوابگاهش در این محل باشـد کافی است و لازم نیست تصمیم داشـته باشـد در روز یا اوائل شـب برگردد: آیت الله زنجانی) ج) آیت الله خامنه‌ای، آیت الله سیستانی د) آیت الله مکارم هـ) آیت الله بهجت
۲. بدون قصد قبلی: اگر پس از خوانـدن حـداقل یک نماز چهار رکعتی با قصـد اقامه ده روز، بعد از آن اگر تصـمیم بگیرد به اطراف (کمتر از مسـافت شـرعی) برود و برگردد، هرچند طولانی باشد.	به نظر همه مراجع ضـرری ندارد و باید در تمام آن مدت نماز را تمام بخواند.
وظیفه مسافری که نمازش را تمام خوانده (د: ص۲۰۵، پ ۲و۳ ت:م ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲)	
۱. به علت ندانسـتن حکم مسافر نمازش را شکسته خوانده.	نمازش صحیح است همه مراجع.
۲. دانستن حکم سفر و ندانستن برخی از جزئیات آن. الف) نمازش باطل است. ب) در وقت متوجه شود اعاده کند و اگر بعد از وقت متوجه شود قضا لازم نیست. ج) بنابراحتیاط واجب اعاده نماز.	الف) آیات عظام: اراکی، امام خمینی، زنجانی، فاضل، نوری ب) آیات عظام: تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی ج) آیـت الله بهجـت، آیـت الله مکارم (اگر در وقت متوجه شد بنابراحتیاط باید نماز را اعاده کند و پس از وقت متوجه شد قضا ندارد: آیت الله سیستانی)

فتوا	مراجع
۳. فراموش کند مسافر است.	اگر در وقت متوجه شود باید شکسته بجا آورد اما اگر بعد از وقت متوجه شـد قضا واجب نیست. به فتوای همهٔ مراجع بجز آیت الله فاضل: اگر به علیت نسیان حکم بوده احتیاط واجب قضا کند.
نماز در مسجدالحرام مسجدالنبی ومسجد کوفه برای مسافر (د: ص۲۰۶، پ۱ ت: م ۱۳۵۶مناسک حج محشی، م۱۳۱۶)	
۱. تخییر در تمام قسمتهای مساجد و حتّی قسمتهای توسعه یافته.	آیـات عظـام: اراکی، بهجـت، تبریزی، خـامنـه‌ای، امام‌خمینی، خویی، سیستانی، زنجانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم (ولی در قسـمت‌های توسـعه یافته مسـجد کوفه بنابراحتیاط شـکسـته بخواند. آیت الله نوری)
۲. تخییر در مکان قدیم مسـاجد و در قسـمتهای توسـعه یافته بنابر احتیاط شکسته بخواند.	آیات عظام: اراکی، بهجت، گلپایگانی، صافی
۳. در تمام شهر قدیم مکّه و مدینه.	آیت الله تبریزی، آیت الله خویی
۴. در تمام شهر جدید مکه و مدینه.	آیات عظام: خامنه‌ای، سـیسـتانی، صـافی، فاضـل، گلپایگانی، مکارم، نوری
۵. در هیچ جا تخییر نیست.	آیت الله زنجانی
نماز در حرم امام حسین(ع) برای مسافر (د: ص۲۰۶، پ۱ ت: م ۱۳۵۶)	
۱. تنها در حائر حسـینی مخیّر اسـت و در فاصـله دورتر بنابر احتیاط واجب شکسته بخواند.	آیات عظام: صافی، گلپایگانی، نوری
۲. در تمام حرم مخیّر است.	آیات عظام: بهجت، اراکی، خویی، تبریزی، مکارم
۳. ۱۱/۵متر اطراف قبر مقدس مخیّر است.	آیت الله سیستانی
۴. زیر گنبد و در رواق و مسـجد متصـل به حرم مخیّر است.	آیات عظام: امام خمینی، فاضل، خامنه‌ای
۵. مسافر در همه جا باید نماز شکسته بخواند.	آیت الله زنجانی

نماز قضا

حکم	مراجع
وقت نماز قضا (د:۲۰۷،پ۲ ت: م ۱۳۷۲)	
نبـاید در خواندن کوتاهی شـــود، ولی وجوب فوری ندارد.	آیـات عظـام: امـام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سـیستانی، زنجانی، صافی، فاضل، نوری، گلپایگانی، مکارم
اگر یک یا دو نماز قبلی قضا شده بنابر احتیاط واجب پیش از نماز همان روز، آن را قضا کند.	آیت الله مکارم
ترتیب نماز قضا (د: ص۲۰۸، پ۱ ت: م ۱۳۷۵)	
لازم نیست به ترتیب بخواند.	آیـات عظام: تبریزی، خامنه‌ای، امام خمینی، خویی، سیستانی، زنجانی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری
باید به ترتیب خوانده شود.	آیت الله اراکی، آیت الله بهجت
احتیاط واجب در رعایت ترتیب است.	آیت الله فاضل
نماز و روزه قضای پدر بر فرض نافرمانی (د: ص۲۰۹، پ۲ ت: ص۱۳۹۰)	
بنابراحتیاط، بر پسر بزرگتر واجب است .	آیـات عظـام: خویی، صـــافی، فاضـــل، گلپایگانی، خامنه‌ای، بهجت
واجب است.	آیـات عظـام: امام خمینی، اراکی، زنجانی (تا مقداری که حرجی نباشد بنابر احتیاط واجب است: آیت الله تبریزی)
واجب نیست.	آیات عظام: سیستانی، نوری، مکارم
وجوب نماز و روزهٔ قضای مادر بر پسر بزرگ (د: ص۲۰۹، پ۲ ت: م ۱۳۹۰)	
واجب است.	آیات عظام: اراکی، فاضل، مکارم، نوری
بنابراحتیاط، واجب است.	آیات عظام: خامنه‌ای، گلپایگانی، صافی
واجب نیست.	آیات عظام: تبریزی، امام خمینی، خویی، سیستانی، زنجانی
اگر از روی نافرمانی هم بوده بنابر احتیاط واجب است.	آیت الله نوری

مراعات ترتیب در نماز قضای میّت بر فرض که بدانند به ترتیب قضا شده(د: ص۲۱۱، پ۵ ت: م ۱۵۴۳)	
ترتیب لازم نیست.	آیـات عظام: امام خمینی، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، زنجانی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری
باید به ترتیب خوانده شود.	آیت الله اراکی، آیت الله فاضل
اگر ترتیب را می‌دانند باید به ترتیب قضـا شـود والا اگر رعایت ترتیب مستلزم تکرار عمل باشد لازم نیست.	آیت الله بهجت
بر فرض که علم به ترتیب قضـــا نداشـــته باشـــند، مراعات ترتیب لازم نیست.	به فتوای همه مراجع تقلید

نماز جماعت

نماز جماعت با تأخیر افضل است یا فُرادی اول وقت (د: ص۲۱۴، پ۱ ت: م ۱۴۰۲)	
نماز جماعت هرچند اول وقت نباشد افضل است.	آیات عظام: امام خمینی و سایر مراجع
به شـرط آنکه نماز جماعت، بعد از وقتِ فضیلت نباشد.	آیات عظام: خویی، سیستانی، زنجانی
اعاده نماز در دو جماعت (د: ص۲۱۴، پ۲ ت:م۱۴۰۳و۱۴۰۴)	
الف) اگر جماعت دوّم و اشــخاص آن غیر از اوّل باشند اشکال ندارد. ب) اگر فردا خوانده می‌تواند به امام جماعت اقتدا کنـد و دوبـاره بخوانـد یا برای دو گروه جدا امام جماعت باشد، و در غیر این صورت وجهی ندارد.	الف) آیـات عظـام: امـام خمینی، خـامنـه‌ای، فاضـــل، گلپایگانی، صافی، سیستانی، زنجانی، نوری، مکارم ب) آیت الله خامنه‌ای
در هر دو نماز نمی‌تواند امام جماعت باشد.	آیت الله اراکی
اگر احتمال فســاد آن نماز را ندهد اشــکال دارد مگر این کـه اماماً اعاده نماید و در بین مأمومین کسی باشد که نماز واجب را نخوانده باشد.	آیت الله خویی، آیت الله تبریزی

جواز جماعت محل تأمل است ولی در صورتی که جماعت دوم دارای مزایایی باشد که در شرع رجحان دارد و بخواهد به امید مطلوب بودن دو مرتبه به جماعت بخواند، بنابر اظهر جایز است.	آیت الله بهجت
حکم نماز کسانی که پشت دیوار ایستاده‌اند و صف جلوی خود را نمی بینند (د: ص۲۱۶، پ۱ ت:م۱۴۱۴و۱۴۱۳)	
اگر اتصال دارند نمازشان صحیح است.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، سیستانی، گلپایگانی، نوری، مکارم
صحیح نیست.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، خامنه‌ای
بنابر احتیاط واجب صحیح نیست.	آیات عظام: زنجانی، صافی، فاضل
امامت زن برای زنان در نماز (د: ص۲۱۶ ت: م۱۴۵۳)	
بنابر احتیاط واجب صحیح نیست.	آیات عظام: امام خمینی، فاضل، گلپایگانی
صحیح است.	آیات عظام: خامنه‌ای، صافی، مکارم، نوری، بهجت، سیستانی
امامت کودک ممیّز در نماز (د: ص۲۱۶ ت: م۱۴۵۳)	
جایز نیست.	آیات عظام: امام خمینی، زنجانی، سیستانی، خامنه‌ای (بنابر احتیاط واجب: آیت الله زنجانی، آیت الله مکارم)
مانعی ندارد.	آیات عظام: اراکی، صافی، فاضل، گلپایگانی
مانعی ندارد، هر چند آثار جماعت بر آن مترتب نیست.	آیات عظام: خویی، تبریزی، نوری
اقتدا به کسی که به واسطه عذری با لباس نجس نماز می‌خواند (د: ص۲۱۷،پ۵ ت: م ۱۴۵۷)	
بنابر احتیاط واجب نباید به او اقتدا کرد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، بهجت، گلپایگانی، صافی، فاضل، مکارم، اراکی
اشکال ندارد.	آیات عظام: خویی، سیستانی، تبریزی، زنجانی، نوری
اقتدا به امامی که بخشی از نماز را مأموم بوده (د: ۲۱۷، پ۷)	
اشکال ندارد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، سیستانی

اشکال دارد.	آیت الله اراکی، آیت الله گلپایگانی
نظر سایر مراجع باید پرسیده شود.	
نماز طواف به جماعت (د: ۲۲۰، پ۳ مناسک حج محشی، م ۷۸۹و۸۰۰)	
کسی که نمی‌تواند نماز را به طور صحیح بخواند باید هر طور می‌تواند بخواند و به جماعت نیز بخواند.	آیات عظام: گلپایگانی، صافی، خویی، تبریزی، فاضل، اراکی، نوری
مشروعیت نماز طواف به جماعت ثابت نیست.	آیت الله مکارم، آیت الله خامنه‌ای
کسی که می‌تواند، باید به جماعت بخواند و گرنه هر طور می‌تواند خودش نیز بخواند.	آیت الله بهجت
برخی از مراجع به جماعت خواندن نماز طواف را صحیح می‌دانند ولی لازم نمی‌دانند و اکتفا به آن را نیز جایز نمی‌دانند.	آیات عظام: امام خمینی، زنجانی، سیستانی
سلام دادن نماز پیش از امام جماعت (عمداً) (د: ص۲۲۴،پ۲ ت: م ۱۴۶۸)	
نماز صحیح است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، زنجانی، سیستانی، صافی، خامنه‌ای، گلپایگانی، مکارم، نوری
اشکال دارد و بنابر احتیاط واجب نماز را اعاده کند. مگر آنکه پیش از سلام دادن نیّت فُرادی کند.	آیت الله فاضل
اگر از اول نماز قصدش این بوده نماز اشکال دارد.	آیت الله خویی
حضور کودک ممیّز در صف جماعت (د: ص۲۲۶، پ۳ ت: م۱۴۱۷)	
اگر نماز می‌خواند چنانچه ندانند نماز او باطل است یا شک دارند می‌توانند اقتدا کنند.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، خویی، زنجانی، تبریزی، سیستانی، اراکی، فاضل، نوری
اگر شک داشته باشد که نمازش صحیح است یا نه اشکال دارد.	آیت الله صافی، آیت الله گلپایگانی
یک یا دو نفر هم که نماز نمی‌خوانند اشکال ندارد.	آیت الله مکارم
نظر آیت الله بهجت یافت نشد.	

نماز جمعه

کفایت نماز جمعه از ظهر (د: ص۲۲۹، پ۲ احکام نماز جمعه ص:۱۷)	
کفایت می‌کند.	همه مراجع بجز آیت الله صافی
بنابر احتیاط خواندن نماز ظهر نیز لازم است.	آیت الله صافی

نماز آیات

اکتفا به بسم الله پیش از رکوع در نماز آیات (د: ص۲۳۶، پ۲ ت: م ۱۵۰۸)	
می‌تواند اکتفا به بسم الله کند.	آیـات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، زنجانی، خویی، گلپایگانی، صافی، فاضل، نوری، مکارم
بنـابراحتیاط واجب اکتفا به «بســـم الله» نکند و بخشی از سوره را نیز بخواند.	آیات عظام: سیستانی، خامنه‌ای، تبریزی

نماز میت

نمازخواندن بر میّت در محل غصبی (د: ص۲۳۹، پ۱ ت: م۵۹۸)	
صحیح است.	آیات عظام: اراکی، امام خمینی، بهجت، سـیسـتانی، فاضل، مکارم، نوری
صحیح نیست.	آیـات عظـام: صـــافی گلپایگانی (بنابراحتیاط واجب صحیح نیست. آیات عظام: تبریزی، خویی، زنجانی)
نمازخواندن شخص معیّن بر میّت با اجازهٔ ولی میّت (د: ص۲۴۰، پ۲ ت: م ۶۰۵)	
الف) اجازه گرفتن لازم است. ب) بر ولی هم اجازه دادن واجب است	الف) آیات عظام: امام خمینی، زنجانی، فاضـل (بنابراحتیاط واجب لازم است: آیت الله بهجت، آیت الله صافی) ب) آیات عظام: زنجانی، اراکی، گلپایگانی، صافی، بهجت (بنابراحتیاط واجب: امام خمینی، خامنه‌ای، فاضل)
لازم نیست.	آیات عظام: خویی، تبریزی، سیستانی، مکارم، نوری

روزه

روزه قضای پدر بر پسر بزرگتر (د:ص۲۵۴، پ۴ ت: م۱۳۹۰)	
واجب است حتّی اگر از روی نافرمانی ترک کرده باشد.	آیات عظام: امام خمینی، گلپایگانی، صافی، اراکی، خویی، فاضل، زنجانی
از روی نافرمانی ترک کرده باشد واجب نیست.	آیات عظام: سیستانی، مکارم، نوری، خامنه‌ای
واجب است تا مقداری که حرجی نباشد.	آیت الله تبریزی
نظر آیت الله بهجت یافت نشد.	
تزریق آمپول در حال روزه (د: ص۲۶۰، پ۷ ت: م۱۵۷۶)	
تزریق هیچ نوع آمپول مبطلِ روزه نیست.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، نوری
فقط آمپول تغذیه‌ای بنابر احتیاط واجب جایز نیست.	آیات عظام: امام خمینی، زنجانی، مکارم
باید از آمپول تغذیه‌ای اجتناب کند.	آیت الله بهجت، آیت الله فاضل
آمپول تغذیه‌ای و تقویتی و آمپولی که در رگ تزریق می‌شود بنابر احتیاط جایز نیست.	آیت الله خامنه‌ای
رساندن غبار غلیظ به حلق (د: ص۲۶۱، پ۱ ت: م۱۶۰۳)	
غبار غیر غلیظ روزه را باطل نمی‌کند.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، تبریزی، فاضل، مکارم (غبار غلیظ بنابراحتیاط واجب مبطل است: آیت الله سیستانی)
غبار غلیظ یا غیر غلیظ روزه را باطل می‌کند.	آیت الله خویی (بنابراحتیاط واجب. آیات عظام: صافی، گلپایگانی، نوری، اراکی)
روزه را باطل نمی‌کند مگر آنکه عرفاً به فرو بردن آن خوردن بگویند بنابر احتیاط واجب.	آیت الله زنجانی
غبار غلیظ اگر در حلق تبدیل به گل شود و فرو رود روزه باطل می‌کند.	آیت الله مکارم

فرو بردن تمام سر در آب (د: ص۲۶۲، پ۴ ت: م۱۶۰۸)	
بنابراحتیاط واجب روزه را باطل می‌کند.	آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، خامنه‌ای، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری، اراکی
روزه را باطل می‌کند.	آیت الله خویی، آیت الله بهجت
روزه را باطل نمی‌کند.	آیت الله سیستانی، (ولی معصیت کرده است: آیت الله زنجانی)
روزه و فراموش کردن غسل یا تیمّم (د: ص۲۶۴، پ۱ ت: م۱۶۲۲)	
اگر بعد از یک یا چند روز یادش بیاید باید آن روزه‌ها را قضا نماید.	آیات عظام: امام خمینی و سایر مراجع
اگر در ماه رمضان یادش بیاید قضا واجب نیست.	آیت الله زنجانی
نظر آیت الله بهجت یافت نشد.	
روزه زن مستحاضه (د: ص۲۶۴، پ۵ ت: م۱۶۴۳)	
مشروط به انجام غسل‌هایی است که بر او واجب می‌باشد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، نوری، بهجت، فاضل، مکارم، گلپایگانی، اراکی، صافی
مستحاضه متوسطه اگر غسل نکند روزه‌اش صحیح است.	آیت الله تبریزی، آیت الله خویی
مستحاضه خواه متوسطه خواه کثیره اگر غسل نکند روزه‌اش صحیح است.	آیت الله زنجانی، آیت الله سیستانی
قی کردن عمدی روزه‌دار (د: ص۲۶۸، پ۱ ت: م۱۶۸۵و۱۶۸۸)	
قضا واجب است ولی کفاره ندارد.	آیات عظام: امام خمینی، سیستانی، فاضل، مکارم، گلپایگانی، صافی، بهجت، خامنه‌ای
قضا و کفاره واجب است.	آیات عظام: تبریزی، زنجانی، نوری، خویی
قضا واجب و کفاره احتیاط واجب.	آیت الله اراکی
وظیفه کسی که چند ماه روزهٔ قضا دارد (د: ص۲۷۱، پ۲ ت: م۱۶۹۸)	
مستحب است اول قضای ماه رمضان آخر را بگیرد.	آیات عظام: تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، نوری
به احتیاط واجب، اول قضای ماه رمضان آخر را بگیرد.	آیات عظام: اراکی، فاضل، مکارم
باید اول قضای ماه رمضان آخر را بگیرد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای (بنابراحتیاط واجب: آیت الله بهجت)
اگر قضای قبل را بگیرد معصیت کرده ولی روزه صحیح است.	آیت الله زنجانی

کفّاره باطل کردن روزه با کار حرام (د: ص۲۷۲، پ۱ ت: م۱۶۶۵)	
بنابر احتیاط کفاره جمع واجب می‌شود و اگر ممکن نباشد و هر کدام که ممکن بود.	آیات عظام: امام خمینی، تبریزی خویی، فاضل، مکارم، نوری، بهجت
کفاره جمع بر او واجب است و اگر ممکن نباشد هر کدام که ممکن است.	آیات عظام: اراکی، صافی، گلپایگانی، (اگر جماع حرام و خوردن یا آشامیدن حرام باشد: آیت الله زنجانی)
بنابر احتیاط مستحب کفارهٔ جمع دارد.	آیت الله خامنه‌ای، آیت الله سیستانی

وجوب روزه قضای مادر بر پسر بزرگتر (د: ص۲۷۲، پ۶ ت: م ۱۷۱۲و ۱۳۹۰)	
بنابراحتیاط، واجب است.	آیات عظام: صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، بهجت، خامنه‌ای
واجب نیست.	آیات عظام: خویی، تبریزی، امام خمینی، سیستانی، زنجانی
واجب است.	آیت الله اراکی، آیت الله نوری

راه‌های ثابت شدن اول ماه

ثبوت اول ماه به حکم حاکم شرع (د: ص۲۷۴، پ۱ ت: م۱۷۳۰ و ۱۷۳۱)	
اول ماه به حکم حاکم شرع نیز ثابت می‌شود.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، تبریزی، خامنه‌ای، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری، بهجت
ثابت نمی‌شود.	آیت الله خویی، آیت الله سیستانی (محل اشکال است: آیت الله زنجانی)
به فتوای حضرات آیات: سیستانی، زنجانی، اگر حکم حاکم شرع موجب اطمینان شود کافی است.	

دیر غروب کردن ماه (د: ص۲۷۴، پ۳ ت: م۱۷۳۳)	
دلیل بر اینکه شب پیش، شب اول ماه بوده نیست.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، خامنه‌ای، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری، سیستانی
ثابت نمی‌شود، اما اگر ماه، طوق داشته باشد، معلوم می‌شود که شب دوم ماه است.	آیات عظام: خویی، زنجانی، تبریزی
ولی اگر یقین داشته باشیم که در شب قبل، چنانچه هوا صاف هم می‌بود امکان رؤیت ماه نبود طوق داشتن ماه در شب بعد کفایت نمی‌کند.	آیت الله زنجانی

حکم ثبوت اول ماه در چند شهر یا کشور با هم (د: ص۲۷۴، پ۴ ت: م۱۷۳۵)	
باید شهرها به هم نزدیک یا هم افق باشند.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، خامنه‌ای، سیستانی، مکارم (یا شهری که ماه در آن رؤیت شده در شرق آن باشد: آیت الله اراکی، آیت الله زنجانی)، (یا شهری که ماه زودتر از شهر خودش غروب کند: آیت الله گلپایگانی)
اگر در شب بودن آن اشتراک داشته باشند ثابت می‌شود.	آیات عظام: تبریزی، خویی، فاضل، نوری
بعید نیست کفایت رؤیت هلال ماه در هر محل برای سایر نقاط.	آیت الله صافی
در صورتی برای ساکنین شهر دیگر مفید است که یقین یا اطمینان کند اگر در آسمان یا زمین مانعی نبود در آنجا هم ماه دیده می‌شود چه در شرق یا غرب ولی اگر این یقین نباشد نمی‌توان به دیدن ماه در شهر دیگر اکتفا کند.	آیت الله بهجت

اعتکاف

اعتکاف در مسجد جامع و غیر آن (د: ص۲۷۸، پ۳ احکام اعتکاف ص۲۹)	
در مسجد جامع نیز صحیح است و در غیر مسجد جامع جایز نیست.	آیات عظام: بهجت، تبریزی، خویی، اراکی، صافی، گلپایگانی، مکارم، فاضل، نوری
در مسجد جامع بنابراحتیاط واجب به قصد رجاءاً اشکال ندارد و در غیر مسجد جامع جایز نیست.	امام خمینی
در غیر مسجد جامع نیز رجاءاً اشکال ندارد.	آیت الله خامنه‌ای
در مسجد جامع در صورتی که امام جماعت آن عادل باشد جایز است و الا بنابراحتیاط واجب اعتکاف نکند.	آیت الله سیستانی

زکات غلات

کسر مخارج و حدّ نصاب (د: ص۳۳۵، پ۲ ت: م ۱۸۸۰)	
چنانچه پیش از کم کردن مخارج به حدّ نصاب برسد باید زکات آن را بدهد.	آیـات عظام: امام خمینی، تبریزی، خامنه‌ای، مکارم، سـیستانی، خویی (بنابراحتیاط: آیت الله زنجانی، آیت الله فاضل)
چنانچه بعد از کم کردن مخارج به حد نصـاب برسد باید زکات آن را بدهد.	آیات عظام: اراکی، بهجت، صافی، گلپایگانی، نوری
زکات دام‌ها (د: ص۳۳۵،پ۲ ت: م ۱۸۵۶)	
اگر یازده ماه مالک باشـــد باید زکات بدهد ولی اول سال بعد را باید بعد از تمام شدن ماه دوازدهم حساب کند.	آیـات عظام: اراکی، بهجت، تبریزی، ســیســـتانی، خویی، زنجانی، فاضل، صافی، گلپایگانی (بنابراحتیاط واجب از اوّل ماه دوازدهم: آیت الله مکارم)
بعد از دوازده ماه باید زکات بدهد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، نوری
شرط بی‌کار بودن حیوان در طول سال (د: ص۳۳۶، پ۱ ت: م ۱۹۰۸)	
شرط است.	امام خمینی و سایر مراجع
شــرط نیســت و اگر بیکار نباشــد بنابراحتیاط واجب زکات دارد.	آیت الله سیستانی
بیابان چر بودن حیوان (د: ص۳۳۶، پ۲ ت: م ۱۹۰۸)	
شرط است.	امام خمینی و سایر مراجع
شـــرط نیســـت. و بنابراحتیاط واجب زکات دارد، چه بیابان چر باشد چه نباشد.	آیت الله مکارم
اگر تنها در زمســـتان علف دســـتی می‌خورد، زکات واجب است.	آیت الله زنجانی

زکات فطره

فطره مهمان (د: ص۳۴۲، پ۷ ت: م۱۹۹۵)	
اگر پیش از غروب شب عید فطر وارد شده و نان خور او حساب شود واجب است.	آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، فاضل، زنجانی، خامنه‌ای، مکارم، نوری (و شب را نزد او مانده باشد: آیت الله سیستانی)
اگر پیش از مغرب شب عید فطر با رضایت صاحب‌خانه وارد شود و بگویند امشب نان او را داده هرچند نان‌خور او محسوب نشود.	آیت الله صافی، آیت الله گلپایگانی
پیش از برآمدن هلال ماه شوال واجب است به شرط آن‌که برای خوردن غذا آمده باشد ولو بعداً نتواند بخورد.	آیت الله بهجت (اگر بدون رضایت صاحبخانه آمده واجب نیست: آیت الله خویی)
به نظر آیات عظام: زنجانی؛ فاضل و مکارم، ولی اگر تنها همان شب را میهمان است زکات فطرهٔ وی بر میزبان واجب نیست.	

اگر میزبان فطره را نپردازد (د: ص۳۴۳، پ۳ ت: م ۲۰۰۶)	
بر خودش واجب نیست.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، تبریزی، خویی، خامنه‌ای، زنجانی، اراکی، فاضل، نوری
اگر شخص غنی نان خور فقیر باشد و فقیر فطریه او را ندهد بنابر احتیاط واجب، غنی فطره خود را بدهد.	آیت الله صافی، آیت الله گلپایگانی
بنابر احتیاط واجب اگر می‌تواند خودش بدهد.	آیت الله مکارم، آیت الله سیستانی

دادن زکات به پسر خود برای خرید کتاب علمی ــ دینی (د: ص۳۴۵، پ۳ ت: م ۱۹۵۰)	
اگر به آن کتاب نیاز داشته باشد می‌تواند به او زکات بدهد.	آیات عظام: امام خمینی و سایر مراجع
نمی‌تواند، مگر به مصلحت عامّ باشد و بنابر احتیاط از حاکم شرع اجازه بگیرد.	آیت الله سیستانی
پدر می‌تواند آن را از زکات بخرد و در معرض استفاده پسر قرار دهد.	آیت الله خویی
نظر آیت الله بهجت یافت نشد.	

مصرف زکات فطره (د: ص۳۴۵، پ۶ ت: م ۲۰۱۴)	
مصارف هشت‌گانه زکات، ولی احتیاط مستحب است به فقرای شیعه داده شود.	آیات عظام: امام خمینی و سایر مراجع
مصـرف هشـتگانه زکات ولی احتیاط واجب است به فقرای شیعه دوازده امامی داده شود.	آیات عظام: سیستانی، صافی، گلپایگانی، مکارم

خمس

اثاثیه‌ای که از درآمد بین سال خریده و از آن رفع نیاز شده (د: ص۳۵۰، پ۳ ت: م ۱۷۸۱)	
خمس ندارد.	آیـات عظـام: تبریزی، خـامنـه‌ای، خویی، مکـارم، سیستانی
خمس دارد.	امام خمینی، آیت الله بهجت (بنابراحتیاط واجب: آیت الله اراکی)
اگر با احتمال اینکه تا یک سـال خرج زندگی شـود، نگه داشت و خرج نشد خمس دارد.	آیت الله زنجانی
اگر تا آخر سال خمسی بماند، خمس دارد.	آیات عظام: فاضـــل، گلپایگانی، نوری (بنابراحتیاط: آیت الله صافی)
خمس هبه و امثال آن (د: ص۳۵۱، پ۲ ت: م۱۷۵۳)	
اگر از مخارج سال زیاد بیاید خمس دارد.	آیات عظام: اراکی، خویی، تبریزی، سیستانی، صافی، گلپایگانی
خمس دارد، بنابر احتیاط واجب	آیات عظام: بهجت، فاضـل، مکارم (ارزشـمند باشـد خمس دارد، کم ارزش باشـد بنابراحتیاط خمس دارد: آیت الله زنجانی)
خمس ندارد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، نوری

خمس سرمایهٔ کودک نابالغ (د: ص۳۵۰، پ۵ ت: م ۱۷۹۴)	
ولیّ طفل باید خمس آن را بدهد و اگر نداد پس از بلوغ بر خودش واجب است.	آیات عظام: فاضل، سیستانی، زنجانی
بنابر احتیاط واجب پس از بلوغ باید خمس آن را بدهد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، مکارم، اراکی، بهجت
خمس ندارد و واجب نیست بعد از بلوغ خمس آن را بدهد.	آیت الله تبریزی، آیت الله خویی
ولیّ طفل می‌تواند پیش از بلوغ خمس را بدهد و اگر بعد از سال، خمس را ندهد نمی‌تواند در آن تصرف نماید. و در این صورت بعد از بلوغ خودش باید بپردازد.	آیات عظام: گلپایگانی، صافی، نوری
خمس مهریه و ارث (د: ص۳۵۱، پ۱ ت: م ۱۷۵۳و ۱۷۵۴)	
مهریه و ارث خمس ندارد ولی اگر از کسی که خویشاوندی دوری داشته و نمی‌دانسته و از او ارث برده اگر از مخارج سالش زیاد بیاید بنابراحتیاط واجب خمس دارد .	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، فاضل، مکارم، سیستانی، صافی (و اگر مالی غیر از ارثی که بر اساس قواعد معتبر ارث مثل تعصیب به او ارث رسید باید خمس بدهد: آیت الله سیستانی)
ارث و مهریه خمس ندارد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، نوری، گلپایگانی
ارث و مهریه ازدواج دائم خمس ندارد ولی مهریه ازدواج موقت اگر از مخارج سال اضافه بیاید بنابر احتیاط واجب خمس دارد.	آیت الله زنجانی
مهری را که زن می‌گیرد و ارثی که به انسان از خویشاوندی می‌رسد که نمی‌داند با او خویشاوند است؛ اگر از مخارج سال اضافه بیاید، بنابراحتیاط واجب خمس دارد.	آیت الله بهجت
خمس سرمایه (د: ص۳۵۱، پ۲)	
سرمایه کسب و ابزار کار اگر از درآمد کسب و حقوق تهیه شده خمس دارد مگر آنکه اگر خمس آن را بدهد با بقیه آن نمی‌تواند زندگی کند.	آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل، نوری، خویی (خمس دارد: آیت الله صافی)
سرمایه کسب در حدّی که مورد نیاز است و با کمتر از آن زندگی او در حدّ آبرو و شأنش اداره نمی‌شود، خمس ندارد.	آیات عظام: بهجت زنجانی، گلپایگانی، مکارم
اگر سرمایه مورد نیاز زندگی اوست و شغلی که نیاز به سرمایه نداشته باشد ندارد، خمس واجب نیست.	آیت الله اراکی

حکم خرید و فروش با پول خمس نداده (د: ص۳۵۵، پ۵ ت: م۱۷۶۰)	
بدون اجازهٔ حاکم شرع معامله ۱/۵ آن باطل است.	آیات عظام: امام خمینی، مکارم، گلپایگانی، صافی، نوری، زنجانی
معامله صحیح است ولی خمس آن را باید بپردازد و به این جنس خمس تعلق می‌گیرد ولی اجازه حاکم شرع نیاز نیست.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، سیستانی، خامنه‌ای (به شرط اینکه فروشنده مسلمان اثنی عشری باشد: آیت الله سیستانی، آیت الله تبریزی)
به فرض صحت معامله، نماز خواندن در آن نیز صحیح است و حکم پاورقی ۳ و ۴ کتاب آموزش فقه نیز روشن می‌شود.	

حجّ

حلق یا تقصیر برای مردی که سفر اوّل حج اوست (د: ص۲۹۵، پ۲ مناسک حج محشی، م ۱۱۴۳)	
تقصیر جایز است.	آیات عظام: بهجت، خویی، تبریزی، فاضل، مکارم، نوری
بنابر احتیاط واجب باید حلق کند.	آیات عظام: امام خمینی، گلپایگانی، خامنه‌ای، سیستانی، صافی
مردی که حَجة‌الاسلام خود را انجام می‌دهد واجب است حلق کند هرچند سفر اول او نباشد.	آیت الله زنجانی
بیتوته در منی (د: ص۲۹۵، پ۲ مناسک حجّ محشّی، م ۱۲۲۰)	
واجب است نیمه اوّل یا دوّم را بیتوته کند.	آیات عظام: خامنه‌ای، تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل، مکارم
بیتوته از غروب تا نیمه شب واجب است.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، گلپایگانی، صافی (از غروب شرعی: آیت الله اراکی، آیت الله نوری)

خیارات

فوریت حقّ فسخ (د: ص۳۷۹، پ۳ ت: م۲۱۳۲)	
اگر بعد از معامله عیب را فهمید فوری معامله را فسخ نکرد حق برهم زدن معامله را ندارد.	آیـات عظـام: امام خمینی، خامنه‌ای، اراکی، بهجت، سـیسـتانی (بنابراحتیاط حق او سـاقط می‌شـود ولی مقداری تأخیر برای فکر کردن مانعی ندارد. آیت الله مکارم)
اگر فوری فسخ نکرد حق بهم زدن ندارد، مگر جاهل به مسأله باشد.	آیـات عظـام صـــافی، گلپایگانی، نوری (بنابراحتیاط واجب: آیت الله فاضل)
اگر فوری فســـخ نکرد حق او از بین نمی‌رود و بعداً حق فسخ دارد.	آیات عظام: تبریزی، خویی، زنجانی
نداشتن حق فسخ وگرفتن تفاوت قیمت (د: ص۳۸۰، پ۲ ت: م۲۱۳۴)	
۱. موقع خرید، عیب مال را بداند و به عیب راضی باشد. ۲. وقت معامله بگوید عیب داشت مهم نیست. ۳. فروشنده‌وقت‌معامله بگوید با عیبی که دارد می‌فروشم.	امام خمینی و سایر مراجع
در دو صورت حق فسخ و گرفتن تفاوت قیمت را ندارد: ۱. موقع خرید عیب مال را بداند. ۲. فروشنده وقت معامله با هر عیبی بفروشد.	آیت الله سیستانی

ضمان

اگر طلبکار طلب خودرا به ضامن ببخشد (د: ص۳۹۵، پ۱ ت: م۲۳۱۵)	
اگر طلبکار طلب خود یا مقداری از آن را به ضـــامن ببخشـد ضـامن نمی‌تواند از مقدار بخشـیده شـده از بدهکار چیزی بگیرد.	امام خمینی و سایر مراجع
ضـــامن می‌تواند مقدار بخشـــیده شـــده را از بدهکار مطالبه نماید.	آیت الله سیستانی

وکالت و ولایت

دیوانگی مقطعی وکیل (د: ص۴۰۱، پ۲ ت: ۲۲۶۸)	
اگر وکیل یا موکل گاه گاهی دیوانه یا بیهوش شود بنابر احتیاط واجب به معامله‌ای که انجام می‌دهد ترتیب اثر ندهد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، اراکی، گلپایگانی، مکارم، بهجت
بطلان وکالت با دیوانگی مقطعی محل اشکال است.	آیات عظام: تبریزی، خویی، زنجانی، فاضل، سیستانی، صافی
ولایت بر سفیه (د: ص۴۰۲، پ۲ ت:م ۲۲۵۴)	
اگر پس از بلوغ سفیه شده حاکم شرع بر او ولایت دارد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، اراکی، نوری
ولایت بر سفیه با پدر یا جدّ پدری است، هرچند پس از بلوغ سفیه شده باشد.	آیات عظام: زنجانی، مکارم، سیستانی، بهجت
تصرفات باید زیر نظر ولیّ او باشد.	آیت الله فاضل

اشیاء گم شده

برداشتن کفش دیگری به جای کفش گمشده (د: ص۴۰۷، پ۱ ت: م:۲۵۸۱)	
علم به رضایت صاحب کفش، شرط نیست.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، اراکی، زنجانی، گلپایگانی، مکارم، نوری
علم به رضایت صاحب کفش، شرط است	آیات عظام: تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل
اگر قیمت آن کفش از کفش خودش بیشتر باشد باید هر وقت صاحبش را پیدا کرد زیادی قیمت را به او بدهد و اگر پیدا نشد، با اجازهٔ حاکم شرع از طرف صاحبش صدقه بدهد.	

مزارعه

اگر زراعت به واسطه پیش آمدی به طور کامل ممکن نشد (د: ص۴۱۱، پ۲ ت: م۲۲۳۲)	
چه اصلا زراعت به دست نیاید چه مقداری به دست آید درهر دو صورت مزارعه باطل است.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی، صافی، گلپایگانی
اگر مقدار زراعت به دست آمده همان مقدار مطابق قرارداد باشد از هر دو است، و نسبت به بقیه، مزارعه باطل است و اگر اصلاً زراعت به دست نیامده مزراعه باطل.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، فاضل، مکارم، خامنه‌ای، نوری

مساقات

مورد مساقات (د: ص۴۱۲،پ۴ ت: م۲۲۳۹)	
درخت میوه باشد یا از درختانی که از گل و برگ آنها استفاده شود.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم
در مورد درختان بی‌میوه مثل حنا که از برگ آنها استفاده می‌شود اشکال دارد.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، (بنابر احتیاط مساقات انجام ندهند: زنجانی)

وقف

متولی وقف خاص (د: ۴۲۰، پ۵ ت: م۲۶۸۵)	
در اموری که به مصلحت وقف و به نسل بعد مربوط است حاکم شرع است و در امور مربوط به منفعت طبقه موجود، موقوف علیهم‌اند.	آیات عظام: اراکی، امام خمینی، خامنه‌ای، بهجت، سیستانی، نوری
مطلقاً موقوف علیهم‌اند.	آیات عظام: تبریزی، خویی، زنجانی، صافی، فاضل، گلپایگانی
در اموری که به مصلحت وقف و نسل بعد مربوط است؛ احتیاط آن است که نسل موجود و حاکم شرع با موافقت یکدیگر متولّی را تعیین کنند.	آیت الله مکارم

نذر

نذر زن و اجازه شوهر (د: ص۴۳۰، پ۱ ت: م۲۶۴۴)	
اگر با حقّ شـوهر منافات دارد، بدون اجازه صـحیح نیست.	آیات عظام: تبریزی، خویی، صافی، سیستانی، مکارم (بنابراحتیاط واجب: آیت الله فاضل، آیت الله بهجت) (و احتیاط آن اسـت در امور مالی غیر از حج و زکات و احسان به پدر و مادر و صله رحم نیز با اذن شوهر نذر کند: آیت الله صافی)
نذر زن بدون اجازه شوهر باطل است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، نوری، گلپایگانی
هر چند بنابر مشـهور نذر او صحیح نیست ولی بنابر احتیاط حتی در صورت نهی شوهر به نذر عمل شود.	آیت الله زنجانی، (اگر شـوهر حضـور دارد از او اجازه بگیرد وگرنه اجازه شرط نیست: آیت الله خامنه‌ای).
کفاره تخلّف نذر (د: ص۴۳۱، پ۴ ت: م ۲۶۵۴)	
کفارهٔ تخلّف نذر، همان کفاره افطار عمدی روزه ماه رمضان است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، گلپایگانی، صـافی، فاضل، زنجانی، نوری، مکارم
کفاره تخلّف نذر کفاره تخلّف قسم است.	آیـات عظـام: خویی، تبریزی، خـامنـه‌ای، بهجـت (بنابراحتیاط: آیت الله سیستانی)

محرمیّت

شیری که سبب محرمیّت می‌شود (د: ص۴۵۳، پ۱ ت: م ۲۴۷۴)	
باید از ولادت کودک باشد.	آیات عظام: اراکی، سیستانی، فاضل، مکارم
سایر مراجع متعرض این شرط نشده‌اند.	
ریختن شیر درگلوی کودک و محرمیّت (د: ص۴۵۳، پ۱ ت: م ۲۴۷۴)	
سبب محرمیّت نمی‌شود.	آیـات عظـام: امام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، زنجانی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی
سبب محرمیّت می‌شود.	آیت الله نوری (احتیاط واجب آن اسـت که با آن زن و محارم او ازدواج نکنند: آیت الله مکارم)
لازم اسـت کسـانی که محرم می‌شـوند با او ازدواج نکنند و نگاه محرمانه هم به او نکنند.	آیت الله نوری

نگاه

نگاه به صورت و دست زن نامحرم بدون قصد لذت (د: ص۴۵۷، پ۳ ت: م ۲۴۳۳)	
مانعی ندارد.	آیـات عظـام: امـام خمینی، اراکی، بهجـت، نوری، خامنه‌ای، زنجانی، سیستانی، فاضل، مکارم
نباید نگاه کند.	آیت الله گلپایگانی (بنابراحتیاط واجب نباید نگاه کند. آیات عظام: تبریزی، خویی، صافی)
نگاه زن به سر و گردن مرد نامحرم بدون قصد لذت (د: ۴۵۷، پ۳ ت: م ۲۴۳۳)	
به مقداری که بطور متعارف نمی‌پوشانند حرام نیست.	آیـات عظـام: بهجـت، خـامنـه‌ای، خویی، تبریزی، زنجانی، سیستانی، مکارم
حرام است.	آیـات عظام: امام خمینی، اراکی، صـــافی، فاضـــل، نوری، گلپایگانی
نگاه مرد به بدن زن برای ازدواج (د: ص۴۵۸، پ۳ کتاب احکام روابط زن و مرد)	
بجز عورت جایز است.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، سیستانی، فاضل
بنابراحتیاط واجب فقط به صـــورت و دســـت‌ها نگاه کند.	آیت الله گلپایگانی
مطلقاً جایز نیست.	آیت الله اراکی
فقط می‌تواند به وجه و کفین، موها و گردن و مقدار کمی از اطراف آنهـا و یا به حجم بدن از روی لباس نگاه کنند.	آیت الله مکارم
مصافحه با نامحرم ازروی لباس (د: ص۴۵۸، پ۵ کتاب احکام روابط زن و مرد)	
با شرایطی جایز است.	آیات عظام: اراکی، امام خمینی، بهجت، سـیســتانی، فاضل، گلپایگانی، مکارم
نظرات دیگران یافت نشد.	

پوشش

پوشاندن دستها و صورت در برابر نامحرم (د: ص۴۵۹، پ۳ ت: م ۲۴۳۵)	
اگر زیور و آرایش نداشته باشد، لازم نیست.	آیـات عظـام: امـام خمینی، بهجـت، تبریزی، اراکی، خامنه‌ای، خویی، زنجانی، صافی، فاضل، مکارم، نوری
بنابراحتیاط واجب لازم است.	آیت الله گلپایگانی
اگر بترسد با نپوشاندن وجه و کفین به حرام می‌افتد باید بپوشاند.	آیت الله سیستانی

خوراکی‌ها

خوراندن متنجس به کودک (د: ص۴۸۶، پ۱ ت: م۱۴۱)	
خورانیدن غذای متنجس به اطفال حرام نیست.	آیـات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل، نوری، بهجت
خورانیـدن غـذای متنجس بـه کودکان بنابر احتیاط واجب ترک شود.	آیت الله اراکی، آیت الله مکارم
خورانیدن غذای متنجس به کودکان اگر ضـــرر دارد حرام است.	آیات عظام: زنجانی، صافی، گلپایگانی
خورانیدن غذا متنجس به کودک حرام است ولی اگر خودش خورد جلوگیری واجب نیست.	آیت الله فاضل

شرایط ذبح حیوان

سربریدن حیوان با استیل (د:ص۴۸۹، پ۱ ت: م۲۵۹۴ مناسک حج محشی، م ۱۰۹۴)	
صحیح نیست.	آیـات عظـام: امـام خمینی، صـــافی، گلپـایگـانی (بنابراحتیاط واجب: آیت الله سیستانی)
صحیح است.	آیـات عظـام: خـامنـه‌ای، تبریزی، اراکی، بهجـت، زنجانی، خویی، فاضل، مکارم، نوری

صید

صید ماهی (د: ص۴۹۱،پ۱ ت: م۲۶۱۵)	
اگر داخل تور صیادی در آب بمیرد حلال است.	آیات عظام: تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری.
اگر در داخل تور صیادی در آب بمیرد حرام است.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، اراکی، بهجت

احکام خوراکی‌ها

خوردن ماهی زنده (د: ص۴۹۱، پ۳ ت: م۲۶۱۹)	
اشکال ندارد.	آیـات عظـام: امـام خمینی، خامنه‌ای، تبریزی،خویی زنجانی، سیستانی، نوری، اراکی، فاضل
بنابر احتیاط جایز نیست.	آیات عظام: بهجت، صافی، گلپایگانی، مکارم

احکام اموات

مذهب غسل دهندهٔ میّت (د: ص۵۳۹، پ۱ ت: م۵۵۵)	
باید دوازده امامی باشد.	آیـات عظـام: اراکی، امـام خمینی، بهجـت، خـامنـه‌ای، تبریزی، زنجانی، خویی، صافی، فاضل، نوری گلپایگانی، (بنابراحتیاط واجب: آیت الله سیستانی)
باید مسلمان باشد.	آیت الله مکارم
تیمم چهارم بدل از هرسه غسل (د:ص۵۳۹،پ۶ ت: م۵۶۸)	
سه تیمّم واجب است ولی تیمّم چهارم واجب نیست.	آیـات عظام: امام خمینی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، فاضل، مکارم، نوری (بنابر احتیاط واجب است. آیات عظام: اراکی، خویی، صافی، گلپایگانی).
باید میّت را یک تیمّم بدهند و بنابراحتیاط مستحب عوض هرغسل، میّت را یک تیمّم بدهند.	آیت الله زنجانی، آیت الله سیستانی

کفایت غسل مسّ میّت از وضو برای نماز و مانند آن (د: ص۵۴۰ پ۴ ت: م ۵۳۲)	
برای نماز و امثال آن باید وضو بگیرد.	آیـات عظام: امام خمینی، اراکی، خامنه‌ای، صـــافی، فاضل، گلپایگانی
وضو لازم ندارد.	آیات عظام: تبریزی، خویی، زنجانی، ســیســتانی، مکارم، نوری
بنابر احتیاط باید برای نماز و امثال آن وضو بگیرد.	آیت الله بهجت
ترتیب درگذاشتن کافور (د: ص۵۴۱، پ۶ ت: م۵۸۶)	
رعایت ترتیب واجب نیست.	آیـات عظام: امام خمینی، بهجت، خامنه‌ای، زنجانی، سیستانی، فاضل، نوری
باید اول پیشانی را بگذارند ولی در سایر جاها ترتیب شرط نیست.	آیت الله اراکی (بنابراحتیاط واجب اســت، اول پیشــانی: آیات عظام: خویی، تبریزی، صافی، گلپایگانی، مکارم)
کسی که درکشتی بمیرد (د: ص ۵۴۵، پ۱ ت: م۶۱۶)	
در صـورت عدم امکان رساندن به خشکی، باید چیز سنگینی به پایش ببندند و یا او را در خمره بگذارند و درش را ببندند و به دریا بیاندازند.	آیـات عظـام: امام خمینی، بهجت، اراکی، خامنه‌ای، ســیســتانی، فاضــل، گلپایگانی، نوری (بنابراحتیاط درصـــورت امکـان درخمره بگـذارنـد. آیات عظام: تبریزی، خویی، زنجانی، صافی)
کســی که درکشــتی بمیرد لازم نیست او را در خمره بگـذارنـد، بلکه در هر چیزی که حیوانات آبی نتوانند به او دست یابند، بگذارند.	آیت الله مکارم
نبش قبر میّتی که بدون غسل یا کفن دفن شده (د: ص۵۵۰، پ۱ ت: م۶۴۳)	
جایز است.	آیـات عظـام: امـام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، زنجانی، صـافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری
جایز است اگر بدون غسل یا کفن یا حنوط دفن شده است.	آیت الله بهجت (یا تیمم: آیت الله زنجانی)
بسیاری از مراجع، نبش قبر را در موارد جواز مشروط به عدم هتک میّت می‌دانند.	
و در رسـالهٔ آیات عظام؛ خویی، تبریزی، زنجانی، بهجت، صافی، فاضل، سیستانی، این مورد هم اضافه شده که اگر میّت وصیت کرده باشد او را به یکی از مشاهد مشرفه منتقل کنند، نبش جایز است.	

والحمدلله اولاً و آخراً

واژه‌نامه

«الف»

اِبن السبیل: مسافری که در سفر درمانده باشد.

اُجْرَةُ المِثل: اجرتِ همانند، مقدار مزدی که برای همین کار به فردی که در همین سطح انجام دهد، باید پرداخت.

اَجیر: کسی که طبق قرار مشخص، در برابر کاری که انجام می‌دهد، اجرت دریافت می‌کند.

اِحراز: به دست آوردن، فراهم آوردن، دریافتن.

اَحْوَط: مطابق با احتیاط.

اِخفات: آهسته خواندن به طوری که جوهر صدا آشکار نشود.

اِذن: اجازه (قبل از عمل).

اَرباح مکاسب: منافع کسب، هر نوع درآمدی که حاصل کار و تلاش انسان است.

ارتفاع قیمت سوقی: بالا رفتن قیمت جنس در بازار.

اِسْتِرباح: رِبْح و سود جستن و فایده بردن.

استفتا: درخواست فتوی، سؤال از نظر مجتهد درباره حکم شرعی مسأله.

استطاعت: توانایی انجام دادن فریضه حج از جهت بدن و مال و راه.

استمنا: انجام دادن کاری به قصد انزال (بیرون آمدن منی).

اِعْراض از وطن: تصمیم انسان بر اینکه برای همیشه وطنش را ترک کند.

اِفْضاء: یکی شدن مجرای بول و حیض یا مجرای حیض و غائط یا هر سه.

اقامهٔ معروف: به پا داشتن کار نیکی که از نظر شرعی به رسمیت شناخته شده است.

امساک: خوداری کردن، خود را بازداشتن از چیزی.

اموال محترمه: اموالی که بر اساس ضوابط اسلامی، دارای احترام است.

امور حِسبیه: کارهایی از قبیل رسیدگی به اموال یتیمان و غیر آن، که شارع مقدس راضی به وانهادن و رها کردن آنها نیست و متصدی آنها ولی فقیه یا نماینده اوست.

اِنزال: خروج منی.

اَوْداجِ اربعه: دو شاهرگ گردن و مری و نای.

ایقاع: هر نوع قراری که با تصمیم یک طرف انجام گیرد و نیاز به قبول دیگری نداشته باشد؛ مانند طلاق که احتیاج به قبول زن ندارد.

اهل خبره: کسانی که در موضوعی اهل اطلاع و تشخیص باشند.

اهل کتاب: غیر مسلمانانی که خود را تابع یکی از پیامبران صاحب کتاب می‌دانند، مانند یهود و نصارا.

«ب»

بِدعت: چیزی را که جزء دین نیست، جزء آن دانستن.

برائت: رفع تکلیف شرعی در موارد شک با رعایت ضوابط آن.

بَهیمه: حیوان چهارپا.

«ت»

تَجافی: نیم‌خیز نشستن مأموم در حال تشهد خواندن امام را گویند که مأموم به رکعت اول نماز جماعت نرسیده است.

تَحْت الحَنَک: زیر چانه، قسمتی از عمامه که زیر گلو آویخته می‌شود.

تَخَلّی: خالی کردن، بول و غائط کردن.

تَخْمیس: خمس مال را خارج کردن، خمس مال را پرداختن.

تَرَوّی: تفکر در موارد مشکوک رکعات یا افعال نماز برای کشف حقیقت.

تَذکیه: کشتن حیوان با رعایت موازین شرعی.

تَسَتُّر: خود را پوشانیدن.

تَسْمِیه: اسم بردن، جاری کردن نام خدا بر زبان.

تشریح: پاره کردن بدن مردگان برای آگاهی‌های پزشکی و غیر آن.

تعدّی: زیاده‌روی، ستم کردن، تجاوز.

تفریط: کوتاهی کردن، مسامحه.

تلقیح: نطفهٔ مرد را با وسیله‌ای نظیر سرنگ به رحم زن وارد کردن یا نطفهٔ مرد و زن را در آمیختن و به رحم زن منتقل کردن.

تَمَکن: توانایی مالی.

تَنْقیه: اماله کردن، داخل کردن داروی مایع با ابزار مخصوص از طریق مخرج غائط به داخل بدن.

«ث»

ثُلثان: دو سوم، تبخیر شدن دو سومِ آبِ انگور و کشمشِ جوشیده که مقدمه حلّیت آن است.

ثَمَن: بهای کالا.

«ج»

جاعل: کسی که در قرارداد جعاله انجام دادن کاری را درخواست می‌کند.

جاهل قاصر: جاهلی که در جهلش مقصر نیست؛ یعنی در شرایطی است که نمی‌تواند به حکم شرعی دست یابد یا اصلاً خود را جاهل نمی‌داند.

جاهل مقصّر: جاهلی که در جهلش مقصر است؛ یعنی امکان آموختن مسائل را داشته، ولی کوتاهی کرده است.

جلاّل: حیوانی که به خوردن مدفوع انسان عادت کرده است.

جَهْر: صدای بلند، با صدای بلند چیزی را خواندن به طوری که جوهر صدا آشکار شود.

«ح»

حاکم شرع: مجتهدی که بر اساس موازین شرعی، حکمش نافذ است.

حَدَثِ اصغر: هر امری که موجب وضو برای نماز و مانند آن شود.

حَدَثِ اکبر: هر امری که موجب غسل برای نماز و مانند آن شود؛ مانند احتلام و جماع.

حَدِّ تَرَخُّص: حدّی از مسافت که در آن صدای اذان دیوار محل شروع سفر تشخیص داده نشود.

حَرَج: مشقّت، سختی.

حِصّه: سهم.

«خ»

خارق‌العاده: خلاف عادت، غیر معمول.

خُبره: کارشناس.

خَبَث: پلیدی، نجاست.

خُسوف: ماه گرفتگی.

خون جهنده‌دار: حیوانی که وقتی رگ آن را ببرند، خون از آن با فشار بیرون می‌آید.

خیار: اختیار برهم زدن معامله.

«د»

دُبُر: عقب، پشت، نشیمن گاه.

دیه: مالی که به جبران خون مسلمان یا نقص بدنی او پرداخت می‌شود.

«ذ»

ذبح شرعی: سر بریدن حیوانات با رعایت ضوابط شرعی.

ذِمّه: به عهدهٔ کسی در آمدن.

ذمّی: غیرِ مسلمانِ اهلِ کتاب ـ مانند یهود و نصارا ـ که در سرزمین مسلمانان زندگی کند و در مقابلِ تعهدی که برای رعایت قوانین اجتماعی اسلام داده، از امنیت و حمایت حکومت اسلامی برخوردار است.

«ر»

رِبْحِ سَنَه: درآمد انسان در طول سال.

رِضاعی: خویشاوندی و نسبتی که با شیر دادن به وجود می‌آید.

رفع ضرورت: بر طرف شدن حالت اضطرار و ناچاری.

ریبه: تردید، شبهه، بدگمانی.

«ز»

زائد بر مَؤُونه: اضافه بر مخارج، بیشتر از هزینهٔ زندگی.

«س»

سال خمسی: یک سال تمام که با نخستین رسیدگی انسان به حساب اموال خود برای تخمیس آن شروع می‌شود و باید هر سال، همان تاریخ را مبدأ رسیدگی مجدّد قرار دهد.

سقط شده: جنینی که نارس یا مرده از رحم خارج شده است.

سُؤر: نیم‌خورده آب یا غذا.

«ش»

شاخص: چوب یا چیز دیگری که برای تعیین وقت ظهر در زمین نصب می‌کنند.

شارع: بنیان‌گذار شریعت اسلام، خداوند و پیامبر اکرم ﷺ.

شرایط ذمّه: شرایطی که اگر اهل کتاب در بلاد مسلمین به آنها عمل کنند، جان و مالشان در پناه حکومت اسلامی محفوظ خواهد بود.

«ص»

صاع: پیمانه‌ای که در حدود سه کیلوگرم گنجایش داشته باشد.

صغیر: کودکی که به سن بلوغ نرسیده است.

«ض»

ضامن: عهده‌دار، برعهده گیرند.

ضرورت: ناچاری، اضطرار، حتمیت.

ضعف مُفرط: ضعف شدید.

«ط»

طهارت: پاکی، حالتی معنوی که در نتیجهٔ وضو، غسل یا تیمم در انسان حاصل می‌شود.

«ظ»

ظنّ: گمان.

ظِهار: صیغهٔ بیزاری اجرا کردن، در اصطلاح فقه یعنی مردی به زن خود بگوید: «ظَهرُک کظَهر اُمّی» پشت تو مثل پشت مادر من است، کنایه از اینکه چنان که مادر بر من حرام است، تو هم از این پس چنینی.

«ع»

عاجز: ناتوان، درمانده.

عادت ماهیانه: حیض، قاعدگی.

عاصی: عصیان کننده، اطاعت نکردن از احکام الهی.

عامل: ۱. کسی که به قرارداد خاصّی عمل می‌کند. (به بحث جعاله یا مضاربه مراجعه کنید).

۲. کسی که متصدی جمع‌آوری، حسابرسی، تقسیم و سایر امور مربوط به زکات است.

۳. اجیر.

عَرَفات: بیابانی است مسطّح و وسیع در جنوب شرقی بیرون مکه که حاجیان باید روز نهم ذی‌حجه از ظهر تا مغرب در آن‌جا بمانند.

عَرَقِ جُنُب از حرام: عرقی که پس از آمیزش نامشروع یا استمنا از بدن انسان خارج می‌شود.

عَزْل: در لغت به معنای کنار گذاشتن است، اما اصطلاحاً دو معنا دارد: ۱. انزال کردن در خارج رحم برای جلوگیری از انعقاد نطفه. ۲. برکنار کردن وکیل یا مأمور خود از کار یا نظایر آن؛ مانند

برکناری وصی یا متولّی خائن از سوی حاکم شرع.

عُسْر: سختی، تنگدستی.

عقد: پیمان، قرارداد.

عمدا: از روی قصد انجام دادن کاری با علم و آگاهی.

عُنْف: کسی را به زور به کاری واداشتن.

عنّین: مردی که از عمل زناشویی ناتوان است.

عَورَت: آنچه انسان از ظاهر کردنش حیا می‌کند، کنایه از عضو جنسی زن و مرد.

عهد: تعهد انسان در برابر خداوند با لفظ مخصوص برای انجام کار پسندیده یا ترک ناپسند.

«غ»

غرض عقلایی: هدفی که از نظر عقلا قابل قبول و پسندیده باشد.

غُساله: آبی که معمولاً پس از تطهیر چیزی ـ خود به خود یا با فشار ـ از آن می‌ریزد.

غُسل: شستشوی بدن با کیفیت مخصوص.

غِشّ: مخلوط کردن پنهانی جنسِ کم‌بها با گران‌بها به منظور فریب مردم.

غصب: استیلای ظالمانه بر مال یا حق دیگران.

«ف»

فَجْر: سپیدهٔ صبح.

فجر صادق و کاذب: نزدیک اذان صبح از طرف مشرق سفیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند که آن را فجر صادق می‌گویند. وقتی که آن سفیده گسترده شد، فجر کاذب و اول وقت نماز صبح است.

فُرادا: نمازی که انسان، به طور انفرادی و بدون جماعت به جا می‌آورد.

فَرْج: عورت زن (قُبُل و دُبُر).

فَرْض: امر واجب.

فِطْریه: زکات فطره.

فُقّاع: آب جو.

فقیر: کسی که مخارج سال خود و خانواده‌اش را نداشته باشد و چیزی هم ندارد که به طور روزانه بتواند هزینهٔ زندگی را تأمین کند.

فی سبیل‌الله: در راه خدا، هر کار خیری که نفعش به عموم مسلمانان می‌رسد؛ مانند ساختن مسجد، پل، جاده.

«ق»

قُبُل: پیش، کنایه از اندام زنانه است.

قرار ضمنی: آنچه در ضمن قرارداد مورد قبول طرفین قرار گیرد.

قرار صوری: شکل ظاهری قرار داد که قصد جدی بر آن نباشد.

قُروح: دُمَلها.

قرینه: نشانه، علامت.

قصد اقامت: تصمیم مسافر به ماندن ده روز یا بیشتر در یک محل

قصد انشاء: تصمیم به ایجاد یک امر اعتباری؛ مانند بیع و شراء و غیره، همراه با ادای کلمات مربوط.

قصد وجه: قصدِ عنوانِ حکمِ خاصِ عمل؛ مانند قصدِ وجوبِ نمازهای یومیه و استحباب نماز شب.

قیم: سرپرست، کسی که بر اساس وصیت یا حکم حاکم شرع، مسؤول امور طفل یتیم و غیرآن می‌شود.

«ک»

کافر حَرْبی: کافری که با مسلمانان در حال جنگ است.

کافر ذِمّی: اهل کتابی که در بلاد اسلامی با شرایط مخصوص اهل ذمه در پناه حکومت اسلامی زندگی می‌کند.

کسوف: خورشید گرفتگی.

کشف خلاف شدن: معلوم شدن خلاف یک چیز.

کفالت: کفیلِ کسی شدن، در جای کسی عهده‌دار امری شدن.

«ل»

لازم الوفاء: آنچه باید به آن عمل کرد.

لغو: بی‌فایده، بی‌معنا، بیهوده.

«م»

مابِهِ التَّفاوُت: مقدار تفاوت بین دو چیز.

ماتَرَک: آنچه از متوفّا باقی مانده؛ مانند پول و خانه و غیرآن.

مالُ الإجاره: مالی که باید مستأجر بابت اجاره بپردازد.

مَؤُونَه: مخارج یا هزینه.

مُتَنَجِّس: هر چیزی که ذاتا پاک است، ولی در اثر برخورد مستقیم یا غیر مستقیم با شیء نجس، آلوده شده است.

مُتَوَلی: سرپرست.

مُتَهَتِّک: فرد بی‌پروا که از رسوایی باک نداشته باشد.

مُثْمَن: کالایی که فروخته می‌شود.

مجهول المالک: مالی که صاحب آن معلوم نیست.

مُجْزی: ساقط کننده تکلیف.

مُحاذی: ردیف، در کنار هم.

محتضر: کسی که در حال جان دادن است.

مُحْتَلِم: کسی که در خواب از او منی خارج شده است.

محذور: مانع.

محرّم: چیزی که حرام است؛ اولین ماه از سال قمری.

مَحْرَم: بستگان نزدیک انسان که ازدواج با آنها حرمت ابدی دارد.

مُحْرِم: کسی که در حال احرام حج یا عمره است.

مَحْجور: کسی که از تصرف در اموالش ممنوع است.

مَحْظور: ممنوع.

مُحیل: بدهکاری که بدهی خود را به دیگری حواله می‌کند.

مُحْتال: طلبکاری که برای دریافت طلبش به دیگری حواله می‌دهند.

محالٌ عَلَیه: کسی که پرداخت بدهی او به او حواله شده تا بدهی را بپردازد.

مخرج بول و غائط: محل طبیعی خروج ادرار و مدفوع.

مُخَمَّس: مالی که خمس آن خارج شده است.

مُدّ: پیمانه‌ای که تقریبا ده سیر ظرفیت دارد.

مُدَّعی: خواهان، کسی که برای خودش حقی قائل است.

مُرْتَدّ: مسلمانی که کافر شده، مسلمانی که منکر خدا و رسول یا حکمی از ضروریات دین شده که انکارش به انکار خدا و رسول برمی‌گردد.

مُرْتَدّ فطری: کسی که از پدر یا مادر مسلمان متولد شده و خودش نیز مسلمان بوده و سپس کافر گردیده است.

مُرْتَدّ ملّی: کسی که از پدر و مادر غیر مسلمان متولد شده، ولی خودش پس از اظهار کفر مسلمان گردیده و مجدداً کافر شده است.

مُسْتَهْلَک: از میان رفته، نابود و نیست شده.

مِسْکین: بیچاره، مفلوک، کسی که از فقیر هم سخت‌تر می‌گذراند و گاهی به معنای فقیر است.

مُسْکِر: هر چیز مست کننده.

مَشْعَرُالحَرام: وادی طویلی است میان «عرفات» و «منا» و به آن «مزدلفه» هم گفته می‌شود و حاجیان شب عید قربان را باید در آنجا بمانند.

مصالحه: سازش و توافق طرفین

مصونیت: آسیب ناپذیری.

مُضْطَرّ: ناچار، ناگزیر.

مَضْمَضَه: چرخانیدن آب در دهان.

مَضیقه: تنگدستی، تنگنایی و گرفتاری.

مظالم: آنچه بر ذِمّهٔ انسان است و صاحب آن معلوم نیست یا دسترسی به آن ممکن نباشد؛ مانند این‌که کسی بدهکار است و صاحب آن را نمی‌شناسد.

مُفْطِر: چیزی که روزه را باطل می‌کند.

مُقارَبَت: نزدیکی کردن، آمیزش جنسی.

مقررات شرعی: آنچه را که خداوند به عنوان تکلیف شرعی معین کرده است.

مُکلَّف: هر انسانی که بالغ و عاقل است.

مُلاعَبَه: بازی کردن، معاشقه کردن.

مُمَیز: بچه‌ای که خوب و بد را تشخیص می‌دهد، ولی به سنّ بلوغ نرسیده.

مِنی: سرزمینی میان دو رشته کوه و حد فاصل بین مزدلفه و مکه است که بخشی از اعمال حج

از جمله رمی جمرات و قربانی در این وادی انجام می‌شود.

مُنْعَزِل: خود به خود برکنار شده.

موالات: پشت سرهم، پی در پی انجام دادن.

مُوجِر: اجاره دهنده.

موقوفه: وقف شده.

مُوَکِل: وکیل کننده.

مَوْهُوبه: بخشیده شده.

میقات: مکان‌هایی که برای احرام عمره و حج مشخص شده است؛ مانند مسجد شجره، جُحْفه و... .

«ن»

ناسِیه: زنی که وقت عادت ماهیانه خود را فراموش کرده است.

نَافِلَه: نماز مستحب.

نَوافِلِ یومیه: نمازهای مستحب روزانه که در هر شبانه‌روز ۳۴ رکعت و در جمعه ۳۸ رکعت است.

نَبْشِ قبر: شکافتن قبر.

نَحْر: کشتن شتر با فرو بردن نیزه یا خنجر یا وسیلهٔ آهنی دیگر در گودی بین گردن و سینه آن.

نِصاب: حد مشخص، حد یا مقدار تعیین شده.

«و»

واجب اصلی (نفسی): واجبی که در وجوب اصالت دارد؛ مانند نماز. این اصطلاح در مقابل واجب تبعی است.

واجب تَبَعی (غیری): واجبی که ذاتاً واجب نیست، ولی به تَبَعِ واجب دیگر واجب می‌گردد؛ مانند غسل جنابت که ذاتاً واجب نیست، ولی به تَبَع وجوب نماز واجب می‌گردد.

واجب تَعَبُّدی: واجبی که در انجام دادن آن قصد قربت لازم است (عبادات). این اصطلاح در مقابل واجب توصلی است.

واجب تَوَصُّلی: واجبی که قصد قربت لازم ندارد؛ مانند اداء دین و جواب سلام.

واجب تعیینی: واجبی که به طور مشخص وجوب به آن تعلق گرفته است؛ مانند روزه و نماز در مقابل واجب تخییری.

واجب تخییری: کاری که وجوب بین آن و دیگری دوران دارد؛ مانند کفارهٔ روزه که مخیر است بین سه کار: ۱. آزاد کردن برده، ۲. شصت روز روزه گرفتن، ۳. طعام دادن به شصت فقیر.

واجب عینی: واجبی که هر فرد مکلف باید آن را انجام دهد و چنانچه دیگران هم انجام دهند، تکلیف از اوساقط نمی‌شود. این اصطلاح در مقابل واجب کفایی است.

واجب کفایی: واجبی که اگر به اندازه کافی کسانی به آن اقدام کنند، از دیگران ساقط می‌شود؛ مانند غسل میت که بر همه واجب است، ولی اگر عده‌ای به آن اقدام کنند، از

دیگران ساقط می‌شود. این اصطلاح در مقابل واجب عینی است.

واجب مُعَلَّق: واجبی که زمان وجوب آن «حال» و زمان واجب «آینده» است، یعنی وجوبش فعلی است، ولی واجب را باید در شرایط مشخصی انجام داد؛ مانند وجوب حج پس از تحقق شرایط استطاعت که اگر کسی که مستطیع شود، حج بر او واجب است، ولی باید صبر کند تا ایام مخصوص حج فرا رسد و آن‌گاه آن را به جای آورد. این اصطلاح در مقابل واجب منجّز است.

واجب منجّز: واجبی که زمان وجوب واجب یکی است؛ مانند روزه که در همان وقتی که واجب می‌شود، در همان وقت باید آن را انجام داد.

واجب مطلق: واجبی که در هر شرایطی وجوب دارد؛ مانند نماز. این اصطلاح در مقابل واجب مشروط است.

واجب مشروط: واجبی که تنها در شرایط خاصی واجب می‌شود؛ مانند حج که تنها با شرط استطاعت واجب می‌شود.

واجب موسّع: واجبی است که وقت انجام دادن آن وسیع‌تر از زمانی است که واجب به آن نیاز دارد؛ مانند نماز ظهر و عصر که از ظهر تا غروب وقت دارد. در مقابل آن، واجب مُضَیق است.

واجب مُضَیق: واجبی است که در وقت معینی باید به جا آورده شود؛ مانند روزهٔ ماه رمضان.

ورثه: جمعِ وارث، کسانی که ارث می‌برند.

واقف: وقف کننده.

وَدْی: رطوبتی که گاهی پس از خروج بول مشاهده می‌شود.

ودیعه: امانت.

وَذْی: رطوبتی که گاهی پس از خروج منی مشاهده می‌شود.

وَصْلِ به سکون: حرکت آخر کلمه‌ای را انداختن و بدون توقف آن را به کلمه بعد چسباندن.

وصیّ: کسی که مسؤول انجام دادن وصیتی شده است.

وَطْی: لگدمال کردن، کنایه از آمیزش است.

وَقْفِ به حرکت: در عین ادای حرکت آخرین حرف یک کلمه بین آن و کلمه بعد فاصله انداختن.

وکیل: کسی که به وکالت از طرف دیگری متصدی انجام کاری می‌شود.

ولایت: سرپرستی.

ولیّ: کسی که به دستور شارع مقدس سرپرست دیگری است؛ مانند پدر و پدر بزرگ و حاکم شرع.

«هـ»

هبه: بخشش.

هدم: ویرانی.

احکام فقه، مجموعه قوانین عملی اسلام است که از وحی الهی سرچشمه گرفته و با بیان معصومین (ع) تفسیر و تبیین شده و با تلاش مستمر فقهای بزرگوار، از منابع آنها استخراج گردیده است. روشن است که دانش فقه در طول تاریخ حوزه‌های علمیه، یکی از درس‌های زنده و اساسی بوده و هست و عالمانی برای تعلیم و تعلّم آن، کتاب‌های بسیاری در سطوح مختلف نگاشته‌اند.

نوشته حاضر نیز یکی از آنهاست که برای طلاب پذیرفته شده در آزمون‌های ورودی حوزه‌های علمیه نگاشته شد و دربردارنده عموم ابواب فقهی است.

امید است مورد استفاده و بهره‌برداری آن عزیزان قرار گیرد.

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

۰۲۵-۳۷۸۳۴۰۴۴
WWW.TMD.IR